

جلد سوم

مجموعه آثار مهندس محمد توسلی

موضوعات «سیاسی، فرهنگی و اجتماعی»

دفتر دوم

سالهای ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۰

پیش‌گفتار

مجموعه آثار فرهنگی، اجتماعی و سیاسی شامل مقالات، مصاحبه‌ها و نامه‌هایی است که پس از انقلاب ۱۳۵۷، به‌ویژه پس از سال ۱۳۷۳، که مسئولیت دفتر سیاسی نهضت آزادی ایران را برعهده داشتیم و تقاضای بیشتری از سوی رسانه‌ها مطرح می‌شد، ارائه شده است. به‌علاوه، آثار مربوط به سال‌های قبل از انقلاب در جلد اول خاطرات با عنوان «شصت سال ایستادگی و خدمت»^۱ از ۱۳۱۷ تا ۱۳۵۷ و در دو سال اول انقلاب در حد ضرورت در جلد دوم خاطرات با عنوان «تجربه مدیریت شهری در دوران بحران»^۲ آمده است.

این مجموعه آثار (حدود ۶۰۰ اثر) در ۷ دفتر تنظیم و ارایه شده است. اگر چه آثار فرهنگی و اجتماعی در این مجموعه وجود دارد، اما عمده آثار سیاسی است. روند این مجموعه آثار به خوبی شرایط سیاسی هر دوره را به لحاظ آزادی نسبی مطبوعات و رسانه‌های خبری نشان می‌دهد. در دوران پس از دوم خرداد ۱۳۷۶ و باز شدن نسبی فضای سیاسی، تقاضای یادداشت و انجام مصاحبه به‌طور محسوس افزایش پیدا کرده است. پس از سال ۱۳۸۴ و دولت محافظه‌کاران، این تقاضا کاهش پیدا می‌کند، به‌طوری که پس از آذر ۱۳۸۸، عملاً فعالیت نهضت آزادی متوقف

^۱ منتشر شده توسط انتشارات کویر در سال ۱۳۹۸ ^۲ منتشر شده توسط انتشارات کویر در سال ۱۳۹۹

می‌شود. اما پس از ۱۳۹۲، به تدریج فضای رسانه‌ای برای نهضت آزادی توسعه پیدا می‌کند و به‌ویژه پس از سال ۱۳۹۶ و در دوران مسئولیت دبیرکلی نهضت آزادی ایران، به‌طور طبیعی این تقاضا افزایش پیدا کرده که در تراکم نسبی آثار این دوره مشهود است. این مجموعه آثار در واقع منابع خاطرات جلد‌های سوم، چهارم، پنجم^۱ و ... مربوط به دوران پس از انقلاب نیز می‌باشد که در هر مورد ارجاع شده است. امیدوارم این مجموعه آثار در کنار خاطرات این دوران، برای انتقال تجربه به کنشگران اجتماعی و سیاسی در آینده مفید باشد. زیرا یکی از چالش‌های توسعه در آینده کشور، ضرورت ایجاد تحول در ساختار مدیریت کشور است. عملکرد حدود چهار دهه پس از انقلاب، بیشتر به آگاهی‌بخشی و نشان دادن نظری ریشه مشکلات فرهنگی استبداد دینی که پس از انقلاب حاکمیت پیدا کرد، اختصاص داشته است. شاخص‌های اجتماعی نشان می‌دهند که فرایند طی شده در طول چهار دهه گذشته به تعبیری با چهار قرن در قرون وسطی برابری می‌کند. آنچه برعهده نسل امروز و فردای جامعه است، ادامه این فرایند در راستای منافع ملی و دستیابی به مطالبات مشترک ملی یعنی آزادی، حاکمیت ملت، استقلال و توسعه ملی است. در این‌جا لازم می‌دانم از همه دوستانی که در تنظیم این مجموعه آثار همکاری داشته‌اند به‌ویژه آقایان احسان مالکی‌پور و حسین روشن سپاسگزاری نمایم.

محمد توسلی

بهار ۱۴۰۲

^۱ این خاطرات هنوز منتشر نشده اما بصورت پی‌دی‌اف قابل دسترسی است.

فهرست مطالب

ب	پیش‌گفتار
۱	مجموعه آثار از ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۰
۲	آزادی، خواسته ابدی
۵	پیامدهای اشغال و جنگ فرقه ای در عراق و مسئولیت‌های ما
۲۳	سابقه جنبش دانشجویی
۳۱	سوابق تاریخی جنبش دانشجویی
۴۱	مأموریت راهبردی احزاب
۴۴	از «حج» لذت بردم
۴۵	ضرورت تشکیل جبهه ای برای تامین آزادی و سلامت انتخابات
۴۶	مشکلات پیش روی انتخابات مجلس هشتم
۵۴	پاسخ به اتهامات برنامه «گرگ‌ها» در صدا و سیما
۵۷	چالش‌های انتخابات مجلس هشتم
۶۰	نقش رسانه ها و نقد رسانه ملی

۶۲	پاسخ نهضت آزادی ایران به سردار افشار فرمانده سابق بسیج و معاون فعلی وزیر کشور
۶۵	محدود کردن فعالیت احزاب فاقد پروانه خلاف قانون اساسی است
	ناامیدی جوانان و ناسازگاری روشنفکران
۶۸	راهکارهای تقویت امید به آینده
۷۵	ارزیابی عملکرد رادیو گفت و گو
۷۷	معرفی کتاب «سیر تحول قرآن» و فرایند ویرایش آن
۱۰۳	دلایل حمایت از پیشنهاد «تعلیق در برابر تعلیق»
۱۰۵	چرا درخواست نظارت بین‌المللی بر انتخابات؟
۱۰۸	انتخابات مهره چینی شده را می‌توان خنثی کرد
۱۱۴	هیأت محترم نظارت بر انتخابات استان تهران
۱۱۶	صرفه جویی و فرهنگ «زور و زود»
۱۱۸	سرگذشت و سرنوشت حضور در انتخابات
۱۲۹	مجلس هشتم آخر کار نیست
۱۳۵	همواره متواضع
۱۴۰	اصلاح طلبان در برابر آزمونی تاریخی
۱۴۳	رای ندادن امروز تاثیری ندارد
۱۴۷	نکوداشت ۲۹ اسفند سالروز ملی شدن صنعت نفت
۱۴۹	محمد توسلی: خاتمی بهترین فردی است که می‌تواند محور ائتلاف قرار گیرد
۱۵۱	تکذیب اظهارات منتسب به دکتر ابراهیم یزدی
۱۵۴	همان اشتباهات ساواک را می‌کنند
۱۶۲	دکتر سبحانی به دنبال چه بود؟
۱۶۵	تحزب در جناح راست، دستاورد اصلاحات
۱۶۷	برای نهضت آزادی پروانه صادر کنند، نظارت هم بکنند
۱۶۹	احمدی نژاد ناتوانی های خودش را به گردن امام زمان می اندازد
۱۷۲	چرا انصراف؟
۱۷۵	سپاه پاسداران نهادی موقت بود که دائمی شد

فرصت کشی گاهی تاریخ را می‌کشد	۱۷۹
تجربه زندان	۱۸۴
سابقه آشنایی و همکاری با شهید رجایی	۱۸۹
خاتمی بهترین فردی است که می‌تواند محور ائتلاف قرار گیرد	۱۹۷
نگاه مثبت اپوزیسیون قانونی به نامزدی محمد خاتمی	۱۹۹
ضرورت پرسشگری مجلس از رییس دولت نهم	۲۰۲
ریشه های ناهنجاری های سیاست ورزی در جامعه ما	۲۰۵
سخنرانی شب ۲۱ رمضان در زنجان	۲۰۹
با شکل گیری جبهه فراگیر اصلاح طلبان و آمدن خاتمی ، جنبشی فراگیرتر از دوم خرداد شکل می‌گیرد	۲۱۴
تاریخ را تحریف نکنید	۲۱۶
شروطی با هدف اخذ موافقت نهادهای قدرت راهبردی نیست	۲۱۸
سلامت انتخابات، نظارت خبرگان و نظارت بین المللی	۲۲۲
«نه بیگانه پرست باشیم، نه بیگانه ستیز»	۲۳۵
آخرین موضع نهضت آزادی درباره انتخابات ریاست جمهوری دهم	۲۴۰
دهمین سالگرد تاسیس حزب مشارکت	۲۴۱
زمینه برای حضور میرحسین موسوی فراهم شده است	۲۴۲
دو الگوی سیاست ورزی	۲۴۴
مشفقانه با هاشمی رفسنجانی	۲۴۸
پیامد های نامزد نشدن خاتمی	۲۵۱
ضرورت حضور خاتمی در انتخابات	۲۵۳
بررسی تاریخی شخصیت و گفتمان بازرگان	۲۵۵
چرا انقلاب؟	۲۶۲
تحریم در این شرایط محلی از اعراب ندارد	۲۸۰
به خاتمی جدیدی نیازمندیم	۲۸۱
ضرورت برگزاری انتخابات آزاد و سالم	۲۸۵

۲۸۷	بدون آزادی عدالت اقتصادی قابل تحقق نیست
۲۹۰	سه کانیدا و یک توصیه
۲۹۵	اندیشه مصدق «نقشه راه»
۳۰۴	چرا نهضت آزادی از نامزدی خاتمی استقبال می‌کند؟
۳۰۶	استقبال نهضت آزادی از حضور خاتمی در انتخابات
۳۰۸	حق حیات انسانی مردم را تأمین کنید
۳۱۴	هنوز ابهاماتی در خصوص علل انصراف خاتمی وجود دارد
۳۱۶	منتظر اعلام برنامه‌های موسوی هستیم
۳۲۰	انصراف آقای خاتمی مدیریت شده است
۳۲۱	مقایسه خلق و خوی مردم، قبل و بعد از انقلاب
۳۳۱	دغدغه‌های توسعه انسانی دکتر سحابی
۳۳۷	حمایت از یک نامزد اصلاح طلب بعید است
۳۳۹	چگونه موج انتخاباتی پدید می‌آید؟
۳۴۲	سخنرانی محمد توفلی به مناسبت دوم خرداد
۳۴۹	دعوت برای مقابله با کودتای بدون خونریزی
۳۵۱	چرا شرکت در انتخابات؟
۳۵۵	واکنش‌های احمدی‌نژاد در برابر کاهش آرایش، طبیعی است
۳۵۷	تغییر دولت نهم مطالبه ملی است
۳۶۱	آخرین سخنرانی در جمع مردم پر شور رشت
۳۶۳	تحلیل داده‌های اعلام شده انتخابات ریاست جمهوری دهم
۳۶۷	نا گفته‌هایی از شهید رجایی
۳۷۵	استقبال از برنامه مهندس موسوی
۳۷۸	شعارهای افراطی زمینه ساز سرکوب است
۳۸۹	انتقاد میر حسین موسوی از شعارهای افراطی
۳۹۰	راهکارهای کم هزینه اعتماد سازی
۳۹۱	اقتدارگرایان از رادیکال شدن شعارها استقبال می‌کنند

فهرست مطالب خ

۳۹۴	نامه محمد توسلی به دادستان تهران
۳۹۷	در تکاپوی آزادی
۴۰۴	آسیب شناسی کارجمعی در ایران
۴۰۸	سوابق تاریخی نهضت آزادی ایران
۴۱۹	آسیب شناسی جریان روشنفکری، پس از انقلاب اسلامی
۴۲۲	قیاس مع الفارق
۴۲۴	خدمات و آثار زندگی دکتر شبیری نژاد
۴۲۸	طالقانی منادی کدام اسلام؟
۴۳۰	طالقانی از تبار بیدار گران
۴۳۴	بررسی عملکرد دولت موقت مهندس بازرگان
۴۴۰	زندگینامه دکتر یدالله سبحانی
۴۴۷	پیشینه روند اصلاح طلبی
۴۵۳	ایران امروز، باید بازرگان را بشناسد
۴۵۸	چرا یاد مهندس بازرگان؟
۴۶۰	فراگیری آموزش های چریکی
۴۶۸	تعامل روشنفکران دینی با روحانیون (پیوند ثمر بخش)

مجموعه آثار از ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۰

آزادی، خواسته ابدی^۱

آزادی، خواسته ابدی، عنوان سخنرانی شادروان مهندس مهدی بازرگان در برنامه بیست و دومین سالگرد نهضت آزادی ایران در سال ۱۳۶۲ است که در کتاب بازیابی ارزشها در سال ۱۳۶۴ به چاپ رسیده است. امروز بعد از ۲۳ سال در دوازدهمین سالگرد درگذشت آن زنده‌یاد بیش از پیش این اندیشه مورد توجه نخبگان و فعالان سیاسی جامعه مدنی کشور ما قرار گرفته است. ابعاد گوناگون شخصیت، اندیشه و خدمات علمی، اجتماعی و سیاسی مهندس بازرگان در دهه گذشته مورد بحث و بررسی و نقد صاحب‌نظران بوده و هست. یکی از خصوصیات برجسته آن زنده‌یاد انسجام و تداوم اندیشه نفی استبداد و آزادیخواهی در طول ۶۰ سال حیات فکری و سیاسی آن مرحوم است. رمز این انسجام فکری، همانگونه که مهندس بازرگان خود در آثار خویش از جمله در مدافعات دادگاه نظامی سال ۱۳۴۲ بیان داشته‌اند، بر سه پایه: آشنایی با قرآن، آشنایی با تاریخ و خصوصیات مردم ایران و همچنین آشنایی با جوهر تمدن کشورهای توسعه یافته قرار دارد. از اینرو به‌رغم گفتمان‌های غالب علیه اندیشه وی در مقاطع مختلف این دوره، مهندس بازرگان تحت تأثیر آنها قرار نگرفته و همواره با ایمان و آگاهی بر این اندیشه پای فشرده است. در دوران سلطه فرهنگ مارکسیسم بر ادبیات سیاسی ایران قبل از انقلاب و همچنین در سالهای بعد از انقلاب مهندس بازرگان شماتت معارضان و حتی گاهی دوستان نزدیک خود را تحمل کرد، اما هیچگاه تسلیم نشد و انسجام اندیشه سیاسی خویش را مخدوش نکرد. در آموزه‌های قرآنی این مشخصه از ویژگی خاص مؤمنان راستین و اهل تقوی است که صاحب « قول سدید » هستند.

مهندس بازرگان در طول عمر پربرکت خود این اندیشه را در عرصه نظری در بسیار از آثار خویش و در عرصه اجتماعی با تأسیس نهادهای مدنی با جدیت پیگیری کرده است. به‌عنوان نمونه در عرصه نظری به مدافعات آن مرحوم در دادگاه نظامی سال ۱۳۴۲ با عنوان، چرا با استبداد مخالفیم، مقالات چهارجلد بازیابی ارزشها و آخرین سخنرانی آن زنده‌یاد با عنوان «بعثت و آزادی» در انجمن اسلامی مهندسين می‌توان اشاره داشت. در عرصه جامعه مدنی نیز می‌توان به تأسیس و همکاری با انجمن‌های اسلامی در دهه‌های ۲۰ و ۳۰، نهضت مقاومت ملی در دهه

^۱ یادداشت محمدتوسلی - روزنامه اعتماد - ۱۳۸۵/۱۰/۲۸

۳۰ و نهضت آزادی ایران در دهه ۴۰ و همچنین جمعیت دفاع از آزادی و حقوق بشر در سال ۱۳۵۶ و جمعیت دفاع از آزادی و حاکمیت ملت در سال ۱۳۶۴ نام برد. نقش کلیدی و مؤثر آن زنده‌یاد در جریان تأسیس، همکاری و مدیریت این نهادهای جامعه مدنی ایران بخشی از تاریخ چند دهه معاصر ایران را تشکیل می‌دهد که سوابق آن در حد مقدور در اسناد مکتوب و رایانه‌ای در اختیار علاقه‌مندان قرار دارد.

آنچه در این یادداشت به اختصار به آن می‌پردازم مبانی اندیشه سیاسی شادروان مهندس بازرگان، به‌طور مشخص درخصوص آزادی، حاکمیت ملی (دموکراسی) و حقوق و کرامت انسان (حقوق بشر) و پیش از آن نفی استبداد، خودکامگی و اقتدارگرایی است. درباره مفهوم آزادی از انقلاب مشروطیت تاکنون مخالفان این اندیشه تعریض‌ها و نقدهای فراوانی داشته‌اند. برای پاسخ به مخالفان بازرگان می‌گویید:

« اصلاً معنی و منظور از آزادی در ذهن واضعین و مدافعین اولیه، که به خاطر آن فداکاریها و قربانیهای فراوان داده و جنگ و جدال کرده‌اند و در آیین ما که طرفدار آن هستیم، آزادی برای هوی و هوس یا طغیان و تعدی نبود. منظور از آزاد شدن از اسارت هوسبازان و طاغیان و متعدیان است. بیرون آوردن مردم از عبودیت و حاکمیت سلاطین به حاکمیت قانون، حال اگر عیبی و ایرادی در آنجاها باشد به قوانین موضوعه است نه به آزادی»

و سپس مبانی ایجابی آن را چنین معرفی می‌کنند: « آن آزادی که نهضت آزادی ایران به نام آن و به‌خاطر آن تأسیس شده تقلید از مغرب‌زمین نبود بلکه تبعیت از اسلام و قرآن بود ... در اعلامیه یا افتتاحیه تأسیس نهضت آزادی در سال ۱۳۴۰ گفته بودیم:

« اقتضای اطاعت از خدا مبارزه با بندگی غیر اوست و شرط سپاس ایزدی تحصیل آزادی برای بکار بستن آن از طریق حق و عدالت و خدمت است. ما باید منزلت و مسئولیت خود را در جهان خلقت بشناسیم تا به رستگاری و پیروزی نائل شویم.»

و سپس شادروان مهندس بازرگان مطالبات مردم و خود را در این زمینه اینچنین توصیف می‌کنند: « ما آزادی بیان، اجازه اجتماع و دخالت معقول قانونی در امور کشور را به عنوان حقی الهی و مقدمه‌ای برای انجام وظیفه دینی، از دولتها مطالبه می‌نمائیم و برای پاک کردن و پاک بودن جامعه است که اصرار داریم آزادی باشد تا هر صاحب‌نظر و هر شاکی و ناراضی و ضعیف، یا مدافعین آنها، بتوانند بدون دغدغه خاطر، حرف خود را بگویند و حق خود را بخواهند.»

مهندس بازرگان و یاران او در طول چنددهه گذشته بخش عمده‌ای از تلاش و تکاپوی خویش را متوجه استبداد - به هر صورت و به هر نام - نموده‌اند. زیرا آزادیخواهی و استبدادزدائی را دو روی يك سکه می‌دانند.

در غیاب آزادی چیزی جز استبداد، دیکتاتوری یا اختناق و اسارت و هلاکت نخواهد بود. براین پایه مهندس بازرگان می‌گفت: « گرفتن آزادی از انسان بزرگترین خیانت به سرنوشت او و اهانت به مقام و حیثیت انسان بوده و آدمیزاد را به حیوانیت و بردگی سوق می‌دهد» اگرچه مهندس بازرگان و یاران او به استبداد و مظاهر آن توجه بیشتر داشته و مبارزه با آنرا در سطح بالا و مقدم به مبارزه با استعمار یا استیلای خارجی می‌دانند اما همواره استبداد و استیلا را دو دشمن آزادی و حاکمیت ملی می‌دانند زیرا با تأمین آزادی و حاکمیت ملی (دموکراسی) است که شکست آن دو حاصل می‌شود.

حافظ و ضامن آزادی چیزی جز خود مردم یا حاکمیت ملی از طریق انتخابات آزاد و مراقبت مستمر مردم یا انجام فریضه قرآنی امریه معروف و نهی از منکر نمی‌تواند باشد و درغیراینصورت همانگونه که مولای متقیان در نهج‌البلاغه فرموده‌اند اشرار بر جامعه مسلط خواهند شد و دعاها مستجاب و خواسته‌ها برآورده نمی‌شود.

براساس این اندیشه آزادی و دموکراسی فرایندی است که مردم باید در طی آن بتدریج با تقویت نهادهای مدنی از جمله احزاب آن را بیاموزند و رفتار فردی و اجتماعی خود را اصلاح کنند. به نظر می‌رسد گفتمان غالب در جامعه امروز ما به‌رغم وجود طیف دیدگاههای اجتماعی همین اندیشه سیاسی شادروان مهندس بازرگان یعنی آزادیخواهی، و استقرار حاکمیت ملی است تا تحقق عدالت و تأمین استقلال کشور امکان‌پذیر گردد. روحش شاد و راهش پررهرو باد.

پیامدهای اشغال و جنگ فرقه ای در عراق و مسئولیت‌های ما^۱

سخنرانی مهندس محمد توسلی در برنامه پنجمین سالروز درگذشت دکتر یدالله سحابی در

حسینیه ارشاد

۱. مقدمه

در پنجمین سالروز درگذشت شادروان دکتر یدالله سحابی، یاد او و همراهان دیرینش مرحومان آیت‌الله طالقانی و مهندس بازرگان بنیانگزاران نهضت آزادی ایران و دیگر یاران درگذشته آنان را گرامی می‌داریم.

از آنجا که هدف اصلی برگزاری چنین مراسمی تجلیل و تمجید بزرگواران از دست رفته نبوده، بلکه فرصتی برای پرداختن به مبرم‌ترین مسائل و دغدغه‌های مبتلا به جاری کشور است، این جانب به مسأله‌ای که در شرایط کنونی برای ایران و منطقه حیاتی است می‌پردازم.

شعله‌ور شدن زبانه‌های جنگ مذهبی در عراق - که هر روز ده‌ها تن از برادران مسلمان ما، اعم از سنی و شیعه، جانشان را در آن از دست می‌دهند و بیم گسترش این بحران در سطح منطقه وجود دارد - اهمیت طرح این موضوع را در سالگرد درگذشت زنده‌یاد دکتر سحابی برجسته می‌کند. او خود در شرایط نسبتاً مشابه در سال ۱۳۵۵، در جریان جنگ داخلی لبنان که مسلمانان به دست مسیحیان کشته می‌شدند، طی بیانیه‌ای برای کمک به مسلمانان جنگ زده لبنان دعوت به یاری کرد. در آن بیانیه آمده بود:

”جنگهای داخلی لبنان و مسلمان‌کشی بی‌رحمانه‌ای که در این مملکت جریان دارد سخت ناراحت‌کننده و دردآور است و خبرهایی که از شقاوت و رفتار غیرانسانی نسبت به مسلمانهای بی‌پناه این سرزمین می‌رسد، هر انسان با عاطفه‌ای را مضطرب و دلسوز ساخته است. غیر از کشته‌های بی‌حساب که هنوز تعداد قطعی آنها معلوم نیست گاه در روزنامه‌ها می‌خوانیم... و یا می‌شنویم که اجساد کشتگان و یا آنها که از گرسنگی و یا نبودن وسیله معالجه و زخم‌بندی مرده‌اند در کنار راه‌ها افتاده و بو گرفته و یا طعمه

^۱موضوع این سخنرانی با توجه به بحران جنگ مذهبی در منطقه و ضرورت بررسی و ارائه راهکارهایی برای جلوگیری از تشدید خشونت‌ها و تحقق وحدت کشورهای منطقه انتخاب شده است - ۱۳۸۶/۱/۲۳

درندگان می‌شود و کسی نیست که آنها را جمع‌آوری و دفن کند و یا می‌گویند که سینه کشته‌شدگان مسلمان را با تبر به علامت صلیب می‌شکافند و یا می‌خوانیم که صدها نفر را در يك جا زیر آوار خفه و مدفون کرده‌اند و اخیراً شنیده‌ایم که بعضی از محصوران تشنه و گرسنه تل زعتر را که تسلیم شده‌اند يك جا قتل عام کرده‌اند.”

”بی‌اعتنایی دولتها نسبت به وضع اسفبار لبنان عجیبی ندارد، زیرا اختلاف و برادرکشی در لبنان مثل ممالک نظیر در آسیا و آفریقا ظاهراً به سود آنها و منافع استعماری آنها است. اما تعجب در این است که چگونه غالب هم‌وطنان مسلمان خود نسبت به این جریان بی‌تفاوت و بی‌خیال مانده‌اند.”

”مسئله لبنان فاجعه‌ای برای عالم اسلام است و نحوه عکس‌العمل ما نسبت به آن آزمایشی است که از جانب پروردگار نسبت به ما می‌شود و ما به خدا از خشم و انتقامش پناه می‌بریم...”^۱

اگر آن روز مسلمانان در لبنان کشته می‌شدند امروز در عراق برادرکشی بین مسلمانان شیعه و سنی فاجعه به بار آورده است.

پیش از بررسی ریشه‌های این بحران در عراق و در منطقه خاورمیانه و ارائه راهکارهایی برای جلوگیری از این خشونتها، آمار کشته‌شدگان جنگ عراق را مرور می‌کنیم.

۲. ابعاد کشته‌شدگان جنگ عراق از زبان آمار

آمار کشته‌شدگان جنگ داخلی در عراق در سایت‌های مختلف بطور منظم ارائه می‌شود.^۲ اگرچه آمارهای مربوط به کشته‌شدگان نیروهای ائتلاف (آمریکا و متحدانش) و همچنین نظامیان عراق نسبتاً هماهنگ است، آمار کشته‌شدگان غیرنظامی عراق کاملاً متفاوت منعکس شده است که علت آن ضمن تحلیلی ارائه خواهد شد.

هزینه مستقیم آمریکا در جنگ عراق، که ۵۰ میلیارد دلار پیش‌بینی شده بود، امروز به نزدیک ۵۰۰ میلیارد دلار بالغ شده و پیش‌بینی می‌شود که به ۱۰۰۰ تا ۲۰۰۰ هزار میلیارد دلار برسد. درخصوص هزینه‌های بسیار سنگین اقتصادی و اجتماعی عراق آماری منتشر نشده است.

بررسی منابع آماری مختلف نشان می‌دهد که میزان تلفات روزانه غیرنظامیان در عراق بطور میانگین در حدود یکصدتن بوده است. بر این اساس، در طول چهار سال، میزان

^۱ اسناد نهضت آزادی ایران، جلد ۹- دفتر اول: ادامه مقاومت و مبارزه ۱۳۵۷-۱۳۵۴- صفحه ۱۹۳- انتشار ۱۳۶۲ و اولین یادنامه دکتر یدالله سبحانی - بنیاد فرهنگی مهندس مهدی بازرگان - به کوشش محمد ترکمان - صفحه ۲۶۵ - انتشارات قلم - ۱۳۷۷ ^۲ از جمله می‌توان به سایت های ، www.infoshout.com ، [www.iraqbodycount.com](http://iraqbodycount.com) ، iraq.net/electronic / Iraq Electronic ،

جدول ۱ آمار تلفات جنگ در عراق طی چهار سال (از مارس ۲۰۰۳ تا مارس ۲۰۰۷)

نظامیان آمریکایی	۳۲۴۱ نفر	۹۲ درصد
نظامیان انگلیسی	۱۳۴ نفر	۸/۳ درصد
۱۸ کشور دیگر ائتلاف	۱۴۹ نفر	۲/۴ درصد
جمع	۳۵۲۴ نفر	۱۰۰ درصد
تلفات نظامیان عراقی	بیش از ۳۰ هزار نفر	
تلفات غیرنظامیان عراقی	تا ۶۵۴۹۶۵ نفر	
تلفات پیمانکاران	۳۸۹ نفر	
خودکشی نظامیان آمریکایی	۴۳ نفر (۳۱ نفر در عراق و ۱۲ نفر در آمریکا)	
تلفات خبرنگاران	۱۵۵ نفر	

آمار زخمی‌ها دو تا سه برابر کشته‌شدگان برآورد شده است. حدود ۲ میلیون نفر عراقی به خارج مهاجرت کرده‌اند و حدود ۲ میلیون نفر در عراق جابجا شده‌اند. ۲۳۲ استاد دانشگاه‌های عراق کشته و ۵۶ تن ناپدید و بیش از ۳ هزار نفر به خارج مهاجرت کرده‌اند.

منطقی تلفات به حدود ۱۴۶ هزار کشته بالغ می‌شود و لذا رقم ۶۵۰ هزار تلفات غیرنظامیان - یعنی بطور متوسط روزانه بیش از ۴۰۰ نفر - غیرمنطقی به نظر می‌رسد. بایستی دلایل بزرگ‌نمایی آمار تلفات غیرنظامیان را از سوی برخی از منابع آمریکایی مورد ارزیابی قرار داد.

آمار سازمان ملل متحد درباره کشته‌شدگان از آمار رسمی دولت عراق بیشتر است. براساس گزارشی، نوری المالکی نخست‌وزیر عراق به مسئولان ذیربط دستور داده است که از انتشار آمار واقعی کشته‌شدگان خودداری کنند و این امر موجب اعتراض مقامات سازمان ملل برای شفاف‌سازی بحران عراق شده است. بررسی آمارهای منابع مختلف نشان می‌دهد که حداقل شمار کشته‌شدگان گزارش شده در چهار سال گذشته ۱۳۵ هزار نفر بوده است.

۳. طرح خاورمیانه بزرگ^۱

اشغال عراق در مارس سال ۲۰۰۳ به وسیله آمریکا و کشورهای عضو ائتلاف و پیامدهای آن در راستای طرح خاورمیانه بزرگ و مبارزه با تروریسم صورت گرفته است. این طرح در سپتامبر ۲۰۰۲ از سوی وزیر امور خارجه آمریکا، کالین پاول، مطرح و سپس به وسیله دیک چنی، معاون رئیس جمهور آمریکا، پیگیری شد.

در پی رخداد ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱، مبارزه با تروریسم، با پیوند زدن اسلام گرایی با تروریسم و مقابله با جنبش اسلام خواهی یکی از راهبردهای جهانی آمریکا قرار گرفته است.

چارچوب توجیهی طرح یاد شده برای مبارزه با تروریسم بر این تحلیل استوار است که توسعه نیافتگی کشورهای اسلامی و عربی مهمترین عامل زمینه ساز رشد تروریسم در این کشورها و بنابراین، راهکار مبارزه با تروریسم اجرای اصلاحات سیاسی - اقتصادی و اجتماعی در آنها است. اجرای این طرح در کشورهای عربی خاورمیانه با مقاومت زمامداران کنونی آنها مواجه شده است. زیرا تأمین آزادیهای اساسی و استقرار حاکمیت ملتها از طریق برگزاری انتخابات آزاد و توزیع عادلانه امکانات پایه‌های بسیاری از دولتهای منطقه را متزلزل می‌سازد. در چند سال اخیر، اجرای تدریجی و گُند اینگونه برنامه‌ها را - اگرچه سطحی و مقدماتی- در مصر، عربستان سعودی و برخی از کشورهای حوزه خلیج فارس، مانند بحرین و کویت، شاهد بوده‌ایم. از سوی دیگر، این تلقی برنامه‌ریزان آمریکا که پس از سقوط دیکتاتورها در کشورهای منطقه (مانند طالبان و صدام حسین)، سربازان آمریکایی خواهند توانست آزادی، دموکراسی و حقوق بشر (البته به صورت هدایت شده) را به مردم این کشورها هدیه کنند، تصور واهی و نادرستی است. زیرا حتی اگر حذف حاکمان دیکتاتور از طریق نظامی امکان‌پذیر باشد، تحولات فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی الزاماً بایستی از درون این کشورها بجوشد تا پایدار و مؤثر باشد. هدف راهبردی آمریکا از اجرای طرح خاورمیانه بزرگ ایجاد یک قطب صنعتی - اقتصادی در برابر اروپا و آسیای دور است. تسلط بر منابع و بازارهای نفت منطقه که اقتصاد کشورهای صنعتی وابسته به آن است، بخشی از این برنامه راهبردی آمریکاست.

^۱خاورمیانه کوچک شامل: کشورهای لبنان، سوریه، اردن، فلسطین، عربستان، یمن، کویت، بحرین، قطر، امارات، مسقط، و عمان است. در خاورمیانه بزرگ کشورهای ترکیه، مصر، ایران، قفقاز، آسیای مرکزی و افغانستان نیز شامل می‌شوند.

خاورمیانه ۷۰ درصد ذخایر شناخته شده نفت جهان را در اختیار دارد و عراق، با ظرفیت تولید ۷ میلیون بشکه در روز و با کمتر از ۲۵ میلیون جمعیت، در مقام دوم بعد از عربستان قرار دارد.

بر سر راه اجرای طرح خاورمیانه بزرگ سه مانع عمده وجود دارد: جنگ اعراب و اسرائیل، عراق و ایران. با اشغال عراق و حذف صدام حسین در صورتیکه شرایط سیاسی در عراق تثبیت شود، سیاست دولت عراق با آمریکا هماهنگ خواهد شد. پیگیری جدی برای حل مسئله فلسطین و اسرائیل و فشار بر ایران در راستای اجرای این طرح قابل ارزیابی است. برای ارزیابی این طرح، به بررسی تجربه اشغال عراق و پیامدهای آن به عنوان نمونه می‌پردازیم.

برای فراهم شدن زمینه لازم برای اجرای طرح حمله نظامی به عراق، طرح صلح اعراب و اسرائیل در ۲۸ مارس ۲۰۰۲ در اجلاس سران عرب در بیروت تصویب شد. این طرح که به عنوان "زمین در مقابل صلح" معروف است، شامل عقب‌نشینی اسرائیل از سرزمین‌های اشغالی سال ۱۹۶۷، برپایی دولت مستقل فلسطینی به پایتختی قدس، بازگشت آوارگان فلسطینی و به رسمیت شناختن دولت اسرائیل است. که البته اسرائیل در آن موقع از پذیرفتن آن خودداری کرد. اما در شرایط کنونی - که طرح صلح با اسرائیل مجدداً در کنفرانس سران عرب با پشتیبانی آمریکا، اروپا و چند کشور دیگر در ریاض برگزار شد و جبهه متحدی از کشورهای عربی برای حل مشکل فلسطین و اسرائیل شکل گرفته که حتی حماس هم با آن موافقت کرده است - مقدمات اقدام جدیدی در منطقه خاورمیانه در حال شکل‌گیری است. بی‌تردید، اجرای طرح خاورمیانه بزرگ، علاوه بر موانعی که در بالا به آنها اشاره شد، با مشکل حضور و نفوذ جمهوری اسلامی ایران در منطقه، که مدعی اندیشه خاورمیانه بزرگ اسلامی و رهبری جهان اسلام است، نیز روبرو است.

۴. روند تحولات عراق بعد از سقوط صدام حسین

در مارس ۲۰۰۳، با حمله نظامی آمریکا به عراق، دولت صدام حسین سقوط کرد. اگرچه حذف دیکتاتور عراق موجب شادمانی مردم عراق و همه آزادیخواهان جهان شد، پیامدهای آن بحرانهای سنگینی را بر ملت عراق و منطقه تحمیل کرده است. این بحرانهای را می‌توان در سه دوره زیر مورد بررسی قرار داد:

(آ) از آغاز بحران تا تصویب قانون اساسی جدید، تشکیل نهادهای قانون اساسی و انتخاب دولت قانونی

(ب) تا پیروزی حزب الله لبنان و شکست اسرائیل در اوت سال ۲۰۰۶

(ج) از شکست جمهوریخواهان آمریکا در انتخابات سال ۲۰۰۶ و پیگیری استراتژی جدید دولت آمریکا در عراق و منطقه

دولت آمریکا ابعاد بحران عراق پس از حمله نظامی و ساقط شدن صدام حسین را در طرح خود پیش‌بینی نکرده بود. همان‌گونه که گفته شد، آمریکا فقط ۵۰ میلیارد دلار اعتبار برای جنگ عراق پیش‌بینی کرده بود، در حالی که تاکنون در حدود ۱۰ برابر آن هزینه شده است و پیش‌بینی می‌شود که تا ۴۰ برابر نیز افزایش یابد.

یکی از موانع اصلی تثبیت دولت موقت عراق، پس از فروپاشی رژیم صدام حسین و استقرار حاکمیت ملی، انحلال همزمان حزب بعث و ارتش عراق بود^۱. کادرهای ورزیده حزبی و نظامیان وفادار به صدام با امکانات وسیع بر ارتش نامنظم برای جنگ شورشگری تبدیل شده است. به تدریج، با استقرار دولت قانونی منتخب مردم، که بطور طبیعی شیعیان و کردها اکثریت پارلمان و دولت را در اختیار گرفتند و بویژه پس از پیروزی مقاومت لبنان و شکست اسرائیل در جنگ ۳۳ روزه، حساسیت کشورهای عربی درباره شکل‌گیری یک کشور دوم شیعه با واکنش‌های منفی در میان دولت‌های عربی روبرو شده است. بطوری که علاوه بر نیروهای بعثی هوادار صدام، گروه‌های ضدشیعه مانند القاعده نیز شکل گرفت و این جنگجویان در مقابل نیروهای ائتلاف و نظامیان عراق به مقاومت پرداختند. باتوجه به نزدیکی طبیعی و تاریخی بسیاری از سران کنونی دولت عراق با جمهوری اسلامی ایران و نفوذ گسترده و نقش مهم نیروهای طرفدار ایران در عراق، برخورد سنیان با شیعیان، که در ابتدا بیشتر شکل سیاسی جابجایی قدرت داشت، به تدریج با تشدید اختلافات مذهبی، شکل تقابلی مذهبی به خود گرفت. علاوه بر فتاوای سران القاعده، جمعی از روحانیان ارشد عربستان سعودی بیانیه‌ای در ۱۶ آذر ۱۳۸۵ در حمایت از معارضان سنی عراق صادر کردند و هماهنگ با مواضع القاعده از

^۱ بعد از پیروزی انقلاب، دولت موقت برای انحلال ارتش تحت فشار شدیدی بود، دولت موقت زیر بار نرفت. پیامد انحلال ارتش عراق واقع‌بینی و دورنگری دولت موقت را نشان می‌دهد.

همه مسلمانان جهان خواستند که علیه ائتلاف شیعیان و نیروهای مهاجم آمریکایی برای حمایت تبلیغاتی و تسلیحاتی برادران سنی عراق بپا خیزند! در آن بیانیه و سایر فتواهایی که با عنوان "وجوب حمایت از اهل سنت عراق" صادر شده است، برای تحریک احساسات مذهبی اهل تسنن در کشورهای اسلامی، تصریح گردیده است که شیعیان رافضی، ایرانیان صفوی، با کمک آمریکایی‌های اشغالگر صلیبی، دست به کشتار، شکنجه و اجبار به مهاجرت سنی‌های عراق زده‌اند تا توطئه شکل‌گیری هلال شیعی در منطقه تحقق یابد و با کاهش نفوذ سنی‌های منطقه از اشغالگران یهودی در منطقه حمایت شود!!

در برابر عملیات انتحاری، انفجارهای کور و ترورهایی که سنیان علیه شیعیان انجام می‌دهند، شیعیان افراطی عراق - به رغم تذکرات رهبران مذهبی، بویژه آیت الله سیستانی، که طرفدارانشان را از هرگونه اقدام خشونت‌آمیز بویژه علیه سنی‌ها برحذر داشته‌اند - نیز دست به اقدامات متقابل زده‌اند که تصاویر ویدیویی صحنه‌های فجیع این عملیات، برای تحریک بیشتر اهل سنت و حامیان آنان در کشورهای عربی، پخش شده است.

آمریکا، در چارچوب استراتژی جدید خویش در عراق و منطقه:

(آ) فشار بر ایران را در پرونده هسته‌ای تا حد صدور سه قطعنامه شورای امنیت سازمان ملل متحد با اجماع جهانی علیه ایران گسترش داده و ایران را در معرض تحریم اقتصادی و انزوای سیاسی قرار داده است. تداوم این روند، در صورت عدم تعلیق غنی‌سازی اورانیوم، به وسیله ایران، می‌تواند تصمیمات نظامی نیز علیه ایران در پی داشته باشد. دولت آمریکا نه تنها حمایت روسیه، چین و هند و ژاپن را در تقابل با ایران بدست آورده است بلکه حمایت کشورهای عربی را نیز با محوریت عربستان سعودی علیه ایران نیز جلب کرده است. در این جبهه، علاوه بر عربستان، کشورهای مصر، اردن و امارات نقش بیشتری دارند.

(ب) با همکاری آمریکا و نیروهای ائتلاف، عربستان سعودی نقش کلیدی در حل و فصل مسائل کشورهای خاورمیانه، از جمله محوریت در مذاکرات گروه‌های فلسطینی و طرح صلح خاورمیانه و رفع اختلافات لبنان ایفا کرده است، این اقدامات در راستای محدود کردن نقش و نفوذ ایران در منطقه ارزیابی می‌شود.

با کمال تأسف باید اعتراف کرد که در عرصه داخلی جامعه ما گفتارها و رفتارهای خلاف مبانی و شئون اسلامی رایج است و حتی رسانه‌های جمعی رسمی به اندیشه‌های انحرافی و باطل دامن می‌زنند. که همین امر محملی برای بهره‌برداری مخالفان و تشدید اختلافات و کینه‌های فرقه‌ای شده است. در عرصه بین‌المللی نیز، با اظهارات نسنجیده برخی از مقامات و سوء تدبیر دیپلماسی ایران، به اجرای استراتژی جدید آمریکا و اسرائیل در منطقه و ایجاد جبهه متحد علیه ایران کمک شده است.

۵. تحلیل برنامه آمریکا در منطقه و ایران

برنامه‌ریزان آمریکایی تصور می‌کردند که پس از اشغال نظامی عراق و تشکیل دولت منتخب مردم، می‌توانند با استفاده از منابع غنی نفت و سایر ظرفیت‌های عراق، الگوی طرح خاورمیانه بزرگ را برای کشورهای دیگر منطقه پیاده و اهداف دراز مدتشان را دنبال کنند. بوش، رئیس‌جمهور آمریکا، یک سال پس از اشغال عراق طی نطقی خطاب به ملت آمریکا گفت: "ما و نیروهای ائتلاف با تقویت دموکراسی و آزادی در عراق عوامل خشونت و کشتار را مهار خواهیم کرد" وی اضافه کرد: "در افغانستان دو چشم‌انداز خشونت و جنایت و دیگری آزادی و زندگی در تقابل هم قرار گرفتند و امروز شیخ طالبان در افغانستان برطرف شده و مردم به زندگی آزاد و انسانی دست یافته‌اند. امروز نیز دو چشم‌انداز در عراق در مقابل هم قرار دارند. شکست آزادی، خشونت و جنایت در پی خواهد داشت. ما در این تقابل شکست نخواهیم خورد. دشمن شکست خواهد خورد و این پیروزی سنگین بهای دستیابی به آزادی است..."^۱

باتوجه به واقعیت‌های فرهنگی - اجتماعی عراق، که در طرح آمریکا دیده نشده بود، روند تحولات و سیاست دولت منتخب مردم، حتی در فضای اشغال عراق، هماهنگ با استراتژی آمریکا عمل نکرد و برنامه‌های آمریکا در عراق محقق نشد، و امروز دیپلماسی آمریکا با بحران جدی روبرو شده است. بطوریکه بسیاری از صاحب‌نظران آمریکا مانند هنری کیسینجر تصریح کرده‌اند که پیروزی نظامی در عراق امکان‌پذیر نیست^۲. پیامد این بحران واکنش چشمگیر مردم در انتخابات اخیر آمریکا و پیروزی حزب دموکرات و مخالفت

^۱سایت ریاست جمهوری آمریکا، ۲۴ می ۲۰۰۴

^۲سایت بازتاب ۱۳۸۶/۱/۱۲

کنگره با حضور نظامی آمریکا و جنگ در عراق است تا هزینه‌های جنگ و شکست محتوم آن را کاهش دهند.

در شش ماه اخیر، پس از پیروزی تاریخی مقاومت لبنان و حزب‌الله لبنان در جنگ ۳۳ روزه با ارتش تجهیز شده اسرائیل، آمریکا استراتژی جدیدی را برای خروج از بحران عراق تدارک دیده است. در این استراتژی، همان‌گونه که توضیح داده شد، چند مؤلفه زیر مشهود است:

(آ) تشدید جنگ فرقه‌ای شیعه و سنی در داخل عراق، با تحریک احساسات مذهبی کشورهای عربی.

(ب) ایجاد جبهه‌ای از کشورهای عربی در تقابل با سلطه و برتری جمهوری اسلامی ایران در منطقه .

(ج) تقویت نقش عربستان سعودی برای حل و فصل بحرانهای منطقه و حذف نفوذ ایران در کشورهای منطقه خاورمیانه.

(د) تشدید فشار بر ایران در پرونده هسته‌ای و منزوی کردن آن.

همان‌گونه که آمریکا، در جنگ تحمیلی عراق علیه ایران، با استفاده از راهبرد جنگ‌های کم‌شدت و درازمدت در طول ۸ سال، جنگ را با بهره‌برداری از شعارها و تحلیل‌های نادرست خود ما، بر دو ملت ایران و عراق تحمیل کرد و بنیه اقتصادی و انسانی و ظرفیت‌های انقلابی مردم ما را به تحلیل و ضعف کشاند تا انقلاب از درون با بحران روبرو شود، به نظر می‌رسد که بوش رئیس‌جمهور آمریکا در تداوم استراتژی جدیدش در بحران جنگ عراق نیز با تشدید جنگ مذهبی و طایفی و تحمیل هزینه‌های سنگین آن، توانمندیهای انسانی، اقتصادی و اجتماعی عراق و منطقه را به سوی ضعف و تحلیل هدایت می‌کند تا حضور آمریکا را در عراق و منطقه به عنوان یک ضرورت در راستای اهداف درازمدت خویش تثبیت کند. بزرگنمایی آمار کشته شدگان غیر نظامی عراق نیز برای تضعیف روحیه مسلمانان و ارائه چهره زشتی از آنان در سطح جهان قابل ارزیابی است.

بعلاوه، راهبرد آمریکا تقویت جبهه کشورهای عربی با تقویت حساسیت ضد شیعی و ضد ایرانی و مشغول شدن آنان با طرح صلح خاورمیانه و تضعیف مناسبات ایران با کشورهای

منطقه است تا در صورت حمله نظامی آمریکا و اسرائیل به ایران، آنان از حمایت یا لاقابل بی طرفی کشورهای عربی - اسلامی منطقه بهره گیرند و از هرگونه واکنش به نفع ایران اطمینان حاصل کنند.

چشم انداز اشغال نظامی عراق را می توان اینطور خلاصه کرد، همان گونه که گفته شد چون پیروزی نظامی آمریکا در عراق دست کم در کوتاه مدت امکان پذیر نیست دو گزینه دیگر برای سرنوشت آمریکا در تداوم اشغال عراق متصور است. گزینه اول تشدید فشار نظامی و سیاسی بر نیروهای آمریکایی است تا آمریکا مجبور شود نیروهای خود را در کوتاه مدت از عراق خارج کند. این گزینه بمنزله شکست نظامی آمریکا در اجرای طرح خاورمیانه بزرگ است. گزینه دوم تداوم حضور نظامی آمریکا در عراق و وضعیت نه پیروزی و نه شکست است. اگرچه برخی از کشورهای منطقه ممکن است طرفدار پیروزی آمریکا باشند، اما بیشتر کشورهای منطقه طرفدار گزینه دوم هستند تا امنیت ملی، ساختار سیاسی و اقتصادی خودشان را حفظ کنند. محور اصلی گزارش بیکر - هامیلتن راهکار خروج کم هزینه آمریکا از باتلاق جنگ عراق است.

تغییر استراتژی مقتدی صدر (جیش المهدی) و پیام راهپیمایی اخیر آنان در نجف در راستای پیگیری گزینه اول قابل ارزیابی است. وی از نیروهای عراقی خواست با نیروهای آمریکا همکاری نکنند و به شبه نظامیان خود دستور داد که حملاتشان را فقط متوجه اشغالگران کنند.

آنچه در اینجا باید اشاره کرد هماهنگی دغدغه های نشست کنفرانس نظامی - امنیتی در سطح کارشناسان چهار کشور مهم عربی در آسوان مصر با دغدغه های کنفرانس سالانه همکاری استراتژیک اسرائیل و آمریکا (AIPAC) در اواخر سال ۱۳۸۵، با عنوان "برنامه هسته ای ایران و تهدید آن بر منطقه از نظر اسرائیل و آمریکا" است^۱.

۶. راهکارهای جلوگیری از خشونتها

در قبال بحران امروز عراق و منطقه و خون بیگناهایی که هر روز بر زمین می ریزد همه ما مسئولیم. در اینجا به پاره ای از راهکارهای فرهنگی، اجتماعی و سیاسی برای جلوگیری از خشونتها اشاره می کنم :

^۱سایت بازتاب ۱۳۸۶/۱/۷

(آ) راهکارهای فرهنگی - اجتماعی

اگرچه ریشه اصلی جنگ مذهبی در عراق سیاسی است، محمل کسانی که دست به کشتن برادران شیعه یا سنی می‌زنند احساس کور و توسعه نیافته مذهبی و تضاد اعتقادات مذهبی قشری است. اختلافات کلامی شیعه و سنی، یا عرب و عجم، در جوامع اسلامی سابقه تاریخی دارد. در دو قرن اخیر، دولتهای استعماری برای استیلا بر منابع این کشورها همواره از سیاست تفرقه‌افکنی میان مذاهب، اقوام و ملل اسلامی بهره‌برداری کرده‌اند و حتی با بنیان‌گذاری فرقه‌های جدید، زمینه‌های افزایش تفرقه مذهبی را فراهم ساخته‌اند؛ گسترش خرافات و اندیشه‌های غالیان شیعی، تأسیس و یا بهره‌برداری از بهائیت در ایران، قادیانی در پاکستان و وهابیت در عربستان سعودی بخشی از برنامه‌ای است که عموماً با تحریک احساسات مسلمانان، اعم از سنی و شیعه، صورت گرفته و می‌گیرد. توسعه برنامه‌ریزی شده خرافات و پیرایه‌های مذهبی در رسانه‌های رسمی و غیررسمی در ایران پس از پیروزی انقلاب - که بعضاً حتی با انتقاد مراجع و عالمان دینی روبرو بوده است - از جمله مبنای فتوای کشتن شیعیان است. عملیات انتحاری و کشتن افراد بی‌گناه فقط با تحریک احساسات مذهبی افراد ناآگاه امکان‌پذیر است. راهکارهای فرهنگی - اجتماعی برای جلوگیری از اینگونه خشونت‌ها در چند محور زیر می‌تواند برنامه‌ریزی شود.

i. زدودن خرافات و پیرایه‌ها از باورهای مذهبی شیعه و سنی - این برنامه نیاز به کار فرهنگی گسترده و درازمدت با مشارکت عالمان دینی، روشنفکران و آگاهان جامعه دارد. راهکار آن نیز، همان گونه که در آموزه‌های قرآنی و سخنان پیامبر بزرگ اسلام (ص) و امامان (علیهم‌السلام) آمده است بازگشت به قرآن و سنت وحدت‌آفرین پیامبر است. دستور الهی "واعتصموا بحبل الله جميعاً و لاتفرقوا"، یعنی چنگ زدن به ریسمان الهی آموزه و راهکار قرآنی برای جلوگیری از تفرقه است.

کسانی که با رابطه والای انسان با خدا و روابط بسیار نزدیک و عاشقانه خدا با انسان در آموزه‌های قرآنی آشنا باشند، (از جمله "هو معکم این ماکتتم" و

”ادعونی استجب لکم“ ذهنشان هرگز به دنبال جایگزین دیگری (یعنی شرک) منحرف نمی‌شود. در قرآن، جایگاه رفیع پیامبران، مؤمنان و انسان به تفصیل تشریح شده است تا بستر بندگی خدا و راه رشد و کمال انسان هموار گردد و انسان منحرف نشود^۱.

ii. پرهیز از غلو درباره پیامبر و امامان - آنچه بهانه به دست گروه‌های سنی افراطی، مانند القاعده، داده است و آنان براساس فتاوی و هابیون دست به کشتار وحشیانه شیعیان در کشورهای اسلامی، به ویژه امروز در عراق، می‌زنند از يك سو عقاید، اظهارات و رفتارهای غلوآمیز درباره خاندان پیامبر بزرگوار اسلام (ص) و بطور خاص درباره امامان شیعه (علیهم‌السلام) است و از سوی دیگر، و مهمتر از آن، سب و لعن و ناسزاگویی شیعیان به صحابه پیامبر خدا (ص) است که به دست افراطیون اهل تسنن برای دشمنی با شیعیان بهانه می‌دهد. اهل تسنن معمولاً نه تنها به امامان شیعه اهانت و جسارت نمی‌کنند بلکه حتی برای آنان احترام زیادی نیز قایل هستند. البته واکنش رفتارهای سنیان افراطی رفتارهای مشابه از سوی شیعیان افراطی است که در چارچوب فتنه سیاسی یاد شده در منطقه خاورمیانه برنامه‌ریزی و هدایت می‌شود. پیامد چنین فرایندی شکل‌گیری تدریجی جبهه‌ای از کشورهای عربی سنی مذهب علیه کشورهای عربی شیعه و ایران است. واقعیت این است که امروزه در رسانه‌های کشور ما و تبلیغات مذهبی رایج آنقدر مطالب غلوآمیز و بعضاً شرک‌آلود نسبت به امامان شیعه (علیهم‌السلام) نسبت داده می‌شود که با اعتراض برخی از مراجع تقلید و روحانیان روشنفکر روبرو بوده و هست.

راهکار مفید و مؤثر برای رویارویی با این جریان انحرافی معرفی شخصیت و جایگاه امامان شیعه براساس محکومات قرآن، سنت جامع پیامبر (ص) و آگاهی دادن به مردم است. بررسی نتایج پژوهش‌های تاریخی که در سالهای

^۱ برای تفصیل بحث و آیات قرآن به متن سخنرانی محمد توسلی در انجمن اسلامی مهندسين نشریه مورخ ۱۳۸۵/۱۲/۲۶ مراجعه شود

اخیر به وسیله محققان فرهیخته در حوزه و دانشگاه ارائه شده است نشان می‌دهد که بسیاری از مبانی اعتقادی غلوآمیز در فرهنگ کنونی شیعه ریشه در منابع عالمان دینی قرن دوم هجری به بعد، بویژه در دوران حکومت صفویه، دارد^۱. مراجعه به منابع دو قرن اول، بویژه سخنان و زندگی مستند امامان شیعه، نشان می‌دهد که آنان میرا از غلوهای نسبت داده شده به آنان هستند.

iii. تأکید بر وجوه اشتراك - همان گونه که علمای سنی و شیعه عراق در بیانیه مهرماه ۱۳۸۵ خود در مکه - که به "سند مکه درباره عراق" معروف است - تصریح کرده‌اند، "نقاط مشترك بین این دو مذهب (سنی و شیعه) بیش از مواضع مورد اختلاف آنها است و اختلاف بین این دو مذهب - هر کجا دیده شود - اختلاف در نظر و برداشت است و اختلافی در اصول ایمان و ارکان اسلام وجود ندارد و از نظر شرعی جایز نیست که هیچ يك از این دو مذهب به کسی از مذاهب دیگر اتهام تکفیر وارد کند" درخصوص "اختلاف در برداشتها" در سطح علمی و پژوهشی و گفتگوی بین عالمان و اندیشمندان اسلامی بایستی برنامه‌ریزی و زمینه‌های تفاهم و نزدیکی بیشتر فراهم شود. نه تنها باید با سایر مذاهب اسلامی بر پایه وجوه اشتراك وحدت اسلامی را پایه‌گذاری کرد، در جامعه ایران و بین دیدگاههای مختلف شیعی نیز رعایت این اصل برای اتحاد و اتفاق لازم است. کسانی که براساس نظرات فقهی یا سیاسی خاص خود انتظار اتحاد و وحدت دارند خود بر طبل تفرقه و پراکندگی می‌کوبند و ره به جایی نخواهند برد.

پیامد طرح شعارهای شیعی و خواندن دعای فرج بوسیله آقای احمدی‌نژاد در سخنرانی جلسات کشورهای خارجی مانند سازمان ملل، عملاً دامن زدن به اختلافات مذهبی است. در این گونه سخنرانی‌ها با استفاده از شعارهای عام اسلامی می‌توان به وحدت و انسجام مسلمانان کمک کرد.

iv. احترام به سایر مذاهب و حفظ حقوق اساسی آنها - برای خشکاندن ریشه‌های

^۱ به مقاله آقای دکتر محسن کدیور در فصلنامه مدرسه، اردیبهشت ۸۵، با عنوان "قرائت فراموش شده" بازخوانی نظریه "علمای ابرار" تلقی اولیه اسلام شیعی از اصل "امامت" مراجعه شود.

تفرقه، خصومت و دشمنی‌های فرقه‌ای بین پیروان مذاهب مختلف اسلامی، باید با برنامه‌ریزی براساس آموزه‌های قرآنی زمینه‌های احساس اخوت و برادری اسلامی بین آنان تقویت شود. اولین راهکار آن تأمین حقوق اساسی پیروان مذاهب اقلیت در هر کشور است. در کشور ما متأسفانه برادران اهل تسنن از حقوق اساسی و مدنی خود، از جمله آزادی عمل برای اجرای شریعتشان محروم هستند. همان گونه که پیروان سایر ادیان اقلیت، مانند مسیحیان، یهودیان و زرتشتیان، کلیساها، معابد و مدارس و مراکز فرهنگی ویژه خود را دارند، جا دارد که برادران اهل تسنن بتوانند در شهرهای مختلف کشور، از جمله تهران، مسجد و مراکز فرهنگی اختصاص داشته باشند.

همه به یاد داریم که رهبر فقید انقلاب و بسیاری از پیشگامان انقلاب اسلامی، مانند شهید استاد مطهری، در توصیف ویژگی‌های جمهوری اسلامی تصریح کرده بودند که حتی مارکسیست‌ها می‌توانند، در چارچوب قانون، نظرات و دیدگاه‌هایشان را بیان کنند و مورد احترام هستند.

۷. (توسعه گفتگو بین عالمان و اندیشمندان مذاهب اسلامی برای تقویت وجوه اشتراك و همکاریهای فرهنگی و اجتماعی و کاهش اختلافات و تنش‌ها - نمونه‌های تاریخی این همکاریها می‌تواند راهنمای خوبی برای این گونه گفتگوها باشد. علت عدم موفقیت طرح گفتگوی فرهنگها و تمدنها - که آقای سیدمحمد خاتمی مطرح کردند و در سطح جهانی بازتاب خوب و گسترده‌ای داشت و نهادهای بین‌المللی نیز از آن استقبال کردند - این بود که در درون کشور ایران امکان گفتگوی آزاد بین عالمان و صاحبان اندیشه‌های مختلف وجود ندارد و رسانه‌های رسمی ما تك صدایی هستند و طبعاً این پرسش مطرح شده است که چگونه رئیس‌جمهور چنین کشوری می‌خواهد منادی گفتگو میان ایران و دیگران باشد؟ آیا در شرایط کنونی در حوزه و دانشگاه امکان برگزاری میزگرد و جلسات گفتگو بین صاحب‌نظران مختلف غیرموافق حاکمیت وجود دارد؟ متأسفانه در دوره دولت نهم، بیش از گذشته، فضای دانشگاه‌ها و مراکز علمی کشور بسته شده است. در حال حاضر،

در داخل کشور محدودیت‌های زیادی برای ارائه نظرات متفاوت با دیدگاه حاکمان و گفتگو بین آنها وجود دارد. کافی است که به برنامه‌های "رادیوی گفتگو"ی رسانه ملی - که چندی است کارش را آغاز کرده است - نگاه کنید. مدیران این رسانه اختیار برگزاری میزگرد با شرکت صاحبان نظرات غیرموافق با دیدگاه‌های حاکمان را ندارند.

۷. راهکارهای سیاسی

(آ) حمایت از نهادهای مدنی و جنبشهای طرفدار آزادی، دموکراسی و حقوق بشر - همان گونه که توضیح داده شد برنامه‌ریزان طرح خاورمیانه بزرگ، چارچوب توجیهی طرح مبارزه با تروریسم در منطقه خاورمیانه را اجرای اصلاحات سیاسی - اقتصادی از طریق تأمین آزادی و استقرار نظام دموکراتیک در این کشورها معرفی کرده‌اند. ارزیابی چهارسال تلاش آمریکا و نیروهای ائتلاف در عراق نشان می‌دهد که نیروهای خارجی در اجرای این برنامه شکست خورده‌اند. حتی اگر ساقط کردن دیکتاتورها از طریق نظامی امکان‌پذیر باشد، تحولات سیاسی - اجتماعی در کشورهای منطقه نمی‌تواند با فشار نظامیان و برنامه‌های خارجی صورت گیرد. از طرفی، اجرای برنامه‌های توسعه کشور منوط به تحولات سیاسی - اجتماعی و مشارکت واقعی مردم در اداره کشور است. پیش‌نیاز این تحولات نیز شکل‌گیری و توسعه نهادهای مدنی مانند انجمنهای صنفی، احزاب، مطبوعات مستقل و تضمین آزادی فعالیت آنها در چارچوب قانون است که در اصول فصل سوم قانون اساسی، بویژه اصل ۲۶ آن، تصریح شده است. اگر این توسعه‌های درون‌زا براساس ویژگیهای فرهنگی - اجتماعی و واقع‌بینانه برنامه‌ریزی، حمایت و اجرا نشود، زمینه اجتماعی برای پذیرش این تحولات با کمک بیگانگان فراهم می‌گردد که در آن صورت تحولات سطحی بوده، در راستای منافع ملی کشورهای منطقه نخواهد بود.

(ب) تنش‌زدایی و پیشگیری از تداوم خشونت، جنگ و خونریزی در منطقه - اجرای برنامه‌های توسعه در کشورهای منطقه، از جمله در ایران، مستلزم برقراری صلح، آرامش و ثبات سیاسی است. راهبرد برنامه‌ریزان طرح خاورمیانه بزرگ ایجاد

يك قطب صنعتی - اقتصادی و سلطه درازمدت آنان بر منابع نفت منطقه است. در صورتیکه از طریق سیاسی و نظامی دستیابی به این اهداف امکان‌پذیر نباشد با تحمیل جنگ فرسایشی و خونریزی و ویرانی بر کشورهای منطقه، بنیه‌های اقتصادی و انسانی آنها را تباہ و تضعیف می‌کنند تا با فرار مغزها و سرمایه‌ها از این کشورها، برنامه‌ریزان آسان‌تر بر دولت‌های منطقه مسلط شوند و آنها را برای تأمین منافع درازمدت خویش وابسته سازند. از این‌رو، ضمن تقویت بنیه‌های دفاعی در حد ضرورت، بایستی با تنش‌زدایی در مناسبات خارجی، تأمین صلح و ثبات منطقه را به عنوان اهداف راهبردی مورد توجه قرار داد. اندیشه‌های اسلامی نیز، در شرایط آزاد و آرامش، راه توسعه و گسترش را طی خواهد کرد.

اکنون که آمریکا و متحدان یا پیروانش با اجماع جهانی و صدور قطعنامه‌های شورای امنیت علیه ایران در پی منزوی کردن ایران هستند، باید با تدابیر لازم و انعطاف‌های تاکتیکی بموقع از تحقق چنین برنامه‌ای جلوگیری کرد. پذیرفتن "تعلیق غنی‌سازی در برابر تعلیق تحریمها" مشروط بر اینکه حق ایران برای دستیابی به تکنولوژی هسته‌ای برای مصارف صلح‌آمیز در چارچوب مقررات آژانس بین‌المللی انرژی اتمی رسماً پذیرفته و تضمین شود، می‌تواند راهکار واقع‌بینانه‌ای برای عبور از بحران در شرایط کنونی باشد.

(ج) تقویت توان داخلی برای مقابله با بحرانهای خارجی - در سال ۱۳۸۱، نهضت آزادی ایران، براساس تحلیل شرایط بین‌المللی بعد از ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ (شهریور ۱۳۸۰) و بحرانهایی که کشور را در معرض مخاطره قرار داده بود، ضرورت وفاق ملی را مورد بررسی و تأکید قرار داد. در مراسم سومین روز درگذشت شادروان دکتر یدالله سحابی در حسینیه ارشاد (در ۲۷/۱/۸۱)، بنده به این ضرورت اشاره کرده و گفتم:

"اگر امروز فکر وفاق و آشتی ملی در شرایط حساس کنونی جامعه توسط بسیاری از خیرخواهان و علاقمندان به ملك و ملت مطرح می‌شود نه تنها همه کسانی که به جنبش اصلاحات، آزادی، مردمسالاری و قانونمداری باور دارند بلکه صاحبان اندیشه مقابل که ریشه تاریخی دارد نیز باید در راستای منافع ملی و مصالح نظام

در چارچوب قانون اساسی تبادل نظر و همکاری داشته باشند و همگان خود را تابع رأی و تشخیص ملت بدانند که پیامد آن تأمین وحدت و منافع ملی خواهد بود.^۱ در پی آن، در نشریه تحلیلی وفاق ملی دلایل، برنامه، پیش‌نیازها و پیامدهای وفاق ملی ارائه شد.^۲ اگرچه این طرح در ابتدا با برخی واکنش‌های منفی روبرو شد، گروه‌های مختلف به تدریج این ضرورت را مورد تأکید قرار دادند.

امسال، که بحرانهای منطقه‌ای و جهانی امنیت ملی کشورمان را به طور ملموس‌تر در معرض مخاطره قرار داده است، شعار "اتحاد ملی و انسجام اسلامی" توسط مقام رهبری مطرح شده است، و رسانه‌ها درخصوص آن تبلیغ فراوان می‌کنند. اما به گفته سعدی علیه‌الرحمه "دو صد گفته چون نیم کردار نیست". از این رو، رسانه‌ها و صاحب‌نظران باید به تبیین پیش‌نیازهای تحقق اتحاد ملی و انسجام اسلامی بپردازند تا، به خواست خداوند، این شعار در طول سال ۸۶ جامه عمل بپوشد و ثمرات آن عاید کشور گردد.

در شرایطی که دستگاه‌های اطلاعاتی، امنیتی و قضایی کشور حقوق اساسی ملت را - که در قانون اساسی تصریح شده است - رعایت نمی‌کنند و در دو سال اخیر فشار بر جنبش دانشجویی، جنبش زنان و احزاب سیاسی افزایش یافته، مطالبات صنفی کارگران و معلمان با سرکوب پاسخ داده می‌شود، فشار بر مطبوعات و محدودیت اطلاع‌رسانی با کاهش سرعت اینترنت و گسترش فیلترگذاری سایت‌های خبری و سانسور کتاب و عدم صدور مجوز چاپ کتاب برای غیر خودی‌ها به شدت افزایش یافته است و اقلیت‌های قومی و مذهبی از حقوق قانونی بهره‌مند نیستند، چگونه می‌توان از اتحاد ملی و انسجام اسلامی سخن گفت؟

آیا در حالی که دولت نهم و نظریه‌پردازان حامی آن - که به فعالیت آزاد نهادهای مدنی و احزاب سیاسی مصرح در اصل ۲۶ قانون اساسی باور ندارند و با آن مخالفت می‌کنند و یکی از مؤلفه اتحاد ملی را "ولایت مطلقه فقیه" می‌دانند چگونه می‌توان انتظار داشت که این نهادهای

^۱ دومین یادنامه دکتر یدالله سبحانی - بنیاد فرهنگی مهندس مهدی بازرگان، به کوشش علی اکرمی - صفحه ۱۰۷ - انتشارات قلم - ۱۳۸۳ ^۲ به پیام آقای دکتر ابراهیم یزدی در سوگ زنده‌یاد دکتر یدالله سبحانی، مورخ ۲۶/۱/۱۳۸۱، نشریه شماره ۱۷۷۸ مورخ ۸/۴/۱۳۸۱ نهضت آزادی ایران نگاه کنید. برای خواندن این نشریات به سایت www.nehzateazadi.net یا لوح فشرده اسناد نهضت آزادی، ویرایش ۳ مراجعه شود.

مورد تأیید خاص مقام رهبری مجری صادق این شعارها باشند؟

در شرایطی که حتی بیشتر احزاب و گروههای ملی و اسلامی - مانند نهضت آزادی ایران، که امروز به مناسبت پنجمین سالگرد درگذشت یکی از پایه گذاران آن گرد هم آمده‌ایم - از امکان فعالیت رسمی حزبی و استفاده از امکانات متعارف برای داشتن دفتر و روزنامه و ... محروم هستند چگونه می‌توان امیدی به تحقق این شعارها داشت؟

در حالی که اقلیت‌های قومی و دینی از بسیاری از حقوقشان مطابق اصول دوازدهم و نوزدهم قانون اساسی محروم هستند و اجازه برگزاری نمازهای جماعت و جمعه و داشتن مسجد در شهرهای بزرگ کشور را ندارند، چگونه شعار اتحاد ملی و انسجام اسلامی تبلیغ می‌شود؟ آیا ما و شما مخاطب آیه محکم قرآنی "لم تقولون ما لا تفعلون کبر مقتاً عند الله ان تقولوا ما لا تفعلون" نیستیم؟ و باور نداریم که خشم خدا از درون تحولات اجتماعی سرانجام دامن ما را خواهد گرفت؟ بنابراین، مشفقانه توصیه می‌شود که در شرایط کنونی کشور، به منظور تقویت توان داخلی و افزایش آمادگی برای مقابله با بحرانهای منطقه‌ای و جهانی، برنامه‌ریزی و اقدامات اساسی برای تحقق پیش‌نیازهای شعار "اتحاد ملی و انسجام اسلامی" صورت گیرد.

این اقدامات در محور داخلی شامل کاهش تشنج‌های سیاسی با قبول ضرورت وفاق ملی با همه پیش‌نیازها و الزامات اجتناب ناپذیر آن و تمرکز همه نهادها و نیروها بر حل مسائل و مشکلات داخلی، و در محور خارجی شامل اصلاح نگرش در مناسبات سیاست بین‌المللی و بهره‌گیری از تمام امکانات و ظرفیت‌های داخلی و بین‌المللی و خروج از تله انزوای جهانی است.

در پایان، بار دیگر یاد شادروان دکتر یدالله سحابی و یاران ایشان را گرامی می‌داریم و برای

علو درجات آنان دست دعا بسوی رب العالمین می‌گشاییم. والسلام

سابقه جنبش دانشجویی^۱

پس از تاسیس دانشگاه تهران در سال ۱۳۱۳، چه موقع فعالیت دانشجویی آغاز شد و چه عواملی زمینه ساز شکل گیری جنبش دانشجویی بود؟

فعالیت دانشجویی با آغاز به کار دانشگاه همزمان بوده است. جوانانی که وارد دانشگاه می شوند در دوران تحصیل دانشجویی ویژگی های خاصی دارند که یکی از مولفه های آن شور، هیجان، عدم وابستگی است. در این دوران شخصیت اجتماعی جوانان شکل می گیرد. مولفه دیگر، دانشجویان متعلق به اقشار مختلف جامعه هستند وقتی در محیط دانشگاه کنار هم قرار می گیرند، در واقع معرفت خصوصیات و مطالبات مردم از اقشار مختلف جامعه هستند و بنابراین می توان گفت که بدنه دانشجویی در هر مقطع معرفت ویژگیها و مطالبات (سیاسی، اجتماعی، فرهنگی) آن مقطع از جامعه است. نظر به این که دوران تحصیل دانشگاه می تواند نقش بسیار موثری در تکوین شخصیت اجتماعی و رشد بالندگی دانشجویان داشته باشد، مسئولیت مدیریت دانشگاه ها برای ایجاد بسترهای لازم فعالیت دانشجویی بسیار مهم است. از سوی دیگر، در شرایطی که در متن جامعه، بحرانی به وجود بیاید یا مطالباتی وجود داشته باشد، طبیعی است که در سطح دانشگاه، دانشجویان بازگو کننده ی آن مطالبات باشند. به عنوان مثال در دهه ی ۲۰ که رضاخان از ایران خارج و فضای جامعه ایران نسبتاً باز می شود و جنبش های اجتماعی فرصت پیدا می کنند که در جامعه به فعالیت بپردازند آن کسانی که تجربه داشتند مانند حزب توده، به سبب تجاربشان زودتر از بقیه شروع به کار کردند. وقتی حزب توده تشکیل می شود سازمان جوانان خود را تشکیل می دهد بنابراین نقش موثرتری در دانشگاه دارد. همزمان با حزب توده نیروهای ملی، کسانی که در خارج از کشور تحصیل کرده بودند و آرمانهای ملی داشتند، ابتدا کانون مهندسين و سپس حزب ایران را تشکیل دادند و در دوره نهضت ملی ایران در سالهای ۳۰ با رهبری دکتر مصدق جنبش ضد استیلای بیگانگان و آزادیخواهانه ملت ایران را تداوم بخشیدند. تشکیل این احزاب سیاسی - ملی یک پدیده ی اجتماعی است که آرمانهایی تاریخی ملت را مطرح می کنند.

در این شرایط طبیعی است که بخشی از دانشجویان نیز در دانشگاه منعکس کننده این مطالبات

^۱ مصاحبه محمد توسلی (فعال دانشجویی دهه ۳۰) با انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه اراک - نشریه «گام دانشگاه» - علی آمره و سهراب کریمی - اردیبهشت ۱۳۸۶

ملت باشند.

در کنار این دو جریان یعنی جریان های مارکسیستی و ملی جریان دیگری بعد از شهریور ۱۳۲۰ فعالیت خود را آغاز می کند. آنها کسانی هستند که هم با دنیا ی غرب آشنا هستند و هم با فرهنگ بومی و اسلامی ما، و به این جمع بندی می رسند که اگر ما بخواهیم تحولی در جامعه ایران بوجود آوریم زیرساخت آن باید تحولی فرهنگی بر پایه فرهنگ بومی یعنی ایرانی- اسلامی باشد تا امکان تحول سیاسی- اجتماعی فراهم شود. پیش گامان این حرکت آیت الله طالقانی، مهندس بازرگان و دکتریدالله سحابی هستند. این جریان که به جریان روشن فکری دینی معروف است بعد از شهریور ۱۳۲۰ کار خود را آغاز کرد. البته جریان اسلام سنتی یا حوزه نیز در دهه ۳۰ در شکل فدائیان اسلام در متن جامعه حضور دارد اما تاثیری بر جنبش دانشجویی ندارد.

این سه جریان پس از شهریور ۱۳۲۰ در مقاطع مختلف بر جنبش دانشجویی تاثیر گذار بوده اند. در سال ۱۳۲۱ اولین انجمن اسلامی دانشجویان در دانشگاه تهران تاسیس می شود. تاسیس انجمن اسلامی و شروع کار طالقانی، بازرگان و دکتر سحابی و پیوند خوردن آنان با یکدیگر سر آغاز تاسیس انجمن های اسلامی در دانشگاه ها و توسعه فعالیت آنها می گردد.

این مقدمه را از این نظر مطرح می کنم تا این قانونمندی را ارائه کنم که وقتی در جامعه ما یک جریان اجتماعی بوجود می آید، چون دانشجویان هم در ارتباط ارگانیک با متن جامعه هستند، خود به خود انعکاس این مطالبات و همین فعالیتها در دانشگاه نیز بروز و ظهور پیدا می کند.

در دهه ۲۰ طبیعی است که جنبش دانشجویی در دانشگاه بیشتر تحت تاثیر جریان مارکسیستی باشد، زیرا احزاب مارکسیستی در جامعه قوی تر هستند. همزمان تمایلات ملی به تدریج در دانشگاه توسعه پیدا می کند. در کنار آنها انجمن اسلامی دانشجویی شکل گرفته است که خیلی محدود و زیر بنایی فعالیت خود را آغاز می کند. برای روشن تر شدن مطلب این نکته را اضافه می کنم که من ورودی سال ۱۳۳۵ دانشکده فنی دانشگاه تهران هستم. جلسات انجمن اسلامی دانشجویان که از سال ۱۳۲۱ شروع به کار کرده و به سال های ۳۵ و ۳۶ رسیده بود، جلسات خود را با حدود ۳۰ تا ۴۰ نفر تشکیل می داد. ما در شرایطی عضو انجمن اسلامی بودیم که نماز خواندن در دانشگاه زیاد متعارف نبود. در دانشگاه مسجد وجود نداشت. فقط در دانشگاه فنی یک اطاق کوچکی را به نمازخانه اختصاص داده بودند که دانشجویان غالبا به طور پنهانی، به طوری که کسی آنها را نبیند، نماز می خوانند. فضای دانشگاه طوری نبود که یک دانشجوی مسلمان بتواند راحت

به نمازخانه بیاید و نمازش را بخواند. فضا، با فضایی که امروز شاهد هستیم کاملاً متفاوت بود. بنابراین دانشجویانی که عضو انجمن می شدند انگیزه داشتند، زمینه ذهنی و شخصیتی و خانوادگی داشتند، وقتی عضو می شدند یک عضو فعال با انگیزه و علاقه بودند، در تمام ابعاد مطالعه می کردند. مثلاً در دوره خود ما برای آموزش و گرفتن اطلاعات چند منبع داشتیم. یک منبع جلسات داخلی انجمن بود. کسانی که مطالعات بیشتری داشتند سخنرانی می کردند و دیگران استفاده می کردند. منبع مهم دیگر مسجد هدایت و جلسات تفسیر قرآن مرحوم طالقانی بود که شبهای جمعه برگزار می شد و تمام اعضای انجمن اسلامی معمولاً شب های جمعه پای درس تفسیر طالقانی بودند. اگر شما خاطرات شهید دکتر چمران را بخوانید در آنجا توضیح داده شده که بخشی از شخصیت اعتقادی آن مرحوم در مسجد هدایت و در ارتباط با طالقانی و بازرگان شکل گرفته است. مهندس سحابی، دکتر یزدی و خود بنده و کسانی که در انجمن های اسلامی بودند عموماً پاسخ نیاز اعتقادی و قرآنی خود را از طالقانی می گرفتند.

منبع دیگر ما جلسات سخنرانی بود که به مناسبت های مختلف مثل جشنهای عید فطرو مبعث برگزار می شد و اشخاصی چون مهندس بازرگان و اساتیدی که با اندیشه و برنامه انجمن های اسلامی هماهنگی داشتند دعوت می شدند. در سالهای ۳۴ یا ۳۵ که شهید مطهری از حوزه قم به تهران آمدند جذب این انجمنها شدند و در این جلسات سخنرانی می کردند.

در سال های دهه ۵۰ به تدریج افرادی مانند شهید دکتر بهشتی و شهید دکتر باهنرنیزدر این گونه جلسات روشنفکران دینی دعوت می شدند. یکی از افتخارات این مرحومان این بود که در جلسات انجمن اسلامی مهندسین، پزشکان یا دانشجویان که مهندس بازرگان یا دکتر سحابی حضور داشتند شرکت می کنند و برایشان یک اعتبار اجتماعی بود.

این مقدمه را برای نشان دادن این واقعیت تاریخی مطرح می کنم تا روشن شود که فعالیت دانشجویان در دانشگاه کاملاً انعکاس فضای اجتماعی جامعه ما بوده است. در یک دوره مارکسیست ها حضور بیشتری داشتند، در دهه ۳۰ که نهضت ملی ایران با رهبری مرحوم دکتر مصدق حضور پررنگتری دارد و نیروهای ملی تقویت شده اند طبیعی است که دانشجویان توجه بیشتری به افکار و اندیشه های نیروهای ملی دارند. در سال ۳۹ که جبهه ملی دوم تشکیل می شود سازمان دانشجویان وابسته به جبهه ملی در دانشگاه تهران تشکیل می شود و نقش اصلی و کلیدی در دانشگاه دارند. در این دوره، دانشجویان ملی و دانشجویان مسلمان در سازمان دانشجویان

دانشگاه تهران فعال هستند و افرادی مثل دکتر شیبانی، دکتر بنی صدر، مهندس صباغیان و... در سازمان دانشجویی جبهه ملی حضور دارند. خود من هم در سال ۳۹ عضو جبهه دوم بودم و در این دوره که دوره فعال جنبش دانشجویی بود شرکت داشتم.

در دهه ۴۰ و ۵۰ بعد از ۱۵ خرداد سال ۱۳۴۲ و ورود روحانیت مبارز و آیت الله خمینی به عرصه مبارزات که تداوم مبارزات قانونی با بن بست مواجه می شود، حرکت‌های مسلحانه از سوی جریان های مختلف پایه گذاری می شود. حزب ملل اسلامی، سازمان مجاهدین خلق و چریک‌های فدایی خلق عمده ترین آنها هستند. در این شرایط نیز طبیعی است که فضای دانشگاه هم متأثر از این سازمان ها باشند. دکتر شریعتی پس از بازگشت به ایران در سال ۱۳۴۳ کار فرهنگی خویش را ابتدا در مشهد و سپس از سال ۱۳۴۷ در حسینیه ارشاد آغاز می کند. کلاسهای حدود ۵ هزار نفری دانشجویی دکتر شریعتی طی سالهای ۱۳۴۷ تا ۱۳۵۲ که توسط ساواک بازداشت شد بازتاب نیاز تحولات فرهنگی این دوره است. این دوره که اوج فعالیت دکتر شریعتی بحساب می آید دانشگاه ها متأثر از کلاسهای و آموزشهای دکتر شریعتی است. در سال ۱۳۵۴ به رغم تغییر مواضع در سازمان مجاهدین خلق، جنبش دانشجویی و جنبش ملت ایران برای رهایی و آزادی به علت استقلال و عمق تحولات فرهنگی و اسلامی پدید آمده در داخل و خارج کشور به راه خود ادامه می دهد.

در سالهای ۵۶ و ۵۷ نیز جنبش دانشجویی هماهنگ با تحولات و مطالبات جامعه در انقلاب اسلامی ایران حضور چشمگیری دارد که نماد آن رخداد ۱۳ آبان است که در سال ۵۷ اتفاق افتاد که نقش دانشجویان و دانش آموزان را در انقلاب نشان می دهد. در جریان انقلاب نیز جنبش دانشجویی متأثر از مبارزات مردمی و رهبر فقید انقلاب است و نقش خود را ایفا می کند.

جنبش دانشجویی در سال های اول بعد از انقلاب نیز هماهنگ با طبیعت تکثر نیروهای اجتماعی و جنگ قدرت این روند ادامه پیدا می کند و هزینه های سنگینی نیز بر آن وارد می شود. بعد از تحولات سال ۶۰ با بسته شدن فضای سیاسی کشور انجمن های اسلامی دانشجویی هماهنگ با مدیریت انقلاب عمل می کند. قبل از پیروزی انقلاب جنبش دانشجویی همیشه استقلال داشت و وابسته به حاکمان نبود و در جایگاه اپوزیسیون با طیف دیدگاه های سیاسی اجتماعی در هر مقطعی وجود داشتند. بعد از سال ۵۹ و خرداد ۶۰ اغلب انجمن های اسلامی دانشجویان یعنی دفتر تحکیم وحدت به نوعی با حاکمیت پیوند می خوردند و در دانشگاه اجرا

کننده سیاستهای حاکمان می شوند. در این مقطع است که انجمن ها استقلال خود را عملاً از دست می دهند. این دوره ای است که دفتر تحکیم خود آن را نقد و اصلاح کرده و نقاط مثبت و منفی این دوره را برجسته کرده است.

امروز اگر فضای اجتماعی ما منفعل است، جنبش دانشجویی ما هم متأثر از همین شرایط است. انفعالی که در دانشگاه ها به چشم می خورد انعکاس و تاثیر پذیری از فضای اجتماعی است. این مقدمه را با نگاه کلان تاریخی مطرح کردم تا شما به طور کلان یک نگاه تحلیلی پیدا کنید که فعالیتهای دانشجویی و جنبش دانشجویی همواره از حرکت های اجتماعی ما تاثیر گرفته و تاثیر هم گذاشته و همواره یک نوع تعامل با جامعه داشته است. این پدیده ی مهمی است که اگر دانشجویان این روند تاریخی را خوب مطالعه کنند و جزئیات و عناصر و مولفه های آن را بررسی کنند، فعالان جنبش دانشجویی بهتری خواهند بود با یک شناخت تاریخی رسالت و مسئولیت خویش را در شرایط کنونی تعریف کنند و از درون آن استراتژی و تاکتیک فعالیت های خود را در آورند. این آگاهی ها برای پیشگیری از اقدامات احساسی و افراطی که ممکن است دانشجویان را به ورطه رادیکالیسم بکشاند زمینه را برای اجرای برنامه های اقتدارگرایان و سرکوب بی حاصل دانشجویان فراهم کند ، کاملاً ضروری است.

دانشجویان چه نقشی در نهضت ملی شدن صنعت نفت داشتند و چه کارهایی کردند ؟

با توضیحی که در پاسخ سؤال قبل داده شد، در تمام مقاطع در طول ۶۰ تا ۷۰ سال اخیر که دانشگاه تاسیس شده و دانشجویان فعال بودند همواره جنبش دانشجویی در تعامل با شرایط اجتماعی جامعه بوده و تاثیر پذیرفته است. طبیعی است که در دهه ۳۰ در سالهای ۱۳۲۹ تا ۱۳۳۲ در دوران نهضت ملی ایران نیز فعالیت دانشجویان از شرایط بیرونی تاثیر پذیرفته است . موقعی که جبهه ملی اول تشکیل می شود خود به خود دانشجویان وابسته به جبهه ملی هم در دانشگاه حضور داشته اند و در همان زمان حزب توده هم فعال بود . اگر در سطح جامعه یک تقابل و یک برخورد بین نیروهای ملی و نیروهای وابسته به حزب توده وجود داشت در سطح دانشگاه هم این تقابل شکل می گرفت . در همین دوره که جنبش دانشجویی رشد پیدا کرده بود و انتخابات دموکراتیک انجام می شد . بنابراین هر گروهی سعی می کرد که در فضای دانشگاه بیشترین نماینده را داشته باشند یا بیشتر تاثیر گذار باشند. مهم بود در دانشکده فنی یا علوم یا پزشکی ، دانشجویی که انتخاب می شود وابسته به چه جریان سیاسی است .

توجه داشته باشید که من در مورد جنبش دانشجویی صحبت می‌کنم در حالی که انجمن اسلامی دانشجویان همیشه هویت فکری و اعتقادی خود را حفظ کرده و فعال بودند. ولی هیچ وقت مثل امروز در جمع‌های دیگر حل نشده بودند و هویت تاریخی و فکری خود را حفظ می‌کردند، بخاطر همین امر بود که تا پیروزی انقلاب دوام پیدا کردند و اصالت خود را حفظ کردند. بعد از انقلاب است که این مسائل جدید پیش می‌آید. تا پیروزی انقلاب انجمن‌های اسلامی دانشجویان هم در داخل کشور و هم در اروپا و هم در آمریکا هویت تاریخی خود را حفظ کردند. بنابراین در نهضت ملی ایران دانشجویان نقش مستقیمی نداشتند و این جریانات اجتماعی بودند که نهضت ملی ایران را بوجود آوردند. طبیعتاً دانشگاه هم سنگری بود برای حمایت از آنچه که در جامعه انجام می‌شد.

بعد از کودتای ۲۸ مرداد نهضت مقاومت ملی تشکیل می‌شود و شخصیت‌های موثر اجتماعی مثل مرحوم حاج آقا رضا زنجانی، مهندس بازرگان، دکتر سحابی و احزاب سیاسی که در آن دوران بودند همه در نهضت مقاومت ملی حضور پیدا کردند. در همین مقطع می‌بینیم که در درون نهضت مقاومت ملی کمیته‌های دانشجویی فعال هستند و نقش موثر تری در فعالیتهای نهضت مقاومت ملی دارند. سوابق تاریخی این دوره در اسناد نهضت مقاومت ملی که در دو جلد چاپ شده آمده است. بنابراین در این دوره جنبش دانشجویی در واقع مکمل فعالیت‌های احزاب و گروه‌های سیاسی هستند. و آنها هم در دانشگاه به نوبه خود این همکاری را داشته و کمک می‌کردند.

در سال‌های اخیر کسانی که وارد انجمن‌های اسلامی می‌شدند صرفاً گرایش‌های خاص گذشته را نداشتند و گرایش‌های جدید باعث شده که فقط از اسم انجمن‌های اسلامی برای اهداف خود استفاده کنند. به نظر شما دلیل این تغییر چیست؟

یکی از مشکلاتی که در فضای جنبش دانشجویی ما وجود دارد همین پدیده است چون براساس مقررات دانشگاه‌ها، فقط انجمن‌های اسلامی دانشجویان که وابسته به دفتر تحکیم بودند و اساس نامه‌های آنها مورد تایید وزارت علوم و دانشگاه بود اجازه فعالیت داشتند و به بقیه گرایش‌های سیاسی فرصت فعالیت‌های قانونی داده نشده است. از اینرو به تدریج انجمن‌های اسلامی دانشجویان بخاطر نقد عمل کرد گذشته خود برخی مبانی اعتقادی‌شان ضعیف شده است و بیشتر به عنوان یک بستر که فعالیت اجتماعی داشته باشند در انجمن‌ها حضور پیدا می‌کردند. در

نتیجه کسانی که در انتخابات انجمن ها حضور پیدا میکردند.

به تدریج پایه های اعتقادی آنها ضعیف و ضعیف تر می شود و گاهی هم باورهای دینی نداشتند. این موجب شد که نه تنها به انجمن های اسلامی بلکه به کل جنبش دانشجویی ضربه سنگینی وارد شد. نه انجمن اسلامی دانشجویی هویت تاریخی خود را حفظ کرد و نه بقیه حرکت های اجتماعی هویت واقعی خود را داشتند و حاکمیت با توجه به این شرایط یعنی بعد از سال ۷۸ ضربات سنگینی به انجمن ها وارد کرد به طوری که امروز دامنه فعالیت انجمن ها عملاً در دانشگاه ها محدود شده است.

این روند باعث شده که خود دانشجویان هم منفعل تر باشند. توصیه ماهواره به دانشجویان عزیز این بوده است که انجمن ها باید هویت تاریخی خود را حفظ بکنند. یک عضو رسمی انجمن اسلامی دانشجویان واقعا باید مسلمان باشد و اعتقادات اسلامی خود را تقویت کند و انجمن باید فضایی باشد برای رشد شخصیت فکری و اجتماعی و اعتقادی دانشجویان مسلمان. اگر اعضای انجمن های اسلامی دانشجویان در قبل از انقلاب توانستند نقش موثری داشته باشند به این دلیل بود که در دوران دانشجویی و تحصیل دانشگاهی در مورد مسائل فرهنگی، اجتماعی و سیاسی مطالعه می کردند و شخصیت شان بطور همه جانبه رشد پیدا می کرد. وقتی دکتر چمران یا دکتر یزدی به خارج از کشور رفتند یا خود من که در سال ۴۱ برای ادامه تحصیل به خارج از کشور رفتم هر جا که رفتیم مولد بودیم یعنی سازنده بودیم و توانستیم برای تاسیس انجمن های اسلامی دانشجویان در اروپا و امریکا یا تشکیل نهادهای سیاسی و اجتماعی موثر عمل کنیم و به رقم فشارهای سیاسی و محرومیتها و فرایندی که در آن دوره طی شد تا آخرین روز حیاتشان همان اعتقادات را حفظ کردند و ایستادند و مقاومت کردند و امروز هم ایستاده اند و در همان راستا عمل می کنند. شما تفاوتی در مواضع کلی آقای دکتر یزدی امروز و آقای دکتر یزدی دهه ۳۰ نمی بینید. بدیهی است که در این مدت رشد کرده اند و به روز شده اند، اما همان دکتر یزدی دیروز هستند. مهندس سبحانی همان مهندس سبحانی است و از هویت تاریخی خود جدا نشده، گسست شخصیتی پیدا نکرده و از ۶۰ سال عملکرد خود می تواند دفاع کنند و اسناد فعالیت های گذشته خود را منتشر می کنند و سربلند هم هستند.

این توصیه ای است که به دانشجویان عزیز داشته ایم که اگر فضای سیاسی جامعه ما طوری است که بقیه گرایشها نمی توانند به طور قانونی جایگاهی داشته باشند و فرصتی برای فعالیت

ندارند انجمن های اسلامی می توانند میزبان آنها باشد بدون آنکه هویت تاریخی خود را از دست بدهند. بدیهی است که اعضای انجمن ها می توانند با حفظ هویت خویش بصورت قانونمند در درون جنبش دانشجویی در راستای مطالبات ملی فعال باشند.

سوابق تاریخی جنبش دانشجویی^۱

جوانان که وارد دانشگاه می شوند در دوران تحصیل دانشجویی یک ویژگی های خاصی دارند که یکی از مولفه های آن شور، هیجان، سیر جوانی و عدم وابستگی، و در کل دورانی است که شخصیت اجتماعی جوانان شکل می گیرد.

مولفه دیگر؛ دانشجویان متعلق به اقشار مختلف جامعه هستند، وقتی در محیط دانشگاه کنار هم قرار می گیرند در واقع معرف و ویژگی ها و خصوصیتها و مطالبات مردم از اقشار مختلف جامعه هستند و بنابراین می توان گفت که بدنه دانشجویی در هر مقطع ای معرف و ویژگی ها و خصوصیات و مطالبات (سیاسی، اجتماعی، فرهنگی) آن مقطع از جامعه است. به همین مناسبت است که دانشجویان در دوران تحصیل می توانند نقش بسیار موثری در تکوین شخصیت اجتماعی و رشد بالندگی خودشان داشته باشند، و در شرایطی که در متن جامعه بحرانی به وجود بیاید یا مطالباتی وجود داشته باشد خیلی طبیعی است که در سطح دانشگاه دانشجویان بازگو کننده ی آن مطالبات باشند.

به عنوان مثال در دهه ی ۲۰ که رضاخان از ایران خارج شد فضای جامعه ایران نسبتا باز گردید و حرکت های اجتماعی فرصت پیدا کردند که در جامعه به فعالیت پردازند، آن کسانی که تجربه داشتند مانند حزب توده زودتر از بقیه کار را شروع کردند. وقتی حزب توده تشکیل شد سازمان جوانان تشکیل گردید و نقش موثری در دانشگاه ایجاد کرد. همزمان با حزب توده نیروهای ملی، کسانی که در خارج از کشور تحصیل کرده بودند و آرمان های ملی داشتند آنها هم حزبی تشکیل دادند، که اول کانون مهندسان و بعد حزب ایران و بعد هم تشکیل نهضت ملی ایران در دهه ی ۳۰ بود، تشکیل این احزاب سیاسی ملی هم خود به خود یک پدیده ی اجتماعی بود که آرمان هایی را مطرح می کرد و باعث شد که بخشی از دانشجویان به آن پردازند در کنار این دو جریان یعنی جریان ملی و جریان مارکسیستی که در ایران بود یک جریان دیگری هم از شهریور ۲۰ فعالیت خودش را آغاز کرد. آنها کسانی بودند که هم با دنیا ی غرب آشنا بودند و هم با دنیای و فرهنگ بومی و اسلامی ما، و به این جمع بندی رسیدند که اگر ما بخواهیم تحولی در کشور ایجاد بکنیم با استفاده از واقعیت های اجتماعی می توانیم تحولی فرهنگی بوجود بیاوریم

^۱ مصاحبه محمد توسلی با انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه اهواز - خرداد ۱۳۸۶

تا تحول سیاسی اجتماعی شکل بگیرد. خوب پیش گامان این حرکت طالقانی، مهندس بازرگان و دکتر سحابی بودند این جریان یک جریان روشن فکری دینی بود که بعد از شهریور ۲۰ کار خود را آغاز کرد، خوب این سه جریان که کار خود را بعد از شهریور ۲۰ آغاز کردند؛ شما می بینید که در جنبش دانشجویی ما هم تاثیر گذاشت و در سال ۱۳۲۱ اولین انجمن اسلامی دانشجویان در دانشگاه تهران تاسیس شد، تاسیس انجمن اسلامی و شروع کار طالقانی، بازرگان و دکتر سحابی و پیوند خوردن این ها با یکدیگر سر آغاز تاسیس انجمن های اسلامی در دانشگاه ها و توسعه فعالیت آنها گردید.

این مثال را از این نظر عرض کردم که وقتی که در یک جامعه یک جریان اجتماعی بوجود می آمد، چون دانشجویان هم در متن جامعه بودند خود به خود انعکاس همین مطالبات و همین فعالیتها در دانشگاه بروز و ظهور پیدا می کرد.

در دهه ۲۰ جنبش دانشجویی در دانشگاه طبیعی بود که سیر مارکسیستی داشته باشد که احزاب مارکسیستی در جامعه قوی تر باشند، بعد از آن تمایلات ملی بود که در کنار آنها انجمن های اسلامی دانشجویی که حالت جنبشی داشتند خیلی محدود و زیر بنایی فعالیت خود را آغاز کردند بخاطر روشن تر شدن مطلب این نکته را عرض می کنم، خود من که ورودی سال ۱۳۳۵ در دانشگاه تهران بودم جلسات انجمن اسلامی دانشجویان که در سال ۲۱ شروع به کار کرد و به سال های ۳۵ و ۳۶ رسیده بود جلسات خود را حدود ۳۰ الی ۴۰ نفر تشکیل می داد؛ و ما در شرایطی عضو انجمن اسلامی بودیم که نماز خواندن در جامعه زیاد عرف نبود و در دانشگاه نمازخانه وجود نداشت فقط یک نمازخانه در دانشگاه فنی وجود داشت که دانشجویان می آمدند به طور پنهانی به طوری که، کسی آنها را نبیند نماز می خوانند و فضا طوری نبود که یک دانشجوی مسلمان بتواند راحت بیاید به نمازخانه و نمازش را بخواند و فضا، با فضایی که الان ما در جمهوری اسلامی می بینیم کاملا متفاوت بود. بنابراین دانشجویانی که عضو انجمن می شدند انگیزه داشتند، زمینه ذهنی و شخصیتی و خانوادگی داشتند، وقتی عضو می شدند یک عضو فعال با انگیزه و با علاقه، در تمام ابعاد مطالعه می کردند مثلا در دوره ما چندین منبع داشتیم برای گرفتن اطلاعات، یک منبع جلسات داخلی انجمن بود که کسانی که اطلاعات بیشتری داشتند سخنرانی می کردند و دیگران استفاده می بردند و یک منبع مسجد هدایت و تفسیر قرآن مرحوم طالقانی بود که شبهای جمعه برگزار می شد و تمام افراد انجمن اسلامی شب جمعه پای درس

تفسیر طالقانی بودند.

اگر شما خاطرات دکتر چمران را بخوانید در آنجا توضیح داده شده که بخشی از شخصیت اعتقادی دکتر چمران در مسجد هدایت و در ارتباط با طالقانی شکل گرفته بود. دکتر سبحانی، دکتر یزدی و خود بنده و کسانی که در انجمن های اسلامی بودند تماما بخش اعتقادی و قرآنی خود را از طالقانی می گرفتند. منبع دیگر ما جلسه های سخنرانی بود که به مناسبت های مختلف مثل عید فطرو مبعث برگزار می شد که کسانی مانند مهندس بازرگان و اساتیدی که فکر آنها با انجمن اسلامی هماهنگی داشت دعوت می شدند که سخنرانی بکنند. بعد از آن در سالهای ۳۵ و ۳۴ که مرحوم مطهری از حوزه به تهران آمد و جذب انجمنها شد، سخنرانی می کرد. در سال های دهه ۵۰ به تدریج افرادی مانند مرحوم دکتر بهشتی، مرحوم دکتر باهنر که در دهه های بعد به جمع روشن فکرهای دینی پیوستند و یکی از افتخارات و اعتبار اجتماعی این آقایان این بود که در جلسه ای که انجمن اسلامی مهندسین یا دانشجویان یا جلساتی که مهندس بازرگان یا دکتر سبحانی بودند شرکت کنند.

این مقدمه را عرض کردم که این واقعیت را به صورت تاریخی بیان بکنم و آنچه که در دانشگاه توسط دانشجویان اتفاق می افتاد انعکاس فضای اجتماعی جامعه بود. در یک دوره مارکسیست ها بودند، و در دهه ۳۰ که نهضت ملی ایران با حضور دکتر مصدق و نیروهای ملی تقویت می شدند طبیعی بود که دانشجویان توجه بیشتری به افکار و اندیشه های نیروهای ملی داشته باشند. در سال ۳۹ که جبهه ملی دوم تشکیل می شد سازمان دانشجویان وابسته به جبهه ملی در دانشگاه تهران تشکیل شد و نقش اصلی و کلیدی داشت که در این امر، هم دانشجویان ملی و هم دانشجویان مسلمان بودند، افرادی مثل دکتر شیبانی، بنی صدر کسانی بودند که در سازمان دانشجویی جبهه ملی حضور داشتند، خود من هم عضو جبهه دوم بودم که در سال ۳۹ و در این دوره که دوره فعال دانشجویی بود شرکت کردم، شما هم اگر جلو بیاید می بیند که در دهه ۵۰ حرکت های مصلحانه ای در جامعه وجود داشت، مثل سازمان مجاهدین خلق و چریک های فدایی خلق که طبیعی بود فضای دانشگاه هم متأثر از شرایط های جامعه قرار گرفته باشد.

دکتر شریعتی که سال ۴۷ کار فکری خودش را آغاز کرده بود، اول در مشهد بعد در حسینیه ارشاد کلاسهای ۵ هزار نفری دانشجویان را برگزار می کرد. طبیعتاً این دوره ای بود بین سالهای ۴۵ تا ۵۰ که اوج فعالیت دکتر شریعتی بحساب می آمد که دانشگاه هم متأثر از کلاسهای دکتر

شریعتی بود و از سال ۵۴ که اختلاف درمؤلفه سازمان مجاهدین بوجود آمد و تغییر مواضع داد طبیعی بود که چنین تغییری در دانشگاه بوجود آید.

جنبش دانشجویی و جنبش ملت ایران ادامه پیدا کرد اما رویای خودش بدون وابستگی به هیچ کدام از اینها تا پیروزی انقلاب اسلامی ایران و پیروزی انقلاب که ۱۳ آبان یکی از عوامل موثر آن بود در سال ۵۷ اتفاق افتاد که نقش دانشجویان و دانش آموزان را در انقلاب تصحیح می کرد. در جریان انقلاب می گویم که دانشگاه متاثر از رهبر فقید انقلاب آقای خمینی بود، و با دانشگاه های ما هم پیوند داشت، حرکت های اجتماعی در سال های بعد از انقلاب این روند ها را ادامه داد اما با یک تفاوت های، قبل از پیروزی انقلاب جنبش دانشجویی همیشه عنصر استقلال خودش را حفظ کرده بود و وابسته به حاکمان نبود و در جایگاه اپوزیسیون با طیف دیدگاه های سیاسی اجتماعی در هر مقطعی وجود داشت. ولی آن استقلال جنبش دانشجویی همیشه حفظ شده بود.

بعد از سال ۵۹ و خرداد ۶۰ اغلب انجمن های اسلامی دانشجویان یعنی دفتر تحکیم وحدت که بعدا شکل گرفت به نوعی با حاکمیت پیوند خورد و در دانشگاه اجرا کننده سیاست های حاکمیت جمهوری اسلامی قرار گرفت و در این مقطع بود که انجمن ها استقلال خود را عملا از دست دادند. این دوره ای بود که خود دفتر تحکیم آن را نقد و اصلاح کرده و نقاط مثبت و منفی این دوره را برجسته کرد، امروز هم همین طور است که فضای اجتماعی ما منفعل است؛ جنبش دانشجویی ما هم منفعل است. بنابراین این را نمی توان غیر عادی تلقی کرد. انفعالی که در دانشگاه وجود دارد از انعکاس و تاثیر پذیری فضای اجتماعی ما است.

من این خلاصه را گفتم که شما به طور کلان یک نگاه کاربردی پیدا کنید، که فعالیتهای دانشجویی و جنبش دانشجویی همواره از حرکت های اجتماعی ما تاثیر گرفته و تاثیر هم گذاشته و همواره یک نوع تعامل با جامعه داشته که این پدیده، پدیده ی مهمی است که اگر دانشجویان این پدیده ی تاریخی را خوب مطالعه کنند و جزییات و عناصر و مولفات آن را بررسی کنند با یک شناخت تاریخی بهتر رسالت و مسوولیت جنبش دانشجویی را در شرایط کنونی تعریف می کنند و از توی آن استراتژیک و تاکتیک درمی آورند.

دانشجویان چه تاثیری برای رسیدن به ملی شدن صنعت نفت داشتند و چه کارهایی کردند

با توضیحی که من دادم اگر بپذیریم که در تمام مقاطع که پیش از ۷۰ سال است که دانشگاه تاسیس شده و دانشجویان فعال بودند اگر آن تحلیل قبلی را خوب باز بکنیم دانشگاه تاثیر پذیرفته از شرایط اجتماعی بوده. طبیعی بود که در دهه ۳۰ در سالهای ۱۳۲۹ تا ۱۳۳۲ که نهضت ملی ایران فعالیت دانشجویان از شرایط بیرونی تاثیر گرفته بود. وقتی که جبهه ملی اول تشکیل شد خود به خود دانشجویان وابسته به جبهه ملی هم در دانشگاه به وجود آمدند و در همان زمان حزب توده هم که فعال بود. طبیعی است که دانشجویان وابسته به حزب توده هم در دانشگاه فعال بودند. اگر در سطح جامعه یک تقابل و یک برخورد بین نیروهای ملی و نیروهای وابسته به حزب توده قرار می گرفت در سطح دانشگاه هم این تقابل شکل می گرفت. در همین دوره که جنبش دانشجویی رشد پیدا کرده بود و انتخابات دموکراتی انجام می دادند. بنابراین هر گروهی سعی می کرد که در فضای دانشگاه بیشترین نماینده و تاثیر گذارتر باشد. مهم بود که در دانشگاه فنی یا علوم یا پزشکی، دانشجویی که انتخاب می شد وابسته به چه جریان سیاسی باشد. توجه داشته باشید که من در مورد جنبش دانشجویی صحبت می کنم در حالی که انجمن اسلامی دانشجویان همیشه هویت فکری و اعتقادی خود را حفظ کرده، ولی هیچ وقت مثل امروز در جمع های دیگر حل نشده بودند، بخاطر همین امر بود که دوام پیدا کردند و اصالت داشتند تا پیروزی انقلاب، که انجمنهای اسلامی دانشجویان هم در داخل کشور و هم در اروپا و هم در آمریکا هویت تاریخی خود را از دست ندادند. بنابراین در نهضت ملی ایران دانشجویان نقش مستقیمی نداشتند و این جریانات اجتماعی بودند که نهضت ملی ایران را بوجود آوردند. طبیعتا دانشگاه هم سنگری بود برای حمایت از آنچه که در جامعه انجام می شد. بعد از کودتای ۲۸ مرداد نهضت مقاومت ملی تشکیل شد و شخصیت های موثر اجتماعی مثل مرحوم حاج آقا رضا زنجانی، مرحوم بازرگان، دکتر سحابی، احزاب سیاسی که در آن دوران بودند همه در نهضتهای مقاومت ملی حضور پیدا کردند. در همین مقطع می بینیم که در درون نهضت مقاومت ملی کمیته های دانشجویی فعال شدند، و نقش موثر تری در این فعالیتهای داشتند. که در اسناد نهضت مقاومت ملی و نشریات و فعالیت های آنها که در دو جلد چاپ شده آمده است. بنابراین در این دوره جنبش دانشجویی در واقع مکمل فعالیت های احزاب و گروه های سیاسی بودند. و آنها هم در دانشگاه به نوبه خود این همکاری را داشته و کمک می کردند.

در این اواخر کسانی که وارد انجمنهای اسلامی می شدند صرفا گرایشهای خاص گذشته

را نداشتند و گرایش های جدید باعث شده که فقط از اسم انجمن های اسلامی برای اهداف خود استفاده کنند . به نظر شما دلیل این تغییر چه می باشد ؟

یکی از مشکلاتی که در فضای جنبش دانشجویی ما وجود داشت، همین پدیده بود، چون براساس مقررات فقط انجمنهای اسلامی دانشجویان که وابسته به دفتر تحکیم بودند و اساس نامه های آنها مورد تایید وزارت علوم و دانشگاه بود اجازه ی فعالیت داشتند؛ و به بقیه گرایشهای سیاسی فرصت فعالیت های قانونی داده نمی شد به تدریج انجمنهای اسلامی دانشجویان بخاطر نقد عمل کرده گذشته خود بعضا مبانی اعتقادی خودشان ضعیف شد و بیشتر به عنوان یک بستر که فعالیت اجتماعی داشته باشند در انجمن ها حضور پیدا می کردند، نتیجه این بود کسانی که در انتخابات حضور پیدا می کردند به تدریج پایه های اعتقادی آنها ضعیف و ضعیف تر می شد و گاهی هم باورهای دینی نداشتند، این موجب شد که نه تنها به انجمن های اسلامی بلکه به کل جنبش دانشجویی ضربه وارد شد ، نه انجمن هویت تاریخی خود را حفظ کرد نه بقیه حرکتیهای اجتماعی هویت واقعی خود را داشتند و حاکمیت با توجه به این شرایط یعنی بعد از سال ۷۸ به قدر مشخص ضربات سنگین به انجمن ها وارد کرد به طوری که انجمن ها عملا نقش زیادی نمی توانستند داشته باشند و این عمل باعث شده که خود دانشجویان هم منفعل تر باشند.

توصیه ما هم به دانشجویان این است که انجمن ها باید هویت تاریخی خود را حفظ بکنند، یک عضو رسمی انجمن اسلامی دانشجویان واقعا باید دانشجو و مسلمان باشد و اعتقاد اسلامی داشته باشد و انجمن باید فضایی تشکیل دهد برای رشد شخصیت فکری و اجتماعی و اعتقادیش، اگر اعضای انجمن اسلامی دانشجویان در قبل از انقلاب توانستند نقش موثری داشته باشند برای آنکه در دوران دانشجویی شخصیت شان تکمیل می شد هم در مورد مسائل فرهنگی ، اجتماعی و سیاسی مطالعه می کردند. وقتی دکتر چمران یا دکتر یزدی به خارج از کشور رفتند یا خود من که در سال ۴۲ به خارج از کشور رفتم هر جا که رفتیم مولد بودیم یعنی سازنده بودیم و توانستیم برای تاسیس انجمنهای اسلامی دانشجویان در اروپا امریکا یا نهادهای سیاسی و اجتماعی موثر عمل کنیم و به رقم فشارهای سیاسی و محرومیتها و فرایندی که در آن دوره طی شد تا آخرین روز حیاتشان همان اعتقادات را حفظ کردند و ایستادند و مقاومت کردند، امروز هم ایستاده اند و در همان راستا عمل می کنند شما تفاوتی در آقای دکتر یزدی امروز و دکتر یزدی دهه ۳۰ نمی بینید طبیعتا رشد کرده اند و به هنگام شده اند اما همان دکتر یزدی هستند . مهندس سبحانی همان

مهندس سحابی است و از هویت تاریخی خود جدا نشده و گسست شخصیتی پیدا نکرده و از ۶۰ سال عملکرد خود دفاع و اسنادش را منتشر می کند و سربلند هم هست. این یک توصیه؛ توصیه بعد این است اگر فضای سیاسی جامعه ما طوری است که بقیه نگرشها نمی توانند به طور قانونی جایگاهی و فرصتی برای فعالیت داشته باشند، انجمن می تواند میزبان آنها باشند، بدون آنکه هویت خود را از دست بدهند.

آنها هم در بحث ها، آزاد شرکت کنند و دیدگاه های مختلف خود را مطرح نمایند در ضمن زمینه ی رشد جامعه را ایجاد کنند و در کنار آنها اعضای انجمن هم از دیدگاه خود دفاع کنند. آنها می توانند تریبون آزاد ایجاد کنند و از اساتیدی که دیدگاه مختلف دارند به طوری که تک صدایی نباشد استفاده نمایند انجمن می تواند نقش میزبانی داشته باشد اما نباید بی هویت باشد، چون بی هویتی او هم به انجمن ضربه زده، هم بقیه جریانها نتوانستند نقش موثری داشته باشند؛ این یک مسئله، اما جنبش دانشجویی وابسته به اعتقادات افراد نیست همه کسانی که در دانشگاه دانشجو هستند باید بتوانند در سازمان دانشجویی حضور داشته باشند و در چارچوب انتخابات دموکراتیک، نماینده های خود را انتخاب کنند این در واقع سازمان دانشجویی است که قبلا هم ما مطرح کردیم و درباره ی آنها توضیح دادیم، اگر جنبش دانشجویی تشکیل شود در درون جنبش دانشجویی هم انجمنهای اسلامی دانشجویان فعالیت داشته باشند و بقیه انجیوها و بقیه نگرشها فعالیت خود را انجام دهند و با همدیگر در تعامل باشند، این زمانیست که دانشگاه فضای سلامتی می شود و زمینه های رشد فکری و اجتماعی و شخصیتی آنها را فراهم می کند.

من این نکته را عرض کنم که ما فکر می کردیم چون مهندس بازرگان در دانشگاه فنی بود ما فعالیت سیاسی می کردیم، اما در مدتی که من در خارج از کشور بودم دیدم که این طور نیست در اروپا و امریکا، آنها برای اینکه دانشجویان در دوران تحصیل رشد بکنند خودشان یک تسهیلات زیادی برای دانشجویان فراهم می کردند که مناسب با ذوق و علاقتشان درگیر فعالیت های دانشجویی شوند مثلا من که در دانشگاه ایورو آمریکا بودم یک ساختمان بزرگ را اختصاص داده بودند به فعالیت های دانشجویی، انجمن اسلامی دانشجویان آمریکا و کانادا که در دانشگاه تاسیس شده بود و آقای دکتر بهادری نژاد که دانشجوی دکتری در آنجا بودند و اکنون استاد دانشگاه شریف هستند یکی از پایه گذاران انجمن بودند در آن ساختمان ما دفتر داشتیم و از امکانات و تسهیلات آن استفاده می کردیم در آن ساختمان اتاقهایی مثل کتابخانه - بحث

و گفتگو - موسیقی - رقص - نقاشی - واحدهایی بود که می توانستند تایپ و تاکثیروتمام نیازهایی را که لازم بود را انجام دهند. بنابراین ما باید توجه کنیم که تنها وظایف دانشجویان هست که در این دوران فرصتهایی برای خود ایجاد کنند، وزارت علوم و مقامات دانشگاهی هم باید چنین فرصتهایی فراهم کنند و امکانات را در اختیار دانشجویان قرار بدهند. یک فارغ التحصیل دانشگاهی ما فقط اگر بخواهد درس بخواند شخصیت رشد یافته ایی برای یک مدیر موفق در جامعه نخواهد بود. یک مدیر و یک کارشناس موفق کسی است که شخصیت آن در دوران دانشجویی رشد کرده باشد اگر رشد نکند و فقط از یک محفوظات استفاده نماید نمی تواند در دوره های بعد موفق باشد. و این مشکلی است که ما در دانشگاه داریم متاسفانه وقتی ما با فارغ و التحصیلانمان در سطح حرفه ای مصاحبه می کنیم عموماً چنین نقیصه هایی را می بینیم که انگیزه های شخصی دارند و انگیزه خدمت اجتماعی آنها بسیار ضعیف است و هر کس فکر آن است که گلیم خود را از آب بیرون بکشد وقتی که ما وارد دانشگاه شدیم انگیزه های اجتماعی داشتیم، بخاطر همان تربیت اجتماعی پیدا کرده بودیم و می خواستیم درسی بخوانیم که بتوانیم به جامعه بیشتر خدمت بکنیم وقتی هم فارغ التحصیل شدیم چه در خارج از کشور چه در ایران بخشی از وقت خود را صرف کار اجتماعی کردیم؛ چرا؟! برای اینکه این نیاز در درون ما و شخصیت ما نهادینه شده بود طوری بود که افرادی مثل دکتر چمران دکتر یزدی یا خوده بنده که امریکا بودم بعد از سال ۴۲ درس و امکانات را رها کردیم و به مصر برای فرا گرفتن فنون نظامی رفتیم شما فکر می کنید فارغ التحصیل های امروز ما آن امکانات را رها می کنن و بروند به مصر برای فرا گرفتن فنون نظامی؟! یک همچین دانشجویانی بسیار نادر هستند بنابراین این توصیه هم به دانشجوها هست هم به مدیران دانشگاه که به این موضوع توجه داشته باشند.

یعنی شما می فرمایید گرایشها به سمت انجمن؛ فقدان احزاب در دانشگاه است که باعث

می شد افراد مختلف با گرایش مختلف وارد انجمن بشوند؟

طبیعی است در خلع امکانات و تحصیلات و نا پختگی و نسنجیدگی انجمن ها که هویت تاریخی خود را از دست دادند و فضایی بوجود آمد که نه انجمن و نه آنها توانستند موفق بشوند و باعث شدند که بسیج در دانشگاه حضور و پایگاه پیدا کند و آن اصلی را که باید دانشجو مستقل باشد، آنها نقض کردند چون وابسته به نهاد نظامی هستند و خودشان هم تایید می کنند. و این ضلم به دانشجویانی است که به خاطر اعتقادات مذهبی خود وارد بسیج می شوند و این یک

واقعیت تاریخی است شاید هم این نقد برای بسیاری سنگین باشد اما این یک ظلم تاریخی است که به دانشجویان مسلمان می کنند که می روند عضو بسیج می شوند اعتقاد آنها محترم است اما اگر آنها مستقل نباشند شخصیت آنها رشد نمی کند و همیشه به فکر آنها دیکته می شود و خودشان اطلاعات را نمی گیرند که تولید و تحلیل کنند تا ذهنیت خلاق داشته باشند و این نقصی است که وجود دارد اما واقعیت این است که وقتی مقایسه می کنیم می بینیم آنها جوانهای مسلمان تری هستند و ممکن است به لحاظ اخلاقی سالم تر باشند . و آنها یی هم که در خانواده ایی مسلمان هستند می روند عضو بسیج می شوند که به آنها امکانات و تسهیلات و امید به آینده و اشتغال می دهند و این ظلمی است که دارد اتفاق می افتد و کمتر مورد توجه قرار می گیرد .

همانطور که خود شما می دانید دانشجویان در دوره به وجود آوردن اصلاحات خیلی فعال و عامل بروی کار آمدن اصلاحات بودند و کسی هم نمی تواند این قضیه را کتمان کند اما بعد از یک مدت می بینی که دانشجویان از رئیس جمهور اصلاحات و از مجلس اصلاحات روی بر می گردانند شما فکر می کنید دلیل این قضیه چیست؟

این همان چب روی است که در انجمنها به وجود آمد آنها جایگاه خود را تشخیص ندادند و بحث عبور از خاتمی و عبور از قانون اساسی و حتی بحث عبور از اسلام را مطرح کردند مطالبی را گفتند که با هویت فعالیت دانشجویی همخوانی نداشت شما انجمن اسلامی دانشجویان هستید و در دانشگاه می خواهید فعالیت کنید مگر می توانید خارج از مقررات عمل کنید؟ ما به اتکای همین قانون اساسی و مقررات است که می توانیم حرفهایمان را بزنیم اگر شما از ان عبور کنید چیزی برای ان باقی نمی ماند جنبش دانشجویی جنبش قانون مندی است و در چارچوب مقررات و قانون عمل می کند چرا؟! چون می خواهد در دانشگاه حضور داشته باشد اما این حق را دارد نتنها آقای خاتمی نتنها وزیر علوم حتی می تواند مقام رهبری را هم نقد کند و تند ترین نقد ها را بکند و هیچ کس نمی تواند به آن ایراد بگیرد این ناپختگی و ناسنجیدگی دانشجویی ما بود که شعارهایی بی رویه دادند و خارج از حرمت دانشجویی زمینه سرکوب خود را فراهم کردند اگر انجمنها می ماندند و دیگران هم می ماندند و در چارچوب قانون و از نقاط قدرت استفاده می کردند هم نقد می کردند و هم فضای دانشگاه را منفعل نمی کردند که دانشجویان جرات نکنند وارد مسائل اجتماعی و فرهنگی و سیاسی بشوند بنابراین شما باید یک تحقیق بکنید در واقع نقاط ضعف را کاملا برجسته کنید و این یک نقدی است بر عملکرد دفتر تحکیم وحدت در آن سالها، و

درآوردن یک استراتژیک برای آینده که دانشجویان آن خطاها را تکرار نکنند دقت بکنید که جنبش دانشجویی یک جریان رونده است شما ۴ سال در دانشگاه هستید و بعد از ۴ سال افراد جدید می آیند و این افراد نمی توانند در جایگاه حزب سیاسی باشند و کاری که احزاب می کنند بخواهند انجام دهند این یک ناپخته گی و نگرفتن اطلاعات درست و نداشتن تحلیل از جایگا طبیعی و واقعی دانشجویان است.

در این دوران وظائف اصلی دانشجو تحصیل است اگر جنبش دانشجویی زمینه ای را فراهم کند که دانشجو نتواند به تحصیل خود ادامه دهد این بزرگترین ظلم به دانشجویست و در کنار علم و دانش شناختن شخصیت اجتماعی الزامی است. اما شما نمی توانید چپ روی کنید و به خاطر مسائل سیاسی آن بخش اصلی را جدا کنید و بعد از فارغ التحصیل شدن هم به لحاظ اجتماعی شخصیت توانایی بشود و این یکی از نکاتی است که باید به ان توجه شود و دانشجویان نگاه روشنی به ان داشته باشند و اگر اشتباهاتی در گذشته بوده تکرار نکنند.

مأموریت راهبردی احزاب^۱

روز جمعه ۱۱ خرداد ماه ۸۶، دوازدهمین کنگره مجمع دانش‌آموختگان ایران اسلامی، در فضای محدود سالن کنفرانس ویلا برگزار شد. در پیش‌جلسه کنگره مزبور که جمعی از فعالان سیاسی، دانشگاهی، مطبوعاتی و اعضای این تشکل حضور داشتند، گزارش دبیر کل مجمع و سخنان دو سخنران مدعو این جلسه، حائز نکات مهمی است که می‌تواند مورد بررسی بیشتری قرار گیرد:

۱. دبیر کل محترم مجمع آقای رحمانقلی قلی زاده ضمن گزارش سیر تحول شکل‌گیری این تشکل و مسائل و تنگناهایی که برای فعالیت احزاب و تشکل‌های سیاسی در شرایط کنونی وجود دارد، دو راهبرد آزادی و دموکراسی خواهی را برای خروج از بحرانهای کنونی معرفی کردند که می‌تواند محور مشترک فعالیت، همه احزاب و گروههای سیاسی قرار گیرد (نقل به مضمون).

۲. جناب مهدی کروی، دبیر کل محترم حزب اتحاد ملی نیز ضمن یادآوری سرگذشت احزابی که بعد از انقلاب تشکیل شده‌اند با نقد عملکرد برخی از احزاب موجود، تاکید کردند که احزاب با استفاده از رانت قدرت نمی‌توانند کارکرد حزبی مفید و موثری داشته باشند. راه حل آنستکه احزاب مستقل از قدرت و با اتکاء به مردم تشکیل و سازماندهی شوند تا بتوانند با جلب اعتماد مردم کارکرد حزبی موثری داشته باشند (نقل به مضمون).

۳. جناب بهزاد نبوی، عضو ارشد سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی نیز در سخنان خود ضمن اشاره به سوابق احزاب قدرت ساخته قبل و بعد از انقلاب به بیان مظلومیت احزاب و تحزب در ایران، البته بدون ذکر مصادیق آن، پرداختند و ریشه اصلی آن را استبداد معرفی کردند (نقل به مضمون).

اگر از تعریض‌ها و نقدهائی که در مطالب سخنرانان مدعو مطرح شد، و از مطالبی که در حدود سه دهه گذشته به احزاب خارج از حاکمیت مانند نهضت آزادی ایران رفته است صرف‌نظر شود، محورهای اصلی هر سه سخنران این پیش‌جلسه کنگره مأموریت خطیر احزاب سیاسی را در شرایط کنونی مورد تاکید قرار میدهد.

اگر در غیاب آزادی و دموکراسی و مشارکت واقعی مردم در اداره کشور، اجرای موفقیت‌آمیز

^۱ یادداشت محمد توسلی - هم‌میهن - ۱۳۸۶/۳/۱۷

برنامه های توسعه امکان پذیر نیست، و اگر بدون حضور واقعی احزاب سیاسی، نهادهای مدنی و آزادی مطبوعات، آزادی و دموکراسی قابل تحقق نیست، مأموریت راهبردی احزاب و گروههای سیاسی تلاش برای تأمین آزادی های اساسی تصریح شده در قانون اساسی و اعلامیه جهانی حقوق بشر است تا موانع آزادی و دموکراسی و حاکمیت ملی از سر راه ملت برداشته شوند و با اجرای برنامه های توسعه، عقب ماندگی کشور جبران شود، و مشکلات مردم کاهش یابد.

اجرای این برنامه با توجه به زمینه های دیرین فرهنگ استبدادی که مطالبات ملت ما را در طول یکصدسال اخیر همواره در مقاطع مختلف با دشواری روبرو ساخته است از عهده یک حزب یا گروه سیاسی خارج بوده و تنها راهکار، گفتگو و همکاری مشترک همه احزاب و گروههای سیاسی و ائتلاف حول مطالبات تاریخی مردم ایران یعنی "آزادی و دموکراسی" و "حقوق بشر" است، تا سایه مظلومیت و محدودیت از احزاب سیاسی و سایر نهادهای مدنی روی برکند و به تدریج ساختارهای لازم برای تحقق این گفتمان غالب فراهم شود.

دبیر کل مجمع در پایان گزارش خود سئوالی را مطرح کرد که چرا احزاب در ایران ریشه پیدا نکرده اند و نتوانسته اند تاکنون به رسالت و مأموریت خود در حوزه عمومی و کنترل دولت ها، جامعه عمل ببوشانند. در پاسخ می توان به اختصار اشاره کرد که ریشه اصلی این مشکل در فرهنگ دیرین استبدادی جامعه ما قرار دارد که مانع شکل گیری همکاریهای جمعی و بویژه تداوم آنهاست. روحیه خودخواهی، خودمحوری، خودرأیی، جاه طلبی و نادرستی از آفت های موفقیت کارهای جمعی است. آسیب شناسی این معضل فرهنگی - اجتماعی نیازمند کار پژوهشی است. در گذشته کارهای با ارزشی صورت گرفته و ضروری است کار گذشتگان ادامه پیدا کند و بصورت راهکارهای نظری و عملی برای اصلاح این رفتارهای ناهنجار اجتماعی در اختیار همگان قرار گیرد.

شادروان مهندس بازرگان در مقاله تعریف "حکومت از پایین" که در سال ۱۳۳۵ نوشته شده و اخیراً با حذف قسمتهایی از آن منتشر شده است و همچنین در جزوه "احتیاج روز" که در سال ۱۳۳۶ در جشن عید فطر انجمن اسلامی دانشجویان ارائه و به دفعات چاپ شده است و آثار دیگری که در مجموعه آثار آمده است، به این سوال مهم پاسخ داده و راهکارهای عملی نیز برای

تمرین دموکراسی و تربیت اجتماعی ارائه کرده است.^۱

اگر در این فرآیند خصلت های ناهنجار ما اصلاح شود و افراد با روحیه همکاری جمعی تربیت شوند زمینه برای تقویت همکاری احزاب و گروه های سیاسی نیز فراهم میشود و بستر برای استقرار دموکراسی و مشارکت قانونمند مردم در اداره جامعه فراهم خواهد شد. البته این فرآیند تدریجی و طولانی است و هر مرحله آن کلاس و آزمایشگاهی است برای بروز و ظهور خصوصیات افراد و طرد افراد سطحی، تو خالی ولی پر ادعا و جذب افراد با حقیقت و با استعداد. اگر مدیران احزاب و گروه های سیاسی که هم خود را صرف دستیابی به قدرت و حکومت از بالا می کنند، تا موانع آزادی و دموکراسی مرتفع شود، دست کم بخشی از ظرفیت و توان خود را به راهکارهای حکومت از پایین که در مقاله تاریخی زنده یاد مهندس بازرگان نیز به آن پرداخته شده است اختصاص دهند، دیدگاه دستیابی به قدرت بهر قیمت تعدیل می شود و کاهش رقابت های قدرت زمینه مناسب تری برای توافقاتها و همکاری های اجتماعی فراهم میکند و در چارچوب مطالبات تاریخی مردم یعنی آزادی و دموکراسی و حقوق بشر، مرزبندی های تصنعی خودی و غیر خودی از بین خواهد رفت و احزاب سیاسی رسالت و مأموریت خود را بهتر به انجام خواهند رساند.

^۱ علاقه مندان برای توضیح بیشتر میتوانند به مقاله احتیاج روز اینجانب، مندرج در مجموعه مقالات کتاب "بازرگان، راه پاک"، انتشارات کویر مراجعه نمایند.

از «حج» لذت بردم^۱

آثار دکتر شریعتی همه خواندنی، پرجاذبه و تأثیرگذار هستند، اما از اثر حج شریعتی بیشترین استفاده ولذت را برده‌ام. این آثار را می‌توان به دو بخش فرا زمانی و مکانی و زمان و مکان‌دار تقسیم کرد. آثاری مانند جهت‌گیری طبقاتی اسلام (م آ ۱۰) و امت و امامت بیشتر پاسخگوی نیازهای شرایط اجتماعی - سیاسی دهه چهل و پنجاه بود و امروز نیاز به نقد بیشتری دارند. اما آثاری چون شیعه علوی و صفوی، فاطمه فاطمه است، کویر، حج، علی(ع)، ما و اقبال و ... که در دهه چهل و پنجاه تأثیر زیادی در تغذیه فکری جوانان و نسل مبارز جامعه ما داشت، توانست ایدئولوژی بومی را جایگزین ایدئولوژی وارداتی کند و زمینه‌های تربیت کادرهای دوران تدارک انقلاب و مدیریت سالهای بعد از انقلاب را به رغم موانع ساختاری فراهم سازد. اندیشه و آثار گرانددر دکتر شریعتی مرهون ایمان، عشق، دانش و تلاش نستوه آن زنده یاد است که راه را برای تداوم تلاش فکری روشنفکران دینی هموار ساخته است.

^۱ یادداشت محمد توسلی - نشریه هم میهن - ۱۳۸۶/۳/۲۸

ضرورت تشکیل جبهه ای برای تامین آزادی و سلامت انتخابات^۱

رئیس دفتر سیاسی «نهضت آزادی ایران» از اصلاح طلبان خواست تا خودخواهی و قدرت طلبی را کنار بگذارند و با وحدت رویه و هماهنگی زمینه موفقیت در انتخابات آینده را فراهم کنند. «محمد توسلی» رئیس دفتر سیاسی «نهضت آزادی ایران» در گفت‌وگو با خبرنگار «ایلنا»، تصریح کرد: «اصلاح طلبان باید به جای پراکندگی حول محورهای مشترک که همان مطالبات تاریخی ملت ایران است، به وحدت برسند و بحث‌های خودی و غیرخودی را کنار بگذارند.» وی مهمترین مساله انتخابات مجلس را «تامین آزادی» و «سلامت انتخابات» ارزیابی کرد و افزود: «همان‌طور که همه می‌دانیم، بسیاری از احزاب، گروه‌ها و شخصیت‌های سیاسی اجتماعی در تحلیل انتخابات سال گذشته آن را پُر ابهام‌ترین، ن‌آزادترین و ناسالم‌ترین انتخابات دوران پس از پیروزی انقلاب انقلاب دانستند.»

توسلی با اشاره به اینکه «نهضت آزادی ایران در انتخابات مجلس به میدان خواهد آمد و به رسالت تاریخی خودش که آگاهی‌بخشی است، عمل خواهد کرد» و گفت: «ما از احزاب و شخصیت‌های سیاسی می‌خواهیم که به صورت گسترده، هماهنگ یا به صورت مشترک در این زمینه به وظیفه و رسالت خودشان عمل کنند.»

رئیس دفتر سیاسی نهضت آزادی ایران تاکید کرد: «رسالت احزاب، گروه‌های سیاسی، نهادهای مدنی و همه علاقه‌مندان به سرنوشت انقلاب و ملت باید تلاش برای تامین آزادی و سلامت انتخابات باشد.»

وی در پایان پیشنهاد کرد: «جبهه‌ای برای تامین آزادی و سلامت انتخابات شکل بگیرد و همه حول این محور تلاش کنند تا زمینه‌های عملی انتخاباتی سالم و آزاد فراهم و دسترسی مردم به حق قانونی‌شان میسر شود.»

^۱ مصاحبه محمد توسلی با خبرگزاری کار ایران (ایلنا) - ۱۳۸۶/۴/۵

مشکلات پیش روی انتخابات مجلس هشتم^۱

- فعالیت قانونی، علنی و مسالمت‌آمیز، سیاست همیشگی ما است
- بزرگترین چالش انتخابات پیش رو، رفتار شورای نگهبان است

روندی که نیروهای ملی - مذهبی و نهضت آزادی ایران در ادوار مختلف انتخابات گذشته طی کرده‌اند نشان‌دهنده يك سيكل معيوب ثبت‌نام - رد صلاحیت - اعتراض محدود (در حد بیانیه) است. پرسش این است چرا نیروهای ملی - مذهبی برای شکستن این سيكل نتوانستند به يك راهکار مشخص دست یابند؟

من ترجیح می‌دهم پیش از پاسخ به پرسش شما مفهوم، اصطلاحاتی که به کار بردید را روشن کنم. نیروهای ملی - مذهبی طیف گسترده‌یی از نیروهای سیاسی با سابقه هستند که نهضت آزادی هم یکی از قدیمی‌ترین احزاب این طیف است. برای اینکه اشتباهی پیش نیاید بنده به عنوان رئیس دفتر سیاسی نهضت آزادی ایران صرفاً در خصوص مواضع نهضت آزادی صحبت می‌کنم. برای پاسخ درست به این سؤال ناگزیر به بیان مقدماتی هستم، نهضت آزادی ایران دارای خط مشی کاملاً مشخصی است. حزبی است قانونی که فعالیت علنی و مسالمت‌آمیزی دارد، ما معتقدیم که بعد از انقلاب این استراتژی و این سیاست راهبردی است که می‌تواند مفید باشد و به همین مناسبت در طول این ۲۸ سال هیچ‌گاه افراط و تفریط نداشته است و همواره در راستای همین استراتژی عمل کرده و در دام برنامه‌های گروه‌های غیرموافق با این سیاست چه داخل و چه خارج از کشور نیفتاده و به طور روشن و شفاف در این راستا عمل کرده است. در راستای چنین سیاست راهبردی حضور در انتخابات همیشه فرصتی بوده که بتوان با مردم ارتباط برقرار کرد و با توجه به اینکه انتخابات بستری است برای تقویت فرآیند دموکراسی، حضور و مشارکت واقعی مردم در تعیین سرنوشت کشور، توجه به موانع تاریخی که برای حضور و مشارکت مردم وجود داشته و مانع از تحقق حاکمیت ملی شده بسیار مهم است. بنابراین مهمترین مساله در بحث برگزاری انتخابات، آزادی و سلامت انتخابات بوده است. نهضت آزادی ایران هم همیشه به این دو موضوع توجه ویژه داشته است. برای درک بهتر این موضوع، نخست نحوه مواجهه نهضت آزادی ایران با موضوع انتخابات در ۲۸ سال گذشته را مرور می‌کنیم. در انتخابات دوره

^۱ مصاحبه محمد توسلی با خبرنگار روزنامه اعتماد - کیوان مهرگان - ۱۳۸۶/۴/۱۱

اول مجلس، نهضت آزادی ایران با تشکیل ستاد "همنام" در انتخابات شرکت کرد و جمعی از سران نهضت در مجلس اول حضور داشتند. در انتخابات دوم، سوم و چهارم مجلس به خاطر شرایطی که بر انتخابات حکمفرما بود نهضت در انتخابات حضور می‌یافت اما چون حداقل شرایط انتخابات آزاد و سالم فراهم نبوده، از ثبت‌نام و رأی دادن امتناع کرده است. از انتخابات دور پنجم که شرایط خاصی فراهم شد و برخی از نامزدهای ما در انتخابات مجلس پنجم تأیید صلاحیت شدند نهضت وارد مرحله ثبت‌نام شد اما در مرحله بعد که محدودیت‌هایی فراهم شد باز حاضر به شرکت در انتخابات و رأی دادن نشد. در خرداد ۷۶ که شرایط سیاسی جدیدی به وجود آمد، نهضت یک گام جلوتر آمد. در واقع برنامه‌ی که آقای خاتمی ارائه داد تأکید بر توسعه سیاسی بود که نهضت آزادی ایران از سال ۱۳۶۰ به دنبال آن بود و بعلاوه برنامه آقای خاتمی همان محورهای نامه نود امضایی بود که در سال ۱۳۶۹ نیروهای ملی و مذهبی آن را امضاء و هزینه آن را هم پرداخت کردند. برنامه آقای خاتمی ادامه همان روندی بود که نهضت بعد از انقلاب دنبال کرده بود. بنابراین نهضت آزادی ایران در انتخابات شرکت کرد، اما چون شورای نگهبان بیش از سیصد نفر از نامزدهای انتخابات از جمله نامزدهای ما یعنی مهندس سبحانی، مهندس معین‌فر، دکتر یزدی و خانم طالقانی را رد صلاحیت کرد، در اعتراض به عملکرد این شورا رأی اعتراض سفید داد.

هدف‌تان از دادن رأی سفید چه بود؟

رأی سفید هم مشارکت و هم نشانه اعتراض ما به تصمیم شورای نگهبان بود. در انتخابات شوراها، باتوجه به نقشی که شوراها در تقویت و ایجاد زیرساخت‌های جامعه دموکراتیک دارند، ما همیشه به این نهاد توجه ویژه‌ای داشته‌ایم. بعد از دوم خرداد و در سال ۱۳۷۷ که اولین انتخابات شوراها برگزار شد ما استقبال کردیم، نامزد دادیم، ثبت‌نام کردیم و اگرچه نامزدهای نهضت رد صلاحیت شدند اما رأی دادیم و شرکت کردیم.

فرق این انتخابات با ادوار گذشته چه بود که شما به‌رغم رد صلاحیت نامزدهای‌تان شرکت

کردید؟

همان‌طور که گفتم شوراها در تقویت و ایجاد زیرساخت‌های جامعه دموکراتیک نقش دارند و این کمک می‌کند به اینکه روحیه کار جمعی در کشور شکل بگیرد. ما در اسفند سال ۵۷ در شهرداری تهران دو برنامه داشتیم، قبل از اینکه در قانون اساسی، شوراها مطرح شوند، گروه‌های

کارشناسی تشکیل شد. قانون شوراها در تهران را بررسی کردیم و در اختیار وزارت کشور قرار دادیم و همان موقع انتخابات شوراها را برای گودنشینان تهران برگزار کردیم، به این سابقه تاریخی اشاره کردم تا اهمیت شوراها و علت رأی دادن در انتخابات شوراها را به رغم رد صلاحیت نامزدهای نهضت را توضیح دهم. در دوره دوم شوراها در شرایطی که مجلس ششم نظارت بر انتخابات شوراها را بر عهده داشت، صلاحیت نامزدهای نهضت تأیید شد. ما هم فهرست دادیم و در انتخابات شرکت کردیم. در انتخابات دور سوم به همین ترتیب ثبت نام کردیم و اگرچه صلاحیت نامزدهای ما تأیید نشد اما از لیست اصلاح طلبان حمایت کردیم. هدف از بیان این مقدمه این بود که ما یک فرآیند کاملاً منطقی را در راستای استراتژی که داشته ایم طی کردیم. در انتخابات دور نهم ریاست جمهوری که نامزد نهضت رد صلاحیت شد، اما در فرآیندی که به وجود آمد ما هم از نامزدی دکتر معین حمایت کردیم. در دور دوم این انتخابات رأی اعتراض ما به احمدی نژاد بصورت حمایت از هاشمی رفسنجانی متجلی شد.

چرا رای سفید ندادید؟

چون وقتی دو نامزد وجود داشته باشند، رای سفید دیگر معنی ندارد.

با این اوصاف در انتخابات مجلس هشتم چه راهی را در پیش خواهید گرفت؟

با بررسی شرایط خاصی که بعد از انتخابات ۲۴ آذر سال گذشته انجام شد در راستای همان استراتژی راهبردی خویش در انتخابات هشتم حضور خواهیم داشت.

کدام شرایط؟

انتخابات ۲۴ آذر نشان داد که بسیاری از احزاب و فعالان اصلاح طلب از نهضت آزادی تا سازمان مجاهدین انقلاب آن انتخابات را یکی از پرابهام ترین، نا آزادترین و ناسالم ترین انتخابات جمهوری اسلامی می دانند بنابر این در بین احزاب اصلاح طلب و شخصیت های ملی - اجتماعی و سیاسی نسبت به کارنامه دولت در برگزاری انتخابات آزاد، سالم و رقابتی سوال های اساسی وجود دارد. این دغدغه احزاب و فعالان سیاسی - اجتماعی یک محور مشترک است که ما پیشنهاد می کنیم برای پیشگیری از آنچه در انتخابات شوراها رخ داد احزاب اصلاح طلب جبهه یی را برای تامین آزادی و سلامت انتخابات تشکیل دهند.

که این جبهه چه کار کند؟

در گام اول مواضع احزاب حول محورهای مشترک هماهنگ می شود. این حرکت آگاهی بخش

می‌تواند هشدارها را به دولت و مسوولان برساند که دغدغه احزاب نگرانی از عدم آزادی و سلامت انتخابات است.

چه عللی شما را به این نتیجه رسانده که انتخابات هشتم آزاد نیست؟

شورای نگهبان تصریح کرده است همان رفتارهای گذشته را در بررسی صلاحیت‌ها دنبال خواهد کرد.

این جبهه چه اقدامی می‌تواند انجام بدهد؟

اگر احزاب و گروه‌های سیاسی بتوانند با هماهنگی علاوه بر اعلام موضع مشترك در این زمینه اقدامات مشتركی انجام بدهند و حول این محورها گفت‌وگوها و رایزنی‌هایی را سامان بدهند تا به عمل مشترك تبدیل شود، مطمئناً می‌تواند آثار مبارکی در جهت اهداف اصلاحات برای آینده کشور در برداشته باشد. بنابراین این پیشنهاد ما به همه احزاب، گروه‌ها و شخصیت‌های اصلاح طلب است. ما از الان تا ۱۵ دی‌ماه که آغاز ثبت‌نام‌ها است وقت داریم که شرایط حداقلی انتخابات را فراهم کنیم.

و اگر فراهم نشد؟

اگر همان روند انتخابات دور دوم، سوم و چهارم تکرار شود، طبیعی است که ما همان شیوه‌ها را دنبال می‌کنیم اما اگر حداقل‌هایی فراهم شود با توجه به تحرکی که در آینده فراهم می‌شود در راستای منافع ملی ممکن است مواضع دیگری اتخاذ شود.

برگردیم به موضع شما در انتخابات پنجم، در آن انتخابات به‌رغم اینکه نامزدهای تان تأیید شدند اما به دلیل فراهم نبودن امکانات تبلیغ انصراف دادید. اگر شرایط مثل آن دوره باز تولید شود، باز شما همان موضع را خواهید گرفت؟

شرایط برگزاری انتخابات مجلس پنجم چه از نظر داخلی و چه از نظر بین‌المللی با شرایط امروز به کلی متفاوت است. در آن شرایط هنوز جبهه اصلاحات شکل نگرفته بود، روزنامه‌ها تا این حد گسترش نیافته بودند و سیستم ارتباطی پیشرفت نکرده بود. در آن شرایط ۴ نفر از نامزدهای نهضت‌آزادی ایران و افراد نزدیک به مهندس سبحانی تأیید صلاحیت کردند. در آن روزها هیچ امکان ارتباطی برای ما فراهم نبود. حتی چاپخانه‌ها از چاپ پوستر تبلیغاتی نامزدهای ما سرباز می‌زدند، هیچ مکانی را برای تشکیل جلسات به ما نمی‌دادند، وقتی هیچ امکان عملی برای شرکت در انتخابات فراهم نبود، حضور نامزدهای ما بی‌معنا بود، در حالی که شرایط امروز

به کلی دگرگون شده است. بنابراین با تحلیل واقع‌بینانه شرایط، ما موضع‌گیری متناسبی خواهیم داشت.

شما مدام بر وجود حداقل‌ها در انتخابات تأکید کردید، این حداقل‌ها کدام است؟

ما فکر می‌کنیم بزرگ‌ترین چالش انتخابات پیش‌رو، رفتار شورای نگهبان است چون شورای نگهبان در انتخابات مجلس هفتم، بیش از دو هزار نفر از نامزدهای شناخته شده را که بسیاری از آنها از مدیران جمهوری اسلامی و از نمایندگان مجلس ششم بودند با اتهامات واهی رد صلاحیت کردند. آیا این حجم از رد صلاحیت‌ها جز برای این بود که نامزدهای محافظه‌کاران بتوانند در حوزه‌های انتخابی خودشان به راحتی پیروز شوند. این یعنی انتخابات فرمایشی، در یک چنین انتخاباتی که شورای نگهبان تدارک دیده بود، نقض قانون اساسی و نقض حقوق بشر و معیارهای شناخته شده برای برگزاری انتخابات آزاد بود. بنابراین تکرار رفتار شورای نگهبان مسأله ساده‌یی نیست که ما به سادگی از کنار آن عبور کنیم، به اعتقاد ما شورای نگهبان برای اصلاح رویه خود باید توسط همه نیروهای مؤثر اجتماعی تحت فشار قرار بگیرد و کسانی که در شورای نگهبان مسوول هستند باید بپذیرند در قرن ۲۱ با گذشت ۲۸ سال از انقلاب که شعار اصلی آن آزادی، استقلال و جمهوری اسلامی بوده باید یک انتخابات آزاد و سالم برگزار کنند، آنها باید این روند را متوقف کنند، آنچه در گذشته چالش انتخابات بوده است باید محور مشترک فعالیت همه احزاب و علاقه‌مندان به این انقلاب و ملت قرار گیرد.

راهکار عملی شما همین تأسیس جبهه دفاع از آزادی و سلامت انتخابات است؟

راهکار ما یک راهکار آگاهی بخش است. مأموریت اصلی ما آگاهی دادن به مردم است. نهضت آزادی هم در این دوره از تمام امکانات خودش استفاده خواهد کرد تا مردم، گروه‌ها و احزاب مؤثر در جامعه بتوانند به وظایف خودشان عمل کنند. ما از این رو به این حرکت امیدواریم که آزادی و سلامت انتخابات، دغدغه مشترک همه احزاب و شخصیت‌های اصلاح‌طلب است. حوزه اقدام تا کجا خواهد بود؟ آیا صرف بیانیه دادن و مقاله نوشتن می‌تواند تأثیری داشته باشد؟

اگر ۱۰ سال دیگر هم لازم باشد ما همین روش را ادامه می‌دهیم.

و باز همان سیکل معیوب...؟

فرآیند دموکراسی، یک فرآیند طولانی و تدریجی است و نیاز به صبر و شکیبایی دارد. ما باید

به مردم آگاهی بدهیم که مایوس نشوند. هیچ جامعه دموکراتیکی يك شبه دموکراتيك نشده است.

راهکار عملی شما برای يك رقابت دموکراتيك چیست؟

تداوم همین مبارزات قانونی و مسالمت‌آمیز در چارچوب يك حرکت آگاهی بخش. ما مطمئن هستیم همین روند نهایتاً ثمربخش خواهد بود اما این مربوط می‌شود به اینکه گروه‌ها و احزاب سیاسی نسبت به دغدغه‌های موجود مسوولانه و آگاهانه برخورد کنند. یعنی اگر بیش از هماهنگی عمل مشترك انجام بدهند و جبهه تأمین آزادی و سلامت انتخابات تشکیلات سازمانی پیدا کند، قطعاً می‌تواند تأثیرات بهتری هم داشته باشد.

آیا گام عملی هم برای تأسیس رسمی این جبهه برداشته‌اید؟

اقدام خاصی تاکنون انجام نداده‌ایم. اما تلاش ما این بوده که با احزاب و سازمان‌های سیاسی مختلف گفت‌وگو و این پیام را به همه منتقل کنیم. این کار شروع شده است.

استقبال این سازمان‌های سیاسی چگونه بوده است؟

استقبال کرده‌اند و چنین هماهنگی‌هایی وجود دارد که حول این محورهای مشترك به طور هماهنگ عمل کنیم. امید است با این هماهنگی به تدریج به عمل مشترك هم برسیم. من فکر می‌کنم از امروز که ۵ تیرماه است تا ۱۵ دی‌ماه زمان خیلی خوبی در اختیار ما است که گفت‌وگوها را ادامه بدهیم. خروجی این گفت‌وگوها می‌تواند هماهنگی مواضع ما را شکل بدهد و بعد از هماهنگی‌ها، ما را به عمل مشترك که تشکیل این جبهه برای تأمین آزادی و سلامت انتخابات است برساند.

سازمان‌های اصلاح‌طلب در انتخابات شوراها از پذیرفتن ملی - مذهبی‌ها و نهضت آزادی در انتخابات احتراز کردند، با توجه به این سابقه آیا برای انتخابات مجلس هشتم حاضرند با گروه‌های ملی - مذهبی و نهضت آزادی وارد تعامل شوند؟

ما به وظیفه خودمان عمل می‌کنیم، ما آنچه را که خیر و صلاح مملکت و جنبش اصلاحات است، مطرح می‌کنیم. اگر آقایان پذیرفتند تعامل شکل می‌گیرد، اگر هم نپذیرفتند ما به وظیفه خودمان عمل می‌کنیم. در انتخابات گذشته هم نقد ما به اصلاح‌طلبان همین بود. آنها فکر می‌کردند که همکاری و ارتباط با نهضت آزادی یا نیروهای ملی - مذهبی برای‌شان هزینه دارد، آنها حتی نسبت به ردصلاحیت نامزدهای ما هیچ واکنشی نشان ندادند که این رفتار آنها مورد نقد واقع شد.

و همین انتقادهایی که مطرح کردیم در لایه‌هایی از اصلاح‌طلبان مؤثر واقع شد و این نقد را بعضاً پذیرفتند، ما امیدواریم در این دوره آن فضا تکرار نشود، این نقد بر اصلاح‌طلبان وارد است که اگر بخواهند صرفاً به دنبال قدرت باشند و مسائل ملی را مورد نظر نداشته باشند آنها بیشترین ضربه را خواهند خورد. مطالبات مشترک ایجاب می‌کند که همه کسانی که مشکلات مشترک دارند با همدیگر گفت‌وگو کنند و حتی اگر نمی‌توانند دور یک میز بنشینند و کار مشترک انجام بدهند با گفت‌وگو مواضع مشترک داشته باشند.

در دوم خرداد شما رأی سفید دادید، آیا اگر شرایط تکرار شود، باز هم رأی سفید می‌دهید، یا از دوران دادن رأی سفید عبور کرده‌اید؟

در شرایط کنونی ثبت‌نام برای ما مطرح نیست، حضور در انتخابات مطرح است.

یعنی حاضر نیستید از کاندیداهای مستقل حمایت کنید؟

ما مأموریتی که برای خود تعریف کرده‌ایم حضور در انتخابات و حرکت آگاهی بخش است. اقدامات بعدی ما نظیر حمایت از افراد بستگی به شرایط دارد که به موقع تصمیم‌گیری می‌کنیم.

یعنی از مرحله دادن رأی سفید عبور نکردید؟

در حال حاضر، موضوع شرکت در انتخابات مطرح نیست که ما راجع به رأی اعتراض صحبت کنیم.

شما در حالی از وظیفه آگاهی‌بخش حزب نهضت‌آزادی سخن می‌گویید، که فلسفه سیاسی تشکیل حزب تلاش برای کسب و حفظ قدرت است، آیا آنچه شما مبنی بر حرکت آگاهی‌بخش تعریف کرده‌اید یک کنش روشنفکرانه نیست؟

کنش ما مسوولانه است. نهضت‌آزادی ایران از گذشته بر این ارزش‌ها پای فشرده است. ما پیش از این هم اعلام کرده‌ایم که جنگ ما جنگ حجت است نه جنگ قدرت.

ما هم می‌دانیم که یک حزب سیاسی باید به دنبال قدرت باشد اما نه به هر قیمتی، همان طور که در ۸ سال اصلاحات این تجربه آزمون شد و آزموده را آزمودن خطا است. اصلاح‌طلبان ۲ قوه اصلی قدرت را در اختیار داشتند، اقدامات مثبتی هم انجام دادند اما به هر حال مجبور شدند که قدرت را در اختیار اصولگرایان قرار دهند، در حالی که در مقاطعی می‌توانستند از قدرت صرف‌نظر کنند و ارزش‌ها را حفظ کنند. با حفظ این ارزش‌ها و اقدام به موقع می‌توانستند از بسیاری هزینه‌هایی که جنبش اصلاحات پرداخت، جلوگیری کنند. ما از خارج از قدرت به این

مأموریت ادامه می‌دهیم تا شرایط لازم برای انجام اصلاحات و تحقق مطالبات تاریخی مردم که در اصول و آرمان‌های اولیه انقلاب نیز تبلور داشت، فراهم شود.

هر حزب و سازمان سیاسی می‌تواند در دو عرصه فعالیت کند، هم در عرصه قدرت و هم در عرصه جامعه مدنی شما به هر دلیلی از قدرت کنار گذاشته شده‌اید، در جامعه مدنی هم نتوانستید چنان فعالیت منسجمی داشته باشید که پیام مسوولانه‌تان به جامعه برسانید و تأثیرگذاری‌اش را هم ببینید؟

من فکر می‌کنم که نهضت آزادی از بعد از انقلاب در راستایی که به آن اعتقاد داشته عمل کرده و بر مواضع تاریخی خویش ایستاده است. اگر در دهه ۶۰ نهضت آزادی ایران یکی از چند گروه معدودی بود که پیام آزادی را داشت و امروز این پیام، پیام آزادی‌خواهی و حاکمیت ملت به صورت یک شعار فراگیر درآمده و احزاب و گروه‌های اصلاح‌طلب، منادی همین اندیشه هستند، برای یک سازمان سیاسی این مسأله مهمی است که فکر و اندیشه‌اش در جامعه جریان پیدا کرده و جامعه آن فکر را پذیرفته است. ما پذیرش این فکر و اندیشه را نتیجه مقاومت و ایستادگی نهضت در ۲۷ سال گذشته می‌دانیم، نهضت به نوبه خودش در این فرآیند مشارکت داشته و طبیعی است نیروهای اجتماعی دیگر هم در این زمینه نقش داشتند، ما هم دست همه را به گرمی می‌فشاریم که باز هم بتوانیم در راستای مطالبات ملی و این مأموریتی که احزاب سیاسی دارند، ایفای نقش کنیم.

نهضت آزادی ایران همچنان به دنبال تأیید صلاحیت اعضای نهضت آزادی ایران خواهد بود یا اقدام دیگری را در دستور کار قرار خواهد داد؟

ما فعلاً با احزاب گفت‌وگو می‌کنیم و از آنها می‌خواهیم که در این دوره تلاش برای تأمین آزادی و سلامت انتخابات را در دستور کار قرار دهند و اینکه ما در این دوره چگونه عمل خواهیم کرد بستگی به شرایط و تعامل احزاب و گروه‌ها دارد.

یعنی اگر کاندیداهای مستقل تأیید شوند امکان حمایت شما از آنها وجود دارد؟ بستگی به شرایط دارد.

چه شرایطی؟

بستگی به این دارد که حداقل‌هایی که مدنظر ما است را با همکاری دیگر احزاب توانسته باشیم فراهم کنیم.

پاسخ به اتهامات برنامه «گرگ‌ها» در صدا و سیما^۱

نوروز: پخش برنامه «گرگ‌ها» از سوی صدا و سیما جمهوری اسلامی که در آن بخش‌هایی از اسناد مربوط به ارتباط مجاهدین خلق با رژیم صدام در دوران جنگ تحمیلی به تصویر کشیده شد و به دنبال آن پخش میزگردی از سوی این رسانه در مورد فعالیت سازمان مجاهدین، توجه بسیاری از مخاطبان این رسانه را به خود جلب کرد.

در این میزگرد شرکت کنندگان اتهاماتی را متوجه برخی از جریان‌های سیاسی از جمله نهضت آزادی ایران کردند و مدعی نزدیک بودن مواضع این حزب به سازمان مجاهدین و ارتباطات نهضت آزادی با این جریان شدند. «محمد توسلی» رییس دفتر سیاسی نهضت آزادی ایران در گفتگو با «نوروز» در مورد ادعاهای مطرح شده در میزگرد صدا و سیما توضیحاتی را ارائه کرده است.

توسلی با تقسیم فعالیت سازمان مجاهدین خلق به سه دوره تاریخی از زمان تأسیس تا سال ۵۴ (تغییر مواضع ایدئولوژیک سازمان)، از سال ۵۴ تا انقلاب و از انقلاب به بعد، حمایت عموم جریان‌های دینی مبارز مخالف رژیم شاه از سازمان مجاهدین خلق را ویژگی دوران اول فعالیت این جریان خواند و گفت: در این دوران پایه‌گذاران سازمان مجاهدین خلق که از اعضای نهضت آزادی بودند از نظر اعتقادی به اسلام عقیده داشتند و از نظر سیاسی - اجتماعی معتقد به خط‌مشی مبارزه مسلحانه علیه رژیم شاه بودند.

وی افزود: بسیاری از اعضای نهضت آزادی و مبارزان مسلمان در طول سالهای ۵۰ تا ۵۴ از سازمان مجاهدین حمایت می‌کردند. این حمایت به صورت‌های مختلفی صورت می‌گرفت. به عنوان مثال در سال ۵۰ که جمع وسیعی از اعضای سازمان مجاهدین بازداشت شدند، برای کاهش فشارها به اعضای سازمان نامه‌ای از سوی مهندس سبحانی به مرحوم قطب‌زاده نوشته شد تا در خارج از کشور از زندانیان سازمان حمایت شود که عامل ارسال آن نامه من بودم. همچنین آقای هاشمی رفسنجانی نامه‌ای مستقلاً به خط خود برای آیت‌الله خمینی نوشت، تا آقای خمینی برای حمایت از زندانیان سازمان اقدامی انجام دهد. این نامه‌ها در پاریس به دست ساواک افتاد و به همین دلیل من، مهندس سبحانی و هاشمی بازداشت شدیم. هاشمی به این دلیل که به انجام

^۱گفتگوی محمد توسلی با نشریه «نوروز» - ۱۳۸۶/۴/۱۷

این کار اعتراف نکرد بعد از شش ماه آزاد شد. من به يك سال و مهندس سبحانی به ۱۱ سال زندان محکوم شدیم.

توسلی ادامه داد: در آن زمان مدیریت مدرسه رفاه بویژه شهید رجایی و شهید دکتر باهنر و بسیاری از نیروهایی که امروز در هیأت‌های مؤتلفه هستند به شیوه‌های گوناگون به سازمان مجاهدین خلق کمک می‌کردند، مثلاً خانه‌های امن در اختیار آنها قرار می‌دادند و یا به لحاظ لجستیک به آنها کمک می‌کردند. حتی خود شهید رجایی و مرحوم طالقانی و هاشمی رفسنجانی هم به خاطر ارتباط و کمک به سازمان به زندان افتادند بنابراین در این دوره همه گروه‌های مسلمان از سازمان مجاهدین خلق حمایت می‌کردند و تعداد زیادی از رهبران مذهبی به دلیل کمک‌های مالی به سازمان به زندان افتادند.

وی با بیان اینکه «در مرحله دوم فعالیت سازمان مجاهدین خلق به دلیل تغییر مواضع ایدئولوژیک این سازمان شوکی به نیروهای مذهبی به خصوص دانشگاهیان و بازاریان وارد شد»، تصریح کرد: در این زمان برای مبارزه با این شوک، حلقه‌ای با حضور مهندس میرحسین موسوی، مهندس عبدالعلی بازرگان و بنده تشکیل شد که نشریاتی تهیه می‌کردیم و در داخل بطور محدود و برای خارج از کشور می‌فرستادیم و در آنجا در نشریه «پیام مجاهد» که ارگان نهضت آزادی ایران در خارج کشور بود، منتشر می‌شد. تمام این نشریات در اسناد نهضت آزادی جلد ۹ دفتر اول منتشر شده است.

توسلی افزود: در آستانه پیروزی انقلاب اسلامی که مجاهدین از زندانها آزاد شدند، به دلیل مواضع خاص آنها با ستاد استقبال از امام حاضر به همکاری نشدند. سازمان مجاهدین در سالهای اول انقلاب هم با دولت موقت مشکل داشتند و هم با نهضت آزادی چرا که آنها به دنبال قدرت بودند و با هرکه در قدرت بود، مشکل داشتند. به خصوص در سال ۵۹ که نهضت آزادی تجدید سازمان کرد و مبارزه قانونی و مسالمت‌آمیز را استراتژی خود قرار داد، این اختلافات بیشتر شد. وی ادامه داد: در این سال که سازمان مجاهدین با حاکمان درگیر بود، مهندس بازرگان نامه‌ای نوشت و در آن هر دو طرف را مخاطب قرار داد و گفت شما که هر دو به دنبال خشونت هستید، هر دو هم می‌گویید مسلمانیم دست از خشونت بردارید باهم مذاکره کنید و اینقدر پدر خود و این ملت را در نیاورید.

وی مواضع نهضت آزادی از خرداد ۶۰ تاکنون را مخالف مواضع سازمان مجاهدین خلق

دانست و گفت: نهضت آزادی از آن زمان تاکنون همواره مواضع و عملکرد سازمان مجاهدین خلق را محکوم کرده است.

رئیس دفتر سیاسی نهضت آزادی بر این اساس تأکید کرد: کسانی که نهضت آزادی را مانند سازمان مجاهدین خلق التقاطی میخوانند کاملاً اشتباه می‌کنند چرا که آثار مهندس بازرگان، مرحوم طالقانی و نهضت از بدو تأسیس تا امروز روشن است. همچنان که مهندس بازرگان در سال ۴۰ گفت: «ما (نهضت آزادی) مسلمان، ایرانی و مصدقی هستیم. مسلمان به این معنا که اتکایمان به قرآن و معارف اصیل اسلام است. ایرانی به این دلیل که هویت ایرانی داریم و مصدقی هستیم چرا که اندیشه سیاسی مصدق یعنی آزادی و حاکمیت ملی همیشه سرلوحه برنامه‌های ماست».

توسلی نهضت آزادی را به لحاظ خط‌مشی سیاسی و اعتقادی دارای مواضع متفاوتی با سازمان مجاهدین خلق به خصوص به لحاظ مواضع اقتصادی این جریان خواند و تصریح کرد: نهضت آزادی به استناد مبانی قرآنی و تجربه بشری هیچ‌گاه به مبانی اقتصادی مارکسیسم معتقد نبوده است.

محمد توسلی با استناد به نامه‌های متعدد رهبر فقید انقلاب و نامه رهبر انقلاب بعد از درگذشت مهندس بازرگان که در آنها مراتب دیانت و خدمات اسلامی مهندس بازرگان را مورد تأیید و تقدیر قرار داده‌اند، التقاطی خواندن افکار مهندس بازرگان و نهضت آزادی را نه تنها خلاف آشکار واقعیت‌ها دانست بلکه مغایر این اسناد ارزیابی کرد.

رئیس دفتر سیاسی نهضت آزادی ایران با انتقاد از مدیریت سازمان صدا و سیما که از هر ابزاری برای برخورد سیاسی استفاده میکند و اعتبار رسانه ملی را زیر سؤال می‌برد، گفت: در مورد مشابهی دکتر یزدی نامه‌ای به مدیرعامل صدا و سیما نوشت و از وی خواست اشتباه صدا و سیما را در پخش مطالب خلاف واقع جبران کند، اما پاسخی به آن داده نشد. امروز نیز من به عنوان رئیس دفتر سیاسی نهضت آزادی ایران از ضرغامی می‌خواهم مطالب خلاف واقع در این برنامه را جبران کند و میزگردی با حضور نماینده نهضت آزادی ایران برای پاسخگویی به مطالب خلاف پخش شده درباره نهضت آزادی و جبران اشتباهات برگزار کند.

چالشهای انتخابات مجلس هشتم^۱

انتخابات مجلس هشتم باتوجه به شرایط داخلی و خارجی کشور از حساسیت ویژه ای برخوردار است و حاکمیت، احزاب و گروههای سیاسی و مردم را با چالشهای جدی روبرو ساخته است.

۱. حاکمیت برای اجرای برنامه‌های ی کشور و پاسخ به نیازهای اساسی مردم راهی جز تقویت نهادهای مدنی و جلب مشارکت واقعی و قانونمند مردم در اداره کشور ندارد. تحلیل‌های جامعه‌شناختی و تجربه کشورهای ی یافته و در حال ی این واقعیت را آشکار ساخته است که بدون حضور نهادهای مدنی و بطور مشخص احزاب سیاسی قوی و ریشه‌دار، مشارکت واقعی و مؤثر مردم در اداره کشور- یعنی در جامعه‌ای که فرهنگ توده‌وار "پوپولیسم" ساری و جاری است - سخنی واهی و بی‌پایه است. لذا در آستانه انتخابات مجلس هشتم حاکمیت و بطور مشخص دولت و شورای نگهبان برای جلب اعتماد و مشارکت مردم در انتخابات با چالشهای جدی روبرو هستند. از یک سو دولت بایستی مطابق اصول قانون اساسی شرایط انتخابات آزاد و سالم را فراهم سازد. شرایط انتخابات آزاد در اصول قانون اساسی، معیارهای جهانی شناخته شده و تجربه سایر کشورها مشخص شده است. آزادی رسانه‌ها برای انعکاس دیدگاههای مختلف تا مردم با آگاهی بتوانند به نامزدهای مورد علاقه رأی دهند، آزادی مردم برای رأی دادن و انتخاب شدن از جمله شرایط انتخابات آزاد است. سلامت انتخابات در سه مرحله اخذ آراء، شمارش آراء و اعلام آنها از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. محدودیت‌های موجود بر رسانه‌ها به ویژه مطبوعات و تجربه انتخابات شوراهای سوم که با ابهامات جدی روبرو بوده و رد صلاحیت‌های گسترده و اقدامات خلاف قانون و شکایت‌های اعلام شده در خصوص عملکرد هیئت‌های نظارت و اجرائی انتخابات که هرگز مورد رسیدگی قرار نگرفت، برخی از مواردی است که اصلاح آنها چالشهای دولت برای جلب اعتماد مردم را نشان می دهد.

۲. احزاب و تشکلهای سیاسی نیز در انتخابات پیش‌رو با چالشهای گوناگونی روبرو هستند. اولین چالش نحوه تعامل، همکاری و ائتلاف احزاب و تشکلهای است. تکثر و پراکندگی این نهادها که با مشکل ضعف روحیه همکاری جمعی روبرو هستند، بطوریکه برای

^۱ متن کامل یادداشت مهندس محمد توسلی در روزنامه اعتماد - ۱۳۸۶/۵/۷

توافق روی حداقلهای مورد اشتراك - حداقلهایی که بایستی در راستای منافع ملی باشد نه خودخواهی‌ها و گروه‌گرایی‌ها - با مشکل جدی روبرو است. البته این فرآیند را در راستای فرآیند دموکراسی و یادگرفتن کار جمعی که عبور از آن در جامعه ما اجتناب ناپذیر است بایستی مثبت ارزیابی کرد. این چالش مربوط به همه احزاب و گروههای سیاسی است اعم از محافظه‌کاران، اصلاح‌طلبان و ... اما احزاب و تشکلهای اصلاح‌طلب با چالش ویژه‌ای نیز روبرو هستند. تدوین استراتژی و برنامه‌ای که مواضع مشترک اصلاح‌طلبان را مشخص کند و همه گروهها به آنها پایبند و وفادار باشند از اهمیت بالائی برخوردار است زیرا عدول و یا انحراف از این حداقلها موجب سلب اعتماد مردم خواهد شد. در این مرحله اصلاح‌طلبان تا ۱۵ دیماه که تاریخ ثبت‌نام نامزدها است در راستای دغدغه مشترک همه اصلاح‌طلبان می‌توانند شرایط انتخابات آزاد و سالم را برای مردم تبیین کنند و تضمین و تأمین چنین شرایطی را بصورت خواست و مطالبه عمومی درآوردند تا دولت و شورای نگهبان راهی جز رعایت قانون و برگزاری انتخابات واقعاً آزاد و سالم در پیش روی خود نبینند. البته نحوه تعامل و عملکرد احزاب اصلاح‌طلب در این دوره نقش مؤثری در جلب اعتماد مردم برای حضور حداکثری در انتخابات خواهد داشت. در غیر اینصورت اگر رهبران احزاب اصلاح‌طلب صرفاً به جایگزین شدن محافظه‌کاران در قدرت به هر قیمت بیندیشند و فرآیند انتخابات را با تأمین حداقل شرایط انتخابات آزاد و سالم برای جلب اعتماد و حضور حداکثری مردم فراهم نکنند، اصلاح‌طلبان با تشکیل اقلیت کم تأثیر چون مجلس هفتم جایگاه مؤثری برای تأثیرگذاری بر روند تحولات کشور نخواهند داشت.

۳. مردم نیز در این انتخابات با چالشهایی روبرو هستند. شرکت یا عدم شرکت در انتخابات، رأی دادن یا رأی ندادن به نامزدهای تأیید صلاحیت شده چالش اصلی مردم در انتخابات پیش‌رو است.

در ایران عملاً اکثریت مردم همواره در انتخابات گذشته شرکت کرده‌اند. حدود ۴۰ تا ۵۰ درصد مردم در برخی از انتخابات با این چالش جدی روبرو بوده‌اند. البته در انتخابات ریاست جمهوری سالهای ۷۶ و ۸۰ بیش از ۸۰ درصد مردم در انتخابات شرکت کرده‌اند و با برگه رأی خود ابراز نظر و پیام رسانی کرده‌اند.

تجربه این‌گونه رخدادها نشان داده است که اقدامات بی‌شکل و نهادینه نشده پایدار نبوده و به مطالبات بر حق مردم پاسخ شایسته داده نشده است. لذا مشارکت در نهادهای مدنی و تقویت احزاب و تشکلهای سیاسی برای تقویت فرآیند دموکراسی چالشی مهم روبروی مردم و البته احزاب سیاسی است. اگر تأمین شرایط انتخابات آزاد و سالم و مشارکت حداکثری مردم در انتخابات، پیش‌نیاز تقویت و سالم‌سازی قوه مجریه و قوه مقننه در راستای منافع ملی است، هماهنگ با احزاب، تشکلهای سیاسی و نهادهای مدنی، مردم نیز ضروری است برای دفاع از آزادی انتخابات و برگزاری سالم آن تلاش کنند.

۴. بررسی و تحلیل انتخابات مجلس اخیر ترکیه که با حضور همه احزاب و تشکلهای سیاسی اعم از اسلامگرا یا سکولار و حتی نمایندگان تشکلهای کرد با حضور ناظران بین‌المللی برگزار شد می‌تواند برای حاکمان، احزاب و مردم ایران عبرت‌آموز باشد و دستاوردهای جامعه‌ای که نهادهای مدنی در آن تقویت شده و انتخابات آزاد و سالم برگزار شود چه ابعاد گسترده‌ای در راستای منافع و مصالح ملی آنها می‌تواند در پی داشته باشد. ”واعتبروا یا اولی‌البصار”

نقش رسانه ها و نقد رسانه ملی^۱

رسانه ها همان طور که می دانیم وسیله‌ی است که نظام‌های مختلف برای تاثیرگذاری بر مخاطبان خودشان از آن استفاده می‌کنند. با توسعه تکنولوژی رسانه‌یی و قرار داده شدن این وسایل در اختیار مردم، نظیر مطبوعات، رادیو، تلویزیون و اخیرا اینترنت، قدرت تاثیرگذاری رسانه ها چه مثبت و چه منفی افزایش پیدا کرده و بنابراین دولت‌ها، سرمایه‌گذاری سنگینی را در این خصوص انجام داده و می‌دهند. برنامه خبری این رسانه‌ها نیز متناسب با سیاست‌های دولت‌های مربوطه از همین قانونمندی پیروی می‌کند. در ارتباط با صدا و سیما خبرها «گزینه‌ش شده» و در راستای سیاست‌های حاکمیت تنظیم می‌شود. به طوری که مردم نمی‌توانند اخبار همه رخدادهای کشور خودشان را به طور کامل از رسانه ملی دریافت کنند و این موجب می‌شود که مردم اخبار و اطلاعات کشور خودشان را یا از طریق شایعات و مسموعات از بدنه جامعه دریافت کنند که عموماً سالم و موثق نیست و یا از رسانه‌های بیگانه، اخبار کشور را دریافت کنند که آنها هم این اخبار را گزینشی و متناسب با برنامه‌های خود تنظیم و پخش می‌کنند.

پیامد طبیعی این رویکرد، بی‌اعتمادی مردم نسبت به رسانه ملی و حاکمیت است که در راستای منافع ملی نیست.

البته در سال‌های اخیر، با توجه به این واقعیت اجتماعی (این بی‌اعتمادی یا تک صدایی رسانه‌یی)، مدیریت صدا و سیما تلاش می‌کند با راه‌اندازی شبکه‌های جدید مثل رادیو گفت‌وگو یا صدای آشنا، همچنین در برنامه‌های خبری مانند ۲۲:۳۰، ۲۰:۳۰ و برگزاری میزگردها و.... برخی خبرهای رسمی که قابل پخش نیست به عنوان اخبار ویژه پخش کنند و به این ترتیب توجه مخاطبان خود را به رسانه جلب کند. اگر چه این رویکرد را باید مثبت ارزیابی کرد اما تا آن حد لازم که مردم، اخبار و اطلاعات داخلی و خارجی را بتوانند از رسانه ملی دریافت کنند و اعتمادشان نسبت به رسانه ملی جلب شود فاصله زیادی وجود دارد.

در مورد رسانه BBC با توجه به قدرت این رسانه و سازمان و تشکیلات گسترده‌یی که در اختیار دارد، در تنظیم برنامه‌ها و ارائه برنامه‌ها کوشش می‌کند اصول و مبانی یک رسانه را رعایت کنند و در ظاهر امر، اخبار و اطلاعات را هم بی‌طرفانه و هم همه‌جانبه پوشش دهند.

^۱ متن تنظیم شده گفتگوی محمد توسلی با خبرنگار سیاسی روزنامه اعتماد - مسعود پیوسته - ۱۳۸۶/۶/۱۲

اما سمت‌گیری و جهت‌گیری خودشان را با درایت و زیرکی در متن اخبار و تحلیل‌ها لحاظ می‌کنند بنابراین به نظر می‌رسد، تأثیرات بیشتری بر مخاطبان خود داشته باشند و به همین دلیل از رسانه‌های پرشنونده و پربیننده جهانی محسوب می‌شوند.

اما درباره صدای امریکا (VOA) برنامه‌های گسترده‌یی را به زبان فارسی ارائه می‌کند. دارای برنامه‌های متنوع به لحاظ پوشش خبری و تحلیل خبری و میزگردهایی در زمینه مسایل مورد نیاز فارسی زبانان تولید می‌کند که در بخش خبر و تحلیل خبر، به طور آشکار علیه جمهوری اسلامی ایران موضع‌گیری دارد و با کسانی مصاحبه می‌کند که عموماً در جایگاه اپوزیسیون غیر قانونی نظام جمهوری اسلامی ایران هستند و به نوعی به صورت رسانه مخالفان نظام جمهوری اسلامی ایران درآمده و از این رو برای مخاطبین خویش، با توجه به تنوع برنامه‌ها اگر چه به لحاظ پوشش خبری گسترده است و می‌تواند برای مخاطبین قابل استفاده باشد، اما به خاطر موضع‌گیری مغرضانه اش، تأثیر کمتری بر مخاطبین به عنوان یک رسانه می‌تواند داشته باشد و ما عملکرد آن را در راستای منافع ملی خودمان ارزیابی نمی‌کنیم.

از سوی دیگر، هنوز صدا و سیما نتوانسته به انتظارات مردم پاسخ دهد. به همین علت است که مردم به رسانه‌های خارجی برای آگاهی از اخبار و اطلاعات توجه بیشتری دارند. بنابراین، برای کاهش تاثیرگذاری رسانه‌های بیگانه راه حل واقع‌بینانه، بالا بردن سعه صدر و تحمل مدیران صدا و سیما است که اخبار و اطلاعات را با امانت، شفافیت و پوشش بیشتر در اختیار مردم قرار دهند.

به طور مشخص تا موقعی که صدا و سیما فقط تریبون حاکمان و طرفداران آنها باشد و مخالفان و دگراندیشان قانونی که نظرات و تحلیل‌های متفاوتی با مدیران اجرایی کشور دارند نتوانند جایی در این رسانه داشته باشند صدا و سیما نمی‌تواند از اعتبار و جاهت لازم نزد افکار عمومی برخوردار باشد.

پاسخ نهضت آزادی ایران به سردار افشار فرمانده سابق بسیج و معاون فعلی وزیر کشور^۱

«محمد توسلی» رئیس دفتر سیاسی نهضت آزادی ایران، اولین واکنش رسمی این تشکل سیاسی را نسبت به سخنان اخیر معاون سیاسی وزارت کشور و «صفار هرنندی» وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی ابراز کرد.

پیش از این «علیرضا افشار» معاون سیاسی وزارت کشور و رئیس کمیسیون ماده ۱۰ احزاب طی سخنانی استفاده مطبوعات و سایر رسانه‌ها از عنوان احزاب و تشکل‌های سیاسی که مجوز فعالیت از این کمیسیون را ندارند غیرمجاز دانسته و تصریح کرده بود که بدین منظور به زودی فهرست احزاب و تشکل‌های سیاسی که پروانه فعالیت رسمیشان را از این وزارت‌خانه اخذ کرده‌اند، برای رسانه‌ها ارسال می‌شود.

به دنبال بیان این اظهارات از جانب معاون سیاسی وزارت کشور، وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی نیز در گفت‌وگویی بدون نام بردن از حزب و تشکل خاصی، گفته بود که «فعالیت مطبوعاتی تشکل‌های سیاسی که غیرقانونی اعلام شده باشند، خلاف قانون است».

این در حالی است که رئیس دفتر سیاسی نهضت آزادی ایران در گفت‌وگو با خبرنگار سیاسی آفتاب با بیان اینکه «فعالیت نهضت آزادی ایران طبق اصول قانون اساسی و قانون فعالیت احزاب، کاملاً مجاز و قانونی است»، اظهار داشت: «تاکنون در هیچ دادگاه صالحه‌ای حکمی مبنی بر غیرقانونی بودن نهضت آزادی ایران صادر نشده است».

توسلی ادامه داد: «طبق قانون مرجع تشخیص قانونی بودن احزاب، دادگاه صالحه است که طبق اصل ۱۶۸ قانون اساسی باید علنی و با حضور هیأت منصفه و وکیل مدافع برگزار شود. بنابراین، معاون سیاسی وزیر کشور در جایگاهی نیست که حکم قضایی درباره احزاب صادر کند».

وی با اشاره به سابقه ۴۶ ساله نهضت آزادی و مسئولیت‌هایی که رهبران این تشکل در در دوران انقلاب و دولت موقت برعهده داشته‌اند، افزود: «اگر چه نهضت آزادی ایران طبق سلیقه یک جناح سیاسی خاص پروانه فعالیت ندارد اما یک حزب قانونی است و محروم کردن آن از درج

^۱گفتگوی محمد توسلی با خبرگزاری آفتاب یزد - محمد رضا یزدان پناه - ۱۳۸۶/۶/۲۸

اظهار نظراتش در مطبوعات برخلاف آرمان‌های اولیه انقلاب اسلامی، قانونی اساسی و قوانین عادی و نیز در تضاد با اعلامیه جهانی حقوق بشر است».

رئیس دفتر سیاسی نهضت آزادی مسأله «قانونی بودن احزاب» را متفاوت از مسأله «برخورداری احزاب از پروانه فعالیت» دانست و توضیح داد: «در قانون احزاب که در سال ۱۳۶۰ به تصویب رسیده و تاکنون نیز مورد عمل وزارت کشور بوده است، حتی یک اشاره نیز به این مسأله که احزاب برای فعالیت نیاز به اخذ مجوز از وزارت کشور دارند، نشده است».

توسلی اضافه کرد: «صدور پروانه فعالیت برای احزاب تنها به منظور برخورداری آنها از تسهیلات و مواهبی مانند دریافت یارانه است که پیش از این بعضاً در اختیار احزاب قرار می‌گرفت اما طبق قانون، احزاب برای فعالیت نیازی به اخذ مجوز ندارند».

وی با مغایر دانستن سخنان اخیر معاون سیاسی وزارت کشور با اصل ۲۶ قانون اساسی، گفت: «در این اصل تصریح شده که فعالیت احزاب علی‌الطلاق آزاد است مگر آنکه فعالیت آنها با استقلال کشور یا مبانی اسلام در تضاد باشد که بدیهی است تشخیص این امر با دادگاه صالحه ذیل اصل ۱۶۸ قانون اساسی است نه آقای افشار».

رئیس دفتر سیاسی نهضت آزادی با انتقاد از سخنان اخیر معاون سیاسی وزارت کشور و وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی، تأکید کرد: «مفهوم چنین دیدگاه‌هایی آن است که اگر یک حزب به هر علتی موفق به دریافت پروانه فعالیت از وزارت کشور نشود، نباید حتی از حق حیات که طبق اصول قانون اساسی احزاب و اعلامیه جهانی حقوق بشر، یک امر بدیهی است برخوردار باشد که این امر جفایی بزرگ به شهروندان ایرانی با گذشت نزدیک به سه دهه از انقلاب اسلامی است».

وی در پایان به مقامات دولت نهم توصیه کرد تا از چنین اظهارنظرهایی بر علیه احزاب که برخلاف اصول و آرمان‌های انقلاب اسلامی و منافع ملی است، خودداری کنند.

این توضیحات «محمد توسلی» رئیس دفتر سیاسی نهضت آزادی ایران در شرایطی بیان شد که هنوز خبری از واکنش مسئولان دیگر احزاب و تشکل‌های سیاسی که قاعدتاً مخاطب هشدار اخیر معاون سیاسی وزارت کشور و وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی بوده‌اند، منتشر نشده است.

و البته هنوز هم مشخص نیست که آیا تشکل‌هایی مانند جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، جامعه روحانیت مبارز، جمعیت آبادگران جوان، ستادهای رایحه خوش خدمت و برخی دیگر از

احزاب و گروه‌های سیاسی که اگرچه مجوز فعالیت رسمی خود را از کمیسیون ماده ۱۰ احزاب دریافت نکرده‌اند اما به سبب تعلق به جناح مقابل اصلاح‌طلبان، مشکلی در راه فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی خود و انعکاس مواضعشان در رسانه‌های گروهی ندارند هم مخاطب سخنان مقامات ارشد دولت نهم هستند یا در برای آنها بر پاشنه‌ای دیگر می‌چرخد؟

محدود کردن فعالیت احزاب فاقد پروانه خلاف قانون اساسی است^۱

فعالیت احزاب و تشکل‌های سیاسی فاقد پروانه بار دیگر در آستانه هشتمین دوره انتخابات مجلس شورای اسلامی به یکی از مسائل مناقشه‌برانگیز انتخاباتی تبدیل شده است.

در روزهای اخیر، محمد حسین موسی پور، معاون حقوقی و امور مجلس وزیر کشور در خصوص محدود شدن فعالیت احزاب بدون مجوز که از سوی کمیسیون ماده ۱۰ احزاب کشور مطرح شد، تصریح کرده است: «این مساله از سوی وزارت کشور در حال بررسی است.» به گزارش پایگاه اطلاع رسانی وزارت کشور، موسی پور در عین حال با بیان این که «وزارت کشور با فعالیت آزاد احزاب در چارچوب قانون موافق است و محدودیتی برای گسترش این نوع فعالیت ایجاد نکرده است»، تاکید کرده است: «در حال حاضر روابط وزارت کشور با احزاب و خانه احزاب بسیار مثبت است.»

این در حالی است که برخی از حقوقدانان با استناد به اصول قانون اساسی نفس بررسی این مساله (فعالیت احزاب فاقد پروانه) را فاقد وجاهت قانونی می‌دانند و بر این باورند که این اقدام وزارت کشور نقض اصول مصرحه در قانون اساسی، قانون احزاب و اعلامیه جهانی حقوق بشر است و به طور منطقی نتایج حاصل از این بررسی نیز نمی‌تواند در راستای قانون اساسی کشور که قانون مادر است و تمام قوانین باید با در نظر گرفته شدن این قانون تنظیم، تدوین و تصویب شوند، قرار گیرد. سید محمد علی دادخواه (وکیل دادگستری و یکی از اعضای شورای عالی نظارت کانون مدافعان حقوق بشر) از جمله این گروه از حقوقدانان است. دادخواه بر این باور است که اقدام وزارت کشور در این راستا خلاف مفاد کمیسیون ماده ۱۰ قانون فعالیت احزاب و جمعیت‌هاست و در این راستا به جوابیه دبیر این کمیسیون به پرسش وی در این خصوص اشاره می‌کند و می‌گوید: «پرسش من در خصوص فعالیت احزاب و تشکل‌های بدون مجوز در جلسه مورخ ۱۷/۹/۱۳۸۰ کمیسیون ماده ۱۰ احزاب طرح و پس از بحث و بررسی با اکثریت آرا به این شرح تصویب شد: «در خصوص احزاب و گروه‌هایی که قبل از تصویب قانون فعالیت احزاب و جمعیت‌ها تشکیل شده و فعالیت می‌کنند و به هر دلیل خود را با قانون جدید تطبیق نداده‌اند، نظر کمیسیون آن است که غیر قانونی بودن آن‌ها باید از طریق مراجع صالح قضایی اعلام شود.»

^۱ ارزیابی کارشناسان: سید محمد علی دادخواه، محمد توسلی و علیرضا رجایی - روزنامه سرمایه ۱۳۸۶/۷/۷

این حقوقدانان در ادامه به خبرنگار «سرمایه» می‌گویند: «اصولا در نظام های پارلمانی و هر نظامی که متکی بر قانون مکتوبی باشد معیار برای سنجش عموم به قانون برتر یا قانون مادر واگذار می‌شود. در نظام حقوقی ما نیز دو نوع قانون وجود دارد، نوع اول قانون برتر است که مشرف و سایه‌افکن بر همه قوانین است و به عنوان قانون اساسی شناخته می‌شود و به گونه‌ای میثاق حکومت کنندگان و حکومت شوندگان است یعنی حکومت کنندگان حق و اجازه عبور و عدول از این موازین را به هیچ وجه ندارند. حتی اگر تمامی نمایندگان مجلس قانونگذاری به صورت صد درصدی موضوعی را تایید کنند و قوه مجریه نیز موافقت خود را اعلام کند و قوه قضاییه آن را معیار قرار دهد باز هم اگر بر خلاف قانون اساسی تدوین و تصویب شده باشد فاقد اعتبار و اعتناست برای این که ملاک قانون اساسی است و قوانین عادی و برداشت اشخاص هرگز ملاک و ضابطه تلقی نمی‌شود.» وی همچنین با اشاره به اصول ۲۶ و ۲۷ قانون اساسی می‌افزاید: «این اصول تشکیل اجتماعات، احزاب و دیگر تشکیلاتی با اهداف سیاسی، اجتماعی، انتفاعی را در بر می‌گیرد. براساس این اصل تشکیل و فعالیت تشکلهایی که سلاحی حمل نمی‌کنند و نیز محل مبانی اسلام نیستند آزاد هستند و بر اساس مواردی که گفتم هرگز نمی‌توان قید جدیدی بر این اصول افزوده و یا کاست.»

در این میان محمد توسلی، دبیر سیاسی «نهضت آزادی ایران» این مساله را از دو رویکرد انگیزه‌های سیاسی و نیز مفاد قانون اساسی می‌نگرد و هشدار می‌دهد طرح مسایلی این چنین، بازگشت به عقب و به نوعی انحراف از اهداف واقعی انقلاب سال ۱۳۵۷ است. توسلی می‌گوید: «محدودیت فعالیت احزاب بدون پروانه نقض اصول و آرمان‌های اولیه انقلاب سال ۱۳۵۷ و ملتی است که شعارش استقلال، آزادی و جمهوری اسلامی بود. مردم در آن زمان با طرح این شعارها می‌خواستند از روش‌هایی که در دوران رژیم استبداد سلطنتی وجود داشت رهایی یابند و در يك فضای آزاد و در چارچوب قانون اظهار نظر و فعالیت کنند. در حالی که چنین اقدامی موجب بسته تر شدن هر چه بیش‌تر فضای جامعه و در نهایت سلب تدریجی تمام آزادی‌های مشروع مردم می‌شود.» این فعال حزبی با اشاره به «مغایرت این اقدام وزارت کشور با مفاد قانون اساسی» می‌گوید: «در اصل ۲۶ قانون اساسی فعالیت احزاب و تشکلهای صنفی علی‌الاطلاق آزاد است مگر این که اقدامی علیه تمامیت ارضی کشور و یا مبانی اسلام توسط آنها انجام گیرد که آن هم براساس اصل ۱۶۸ قانون اساسی در اختیار دادگاه صالحه با حضور هیات

منصفه و وکیل مربوطه است.» وی با تاکید بر این مطلب که وزارت کشور هرگز نمی‌تواند در جایگاه قوه قضاییه قرار گرفته و به جای آن مبادرت به صدور حکم در ارتباط با احزابی که به هر علت برایشان پروانه صادر نشده است، کند و نیز با اشاره به قانون احزاب مصوب ۱۳۶۴ می‌گوید: «در این قانون هیچ اشاره‌ای به محدودیت برای احزاب بدون مجوز نشده است. فارغ از این امر من توجه موسی‌پور و وزارت کشور را به مشروح مذاکرات مجلس خبرگان قانون اساسی ذیل اصل ۲۶ قانون اساسی جلب می‌کنم که در آن مذاکرات صرفاً تعداد معدودی از افراد با کسب مجوز توسط احزاب موافق بودند اما اکثریت قریب به اتفاق افراد با این امر به مخالفت برخاستند و به این ترتیب اصل ۲۶ قانون اساسی تصویب شد.» به گفته وی، نهضت آزادی تا زمان ثبت نام نامزدها در انتخابات یعنی پانزدهم دی ماه به حضور و آگاهی رساندن در فضای جامعه و انتخابات ادامه خواهد داد و ضوابط و ملزومات یک انتخابات آزاد را در افکار عمومی مطرح خواهد کرد.

از سویی دیگر علیرضا رجایی از نیروهای ملی-مذهبی در اظهار نظری در این زمینه می‌گوید: «بفرمایید مگر احزاب بدون پروانه اکنون فعالیتشان نا محدود است که می‌خواهند محدود کنند، در حال حاضر هم تمام این تشکل‌ها محدود هستند، نه دفتر رسمی دارند و نه نشریه و ارگان معینی دارند و نه اجازه دارند در انتخابات متعدد شرکت کنند و به طور کلی هراز گاهی هم مورد تعرض قرار می‌گیرند و اعضای آن بازداشت و یا زندانی می‌شوند.» به گفته این فعال حزبی، جریان ملی-مذهبی‌ها در زمان دولت خاتمی به صورت غیر رسمی برای اخذ مجوز با اعضای وزارت کشور وارد مذاکره شده‌اند اما از آنجایی که دور نمای چنین مذاکراتی خیلی روشن و واضح نبوده است و احتمال این امر بود که در صورت تقاضای جریان ملی-مذهبی‌ها نیز این تقاضا رد شود، ملی-مذهبی‌ها برای این که این امر نقطه ضعفی برای دولت اصلاحات خاتمی محسوب نشود، از این کار صرف نظر کردند.

ناامیدی جوانان و ناسازگاری روشنفکران راهکارهای تقویت امید به آینده^۱

اشاره

با نسلی مواجهیم که امیدش به آینده اندک است و مطالباتش فراوان. آرزوهایش بی‌شمار، ولی ابزارهای رسیدن به آن محدود. اما بدون امید چگونه می‌توان به آرزوها رسید. مهندس محمد توسلی که به آینده امید فراوان دارد، در این خصوص به سوالات ما پاسخ می‌دهد و ناامیدی نسل جوان را به کاوش می‌نشیند.

شما فقدان امید به آینده و حضور کم‌رنگ در عرصه سیاست را در چه عواملی می‌دانید؟ سوال شما بجاست چرا که ملت ایران در طول صد سال اخیر، رفتار اجتماعی بهنجاری نداشته‌اند. در شرایط سیاسی - اجتماعی مختلف مردم از خود رفتار متفاوتی نشان داده‌اند. همگرایی و امید از یک سو و واگرایی و یاس و ناامیدی از سوی دیگر. حال اگر بخواهیم به اختصار محورهای اصلی واگرایی و ناامیدی را جویا شویم، می‌توان به برخی از خصلت‌ها و خصوصیات فرهنگی ملت ایران اشاره کرد.

خودخواهی، خودمحوری، خودبینی، خود رأیی و نبود آمادگی برای کار جمعی قطعاً یکی از مؤلفه‌های ناکامی ما در ایجاد و حفظ و توسعه نهاد های اجتماعی است تا بتوان نیروهای جامعه را در کنار هم قرار داد و تبدیل به نیروی اجتماعی مؤثر کرد و آمادگی برای دستیابی به مطالبات مردم فراهم شود. همه کسانی که روی این موضوع مطالعه کرده‌اند، بر این موارد تاکید دارند. به عنوان نمونه شما تجربه دوران نهضت مقاومت ملی را مرور کنید، پس از ۲۸ مرداد سال ۳۲ به دلیل منش، رفتار و عملکرد دکتر مصدق و زمینه های اجتماعی که فراهم شده بود، نهضت مقاومت ملی بلافاصله بعد از کودتا شکل گرفت و مبارزات سیاسی متوقف نشد. اگرچه برای مردم بخاطر عملکرد توده - نفتی ها ابهاماتی پیش آمده بود و در روز کودتا واکنشی نشان ندادند. به رغم شرایط انفعالی که وجود داشت، شخصیت های ملی و اسلامی مانند آیت الله سید رضا زنجانی و مهندس بازرگان و به تدریج احزاب سیاسی، نهضت مقاومت ملی را تشکیل و فعالیت

^۱گفت‌وگو با محمد توسلی در باره شرایط سیاسی - اجتماعی جامعه ایرانی: اعتماد - پروین بختیارنژاد - ۱۳۸۶/۷/۲۶

مخفی خود را گسترش دادند، در جریان فعالیت نهضت مقاومت ملی فعالان نهضت در دو نوبت در سال ۱۳۳۴ و در سال ۱۳۳۶ بازداشت شدند. مهندس بازرگان که در هر دو بازداشت حضور داشت. مجموعه مشکلات رفتاری و عملکرد فعالان نهضت مقاومت ملی را در بیرون و درون زندان که بیشتر مربوط به روحیات تکروی و خود محوری هایی که آفت کار جمعی است جمع بندی کرد. مهندس بازرگان در سال ۳۶ این جمع بندی را در سخنرانی جشن عید فطر انجمن اسلامی دانشجویان دردانشکده کشاورزی کرج تحت عنوان «احتیاج روز» ارائه کرد که محورهای اصلی آن در واقع احتیاج امروز ماست و جا دارد دوباره مطالعه شود.

مهندس بازرگان در همین راستا در سال ۳۴ وقتی از زندان اول آزاد شد متاع را با حضور جمعی از شخصیت های مؤثر اجتماعی تشکیل داد؛ مکتب تربیتی، اجتماعی و عملی که نهاد کاملاً مخفی و بستری برای درمان این معضل اجتماعی بود. البته پس از انقلاب و ترور شهید مطهری، متاع معرفی شد. هدف اصلی متاع ایجاد نهاد های مدنی و بستر های شکل گیری عملی کارهای دسته جمعی در زمینه های فرهنگی، اجتماعی و حتا اقتصادی بود. انجمن های اسلامی مهندسين، پزشکان، معلمان، بانوان، هنرستان کارآموز، مسجد جامع نارمک، شرکت سهامی انتشار... از جمله این نهاد های فرهنگی و اجتماعی متاع بودند که به این مهم پرداخته اند.

به نظر شما، تکرویها و خودخواهیها فقط در بدنه جریانات سیاسی وجود دارد یا اینکه در بین رهبران سیاسی نیز این خصوصیات دیده می شود؟

فکر می کنم همه ما سر و ته يك کرباس باشیم. منتها این خصلت ها در کسانی که خودسازی کرده باشند کمتر است. اشخاصی مانند دکتر مصدق یا مهندس بازرگان به خاطر بهره مندی از ایمان و اطلاعات و تجربه غنی تاریخی در واقع این خصوصیات را مهار می کردند (ملکه تقوا). ولی در هر برهه تاریخی که شما مطالعه کنید این خصوصیت در بسیاری از فعالان و روشنفکران جامعه وجود داشته و به همین دلیل تحولات اجتماعی ما که قاعدتاً روشنفکران باید موتور آن باشند، مانع از آن شد که بتوانند به وظیفه خود عمل کنند و ما الان در اینجا هستیم.

جناب توسلی، چندی پیش در کتابی خواندم که میزان مشارکت سیاسی در کشور امریکا به قدر قابل توجهی پایین آمده و کارشناسان امریکایی دلیل آن را رفتارهای سلیقه یی رهبران سیاسی امریکا و تکروی نخبگان تشخیص دادند. ما در بحث قانونگذاری هم همین مساله

را داریم. قانونی توسط مردم خوب اجرا می‌شود که با مشارکت و توجیه عقلانی مردم وضع شده باشد. تصمیمات رهبران هم همین‌طور است، اگر رهبران سیاسی در تصمیمات خود به منویات مردم و اعضای خود توجه نکنند، تصمیمات‌شان با استقبال جامعه و اعضای آن جریان سیاسی مواجه نخواهد شد؟

نکته‌یی که شما اشاره کردید به نظر من دست کم در جامعه ما نشأت گرفته از همان نقص تاریخی است که ما داریم. نقص در تربیت کار جمعی و مشارکت واقعی مردم در اداره امورشان. تشکل‌ها و گروه‌هایی که در این زمینه موفق بودند، گروه‌هایی هستند که این ویژگی را بیشتر در بین خود داشتند. به عنوان مثال نهادهایی مانند انجمن اسلامی مهندسين، نهضت آزادی ایران و... که توسط مهندس بازرگان و همفکرانشان پایه‌گذاری شدند و به صورت دموکراتیک اداره می‌شوند در غیاب آنان همچنان به فعالیت خود ادامه داده‌اند. البته این ویژگی را می‌توان در سطح مدیریت جامعه نیز تعمیم داد.

به نظر شما امید چه نقشی در پویایی انسان، جامعه و به‌کارگیری ظرفیت‌های آن دارد؟

همان‌طور که روان‌شناسان می‌گویند، انسان برای اینکه ظرفیت‌های بالقوه‌اش به بالفعل تبدیل شود نیازمند امید است. برعکس انسان‌هایی که ناامید هستند گرفتار یأس و ناامیدی می‌شوند و در واقع برخی از ظرفیت‌های وجودی‌شان خاموش می‌شود. برای سنجش میزان امیدواری و ناامیدی می‌خواهم مقایسه‌یی بین نسل جوان دهه ۴۰ و ۵۰ با نسل جوان دهه ۷۰ و ۸۰ انجام دهم. در دهه ۴۰ و ۵۰ به رغم اینکه محدودیت‌ها و بازداشت‌هایی وجود داشت، اما دانشگاه در آن دوران استقلال نسبی داشت. اگر دانشجویی بازداشت می‌شد، نه تنها دانشجویان بلکه استادان و مدیریت دانشگاه از او استقبال می‌کردند و حتی برای او تسهیلات فراهم می‌کردند، به او کمک می‌کردند تا بتواند درسش را ادامه دهد. نمونه این قضیه دکتر شیبانی است. دکتر شیبانی در آن دوران ۵ یا ۶ بار به زندان افتاد، زندان‌هایش از بقیه هم شدیدتر بود ولی پس از بازداشت دوباره به دانشگاه برگشت و نهایتاً موفق به اخذ مدرک دکترایش شد. ناگفته نماند برای نسل ما کار، مسکن و ازدواج امر غیرقابل دسترسی نبود. کسانی که استعداد داشتند، بدون اتکا به خانواده می‌توانستند حتا در خارج از کشور ادامه تحصیل دهند و در پی آن شرایط بخشی از روشنفکران جامعه در عرصه اجتماعی و سیاسی به‌تدریج فعال شدند. این افراد نه تنها انگیزه ملی داشتند بلکه از اعتقادات و باورهای دینی هم بهره‌مند بودند. بنابراین موانع هیچ‌گاه باعث نمی‌شد که ناامید

و سرخورده شوند.

به لحاظ اجتماعی هم شرایط آن گونه بود که ادبیات روشنفکران و فعالان سیاسی و فرهنگی چون مهندس بازرگان و دکتر شریعتی، ادبیات امید بود. در اینجا جالب است که يك خاطره‌ی را برایتان تعریف کنم، زمانی که ما در سال ۵۱ وارد زندان قصر شدیم جمعی از هیات های مؤلفه به دلیل پرونده قتل منصور هم در زندان بودند. روحیه آنها بسیار پایین بود. آقای انواری، مرحوم حاج مهدی عراقی و آقای عسگر اولادی به ما گفتند سال ۴۳ که بازداشت شدیم دیدیم هر کسی که وارد زندان می شود، مارکسیست است. همیشه ما می گفتیم پس این مسلمان ها کجایند؟ پس چرا کار ما ادامه پیدا نکرد؟

آنها می گفتند با ورود شماها، روحیه ما تغییر کرد. بنابراین آنها امید فراوان یافتند تا سال ۵۴ که تغییر ایدئولوژی ضربه سنگینی به همه مبارزان مسلمان بویژه روشنفکران دینی وارد ساخت. من از بازگویی این خاطره می خواهم به این نکته اشاره کنم که ما در دوره مبارزه با امید زنده بودیم و با امید حرکت می کردیم. جامعه هم به يك وحدت رسیده بود که نقطه کلیدی آن انسداد سیاسی شاه بود. البته نقش مهم آیت الله خمینی بعد از حوادث ۱۵ خرداد، و تبعید ایشان به خارج از کشور در حفظ و تقویت روحیه و امید مردم غیرقابل انکار است. اما در دهه ۶۰ و ۷۰ چند اتفاق افتاد؛ اول آنکه دین و ایمان مردم عملاً دولتی شد و نقایص عملکرد و رفتار سیاسی - اجتماعی دولتمردان در ذهنیت مردم بویژه جوانانی که دین خود را از دولتمردان گرفته بودند به حساب دین گزارده شد و بنابراین به تدریج مبانی ایمانی و اعتقادی بسیاری از جوانان ضعیف شد. و این امر یکی از مؤلفه های مهم ناامیدی بسیاری از مردم بویژه نسل جوان ما است. عامل دوم اینکه آن همسویی که قبل از انقلاب بین گروه های سیاسی - اجتماعی وجود داشت بلافاصله بعد از انقلاب از بین رفت.

در دهه ۶۰ و ۷۰ به رغم اینکه به تدریج گفتمان نیروهای سیاسی یعنی "آزادی، دموکراسی و حقوق بشر" به هم نزدیک شده، اما تمام نیروهای اجتماعی با هم همسویی و همکاری لازم را ندارند.

اما چرا در این شرایط یأس و ناامیدی در جامعه ما گسترش پیدا کرده است؟ فکر می کنم ریشه اصلی آن را بتوان در چند محور خلاصه کرد. امید که در واژه های قرآنی با رجا می آید، به معنی دستیابی به آرزوها است. انسان یا جامعه‌یی که امکان دستیابی به آرزوهایش را دارد، انسان

یا جامعه امیدوار است. زمانی که راه‌ها را برای دستیابی به آرزوهایش محدود می‌بیند، ناامید می‌شود.

حال ناامیدی نسل جوان ما قدری به عجز بودن آنها بستگی دارد. فرهنگش «زود و زور» است. زود خسته می‌شود. جوانان فکر می‌کنند که با یک رای انداختن، در چند انتخابات شرکت کردن، با یک زندان رفتن، باید مسائل تاریخی آنها حل شود.

به نظر می‌رسد اولین عامل امیدواری انسان‌ها، داشتن ایمان و توکل است. نسل جوان باید ارتباط خودش را با هستی تعریف کند، باور داشته باشند قانونمندی‌هایی بر جهان هستی حاکم است. این باعث می‌شود که تعادل روانی‌اش را از دست ندهد و نیز آخرت‌گرایی و ایمان به آخرت داشته باشد و دنیا را کوتاه ببیند، با این شرایط دلیلی ندارد که ناامید شود. آشنایی و انس با قرآن و همچنین مطالعه تاریخ و بررسی سرنوشت پیشینیان می‌تواند این شرایط را برای انسان فراهم سازد.

مطالعه تاریخ قرون وسطی نشان می‌دهد که همین کشورهایی که امروز مهد آزادی و دموکراسی هستند و به ارزش‌های اجتماعی جامعه خود می‌بالند، چه تحولاتی را در طول چند قرن طی کرده‌اند و چه هزینه‌های سنگینی برای آن پرداخته‌اند.

ما در تحولات دهه ۷۰ و ۸۰ کشور خود، هم باید جنبه‌های منفی و هم جنبه‌های مثبت آن را ببینیم. در قبال جنبه‌های منفی که ما را بطور مستمر رنج می‌دهد باید به جنبه‌های مثبتی هم که وجود دارد توجه کنیم. شرایط اجتماعی-سیاسی دهه ۸۰ را با دهه ۶۰ مقایسه کنید. رشد و آگاهی مردم که گسترش چشمگیری پیدا کرده است هرگز با دهه ۶۰ قابل مقایسه نیست.

در دوره اصلاحات به رغم کاستی‌های زیاد گام‌های بلندی برداشته شده است. اطلاع‌رسانی و اعتراضاتی که امروز در قبال بازداشت‌ها صورت می‌گیرد در دهه ۶۰ هرگز وجود نداشت. تا حدودی قانونمندی بر روابط زندانی و دستگاه قضایی به وجود آمده است. و بطور خلاصه شرایط داخلی و بین‌المللی و تسهیلات ارتباطی و اطلاع‌رسانی بطور چشمگیری متحول شده است. یکی دیگر از عوامل ناامیدی، الگوگیری ناقص از غرب است. بسیاری از جوانان ما فکر می‌کنند برای اینکه ما جامعه آزاد و دموکراتیک پیدا کنیم، باید حزب داشته باشیم، احزاب هم باید به قدرت دست پیدا کنند تا برنامه‌های خود را پیاده کنند.

در شرایطی که ساز و کار اجتماعی پروژه‌ها به گونه‌ی است که امکان دستیابی به قدرت

وجود ندارد، دچار ناامیدی می‌شوند. در حالی که نسل جوان ما باید به این موضوع فکر کنند که غرب پس از چند قرن تلاش و فداکاری و طی پروسه‌ی طولانی به این نقطه تعادلی رسیده است ولی ما می‌خواهیم با چند حضور در انتخابات به آن امکانات دسترسی یابیم.

من فکر می‌کنم جایگاه احزاب در کشورهای در حال گذار با کشورهای دموکراتیک متفاوت است، ما باید ساز و کار خاص و درون‌زایی را برای کشور خود تعریف کنیم.

مهندس بازرگان در دهه ۶۰ در یکی از سخنرانی‌هایش گفت: جنگ ما با این آقایان جنگ حجت است، نه قدرت. آزادی، دموکراسی، حقوق بشر، قانونمداری، انتخابات آزاد و سالم ارزش‌هایی است که خواسته تاریخی مردم ما است و ما باید بیش و پیش از قدرت بر تحقق این ارزش‌ها پای بفرسیم من فکر می‌کنم عدم موفقیت اصلاح‌طلبان در دوره اخیر، یکی از عوامل ناامیدی و سرخوردگی برای جوانان و حتی خود اصلاح‌طلبان است که هنوز هم برخی می‌خواهند که ایشان به هر قیمت در قدرت باشد. تا این دیدگاه اصلاح نشود و قدرت هدف باشد این روند ناامیدی ادامه پیدا خواهد کرد. البته منظور من این نیست که در قدرت بودن بد است اما نباید این خواسته هدف شود. هدف برای جامعه‌ی که در حال گذار به دموکراسی است، نهادینه کردن ارزش‌های آزادی، دموکراسی و حقوق بشر است. باید به فکر حاکمیت این ارزش‌ها باشیم. اگر این فرآیند اصلاح شود، شما می‌توانید به ماندگاری خود در قدرت هم امیدوار باشید.

به هر ترتیب برای اینکه روح امید را به جامعه خود برگردانیم، بایستی در واقع تحلیل خود را از حضور در قدرت اصلاح کنیم و زمینه را برای تقویت مشارکت خود و مردم در عرصه‌های مختلف فراهم کنیم.

جناب توسلی، بد اخلاقی روشنفکران با یکدیگر را که منجر به تبدیل روشنفکران به جزایر دور از هم شد در این رابطه چکار باید کرد، باید به روی خود نیاوریم، باید به عنوان یک معضل به آن نگاه کنیم و سکوت کنیم یا شما راه‌حلی برای آن دارید؟

شما تعبیر خوبی را به کار بردید؛ «بد اخلاقی روشنفکران». نبود روحیه و تمایل به همکاری اجتماعی بین روشنفکران، در صد ساله اخیر، هزینه‌های سنگینی را به مبارزات ملت ایران تحمیل کرده است. جا دارد این هزینه‌های سنگین برجسته شود و توجه مردم و فعالان سیاسی و اجتماعی را به آن جلب کند که روشنفکران بایستی به اصطلاح از خر شیطان پایین بیایند. یاد بگیرند با یکدیگر همکاری کنند. بپذیرند که با هم اختلاف تشخیص و سلیقه دارند ولی باید به

نظرات یکدیگر احترام بگذارند. از طریق گفت‌وگو بسیاری از توهمات برطرف و باعث می‌شود همکاری‌شان توسعه پیدا کند. در این خصوص ما حتی در راستای راهبرد "وفاق ملی" به احزاب مختلف، از جمله مشارکت و حتا مؤتلفه نزدیک شدیم، دستاورد آن کم ولی مثبت بود. به نظر من بخشی از ناامیدی جوانان به ناسازگاری روشنفکران برمی‌گردد زیرا نتوانستند جوانان را درست راهنمایی کنند و گاه آنها را به بیراهه کشانند.

فکر می‌کنم ذهن روشنفکران ما مکدر از این نکته است که پروژه‌هایی را به خوبی با هم شروع کردند ولی آن را بد تمام کردند. فکر نمی‌کنید روشنفکران بهتر است پروژه‌های کوتاه‌مدتی را با هم شروع کنند ولی خوب تمام کنند و از طریق گفت‌وگو اختلاف سلاقی را به حداقل برسانند. در حال حاضر بحث دموکراسی گفت‌وگویی یک مبحث بسیار جدی و مهم است که اندیشمندانی چون هابر ماس آن را مطرح می‌کنند یا گیدنز که بحث دموکراسی مشارکتی را مطرح می‌کند.

مهندس بازرگان هم در سال ۳۴ با پروژه های کوچک کار خود را شروع کرد، پروژه‌های کوچکی که در صورت بروز اختلافات باعث صرف هزینه‌های زیاد نمی‌شود و افراد در کنار آن کار جمعی را یاد می‌گیرند، و اختلافات در یک شاکله گفت‌وگویی حل می‌شوند. قطعاً همین‌طور است. این‌گونه فعالیت‌ها می‌تواند در چارچوب کارهای فرهنگی و اجتماعی باشد.

حتی سیاسی؟

پروژه‌های سیاسی دامنه‌اش وسیع است و اختلافات آن پر هزینه و بنابراین بایستی در مهندسی آن دقت بیشتری داشت.

اگر پروژه‌های سیاسی را کوچک تعریف کنید چطور؟

بله می‌شود، بویژه در شرایطی که حول محور های دموکراسی خواهی و حقوق بشر، گفتمان فراگیری بوجود آمده است این همکاری های جمعی تعریف شود.

ارزیابی عملکرد رادیو گفت و گو^۱

آقای مهندس توسلی، شما سه ماه قبل از راه اندازی رادیو گفت و گو، به دعوت مدیران این شبکه رادیویی، در یکی از نشست‌های غیررسمی‌اش، به عنوان نماینده یکی از صداهاى موجود و در چارچوب حاکمیت جمهوری اسلامی - رئیس دفتر سیاسی نهضت آزادی ایران - حاضر شدید و به طرح يك سؤال پرداختید. اینکه "هدف از تأسیس این رادیو چیست؟ آیا واقعاً يك استراتژی رسانه‌ای است یا تاکتیک؟" الان با توجه به اینکه يك سال و نیم از پیدایش این شبکه رادیویی می‌گذرد، چه برآوردی از عملیات این رادیو دارید؟ در این فاصله يك سال و نیمه، رادیو گفت و گو چه پاسخی عملاً به پرسش شما داد؟

عملکرد رادیو گفتگو را در مدت یکسال و نیم گذشته در مجموع بایستی مثبت ارزیابی کرد زیرا به رغم فشارها و محدودیت‌های موجود تلاش شده است تا حدودی فضای گفتگو به وجود آید اما بدیهی است که تا حد مطلوب فاصله زیادی وجود دارد که با شکیبایی و درایت و استفاده از فرصت‌ها و کاهش تهدیدها این روند می‌تواند ادامه پیدا کند.

همه می‌دانیم که تحولات اجتماعی و تغییر دیدگاهها و نفوس انسان‌ها امری تدریجی است و بصورت دفعی امکان‌پذیر نیست. اما اگر در این خصوص برای این تحول برنامه‌ریزی واقع بینانه وجود داشته باشد می‌توان به آینده این روند امیدوار بود. بنده امیدوارم اهداف این شبکه رادیویی استراتژیک باشد و مدیران آن با عملکرد خود درستی این تلقی را بیش از پیش به مخاطبان خود منتقل کنند.

فضای عمومی رسانه‌ای کشور را چگونه ارزیابی می‌کنید و این "رادیو" تا چه میزان می‌تواند خلاءهای احتمالی رسانه‌ای را پوشش دهد؟ با توجه به اینکه این شبکه فعلاً در تهران شنیده می‌شود اما سایت رادیو گفت و گو می‌تواند جهانی بودنش را بنمایاند تا چه حد می‌تواند بر انبوه مخاطبان (با عنایت به تنوع نگاه‌ها و سلاقی و اندیشه‌هایشان) اثرگذار باشد. آیا اساساً اثرگذار است؟

در حال حاضر فضای عمومی رسانه‌ای کشور به ویژه شبکه‌های مختلف صداوسیما عموماً در اختیار دیدگاه‌های دولتمردان بوده و صاحب‌نظران جامعه عملاً در این رسانه‌ها حضور ندارند.

^۱گفتگوی محمد توسلی با خبرنگار روزنامه گفت و گو - مسعود پیوسته - ۱۳۸۶/۸/۶

حتی نظرخواهی‌هایی که از مردم کوچه و بازار نیز پخش می‌شود بطور مشخص عموماً گزینشی و برای تأیید نظرات و دیدگاه‌های رسمی و دولتی است. در چنین شرایطی برنامه‌های محدود رادیو گفتگو در این فضای گسترده رسانه‌ای نمی‌تواند جایگاه قابل توجهی برای تأثیرگذاری داشته باشد. آموزه‌های قرآنی و تجربه بشری به ما آموخته است در شرایطی که رسانه‌های رسمی "تک صدایی" باشند و امکان "استماع قول" و نظرات متفاوت و انتخاب برتر دیدگاهها، "اتباع احسن"، وجود نداشته باشد، فضای جامعه برای آگاهی دادن، هدایت، رشد و توسعه مردم فراهم نخواهد شد و به تعبیر قرآن "طاغوت" و خودکامگی درچنین جامعه ای سیطره پیدا می‌کند.

بطور کلی می‌توان گفت به هر میزانی که مدیران رسانه‌ها بتوانند بیشتر فضای گفتگو و طرح نظرات و دیدگاه‌های مختلف را فراهم سازند و اعتماد مخاطبان خود را جلب کنند، اثرگذاری آنها بیشتر خواهد شد.

آیا رابطه متقابل و متعامل بین این شبکه دولتی و مطبوعات آزاد و مستقل مشاهده می‌شود؟
 آیا می‌توان "رادیو گفت‌وگو" را به‌عنوان يك رسانه‌ی بی‌طرف در دل رسانه ملی سراغ کرد که هم شنونده صداهای متنوع اجتماعی - سیاسی ایران است و هم بازتابنده‌ی آن؟

مطبوعات آزاد و مستقل بطور طبیعی از "رادیو گفت‌وگو"ی آزاد و مستقل استقبال می‌کنند زیرا اهداف و برنامه مشترک آنها این رابطه متقابل را به‌وجود خواهد آورد و زمینه‌ساز تعامل و همکاری خواهد شد. درحال حاضر با توجه به محدودیت های رادیو گفتگو به نظر نمی‌رسد چنین رابطه و تعاملی شکل گرفته باشد. امید است با تلاش مدیران رادیو گفتگو زمینه برای استقلال و بی‌طرفی این رسانه فراهم شود و با تولید و ارائه برنامه‌های مفیدتر که صداهای متنوع سیاسی - اجتماعی ایران در آن شنیده شود، مخاطبان این رسانه گسترش یابد و تعامل لازم با مطبوعات آزاد امکان‌پذیر شود.

معرفی کتاب «سیر تحول قرآن» و فرایند ویرایش آن^۱

تدوین سخنرانی مهندس محمد توسلی که همراه با تصاویر (Power Point) در مراسم رونمایی کتاب سیر تحول قرآن بنیاد فرهنگی مهندس مهدی بازرگان در تاریخ ۲۸ آذرماه ۱۳۸۶ در انجمن اسلامی مهندسین ارائه گردید.

زمینه تاریخی ایده «سیر تحول قرآن»

شادروان مهندس مهدی بازرگان و جمعی از سران و فعالان نهضت آزادی ایران در سوم بهمن ماه ۱۳۴۱ در پی انتشار بیانیه «ایران در آستانه یک انقلاب بزرگ و برگرداندن تاریخ ایران» و آگاه کردن ملت ایران از توطئه‌ی «انقلاب سفید شاه» بازداشت شدند. پس از گذراندن دوران دادگاه نظامی و محکومیت‌های سنگین آنان، در زندان شماره ۴ قصر برنامه‌های مطالعاتی و پژوهشی فشرده اجرا می‌کردند.

محصول کلاس‌ها، مطالعات و پژوهش‌های این دوران زندان، چند جلد تفسیر «پرتویی از قرآن» آیت‌الله طالقانی، «خلقت انسان» دکتر یداله سحابی و ۱۶ اثر مهندس بازرگان است که «سیر تحول قرآن» یکی از این آثار است.

در سال ۱۳۴۴ در پی همدردی زندانیان نهضت آزادی ایران با اعتصاب غذای محکومین هیئت‌های مؤتلفه (پرونده ترور منصور نخست‌وزیر وقت) که در زندان شماره یک و شماره ۳ قصر بودند، و ارسال دو نامه‌ی اعتراض به مسئولان زندان قصر و درخواست رسیدگی به مطالبات آنان، اگرچه اعتصاب غذای زندانیان هیئت‌های مؤتلفه با تأمین خواسته‌ی آنان پایان یافت اما پیامد آن تبعید مهندس بازرگان، دکتر سحابی و سایر فعالان نهضت آزادی ایران و جمعی دیگر از زندانیان به زندان برازجان بود.

آیت‌الله طالقانی که با هماهنگی قبلی، نامه‌ی مربوط به اعلام اعتصاب غذای زندانیان نهضت آزادی را امضا نکرده بودند، تبعید نشدند و در زندان شماره ۴ قصر ماندند.

در برازجان مهندس بازرگان بحث تفسیر قرآن طالقانی را ادامه داد. در این جلسات بود که ایده‌ی پروژه وسیع و ابتکاری «سیر تحول قرآن» شکل گرفت.

آثار مهندس بازرگان در دوران زندان (۱۳۴۶-۱۳۴۱)

^۱ تدوین سخنرانی محمد توسلی که در مراسم رونمایی کتاب سیر تحول قرآن بنیاد فرهنگی مهندس مهدی بازرگان در انجمن اسلامی مهندسین ارائه گردید - ۱۳۸۶/۹/۲۸

۱۳۴۲	عید مبعث آذر	۱ - تبلیغ پیامبر
۱۳۴۲	عید فطر بهمن	۲ - دعا
۱۳۴۲		۳ - مدافعات در دادگاه بدوی نظامی
۱۳۴۳		۴ - چرا با استبداد مخالفیم؟
۱۳۴۳		۵ - روح ملت‌ها (مقدمه کتاب)
۱۳۴۳		۶ - سازگاری ایرانی
۱۳۴۳		۷ - آزادی هند
۱۳۴۳	عید مبعث آذر	۸ - بعثت و ایدئولوژی
۱۳۴۳		۹ - باد و باران در قرآن
۱۳۴۳		۱۰ - آموزش قرآن جلد سوم
۱۳۴۴		۱۱ - خدا در اجتماع
۱۳۴۴		۱۲ - پدیده‌های جوی
۱۳۴۴		۱۳ - ذره بی انتها
۱۳۴۴		۱۴ - سیر تحول قرآن - جلد اول
۱۳۴۵		۱۵ - سیر تحول قرآن - جلد دوم
۱۳۴۶-۱۳۴۲		۱۶ - خاطرات زندان

شکل ۱ با توجه به جدول بالا، در سال ۴۲ سه اثر، در سال ۴۳ هشت اثر و در سال ۴۴ قبل از تبعید به زندان برازجان سه اثر و در دوران تبعید، «سیر تحول قرآن»، در دو جلد تألیف شده است.

بررسی آثار و حجم تولیدات فکری در این دوران از جنبه‌های مختلف قابل توجه و بررسی

است:

ساختار «سیر تحول قرآن» و سوابق چاپ آن

«سیر تحول قرآن» در دو جلد تنظیم شده است. در جلد اول سیر تحول لفظی (بخش اول)، سیر تحول موضوعی (بخش دوم) و سیر تحول محتوایی (بخش سوم) و در جلد دوم جداول، نمودارها و مبانی محاسبات جلد اول قرار دارد.

بخش اول و دوم جلد اول در سال ۱۳۵۵ در قطع رحلی و بخش سوم (سیر تحول محتوایی) در سال ۱۳۶۲ در قطع وزیری به چاپ رسیده است. این مجموعه تا سال ۱۳۷۷ پنج بار در قطع وزیری تجدید چاپ شده و حدود ۳۰ هزار نسخه آن چاپ و توزیع شده است.



شکل ۲ مهندس محمد توسلی در جلسه‌ی رونمایی

جلد دوم کتاب «سیر تحول قرآن» در سال ۱۳۵۹ در قطع رحلی به چاپ رسیده است. چاپ اول جلد اول کتاب در شرایط محدودیت شرکت سهامی انتشار توسط شرکت انتشارات قلم به کوشش آقای دکتر سید محمد مهدی جعفری به چاپ رسید، اما تمام چاپ‌های بعدی توسط شرکت سهامی انتشار به چاپ رسیده است.

در اینجا جا دارد به زحمات و نقش آقای مهندس عبدالعلی بازرگان، فرزند برومند زنده‌یاد مهندس بازرگان در ترتیب و ترسیم نمودارها و جداول چاپ اول کتاب - که به صورت دستی انجام شده است - اشاره و از ایشان تقدیر شود.

طرح سؤال و فرایند مطالعات اولیه

مهندس بازرگان مطالعه‌ی قرآن را در زندان برازجان از سوره کهف که «وسط» قرآن است آغاز می‌کند. دو ثلث سوره عنکبوت راجع به هلاک شدن امت‌های گذشته است. در بررسی نحوه‌ی

نام سوره	دوران نزول	تعداد آیات	تعداد کلمات	طول متوسط (متوسط تعداد کلمات هر آیه)
همزه	اول و دوم بعثت	۹	۳۴	$34 \div 9 = 3/78$
طه	چهارم و پنجم بعثت	۱۴۳	۱۳۰۸	$1308 \div 143 = 9/15$
مائده	اواخر هجرت	۱۲۰	۲۷۴۹	$2749 \div 120 = 22/91$

شکل ۳ جدول (۱) مقایسه سه سوره متعلق به سه دوران مختلف

عذاب و هلاکت اقوام گذشته «عاد»، «ثمود» و... با آیات کوتاه و بلند سوره برخورد می‌کنند و این سؤال برای ایشان مطرح می‌شود که «اگر سال نزول آیات و ترتیب آنها را بدانیم تفسیر و فهم این آیات روشن‌تر می‌شود».

برای به دست آوردن ترتیب تاریخی با فهرست زمانی سوره‌ها با این فرض مشهود که ابتدا آیات کوتاه و به تدریج آیات بلندتر نازل شده است، طول متوسط آیات هر سوره را از تقسیم تعداد کلمات و آیات هر سوره که بالای سوره‌ها نوشته شده است بدست آوردند. منحنی طول متوسط آیات سوره‌های قرآن برحسب زمان سیر صعودی را نشان می‌دهد، اما در چند مورد نامنظمی به چشم می‌خورد.

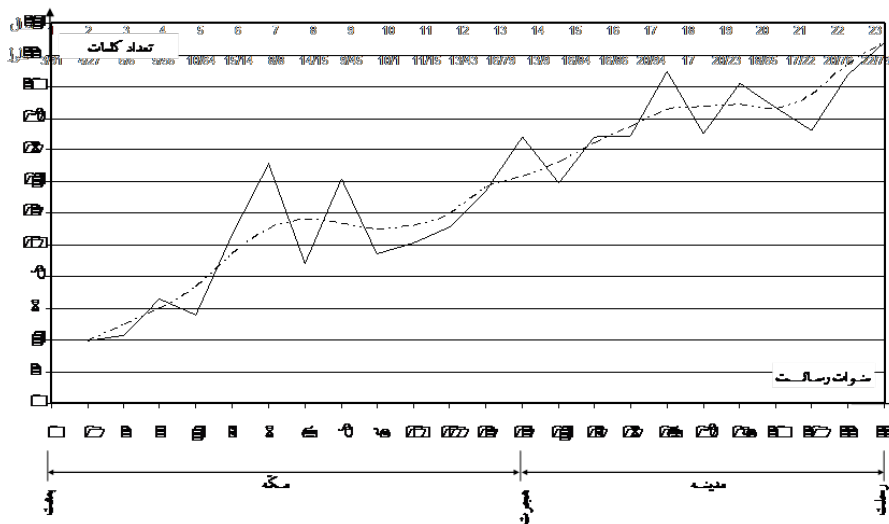
مقایسه سه سوره همزه، طه و مائده در جدول (۱) نشان می‌دهد که با پیشرفت زمان، طول متوسط آیات سه سوره ترقی می‌کند.

در نمودار (۲) منحنی طول متوسط آیات در هر سال و در جدول (۳) تعداد کلمات، تعداد آیات و طول متوسط آیات نازله در هر سال ملاحظه می‌شود.

در جدول (۴)، برپایه‌ی طول متوسط آیات، سوره‌های قرآن مرتب شده است. در این جدول سوره اخلاص با طول متوسط ۰۰/۳ کلمه در صدر جدول و سوره ممتحنه با طول متوسط ۹۲/۲۳ در ذیل آن قرار گرفته است.

در جدول (۵) ترتیب نزول سوره‌های قرآن بر پایه‌ی مطالعات بلاشر و دوران‌های متمایز وحی ملاحظه می‌شود که با جدول قبلی تشابه‌ها و اختلافاتی را نشان می‌دهد.

در اینجا مرحوم مهندس بازرگان برای شناخت نامنظمی‌هایی که در نمودارها و جداول به دست آمده مشاهده می‌کنند، به مطالعه‌ی منابع در دسترس مراجعه می‌کنند. در این مطالعات



شکل ۴ طول متوسط آیات هر سال

علاوه بر بررسی سوابق تاریخی نزول آیات که در کتاب‌های تاریخی و فهرست‌هایی که مفسرین از قول ائمه (ع) نقل کرده‌اند و همچنین کتاب «مقدمه‌ای بر قرآن» تألیف بلاشر و بهره‌گیری از روش‌های محاسبات ریاضی آماری و احتمالات مطالعات را پیگیری می‌کند و در نهایت به نتایجی می‌رسند که کاملاً بدیع و راهگشا برای پژوهشگران قرآن می‌گردد که اثر «سیر تحول قرآن» حاصل آن است.

تکمیل مبانی مطالعات

مهندس بازرگان با باوری که به نظم قرآن داشت، مبانی مطالعات را با مطالعه‌ی نحوه‌ی توزیع آیات در داخل سوره‌ها توسعه داد. به عنوان نمونه توزیع آیات برحسب تعداد کلمات آنها در سه سوره همزه، طه و مائده در جداول (۱/۶، ۲/۶ و ۳/۶) ملاحظه می‌شود.

در هر سوره جمع آیات، جمع کلمات، طول متوسط آیات، درصد آیات هر تعداد کلمه و درصد درصد کلمات در آیات مربوطه درج شده است.

در نمودار (۷) تعداد کلمات برحسب درصد آیات ترسیم شده است.

باتوجه به نتایج این جداول مهندس بازرگان مدل و نظریه خود را در خصوص شاخص‌های

طول متوسط	تعداد کلمات	تعداد آیات	تعداد سوره‌ها	سال نزول	محل نزول
۳/۹۱	۱۰۲۳	۲۶۲	۲۶	۱	مکه (قبل از هجرت)
۴/۲۷	۱۷۷۳	۴۱۵	۱۳	۲	
۶/۶۰	۲۰۴۰	۳۰۹	۸	۳	
۵/۵۶	۲۴۷۸	۴۴۵	۷	۴	
۱۰/۶۴	۲۳۱۱	۲۱۷	۴	۵	
۱۵/۱۴	۴۰۲۸	۲۶۶	۴	۶	
۸/۸	۳۹۷۹	۴۵۲	۵	۷	
۱۴/۱۵	۲۷۳۲	۱۹۳	۴	۸	
۹/۴۵	۳۸۷۷	۴۱۰	۳	۹	
۱۰/۱۰	۳۱۰۵	۳۰۷	۳	۱۰	
۱۱/۱۵	۵۳۹۳	۴۵۱	۴	۱۱	
۱۳/۴۳	۵۸۱۷	۴۳۳	۵	۱۲	
۱۶/۷۹	۱۰۱۲۵	۶۰۳	۴	۱۳	
۱۳/۹۰	۶۲۶	۴۵	۴	۱۴	
۱۶/۸۴	۸۵۹	۵۱	۳	۱۵	
۱۶/۸۶	۱۰۱۲	۶۰	۲	۱۶	
۲۰/۹۴	۷۷۵	۳۷	۲	۱۷	
۱۷/۰۰	۱۶۳۴	۹۶	۲	۱۸	
۲۰/۲۳	۴۸۵۶	۲۴۰	۲	۱۹	
۱۸/۶۵	۱۸۱۲	۹۷	۳	۲۰	
۱۷/۲۲	۱۷۹۱	۱۰۴	۲	۲۱	
۲۰/۷۶	۸۶۱۸	۴۱۵	۲	۲۲	
۲۲/۷۶	۷۲۸۴	۳۲۰	۲	۲۳	

شکل ۵ جدول (۳) تعداد کلمات، تعداد آیات و طول متوسط آیات نازل در هر سال

شماره ترتیب	عنوان سوره	طول متوسط	شماره ترتیب	عنوان سوره	طول متوسط	شماره ترتیب	عنوان سوره	طول متوسط	شماره ترتیب	عنوان سوره	طول متوسط
۱	اخلاص	۳/۰۰	۳۰	انفطار	۴/۱۵	۵۹	مؤمنون	۸/۵۵	۸۸	انفال	۱۵/۶۴
۲	عبس	۳/۱۱	۳۱	فجر	۴/۲۲	۶۰	طه	۹/۱۴	۸۹	شوری	۱۵/۶۴
۳	اعلی	۳/۱۲	۳۲	تبت	۴/۴۰	۶۱	مریم	۹/۲۲	۹۰	صف	۱۵/۶۴
۴	قارعه	۳/۲۷	۳۳	مدثر	۴/۴۳	۶۲	زخرف	۹/۴۳	۹۱	قصص	۱۵/۷۵
۵	شمس	۳/۳۱	۳۴	زلزال	۴/۵۰	۶۳	جن	۹/۸۱	۹۲	لقمان	۱۵/۸۲
۶	ناس	۳/۳۳	۳۵	فلق	۴/۶۰	۶۴	بینه	۱۰/۰۰	۹۳	احقاف	۱۶/۰۰
۷	کوثر	۳/۳۳	۳۶	فیل	۴/۶۰	۶۵	انبیاء	۱۰/۱۳	۹۴	حج	۱۶/۱۵
۸	انشراح	۳/۳۷	۳۷	مطففین	۴/۶۳	۶۶	ملک	۱۱/۰۰	۹۵	یونس	۱۶/۳۱
۹	لیل	۳/۳۸	۳۸	عصر	۴/۶۴	۶۷	فرقان	۱۱/۱۵	۹۶	فاطر	۱۶/۴۸
۱۰	غاشیه	۳/۳۸	۳۹	صافات	۴/۷۰	۶۸	نمل	۱۱/۹۶	۹۷	احزاب	۱۶/۶۶
۱۱	ماعون	۳/۴۲	۴۰	حاقه	۴/۸۰	۶۹	سجده	۱۲/۱۶	۹۸	آل عمران	۱۷/۰۰
۱۲	ضحی	۳/۴۵	۴۱	بروج	۴/۸۶	۷۰	روم	۱۳/۳۵	۹۹	حشر	۱۷/۰۰
۱۳	تکواتر	۳/۵۰	۴۲	معارج	۴/۹۰	۷۱	جاثیه	۱۳/۶۰	۱۰۰	انعام	۱۷/۹۶
۱۴	مرسلات	۳/۵۴	۴۳	رحمن	۴/۹۶	۷۲	اسراء	۱۳/۶۲	۱۰۱	حجرات	۱۸/۴۶
۱۵	تکویر	۳/۵۵	۴۴	شعراء	۵/۶۵	۷۳	تغابن	۱۳/۸۰	۱۰۲	توبه	۱۸/۸۳
۱۶	تین	۳/۵۷	۴۵	نجم	۵/۷۱	۷۴	نحل	۱۳/۹۶	۱۰۳	نصر	۱۹/۰۰
۱۷	قریش	۳/۶۰	۴۶	قلم	۵/۷۷	۷۵	محمد	۱۴/۱۶	۱۰۴	حدید	۱۹/۰۲
۱۸	عادیات	۳/۶۳	۴۷	دخان	۵/۸۱	۷۶	عنکبوت	۱۴/۱۷	۱۰۵	فتح	۱۹/۰۳
۱۹	طارق	۳/۶۴	۴۸	ذاریات	۵/۸۵	۷۷	فصلت	۱۴/۴۸	۱۰۶	رعد	۱۹/۵۸
۲۰	علق	۳/۷۳	۴۹	حجر	۵/۸۹	۷۸	کهف	۱۴/۵۹	۱۰۷	نور	۱۹/۶۹
۲۱	همزه	۳/۷۷	۵۰	قدر	۶/۰۰	۷۹	مؤمن	۱۴/۶۹	۱۰۸	بقره	۲۰/۳۷
۲۲	نازعات	۳/۸۴	۵۱	طور	۶/۲۰	۸۰	هود	۱۴/۸۶	۱۰۹	نساء	۲۱/۰۶
۲۳	واقعہ	۳/۸۸	۵۲	قمر	۶/۲۶	۸۱	ابراہیم	۱۴/۹۲	۱۱۰	مجادله	۲۲/۱۹
۲۴	انشقاق	۳/۹۵	۵۳	مزل	۶/۳۶	۸۲	زمر	۱۵/۴۰	۱۱۱	تحریم	۲۲/۶۰
۲۵	بلد	۴/۰۰	۵۴	نوح	۶/۵۰	۸۳	منافقون	۱۵/۴۵	۱۱۲	مائده	۲۲/۹۰
۲۶	کافرون	۴/۰۰	۵۵	دھر	۷/۶۴	۸۴	اعراف	۱۵/۵۷	۱۱۳	طلاق	۲۳/۵۸
۲۷	قیامہ	۴/۰۷	۵۶	ق	۸/۱۵	۸۵	سبأ	۱۵/۶۰	۱۱۴	ممتحنه	۲۳/۹۲
۲۸	فاتحه	۴/۱۴	۵۷	ص	۸/۲۱	۸۶	یوسف	۱۵/۶۱			
۲۹	نبأ	۴/۱۴	۵۸	یس	۸/۳۰	۸۷	جمعه	۱۵/۶۳			

شکل ۶ جدول (۴) ردیف‌بندی (ترتیب) سوره‌های قرآن برحسب طول متوسط آیات

مدنی		مکی							
دوران IV		دوران III		دوران II		دوران I			
عنوان	شماره	عنوان	شماره	عنوان	شماره	عنوان	شماره	عنوان	شماره
سوره	ترتیب	سوره	ترتیب	سوره	ترتیب	سوره	ترتیب	سوره	ترتیب
بقره	۹۱	فصلت	۶۹	ذاریات	۴۸	نبا	۲۶	علق	۱
بینه	۹۲	سجده	۷۰	قمر	۴۹	قیامه	۲۷	مدثر	۲
تغابن	۹۳	جاثیه	۷۱	قلم	۵۰	رحمن	۲۸	قریش	۳
جمعه	۹۴	اسرى	۷۲	صافات	۵۱	قدر	۲۹	ضحی	۴
انفال	۹۵	نحل	۷۳	نوح	۵۲	نجم	۳۰	انشراح	۵
محمد	۹۶	روم	۷۴	دخان	۵۳	تکواثر	۳۱	عصر	۶
آل عمران	۹۷	هود	۷۵	ق	۵۴	علق	۳۱ مکرر	شمس	۷
صف	۹۸	ابراهیم	۷۶	طه	۵۵	معارض	۳۲	ماعون	۸
حدید	۹۹	یوسف	۷۷	شعرا	۵۶	مزل	۳۳	طارق	۹
نساء	۱۰۰	مؤمن	۷۸	حجر	۵۷	دهر	۳۴	تین	۱۰
طلاق	۱۰۱	قصص	۷۹	مریم	۵۸	مطففین	۳۵	زلزال	۱۱
حشر	۱۰۲	زمر	۸۰	ص	۵۹	مدثر	۳۵ مکرر	قارعه	۱۲
احزاب	۱۰۳	عنکبوت	۸۱	یس	۶۰	تبت	۳۶	عادیات	۱۳
منافقون	۱۰۴	لقمان	۸۲	زخرف	۶۱	کوثر	۳۷	لیل	۱۴
نور	۱۰۵	شوری	۸۳	جن	۶۲	همزه	۳۸	انفطار	۱۵
مجادله	۱۰۶	یونس	۸۴	ملک	۶۳	بلد	۳۹	اعلی	۱۶
حج	۱۰۷	سبأ	۸۵	مؤمنون	۶۴	فیل	۴۰	عبس	۱۷
فتح	۱۰۸	فاطر	۸۶	انبیاء	۶۵	فجر	۴۱	تکویر	۱۸
تحریم	۱۰۹	اعراف	۸۷	فرقان	۶۶	بروج	۴۲	انشقاق	۱۹
ممتحنه	۱۱۰	احقاف	۸۸	نمل	۶۷	اخلاص	۴۳	نازعات	۲۰
نصر	۱۱۱	انعام	۸۹	کهف	۶۸	کافرون	۴۴	غاشیه	۲۱
حجرات	۱۱۲	رعد	۹۰			فاتحه	۴۵	طور	۲۲
توبه	۱۱۳					فلق	۴۶	واقعه	۲۳
مائده	۱۱۴					ناس	۴۷	حافه	۲۴
								مرسلات	۲۵

شکل ۷ جدول (۵) دوران‌های متمایز و متوالی وحی و ترتیب نزول سوره‌های قرآن بر طبق تشخیص و طرح بلاشر

طول آیات به کلمه	آیات ۳ کلمه‌ای	آیات ۴ کلمه‌ای	آیات ۵ کلمه‌ای
شماره آیات	آیه شماره ۶ آیه شماره ۸ آیه شماره ۹	آیه شماره ۱ آیه شماره ۲ آیه شماره ۳ آیه شماره ۵ آیه شماره ۷	آیه شماره ۴
تعداد آیات، جمعاً ۹ آیه	۳ آیه	۵ آیه	۱ آیه
تعداد کلمات، جمعاً ۳۴ کلمه	۹ کلمه	۲۰ کلمه	۵ کلمه
درصد آیات، جمعاً ۱۰۰٪	$3 \div 9 = 33\%$	$5 \div 9 = 56\%$	$1 \div 9 = 11\%$
درصد کلمات در آیات	$9 \div 34 = 26/5\%$	$20 \div 34 = 58/8\%$	$5 \div 34 = 14/7\%$

جمع آیات ۹، جمع کلمات ۳۴، طول متوسط آیات $34 \div 9 = 3/78$

شکل ۸ طرز توزیع آیات در داخل سوره‌ها، جدول (۱/۶) توزیع آیات برحسب تعداد کلمات در سوره همزه

پایه هر سوره به شرح زیر تعریف می‌کند:

شاخص‌های پایه هر سوره

طول متوسط : نسبت تعداد کلمات سوره به تعداد آیات آن

طول غالب : تعداد کلمات آیتی که در سوره اکثریت دارد

ارتفاع قله (درصد حداکثر) :

طول آیات	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱۶	۱۷	۱۸	۱۹	۲۰	۲۱	۲۲	۲۷	
شماره آیات	۲۹	۸	۱	۱۱	۳	۶	۷	۹	۴۷	۱۴	۵	۱۹	۶۰	۷۲	۸۳	۹۲	الف ۱۷۵	۵۵	الف ۴۰	ب ۸۸	۴۱	۷۴	
	۳۱	۲۷	۲	۱۳	۲۲	۴۴	۴۶	۱۰	۵۰	۲۳	۶۸	۶۶	ب ۷۵	۸۲	۱۱۳	۹۵		۱۳۴	۴۹			۹۷	
	۳۵	۳۲	۴	۱۵	۳۷	الف ۹۴	۵۷	۱۲	۶۷	۴۲	۶۹	۷۹	ب ۹۶	۸۹		۱۲۸			۱۳۰				
	۴۳	۳۳	۲۰	۱۶	۳۹	۱۰۱	۶۱	۱۷	۷۷	۷۶	۷۸	۹۰	۱۱۲	۱۱۹		۱۳۱							
		۳۴	۲۴	۱۸	۴۸	۱۰۵	۶۳	۵۲	۱۱۴	۹۱	۹۰	۱۰۷											
			۲۸	۲۱	۵۸	۱۲۵	۷۳	۵۴		۹۸	۱۰۴	ب ۱۱۵											
			۳۶	۲۵	۵۲		الف ۸۱	۵۶		۱۰۸	۱۱۸	۱۳۳											
			ب ۸۰	۲۶	۶۲		۹۳	۸۴		۱۱۱	۱۳۵												
			الف ۱۰۶	۳۰	۶۴		۱۰۰	۸۶		۱۲۱													
				۳۸	۸۵		۱۰۲	۸۷		۱۲۷													
				الف ۸۸		۱۲۳	۱۰۹		۱۳۲														
				۵۱	۱۰۳		۱۱۰																
				۵۳	۱۱۶		الف ۱۱۵																
				۶۵	۱۲۰		۱۲۹																
				۷۰	۱۲۲																		
				۷۱																			
				ب ۹۴																			
				الف ۹۶																			
				ب ۱۰۶																			
تعداد آیات	۴	۸	۱۰	۱۹	۱۵	۶	۱۲	۱۴	۵	۱۱	۸	۷	۴	۴	۲	۴	۱	۲	۳	۱	۱	۲	
تعداد کلمات	۸	۲۴	۴۰	۹۵	۹۰	۴۲	۹۶	۱۲۶	۵۰	۱۲۱	۹۶	۹۱	۵۶	۶۰	۳۲	۶۸	۱۸	۳۸	۶۰	۲۱	۲۲	۵۴	
درصد آیات	۲.۸۰	۵.۵۹	۶.۹۹	۱۳.۲۹	۱۰.۴۹	۴.۲۰	۸.۳۹	۹.۷۹	۳.۵۰	۷.۶۹	۵.۵۹	۴.۹۰	۲.۸۰	۲.۸۰	۱.۴۰	۲.۸۰	۰.۷۰	۱.۴۰	۲.۱۰	۰.۷۰	۰.۷۰	۱.۴۰	
درصد کلمات	۰.۶۱	۱.۸۳	۳.۰۶	۷.۲۶	۶.۸۸	۳.۲۱	۷.۳۴	۹.۶۳	۳.۸۲	۹.۲۵	۷.۳۴	۶.۹۶	۴.۲۸	۴.۵۹	۲.۴۵	۵.۲۰	۱.۳۸	۲.۹۱	۴.۵۹	۱.۶۱	۱.۶۸	۴.۱۳	

جمع آیات ۱۴۳، جمع کلمات ۱۳۰۸، طول متوسط $9/15 = 133 \div 1308$

شکل ۹ جدول (۲/۶) توزیع آیات برحسب تعداد کلمات در سوره طه

دامنه: عدم تقارن یا تناسب گسترش به راست و چپ منحنی با توجه به ارتفاع آن

طول مبنا: طول متوسط تصحیح شده

در شکل ۸ شاخص‌های چهارگانه سوره‌ها نشان داده شده است.

برای کاهش نامنظمی‌های باقیمانده در ترتیب سوره‌ها، شاخص‌های سوره انبیاء را به‌عنوان پایه در نظر می‌گیرند و با محاسبه‌ی شاخص‌های نسبی «طول مبنا»ی سوره‌ها و گروه‌های تنزیل را به‌دست می‌آورند که مبنای تنظیم جداول ترتیب نزول آیات شده است.^۱

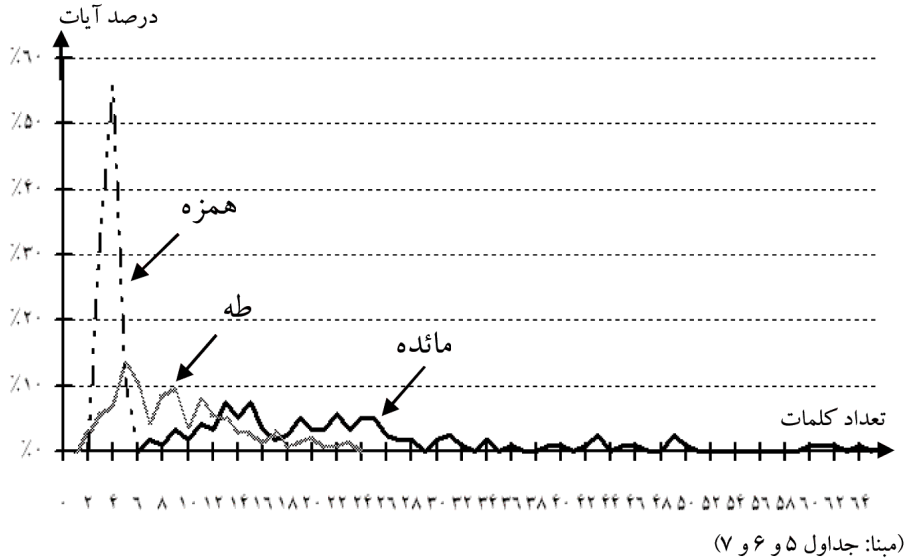
شاخص‌های پایه سوره انبیاء: طول متوسط ۱۰، طول غالب ۸، طول غالب ۱۵ درصد، دامنه

۶۶.۳

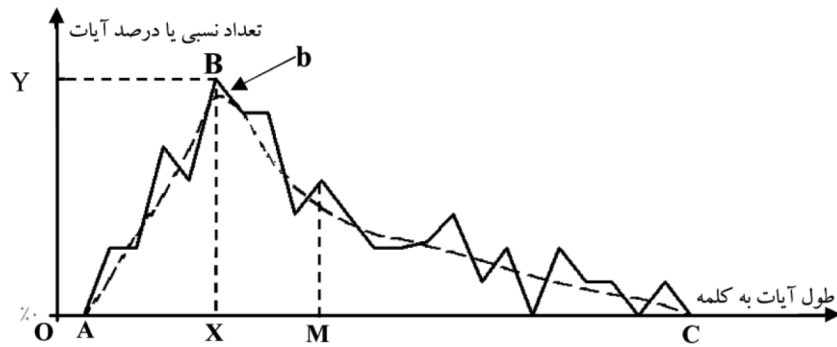
در جدول (۹) شاخص‌های مطلق و نسبی برای سه سوره نمونه و نحوه محاسبه طول مبنا با مقایسه با سوره پایه انبیاء ملاحظه می‌گردد.

در جدول ۱۰ به عنوان نمونه جدول، محاسبات و نمودار یک سوره از قرآن (سوره قصص) ملاحظه می‌شود. این جدول و نمودارهای مربوط به ۱۱۴ سوره قرآن به طور کامل در جلد دوم

^۱ برای توضیحات تفصیلی درباره‌ی شاخص‌های چهارگانه و نحوه‌ی محاسبه‌ی آنها به صفحات ۶۶ تا ۶۹ جلد (۱۲) «مجموعه آثار» مراجعه شود.



شکل ۱۱ نمودار (۷) منحنی‌های مشخصه سوره‌های: همزه، طه و مائده



طول متوسط آیات: $I=OM$ طول غالب: $L=OX$ ارتفاع: $H=OY$

$$p = \sqrt{\frac{XC}{AM}} \times \frac{100}{H} \text{ : دامنه}$$

شکل ۱۲ شکل (۸) نمایش شاخص‌های چهارگانه سوره‌ها

شده است.

در جدول شماره ۱۳ (صفحه اول آن)، فهرست پیشنهادی نزول سوره‌های قرآن و تطبیق با فهرست‌های تاریخی قدیم و تحقیقی جدید درج شده است.

در جدول شماره ۱۴ ترتیب نزول گروه آیات سوره‌ها و جمع آیات و کلمات نازل تا آن زمان محاسبه و تنظیم شده است که حائز نکات مهمی است که در قسمت بعدی به آنها اشاره خواهد شد. در این جدول علاوه بر شماره ردیف نزول و شماره رسمی سوره‌ها تعداد آیات، کلمات و جمع تجمعی آنها در هر سال درج شده است.

بر پایه این جدول تعداد کلماتی که بر پیامبر (ص) در شرایط مختلف نازل شده عدد ثابتی معادل حدود ۳۶۳۰ کلمه است.

در جدول شماره ۱۵، بر پایه جداول‌های ۱۲ و ۱۴ سال نزول آیات مشخص شده است. در این جدول به ترتیب شماره‌های رسمی سوره‌ها، شماره ترتیب نزول آیات سوره، عنوان و موضوع آیات، شماره ترتیب نزول گروه آیات و در ستون آخر سال نزول آن درج شده است. با استفاده از این جدول می‌توان سال نزول هر آیه قرآن را به دست آورد که برای مطالعات و پژوهش‌های قرآنی بسیار مفید است.

سیر تحول موضوعی قرآن

در بخش دوم جلد اول، کتاب به سیر تحول موضوعی قرآن اختصاص پیدا کرده است. در جمع‌بندی این بخش به نکات قابل توجهی اشاره شده است. در جدول زیر موضوعات قرآن در ۸ بخش و تعداد آیات و درصد مربوطه درج شده است.

درصد‌های جدول بالا نشان می‌دهد که حدود ۸۰ درصد آیات قرآن به موضوعات خدا، آخرت و رسالت انبیاء اختصاص یافته، سهم احکام ۷ درصد، جهاد ۴ درصد و موضوعات مربوط به خانوادگی پیامبر (ص) فقط ۳۵/۰ درصد از آیات را شامل می‌شود. اگر تعداد آیات و تکرار آنها شاخص اهمیت آنها در برنامه هدایتی انبیاء باشد، جایگاه موضوع احکام و خانوادگی پیامبر در رسانه‌های جامعه امروز ما و تفاوت آنها با برنامه الهی برای هدایت انسان کاملاً مشهود است.

سیر تحول محتوایی آیات

در بخش سوم جلد اول کتاب که در چاپ اول به صورت متمم جلد اول چاپ شده است، هشت نمونه از موضوعات مختلف به شرح زیر انتخاب شده است و در هر مورد سیر تحول این

موضوعات در طول دوران نزول وحی بررسی گردیده است:

۱. چند نمونه از احکام تدریجی شامل: حرمت شراب، حرمت ربا
۲. نمونه‌هایی از احکام فقهی و تربیتی شامل: فحشا و زنا، جهاد و نفاق
۳. نمونه‌هایی از موضوعات مختلف قرآن شامل: معرفی ابراهیم، آفرینش آدمی‌زاد، تزکیه یا ماده دوم برنامه بعثت و موسی و بنی‌اسرائیل سیر تحول محتوایی آیات نتایج زیر را نشان می‌دهد:

۱. وجود مسلم تحول محتوایی
۲. تدریجی بودن احکام و اعلام‌ها
۳. جهت‌دار بودن تحول
۴. هدفداری
۵. تحول محتوایی آیات فقهی یا تشریحی

و ...

بطور کلی نتایج بررسی‌های دو بخش سیر تحول موضوعی و سیر تحول محتوایی آیات، صحت و درستی سیر تحول لفظی قرآن و نظم و ترتیب نزول گروه آیات را با دقت کافی نشان می‌دهد.

مقایسه متن قرآن با سایر متن‌ها

مرحوم مهندس بازرگان برای مقایسه متن قرآن با سایر متن‌ها، چند نمونه شاخص از متون آثار داخلی و خارجی را به شرح زیر با ترسیم نمودارها و محاسبه چهار شاخص مشابه مطالعات سیر تحول لفظی مورد بررسی قرار داده است:

۱. مقدمه شاهنامه امیر منصور (۳۴۷ هجری)
- (۴۴ جمله اول نقل از کتاب هزار سال نثر فارسی - کریم کشاورز)
۲. کتاب "کلمه‌ها" از ژان پل سارتر صفحات ۳ تا ۱۱
۳. کتاب دارالمجانین جمال زاده (صفحات ۹ تا ۲۴)

جداول و نمودارهای ارائه شده نشان می‌دهد که در متون بشری نظمی مشابه قرآن مشاهده نمی‌شود.

فرایند ویرایش رایانه‌ای کتاب

در سال‌های اخیر که کتاب «سیر تحول قرآن» نایاب و ضرورت تجدید چاپ و حروف‌چینی و بهبود کیفیت آن مورد توجه بنیاد فرهنگی مهندس مهدی بازرگان و شرکت سهامی انتشار بود، بنده این وظیفه را تقبل نمودم تا با استفاده از امکانات رایانه‌ای و نرم‌افزارهای موجود محاسبات دستی کنترل شود و مجموعه کتاب به صورت فایل رایانه‌ای تهیه گردد و چاپ کتاب با کیفیت بهتر امکان‌پذیر شود.

این پروژه به تدریج در طول سال‌های ۱۳۷۶ تا ۱۳۸۲ با مشارکت همکاران اینجانب در مهندسی مشاور گذرراه تا تهیه فایل اطلاعات انجام شد. به طور خلاصه، ابتدا ارقام جداول سوره‌ها در برنامه اکسل (Excel) وارد سیستم شد و کلیه محاسبات، تجدید و مغایرت‌ها اصلاح گردید. سپس جداول و محاسبات مربوطه تنظیم و نمودارهای آنها ترسیم گردید. ماشین‌نویسی متن کتاب و صفحه‌بندی متن همراه با جداول و نمودارها که در نرم‌افزارهای متفاوت تهیه شده بودند و آرایش صفحات، مرحله پیچیده بعدی این فرآیند بود.

مشکلات و ویرایش رایانه‌ای «سیر تحول قرآن» را به طور خلاصه می‌توان به شرح زیر اشاره کرد

:

۱. ورود اطلاعات به سیستم با توجه به حجم سنگین اطلاعات ۱۱۴ سوره
۲. در مرحله تنظیم جداول و ترسیم نمودارها، انتقال نمودارها از اکسل (Excel) به ورد (Word) در ابتدای کار که برنامه اکسل با متن فارسی هماهنگ نبود ادامه‌ی کار را با مشکل روبرو ساخت. با استفاده از اکسل ۹۷ و ۲۰۰۳ این مشکل به مرور زمان کاهش پیدا کرد.
۳. ترسیم جداول در ۱-۳ Word به علت بالا بودن حجم فایل‌ها
۴. تغییر قطع کتاب از رحلی به وزیری و تنظیم جداول و نمودار سوره‌های بزرگ
۵. در مرحله‌ی ماشین‌نویسی، انتقال فایل‌ها از ۱-۳ Word به Win۹۷ و سپس که Winxp موجب به هم ریختگی متن می‌شد کار را با مشکل روبرو ساخت. البته در مراحل بعدی که از Winxp استفاده شد مشکل برطرف گردید.
۶. ماشین‌نویسی آیات قرآن و اعراب‌گذاری آنها در شروع کار با سختی صورت می‌گرفت؛ اما در مرحله‌ی بعدی استفاده از نرم‌افزارهای ویژه‌قرآنی این مشکل را نیز برطرف ساخت.

تغییرات و ویرایش جدید

با اصلاح برخی از اشتباهات محاسبات دستی شاخص‌های پایه سوره‌ها، اگرچه «طول مبنای» برخی از گروه‌های تنزیل در این ویرایش با چاپ قبل اندکی متفاوت شده - و در نتیجه سال نزول بخشی از آیات که در مرز بین سال‌ها قرار داشته‌اند از یک سال به سال قبل یا به سال بعد منتقل شده است - اما ترتیب نزول این آیات عیناً همان است که در چاپ قبلی و قبل از ویرایش جدید ارائه گردیده است.

پاره‌ای از دستاوردهای ویرایش رایانه‌ای کتاب

همان‌گونه که در توضیحات جدول شماره ۱۴ قبلاً اشاره شد تعداد کلمات وحی شده بر پیامبر (ص) در هر سال، در تمام دوران رسالت تعداد ثابتی در حدود ۳۶۳۰ کلمه بوده است که از جمله اعجاز قرآن است. ترسیم نقاط معرف غالب سوره‌های تاریخ‌دار قرآن برحسب جمع کلمات نازل نشان می‌دهد که این نقاط در امتداد یک خط قرار دارند، یعنی منحنی تنزیل خطی است. در نمودار شکل (۱۶) سوره‌های تاریخ‌دار و دوران فترت ۴/۸ ماه نیز نشان داده شده است.

در نمودار شکل (۱۷) که امتداد متوسط مستقیم گذرگاه‌های نزدیک و تعداد کلمات نازل شده برحسب جدول شماره ۱۴ ترسیم شده است، شیب یا ضریب زاویه خط تنزیل به صورت زیر به دست می‌آید:

$$۳۶۳۰ \# ۱۶۷.۳۸۲ - ۲۲.۱ / ۷۵۸۸۵ - ۳۹۱$$

یعنی تعداد کلماتی که سالانه در تمام دوران رسالت بر پیامبر نازل شده است عدد ثابت ۳۶۳۰ می‌باشد. به علاوه نمودار مزبور واقعیت دیگری را به نمایش می‌گذارد که ۲۳ سال معرف دوران رسالت پیامبر در واقع ۲۱ سال و ۷ ماه به شرح زیر است.

دو اظهار نظر درباره کتاب «سیر تحول قرآن»

مهندس بازرگان در سال ۱۳۴۷ در جمع اعضای «کانون نشر حقایق اسلامی» مشهد با حضور مرحوم استاد محمدتقی شریعتی، خلاصه مطالعات «سیر تحول قرآن» را ارائه داد.

دکتر شریعتی طی نامه‌ای به مهندس عبدالعلی بازرگان واکنش خود را درباره‌ی این اثر مهندس بازرگان ابراز داشته است که در آن آمده است :

«من کشف ایشان را درباره قرآن درست، بی‌مبالغه شبیه کار گالیه درباره‌ی منظومه و نیوتن

درباره‌ی جاذبه و پاستور درباره‌ی بیماری ... می‌دانم...

این حادثه‌ای است در علم مذهب. این تنها اثبات قرآن و وحی نمی‌کند، اثبات وجود خدا و غیب را می‌کند؛ آن هم اثبات خدا نه با زبان عرفان و اخلاق و فلسفه و عقل، نه با علم، آن هم علوم دقیق و آن هم دقیق‌ترین اش ریاضی! «

اما مرحوم مهندس بازرگان در پایان بخش سوم جلد اول کتاب با کمال فروتنی در مورد این اثر ابتکاری و بدیع خود چنین نوشته‌اند: «اذعان می‌کنم که سیر تحول قرآن نوزادی است نرسیده به سن بلوغ و نیازمند به تغذیه و توجه صاحب قرآن و کار محققین در قرآن».

بازگشت به متن قرآن

مهندس بازرگان در واقع برای تبیین آیاتی از قرآن که به آنها باور داشت اثر «سیر تحول قرآن» را پژوهش و تدوین نموده است که خود در متن اثر به آنها اشاره کرده است. در زیر چند آیه نمونه را مرور می‌کنیم:

«أَفَلَا يَتَذَكَّرُونَ الْقُرْآنَ وَلَوْ كَانَ مِنْ عِنْدِ غَيْرِ اللَّهِ لَوَجَدُوا فِيهِ اخْتِلَافًا كَثِيرًا» (نساء / ۸۲)

(چرا در قرآن تدبیر نمی‌کنند؟ اگر از جانب غیر خدا بود قطعاً در آن اختلاف بسیاری می‌یافتند.)

«وَقُرْآنًا فَرَقْنَاهُ لِتَقْرَأَهُ عَلَى النَّاسِ عَلَى مُكْثٍ وَنَزَّلْنَاهُ تَنْزِيلًا»

(اسراء / ۱۰۷)

(و قرآنی که آن را متفرق ساختیم تا بادرنگ و تأمل بر مردم بخوانی و به صورت فرو ریختن و

پایین آمدن مخصوصی نازل کردیم.)

«كَذَلِكَ لِنُثَبِّتَ بِهِ فُؤَادَكَ وَرَتَّلْنَاهُ تَرْتِيلًا» (فرقان / ۳۴)

(و چنین بود) جمله واحد نازل نشد) تا بوسیله‌ی آن دل تو را ثابت بداریم و با یک نوع تائی

خاص به تدریج آن را نازل کردیم.)

«الرَّ كِتَابٌ أُحْكِمَتْ آيَاتُهُ ثُمَّ فُصِّلَتْ مِنْ لَدُنْ حَكِيمٍ خَبِيرٍ»

(سوره هود / ۱)

(این کتابی است که آیات آن از سوی خردمندی حکیم استوار گشته است.)

تقدیر و سپاس

یافته‌های مرحوم مهندس بازرگان در این اثر - که نمودار اصالت و غیربشری بودن متن آن

است - از یک سو موجب تقویت ایمان و باور مسلمانان به کتاب هدایت و راهنمای زندگی خود

و بهره‌گیری بیشتر از آن می‌گردد، و از سوی دیگر جداول ۱۱ الی ۱۵ به ویژه جدول ۱۵ آن برای همه‌ی کسانی که باقرآن سروکار دارند و آن را مطالعه می‌کنند منبعی بسیار مفید و ارزشمند است. همان‌گونه که مهندس بازرگان خود خواسته است برای تبیین و توسعه این اثر، لازم است پژوهشگران قرآنی، این مطالعات را ادامه دهند.

مهندس بازرگان - همان‌گونه که خود نوشته است - تدوین این اثر را در سال ۱۳۴۴ آغاز کرد و در سال ۱۳۶۲ یعنی پس از ۱۸ سال آخرین بخش آن را با عنوان «سیرت‌حول محتوایی قرآن» به چاپ رسانید. ویرایش جدید این اثر در سال ۱۳۷۶ در شرکت گذرراه آغاز شد و پس از آماده شدن فایل‌های اولیه در سال ۱۳۸۲، ادامه‌ی ویرایش و اصلاح جداول و نمودارها و انجام خدمات تنظیم و صفحه‌آرایی آن در بنیاد فرهنگی مهندس مهدی بازرگان به انجام رسید در سال ۱۳۸۶ - پس از ده سال - با همت و کوشش شرکت سهامی انتشار منتشر شد.

لازم می‌دانم از مدیریت و مساعی ارزشمند جناب آقای اکبر بدیع‌زادگان، مدیرعامل محترم بنیاد فرهنگی مهندس بازرگان که با دقت فراوان و ویرایش جدید این اثر را به پایان رسانیده و آماده چاپ ساختند و همچنین از همکاری و تلاش پیگیر جناب آقای محجوب، مدیرعامل محترم شرکت سهامی انتشار و همکاران ایشان که با علاقه‌مندی چاپ و ویرایش جدید «سیرت‌حول قرآن» را نیز مورد توجه قرار دادند تقدیر و سپاس‌گزاری نمایم.

در پایان از اینکه اینجانب و همکارانم در مهندسی مشاور گذرراه توفیق یافتیم تا مراحل فنی ویرایش جدید «سیرت‌حول قرآن» را انجام دهیم و امکان استفاده از این اثر به صورت ویرایش جدید و فایل برای همگان فراهم شده است، خداوند بزرگ را سپاس می‌گذاریم.

شماره رسمی	نام سوره	گروه بندی		تعداد			شاخص های چهار گانه (مطلق نسبی)				
				کلمات	آیات		طول متوسط	طول غالب	ارتفاع	دامنه	
		ذکر شده	حساب شده		طول	طول					
۱	فاتحه	سراسری	تمام آیات	۷	۷	۲۹	۴/۱۴	۴	۴۲/۰	۲/۱۳	۴/۲۴
							۰/۴۱۴	۰/۵۰۰	۰/۳۵۷	۰/۵۸۳	
				۲۸۶	۲۹۳	۵۹۸۰	۲۰/۴۱	۱۴	۶/۰	۱۰/۶۲	۲۰/۹۷
							۲/۰۴۱	۱/۷۵۰	۲/۵۰۰	۲/۹۰۱	
				۳۶/۵	۳۷	۴۳۶	۱۱/۷۸	۱۱	۱۳/۰	۳/۸۵	۱۲/۳۶
							۱/۱۷۸	۱/۳۷۵	۱/۱۵۴	۱/۰۵۴	
				۱۶	۱۵+۱=۱۶	۲۴۹+۶=۲۵۵	۱۶/۶۰	۱۳	۱۰/۵	۴/۳۴	۱۵/۷۱
			۱/۶۶۰	۱/۶۲۵	۱/۴۲۹	۱/۱۸۵					
۲	بنی اسرائیل، ابراهیم، قبله	ج (بنی اسرائیل، ابراهیم، قبله)	۳۸ تا ۱۴۷	۱۱۰	۱۱۴	۲۱۰۶	۱۸/۴۷	۱۴	۸/۰	۷/۰۲	۱۸/۲۴
							۱/۸۴۷	۱/۷۵۰	۱/۸۷۵	۱/۹۱۷	
				۱۰۳/۵	۱۰۷	۲۴۸۵	۲۳/۲۲	۱۶	۶/۵	۹/۵۹	۲۲/۱۰
							۲/۳۲۲	۲/۰۰	۲/۳۰۸	۲/۶۲۱	
۳	ال عمران	سراسری	تمام آیات	۲۰	۲۰۱	۳۴۱۹	۱۷/۰۱	۱۴	۷/۰	۱۸/۶۵	
							۱/۷۰۱	۱/۷۵	۲/۱۴۳	۲/۲۱۸	
۳	ال عمران	سراسری	تمام آیات	۱۴۷	۱۴۹	۲۴۷۷+۲۷=۲۵۰۴	۱۶/۶۲	۱۱	۷/۸	۶/۳۷	۱۶/۵۳
							۱/۶۶۲	۱/۳۷۵	۱/۹۲۳	۱/۷۴۱	
				۵۳	۵۲	۹۱۵	۱۷/۶۰	۱۴	۹/۰	۵/۲۳	۱۷/۲۵
			۱/۷۶۰	۱/۷۵۰	۱/۶۶۷	۱/۴۲۹					
			۱ تا ۲۹	۲۰۰ تا ۱۷۷							

شکل ۱۶ - جدول ۱۱ - شاخص های آماری و گروه بندی سوره های قرآن (خلاصه تجزیه و ترسیم سوره ها)

شماره ترتیب نزول آیات اصلی سوره	سوره‌ها		گروه‌های آیات همزمان				
	شماره ترتیب		عنوان	شماره آیات	عنوان و موضوع گروه	شماره ترتیب رسمی سوره	طول مبنا
	رسمی	نزول					
۱	۹۶	۱	علق	۱ تا ۵	علق-الف) آغاز وحی	۹۶	۲/۱۸
۲	۷۴	۲	مدثر	۱ تا ۷	مدثر-الف) رسالت	۷۴	۲/۳۱
۳	۱۰۳	۳	عصر	۱ تا ۲	عصر-الف) دو آیه اول	۱۰۳	۲/۳۴
۴۷	۵۱	۳-۱	ذاریات	۱ تا ۶	ذاریات-الف) اعلام قیامت	۵۱	۲/۳۶
۳۸	۱۰۲	۳-۲	تکواثر	۱ تا ۲	تکواثر-الف) مردم شناسی	۱۰۲	۲/۶۷
۴	۵۲	۴	طور	۱ تا ۸	طور-الف) اعلام قیامت	۵۲	۲/۶۷
۵	۱۱۲	۵	اخلاص	تمام سوره	اخلاص	۱۱۲	۲/۸۳
۲۷	۸۸	۵-۱	غاشیه	۱ تا ۵ ۸ تا ۱۶	غاشیه-الف) توصیف بهشت و جهنم	۸۸	۳/۰۳
۶	۸۶	۶	طارق	۱۱ تا ۱۷	طارق-ب) وحی و نبوت	۸۶	۳/۰۸
۷	۸۲	۷	انفطار	۱ تا ۵	انفطار-الف) حدوث قیامت	۸۲	۳/۱۰
۸	۹۱	۸	شمس	۱ تا ۱۰	شمس-الف) مردم شناسی و تربیت	۹۱	۳/۱۲
۹	۱۰۸	۹	کوثر	تمام سوره	کوثر	۱۰۸	۳/۱۳
۱۰	۸۷	۱۰	اعلی	۱ تا ۶ ۸ تا ۹	اعلی-الف) تذکر و تقویت	۸۷	۳/۱۶
۱۱	۸۵	۱۱	بروج	۱ تا ۷ ۱۲ تا ۲۲	بروج-الف) تنذیر	۸۵	۳/۳۹
۱۲	۸۱	۱۲	تکویر	تمام سوره	تکویر	۸۱	۳/۳۹
۱۳	۹۴	۱۳	انشراح	تمام سوره	انشراح	۹۴	۳/۴۴۵
۱۴	۹۳	۱۴	ضحی	تمام سوره	ضحی	۹۳	۳/۳۴۵
۱۵	۱۱۴	۱۵	ناس	تمام سوره	ناس	۱۱۴	۳/۴۵
۱۶	۷۹	۱۶	نازعات	۱ تا ۲۶	نازعات-الف) تنذیر	۷۹	۳/۴۶

شکل ۱۷ - جدول ۱۲ - ردیف‌بندی گروه‌های آیات و شماره نزول سوره‌ها بر حسب طول مبنا

مقایسه فهرست‌ها				سوره‌ها			شماره ردیف نزول			
بلاشر	شماره اختلاف	شماره	تفاوت (تفاوت در شماره آیه)	پیشنهادی		گروه ایات همزمان		شماره ترتیب رسمی	گروه	سوره
				اصلی	فرعی	شماره آیات	عنوان و موضوع گروه			
I	۶	۱۶	۷	۱۰		۱ تا ۶ ۸ تا ۹	اعلی - الف - تذکر و تقویت	۸۷	۱۳	۱۰
				۳۱-۱		۱۰+۷ تا ۱۹	اعلی - ب - مردم شناسی	۸۷	۴۲	
I	۳۱	۴۲	۲۶	۱۱		۱ تا ۷ ۱۲ تا ۲۲	بروج - الف - تنذیر	۸۵	۱۴	۱۱
		X	X	۶۳-۲		۸ تا ۱۱	بروج - ب - توضیح	۸۵	۱۰۱	
I	۶	۱۸	۶	۱۲		-	تکویر - تمام سوره	۸۱	۱۵	۱۲
I	-۸	۵	۱۱	۱۳		-	انشراح - تمام سوره	۹۴	۱۶	۱۳
I	-۱۰	۴	۱۰	۱۴		-	ضحی - تمام سوره	۹۳	۱۷	۱۴
I	۳۲	۴۷	۲۰	۱۵		-	ناس - تمام سوره	۱۱۴	۱۸	۱۵
I	۴	۲۰	۸۱	۱۶		۱ تا ۲۶	نازعات - الف - تنذیر	۷۹	۱۹	۱۶
		X	X	۳۴-۱	X	۲۷ تا ۴۶	نازعات - ب - استدلال و توضیح	۷۹	۴۷	
I	-۳	۱۴	۸	۱۷		-	لیل - تمام سوره	۹۲	۲۱	۱۷
I	-۱۰	۸	۱۶	۱۸		-	ماعون - تمام سوره	۱۰۷	۲۲	۱۸
I	۶	۲۵	۳۲	۱۹		-	مرسلات - تمام سوره	۷۷	۲۵	۱۹
I	۶	۲۶	۸۰	۲۰		۱ تا ۳۶	نبأ - الف - خیر بزرگ	۷۸	۲۶	۲۰
		X	X	۶۳-۱		۳۷ تا ۴۱	نبأ - ب - تنذیر قیامت	۷۸	۱۰۰	
I	-۱۸	۳	۲۸	۲۱		-	قریش - تمام سوره	۱۰۶	۲۸	۲۱
I	۸	۳۰	۲۲	۲۲		۱ تا ۲۵ (منهای ۲۳)	نجم - الف - اعلام وحی و نفی بت‌ها	۵۳	۲۹	۲۲
		X	X	۴۱-۲		۳۴ تا ۶۲	نجم - ج - مردم شناسی و حکمتو توحید و تنذیر	۵۳	۵۷	
		X	X	۸۷-۱		۲۳ تا ۲۶	نجم - ب - توضیح و توییح مشرکین	۵۳	۱۴۴	
I	-۴	۱۹	۸۳	۲۳			انشقاق - تمام سوره	۸۴	۳۱	۲۳
I	-۷	۱۷	۲۳	۲۴			عبس - تمام سوره	۸۰	۳۲	۲۴
I	۱۳	۳۸	۳۱	۲۵			همزه - تمام سوره	۱۰۴	۳۳	۲۵
I	۱۸	۴۴	۱۷	۲۶			کافرون - تمام سوره	۱۰۹	۳۴	۲۶

شکل ۱۸ جدول (۱۳) فهرست پیشنهادی نزول سوره‌های قرآن (و تطبیق با فهرست‌های تاریخی قدیم و تحقیقی جدید)

سال نزول ^۱	جمع تجمعی		تعداد		سوره‌ها		شماره ردیف نزول	
	کلمات	آیات	کلمات	آیات	گروه آیات همزمان			
					عنوان و موضوع گروه	شماره آیات		
سال اول بعثت (تا ۳۹۱ کلمه)	۱۹	۵	۱۹	۵	۱ تا ۵	علق- الف) آغاز وحی	۹۶	۰۰۱
	۳۵	۱۲	۱۶	۷	۱ تا ۷	مدثر- الف) رسالت	۷۴	۰۰۲
	۴۰	۱۴	۵	۲	۱ تا ۲	عصر- الف) دو آیه اول	۱۰۳	۰۰۳
	۵۴	۲۰	۱۴	۶	۱ تا ۶	ذاریات- الف) اعلام قیامت	۵۱	۰۰۴
	۵۹	۲۲	۵	۲	۱ تا ۲	تکائر- الف) مردم شناسی	۱۰۲	۰۰۵
	۷۹	۳۰	۲۰	۸	۱ تا ۸	طور- الف) اعلام قیامت	۵۲	۰۰۶
	۹۱	۳۴	۱۲	۴	۱ تا ۴	اخلاص- تمام سوره	۱۱۲	۰۰۷
	۱۲۹	۴۸	۳۸	۱۴	۱ تا ۵ ۸ تا ۱۶	غاشیه- الف) توصیف بهشت و جهنم	۸۸	۰۰۸
	۱۵۰	۵۵	۲۱	۷	۱۱ تا ۱۷	طارق- ب) وحی و نبوت	۸۶	۰۰۹
	۱۶۷	۶۰	۱۷	۵	۱ تا ۵	انفطار- الف) حدوث قیامت	۸۲	۰۱۰
	۱۹۸	۷۰	۳۱	۱۰	۱ تا ۱۰	شمس- الف) مردم شناسی	۹۱	۰۱۱
	۲۰۸	۷۳	۱۰	۳	۱ تا ۳	کوثر- تمام سوره	۱۰۸	۰۱۲
	۲۳۳	۸۱	۲۵	۸	۱ تا ۶ ۸ تا ۹	اعلی- الف) تذکر و تقویت	۸۷	۰۱۳
	۲۸۸	۹۸	۵۵	۱۷	۱ تا ۷ ۱۲ تا ۲۲	بروج- الف) تنذیر	۸۵	۰۱۴
	۳۹۱	۱۲۷	۱۰۳	۲۹	۱ تا ۲۹	تکویر- تمام سوره	۸۱	۰۱۵
سال دوم بعثت (تا ۲۶۳۶ کلمه)	۴۱۸	۱۳۵	۲۷	۸	۱ تا ۸	انشراح- تمام سوره	۹۴	۰۱۶
	۴۵۶	۱۴۶	۳۸	۱۱	۱ تا ۱۱	ضحی- تمام سوره	۹۳	۰۱۷
	۴۷۶	۱۵۲	۲۰	۶	۱ تا ۶	ناس- تمام سوره	۱۱۴	۰۱۸
	۵۶۶	۱۷۸	۹۰	۲۶	۱ تا ۲۶	نازعات- الف) تنذیر	۷۹	۰۱۹

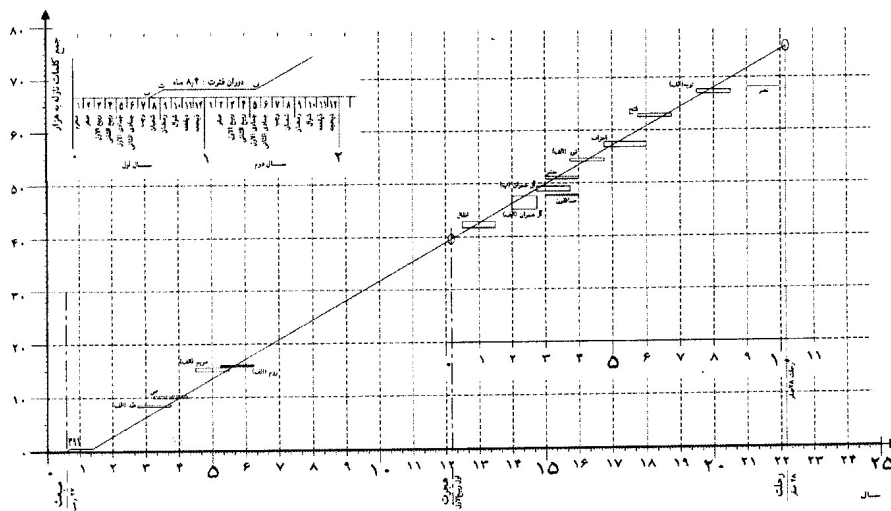
شکل ۱۹ جدول (۱۴) ترتیب نزول گروه آیات سوره‌ها و جمع آیات و کلمات نازل شده تا آن زمان

سال نزول	گروه مربوطه		شماره آیات	نام سوره	شماره رسمی سوره	شماره ترتیب نزول آیات اصلی سوره
	شماره ترتیب نزول گروه آیات	عنوان و موضوع				
ب = بعثت ه = هجرت	۴۳	یکپارچه	۱ تا ۷	فاتحه	۱	۳۲
ب ۷	۱۰۹	مردم شناسی و جهاد	الف ۱ تا ۱۹	۵۱	۲	۹۰
ه ۹	۱۸۳-۱	تندیر و تبشیر ایمانی و تشریح	د ۱۹ تا ۲۷			
ه ۱	۱۳۹	خلقت آدم	ب ۲۸ تا ۳۷			
ه ۵	۱۶۴	بنی اسرائیل - ابراهیم - قبله	ج ۳۸ تا ۱۴۷			
ب ۷	۱۰۹	مردم شناسی و جهاد	الف ۱۴۸ تا ۱۵۲			
ه ۹	۱۸۳-۱	تندیر و تبشیر ایمانی و تشریح	د ۱۵۳			
ب ۷	۱۰۹	مردم شناسی و جهاد	الف ۱۵۴ تا ۱۵۸			
ه ۱۰	۱۹۲-۱	ایمانی و اهل کتاب بلند	ه ۱۵۹			
ه ۹	۱۸۳-۱	تندیر و تبشیر ایمانی و تشریح	د ۱۶۰ تا ۱۸۵			
ه ۱	۱۳۹	حکم جنگ	ب ۱۸۶ تا ۱۹۱			
ه ۹	۱۸۳-۱	تندیر و تبشیر ایمانی و تشریح	د ۱۹۲ تا ۱۹۹			
ب ۷	۱۰۹	مردم شناسی و جهاد	الف ۲۰۰ تا ۲۰۵			
ه ۹	۱۸۳-۱	تندیر و تبشیر ایمانی و تشریح	د ۲۰۶ تا ۲۴۳			
ه ۱۰	۱۹۲-۱	ایمانی و آیات بلند اهل کتاب	ه ۲۴۴			
ب ۷	۱۰۹	مردم شناسی و جهاد	الف ۲۴۵ تا ۲۴۶			
ه ۱۰	۱۹۲-۱	آیات ایمانی و اهل کتاب بلند	ه ۲۴۷ تا ۲۵۴			
ه ۹	۱۸۳-۱	تندیر و تبشیر ایمانی و تشریح	د ۲۵۵			
ه ۱۰	۱۹۲-۱	آیات ایمانی و اهل کتاب بلند	ه ۲۵۶ تا ۲۵۹			
ه ۱۱	۱۹۲-۲	آیات ایمانی و اهل کتاب بلند	ه ۲۶۰ تا ۲۶۲			
ه ۹	۱۸۳-۱	تندیر و تبشیر ایمانی و تشریح	د ۲۶۳ تا ۲۷۴			
ه ۱۰	۱۸۳-۲		د ۲۷۵ تا ۲۸۳			
ه ۱۱	۱۸۳-۲	آیات ایمانی و اهل کتاب بلند	ه ۲۸۴ تا ۲۸۶			

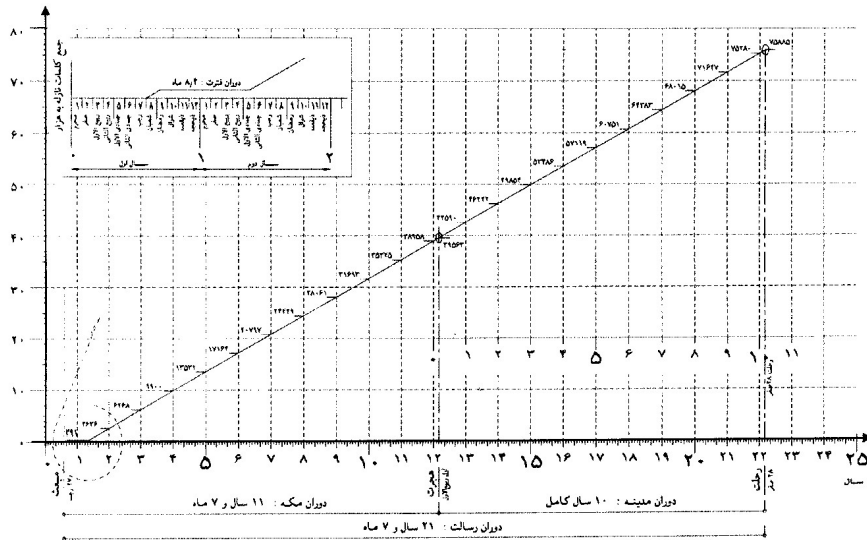
شکل ۲۰ - جدول (۱۵) تعیین سال نزول آیات (استخراج از جدول های ۱۲ و ۱۴)

درصد	تعداد آیات	
۳۰	۱۹۲۰	۱- خداشناسی، وحی و قرآناً رسالت خاتم الانبیاء (توحید)
۲۵/۸	۱۶۴۰	۲- آخرت (معاد)
۲۳/۵	۱۵۰۰	۳- رسالت سایر پیامبران (نبوت)
۱۱/۷	۷۳۶	۴- امت اسلامی و اهل کتاب
۷	۴۵۶	۵- احکام
۴	۲۶۰	۶- جهاد
۳	۱۹۰	۷- خلقت و وصف انسان و شیطان
۰/۳۵	۲۲	۸- خانوادگی پیامبر
۱۰۵/۵	۶۷۲۴	جمع

شکل ۲۱ جمع بندی سیر تحول موضوعی



شکل ۲۲ شکل (۱۶) منحنی تنزل بر حسب کلمات



شکل ۲۳ (۱۷) امتداد متوسط مستقیم گذرگاه‌های تنزل بعد از هجرت

۱۱ سال و ۷ ماه

۱۰ سال تمام

۲۱ سال و ۷ ماه

جمع

دوران بعثت: ۵ ماه + ۱۱ سال + ۲ ماه

(از ۲۷ رجب تا اول ربیع الاول)

دوران هجرت: ۱۰ ماه + ۹ سال + ۲ ماه

(از اول ربیع الاول تا ۲۸ صفر)

شکل ۲۴

دلایل حمایت از پیشنهاد «تعلیق در برابر تعلیق»^۱

همانطور که مستحضرید خبرگزاری فارس روز گذشته با درج اخباری با عنوان «امنیت ملی در تاراج ذلت‌پذیری» مسائلی را به برخی از فعالین سیاسی نسبت داده بود. مستدعی است توضیحات لازم جهت تنویر افکار عمومی در این مورد مرقوم بفرمائید.

در بیانیه فراخوان جدید صلح‌خواهی ۳۳۳ فعال سیاسی و کنشگر جامعه مدنی با تحلیل شرایط اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی کشور و شرایط منطقه و جهانی پیشنهاد «تعلیق در برابر تعلیق» که توسط محمد البرادعی مدیر آژانس بین‌المللی انرژی اتمی عنوان شده است را در راستای منافع ملی ارزیابی کرده‌اند و از مسئولان عالی‌رتبه کشور خواسته شده است به موقع این پیشنهاد و یا هر راهکار مفید دیگری را - که موجب کاهش تنش‌های کنونی و پیشگیری از شرایط بحرانی از جمله مخاطرات و پیامدهای خطرناک جنگ می‌دشود - مورد بررسی قرار دهند. در این بیانیه تصریح شده است که: «اگرچه برخورداری از دانش و فن‌آوری هسته‌ای را، صرف‌نظر از کاربرد تسلیحاتی آن، حق مسلم مردم ایران می‌دانیم، اما برای نکته تأکید داریم که ملت ایران حقوق اساسی‌تر و مهمتری چون برخورداری از حق «مردمسالاری و حقوق بشر»، «امنیت و آزادی» و «عدالت و رفاه» و در این شرایط خاص سیاسی «حق برخورداری از یک انتخابات آزاد، سالم و عادلانه» را نیز دارد و کسب این حق نباید دیگر حقوق ملت را نفی و یا کمرنگ کند».

تحلیل امضاکنندگان این بیانیه براین واقعیت استوار است که آمریکا و کشورهای غربی با تحمیل سیاست «صلح مسلح» بر کشور ما همان سیاست جنگ سرد را که در مقابل روسیه - شوروی مورد عمل قرار دادند و زمینه‌های فروپاشی شوروی را از درون فراهم ساختند، در مورد ایران نیز با شیوه‌های جدید در دستورکار خود دارند.

پیامد این سیاست در عرصه داخلی، تمرکز غالب اعتبارات کشور بر برنامه‌های نظامی و دفاعی و حضور نظامیان در مدیریت کشور و اختلال در اجرای برنامه‌های توسعه و عدم پاسخگویی به نیازهای واقعی مردم و تعمیق شکاف ملت - دولت خواهد بود. اگر در دوران جنگ سرد فقط رادیو پراگ با برنامه‌های خود نقش تبلیغاتی سیاست «صلح مسلح» و گسترش

^۱ پاسخ محمد توسلی به سوالات خبرنگار نشریه تحلیل روز (شیراز) - ۱۳۸۶/۱۰/۴

نارضایتی مردم را برعهده داشت و پروژه فروپاشی شوروی از درون با موفقیت انجام شد، امروز با پیشرفت تکنولوژی علاوه بر رادیو فردا (در همان محل رادیو پراگ) و صدای آمریکا (VOA) بصورت تصویری همان نقش را در دستورکار خود دارند.

دیپلماسی نسنجیده و اظهارنظرهای ناپخته برخی از مدیران اصلی کشور نیز عملاً در همین راستا زمینه را برای تشدید محدودیت ها و تحریمها فراهم کرده است. ادامه این روند به تدریج بحرانهای داخلی کشور را تشدید خواهد کرد که در راستای منافع ملی نیست. در چارچوب چنین تحلیلی است که تعلیق موقت در مقابل تعلیق قطعنامه‌های شورای امنیت و تحریمهای درحال انجام می‌تواند فضای مناسبی برای اعتمادسازی جهانی فراهم سازد و برنامه‌های آمریکا و کشورهای صنعتی ذینفع در منطقه را با شکست مواجه سازد. تعلیق موقت غنی سازی به هیچوجه به معنی دست کشیدن از این پروژه نیست، صرفاً تاکتیکی است برای عبور از شرایط بحرانی کنونی. برای توضیح بیشتر به متن کامل بیانیه مذکور مراجعه شود.

در اینجا به کسانی که بجای پاسخ تحلیل با تحلیل و منطقی به ابزار توهین و جوسازی متوسل می‌شوند توصیه می‌شود که از تجربیات سه دهه بعد از انقلاب بهره گیرند و از ادامه اینگونه روشها خودداری کنند زیرا این گونه روش های غیر اخلاقی نه موجبات رضایت خدا و نه خلق خدا را دربردارد و هزینه‌های سنگین آن بر همه ملت تحمیل خواهد شد. ملتی ذلت پذیر است که نتواند از ارزش ها و حقوق اساسی خویش دفاع کند و از آزادی و حق اظهار نظر محروم باشد.

بیانیه مورد اشاره اظهارنظر جمعی از فرهیختگان و علاقمندان این ملک و ملت است که در راستای فریضه الهی امر به معروف و نهی از منکر و اصول قانون اساسی انجام شده است تا مسئولان با شنیدن آن با آگاهی بیشتر به وظایف خود عمل کنند. والعاقبه للمتقین

چرا درخواست نظارت بین‌المللی بر انتخابات؟^۱

توضیح در باره درخواست نظارت بین‌المللی بر انتخابات ایران

همچون دوره‌های قبل صلاحیت داوطلبان شرکت در انتخابات باید به تایید شورای نگهبان برسد و در نتیجه بسیاری از احزاب و گروهها نمی‌توانند در انتخابات شرکت کنند، همچنین همه داوطلبان از امکان برابر برای نشر برنامه‌ها و افکار خود برخوردار نیستند. نهضت آزادی ایران از جمله احزابی است که به این وضعیت اعتراض کرده و با انتشار اطلاعیه‌ای خواستار نظارت بین‌المللی بر انتخابات ایران شده است. گفتگوی دویچه وله با آقای محمد توسلی از اعضای شورای مرکزی نهضت آزادی ایران در این باره را می‌خوانید:

نهضت آزادی ایران با انتشار اطلاعیه‌ای پیشنهاد کرده که ناظران بین‌المللی بر انتخابات ایران، انتخابات مجلس هشتم، بیایند و نظارت داشته باشند بر انتخابات. چه چیز نهضت آزادی ایران را برانگیخته که این پیشنهاد را مطرح بکند؟

دلیل اصلی نهضت آزادی ایران برای طرح این پیشنهاد این است که مجموعه تلاشهایی که در طول سالهای اخیر برای متقاعد کردن شورای نگهبان و سایر مسئولان جمهوری اسلامی برای برگزاری انتخابات آزاد و سالم به نتیجه نرسیده است. انتخابات مجلس هفتم و ریاست جمهوری نهم در شرایطی برگزار شد که بسیاری از احزاب و گروههای سیاسی، از جمله نهضت آزادی ایران، این انتخابات را ناسالم‌ترین و غیرآزادترین انتخابات بعد از انقلاب ارزیابی کردند. شرایطی هست که حتی اعتراض بسیاری از بزرگان درون حاکمیت برجسته است و نسبت به تقلبها و اقدامات خلاف قانونی که در آن انتخابات انجام شده بود، به شدت معترض بودند. در انتخابات مجلس هشتم این انتظار می‌رفت که با توجه به ارزیابی‌های صورت گرفته و پیامدهای منفی‌ای که در انتخابات اخیر داشته، شورای نگهبان تعدیلی در روشهایش داشته باشد و در جهت اجرای اصول قانون اساسی و معیارهای شناخته شده انتخابات آزاد و منصفانه عمل کند. متأسفانه نه تنها هیچ گونه تعدیلی را انجام ندادند، بلکه تصریح می‌کنند که با همان روش گذشته خودشان نظارت خواهند کرد و در واقع انتخابات دومرحله‌ای، یا به عبارتی فرمایشی را انجام خواهند داد. با توجه به اطلاعیه‌هایی که ما در طول سال ۸۶ دادیم و مصاحبه‌هایی که انجام شده و تلاشهایی

^۱گفتگوی محمد توسلی با خبرگزاری آلمان (دویچه وله) - کیواندخت قهاری - ۱۳۸۶/۱۰/۱۲

که بقیه احزاب و گروه‌های سیاسی کرده‌اند، تاثیری نداشته، بنابراین تنها راه حل قانونی باقی‌مانده این است که ما بر اساس منشور معیارهای انتخابات آزاد و منصفانه که در اتحادیه بین‌المجالس در سال ۱۹۹۴ با حضور نمایندگان پارلمانهای ۱۱۲ کشور جهان، از جمله نمایندگان ایران، به تصویب رسیده، و بنابراین دولت ایران متعهد نسبت به اجرای این مصوبات است، درخواست بکنیم که این نظارت را آنها انجام بدهند. طبیعی است که این نظارت هم زمان‌بر است و هم فرآیندی دارد و ما این پیشنهاد را مطرح کردیم که همه احزاب و گروه‌های سیاسی در داخل در این زمینه تبادل نظر داشته باشند و به اجماعی برسند و بخواهند که دولت جمهوری اسلامی چنین نظارتی را بپذیرد. به نظر ما نظارت بین‌المللی در راستای منافع ملی است و در جهت تقویت نظام است، همان طور که نظارتهایی که اخیراً در انتخابات ترکیه، روسیه یا فلسطین انجام شد، هم به لحاظ سیاسی هم به لحاظ اقتصادی در جهت منافع ملی این کشورها بود. بنابراین ما فکر می‌کنیم که این پیشنهاد کاملاً منصفانه است که از راه بین‌المللی ما بتوانیم در جهت تقویت دموکراسی گام برداریم.

می‌توانید به اختصار بگویید که چه مراحل را معمولاً نظارت بین‌المللی بر انتخابات طی میکند از مرحله دادن تقاضا تا آمدن ناظران؟

مراحلش به طور خلاصه این است که احزاب و گروه‌های سیاسی و جامعه مدنی می‌توانند در دفتر حقوق بشر در تهران ثبت نام کنند و درخواستشان را به ثبت برسانند. این اولین گام است. بر اساس این درخواستها آنها پیگیری می‌کنند تا دولت جمهوری اسلامی هم این تقاضاها را تایید کند و بپذیرد که ناظران بین‌المللی بر مراحل مختلف انتخابات نظارت داشته باشند.

حال با وجود ساختار و نظامی که در ایران موجود است، از جمله اختیاراتی که به شورای نگهبان داده‌اند، نظارت استصوابی، فکر می‌کنید این پیشنهاد شما تا چه حد بتواند واقعا عملی بشود، چه درگیریهایی را برایش متصور هستید؟

ما در این بیانیه هم توضیح دادیم که فقهای شورای نگهبان با عملکردی که در طول این سالها داشتند، از عدالت خارج شدند و راه حلی که باقی مانده معزول شدن آنهاست. ما در ایران فقهای عالی‌قدری داریم که می‌توانند در چارچوب قانون اساسی و معیارهای شناخته شده به همین وظایف در شورای نگهبان عمل کنند. بنابراین ما به عنوان سازمانی سیاسی در راستای این رسالت آگاهی بخشی که داریم، بایستی موانعی که در فرآیند توسعه کشور وجود دارد را مطرح

و پیگیری کنیم. اما اینکه آنها تا چه اندازه پیشنهاد ما را بپذیرند، بایستی تامل کنیم و ببینیم با چه واکنشی روبرو خواهد شد.

حدود یک ماه و نیم پیش گروهی از شخصیت‌های ایرانی “کمیته دفاع از انتخابات آزاد، سالم و عادلانه” را تاسیس کردند که وظیفه‌اش را به دست دادن ضوابطی قرار داده تا مردم بتوانند به کمک آن بسنجند که انتخابات ایران چه اشکالاتی دارد، نظر نهضت آزادی در باره این کمیته چیست؟

نمایندگان نهضت هم در این کمیته دفاع از آزادی انتخابات حضور دارند و در فرآیند تدوین آیین‌نامه‌ها و ضوابط مشارکت دارند و آن هم یک فرآیند کار جمعی است که ما مشارکت داریم و بنابراین مورد تایید ما هم هست.

یعنی این را مکمل پیشنهادی می‌دانید که کرده‌اید؟

طبیعی است. آن کمیته دفاع در چارچوب کانون مدافعان حقوق بشر، که یک نهاد حقوق بشری است، تاسیس شده است. آنها با توجه به محدودیت کار خودشان عمل میکنند. اما نهضت آزادی ایران به عنوان سازمان سیاسی قدیمی ایران مسئولیتها و رسالت‌هایی دارد که باید در آن راستا هم به وظایف خودش عمل بکند.

انتخابات مهره چینی شده را می‌توان خنثی کرد^۱

مهندس محمدتوسلی، عضو شورای مرکزی نهضت آزادی ایران و اولین شهردار تهران پس از انقلاب در گفت و گویا روز تاکید می‌کند که علی‌رغم انتقاد نسبت به شورای نگهبان و عملکرد وزارت کشور، معتقد است اگر مردم درانتخاب شرکت کنند، سناریویی که محافظه کاران برای برگزاری یک انتخابات مهره چینی شده و فرمایشی طراحی کرده اند، تا حدودی خنثی می‌شود. متن این مصاحبه در پی می‌آید.

آقای پورمحمدی وزیر کشور اعلام کرده که تنها احزاب و گروه های سیاسی شناسنامه دار می‌توانند درانتخابات شرکت کنند. شما به عنوان نهضت آزادی چه تفسیری از این اظهارات دارید؟

وقتی وزارت کشور موضوع احزاب شناسنامه دار را مطرح می‌کند، احتمالاً نظرش همان نهضت آزادی ایران است، برای اینکه نهضت آزادی و یا سایر گروه های اپوزیسیون داخل کشور نتوانند در انتخابات حضور پیدا کنند. در گذشته منطق وزارت کشور یا مسئولانی که نمی‌خواستند نهضت آزادی در انتخابات شرکت کند این بود که می‌گفتند نهضت غیرقانونی است. گاهی به نامه منتسب به امام استناد می‌کردند، گاهی هم به چیزهای دیگر. ما در مصاحبه های متعدد به صورت مستدل گفتیم که آن نامه غیرقابل استناد است و نمی‌تواند مستند چنین اظهار نظرهایی باشد. در خصوص این هم که نهضت را غیرقانونی می‌دانند به دلیل اینکه پروانه یا مجوز ندارد، توضیح مفصلی داده ایم که طبق مواد قانون اساسی و قانون احزاب، فعالیت احزاب در داخل کشور نیازی به مجوز ندارد، بلکه وزارت کشور تنها باید پروانه صادر کند که ما هم این درخواست را در سالهای ۶۷ و ۶۸ بعد از تصویب قانون احزاب دادیم. بنابراین سخنانی که توسط وزیر کشور مطرح شده خلاف قانون اساسی و قانون احزاب است.

الان بحث مجوز مطرح می‌شود و یا نامه آیت الله خمینی؟

الان این دو منطق را کنار گذاشته اند و می‌گویند فقط احزاب شناسنامه دار می‌توانند در انتخابات شرکت کنند، چون حربه شان در ارتباط با غیرقانونی بودن نهضت و بحث مجوز کند شده است. به این معنی که سیاهه ای از احزابی را که از نظرشان شناسنامه دارند در وب سایت وزارت کشور

^۱ مصاحبه محمدتوسلی با «روز» - ۱۳۸۶/۱۰/۱۸

منتشر می کنند و می گویند اینها می توانند در انتخابات شرکت کنند و بقیه نمی توانند. این کار وزارت کشور نقض اصل ۲۶ قانون اساسی و قانون احزاب است. اما نهضت آزادی اعتقاد دارد با وجودی که آنها نمی خواهند احزاب خارج از حاکمیت در انتخابات شرکت کنند، ما بایستی کماکان بر حضور در انتخابات اصرار داشته باشیم. چون این یک حق ملی است و اگر اینها بخواهند ما را از این حق ملی محروم کنند ما باید در مقابل از حقوق اساسی ملت پاسداری و از آن صیانت کنیم.

برهمن اساس است که به رغم همه انتقاداتی که به شورای نگهبان رفتار و عملکرد وزارت کشور داریم، و به رغم برگزاری انتخابات های ناسالم و غیرآزاد مجلس هفتم ریاست جمهوری نهم، در راستای همین سیاست راهبردی، اصرار داریم که در بحث انتخابات ایستادگی و از اقداماتی که خلاف قانون انجام می شود، جلوگیری کنیم.

اینکه نظام سیاسی چنین حذف خودآگاهی را توسط برخی نهادها مانند شورای نگهبان انجام می دهد، چه تبعات و مخاطراتی را متوجه کشور می کند؟

فکر می کنم پیامدهای محروم کردن بخشی مهمی از جامعه مدنی ایران از شرکت در انتخابات دقیقاً در جهت تضعیف نظام جمهوری اسلامی و کاهش مشروعیت آن است. چنین روندی موجب می شود که هم در داخل و هم در سطح جهانی، اعتبار جمهوری اسلامی کاهش پیدا کند و بنابراین فشارهای بین المللی بر ایران افزایش یابد. از جمله شواهد تضعیف نظام جمهوری اسلامی می توان به فشاری که روسیه در دریای خزر وارد کرده اشاره داشت که در شرایطی که ما در موضع ضعف هستیم، می خواهند سهم ایران را از وضعیت ۵۰-۵۰ به کمتر از بیست درصد و به قول وزیر امور خارجه به ۱۱.۲ درصد کاهش بدهند. در جنوب کشور در حوزه کشورهای خلیج فارس فشارهای خود را افزایش داده اند و با حضور رییس جمهوری ما قطعنامه علیه تمامیت ارضی کشور صادر می کنند. آقای طالبانی در غرب کشور، در عراق که این همه روی آن سرمایه گذاری کردیم و ارتباط نزدیکی با آنها داریم بحث بی اعتبار بودن قرارداد الجزایر را مطرح و صحبت لغو آن را می کند. اگر چه بعداً خواستند این بحث را با توضیحاتی اصلاح کنند، اما عملاً طرح چنین مباحثی، موضع گیری آنها را در قبال جمهوری اسلامی ایران نشان می دهد.

در سطح جهانی هم مشخص است که چین و روسیه و بازار مشترک هم علاوه بر آمریکا از ضعیف شدن پایه های مردمی جمهوری اسلامی سوء استفاده می کنند که این در راستای منافع

ملی ایران نیست. بنابراین احزاب و گروه های سیاسی که به فکر نسل های آینده کشور هستند باید در مقابل این روند ایستادگی کنند و تسلیم آن نشوند.

چه نگرانی هایی باعث می شود که بخشی از حاکمیت چنین هزینه ای را در سطوح مختلف متحمل شود اما از مشارکت بخش هایی از نیروهای فعال جامعه مدنی و جامعه سیاسی جلوگیری کند؟

فکر می کنم نگرانی شان این است که اگر انتخابات آزاد و سالم برگزار شود آنها جایگاهشان تضعیف می شود. برای حفظ موقعیت خودشان است که قانون اساسی و معیارهای شناخته شده جهانی را در برگزاری انتخابات آزاد و منصفانه نقض می کنند. یعنی فکر نمی کنم این بخش به جز بقای خود به ارزش دیگری فکر کند. صرفا بحث بقا است. من فکر می کنم همه نظام های اقتدارگرا چنین اندیشه ای دارند. اما این کوتاه مدت خواهد بود. آنچه که اتفاق خواهد افتاد چیزی نیست که در راستای منافع ملی باشد. توصیه مشفقانه ما به مسئولان جمهوری اسلامی این بوده که مقداری به تاریخ بیشتر توجه و تجربیات گذشته را مرور کنند و اجازه ندهند آنچه خیر و صلاح مملکت نیست رخ دهد. ما همیشه در طی سی سال گذشته در جایگاه اپوزیسیون قانونی همین خط مشی را داشته ایم. ما کوشش کرده ایم مشفقانه به مسئولان جمهوری تذکر دهیم که تسلیم قانون و اراده ملت شوند چون این ارزشی است که پایدار است و حتی می تواند ادامه حضور آنها را در قدرت بیشتر تضمین کند. یعنی احتمالش از این راه خیلی بیشتر است تا اینکه روش هایی را به کار ببرند که همراه با نقض حقوق اساسی ملت است. این حرف ها گهگاه موثر بوده ولی در عمل و در انتخابات مجلس نشان داده شده که کماکان دنبال این روش هستند و ما این را چالشی برای مسئولان نظام می دانیم و هشدار می دهیم تا آنجا که می توانند پروا پیشه کنند و خلاف منافع ملی عملی انجام ندهند.

با توجه به اظهارات وزیر کشور، نهضت آزادی هنوز هم بر شرکت در انتخابات پافشاری می کند؟

ما در بیانیه اخیرمان هم تصریح کردیم که حضورمان در انتخابات را برای رسالت آگاهی بخشی خودمان ضروری می دانیم. نوع رویکردمان هم بستگی به شرایط دارد. یعنی تاکتیکی است که در راستای استراتژی کلی خودمان انتخاب می کنیم. ما فکر می کنیم نیروهای ملی هم باید در این مرحله ثبت نام کنند و خود را تسلیم این اقدامات خلاف قانون نکنند تا به جای اینکه

هزینه اش را ملت پرداخت کند، شورای نگهبان و کسانی پرداخت کنند که خلاف قانون صلاحیت افراد را رد می کنند.

شما اشاره به لزوم تجربه اندوزی از روندهای مختلف در تاریخ کردید. چنین نگاه تاریخی شامل چه رویدادهایی می شود؟

به نظرم بعد از انقلاب، دوره مشروطه شاید دوره تاریخی آموزنده ای باشد برای دیدن این واقعیت که حاکمانی که نخواهند تسلیم اراده ملت بشوند به چه سرنوشتی دچار می شوند. این یک تجربه تاریخی است و فکر می کنم مخاطبین شما همه با این تجربه آشنا هستند. دیگر تجربه اینکه بعد از کودتای ۲۸ مرداد با اینکه رژیم کودتا حاکم بود، ولی نهضت مقاومت ملی و کسانی که از همین ارزش ها پاسداری می کردند، در آن شرایط هم شعارشان این بود که باید در انتخابات شرکت و حقوق اساسی ملت را مطالبه کرد. این شعار را همان موقع هم مطرح می کردند که ما در انتخابات شرکت می کنیم یا پیروز می شویم یا رسوا می کنیم. من فکر می کنم این تجربه تاریخی ما می تواند برای نسل امروز مفید باشد. پس از انقلاب هم روش ما همین بود. مجلس اول مجلس آزادی بود و همه می توانستند حضور پیدا بکنند. ما در انتخابات های دیگر حضور داشتیم و بحث آزادی و سلامت انتخابات را همیشه مطرح کردیم. اسناد و مدارک ما را نگاه کنید، ببینید سمینارهایی که ما برای سلامت انتخابات برگزار می کردیم با چه برخوردهایی مواجه می شد. وقتی که آن حداقل شرایط فراهم نمی شد بیانیه می دادیم که در آن انتخابات رای نمی دهیم. از مجلس پنجم که شرایط نسبی فراهم شد حضور و مشارکت بیشتری داشتیم. بنابراین در هر مقطعی متناسب با شرایط آن تاکتیک مناسب را اختیار کردیم. فکر می کنم تجربه صد سال اخیر و مقاطع مختلف می تواند برای تصمیم گیری احزاب سیاسی و فعالان سیاسی در شرایط کنونی مفید باشد.

البته باید تصریح کنم که گفتمان سیاسی در شرایط کنونی هم گفتمان آزادی، دموکراسی و حقوق بشر است و آن گفتمانی که در دهه چهل و پنجاه مطرح بود دیگر مطرح نیست. بنابراین ما با توجه به این گفتمان جهانی و واقع بینی، تاکتیک های خودمان را انتخاب می کنیم. ما فکر می کنیم تاکید بر آزادی، حقوق بشر و دموکراسی و شرکت در انتخابات و زمینه سازی برای رشد و آگاهی مردمی که حقوق سیاسی اجتماعی خودشان را مطالبه کنند در شرایط کنونی یکی از رسالت هایی است که هم احزاب سیاسی و هم رسانه ها باید دنبال کنند.

طی سالهای گذشته برخی از گروه های سیاسی و افراد مطرح موضوع تحریم انتخابات را مطرح کرده اند. درحالی که با توجه به ماهیت غیرحزبی رای دادن، بخش عمده ای از رای دهندگان، عملاً چنین موضوعی فاقد کارایی بوده است. به علاوه تصور اینکه دموکراسی - درهرشکلش - بخواهد با تحریم به کار بیاید اندکی دشوار است. شما این تاکتیک را چگونه ارزیابی می کنید؟

ببینید، بعضی از فعالان سیاسی درگذشته تاکتیک تحریم و عدم مشارکت را به عنوان تاکتیک انتخاب کرده و مورد عمل هم قرار داده اند. این تاکتیک درشرایطی که احزاب و گروه های سیاسی بتوانند اکثریتی از جامعه را بسیج و آنها را متقاعد کنند که مثلاً بیش از ۵۰ درصد مردم درانتخابات شرکت نکنند یک تاکتیک کاملاً دموکراتیک است و موثر. اما می دانیم که چنین تاکتیکی درشرایط کنونی کشور ما موثر نیست. تجربه گذشته هم نشان داده که تحریم جز منزوی کردن مردم نتیجه دیگری ندارد. بنابراین بهتر است که درشرایط کنونی نگاه مثبتی داشته باشیم و مردم را به شرکت درانتخابات دعوت کنیم. تجربه چند انتخابات گذشته نشان می دهد که هر جا که مردم بیشتر حضور داشته اند، نتیجه انتخابات بیشتر در راستای منافع ملی ما بوده است. نمونه اش دوم خرداد سال ۷۶ است. در شورای شهر اول و سوم که حضور و مشارکت مردم بیشتر بود، شوراهای ملی تر و بیشتر در جهت مصالح ملی بوده است. درانتخابات شورای دوم با اینکه انتخابات از آزادی نسبی برخوردار بود، اما چون مردم شرکت نکردند، شوراهای در اختیار محافظه کاران قرار گرفت. همان موقع نهضت آزادی ایران درنشریه تحلیلی خود تصریح کرد که مردم در شهرهای بزرگ و تهران خودزنی کردند و خود مردم هم در مرحله بعد در تحلیل نهایی به این جمع بندی رسیدند که دودستی امکانات شهر تهران را در اختیار محافظه کارانی قرار دادند که سکوی پرشی شد برای انتخابات مجلس هفتم و انتخابات ریاست جمهوری بعدی. بنابراین هر وقت مردم حضور بیشتری داشتند، به رغم همه چالش هایی که شورای نگهبان به وجود آورده، وقتی انتخاب بین بد و بدتر بوده باز نتیجه به نفع مردم بوده است.

با توجه به روندی که در خصوص انتخابات مجلس هشتم شکل گرفته است، چه تفاوت و شباهتی بین مجلس ششم اصلاحات، مجلس هفتم اصول گرا و مجلس پیش روی هشتم می بینید؟

آنچه در مجلس ششم اتفاق افتاد زمینه هایی بود که درانتخابات ریاست جمهوری دوم خرداد

ایجاد شده بود. مردم حضور داشتند و توانستند نمایندگان خود را انتخاب کنند. مجلس ششم هم علی رغم همه انتقاداتی که به آن وارد است اما در مجموع کارنامه درخشانی را در تاریخ پارلمانی ایران از خود برجای گذاشته است. پیامد شرایط دوران هشت ساله اصلاحات و شورای دوم وعدم حضور مردم باعث شد با بسته شدن فضای سیاسی ایران و سیاست های خاصی که شورای نگهبان اعمال کرد و رد صلاحیت گسترده ای که درخصوص جمع کثیری از داوطلبان انجام داد، مجلس هفتم شکل بگیرد. در مجلس هشتم به نظر می رسد جریان محافظه کار به دنبال تشکیل مجلسی شبیه مجلس هفتم است تا نمایندگانی انتخاب شوند که طرفدار محافظه کاران باشند و اگر اقلیتی هم وجود دارد، اقلیتی بی تاثیر باشد. این جریانی است که محافظه کاران دنبال می کنند اما اگر مردم حضور داشته باشند و ثبت نام کنند و کوشش کنند تا جریان را تغییر دهند موثر خواهد بود. در دوم خرداد جریان محافظه کار دنبال چه رییس جمهوری بود؟ آیا با حضور مردم آن جریان موفق شد؟ به نظر می رسد پیش بینی شرلیط ایران مشکل باشد اما در هر حال با حضور مردم - چه اینکه کسانی ثبت نام کنند و چه با حضور موثر در انتخابات - این احتمال وجود خواهد داشت که سناریویی که آنها برای برگزاری یک انتخابات مهره چینی شده و فرمایشی طراحی می کنند تا حدودی خنثی شود. اما اتفاقات روزهای آینده نشان خواهد داد که کدام گزینه در تحلیل نهایی به واقعیت نزدیک تر است.

هیأت محترم نظارت بر انتخابات استان تهران^۱

با سلام، بازگشت به نامه شماره ۸/م/۱۱۰۵ مورخ ۲/۱۱/۱۳۸۶ فرمانداری تهران، نظربه اینکه هیأت اجرائی مرکز حوزه انتخابیه تهران - ری - شمیرانات و اسلامشهر به استناد بندهای ۳ و ۵ ماده ۲۸ و ۳ و ۴ ماده ۳۰ قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی صلاحیت اینجانب را برخلاف قانون رد کرده است، خواهشمند است با عنایت به توضیحات زیر موضوع را مورد رسیدگی قرار داده و مدارک قانونی و مستند خود را به اینجانب ارائه کنند:

۱. بند ۳ ماده ۲۸

قانون اساسی پیمان اجتماعی و میثاق بین مردم و حاکمیت است و مستقل از باور داشتن و یا نداشتن به برخی از اصول آن، شهروندان بایستی به این پیمان و میثاق التزام داشته باشند. بطوریکه در مشروح مذاکرات مجلس خبرگان قانون اساسی نیز ملاحظه می‌شود، در پاره‌ای از اصول قانون اساسی از جمله اصل ولایت مطلقه فقیه برخی از نمایندگان که در جایگاه اجتهاد و مرجعیت بوده‌اند رأی کبود و مخالف داده‌اند. اما بعد از تصویب آن همگان بایستی به آن اصول التزام داشته باشند، اگرچه به تمامی اصول آن معتقد نباشند. سؤال از اعتقاد شهروندان مشمول تفتیش عقاید و نقض اصل ۲۳ قانون اساسی است. همانطور که در پرسشنامه نیز تصریح شده است اینجانب وفاداری و التزام خود را به قانون اساسی ابراز داشته‌ام و لذا استناد به این بند از قانون انتخابات برای رد صلاحیت و جاهت قانونی ندارد.

۲. بند ۳ ماده ۳۰

نهضت آزادی ایران براساس اصل ۲۶ قانون اساسی و ماده ۶ قانون احزاب، حزبی است قانونی ولی بعلت نداشتن پروانه از وزارت کشور غیررسمی است نه غیرقانونی. شایان ذکر است که در هیچ دادگاه صالحه‌ای مطابق اصل ۱۶۸ قانون اساسی (مقام صالحه) رأیی مبنی بر غیرقانونی بودن نهضت آزادی ایران صادر نشده است. نهضت آزادی ایران به دفعات به این اتهام غیرقانونی بودن پاسخ داده است. بنابراین استناد به این بند برای رد صلاحیت کاملاً بی‌اساس است.

^۱ نامه محمد توسلی به فرمانداری تهران - ۱۳۸۶/۱۱/۶

لازم به تأکید است که اینجانب از سال ۱۳۴۰ عضو نهضت آزادی ایران هستم و امروز نیز به این عضویت افتخار می‌کنم زیرا در این حزب اسلامی و ملی توفیق انجام وظایف دینی و ملی خود را در مقاطع مختلف تاریخی بدست آورده‌ام و برای این توفیق خداوند بزرگ را سپاس می‌گزارم.

۳. بند ۴ ماده ۳۰

فقط محکومیت ۲ سال زندان توسط دادگاه انقلاب اسلامی در رابطه با بازداشت سال ۱۳۶۹ برای اینجانب که امروز حدود ۱۵ سال از آن تاریخ می‌گذرد می‌تواند مستند این بند باشد زیرا حکم دادگاه انقلاب در سال ۱۳۸۰ تاکنون قطعی نشده است. استناد به این بند نیز وجاهت قانونی ندارد زیرا:

(آ) طبق بند ۳ ماده ۶۲ مکرر قانون مجازات اسلامی (الحاقی اردیبهشت ۱۳۷۷) که مقرر می‌دارد محکومان به حبس تعزیری بیش از سه سال تنها دو سال پس از اجرای حکم از محکومیت کیفری ایشان رفع اثر شده و محرومیت از حقوق اجتماعی باید خاتمه یابد.

(ب) این بازداشت در پی امضای نامه سرگشاده معروف به ۹۰ امضائی به رئیس جمهور وقت صورت گرفته است که اینجانب در راستای انجام فریضه امر به معروف و نهی از منکر یکی از امضاکنندگان آن بودم. در صورتی که امضای چنین نامه‌ای که حداکثر از مصادیق اظهارنظر است می‌تواند جرم سیاسی تلقی شود و بایستی مطابق اصل ۱۶۸ قانون اساسی در دادگاه صالحه عمومی بصورت علنی و با حضور هیئت منصفه برگزار می‌شد. لذا حکم مزبور مربوط به دادگاه صالحه نبوده و وجاهت قانونی ندارد.

۴. بند ۵ ماده ۲۸ استناد به "سوء شهرت در حوزه انتخابیه" اتهام کاملاً واهی و بی‌اساس است و ضروری است معتمدین محترم هیئت اجرائی و یا منابع اطلاعاتی آنان مدارک و دلائل خود را برای استناد به این بند ارائه کنند تا بی‌اساس بودن آن برای آنان و همگان روشن شود.

چند دهه ارائه خدمات با صداقت و امانت به کشور و مردم شهر تهران آنقدر شفاف و روشن است که فرصتی برای اینگونه قضاوت های ناصواب باقی نمی‌گذارد.

صرفه جویی و فرهنگ "زور و زود"^۱

صرفه‌جوئی، قناعت و پرهیز از اسراف و ریخت و پاش، یکی از صفات شایسته انسان در عرصه زندگی فردی و اجتماعی است. یادآوری این مطلب خالی از لطف نیست که در واکنش به توسعه مصرف‌گرایی در زندگی مردم در سالهای دهه ۵۰ نهضت ساده‌زیستی در جمع فعالان سیاسی قبل از انقلاب به‌وجود آمد و زنده یاد مهندس مهدی بازرگان نیز یکی از طرفداران پروپا قرص آن بود. این روند بخشی از زمینه‌های تحول فرهنگی - اجتماعی فراهم شدن شرایط انقلاب بود که جادارد ابعاد مختلف آن برای جامعه مصرف‌گرای کنونی ما در آستانه سالروز انقلاب بازگو شود.

اما دولت نهم در سال‌های اخیر در برنامه اقتصادی خود بر صرفه‌جوئی هزینه‌های عمومی دستگاههای اجرائی کشور تأکید ورزیده است که البته تا آنجا که جلو ریخت و پاش‌ها و هزینه‌های زائد مدیران دستگاههای اجرائی گرفته شود بایستی آنرا اقدامی مثبت ارزیابی کرد. اما سؤال اصلی اینست که اولاً میزان این صرفه‌جوئی‌ها در کل هزینه‌های دولت چه رقم یا چه درصدی را به‌خود اختصاص داده است و ثانیاً مگر شاخص ارزیابی صرفه‌جوئی عملکرد دولت‌ها اینگونه صرفه‌جوئی‌هاست؟ بررسی این آمار و آمار درآمد و هزینه دولت را به کارشناسان اقتصادی که دسترسی به آمار دارند وامی‌گذارم.

بنظر می‌رسد آنچه در تحلیل برنامه‌های صرفه‌جوئی دولت بایستی مطرح شود، ارزیابی بهره‌وری و راندمان عملکردها و هزینه‌های سنگین ناشی از نوع مدیریت دولت و پیامدهای اقتصادی - اجتماعی آن است. شاید برکسی پوشیده نباشد که مدیریت دولت نهم از نوع مدیریت محفلی است که رئیس جمهور محترم با همکاری حلقه‌ای از نزدیکان خود که عموماً از سابقه، تجربه و کارآمدی کافی برخوردار نیستند، دستگاههای اجرائی کشور را مدیریت می‌کنند. برکناری مدیران دستگاههای اجرائی که در حدود سه دهه بعد از انقلاب با هزینه‌های سنگین تجربه اندوخته‌اند و بکارگماردن افراد تازه وارد و کم‌تجربه نیاز به آمار و ارقام ندارد و اظهر من الشمس است.

پیامد این روش مدیریت که مدیران جدید عموماً توان جلب همکاری بدنه کارشناسان و کارکنان دستگاههای اجرائی را ندارند منجر به نوع مدیریتی می‌شود که بر فرهنگ "زور و زود"

^۱ یادداشت محمد توسلی در نشریه شهروند - ۱۳۸۶/۱۱/۷

استوار است. در این نوع مدیریت، مدیران برای پیشبرد برنامه‌های خویش از اقتدار مدیریتی خود با ابلاغ بخشنامه‌ای کارها بهره می‌گیرند. در این شرایط طبیعی است که خدمات با زمان طولانی‌تر و کیفیت پائین‌تر صورت می‌گیرد و هزینه‌های خدمات بسیار افزایش پیدا می‌کند.

برخلاف مدیریت محفلی، در مدیریت مشارکتی که با استفاده از مدیران با تجربه و کارآمد از ظرفیت و توان کارشناسان و کارکنان دولت با آگاهی و علاقه‌مندی بهره‌برداری بیشتری می‌شود، هزینه تمام شده خدمات ارائه شده به مردم بسیار پائین‌تر است. براین پایه می‌توان گفت که صرفه‌جویی واقعی دولت در هزینه‌ها در چنین مدیریتی معنی و مفهوم پیدا می‌کند.

تفاوت افزایش هزینه خدمات در این دو نوع مدیریت آنقدر زیاد است که بهیچ‌وجه تناسبی با صرفه‌جویی ناشی از جلوگیری از هزینه‌های جاری دستگاههای اجرایی با عنوان "صرفه‌جویی" ندارد.

البته ذکر این نکته ضروری است که حذف مختصر اعتبارات جاری پاره‌ای از دستگاههای اجرایی می‌تواند موجب کاهش بهره‌وری خدمات آنان گردد.

آنچه در بالا اشاره شد می‌تواند در يك پروژه پژوهشی "ارزیابی عملکرد دستگاههای اجرایی" دست‌کم در چند نمونه معرف مورد بررسی قرار گیرد. در عرصه داخلی وزارتخانه‌های نفت، صنایع، جهاد کشاورزی و شهرداری تهران و در عرصه خارجی وزارت امور خارجه می‌تواند به عنوان نمونه در این پروژه مورد ارزیابی قرار گیرند.

در این مختصر از ارائه مصادیق عینی این دو نوع مدیریت صرف‌نظر می‌کنم. تجربه نشان می‌دهد خدماتی که در مدیریت "زور و زود" انجام می‌شود، معمولاً زمان آن طولانی‌تر، کیفیت آن پائین‌تر و هزینه آن بالاتر خواهد بود.

سرگذشت و سرنوشت حضور در انتخابات^۱

ارزیابی وضعیت کنونی اصلاح‌طلبان در انتخابات با تأمل در تجربه نهضت آزادی ایران با گذشت سه دهه از انقلاب اسلامی، یکی از آرمان‌های اصلی این انقلاب، یعنی آزادی، جمهوریت و تعیین سرنوشت مردم توسط خودشان همچنان در معرض تردید و تهدید قرار دارد. انتخابات مجلس هشتم و ردصلاحیت‌های انجام‌شده این تردید را از هرگاه بیشتر و پررنگ‌تر ساخته است. تا آنجا که برخی نیروهای اصلاح‌طلب، بحث «قهر از انتخابات» را مطرح می‌کنند. گویی شعله‌های امید نسبت به فعالیت مسالمت‌آمیز، قانونی و علنی سیاسی ناگاه فروکش کرده و ابهام و چندگانگی بر اردوی اصلاح‌طلبان و یا دست‌کم بخشی از آن، سایه افکنده است. طبعاً «عدم شرکت در انتخابات» بعنوان یک حق دموکراتیک، برای آحاد شهروندان و از جمله احزاب و سازمان‌های سیاسی محفوظ است، اما برای یک نیروی سیاسی، صرف «استفاده از حقوق» نمی‌تواند ملاک و معیار عمل باشد، بلکه ضرورت دارد پیامدها و تأثیرگذاری آن عمل نیز، با توجه به مجموعه شرایط و مقتضیات موجود، مدنظر و مبنای عمل قرار گیرد. مثلاً در شرایطی که تجربه نشان داده حدود ۵۰ درصد واجدان حق رأی به طور معمول و در هر شرایط، در انتخابات شرکت می‌کنند، عدم شرکت یک یا چند حزب، گروه و سازمان سیاسی نمی‌تواند تأثیرگذار باشد و صرفاً در حد «قهر کردن از میدان بازی سیاست» تعبیر می‌شود؛ اما همین عدم شرکت، در صورت هماهنگی و فراگیری می‌تواند تأثیرگذار باشد و تصمیمات و برنامه‌های سران حکومت را اصلاح کند یا تغییر دهد. بعنوان نمونه، در روزهای اخیر و با گسترده شدن دامنه اعتراضات به ردصلاحیت نامزدهای انتخابات مجلس هشتم در سطح همه نیروهای سیاسی اصلاح‌طلب، شاهد گسترش اعتراضات هم در جامعه و حتی در سطوحی از جریان رقیب و نیز علما، روحانیون، برخی ائمه جمعه و افرادی چون نوه بنیانگذار جمهوری اسلامی بودیم. همین تأثیرگذاری و بروز واکنش‌های اجتماعی بود که ظاهراً اهرم‌هایی را برای اصلاح وضعیت قبلی شکل داده و از سوی مسئولان امر، وعده «اخبار خوش درباره ردصلاحیت‌ها» شنیده می‌شود. بر این اساس، باید گفت که نیروهای سیاسی خواستار آزادی و دموکراسی در ایران، باید در طراحی برنامه‌ها و راهبرد عمل سیاسی خویش، پخته عمل کنند و نه چپ‌روی کنند و نه به راست‌روی و محافظه‌کاری گرفتار

^۱گفتگوی منتشر نشده محمد توسلی در اعتماد - محمد جواد روح - ۱۳۸۶/۱۱/۲۳

آیند. در این زمینه، بازخوانی تجربه نهضت آزادی ایران، بعنوان يك سازمان سیاسی که قبل از انقلاب تشکیل شده و پس از آن هم، همواره در عرصه مبارزه مسالمت‌آمیز، قانونی و علنی باقی مانده، می‌تواند مفید باشد. تجربه‌ای که بازخوانی آن نشان می‌دهد فرآیند دستیابی به آزادی، دموکراسی و حقوق بشر، فرآیند کندی است اما در عین حال، توجه به چنین تجربه‌هایی و اثرگذار بودن آن در طولانی‌مدت می‌تواند امید به تداوم حرکت را در نزد سایر نیروها تقویت کند.

برای بازخوانی تجربه نهضت آزادی ایران از ابتدای انقلاب اسلامی تاکنون، می‌توان شش محور را برشمرد و به تبیین آن پرداخت :

۱. تدوین راهبرد مبارزه قانونی، مسالمت‌آمیز و علنی

در تیرماه سال ۱۳۵۹ و در شرایطی که نشانه‌هایی از برخورد با طیفی از نیروهای متولی انقلاب اسلامی به چشم می‌خورد، کنگره نهضت آزادی ایران تشکیل و در آن، مرامنامه و اصول برنامه‌های آتی آن تصویب شد. این کنگره در شرایطی برگزار شد که در میان نیروهای سیاسی دو نگاه وجود داشت. يك نگاه، نگاه کسانی بود که به دنبال قدرت بودند و بنابراین، راهبرد نظامی را انتخاب کردند. مثال مشخص این رویکرد، سازمان مجاهدین خلق [منافقین] بود که قصد داشت با تحركات نظامی، قدرت را از حاکمان جمهوری اسلامی بگیرد. نگاه دوم اما معتقد بود که به هر شکل، انقلاب اسلامی و نظام جمهوری اسلامی از فرآیند يك انقلاب مردمی شکل گرفته و در این فضا، راهبرد واقع‌بینانه حضور در عرصه اجتماعی و استفاده از ابزار انتخابات - بعنوان بهترین فرصت برای حضور مردم و اعمال حق حاکمیت آنان بر سرنوشت خویش، در راستای انجام فریضه امر بمعروف و نهی از منکر - است. نهضت آزادی ایران، از معتقدان به این راهبرد بود و عملکرد آن در ۳۰ سال گذشته نشان می‌دهد که همواره به این راهبرد پایبند مانده و متناسب با وضعیت و فضای سیاسی، به اشکال مختلف در انتخابات شرکت کرده است.

۲. حضور در انتخابات

از منظر چگونگی حضور و مشارکت در انتخابات، دوران فعالیت نهضت آزادی ایران در سال‌های پس از انقلاب اسلامی را می‌توان به دو دوره قبل و بعد از خرداد ۶۰ تقسیم‌بندی کرد. چرا که وضعیت این سازمان سیاسی، در این دو دوره از نگاه حاکمیت متفاوت و متمایز بوده است و زمینه‌های فعالیت آن نیز تغییر کرده است. نخستین انتخابات

بعد از انقلاب، رفراندوم تعیین نظام سیاسی در ۱۲ فروردین ماه سال ۵۸ بود. در آنجا مهندس بازرگان با شناختی که از روحانیت و نوع نگاه طیف سنتی آن به اسلام داشت، نگران از حاکم شدن چنین قرائتی از اسلام بر جمهوری اسلامی بود. از این رو، ایشان پیشنهاد «جمهوری دموکراتیک اسلامی» را بعنوان نظام جدید سیاسی ایران مطرح کرد، تا در این رفراندوم قرائت دموکراتیک از اسلام به رأی مردم گذاشته شود. اما با مخالفت رهبر فقید انقلاب با این پیشنهاد، عنوان «جمهوری اسلامی» به رأی گذاشته شد و با آرای بالا هم به تصویب رسید. پس از آن و در انتخابات مجلس اول، لیست گسترده‌ای از سوی نهضت آزادی و همفکرانش با عنوان «همنام» (هیأت معرفی نامزدهای انتخابات مجلس) داده شد. در این لیست، هر کس واجد شرایط دانسته می‌شد (مستقل از عضویت و وابستگی آن به نهضت آزادی) حضور داشت که از جمله آنان، آقایان خامنه‌ای و هاشمی رفسنجانی بودند. در این انتخابات، با وجود فضا سازی‌ها، مهندس بازرگان با کسب ۷۰ درصد آرای مردم تهران به مجلس راه یافت و فراکسیونی ۲۲ نفره نیز تشکیل شد. در انتخابات ریاست جمهوری اول هم، با آنکه جاداشت مهندس بازرگان نامزد شود، از دکتر حسن حبیبی حمایت شد که در برابر بنی صدر شکست خورد.

بدین ترتیب، نهضت آزادی در دوره قبل از خرداد ۶۰ همواره در انتخابات حضور داشت و متناسب با وزن و ظرفیت خود نیز، موفقیت‌هایی کسب کرد. اما پس از خرداد ۶۰ کاملاً شرایط جدیدی بوجود آمد. تقریباً تمامی احزاب و گروه‌های سیاسی غیرموافق از صحنه اجتماعی حذف شدند و فشار به حدی رسید که بسیاری از احزاب و گروه‌های قدیمی فعالیت خود را متوقف کردند. در این فضا، شاید تنها گروهی که به فعالیت خود ادامه داد، نهضت آزادی بود که آن هم به دلیل، داشتن نیروهای شناخته شده انقلاب چون مهندس بازرگان، دکتر یدالله سبحانی، دکتر یزدی و احمد صدر حاج سیدجوادی در کادر رهبری خود، توان مقاومت و ادامه فعالیت را پیدا کرد؛ گرچه هزینه‌های سنگینی را هم متحمل شد.

در دوره‌های دوم، سوم و چهارم مجلس نیز همواره نهضت آزادی ایران در انتخابات شرکت می‌کرد و محور اصلی فعالیت‌هایش، تلاش برای تأمین آزادی و سلامت انتخابات بود. نطق تاریخی مهندس بازرگان در سال ۶۲ و در دوره نمایندگی ایشان در مجلس

اول، بخوبی معیارهای انتخابات آزاد و سالم را تبیین می‌کرد. در این نطق، تأکید شد که بدون معیارهای انتخابات آزاد و سالم، انتخابات با هر اکثریتی، فاقد مشروعیت خواهد بود. در همین دوره، از سوی نهضت سمینارهایی درباره تأمین آزادی و سلامت انتخابات برگزار شد که گرچه با واکنش و حملات گروه‌های فشار همراه بود، اما از مقاومت این سازمان سیاسی در مسیر دفاع از آزادی و جمهوریت، بعنوان آرمان‌های انقلاب اسلامی حکایت داشت. در این سالها، نهضت آزادی به دلیل آنکه حداقل شرایط فعالیت را فراهم نمی‌دید نه نامزدی در انتخابات معرفی کرد و نه در انتخابات شرکت کردند و رأی دادند؛ اما در هیچ‌یک از اسناد این دوره نهضت آزادی هم، لفظ «تحریم انتخابات» دیده نمی‌شود. در همین دوره، انتخابات ریاست جمهوری سال ۶۴ هم از اهمیت زیادی برخوردار است. در آن مقطع، فضای مناسبی به وجود آمده بود و به همین دلیل، نیروهای ملی و علاقه‌مند به انقلاب از مهندس بازرگان خواستند تا در انتخابات شرکت کند و ایشان هم این درخواست را پذیرفتند. اما در کمال شگفتی، شورای نگهبان صلاحیت مهندس بازرگان را برای نامزدی ریاست جمهوری رد کرد. این در حالی بود که هیچ‌کس تصور نمی‌کرد فردی چون مهندس بازرگان رد شود که شخص رهبر انقلاب هم در حکم ایشان برای نخست‌وزیری و هم در جریان پذیرش استعفای ایشان، بر دیانت، ملی بودن، سلامت نفس و خدمات گذشته او شهادت داده بودند. رد صلاحیت مهندس بازرگان در واقع، هشدار بود به همه نیروهای سیاسی و دلسوزان کشور که وقتی صلاحیت کسی چون او با نیم قرن سابقه روشن مبارزه سیاسی و ریاست دولت موقت رد می‌شود، باید نسبت به سرنوشت کشور و انقلاب احساس خطر کرد؛ اما متأسفانه واکنش‌ها در آن مقطع بسیار محدود بود. با این حال، کسانی که این خطر را احساس کردند، پس از انتخابات «جمعیت دفاع از آزادی و حاکمیت ملت ایران» را تشکیل دادند و از سال ۶۴ تا ۶۹ با محوریت جمع‌بندی دلایل و تبعات انتخابات ریاست جمهوری سال ۶۴ فعالیت گسترده‌ای را انجام دادند. در واقع، خروجی حضور مهندس بازرگان در انتخابات سال ۶۴، تشکیل یک نهاد مدنی بود که در نهایت به صدور بیانیه ۹۰ امضایی انجامید که انتشار آن به تعطیلی جمعیت و بازداشت ۲۴ تن از امضاءکنندگان اطلاعیه منجر شد. اگر به محورهای بیانیه ۹۰ امضایی توجه شود، همان آرمان‌های انقلاب اسلامی بود که

بعدها آقای خاتمی هم با تکیه بر همان مبانی، گفتمان خود و بحث «توسعه سیاسی» را در انتخابات دوم خرداد ۷۶ مطرح کرد.

حرکت جدی بعدی این جریان، در آستانه انتخابات مجلس پنجم بود که جمعی بعنوان «تلاشگران انتخابات آزاد» تشکیل شد. در این انتخابات، جریان‌های راست و محافظه‌کار آماده شده بودند تا بعد از فوت رهبر انقلاب، جریان چپ را بطور کامل از صحنه خارج کنند. از این منظر، این انتخابات رقابتی تاریخی بود و جمع تلاشگران هم با آگاهی از اهمیت این رقابت، نامزدهای خود را معرفی کرد. در این انتخابات، صلاحیت چهره‌های شاخصی چون مهندس عزت‌الله سحابی، دکتر ابراهیم یزدی و مهندس هاشم صباغیان در هیأت اجرایی تأیید شد و هیأت نظارت هم، با آنها وارد مذاکره شد. در مذاکرات به آقایان گفته شد اگر وفاداری خود را به اصل ولایت فقیه اعلام دارید، امکان حضور در انتخابات را خواهید داشت. آقایان هم اعلام کردند که مواضعشان در این زمینه، در سال ۶۷ به شکل مکتوب اعلام شده و به همه اصول قانون اساسی التزام دارند. در نهایت، هیأت نظارت هم صلاحیت آقایان مهندس عزت‌الله سحابی، محمد بسته‌نگار، فریداعلم و مهندس ابوالفضل بازرگان را تأیید کرد که دو تن آخر، از اعضای شناخته شده نهضت آزادی ایران بودند. با این حال و با وجود تأیید صلاحیت این چهره‌ها، امکان تبلیغات و سخنرانی به آنها داده نمی‌شد و به همین دلیل هم، ابتدا مهندس سحابی و سپس سایر کاندیداها از نامزدی انتخابات انصراف دادند. یکسال بعد، انتخابات دوره هفتم ریاست جمهوری در سال ۷۶ فرا رسید. در راستای راهبرد قبلی، نهضت آزادی و گروه‌های ملی و مذهبی متحد آن در سطح وسیعی در انتخابات شرکت کردند و مهندس سحابی، مهندس معین‌فر و دکتر یزدی کاندیدا شدند که البته صلاحیت همه آنها رد شد. در بحث‌هایی که در جمع دوستان شکل گرفت، با توجه به تجربه انتخابات قبل ریاست جمهوری که معمولاً یک نامزد اصلی و چند نامزد حاشیه‌ای حضور داشتند، تصور می‌شد که حضور آقای خاتمی هم برای گرم شدن انتخابات صورت گرفته و همانطور که دوستان آقای خاتمی هم فکر نمی‌کردند ایشان بیش از ۴ تا ۵ میلیون رأی بیاورند. با این حال، در این انتخابات دوستان دو جمع‌بندی داشتند؛ اول اینکه باید به اقدام شورای نگهبان در رد صلاحیت نامزدهای خودمان که همگی از چهره‌های مؤثر انقلاب اسلامی

و عضو شورای انقلاب و دولت موقت بودند، اعتراض کنیم و دوم اینکه، باید از حضور و گفتمان آقای خاتمی حمایت می‌شد. نتیجه این دو جمع‌بندی آن بود که با آرای سفید در انتخابات شرکت کنیم و اعتراض خود را نشان دهیم. اما همانطور که ملاحظه شد، حجم آرای سفید چندان بالا نبود و حتی دوستان خود ما با دیدن شور و نشاط عمومی جامعه، به آقای خاتمی رأی دادند و خوشبختانه، ایشان با آرای بالایی انتخاب شد و ما هم از شعارهای ایشان که همواره مورد تأکید روشنفکران دینی هم بود، حمایت کردیم. پس از دوم خرداد، در انتخابات دوره اول شوراهای به دلیل اعتقادی که به نقش شوراهای در عرصه اجتماعی داشتیم و از همان اسفندماه ۵۷ این مسأله در مدیریت شهر تهران و سپس از سوی مرحوم آیت‌الله طالقانی مطرح شده بود، شرکت کردیم. چون معتقد بودیم که شوراهای بستر مناسبی هم برای توزیع قدرت و هم آموزش و تمرین دموکراسی در سطح گسترده جامعه است. به همین دلیل هم، ما با تمام نیرو در انتخابات دوره اول شوراهای شرکت کردیم و لیست گسترده‌ای دادیم که گرچه افراد سرشناس ما توسط هیأت نظارت که در اختیار مجلس محافظه کار دوره پنجم بود، رد شدند اما تعدادی باقی ماندند و آرای هم که کسب شد، قابل توجه بود و عملاً نامزدهای ما، بعد از لیست اصلاح‌طلبان در رده بعد قرار گرفتند. ضمن آنکه ما بعنوان مشاور و کارشناس، با شورای شهر اول همکاری داشتیم.

در انتخابات مجلس ششم و با گشایش به وجود آمده در فضای سیاسی کشور، ائتلاف نیروهای ملی - مذهبی با محوریت دوستان مهندس سبحانی و نهضت آزادی به صورت اقلی شکل گرفت و با وجود ردصلاحیت نامزدهای سرشناس این ائتلاف، در چندین شهر و از جمله تهران فهرست انتخاباتی دادیم که در این فهرست، علاوه بر چهره‌های ملی - مذهبی از نامزدهای اصلاح‌طلب و دوم خردادی هم، حمایت شده بود. در نهایت از این فهرست، آقای علیرضا رجایی جزو ۳۰ نامزد برتر تهران قرار گرفت، اما با اتفاقاتی که افتاد و ابطال بیش از ۷۰۰ هزار رأی، در نهایت آقای حداد عادل جانشین آقای رجایی شد.

حضور بعدی ائتلاف نیروهای ملی - مذهبی در انتخابات، مربوط به دوره دوم شوراهای بود که با وجود ردصلاحیت برخی از نامزدهای نهضت آزادی در هیأت‌های اجرایی، در

نهایت هیأت نظارت بر انتخابات که زیر نظر مجلس ششم قرار داشت، تمامی نامزدهای این جریان را تأیید کرد و امکان ارائه لیستی قوی فراهم شد. این درحالی بود که در این انتخابات، مؤتلفه اسلامی - بعنوان حزب اصلی جریان محافظه کار - اعلام کرده بود که «متدینین در انتخابات شرکت نمی کنند». استراتژی جریان راست در این انتخابات، آن بود که مردم شرکت نکنند تا آنها با آرای سازمان یافته خود بتوانند انتخابات را کنترل کنند. در نهایت هم، همین اتفاق افتاد و در شرایطی که در تهران کمتر از ۱۲ درصد واجدین شرایط در انتخابات شرکت کرده بودند، آنها با استفاده از آرای بلوکه خود که پشت فهرست موسوم به «آبادگران» و نامزدهای ناشناخته آن متمرکز شده بود، توانستند شورای دوم را در اختیار بگیرند. این انتخابات، یک نقطه عطف و تجربه‌ای آموزنده برای جامعه ایران بود. مردم با دو فرض اشتباه از شرکت در انتخابات خودداری کردند. نخست اینکه، از شورای اول سرخورده بودند و اعتقاد داشتند که شورا نتوانسته به خواست‌های آنان جامه عمل بپوشاند. در حالیکه چنین خواستی از نهادی نوپا چون شورای شهر و در حالی که نهادهای قدرتمندی مخالف آن هستند، نادرست بود. دوم اینکه، عملکرد بعضی اعضای شورای شهر اول موجبات سرخوردگی جامعه را فراهم آورد و البته، در این میان محافظه کاران و رسانه‌های گسترده آنها هم، نفت به آتش اختلافات می ریختند. تحلیل ما در نهضت آزادی که همان زمان هم منتشر شد، این بود که مردم در این انتخابات خودزنی کردند و اختیار امکانات شهر را در اختیار جریانی ناشناخته قرار داده‌اند و در نهایت، از این اشتباه خود پشیمان خواهند شد.

در انتخابات مجلس هفتم، باز هم اعضای نهضت آزادی و فعالان ملی - مذهبی نامزد شدند، اما فضا به گونه‌ای بود که نه تنها این دسته از نامزدها، بلکه بسیاری از مدیران انقلاب، نمایندگان مجلس و چهره‌های اصلاح طلب و مستقل رذصلاحیت شدند و تکلیف حدود ۱۸۰ تا ۱۹۰ کرسی از قبل مشخص شده بود. اصلاح طلبان هم در واکنش به رذصلاحیت‌ها به اعتراض و تحصن دست زدند که واکنش‌ها به آن را هنوز هم، شاهدیم. در انتخابات دوره نهم ریاست جمهوری، آقای دکتر یزدی نامزد نهضت آزادی ایران بود. تمامی مراحل طی شد. این، فرصتی بود تا نهضت آزادی مواضع خود را با جامعه در میان گذارد و از همین طریق هم، در بیانیه‌ها و مصاحبه‌های مختلف این مواضع طرح شد. بار د

صلاحیت دکتر یزدی و بسیاری دیگر از نامزدها (از جمله دکتر معین، نامزد اصلاح طلبان پیشرو)، بحث عدم شرکت در انتخابات مطرح شد. اما در نهایت، با تأیید دکتر معین و بعد از آن بحث‌های فشرده‌ای که از طرف ستاد دکتر معین و افرادی چون دکتر محمدرضا خاتمی با نیروهای ملی-مذهبی انجام گرفت، از نامزدی دکتر معین حمایت شد که این، سرآغاز يك همکاری دوساله میان دو طرف در جریان تشکیل جبهه دموکراسی خواهی و حقوق بشر بود که گرچه محقق نشد، اما تجربه‌ای مثبت از همکاری اجتماعی برای انباشت تجربه و مشخص‌تر شدن موانع توسعه سیاسی در کشور بود. همچنین و در نتیجه این همکاری مشترک، با به دست آمدن آرای بیش از ۴ میلیون رأی برای دکتر معین، وزن این تفکر و جریان اصلاحی دموکراسی‌خواه در کل جامعه مشخص شد و نشان داد که همکاری‌های جمعی می‌تواند تأثیرگذار باشد. در مرحله دوم انتخابات ریاست‌جمهوری نهم نیز، با وجود عدم شفافیت در شمارش آرا به دلیل تقلب‌ها و تخلفات، ما باز هم در چارچوب استراتژی راهبردی خود، حضور در انتخابات را توصیه کردیم. در این مرحله، چون از مواضع و عملکرد آقای احمدی‌نژاد و حامیانش در شهرداری تهران آگاهی به دست آمده بود، توصیه شد بعنوان اعتراض، به آقای هاشمی رأی داده شود. این درحالی است که هنوز فرهنگ «رأی اعتراض» در جامعه ما جا نیفتاده است. اما در جوامع دموکراتیک، این آگاهی وجود دارد و آرای سفید و اعتراضی شناخته شده است و بدنه جامعه می‌دانند که باید با حضور در انتخابات بر تحولات اجتماعی اثر گذاشت و يك راه آن هم، آرای سفید یا اعتراضی است. متأسفانه در جامعه ما به جای استفاده از این ابزارهای دموکراتیک، «قهر با انتخابات» صورت می‌گیرد.

در دوره سوم شوراها که سال ۸۵ برگزار شد، اعضای نهضت آزادی بر مبنای راهبرد کلان خود در انتخابات نامزد شدند، اما هم آنان و هم بسیاری از نامزدهای اصلاح طلب رخصلاحت شدند ولی در نهایت، نهضت آزادی هم از فهرست اصلاح طلبان حمایت کرد که به شکل گیری اقلیتی در شورای تهران و کسب بیش از ۴۰ درصد کرسی‌های شوراها در کل کشور برای جریان اصلاحات منجر شد. نکته مهم در انتخابات سال گذشته شوراها، تجربه‌آموزی مردم از اتفاق تلخ شورای شهر دوم بود و باعث شد مردم این بار به جای قهر، به مشارکت در انتخابات روی آورند. این اتفاقی مبارك بود که نشان می‌داد بخش

مهمی از مردم دریافته‌اند با حضور خود در انتخابات، دستاورد بیشتری خواهند داشت تا غیبت و قهر. البته نتایج انتخابات دوره سوم شوراها باعث شد تا دولت برخی شوراها یا شهرداران منتخب را تحمل نکند و در جهت بی‌اثر کردن آنها بکوشد؛ اما به هر حال، دستاورد شوراهاى سوم علیرغم مقاومتی که در برابر آن وجود دارد، قابل تقدیر است. بالاخره در انتخابات مجلس هشتم هم، با وجود تهدیداتی که از قبل وجود داشت مبنی بر اینکه «افراد رد شده ادوار قبل در انتخابات نامزد نشوند»، اعضای نهضت آزادی به شکل محدود شرکت کردند که به رد صلاحیت آنها منجر شد و البته اعتراض نامزدها به مراجع مسؤل ارائه شده است.

۳. ضرورت تداوم حضور در انتخابات

آنچه در بند دوم آمد، نگاهی گذرا بود بر نوع عملکرد نهضت آزادی ایران در قبال انتخابات. همانگونه که دیده شد، این سازمان سیاسی در سه دهه گذشته همواره بر شرکت در انتخابات تأکید داشته است. مبنا و منطق این راهبرد آن است که اگر ما به دنبال آزادی و دموکراسی هستیم، این با حضور در انتخابات است که می‌تواند تقویت شود. گذار از جامعه‌ای غیردموکراتیک که فرهنگ استبدادی در آن حاکم است، نمی‌تواند یک‌شبه، ساده و بدون طی مراحل خاص خود صورت گیرد. چنین گذاری، به زمان، تلاش و پرداختن هزینه نیاز دارد و بدون آن، ممکن نیست. کسانی که نمی‌توانند این مصائب و مشکلات را تحمل کنند، آسیب خواهند دید. افرادی چون مرحوم احمد بورقانی که تمامی زندگی خود را برای انقلاب گذاشته‌اند، وقتی عملکردی خلاف آرمان‌های انقلاب را می‌بینند، اگر تحمل نداشته باشند، تعادل خود را از دست می‌دهند. کما اینکه مرحوم بورقانی به یکی از دوستان خود گفته بود که انتخابات قبل، مرا به بیمارستان برد و انتخابات مجلس هشتم، جانم را خواهد ستاند. طبعاً تحمل چنین فشارها و وضعیتی دشوار است؛ اما اگر توجه کنیم که ما در جامعه‌ای با فرهنگ استبدادی ۲۵۰۰ ساله زندگی می‌کنیم و زمینه‌های بازتولید استبداد نیز در آن وجود دارد، باید خود را برای تحمل هر فشار و هر وضعیتی آماده کنیم. نخبگان جامعه ایران، باید استراتژی مبارزه قانونی، مسالمت‌آمیز و علنی را در جامعه گسترش دهند تا بتوان از پس این دشواری‌ها برآمد. چرا که اگر مردم به این باور برسند که حضورشان در انتخابات بی‌فایده است، عملاً استراتژی مبارزه قانون

و مسالمت‌آمیز به بن‌بست می‌رسد. در حالیکه تجربه نهضت آزادی ایران نشان می‌دهد که مقاومت در برابر فشارها و دشواری‌هایی در حد فضای دهه ۶۰، عملاً نتیجه‌بخش بوده و این مقاومت‌ها در نهایت در دوم‌خرداد به ثمر رسید. اینکه جنبش اصلاحات و گفتمان اصلاح‌طلبی امروز در جامعه ایران فراگیر شده و همه گروه‌ها با این گفتمان خود را توجیه می‌کنند، نشانه تسلط (هژمونی) آن است. در سال‌های ۵۸ و ۵۹ که گفتمان فرهنگ مارکسیستی و چپ در کشور تسلط داشت، اگر کسی سخن از آزادی می‌گفت، بعنوان «لیبرال» و «وابسته» طرد می‌شد و مورد حمله قرار می‌گرفت. در حالیکه امروز گفتمان «آزادی‌خواهی» چنان فراگیر شده که حتی افرادی چون آقای احمدی‌نژاد با همین گفتمان خود را توجیه می‌کنند و ایران را «آزادترین کشور جهان» معرفی می‌کنند؛ گرچه در عمل، راه دیگری بروند. حضور در انتخابات از این زاویه، امری ضروری برای ورود جامعه و یا دست‌کم نخبگان، به عرصه مقابله با مقاومت محافظه‌کاران در برابر توسعه سیاسی است و انتخابات می‌تواند تسهیل‌کننده حرکت‌های اجتماعی باشد. همانطور که مثلاً انتخابات دوره نهم ریاست‌جمهوری، فرصتی را برای گردهم آمدن نیروهای متفاوت حول شعار دموکراسی‌خواهی و حقوق بشر فراهم آورد.

۴. ضرورت تداوم مبارزه مسالمت‌آمیز و قانونی

جامعه ایران در دهه ۱۳۴۰ چنان بسته شده بود که دبیرکل و اعضای نهضت آزادی در جریان محاکمات خود در دادگاه نظامی، در برابر بسته شدن کامل فضا خطاب به شاه اعلام کردند: «ما آخرین گروه‌ها هستیم که با زبان قانون با شما صحبت می‌کنیم؟». این پیش‌بینی درست بود و بتدریج گروه‌های مختلف زیرزمینی و مسلح - اعم از مارکسیست و مذهبی - شکل گرفتند. ممکن است با بسته‌تر شدن فضا و ممانعت از ورود اصلاح‌طلبان به عرصه انتخابات، میان زمان حال با آن دوره مقایسه صورت گیرد. اما چنین مقایسه‌ای به هیچ‌وجه درست نیست. آن نوع اقدامات در حال حاضر نه در داخل کشور عملی است و نه با گفتمان جهانی قرابتی دارد. آن روز گفتمان جهانی، انقلاب، جنگ مسلحانه و مبارزه غیر علنی بود؛ اما امروز گفتمان مسلط جهانی آزادی، دموکراسی و حقوق بشر است و از این منظر، نیروهای منتقد و خواستار دموکراسی همچنان باید بر مبارزه قانونی، علنی و مسالمت‌آمیز تکیه کنند.

۵. استفاده از همه ظرفیت‌های قانونی

در سال‌های اخیر از سوی اصلاح‌طلبان تلاش‌های زیادی برای استفاده از ظرفیت‌های قانونی نظام جمهوری اسلامی برای پیشبرد دموکراسی‌خواهی صورت گرفته است. اما مقاومت حاکمیت یکدست به‌ویژه در عرصه انتخابات، بن‌بستی را برای مردم به وجود آورده است. برای مقابله با این مقاومت‌ها، نهضت آزادی ایران پیشنهاد استفاده از ظرفیت‌های بین‌المللی در انتخابات را مطرح کرد که با واکنش‌های تندی هم مواجه شد. در حالی که چنین راهکاری، نه تنها استقلال کشور را از بین نمی‌برد، بلکه استفاده از معاهدات و ظرفیت‌هایی است که دولت ایران متعهد به اجرای آن است و عملاً بخشی از قوانین داخلی ما را شامل می‌شود. چنین پیشنهادهایی، لازمه شکستن بن‌بست‌های موجود و ایجاد ظرفیت‌های تازه برای اصلاح وضع موجود است. البته پذیرش چنین پیشنهادی—حتی در سطح نخبگان—امری زمان‌بر است و بیش از آن، پذیرش پیشنهاد در سطح جامعه زمان‌بر خواهد بود. اما این به معنی ممکن نبودن فراگیر شدن چنین بحثی در سطح جامعه نیست؛ همانطور که در اوایل دهه ۶۰ و حتی ۷۰، با «تحزب» مخالفت می‌شد، اما الان گفتمان تحزب فراگیر شده و این فراگیری هم، نتیجه مقاومت‌ها در این زمینه طی سه دهه گذشته است.

۶. ضرورت هماهنگی و همکاری مشترک نیروها

البته آنچه گفته شد، به آن معنا نیست که یک سازمان سیاسی هرچند مقاوم و مداوم، به تنهایی می‌تواند بر تحولات سیاسی و اجتماعی جامعه مؤثر باشد. تجربه سه دهه گذشته بیش از هر زمان، نیاز به هماهنگی و همکاری میان همه کسانی که گفتمان آزادی، دموکراسی‌خواهی و حقوق بشر را قبول دارند و به مبارزه مسالمت‌آمیز، قانونی و علنی پایبند هستند، نشان می‌دهد. حداقل چنین فرآیندی آن است که سازمان‌های سیاسی به طور مستقل، مواضع مشترکی را اتخاذ کنند تا در نتیجه «اقدام هماهنگ» شکل گیرد. در سطح بعد، این نیروها باید در نهادهای اجتماعی مشترکی فعالیت کنند و «اقدام مشترک» شکل گیرد تا بتوان بر موانع و مقاومت‌های موجود در مسیر برگزاری انتخابات آزاد، سالم و منصفانه غالب آمد.

مجلس هشتم آخر کار نیست^۱

انتشار بیانیه نهضت آزادی ایران و طرح لزوم نظارت بین‌المللی بر انتخابات ایران، بحث‌های فراوانی را برانگیخت؛ این بحث جنان بالا گرفت که آیت‌الله خامنه‌ای، رهبر جمهوری اسلامی ایران به پاسخگویی بدان پرداخت و حملات به نهضت آزادی ایران، شدت گرفت. در این ارتباط با محمد توسلی گفت و گویی کرده ایم که در پی می‌آید. به اعتقاد آقای توسلی "در شرایط کنونی کسانی که به دنبال مبارزه قانونی هستند، می‌دانند هنوز ظرفیت‌هایی برای تداوم تلاش‌های دموکراتیک وجود دارد و همین از یاس و ناامیدی مردم جلوگیری می‌کند".

سوال اول بر می‌گردد به راهکاری که از سوی نهضت آزادی ایران مبنی بر نظارت بین‌المللی بر انتخابات مطرح شده است. نهضت بر اساس چه تحلیلی این بیانیه را صادر کرده؟

تضمین آزادی و سلامت انتخابات، ضرورت صدور این بیانیه بود. این راهکار با توجه به عملکرد مجریان انتخابات و شورای نگهبان و پیشگیری از انفعالی که جنبش اصلاحات با آن روبرو است ارایه شد. این هدف را در بیانیه بعدی با عنوان "ارزیابی واکنش‌ها" هم توضیح داده ایم.

به طور خلاصه، نهضت آزادی ایران از همان سال‌های بعد از پیروزی انقلاب، یعنی از سال ۱۳۵۹ با تحلیلی که از شرایط پس از انقلاب و ویژگی‌های مردمی آن داشت، راهکار مبارزه قانونی، علنی و مسالمت‌آمیز برای دستیابی به آرمان‌های مردم را انتخاب کرد و چون بحث آزادی، حاکمیت ملت، دموکراسی و حقوق بشر از مطالبات تاریخی و نیازهای راهبردی جامعه است، از همان ابتدا بر مبارزات قانونی تاکید شد. در مقابل گروه‌هایی بودند که همان موقع روش مبارزات مسلحانه را انتخاب کردند. ما در این سی سال همواره بر این استراتژی تاکید و در همه انتخابات هم به نوعی حضور داشته ایم. انتخابات فرصت بسیار خوبی است که همه ما با الزامات جامعه دموکراتیک آشنا شویم و قواعد دموکراسی را یاد بگیریم و به دیگران هم آموزش بدهیم. هدف اصلی ما در شرایط پس از انقلاب این نبوده که از انتخابات به عنوان سکوی پرش و دستیابی به قدرت استفاده کنیم، بلکه از این رویداد همواره به عنوان یک فرصت مناسب استفاده کرده ایم تا فرایند دموکراسی تقویت شود. پیامد فرایند طی شده در سه دهه اخیر و به ویژه عملکرد

^۱ مصاحبه محمد توسلی با خبرنگار «روز» - حسین محمدی - ۱۳۸۶/۱۲/۱

شورای نگهبان در انتخابات مجلس هفتم و ریاست جمهوری نهم با ردصلاحیت های گسترده نامزدهای اصلاح طلبان، و این برداشت که نظام قابل اصلاح نیست، یاس و ناامیدی در جامعه بود و احساس می شد جنبش اصلاحات با بن بست مواجه شده است و مبارزات قانونی دیگر کارکرد ندارد. از قول مرحوم بورقانی نقل کرده اند که گفته انتخابات گذشته مرا به بیمارستان برد و انتخابات مجلس هشتم جان مرا خواهد گرفت، متأسفانه همین اتفاق هم افتاد. این ذهنیت در میان خیلی از دوستان اصلاح طلب هم وجود داشت. حساسیت و واکنش شدید آیت الله توسلی به شرایط انتخابات که منجر به ایست قلبی و متأسفانه درگذشت آن مرحوم شد نیز در همین راستا قابل تبیین است.

یعنی این موارد دلایل ارائه این پیشنهاد بود؟

ظرفیت مبارزه قانونی در ذهنیت بسیاری از فعالان سیاسی و اجتماعی ما با چالش جدی روبرو است. ما در پی آن بودیم تا راهکار جدیدی برای توسعه ظرفیت مبارزه قانونی و تقویت راهبرد تلاشهای دموکراتیک ارایه کنیم. نظارت بین المللی در چهارچوب همان تعهدات بین المللی است که جمهوری اسلامی ایران برعهده دارد. در آن نشریه تأکید شده است که انتظار نداریم در انتخابات مجلس هشتم نظارت بین المللی اتفاق بیفتد، بلکه طرح این پیشنهاد و بخصوص با واکنش هایی که رخ داد و آنرا در سطح جامعه مطرح کرد، دستکم زمینه بررسی چنین راهکاری را برای تحولات تدریجی در جامعه ما مطرح کرد. در شرایط کنونی کسانی که به دنبال مبارزه قانونی هستند، لا اقل می دانند هنوز ظرفیت هایی برای تداوم تلاشهای دموکراتیک وجود دارد و این از یاس و ناامیدی مردم جلو گیری می کند.

فکر می کنید واقعا پیشنهاد نظارت بین المللی قابلیت عملی شدن دارد؟

اگر شما به تحولاتی که در دو یا سه دهه گذشته رخ داده است، نگاه کنید، متوجه می شوید که خیلی از پیشنهادات ابتدا غیرعملی به نظر می رسید. مثلاً در دهه ۶۰ کسی در مورد حزب و تحزب صحبت نمی کرد. خیلی از افراد موجه جامعه در آن زمان به اینکه عضو هیچ حزب و گروهی نیستند افتخار می کردند. اما امروز تحزب و کار جمعی به عنوان یک ارزش مطرح و دستکم در سطح نخبگان پذیرفته شده است که بدون شکل گیری و تقویت احزاب و نهاد های مدنی صحبت از دموکراسی و عملی شدن برنامه های توسعه کشور بی معنی است.

چه راهکار عملی برای اجرایی شدن این پیشنهاد دارید؟

اگر یک فکر راهبردی و مورد نیاز باشد خود جامعه آن فکر را می‌گیرد و منادی آن می‌شود. به رغم نقدهایی که انجام شده و گفته اند که نظارت بین المللی جسارت به ملت است و استقلال کشور را در معرض مخاطره قرار می‌دهد و ما باید با ساز و کارهای داخلی مشکلات را حل کنیم - که ما هم با اولویت سازو کار های داخلی موافقیم - اما خیلی از کشورها نظارت بین المللی را برای تقویت اقتدار سیاسی و مناسبات بین المللی شان درخواست می‌کنند. مثل روسیه، نیکاراگوئه، ترکیه و حتی فلسطین که در انتخاباتی با نظارت بین المللی حماس انتخاب شد یا اخیرا در انتخابات پاکستان. من فکر می‌کنم اگر این مساله از سوی جامعه به مطالبه عمومی و فشار اجتماعی تبدیل شود، روزی فرا می‌رسد که مسئولان جمهوری اسلامی ایران برای نشان دادن اقتدار خود این نظارت را خواهند پذیرفت. اگر هم این اتفاق نیفتد جامعه مدنی ایران همواره این مساله را مدنظر دارد که این راهکار قانونی وجود دارد و فعالیت های قانونی به پایان نرسیده است.

و چرا در این شرایط این قضیه مطرح شد؟

این پیشنهاد چند سالی است در نهضت مطرح بوده و مورد بررسی قرار گرفته است. ما با توجه به نیاز مبرمی که در شرایط کنونی و انفعال جامعه می‌دیدیم که تصور می‌کردند اصلاح طلبی با بن بست مواجه شده، این پیشنهاد را مطرح کردیم. هدف ما این بود که از نا امیدی جلوگیری شود تا جنبش اصلاحات بتواند به راه خود ادامه دهد. البته تحقق این پیشنهاد در حد توان یک حزب نیست و همه احزاب باید در این راه هماهنگ عمل کنند. یک حزب سیاسی به تنهایی نمی‌تواند این برنامه را پیش ببرد بلکه همه احزاب باید نظر بدهند و با تبادل نظر گام های موثر بعدی برداشته شود.

واکنش اصلاح طلبان را چطور دیدید؟ فکر می‌کردید چنین واکنشی از سوی آن ها نشان

داده شود؟

البته در این حد پیش بینی نمی‌کردیم. این واکنش ها پس از صحبت مقام رهبری بیشتر بود. سخنگویان برخی از احزاب و گروه های سیاسی ظاهرا خواستند مرزبندی خود را با این پیشنهاد نشان دهند تا در جریان تایید صلاحیت ها بهانه را از شورای نگهبان بگیرند. البته ما عملا دیدیم که همه کاندیداهای جبهه مشارکت و سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی رد صلاحیت شدند و حتی ۷۰ درصد کاندیداهای حزب اعتماد ملی هم بنا به گفته خود آقای کروبی رد صلاحیت

شدند.

کمی هم به بحث انتخابات بپردازیم. با توجه به مسایل پیش آمده، موضع گیری نهضت در مورد انتخابات مجلس هشتم چگونه است؟

در مورد انتخابات از ابتدا نظر ما حضور در انتخابات و آگاهی دادن به مردم بود. ما از ابتدا بحث ضرورت دفاع از آزادی و سلامت انتخابات را مطرح کردیم که حتی پیشنهاد جبهه ای برای این کار را دادیم. البته جبهه تشکیل نشد اما در طول سال جاری تقریباً همه احزاب و گروه های سیاسی موضوع آزاد، سلامت، رقابتی و منصفانه بودن انتخابات را به عنوان مساله اصلی مطرح کردند و شورای نگهبان را به چالش کشیدند. حتی شخصیت هایی مثل آقایان هاشمی، خاتمی و کروبی این دغدغه را مطرح کردند. بنابراین در سال ۸۶ دغدغه عمومی کسانی که در عرصه انتخابات حضور داشته اند، همین گفتمان بود. ما در این زمینه بیانیه های متعددی دادیم و عده ای هم به صورت نمادین در تهران و شهرستان ها در انتخابات ثبت نام کردند.

یعنی تصور می کردید که صلاحیتتان تایید می شود؟

بعضی ها گفتند شما که می دانستید ردصلاحیت می شوید چرا ثبت نام کردید. با راهبرد نهضت آزادی، ثبت نام در انتخابات به این معنی نیست که افراد تایید صلاحیت و وارد مجلس شوند. این راهبرد مربوط به احزابی است که ورود به قدرت، دغدغه اصلی آنهاست. اما برای کسانی که به انتخابات به عنوان فرصتی برای آگاهی بخشی و ایجاد فشار از پایین نگاه می کنند، مسئله این است که ارزش ها و ضدا ارزش ها را در جامعه برجسته کنند. اگر ما در انتخابات حضور نداشته باشیم چگونه می توانیم به این وظیفه عمل کنیم.. اگر اصلاح طلبان در انتخابات ثبت نام نکرده بودند و توسط هیات های اجرایی و نظارت شورای نگهبان ردصلاحیت نشده بودند چگونه عملکرد مجریان انتخابات و شورای نگهبان قابل ارزیابی بود؟ راهبرد تقویت فرایند دموکراسی ایجاب می کند که شما در عرصه انتخابات حضور داشته باشید تا بتوانید بر فرایند آن تاثیر بگذارید. در انتخابات یک راهبرد وجود دارد که آن تقویت فرایند دموکراسی است، نوع کنش در مراحل مختلف، تاکتیک است. اگر تاکتیک ها در راستای آن راهبرد باشند، پس از بررسی هزینه و فایده هر تاکتیک می توان از آن ها استفاده کرد. ما در زمان ثبت نام به این نتیجه رسیدیم که هنوز این تاکتیک موثر و مفید است. مسئولان وزارت کشور و سخنگوی شورای نگهبان می گفتند که کسانی که می دانند ردصلاحیت می شوند، برای ثبت نام نیایند. آیا ما باید به حرف آن

ها گوش می دادیم؟

اکنون که همه رذصلاحت شده اند چه می کنید؟

اما اینکه ما در انتخابات رای خواهیم داد یا خیر، هنوز تصمیم نگرفتیم. این هم یک تاکتیک است که باید به موقع تصمیم گرفت.

و کی تصمیم گیری می کنید؟

قبل از ۱۴ اسفند تصمیم گیری می کنیم.

و سوال آخر اینکه فکر میکنید راهکاری مثل تحریم - که با توجه به شرایط پیش آمده، بعید نیست از سوی برخی احزاب در پیش گرفته شود - تا چه حد می تواند در فرایند دموکراسی موثر باشد؟

کسانی که راهبرد مبارزه قانونی را انتخاب می کنند، نه تنها حضور در انتخابات را غیرمشروع نمی دانند، بلکه آن را یک راهکار ضروری می بینند. البته پس از انقلاب برخی از احزاب که قانون اساسی و یا عملکرد مجریان انتخابات را قبول نداشته اند این چنین موضع گیری کرده و همواره در پی تحریم انتخابات بوده اند. اما نهضت آزادی ایران که همواره در راستای راهبرد تقویت فرایند دموکراسی حرکت کرده، در هر شرایط تاکتیک متناسب آن مرحله را برگزیده است. البته در شرایط خاصی عدم شرکت در انتخابات و یا رای ندادن می تواند کاملاً دموکراتیک و در راستای راهبرد تقویت فرایند دموکراسی باشد. در انتخابات پیشرو، ما باید شرایط را ارزیابی کنیم. رای دادن یا رای ندادن ما بایستی در راستای تقویت فرایند دموکراسی باشد و ما هرکدام را که به نفع تقویت دموکراسی باشد انتخاب کنیم. طبیعی است که در این بررسی ما باید به فکر برنامه های آینده نیز باشیم و هرگز فکر نکنیم که مجلس هشتم آخر کار است.

شما گفتید که از طریق انتخابات به دنبال قدرت نیستید. یعنی واقعا به دنبال آن نیستید

که از طریق انتخابات وارد قدرت شوید و آرمان های خود را عملی کنید؟

ما به الفبای جامعه دموکراتیک که احزاب می توانند وارد قدرت شوند آگاهی داریم. اما در جامعه ما که هنوز زیر ساخت های دموکراتیک فراهم نشده است و ما با فرهنگ دموکراسی آشنا نیستیم، هدف قرار دادن قدرت، به هر قیمت، آفت هایی در پی دارد که تجربه سه دهه اخیر کشور و پیامد های آن بهترین گواه آنست. مرحوم مهندس بازرگان در دهه ۶۰ بر این پایه، موضوع را این گونه توضیح دادند که جنگ ما جنگ حجت است، نه جنگ قدرت. به نظر ما

در شرایط کنونی جامعه، تا این فرایند طی نشود و حضور در قدرت از طریق دموکراتیک امکان پذیر نباشد، کسانی که از هر وسیله ای برای رسیدن به قدرت استفاده می کنند، این تالی فاسد وجود دارد که برای دستیابی به قدرت و سپس حفظ آن مجبور شوند برخی از ارزش های خود را نادیده بگیرند. این فرایند موجب می شود که هم شخصیت آنان متحول شود و کارهای خلاف خود را توجیه کنند و هم به جنبش اصلاحات و فرایند دموکراسی ضربه وارد شود. البته در جنبش اصلاحات کسانی هستند که معتقدند اگر در قدرت باشند بهتر می توانند خدمت کنند، خدماتی هم کرده اند. اما نهضت آزادی ایران بیشتر توجه به اصلاح این فرایند دارد تا موانع اصلی جامعه دموکراتیک از پیش رو برداشته شود. البته این دیدگاه مبتنی بر آموزه های قرآنی و تجربه تاریخی است که در نشریات نهضت آمده است.

همواره متواضع^۱

از بنده خواسته‌اند یادداشتی برای مجموعه بزرگداشت برادر عزیزمان جناب آقای دکتر سیدمحمد مهدی جعفری بنویسم. با اشتیاق پذیرفتم، زیرا بزرگداشت خدمتگزاران به‌ویژه در عرصه فرهنگ و اجتماع و نشان دادن منش و بینش و شخصیت آنان برای آموزش نسل کنونی و آیندگان بسیار مفید است.

آشنایی من با آقای سید مهدی جعفری تا آنجا که بخاطر دارم به سال ۱۳۴۰ برمی‌گردد. بعد از فارغ‌التحصیل شدن از دانشکده فنی دانشگاه تهران در سال ۱۳۴۰ چون قصد ادامه تحصیل در خارج از کشور داشتم برای رفع مشکل نظام وظیفه و علاقه‌ای که به علوم انسانی و روانشناسی داشتم در دانشگاه تربیت معلم رشته فوق‌لیسانس روانشناسی ثبت‌نام کردم.

در آنجا با سه تن از دانشجویان این دانشگاه آقایان سیدمحمد مهدی جعفری، سیدکاظم اکرمی و تراب حق‌شناس آشنا شدم و با همکاری آنان، انجمن اسلامی دانشجویان این دانشگاه را تأسیس کردیم. این دانشگاه در ساختمانی در خیابان دکتر شریعتی، جنوب سیدخندان واقع بود که در طول چند دهه گذشته ابتدا کاربری هتل و سپس مخابرات پیدا کرد و اینک ظاهراً برای تجدید بنا در دست تخریب است.

فعالیت این انجمن گسترش پیدا کرد و در یکی از جشن‌های مذهبی انجمن از شهید استاد مطهری و مرحوم مهندس بازرگان برای سخنرانی دعوت کردیم که با استقبال فراوان دانشجویان و اساتید دانشگاه روبرو شد.

این سه یار انجمن، آقایان سید مهدی جعفری، سیدکاظم اکرمی و تراب حق‌شناس، دانشجویان آنروز دانشگاه تربیت معلم، هر یک سرنوشت جداگانه و آموزنده‌ای دارند. آقای جعفری همان موقع عضویت نهضت آزادی ایران را پذیرفت و در کنار طالقانی، بازرگان و دکتر سبحانی به خدمات خویش ادامه داد. آقای دکتر سیدکاظم اکرمی نیز در چند دهه گذشته حالت متعادلی را سیر کرده‌اند، تا آنجا که به خاطر دارم، پس از انقلاب مدتی وزیر آموزش و پرورش و دست‌کم دو دوره نیز نماینده مردم شهر همدان در مجلس شورای اسلامی بودند و اخیراً رئیس هیأت مدیره کانون زندانیان قبل از انقلاب بودند و در شرایط بسیار سخت، که کسی جرأت ذکر نام بزرگان و

^۱ یادداشت محمد توسلی در ویژه‌نامه نوروز نشریه «نیمروز» - ۱۳۸۶/۱۲/۱۱

روشنفکران دینی را در مراسم رسمی نداشت، از مرحوم آیت‌اله طالقانی تجلیل بعمل آورد. اما تراب حق‌شناس که فرزند خانواده روحانی است سرنوشت عجیبی پیدا کرده است، ابتدا جذب سازمان مجاهدین خلق شد، با حضرت آیت‌اله خمینی در نجف دیدار کرد و سپس در انحراف و تغییر مواضع آن سازمان مشارکت داشت و عضو پیکار بود. مدتی است از وضعیت او اطلاعی در دست نیست.

سیدمهدی جعفری در دوران زندان

اما سرنوشت برادر عزیزمان آقای دکتر جعفری، در بازداشت سران و فعالان نهضت آزادی ایران در اوایل بهمن ماه ۱۳۴۱، پس از انتشار نشریه "ایران در آستانه یک انقلاب بزرگ (!)" و برگرداندن تاریخ خود" و پرده برداشتن از روی توطئه "انقلاب سفید شاه" وی نیز جزء گروه اول بازداشت‌شدگان بود و در دادگاه نظامی به چهار سال زندان محکوم شد.

زندانیان نهضت آزادی ایران، زندان را به مدرسه بزرگی برای آموزش، پرورش و تولیدات فرهنگی تبدیل ساختند. چند جلد تفسیر پرتوی از قرآن مرحوم آیت‌اله طالقانی، کتاب خلقت انسان دکتر یداله سبحانی و حدود ۱۶ اثر ارزشمند شادروان مهندس مهدی برازجان از جمله دو جلد اثر بدیع و ماندگار سیر تحول قرآن محصول این دوران زندان است که برادرمان سیدمهدی جعفری نقش کلیدی در ویرایش و تدوین و چاپ بسیاری از این آثار داشته‌اند. برخی از آثار این بزرگان که با نام خودشان در سالهای قبل از انقلاب امکان چاپ نداشت، مانند چاپ اول جلد اول سیر تحول قرآن به کوشش "سیدمهدی جعفری" به چاپ رسید.

در مهرماه ۱۳۴۳ پس از حمایت زندانیان نهضت آزادی ایران از اعتصاب غذای زندانیان مؤتلفه اسلامی در زندان قصر، پس از موفقیت اعتصاب زندانیان مؤتلفه اسلامی، رژیم تصمیم به تبعید سران و فعالان زندانی نهضت گرفت و آنان را به زندان بد آب و هوای برازجان تبعید کرد. در این تبعید چون آقای سیدمحمد مهدی جعفری اهل شهر برازجان استان فارس بود و خانواده‌اش به ویژه مادر پیرش امیدوار بودند پس از انتقال وی به زندان برازجان دست کم فرصت خواهند داشت با زحمت کمتر سیدمهدی را در زندان ملاقات کنند. اما رژیم شاه، بجای زندان برازجان، وی را به زندان یزد و به میان زندانیان غیرسیاسی فرستاد تا مبادا خانواده وی فرصتی داشته باشند و با وی در محل و موطن خودشان دیدار کنند. اما سیدمهدی جعفری در زندان یزد نیز نشان داد که یک مرد خدا چگونه و در هر کجا که باشد وظیفه انسانی و اسلامی خود را انجام می‌دهد. وی

در زندان یزد با تشکیل کلاس‌های تدریس برای زندانیان عادی بزودی توانست جای مخصوصی را در قلب زندانیان بازکند.^۱

سیدمهدی جعفری در عرصه خدمات فرهنگی

به یقین حضور در عرصه فرهنگی و خدمات آموزشی پررنگ‌ترین بخش زندگی دکتر جعفری را به خود اختصاص داده است. آشنایی وی به زبان و فرهنگ قرآن و نهج البلاغه و قلم و سخن روان و گویایش موجب توانمندی و تولید آثار فرهنگی با ارزش ایشان شده است که از میان این آثار جا دارد صرفاً به یکی از آنها اشاره‌ای داشته باشم. وی هفت جلد کتاب امام علی (ع) تاریخ تحلیلی نیم‌قرن اول اسلام نوشته استاد عبدالفتاح عبدالمقصود را بین سالهای ۱۳۵۰ و ۱۳۵۳ به فارسی روان برگردانده است که توسط شرکت سهامی انتشار چاپ شده است. جلد نخست این کتاب در سال ۱۳۳۵ خورشیدی، در دو بخش بوسیله مرحوم آیت‌اله سیدمحمود طالقانی به فارسی برگردانیده شده بود که در مرحله بعد هماهنگ با چاپ هفت جلد دیگر در یک جلد توسط شرکت انتشار به چاپ رسید. همانگونه که آقای جعفری در مقدمه جلد ۲ کتاب امام علی (ع) گفته است به توصیه مرحوم آیت‌اله طالقانی کار ترجمه این کتاب را دنبال کرده است و ظاهراً در زندان نیز بهنگام ترجمه کتاب از راهنمایی مرحوم طالقانی نیز بهره برده است.

ترجمه کتاب امام علی (ع) به قلم استاد عبدالفتاح عبدالمقصود مسلمان اهل سنت مصری و ترجمه کتاب امام علی (ع)، صدای عدالت انسانیت به قلم جورج جرداق مسیحی اهل لبنان و آثار مشابه نقش مؤثری در بسترسازی فرهنگی برای نزدیکی بیشتر مسلمانان اهل تسنن و تشیع در دهه‌های چهل و پنجاه خورشیدی داشته است. متأسفانه در سه دهه اخیر کمتر شاهد تولید اینگونه آثار فرهنگی مفید و مؤثر در راستای نزدیکی بین مذاهب اسلامی بوده‌ایم.

در اینجا که سخن از تلاش‌های فرهنگی آقای دکتر جعفری در میان است بجاست اشاره‌ای هم به تأسیس آکادمی علمی اسلامی کلن داشته باشم که توسط شادروان دکتر سید عبدالجواد فلاطوری در آلمان پایه‌گذاری شد. در سال ۱۳۵۴ (در شرایط تغییر مواضع فکری سازمان مجاهدین خلق و فضای سیاسی بسته ایران) که جمعی از روشنفکران دینی بدنبال ایجاد پایگاهی در خارج از کشور برای انجام مطالعات و معرفی دیدگاه‌های روشنفکران دینی بودند، مرحوم

^۱ برای تفصیل این سوابق به جلد ۳ اسناد نهضت آزادی ایران (۱۳۴۴-۱۳۴۰) جریان محاکمه سران و فعالین و سایر اسناد منتشر شده در این باره مراجعه شود.

پروفسور فلاطوری به ایران آمدند و برنامه خودشان را برای مطالعات و پژوهش‌های مشابهی در آلمان و اروپا ارائه کردند که با استقبال ما روبرو شد و جمعی در ایران به‌عنوان هیئت مؤسس آکادمی انتخاب شدند که توسط آن مرحوم در شهر کلن آلمان به ثبت رسید.

آقای دکتر جعفری یکی از مؤسسين آکادمی هستند که در سالهای قبل و پس از انقلاب حضور برجسته‌ای در فعالیتهای آن داشتند و از سال ۱۳۷۴ و رحلت آن مرحوم در برنامه‌های بزرگداشت مرحوم دکتر فلاطوری، وی و آقای ابوالفضل حکیمی پسرعموی مرحوم فلاطوری با ارائه مقاله و سخنرانی از خدمات آن مرحوم تجلیل بعمل آورده‌اند. در اینجا لازم است از مرحومان دکتر کاظم سامی، کاظم متحدین، حاج احمدعلی بابایی که به رحمت خدا پیوسته‌اند و سایر اعضای مؤسس آکادمی آقایان مهندس حسین حریری، ابوالفضل حکیمی و اینجانب یادی داشته باشم.

سید مهدی جعفری و اخلاق سیاسی

دکتر جعفری از سال ۱۳۴۰ که عضویت نهضت آزادی ایران را پذیرفت چه در دوران زندان، دهه ۴۰ و چه در عرصه فرهنگی و چه در دوران فعالیت مجدد نهضت بعد از سال ۱۳۵۶ تا اواخر سال ۱۳۵۸ یکی از اعضای فعال و با اخلاص نهضت بودند که همواره متواضعانه مسئولیت‌های مختلف به‌ویژه تهیه متن اطلاعیه‌ها و برخی از بیانیه‌ها به‌ویژه در دوران بعد از پیروزی انقلاب را به‌عهده داشتند.

در اواخر سال ۱۳۵۸ آقای سیدمهدی جعفری به‌همراه آقای مهندس عزت‌اله سحابی و یازده تن دیگر با ارسال نامه‌ای به مهندس بازرگان به‌لحاظ تشکیلاتی از نهضت آزادی ایران جدا شدند. از سال ۱۳۵۹ تاکنون نیز دکتر سیدمهدی جعفری و سایر دوستانی که از نهضت جدا شدند برخلاف سنت و رسم انشعاب در احزاب و گروه‌ها که معمولاً با خصومت و دشمنی همراه است همواره روابط برادرانه و صمیمانه خود را با نهضتی‌ها حفظ کرده‌اند و ایشان و بسیاری از آنان مانند آقایان مهندس عزت‌اله سحابی و محمد بسته‌نگار در عرصه‌های مختلف نیز همکاری اجتماعی و سیاسی بسیار صمیمی داشته‌اند.

این اخلاق اجتماعی و سیاسی به‌ویژه در جامعه‌ای که متأثر از فرهنگ استبدادی است و افراد در این فرهنگ بیشتر از خلق و خوی و رفتار تک‌روی، خودبینی و خودخواهی برخوردارند و می‌توان ریشه بسیاری از ناکامی‌های ملت ایران را دست‌کم از مبارزات دوران انقلاب مشروطه

تاکنون مرتبط با این خصوصیات و رفتار اجتماعی مردم ما مرتبط دانست، اخلاق و رفتار سیاسی آقای دکتر جعفری می‌تواند برای نسل کنونی و آیندگان آموزنده و سازنده باشد.

برای نشان دادن اوج این اخلاق سیاسی، که به اخلاق و منش نهضتی معروف است، لازم می‌دانم به بخشی از آخرین اظهارات برادر ارجمندمان جناب آقای مهندس عزت‌اله سحابی که نمودار شجاعت اخلاقی ایشان است و در ویژه‌نامه مجله شهروند امروز مورخ ۸۶/۱۰/۹ به مناسبت سیزدهمین سالگرد شادروان مهندس مهدی بازرگان با عنوان "در اختلافاتمان حق با او بود" درج شده است اکتفا کنم.

"... بازرگان فضای آزاد سیاسی و اقتصادی را مناسب‌ترین زمینه برای رشد فرهنگ، اخلاق و افکار می‌دانست و در این راه توسعه اقتصادی را نیز تابع فضای باز و آزاد سیاسی قلمداد می‌کرد. نظر من راجع به مرحوم بازرگان نیز در این حوزه‌ها تغییر یافته است و متفاوت از گذشته راجع به ایشان فکر می‌کنم. امروز بر من ثابت شده است که در مواردی که با ایشان اختلاف داشتیم، حق با ایشان بود و ما راه اشتباه می‌رفتیم..."

در پایان با امید به اینکه زندگینامه، فهرست مجموعه آثار و مقالات منتشر شده و خدمات ایشان به‌ویژه در عرصه فرهنگی و سیاسی تدوین و در اختیار علاقمندان قرار گیرد، سلامتی و موفقیت بیشتر برادرمان جناب آقای دکتر سید محمدمهدی جعفری را در عرصه‌های گوناگون به‌ویژه در تلاش‌های فرهنگی و آموزشی از خداوند متعال آرزو می‌کنم.

اصلاح طلبان در برابر آزمونی تاریخی^۱

مهندس محمد توسلی نخستین شهردار تهران پس از انقلاب و رئیس دفتر سیاسی نهضت آزادی ایران در گفت‌وگو با روز ضمن اعلام اینکه "جمع‌بندی نهضت آزادی ایران درباره انتخابات به‌زودی در قالب بیانیه‌ای اعلام می‌شود" تأکید می‌کند که: "این طبیعی است که اصلاح طلبان متناسب با شرایط جدید دست به انتخاب جدیدی بزنند ولی باید دلایل انتخاب تاکتیک جدید را توضیح دهند تا از بی‌اعتمادی مردم جلوگیری شود". متن این گفت‌وگو در پی می‌آید.

آقای خاتمی به اصلاح طلبان توصیه کرده‌اند که در انتخابات حضور فعال داشته باشند، آیا فکر می‌کنید چنین حضوری امکان‌پذیر است؟

من معتقدم انتخابات مجلس هشتم نسبت به تمامی انتخابات برگزار شده در ۳۰ سال گذشته ویژگی خاصی دارد. در این انتخابات، اصلاح طلبان در یک آزمون تاریخی قرار گرفته‌اند و انتخاب هر نوع تصمیمی، برآینده دموکراسی در ایران تأثیرگذار خواهد بود.

ما به یاد داریم که احزاب اصلاح طلب از جمله جبهه مشارکت و مجاهدین انقلاب تأکید داشتند اگر صلاحیت کاندیداهایشان رد بشود به گونه‌ای که قادر نباشند در انتخابات به رقابت بپردازند، دلیلی ندارد که تنور انتخابات را گرم کنند. آیا در آخرین وضعیت نامزدهای تأیید صلاحیت شده امکان رقابت حداقلی فراهم شده است؟ البته در این جا باید یادآوری کنم که تصمیم‌های سیاسی نیاز به سیالیت دارد و طبیعی است که اصلاح طلبان براساس آخرین تغییرها، سیاست خود را تنظیم و اعلام کنند.

آقای آرمین از رهبران سازمان مجاهدین انقلاب مطرح کرده بودند که اگر سازمان متبوع ایشان فاقد لیست قابل رقابت در صحنه انتخابات باشد که نتوانند در انتخابات شرکت کنند، قطعاً در انتخابات شرکت نمی‌کنند و تنور آن را گرم نخواهند کرد. با این همه اگر مجموعه اصلاح طلبان به این نتیجه برسند که باید در انتخابات شرکت کنند با این شرط که در حوزه مورد نظر دارای کاندیدای انتخاباتی باشند، به نظر شما در این صورت اصلاح طلبان باید به چه مواردی توجه کنند؟

در چنین شرایطی به نظر من اصلاح طلبان باید به دو نکته کلیدی تأکید کنند:

^۱ مصاحبه با محمد توسلی رئیس دفتر سیاسی نهضت آزادی با «روز» - نادر ایرانی - ۱۳۸۶/۱۲/۱۲

۱. ابتدا این نکته را تصریح کنند که انتخابات کنونی مغایر با اصول قانون اساسی و معیارهای شناخته شده جهانی برای برگزاری انتخابات آزاد، سالم و رقابتی است. از این رو به طور آشکار شرایط موجود را در بیانیه‌هایشان توضیح دهند تا افکار عمومی با آگاهی لازم نسبت به آنچه می‌توان آن را بدعت نامید و درحال وقوع است، حساسیت لازم را پیدا کنند و در نهایت اجازه ندهند عده‌ای خلاف مصالح عمومی حرکتی را به انجام برسانند. چنین تلاشی منجر به حفظ ارزش‌های اصلاح‌طلبی در ایران شده و نور امید را در دل جوانان، که درآینده آنان باید بار اصلاحات را به دوش بکشند، روشن نگاه خواهد داشت.

۲. اگر اصلاح‌طلبان با این جمع‌بندی که محافظه‌کاران به هر ترتیب می‌خواهند آنان را از صحنه سیاسی حذف کنند و لذا مایلند در انتخابات شرکت کنند و لیستی، اگرچه حداقلی، تهیه کنند، لازم است افراد معرفی شده از حداقل شرایط نمایندگی مردم یعنی شجاعت و توانایی دفاع از حقوق اساسی مردم برخوردار باشند. این موضوع را از این جهت تأکید می‌کنم که ما از اقلیت مجلس هفتم که عموماً منفعل بودند، تجربه خوبی نداریم. به عبارت بهتر می‌توان گفت این اقلیت عموماً به سوگند خود برای دفاع از قانون اساسی و حقوق مردم عمل نکردند. بنابراین باید از کسانی حمایت شود که در برابر جناح اقتدارگرا مرعوب نشوند. در این صورت شرکت حداقلی در انتخابات توجیه‌پذیر خواهد بود.

با فیلترهای مختلفی که دولت و نظام سیاسی برای تأیید و رد صلاحیت‌ها گذاشته‌اند و در باره هریک از ثبت نام شوندگان نیز به اندازه کافی وقت داشته‌اند که به تحقیق بپردازند، آیا فکر نمی‌کنید که ورود چنین افرادی به رقابت‌های انتخاباتی تا اندازه‌ای آرمان‌گرایانه باشد

پاسخ به این سؤال و ارزیابی افرادی که با تأیید صلاحیت وارد حوزه رقابت شده‌اند قبل از ارائه لیست‌ها مشکل است. آنچه در حال حاضر می‌توان گفت این است که اصلاح‌طلبان در گزینش خود دقت لازم را مبذول کنند تا نامزدهای مورد حمایت از حداقل شرایط بهره‌مند باشند.

تأکید بر این موضوع براساس چه تجربه تاریخی صورت می‌گیرد؟

ببینید تجربه تاریخی مجالس گذشته ایران نشان می‌دهد که حتی با وجود يك مدرس، مصدق یا بازرگان (در مجلس اول) امکان آگاهی دادن به مردم و دفاع از حقوق آنان به شدت افزایش می‌یابد. این به معنای آن نیست که می‌توان با حضور اقلیت دست به اقدام مهمی زد، ولی حضور اقلیت توانا در مجلس راه را برای آینده اصلاحات هموار می‌کند. من هرگز نمی‌خواهم بگویم

در شرایط کنونی افرادی مانند مدرس در بین کاندیداهایی که از فیلتر شورای نگهبان گذشته‌اند حضور دارند، ولی می‌خواهم تأکید کنم که اصلاح‌طلبان در گزینش نامزدهای مورد حمایت چنین الگوهایی را مدنظر قرار بدهند.

آیا راه‌حل دیگری برای جنبش اصلاحات وجود دارد؟

من معتقدم برای جنبش اصلاحات به طور کلی دوره وجود دارد: راه‌حل اول آن است که اصلاح‌طلبان به يك اجماع جبهه‌ای دست یافته و توافق کنند که در انتخابات رأی ندهند و از این طریق اعتراض خود را نسبت به رد صلاحیت گسترده نامزدهای اصلی جنبش اصلاحات اعلام کنند که این اقدام، قانونی، دموکراتیک و تأثیرگذار است. اما در شرایط موجود چنین راه‌حلی عملی نیست. راه‌حل بعدی آن است که اصلاح‌طلبان برای حفظ انسجام خود و نگاه به آینده در انتخابات حضور بیابند و با شرایط بسیار سخت و حداقلی که با آن مواجه هستند، تنها به معرفی و حمایت از نامزدهایی اقدام کنند که از حد اقل توانایی لازم برای حضور در مجلس هشتم برخوردار باشند.

رای ندادن امروز تأثیری ندارد^۱

مجلس مطلوب یا آرمانی مجلسی است که در چارچوب قانون اساسی و معیارهای شناخته شده انتخابات آزاد، سالم، منصفانه یا رقابتی تشکیل شده باشد. این انتخابات چند ویژگی دارد؛ اول این که آزاد باشد، یعنی مردم این امکان را داشته باشند که نظرهای مختلف را بشنوند و در جریان برنامه‌های مختلف قرار گیرند و به برنامه‌ای که فکر می‌کنند پاسخگوی نیاز جامعه است، رأی دهند.

البته همه اینها لازمه‌اش آزادی مطبوعات و آزادی گردش اطلاعات و در واقع آگاهی جامعه است.

مرحله بعدی آزادی، آزادی انتخاب شدن و انتخاب کردن است. مردم باید در چارچوب قانون، این حق را داشته باشند که بتوانند نامزد شوند. هم براساس قانون اساسی، هم براساس معیارهای جهانی شناخته‌شده و هم اعلامیه جهانی حقوق بشر چنین حقی به رسمیت شناخته شده است. براساس سازوکاری هم که در قانون اساسی ما پیش‌بینی شده، هیأت‌های اجرایی از معتمدین شهر و منطقه هستند و افرادی که در این هیأت‌ها هستند نباید وابستگی سیاسی به گروه، محفل یا حلقه‌ای خاص داشته باشند. آنها در حقیقت نمایندگان قشرهای مختلف جامعه و معتمدین مردم هستند و از طرف مردم رعایت قانون را نظارت و کنترل می‌کنند. در ارتباط با شورای نگهبان هم همین‌طور، در قانون اساسی در اصل ۹۹ پیش‌بینی بسیار روشنی درباره وظیفه شورای نگهبان شده است. این شورا وظیفه دارد بر دستگاه اجرایی انتخابات، نظارت کند. در مشروح مذاکرات مجلس خبرگان قانون اساسی هم تصریح شده که جایگاه آنها به عنوان یک ناظر بی‌طرف است که مراقب باشند دستگاه اجرایی خلاف قانون و حقوق شهروندان عمل نکند. بنابراین حضور هیأت‌های اجرایی و نظارت هم در راستای تضمین سلامت و آزادی انتخابات است تا مردم آگاهانه و آزادانه بتوانند ابراز وجود کنند و تشخیص خود را از طریق انداختن رأی در صندوق‌ها به منصفانه ظهور برسانند. این فرآیندی است که در قانون اساسی پیش‌بینی شده، اما متأسفانه در کشور ما این مفاهیم ابتدایی که همه جای دنیا مورد پذیرش است، قلب شده است. از این رو تکلیف آگاهان این است که آگاهی خود را به جامعه منتقل کنند و تکلیف رسانه‌ها

^۱ متن کامل مصاحبه محمد توسلی با خبرنگار اعتماد ملی - ۱۳۸۶/۱۲/۱۶

نیز این است که این آگاهی نخبگان را در اختیار مردم قرار دهند و در واقع توضیح دهند که انتخابات آزاد چه ویژگی‌هایی باید داشته باشد و توضیح دهند در جامعه‌ای که انتخابات آزاد باشد، مجلس منتخب مردم باشد و ملت بر سرنوشت خود حاکم باشد، در این صورت برنامه‌های توسعه‌ای کشور می‌تواند با پشتیبانی کامل مردم عملی و اجرایی شود. این پیامد انتخابات آزاد و جامعه دموکراتیک است که در آن ملت می‌تواند شاهد توسعه و پیشرفت و دستیابی به آرمان‌ها و منافع ملی باشد.

در سویی دیگر وظیفه مردم نیز این است که براساس واقعیت‌ها عمل کنند تا گامی در جهت شرایط مطلوب انتخابات برداشته شود. طی این سالها نیز جریان‌های مؤثر اجتماعی از همین زاویه به انتخابات نگاه کرده‌اند، در آنها حضور پیدا کرده‌اند و متناسب با شرایط، تاکتیک‌های لازم را برگزیده‌اند.

مردم نیز براساس همین تجربه تاریخی در هر مقطعی با فرصت‌هایی که فراهم می‌شود، چگونگی تاکتیک خود را برای تقویت جریان‌هایی که به انتخابات آزاد، حقوق اساسی ملت و آرمان‌های انقلاب باور دارند، انتخاب کنند.

ما در انتخابات مجلس ششم هم با رذصلاحت مواجه بودیم اما تعدادی از اصلاح‌طلبان در همان شرایط که مطلوب و آرمانی نبود به مجلس راه یافتند. اکنون هم که در برخی از حوزه‌ها امکان رقابت نسبی فراهم شده است مردم باید ببینند در این حوزه‌ها چه کسانی واجد شرایطند و توان و شجاعت دفاع از حقوق اساسی مردم را دارند، رأی دهند.

اما رأی ندادن در شرایطی که اکثریتی قابل ملاحظه، همه این شرایط نامطلوب را باور داشته باشند و بر این ارزش‌ها پایداری کنند، کاملاً دموکراتیک است و در جهت تقویت فرایند دموکراسی عمل می‌کند. اما در شرایطی که جامعه ما از فضای باز سیاسی برخوردار نیست، گردش آزاد اطلاعات در آن وجود ندارد و با حضور رسانه‌های مؤثر مردم به پای صندوق‌های رأی کشیده می‌شوند؛ شرکت نکردن در انتخابات وقتی بیش از ۵۰ درصد مردم به پای صندوق‌های رأی می‌روند، تأثیر قابل ملاحظه‌ای ندارد و منجر به تغییر و اصلاح نمی‌شود. تجربه نشان داده است که در شرایط کنونی مردم ما با حضور در انتخابات می‌توانند نقش مؤثرتری در تعیین سرنوشت و تأثیر در فضای سیاسی داشته باشند.

انتخابات دوره سوم شوراهای اسلامی شهر و روستا را نگاه کنید، در آن انتخابات لیست

اصلاح طلبان در استانها حدود ۴۰ درصد برنده شد، درحالی که لیست دولت نهم فقط ۳ درصد برنده بود. پس مردم با آگاهی و حضور خود در عرصه انتخابات می‌توانند عمل کنند، با خانه‌نشینی غیرسازمان‌یافته نمی‌توان تأثیر مستقیمی داشت.

البته از منظر ارزشی، وجدان فرد راحت است که در یک انتخابات غیرآزاد و ناسالم شرکت نکرده و شناسنامه‌اش مهر نخورد. این مسأله به لحاظ وجدان شخصی مهم است، اما در فرآیند تحولات اجتماعی، اگر بخواهیم بر این تحولات تأثیرگذار باشیم و عدم مشارکت گسترده امکان‌پذیر نباشد، آن وقت رأی دادن براساس آن چه که پیش از این گفته شد می‌تواند تأثیرگذارتر باشد. یادمان باشد که ما در حال زندگی در عالم واقعیت‌ها هستیم.

در این بین توجه به این نکته نیز نباید مورد غفلت واقع شود که کسی باید نماینده مردم شود که بتواند از حقوق اساسی ملت در مجلس دفاع کند. کسی که در مجلس مرعوب می‌شود و قدرت و توان اظهارنظر ندارد، نمی‌تواند نماینده صادقی برای ملت باشد. در مجلس هفتم، اصلاح طلبان اقلیت بودند و در مجلس حضور داشتند، اما سؤال اینجاست که این اقلیت چقدر توانست بازگوکننده مطالبات مردم و انجام وظائف نمایندگی باشد؟ آنها بیشتر منفعل بودند، در مجلس اول مرحوم مهندس بازرگان، مرحوم دکتر سحابی و ... فراکسیون اقلیت بودند اما در همان مقطع پیام مردم را در فرصت‌های مناسب در نطق‌های خود در مجلس منتقل کردند. در نگاهی تاریخی به افرادی چون مدرس و مصدق می‌رسیم که با اینکه یک نفر بودند، اما آن جسارت و توان را داشتند که بتوانند از حقوق اساسی ملت دفاع کنند. مردم نباید نماینده‌ای داشته باشند که دنبال ماشین و مزایای نمایندگی باشد. نماینده مطلوب کسی است که بتواند به وظایف نمایندگی‌اش براساس قانون اساسی عمل کند؛ چون سوگند یاد می‌کند، به این سوگند وفادار باشد و حقوق ملت را دنبال کند.

از یاد نبریم که مجلس جایگاه برجسته‌ای دارد، عصاره فضایل ملت است و باید بتواند در سطح ملی سیاست‌گذاری کند. همان‌طور که شوراهای شهر و روستا در سطح شهر، استان و ... نماینده مردم هستند و برنامه‌ریزی می‌کنند، مجلس شورای اسلامی هم وظایفی ملی برعهده دارد و مطالبات تاریخی ملت را دنبال می‌کند.

براین اساس هم ما باید به کسانی رأی دهیم که بتوانند در حوزه‌های مختلفی که مجلس درگیر است، توان کارشناسی داشته باشند و وظایف نمایندگی را به نحو احسن انجام دهند، نه

مجموعه آثار از ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۰ تا ۱۴۶

اینکه تنها شنونده باشند.

نکوداشت ۲۹ اسفند سالروز ملی شدن صنعت نفت^۱

بازشناسی تاریخ نهضت ملی ایران به ویژه رخداد ملی شدن صنعت نفت امروز بیش از هر زمان دیگر، برای تقویت هویت ملی و انتقال آموزه‌های اندیشه سیاسی شادروان دکتر محمد مصدق به نسل کنونی یعنی شخصیت دادن به شهروندان و حاکمیت آنان بر سرنوشت خویش از طریق توسعه سیاسی، تقویت روحیه آزادیخواهی، استقلال‌طلبی و عدالت‌جویی، ضروری است.

دکتر مصدق با هوشمندی و درایت سیاسی، در حالی که در مجلس شانزدهم همراهانش در اقلیت بودند، با پشتیبانی و مقاومت مردم ابتدا لایحه نفت را در ۱۷ اسفندماه ۱۳۲۹ در کمیسیون نفت به تصویب رساند و سپس با پیشنهاد ماده واحده، در جلسه ۲۴ اسفندماه مجلس شورای ملی لایحه ملی شدن نفت از تصویب نمایندگان گذشت و روز ۲۹ اسفند این مصوبه به تأیید مجلس سنا رسید و شاه نیز همان روز قانون مزبور را امضا کرد و بدین سان ملت ایران، دور اول مبارزه برای ملی کردن صنعت نفت را با پیروزی به پایان رسانید.

ملی شدن صنعت نفت نه تنها نقش بزرگی در سرنوشت سیاسی - اقتصادی - اجتماعی کشور و ملت ایران داشت بلکه سرآغاز جنبش‌های اجتماعی در کشورهای در حال توسعه و مبارزات رهایی‌بخش ملل تحت ستم استعمارگران بود. به عنوان نمونه ملی کردن کانال سوئز و شکوفایی جنبش استقلال‌طلبی و آزادیخواهی مردم مصر با الهام از الگوی ملی شدن صنعت نفت ایران صورت گرفت.

دریغ که اختلاف در بین نخبگان، حضور فرهنگ استبدادی و بیرون آمدن دست استعمار انگلیس و آمریکا از آستین استبداد شاهنشاهی و پیامد آن شکل‌گیری کودتای ۲۸ مرداد، ملت ایران نتوانست شیرینی پیروزی ملی شدن صنعت نفت را در کام خود حفظ کند و با پیگیری ارزشهای نهضت ملی و مطالبات تاریخی ملت ایران از فردای کودتا راه مصدق را در نهضت مقاومت ملی ادامه داد.

امروز پس از ۵۷ سال، بازخوانی رویدادها و دستاوردهای آن دوره برای همگان به ویژه مدیریت سیاسی کشور آموزنده است. دکتر مصدق رهبر نهضت ملی ایران بدون تنش‌زایی در عرصه بین‌المللی با درایت و با استناد به قوانین بین‌المللی حقوق و منافع انسانی ملت ایران را

^۱ یادداشت محمد توسلی: روزنامه سرمایه - ۱۳۸۶/۱۲/۲۸

استیفا و نفوذ و منافع ظالمانه بیگانگان به ویژه استعمار کهن انگلیس را قطع نمود. منش و بینش دکتر مصدق نه تنها الگویی برای مبارزان راه آزادی، استقلال و عدالت‌خواهی در ایران بوده است، بلکه شخصیت و روش‌های مدیرانه او در عرصه سیاست بین‌المللی مورد احترام و بررسی و تقدیر کارشناسان جهانی بوده است.

نسل امروز، به رغم همه سمپاشی‌ها و بی‌مهری‌های دوران قبل و پس از انقلاب که برای ملوک و منزوی ساختن نام و اندیشه دکتر مصدق به کار رفته است، او را خادم ملت ایران و صادق ارزیابی می‌کند و اندیشه سیاسی او را راهبرد مبارزات سیاسی - اجتماعی خویش و الگویی برای رفع موانع توسعه کشور پذیرفته است و با افتخار راه او را می‌پیماید.

در پایان جا دارد، در سالروز ملی شدن صنعت نفت از آیت‌اله سیدابوالقاسم کاشانی که در بسیج مردم در حمایت از دکتر مصدق نقش تأثیرگذاری داشت و از شهید دکتر حسین فاطمی که در طراحی و اجرای پیشنهاد ملی شدن صنعت نفت نقش مهمی داشت یاد کنیم. دکتر مصدق می‌گفت: "ما پیشنهاد ملی شدن نفت را مدیون دکتر حسین فاطمی هستیم. اگر ملی شدن صنعت نفت خدمت بزرگی است که بر مملکت شده است باید از آن کس که اول این پیشنهاد را کرد سپاسگزاری کرد و آن کس شهید راه وطن دکتر حسین فاطمی است که روزی در خانه جناب آقای نریمان پیشنهاد خود را ارائه داد و عمده نمایندگان جبهه ملی حاضر در جلسه آن را به اتفاق آرا تصویب نمودند." یادش گرامی و راهش پررهرو باد.

محمد توسلی: خاتمی بهترین فردی است که می‌تواند محور ائتلاف قرار گیرد^۱

رئیس دفتر سیاسی نهضت آزادی ایران به اصلاح‌طلبان پیشنهاد کرد با یک برنامه حداقلی جبهه گسترده‌ای از همه وفاداران به مشی اصلاح‌طلبی را تشکیل دهند. محمد توسلی در گفت‌وگو با خبرنگار "ایلنا" با اشاره به انتخابات آینده ریاست جمهوری، گفت: انتخابات دور دهم ریاست جمهوری از اهمیت ویژه‌ای در عرصه سیاست داخلی و خارجی برخوردار است.

وی افزود: همه گروه‌های سیاسی و همه افرادی که به سرنوشت ملی پایبند هستند، ضرورت دارد تا در ارتباط با این انتخابات از خود حساسیت نشان دهند و متناسب با شرایط بتوانند در این انتخابات حضور داشته باشند.

این فعال سیاسی با اشاره به تحولات سیاسی کشور، اظهار داشت: تحولات سیاسی کشور در سمت و سویی قرار گرفته است که احساس می‌شود آرمان‌های اولیه انقلاب در معرض خطر قرار گرفته است.

وی تصریح کرد: در حال حاضر یک نوع بازگشت از آمان‌های انقلاب را شاهد هستیم و به جای اینکه اراده مردم بر سرنوشت خویش حاکم باشد نهادهای دیگر تصمیم‌سازی می‌کنند و تصمیمات را از پیش اعلام می‌کنند و این هشدار است به تمامی دلسوزان نظام که واکنش جدی نسبت به این پدیده نشان دهند.

توسلی در بخش دیگری از این گفت‌وگو به ارزیابی وضعیت فعلی جریان اصلاح‌طلب پرداخت و گفت: اصلاح‌طلبان ضرورت دارد با یک برنامه حداقلی جبهه گسترده‌ای را شکل دهند و در چنین جبهه‌ای از به خطر افتادن کیان انقلاب و منافع ملی جلوگیری کنند.

رئیس دفتر سیاسی نهضت آزادی ایران در ادامه تأکید کرد: در شرایط فعلی بهترین فردی که می‌تواند محور چنین جبهه‌ای قرار گیرد، محمد خاتمی است.

اولین شهردار تهران بعد از انقلاب، با بیان اینکه خاتمی می‌تواند با تدوین یک برنامه حداقلی در انتخابات آینده تاثیرگذار باشد، اظهار داشت:

^۱گفتگوی محمد توسلی با جبرگزاری کار ایران (ایلنا) - فروردین ۱۳۸۷

خاتمی در این برنامه حداقلی اعلام کند که به قانون اساسی التزام دارد و این محوری‌ترین نکته‌ای است که در این برنامه حداقلی باید مورد توجه قرار گیرد.

توسلی افزود: اصلاح طلبان خود را از دایره تنگی که قبلاً برای خود تعریف کرده بودند، خارج کنند تا در یک طیف وسیعی از احزاب و گروه‌های سیاسی و افرادی که به مشی اصلاح طلبی پایبند هستند، بتوانند زمینه حضورشان در انتخابات را فراهم کنند.

وی با تأکید بر اینکه در مقطع فعلی خاتمی باید رسالت تاریخی خود را انجام دهد، اظهار داشت: در صورت حضور خاتمی در انتخابات با شرایط یاد شده در کنار او قرار داریم و امیدواریم خاتمی در این شرایط حساس تاریخی به رسالت خود عمل کند و تحت تاثیر القائاتی که توسط مخالفین انجام می‌شود، قرار نگیرد.

تکذیب اظهارات منتسب به دکتر ابراهیم یزدی^۱

باید بگویم نهضت آزادی ایران نخستین حزب سیاسی است که بعد از پیروزی انقلاب در کنگره سال ۵۹ خود گفتمان اصلاح‌طلبی را در قطعنامه تصویب کرده و مبارزه قانونی، علنی و مسالمت‌آمیز را به عنوان اصول برنامه خود تدوین کرده و در طول سه دهه گذشته همواره پایبند به این استراتژی بوده است. گفتمان اصلاح‌طلبی همان سیاست گام به گام مهندس بازرگان است که پس از پیروزی انقلاب مطرح شد و در جهت پاسداری از اصول و آرمان‌های اصیل انقلاب و مقابله با انحراف از این اصول مطرح و همواره پیگیری شده است. ... با تمام احترامی که برای همه گروه‌های اصلاح‌طلب قائل هستیم، در عین حال تاکید می‌کنیم که به هیچ عنوان انتظار بیان چنین نظراتی را درباره نهضت آزادی ایران و دبیرکل آن که تنها موجبات خوشحالی و سوءاستفاده مخالفان اصلاح‌طلبی فراهم می‌کند، نداشته و نداریم.

روزنامه اعتماد

محمد توسلی رئیس دفتر سیاسی نهضت آزادی ایران به گزارش برخی روزنامه‌ها واکنش نشان داد و اظهارات منتسب به دکتر ابراهیم یزدی دبیرکل نهضت آزادی را تکذیب کرد. محمد توسلی درباره آنچه سخنان دکتر یزدی مبنای گزارش‌های کیهان و ایران قرار گرفته است، گفت؛ ما هنوز از ملاقات‌ها و سخنان دکتر یزدی هیچ اطلاع مستقیمی نداریم، هیچ گزارشی هم از سخنان ایشان در روزنامه‌ها و رسانه‌های داخلی و خارجی هم منتشر نشده است. جای تعجب است که دوستان ما در جبهه دوم خرداد و روزنامه‌های کیهان و ایران چگونه به اظهارات ایشان دسترسی پیدا کرده‌اند. ما هم تا زمانی که اظهارات و سخنان ایشان به طور مستند منتشر نشود نمی‌توانیم راجع به صحت و سقم مطالب منتشر شده اظهار نظر کنیم.

محمد توسلی در ادامه و در پاسخ به مطالب سخنگوی یکی از احزاب که گفته بود نهضت آزادی اصلاح‌طلب نیست، گفت؛ «اگر منظور این است که نهضت در زمره تشکیلات گروه‌های ۱۸ گانه دوم خرداد نیست این یک حرف کاملاً درست است اما اگر منظور گفتمان اصلاح‌طلبی است، باید بگویم نهضت آزادی ایران نخستین حزب سیاسی است که بعد از پیروزی انقلاب در کنگره سال ۵۹ خود این گفتمان را در قطعنامه تصویب کرده و مبارزه قانونی، علنی و مسالمت‌آمیز را به عنوان اصول برنامه خود تدوین کرده و در طول سه دهه گذشته همواره پایبند به این

^۱ دو گفت وگویی محمد توسلی با خبرنگاران روزنامه اعتماد و کارگزاران - ۱۳۸۷/۱/۲۱

استراتژی بوده است. گفتمان اصلاح طلبی همان سیاست گام به گام مهندس بازرگان است که پس از پیروزی انقلاب مطرح شد و در جهت پاسداری از اصول و آرمان‌های اصیل انقلاب و مقابله با انحراف از این اصول مطرح و همواره پیگیری شده است.

رئیس دفتر سیاسی نهضت آزادی درباره اصلاح برخی مواد قانون اساسی تصریح کرد: اینکه برخی اصلاح طلبان برای خروج از بحران‌های جاری کشور اصلاح برخی اصول قانون اساسی را لازم می‌دانند، مطلب پوشیده‌ی نیست. به دفعات در اظهارات و نوشته‌های بسیاری از شخصیت‌های شاخص اصلاح طلب مطرح شده است. طبیعی است همه کسانی که التزام به قانون اساسی دارند اینگونه اصلاحات را از طریق فرآیندی که در قانون اساسی پیش‌بینی شده است مورد تأکید قرار می‌دهند. محمد توسلی با رد منتسب کردن خبری که مبنای گزارش‌های کیهان و ایران قرار گرفته است، گفت؛ دکتر یزدی در تحلیل‌های خودشان به دفعات اشاره کرده‌اند یک نسل هیچ‌گاه دست به دو انقلاب نمی‌زند. ثانیاً با توجه به گفتمان جهان امروز جز تغییرات تدریجی و مسالمت‌آمیز برای دستیابی به دموکراسی و آزادی زمینه‌ی برای تغییر ساختاری متصور نیست. بنابراین انتساب اینگونه خبرها به دکتر یزدی برای تحت الشعاع قرار دادن موضعی است که در مقابل صدای آمریکا گرفته است.

روزنامه کارگزاران

محمد توسلی رئیس دفتر سیاسی نهضت آزادی ایران در باره واکنش‌ها به اظهارات منسوب به دکتر ابراهیم یزدی دبیرکل این تشکل توضیحی به این شرح ارائه کرد: واکنش برخی چهره‌های اصلاح طلب به اظهارات منسوب به آقای دکتر ابراهیم یزدی در آمریکا که در برخی مطبوعات داخلی و خارجی منعکس شده، از دو جنبه قابل بررسی است. نکته اولی که باید در این ارتباط به آن اشاره کرد این است که آیا اساساً آقای دکتر یزدی چنین سخنانی را بیان کرده‌اند یا خیر؟ در مقام پاسخ به این پرسش باید گفت که نهضت آزادی ایران از بدو پیروزی انقلاب اسلامی به روش‌های مسالمت‌آمیز و قانونی برای رسیدن به اهداف و آرمان‌های خود که آنها را در شعارهای اصیل انقلاب اسلامی متبلور می‌داند، اعتقاد داشته است.

بنابراین، اگر ما معتقد به اصلاح برخی از اصول قانون اساسی هستیم، براساس، التزام به آن، این هدف را تنها در چارچوب اصول همین قانون اساسی مجاز می‌دانیم. با این اوصاف طبیعی است که انتساب جمالتی مغایر این راهبرد به آقای دکتر یزدی بسیار بعید به نظر می‌رسد. به همین

علت شایسته بود و انتظار می‌رفت اصلاح‌طلبانی که بر مبنای اطلاعات رسانه‌هایی مانند کیهان لندن یا کیهان تهران، نهضت آزادی ایران و دبیرکل آن را مورد انتقاد قرار داده‌اند، ابتدا حقیقت مسئله را از طریق این تشکل پیگیری می‌کردند تا بر مبنای اطلاعات رسانه‌های مغرض اظهارنظری نکرده باشند.

نکته بعدی این است که در هر صورت برخی افراد و دوستان اصلاح‌طلب و عضو گروه‌های دوم خرداد به بهانه سخنان منتسب شده به دبیرکل نهضت آزادی ایران، نظراتی را بیان کرده‌اند که موجب تأثر و تأسف فراوان است. این سخن که نهضت آزادی ایران اصلاح‌طلب نیست، سخنی است که باید با دقت بیشتری در آن تأمل کرد. اگر منظور این آقایان از اصلاح‌طلب نبودن نهضت آزادی ایران این است که این تشکل عضو شورای هماهنگی جبهه اصلاحات نیست، باید گفت که این نکته قابل قبول است چون ما هیچگاه عضو این جبهه نبوده‌ایم. اما اگر منظور از اصلاح‌طلبی خط مشی آن و پیروی از گفتمان اصلاح‌طلبی است باید متذکر شد که نهضت آزادی ایران از همان بدو پیروزی انقلاب اسلامی در مقابل تغییرات رادیکال و یک شبه که در آن ایام توسط برخی افراد و گروه‌ها مطرح می‌شد، ایستاده بود و بر تغییرات گام‌به‌گام و اصلاحات تدریجی در راستای اصول و آرمان‌های انقلاب در دولت موقت تأکید می‌کرد.

نهضت آزادی ایران در سومین کنگره خود که در تیرماه سال ۱۳۵۹ برگزار شد هم دقیقاً این گفتمان اصلاح‌طلبی را مطرح کرد که اسناد آن موجود است. ما کماکان با گذشت ۳۰ سال از انقلاب اسلامی مبارزه علنی، قانونی و مسالمت‌آمیز را به عنوان استراتژی اصلی خود قبول داشته و به آن پایبندیم. بنابراین، اگر قرار باشد فضلی در اصلاح‌طلبی باشد، قاعدتاً باید آن را متعلق به نهضت آزادی ایران دانست که بیش و پیش از گروه‌های دوم خرداد این گفتمان را در جامعه مطرح کرده و هزینه‌های سنگینی نیز برای پایبندی به آن پرداخت کرده است. لذا با تمام احترامی که برای همه گروه‌های اصلاح‌طلب قائل هستیم، در عین حال تأکید می‌کنیم که به هیچ عنوان انتظار بیان چنین نظراتی را درباره نهضت آزادی ایران و دبیرکل آن که تنها موجبات خوشحالی و سوءاستفاده مخالفان اصلاح‌طلبی فراهم می‌کند، نداشته و نداریم.

همان اشتباهات ساواک را می‌کنند^۱

برای اولین بار در چند سال بعد از درگذشت دکتر یدالله سحابی، مسئولان وزارت اطلاعات دولت نهم از برگزاری سالگرد وی در حسینیه ارشاد ممانعت به عمل آوردند. در مورد چرایی این برخورد با مهندس محمد توسلی، رییس دفتر سیاسی نهضت آزادی ایران گفت و گو کرده ایم. مهندس توسلی با اشاره به اینگونه برخوردهای وزارت اطلاعات و غیرقانونی خواندن آن، می‌گوید: «اشتباه وزارت اطلاعات این است که خارج از قانون اساسی و قانون وزارت اطلاعات عمل می‌کند. متأسفانه این انحرافی است که در جمهوری اسلامی به وجود آمده است؛ یعنی همان انحرافی که قبل از انقلاب ساواک گرفتار آن شد و زمینه‌های سرخوردگی و بی‌اعتمادی مردم را در پی داشت.» متن این مصاحبه در پی می‌آید.

خبری را که سایت روز درباره جلوگیری از برگزاری مراسم سالگرد مرحوم دکتر یدالله سحابی انتشار داده بود دیگر سایت‌ها نیز منتشر کردند. ابتدا می‌خواستیم بدانم آیا مراسمی برگزار خواهد شد؟ در کجا خواهد بود؟

بله، بالاخره طی تماس تلفنی ستاد برگزارکنندگان مراسم را مطلع کرده‌اند که نباید مراسم سنواتی در حسینیه ارشاد برگزار شود از این رو قرار است مراسم یادبود برسرمنزار آن مرحوم در امامزاده عبدالله برگزار شود.

امسال از سوی رهبری سال نوآوری و شکوفایی نام گرفته است، فکر می‌کنید حرکت وزارت کشور یا وزارت اطلاعات، با نامگذاری مذکور تا چه اندازه سنخیت دارد؟

به نظر من نه تنها هیچ نوع سنخیتی میان عمل غیرقانونی آنان و نوآوری و شکوفایی وجود ندارد بلکه در تضاد با آنها نیز هست. برای اینکه نوآوری در شرایطی می‌تواند در یک جامعه محقق شود که در آن جامعه امنیت سیاسی، امنیت قضایی و اقتصادی باشد تا انسان‌ها در یک فضای آزاد بتوانند استعدادهای خود را شکوفا سازند و به نوآوری اقدام کنند. در جامعه‌ای که فضای سیاسی بسته باشد، امکان نوآوری وجود ندارد. بنا بر این چنین جامعه‌ای به طور طبیعی نمی‌تواند شکوفا شود.

جلوگیری از برگزاری مراسم مرحوم دکتر سحابی چه توجهی دارد و این موضوع برای نسل جوان ما چه پیامدها و مضراتی را به همراه دارد؟

^۱ مصاحبه محمد توسلی با خبرنگار نشریه روز در باره لغو مراسم سالگرد دکتر سحابی - نادر ایرانی - ۱۳۸۷/۱/۲۲

این تصمیم وزارت اطلاعات قابل توجیه نیست. دکتر سحابی از نظر فرهنگی - اجتماعی - سیاسی شخصیتی شناخته شده است که دوست و دشمن و حتی به لحاظ سیاسی موافق و مخالف برای فوت ایشان پیام دادند از جمله مقام رهبری. بسیاری از مراجع، شخصیت های سیاسی - اجتماعی و احزاب و گروه های سیاسی هم از ایشان تجلیل به عمل آوردند. در شرایط کنونی جامعه ما، بینش، منش، اخلاق و سلوک اجتماعی چنین شخصیتی می تواند برای نسل امروز و آینده جامعه ما الگو و آموزنده باشد. اصولاً طبق قانون وظیفه وزارت اطلاعات جمع آوری و پردازش اطلاعات و ارایه آنها به دستگاه های اجرایی ذیربط است تا طبق وظایف محوله خودشان عمل کنند. اشتباه وزارت اطلاعات این است که خارج از قانون اساسی و قانون وزارت اطلاعات عمل می کند. متأسفانه این انحرافی است که در جمهوری اسلامی به وجود آمده است. یعنی همان انحرافی که قبل از انقلاب ساواک گرفتار آن شد و زمینه های سرخوردگی و بی اعتمادی مردم را در پی داشت. مسئول قانونی احزاب و این گونه اجتماعات وزارت کشور، استانداری و فرمانداری است. بنا بر این وزارت اطلاعات طبق قانون نبایستی مستقیماً با تماس تلفنی از برگزاری این گونه مراسم جلوگیری کند. این موضوع را مرحوم دکتر سحابی زمانی که در قید حیات بودند و ما همواره خیرخواهانه و مشفقانه نصیحت کرده ایم تا از اقداماتی که نه به نفع منافع ملی و نظام و نه مردم است خودداری کنند و از این طریق تیشه به ریشه نظام نزنند. مسئولان وزارت کشور و همچنین وزارت اطلاعات باید از سطح تحمل بالاتری برخوردار باشند که اگر در این دست از مراسم ها، از نظر آنان، موضوعی خلاف مصالح کشور گفته می شود از طریق گفت و گو مسایل را حل کنند و نه با جلوگیری از برگزاری چنین برنامه ای. این گونه رفتار جز ایجاد یاس، ناامیدی و سرخوردگی در مردم و در نهایت تعمیق شکاف میان دولت و ملت اثر دیگری نخواهد داشت. ما چنین اقدامی را در راستای منافع ملی و مصالح نظام ارزیابی نمی کنیم و از این بابت بسیار متأسفیم.

مرحوم سحابی در چه بخش هایی نوآوری داشتند؟

به نظر من از مهمترین نوآوری های دکتر سحابی تلاش ایشان و همراهانشان، مهندس بازرگان و آیت الله طالقانی، آشتی دین و علم است. ایشان در دهه ۲۰ توانستند جامعه ایران را که به سوی بی دینی و تفکر مارکسیسم می رفت به این بهانه که مارکسیسم علم است، با تلاش برای ابطال این موضوع، میان علم و دین آشتی برقرار کرده و نسل جوان ایران را با فرهنگ و اعتقادات و باورهای دینی که پالایش شده بود آشنا بکنند. در محور دوم توانستند در کتاب خلقت انسان،

برخی مبانی علمی را با مبانی دینی و قرآنی تطبیق بدهند. البته دربخش آموزش و فرهنگ ایشان پایه گذار روش های جدید فرهنگی در ایران هستند. ایشان در بسیاری شورای های عالی فرهنگی سیاست گذار عضویت داشتند و اغلب نظریه ها و پیشنهادهای ایشان را مورد عمل قرار می دادند. از این رو می توانم بگویم ایشان هم درسطح علمی، هم درسطح دینی، و هم درسطح فرهنگی و اجتماعی نوآوری داشتند. اما فرا تر از این موارد اخلاق و سلوک اجتماعی خاص ایشان است که امروز به شدت نسل جوان و فعالان فرهنگی - اجتماعی - سیاسی ما به آن نیازمندند.

حرکت دکتر سحابی بیشتر حول چه محورهایی بوده است؟

پیشینه دکتر یدالله سحابی با مرحوم مهندس مهدی بازرگان و مرحوم آیت الله سید محمود طالقانی پیوند خورده است. این سه بزرگوار از شهریور ۱۳۲۰، آن هم دریک شرایط تاریخی، بعد از رفتن رضاشاه و فضای باز سیاسی که در ایران به وجود آمد، حرکت اجتماعی خود را آغاز کردند. این کار فرهنگی از ۱۳۲۰ تا ۱۳۴۰ به مدت ۲۰ سال در دو محور اصلی انجام شد: ۱- تاکید بر فرهنگ بومی، زدودن خرافات و پیرایه ها از اعتقادات مذهبی روشنفکران و ایجاد خودباوری و اعتماد به نفس در طبقه روشنفکر جامعه مذهبی ایران ۲- ایجاد نهادهای مدنی تا نسلی که با اندیشه جدید آشنا می شود بتواند در نهادهای مدنی با کار جمعی آشنا شود و موثرتر اهداف و برنامه ها را دنبال بکند. تاسیس انجمن اسلامی دانشجویان و بعد انجمن های اسلامی مهندسين، پزشکان و معلمان و بانوان و بعد نهادهای فرهنگی مانند شرکت سهامی انتشار، دبیرستان کمال و تاسیس واحدهای صنعتی همه در راستای همین راهبرد که نیاز زیرساختی تحولات اجتماعی ایران بوده، مورد توجه این بزرگواران نیز بوده است. البته در دهه ۳۰ در دوران نهضت ملی ایران، مرحوم دکتر یدالله سحابی، در کنار مهندس بازرگان همکاری نزدیکی با دکتر مصدق داشتند. مرحوم بازرگان مسئولیت خلع ید را داشتند. ایشان بعد از کودتای ۲۸ مرداد هم در نهضت مقاومت ملی به وظیفه خطیر خود در کنار آیت الله زنجانی عمل کردند. دستاورد هشت سال فعالیت نهضت مقاومت ملی، مقاومت در برابر رژیم کودتا و پاسداری از مطالبات تاریخی ملت ایران، یعنی آزادی، دموکراسی و حاکمیت قانون بود و از مشروعیت پیدا کردن رژیم کودتا جلوگیری به عمل آورد. به علاوه این هشت سال بستری بود برای تربیت کادری که در سال ۱۳۳۹ جبهه ملی دوم را تشکیل دادند که دکتر سحابی هم در شورای مرکزی آن حضور داشت. پس از این دوره در شرایط خاص ۱۳۴۰، نهضت آزادی ایران را به همراه مرحوم طالقانی و مرحوم بازرگان

بنیانگذاری کردند. شاید این حزب اولین حزب سیاسی از طیف روشنفکران دینی در ایران باشد که در این سطح با راهبرد اصلاحات و در چارچوب مبارزات قانونی و مسالمت آمیز شکل می گیرد.

بن بست تاریخی آن زمان را مرحوم دکتر سحابی چه می دانستند که در تاسیس نهضت آزادی شرکت کردند؟ به عبارت دیگر احساس می کردند که باید به چه سوال ها و چه نیازهای جدیدی پاسخ بدهند؟

سه محور اصلی برای انگیزه تاسیس نهضت آزادی ایران بیان شده است. ۱- محور اول پاسخ گفتن به نیاز راهبردی جمعی از فعالان سیاسی مسلمان بود که فاقد هویت تشکیلاتی بودند. بنابراین با تشکیل نهضت آزادی ایران این هویت تشکیلاتی پدید آمد. ۲- محور دوم تفاوت در تحلیل سیاسی با رهبران جبهه ملی دوم بود. جبهه ملی بیشتر فشار را روی دکتر امینی گذاشته بود تا جایگزین او در حوزه قدرت بشوند. و حال آن که نگاه جمعی از کادرهای نهضت مقاومت ملی که در نهضت آزادی ایران حضور داشتند، بیشتر یک نگاه راهبردی بود که مشکل تاریخی ایران را استبداد می دیدند و بنا براین موافق مخالفت با دکتر امینی که در مقابل شاه ایستاده بود، نبودند. این تفاوت تحلیلی درسخترانی های اجتماعی که در جلالیه برگزار شد، کاملاً بروز داشت و در سازمان دانشجویی دانشگاه تهران که من نیز عضو آن بودم کاملاً ملموس بود.

هرچند محور سوم باقی مانده است، ولی نقش دکتر یدالله سحابی در ایجاد این تحلیل تا

چه اندازه برجسته بوده است؟

پاسخ به این سوال شما همان موضوعی است که قرار است در محور سوم به آن بپردازم. در این حوزه بنیانگذاران نهضت آزادی ایران با مبانی اسلام سنتی تفاوت دیدگاه داشتند. این جریان فکری می خواست زیرساخت های اجتماعی ای را ایجاد کند تا بتواند اصلاحی در نگرش جامعه نسبت به باورهای دینی به وجود آورد. این حرکت از شهریور ۲۰ آغاز شده بود. به عبارت دیگر به مدت ۲۰ سال کار فرهنگی صورت گرفته بود تا این جریان فکری بتواند مطالبات تاریخی ملت ایران را با فرهنگ بومی مردم هماهنگ سازد تا انسجامی در برداشت های دینی و مطالبات اجتماعی مردم به وجود آید. این یکی از اهداف تشکیل نهضت آزادی ایران بود و دکتر سحابی در بستر سازی حرکت های فرهنگی در طول ۷۰ سال عمر خود به صورت راهبردی عمل می کرد، و در عرصه های آموزش، فرهنگ و ایجاد نهادهای فرهنگی - اجتماعی همواره در راستای این

تحلیل راهبردی عمل کرد.

دغدغه های اصلی دکتر سحابی چه بودند؟

دغدغه های کلیدی دکتر سحابی را می توان در دوبخش خلاصه کرد. دغدغه اصلی دکتر سحابی به توسعه انسانی برمی گشت. در این دغدغه ایشان مشکل اصلی عقب ماندگی کشور را عدم توسعه انسانی می دانست و براساس آموزه های قرآنی باور داشت تا نفوس و شخصیت آحاد جامعه اصلاح نشوند نمی توان انتظار داشت برنامه های توسعه کشور با موفقیت انجام شود. دکتر سحابی و همفکران ایشان، برای توسعه انسانی يك دغدغه شان کارآموزشی، فرهنگی و پالایش فکر و اندیشه و توجه به زیر ساخت های فرهنگی جامعه بوده است. در واقع این امر جنبه ایجابی موضوع است. در بعد سلبی، مانع اصلی توسعه ایران را استبداد و خودکامگی حاکمان می دانستند که اجازه نمیدهد استعدادها ی مردم شکوفا شود. این همان برنامه مبارزات ضد استبدادی است که همواره در دستور کارشان بوده و درمقاطع مختلف با شجاعت به این وظیفه نیز عمل می کردند. این موضوع هم در اصول مرامنامه نهضت آزادی ایران و هم در اقدامات صورت گرفته از جمله بیانیه تاریخی بهمن ۱۳۴۱ که منجر به زندانی شدن رهبران و فعالان نهضت شد منعکس است، اوج این مواضع درمدافعات مرحوم بازرگان در دادگاه نظامی شاه است که با عنوان ” چرا با استبداد مخالفیم ” ارایه و منتشر شده است. این روند درمدیریت انقلاب و در دولت موقت نیز دنبال شد. در سال های بعد از انقلاب تا سال ۱۳۸۱ که ایشان در قید حیات بودند و پس از آن نیز این روند توسط یاران و همفکران ایشان ادامه داشته است. بعد از انقلاب وقتی مشاهده کردند که انحرافی به وجود آمده است با قاطعیت ایستادگی کرده اند و واکنش نشان داده اند، منتهی با همان نگاه اصلاح گرایانه خودشان که مبتنی بر مبارزه قانونی و مسالمت آمیز است.

وقتی می گوئید مبارزات را، دکتر سحابی و دیگر رهبران نهضت به صورت اصلاح گرایانه دنبال کرده اند، منظورتان از این کلمه چیست و این نوع اصلاح چه تفاوتی با اصلاح انقلابی دارد؟ این مفهوم چگونه از مبانی قرآنی اخذ و در چه بخش هایی از استراتژی نهضت وارد شده و برای این منظور نقش مرحوم سحابی چه بوده است؟

دکتر سحابی و همراهان ایشان، از همان شهریور ۱۳۲۰ با استناد به آموزه های قرآنی از جمله به آیه ای که در سال ۱۳۴۰ در عنوان مرامنامه نهضت آزادی ایران نیز قرار گرفت ” ان الله لایغیر ما بقوم حتی یغیروا ما بانفسهم ” بر تغییر تدریجی اندیشه و رفتار اجتماعی مردم تاکید داشتند. با

تاکید بر این آیه قرآنی در واقع کارگزاران این مشی فکری باسید جمال الدین اسدآبادی که حدود ۵۰ سال فاصله داشتند تفاوتی را پایه‌گذاری کردند. در واقع، این موضوع استفاده از تجربیات سید جمال بود که وی از بالا حرکت خود را آغاز کرده بود به نحوی که ابتدا می‌خواست دربار را اصلاح کند تا جامعه نیز اصلاح شود، در حالی که مرحوم سحابی و یارانشان می‌خواستند از پایین به حرکت اصلاحی مبادرت کنند. از این رو مبنای تحلیل این بود که تا شخصیت مردم ایران متحول نشود شما انتظار هیچ تحول اساسی در جامعه نباید داشته باشید.

در این میان به چه بخش‌هایی از مردم بیشتر توجه می‌کردند؟

مخاطبین نخست قشر تحصیل کرده و دانشگاهی بودند. طبیعتاً تحولات اجتماعی نیز همواره نشأت گرفته از قشر روشنفکر جامعه است که آگاهی خودش را در جامعه منتشر می‌کند. دکتر سحابی و همفکران ایشان این باور را داشتند که تغییر در نفوس انسان‌ها تدریجی است و هر نوع تغییر پایدار، به صورت تدریجی شکل می‌گیرد. خلقت و آفرینش هم در قرآن با همین پدیده توصیف شده است. خدا می‌توانست بگوید که به صورت "کن فیکون" خلقت را ایجاد کرده است ولی عنوان می‌کند که در هفت شبانه روز به امر خلقت پرداخته است. در واقع این امر نمادی است از این که توسعه پایدار ناشی از یک تغییرات تدریجی است. تجربه تاریخی نیز نشان داده و تئوری‌های جدید نیز این مطلب را به اثبات رسانده است. در هر کشوری که تغییرات تدریجی بوده، آن تغییرات نسبت به تغییرات دفعی و رادیکالی پایدار تر بوده است. به خصوص هنگامی که تغییرات با خشونت و ارباب متحقق شود، با خشونت و ارباب نیز باید حفظ شود بنا بر این از آن جا که با رعب و وحشت این تغییرات باید حفظ شود باز هم زمینه برای رشد جامعه فراهم نمی‌شود. این تجربه را مادر انقلاب ۱۳۵۷ نیز داشتیم. پیشگامان نهضت آزادی ایران یعنی مهندس بازرگان و دکتر سحابی، در سال ۱۳۵۷ این استراتژی را دنبال می‌کردند و دنبال این بودند تغییرات تدریجی باشد و نه رادیکال. در مذاکرات پاریس با رهبر فقید انقلاب آیت الله خمینی بر روی همین محور و راهبرد تاکید داشتند که این موضوع در خاطراتشان نیز آمده است. البته آیت الله خمینی نپذیرفتند و حتی نسل انقلابی آن روز هم پذیرای این فکر نبود. ولی امروز لاقلاً اعتراف می‌کنند که چه خوب بود آن موقع که نسل پیر مسایلی را درخشت خام می‌دید، و می‌گفت، ما دست کم می‌توانستیم آن پیام را بگیریم و کمک می‌کردیم که تغییرات در کشورمان تدریجی باشد تا از هزینه‌های سنگینی که بر جامعه تحمیل شد جلوگیری به عمل می‌آمد و روند

اصلاحی در جامعه ادامه می یافت. امروز هم مشی نهضت به دنبال مشی آن بزرگواران در تحلیل نهایی پرهیز از هرگونه اقدام خشونت بار و تغییرات رادیکال است و در چارچوب راهبرد تغییرات تدریجی، تاکتیک هایشان را انتخاب می کنند. از جمله مواضعی که نهضت آزادی ایران در باره انتخابات در ۳۰ سال گذشته داشته است، تاکتیک هایی در راستای این استراتژی بوده است.

اصول، استراتژی و تاکتیک ها در کدامیک از آثار دکتر سحابی انعکاس دارند؟

یکی از آثار دکتر سحابی کتاب "خلقت انسان" است. در این کتاب ایشان با توجه به رشته تخصصی خودشان که علوم و زیست شناسی بوده آیات قرآن را بررسی کرده اند و نظریه تکامل را در آیات قرآن و مبانی نظری علمی تطبیق داده و این هماهنگی را نشان داده اند. در این کتاب اصل تدریج به عنوان قانونمندی مسلط بر جهان و تکامل انسان به نمایش درآمده است و همین اصل است که در حوزه علوم انسانی تئوری های نهضت آزادی تسری یافته و در حوزه سیاسی به عنوان اصل اصلاح تدریجی به عنوان عنصر پایداری در اصول برنامه های نهضت آزادی متجلی شده است. اما بیشتر در این زمینه در آثار مرحوم مهندس بازرگان این فکر و اندیشه دیده می شود. از جمله این دست از مسایل در کتاب راه طی شده، ذره بی انتها و عشق و پرستش به عنوان سه اثر کلیدی ایشان ملاحظه می شود.

مرحوم دکتر سحابی اگر در حال حاضر حضور داشتند کدام مسئله را مسئله اصلی می

پنداشتند؟

من فکر می کنم پاسخ به این سوال در مجموعه اقدامات نهضت آزادی ایران که با حضور ایشان در شورای مرکزی نهضت آزادی تصمیم سازی شده متجلی است. همچنین نامه های کلیدی که ایشان به مقام رهبری نوشتند و در برخی از نشریات منتشر شد و آن نشریات نیز به دلیل درج آن نامه ها هزینه سنگینی پرداخت کردند می تواند پاسخ این سوال باشند.

در این نامه ها بیشتر بر روی چه محورهایی تاکید شده است؟

در این نامه ها سیاست راهبردی نهضت آزادی ایران که در قطعنامه های سال ۱۳۶۰ به بعد منعکس است و مسایل روز مطرح شده است. ما از همان سال ۱۳۶۰ از مجموعه بحران های جامعه یعنی بحران سیاسی، بحران اقتصادی، بحران فرهنگی و اجتماعی و همچنین بحران جنگ، ما همواره اولویت را به بحران سیاسی داده ایم البته این به معنی نادیده انگاشتن اهمیت سایر بحران های تاثیر گذار نبوده است. دکتر سحابی نیز معتقد بود تا زمانی که در ایران بحران سیاسی

حل نشود انتظار این که ما بتوانیم بقیه بحران ها را حل بکنیم غیرواقع بینانه است. تصور می کنم طی این سی سال پذیرش این نظریه به تدریج برای بسیاری از روشنفکران ما آسان تر شده است، در شرایط کنونی جامعه ما فهم و درک پذیرش این نظریه به اثبات رسیده و شاید همگانی شده باشد.

دکتر سحابی به دنبال چه بود؟^۱

در ششمین سالروز درگذشت زنده یاد دکتر یدالله سحابی (۱۳۸۱-۱۲۸۴) که نزدیک به هفتاد سال در عرصه فرهنگ، علم و سیاست با صداقت و امانت خدمت کرد جا دارد ابعاد مختلف خدمات و شخصیت آن مرحوم به ویژه برای نسل کنونی جامعه بازخوانی شود تا زمینه های تقویت هویت ملی، دینی و اعتماد به نفس عمومی جامعه فراهم شود.

در عرصه علمی دکتر سحابی پس از طی تحصیلات ابتدایی و دبیرستان در دارالمعلمین مرکزی تهران تحت تاثیر شخصیت میرزا ابوالحسن خان فروغی قرار گرفت و تحصیلات دانشگاهی را در دانشسرای عالی در رشته طبیعی سپری کرد و تحصیلات عالی خود را با اخذ درجه دکتری در علوم از دانشگاه لیل فرانسه گذراند (۱۳۱۵-۱۳۱۱) و خدمت دانشگاهی خود را در دانشکده علوم دانشگاه تهران در سال ۱۳۱۷ آغاز کرد. در زمینه علمی کتاب هایی از جمله «سنگ شناسی» (۱۳۴۲)، «خلقت انسان» (۱۳۴۶) و مقالات علمی متعددی از آن مرحوم موجود است.

در عرصه فرهنگی دکتر سحابی علاوه بر عضویت در نهادها و شوراهای فرهنگی مختلف (اداره فرهنگ تهران و عضویت افتخاری شورای عالی فرهنگ و...) موسسه فرهنگی اخلاق و در پی آن دبیرستان کمال را در سال ۱۳۳۵ تاسیس کرد که در نیم قرن اخیر بستر موثری برای توسعه آموزش و فرهنگ جامعه بوده است. در این راستا، دبیرستان کوثر را در تهران بنیاد نهاد (۱۳۶۹) و در سال های پایانی عمر با جدیت به فکر تاسیس دبیرستان دخترانه بود که البته با موانع پیش رو به این آرزوی دیرینه خویش دست پیدا نکرد. از باقیات صالحات دیگر آن مرحوم بنیانگذاری موسسه فرهنگی اخلاق است که مسوولیت ادامه تلاش های فرهنگی آن زنده یاد را برعهده دارد.

در عرصه اجتماعی زنده یاد دکتر یدالله سحابی همراه با مرحومان مهندس مهدی بازرگان و آیت الله سیدمحمود طالقانی در پایه گذاری نهادهای اجتماعی و ایجاد بستری برای تقویت روحیه کار جمعی و خدمت رسانی به مردم اهتمام ویژه داشت. انجمن های اسلامی دانشجویان (۱۳۲۱)، معلمان (۱۳۳۷)، شرکت سهامی انتشار (۱۳۳۸)، موسسه فرهنگی اخلاق (۱۳۳۵)، کمیته ایرانی دفاع از آزادی و حقوق بشر (۱۳۵۶) و جمعیت دفاع از آزادی و حاکمیت ملت ایران

^۱ یادداشت محمد توسلی - اعتماد - ۱۳۸۷/۱/۲۱

(۱۳۶۵) از جمله نهادهای اجتماعی است که دکتر سحابی در بنیانگذاری آنها مشارکت داشت. در عرصه سیاسی دکتر سحابی که خود از جمله فرزندان مشروطه است، در طول زندگی پربار خویش همواره بار امانت مطالبات تاریخی ملت ایران در انقلاب مشروطیت را بر دوش خود احساس کرده و در هر مقطعی متناسب با شرایط زمان به این مسوولیت خطیر نیز پاسخ گفته است. پس از کودتای ۲۸ مرداد سال ۱۳۳۲ در کنار آیت الله سیدرضا زنجانی، مهندس بازرگان و آیت الله طالقانی و جمعی از فعالان احزاب ملی و شخصیت های ملی و اسلامی در پایه گذاری و فعالیت های نهضت مقاومت ملی مشارکت داشت. در سال ۱۳۳۹ به هنگام تاسیس جبهه ملی دوم او عضو شورای مرکزی بود و در اردیبهشت ماه سال ۱۳۴۰ در حالی که شرایط سیاسی و اجتماعی ایران تاسیس نهضت آزادی ایران را ضروری ساخته بود، دکتر سحابی از بنیانگذاران نهضت بود و تا آخرین روزهای حیات پربار خویش بر ادامه این راه پای فشرد.

در سال های ۱۳۵۴ تا ۱۳۵۷ در مدیریت انقلاب نقش داشت. او عضو شورای انقلاب بود و در دولت موقت انقلاب سمت معاونت طرح های انقلاب را داشت. تدوین پیش نویس اولین قانون اساسی جمهوری اسلامی را مدیریت کرد که در آن نهادهای قدرت به طور مستقیم و دموکراتیک توسط مردم انتخاب می شوند. در دوره اول مجلس نماینده مردم تهران بود و در موارد حساس با نطق ها و اظهارنظرهای شجاعانه خویش از حقوق اساسی ملت دفاع کرد و به وظایف نمایندگی مردم مسوولانه پاسخ گفت.

آنچه به اختصار اشاره شد فهرست اجمالی است از اهم خدمات دکتر سحابی در طول عمر پربارش.

جا دارد علاقه مندان برای آشنایی با زندگی و خدمات آن مرحوم به دو جلد یادنامه دکتر یدالله سحابی که جلد اول با حضور ایشان در سال ۱۳۷۷ و جلد دوم پس از درگذشت ایشان در سال ۱۳۸۳ توسط بنیاد فرهنگی مهندس مهدی بازرگان تدوین و توسط شرکت انتشارات قلم منتشر شده است، مراجعه کنند.

مجموعه تلاش های دکتر سحابی در یک دغدغه محوری یعنی «توسعه انسانی» قابل ارزیابی است. از این رو تلاش های او در دو نگاه ایجابی و سلبی قابل تقسیم است. در بخش ایجابی زمینه سازی برای آموزش و توسعه فرهنگ در جامعه دغدغه اصلی دکتر سحابی را به خود اختصاص داده است. خدمات آموزشی در سطوح مختلف، ایجاد نهادهای آموزشی و عضویت در نهادهای

سیاستگذار در عرصه آموزش و فرهنگ پاسخگوی این بخش از دغدغه دکتر سبحانی است. اما در بخش سلبی دغدغه دکتر سبحانی رفع موانع «توسعه انسانی» است. او و همراهانش مرحومان مهندس بازرگان و آیت الله طالقانی بحق دریافتند فرهنگ استبدادی و حاکمان مستبد و خودکامه مانع اصلی «توسعه انسانی» در کشور عزیز ما است که پیش نیاز اجرای برنامه های توسعه کشور است.

از این رو بخش قابل توجهی از زندگی دکتر یدالله سبحانی به تلاش های سیاسی و مبارزه با استبداد شاهنشاهی در سال های قبل از انقلاب و پاسداری از اصول و آرمان های اصیل انقلاب در سال های پس از انقلاب اختصاص یافته است. مروری بر نطق های قبل از دستور مجلس اول و نامه های دردمندانه آن مرحوم به مقامات عالی جمهوری اسلامی که بعضاً در رسانه ها منتشر شد امضای نامه معروف به ۹۰ امضایی به رئیس جمهور وقت (۱۳۶۹) و حمایت دردمندانه از زندانیان نهضت آزادی ایران و ملی - مذهبی ها در سال ۱۳۸۰ و تحصن چندساعته در مجلس ششم و بالاخره حمایت از جنبش اصلاحات و صدور بیانیه برای حمایت از آقای سیدمحمد خاتمی در انتخابات هشتمین دوره ریاست جمهوری (۱۴/۲/۸۰) و... نمونه هایی از تلاش های جمعی و فردی آن مرحوم برای تامین آزادی، استقلال، عدالت و حاکمیت قانون در کشور بوده است.

آنچه فراتر از خدمات گسترده دکتر سبحانی امروز برای فعالان اجتماعی - سیاسی و نسل جوان ما آموزنده است بیش، منش، اخلاق و سلوک اجتماعی آن مرحوم است که می تواند موانع ثمربخشی تلاش های جمعی را از پیش روی فعالان نهادهای اجتماعی برطرف کند و با تقویت ایمان، اخلاص در عمل، اخلاق و خردورزی، راه پرسنگلاخ و طولانی دستیابی به آزادی و دموکراسی را برای رهروان آن هموار سازد و امید به آینده را جایگزین یأس و بی تفاوتی کند.

تحزب در جناح راست، دستاورد اصلاحات^۱

تبدیل ستادهای رایحه خوش خدمت به یک حزب سیاسی و تشکیل حزب نواندیشان توسط آقای امیر محبیبان که هر دو در درون جناح راست رخ داده‌اند را می‌توان مجموعاً اقدامی مثبت و در راستای تقویت فرهنگ تحزب در کشور دانست. بی‌شک تقویت و توسعه فعالیت حزبی و تشکیلاتی می‌تواند زمینه‌ساز برقراری دموکراسی در کشور باشد. اصل ۲۶ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، فعالیت احزاب و انجمن‌های صنفی را حتی بدون اخذ پروانه فعالیت از کمیسیون ماده ۱۰ احزاب، علی‌الاطلاق آزاد دانسته است. از سوی دیگر، در قانون احزاب مصوب مجلس اول شورای اسلامی و به‌رغم اعمال برخی تغییرات در آن، هنوز هم طبق این قانون فعالیت احزاب در کشور آزاد است و برای این کار نیازی به اخذ پروانه از کمیسیون ماده ۱۰ وجود ندارد.

آنچه این روزها به عنوان ضرورت اخذ پروانه فعالیت احزاب مطرح است، تنها برای کسب شخصیت حقوقی توسط احزاب است و این مسئله پیش‌شرطی برای فعالیت احزاب و انجمن‌های صنفی که در قانون اساسی بر آن تأکید شده، نیست.

با این حال و با وجود تصریح این قوانین، افرادی پس از انقلاب در راس وزارت کشور قرار گرفتند که در اقلیت مطلق مجلس خبرگان قانون اساسی بودند اما به سبب مخالفت با احزاب، اجرای قوانین مربوط به آن را مرتب به تعویق می‌انداختند.

همین مقاومت در برابر اجرای قوانین مربوط به احزاب و تجربه تحولات دهه‌های ۶۰ و ۷۰ بود که باعث شد گفتمان توسعه سیاسی و متشکل کردن مشارکت‌های سیاسی و اجتماعی مردم در قالب احزاب و انجمن‌های صنفی به گفتمان غالب بدل شود. این تغییر گفتمان و الزامات فعالیت سیاسی هم بود که باعث شد حتی آنهایی که پیش از دوم خرداد هیچ اعتقادی به حزب و اصل تحزب نداشتند، محافل و گروه‌های خود را تبدیل به احزاب رسمی کردند. نمونه شاخص این مسئله تبدیل هیات‌های موتلفه اسلامی به حزب موتلفه اسلامی بود. در واقع اتفاقی که پس از دوم خرداد در جامعه سیاسی ایران افتاد، این بود که علاوه بر اصلاح‌طلبان، حتی آن دسته از نخبگان و عقل‌گرایان جناح راست نیز آگاه شدند که برای حضور اجتماعی باید به صورت تابلودار و با شناسنامه فعالیت کنند و از این‌رو تشکیل احزاب در این جناح نیز باب شد.

^۱گفت و گوی خبرنگار روزنامه کارگزاران با محمد توسلی رئیس دفتر سیاسی نهضت آزادی ایران - ۱۳۸۷/۲/۲۳

اگر به خاطر داشته باشیم تا همین چند سال پیش بود که بسیاری از افراد عدم عضویت خود در احزاب و گروه‌های سیاسی را به عنوان يك ارزش مطرح می‌کردند اما این امر در شرایط کنونی شاید در برخی موارد يك واقعیت باشد اما دیگر ارزش نیست و این از دستاوردهای انقلاب اسلامی و جنبش اصلاحات است که طی يك فرآیند در سه دهه گذشته روی داد. از این روست که بنده معتقد هستم برخلاف برخی اظهار نظرات که نگاهی مطلقاً منفی به تحولات سه دهه اخیر دارند و به رغم تمام افت و خیزها و کاستی‌ها، فرآیند اصلاحی ایران رو به تکامل و پیشرفت است.

همچنین تجربه کشورهایی که توانستند دوران گذار به دموکراسی را با موفقیت طی کنند هم نشان می‌دهد که طی این مسیر جز توسط تقویت احزاب، تربیت افراد در درون احزاب و پاسخگو بودن احزاب در قبال مسوولیت‌ها میسر نیست.

امروز همه به این نتیجه رسیده‌اند که دستیابی به توسعه و دموکراسی بدون تقویت انجمن‌های صنفی، مدنی و احزاب، بی‌معناست و به عبارت دقیق، راه دموکراسی از توسعه احزاب می‌گذرد. حرکت جناح راست به سوی فعالیت حزبی و به‌خصوص اینکه آقای احمدی‌نژاد و دوستانشان از ضدیت با تحزب و اعتقاد به اینکه احزاب ضد اسلام هستند، به این نتیجه رسیده‌اند که باید از حالت محفلی خارج شده و به صورت يك تشکیلات شناسنامه‌دار حزبی در بیایند هم در چارچوب همین فرآیند قابل تحلیل است.

نهضت آزادی ایران به‌رغم آنکه خود از داشتن پروانه فعالیت حزبی به دلایلی که همگان از آن آگاهند، محروم است، اما همواره از توسعه تحزب در ایران به هر شکل ممکن و در هر جناح سیاسی استقبال کرده است.

بنده اطمینان دارم با وجود احزاب متعدد و فراوان در کشور، به سبب اینکه این احزاب غالباً در اهداف با یکدیگر همپوشانی دارند، آنها اندك اندك در یکدیگر ادغام خواهند شد و ما در کشورمان در آینده از چند حزب پر قدرت حرفه‌ای برخوردار خواهیم شد؛ فرآیندی که شاید زمان بر باشد اما اجتناب‌ناپذیر است.

برای نهضت آزادی پروانه صادر کنند، نظارت هم بکنند^۱

اعضای نهضت آزادی قطعاً از این اقدام استقبال خواهند کرد که برای نهضت آزادی پروانه فعالیت صادر شود و همچنین ما آمادگی داریم که کمیسیون ماده ۱۰ بر فعالیت‌ها درآمدها و هزینه‌های نهضت آزادی نظارت کند.

آفتاب: محمد توسلی گفت: «معتقدم که اصولاً دولت نهم به فعالیت احزاب باور ندارد و رسماً هم رئیس جمهور اعلام کرده است و به نظر می‌رسد این نظارت بیشتر نقش کنترلی و محدود کردن فعالیت احزابی است که برای آنها پروانه صادر شده است.»

محمد توسلی، رئیس دفتر سیاسی نهضت آزادی ایران در گفت‌وگو با خبرنگار سیاسی آفتاب با اشاره به اطلاعیه اخیر دبیرخانه کمیسیون ماده ۱۰ احزاب درباره ارائه اطلاعات احزاب به کمیسیون ماده ۱۰ احزاب گفت: «این اطلاعیه مربوط به احزاب رسمی است و مشمول نهضت آزادی که هنوز بعد از سی سال بعد از انقلاب پروانه برای آن صادر نشده نیست.»

وی افزود: «در قانون احزاب این اختیار برای کمیسیون ماده ۱۰ احزاب پیش‌بینی شده است که بر عملکرد احزاب اعم از رسمی و غیررسمی نظارت داشته باشد و این کار یک حق قانونی است که در قانون احزاب هم پیش‌بینی شده است ولی مواد دیگری در قانون است که محدودیت‌های کمیسیون ماده ۱۰ احزاب در برابر احزاب را پیش‌بینی کرده است.»

توسلی با بیان اینکه ما باید به کلیت قانون احزاب نگاه کنیم اظهار داشت: «ما باید ببینیم تاکنون مسئولیت‌هایی را که قانون برای کمیسیون ماده ۱۰ احزاب تعیین کرده است، این کمیسیون به تمام آنها عمل کرده است که اکنون می‌خواهد به بحث نظارت بپردازد.»

وی ادامه داد: «باید دید هدف وزارت کشور دولت نهم از طرح این مسأله بعد از گذشت ۲۸ سال از تصویب قانون احزاب چیست. معتقدم که اصولاً دولت نهم به فعالیت احزاب باور ندارد و رسماً هم رئیس جمهور اعلام کرده است به نظر می‌رسد این نظارت بیشتر نقش کنترلی و محدود کردن فعالیت احزابی است که برای آنها پروانه صادر شده است.»

عضو شورای مرکزی نهضت آزادی تصریح کرد: «اگر واقعاً کمیسیون ماده ۱۰ احزاب بخواهد با تغییر رویه برخلاف آن چیزی که قبلاً گفته‌اند زمینه‌های تقویت احزاب را فراهم کنند

^۱گفتگوی خبرنگار سیاسی آفتاب با رئیس دفتر سیاسی نهضت آزادی ایران - ۱۳۸۷/۳/۴

و همچنین در خبرها مشاهده کردیم که گروه رایحه خوش خدمت که نزدیک به دولت نهم است درخواست صدور پروانه برای فعالیت رسمی به کمیسیون ماده ۱۰ داده است و این گروه می‌خواهند در چارچوب قانون احزاب شناسنامه‌دار شود و باتوجه به این اطلاعیه اخیر کمیسیون ماده ۱۰ به نظر می‌رسد دولت نهم یک نگاه تازه‌ای به تحزب می‌خواهد ارائه کند و اگر این تغییرات در کمیسیون ماده ۱۰ انجام شود باید از آنها تقدیر بشود که به این جمع‌بندی رسیده‌اند که بدون احزاب اداره کشور امکان‌پذیر نیست.»

وی اضافه کرد: « جلب مشارکت مردم بدون وجود احزاب ممکن نیست زیرا لازمه جلب مشارکت مردم، نظام مردم‌سالار و دموکراتیک است و یک نظام مردم‌سالار بدون وجود احزاب واهی و بیهوده است». توسلی خاطر نشان کرد: « اگر با این دیدگاه مثبت به این اطلاعیه اخیر کمیسیون نگاه کنیم ما انتظار داریم کمیسیون ماده ۱۰ احزاب در چارچوب قانون بر عملکرد احزاب نظارت کند و برای احزابی مثل نهضت آزادی که از قبل از انقلاب وجود داشتند پروانه صادر کنند و بر عملکرد ما نیز نظارت کنند. اعضای نهضت آزادی قطعاً از این اقدام استقبال خواهند کرد که برای نهضت آزادی پروانه فعالیت صادر شود و همچنین ما آمادگی داریم که کمیسیون ماده ۱۰ بر فعالیت‌ها درآمدها و هزینه‌های نهضت آزادی نظارت کند ما این اقدام را یک گام مثبت در تقویت فرآیند دموکراسی و اجرای اصول قانون اساسی ارزیابی می‌کنیم». وی در پایان گفت: « نظارت بر فعالیت احزاب به معنی صدور حکم لغو مجوز نیست. براساس قانون احزاب، کمیسیون ماده ۱۰ احزاب می‌تواند ابتدا در صورت تخلف از سوی احزاب تذکر شفاهی بدهد و سپس تذکر کتبی دهد و در موارد لازم گزارش تخلفات احزاب را به دادگاه صالحه مطابق اصل ۱۶۸ قانون اساسی که به صورت علنی در دادگاه‌های عمومی با حضور هیأت منصفه برگزار می‌شود ارجاع دهد.»

احمدی نژاد ناتوانی های خودش را به گردن امام زمان می اندازد^۱

مراسم دعای کمیل نیروهای ملی - مذهبی :

در مراسم این ماه دعای کمیل ، مهندس محمد توسلی سخنرانی مبسوطی را پیرامون گفتمان امام زمان در دولت نهم ایراد کردند که خلاصه ای از آن در پی می آید.

مهندس توسلی در ابتدا با تاکید بر مستند بودن این بحث قسمتی از صحبت های آقای احمدی نژاد را در جمع روحانیون مشهد ذکر کرد : آقا امام زمان همه ی امور مملکت را مدیریت می کنند . ما دست امام زمان را در کارها می بینیم . مگر قضیه ی دانشگاه کلمبیا را کسی غیر از امام زمان کنترل می کرد . امام زمان کلیه ی فعالیت های دولت را زیر پوشش خود دارد.

وی ضمن انتقاد از موضوعاتی چون امداد های غیبی و هاله ی نور در سازمان ملل، آن را یکی از بحث های مطرح در جامعه ی امروز عنوان کرد که : حتی شنیده می شود در هیئت دولت یک ظرف غذا هم برای امام زمان می گذارند و در انتها به نشانه ی تبرک همه از آن نوش جان می کنند. توسلی این بحث ها را شاخه های پراکنده ی منتج به این نتیجه اعلام کرد که : این نظام یک حکومت الهی است.

رییس دفتر سیاسی نهضت آزادی ایران گفت : در سی سال گذشته بحث الهی بودن این نظام یکی از مباحث مطرح بوده است و بر اساس این تصور حاکمان همه ی امور الهی می بینند. تا آن جایی که تاکید می شود که انتخابات یک تکلیف شرعی است . وی با اشاره با تاریخی بودن این مباحث گفت : اولین واکنش منظم به الهی بودن نظام را مهندس بازرگان در سخنرانی خدا و آخرت انجام داد که : هدف انبیا رشد و تعالی انسان است. ادیان و انبیا صرفا به این دلیل پا به عرصه وجود می گذاشتند. مهندس بازرگان در آن جا مطرح می کنند که : دین نباید ابزار قدرت و حکومت قرار بگیرد . دین باید از دولت جدا باشد اما از عرصه ی فرهنگی و عمومی جامعه نباید دور بماند .

توسلی با اشاره به موضع گرفتن روحانیون مطرحی چون آقای مهدوی کنی و کروبی و مصباحی مقدم در قبال صحبت های اخیر احمدی نژاد به انتقاد از آن ها نیز پرداخت که : آن ها از احمدی نژاد ایراد مبنایی نگرفتند ، صرفا به این دلیل که اعتقادات مردم تضعیف می شود از

^۱گزارش سخنرانی محمد توسلی در مراسم دعای کمیل - مجتبی خندان - ۱۳۸۷/۳/۲۴

احمدی نژاد انتقاد کردند.

وی ضمن خواندن مطلبی از ویلاگ احمدی نژاد مبنی عقب نشینی تلویحی وی در قبال این نوع مسائل گفت: دولت شکست ها و عدم موفقیت های خود را با استفاده از احساسات مذهبی عامه مردم به گردن امام زمان می اندازد و به نوعی فرافکنی می کند.

وی در ادامه به بحث امید و انتظار در تاریخ شیعه پرداخت و مصداقی از مجموعه آثار یازدهم مهندس بازرگان آورد که هیچ کس نمی داند امام زمان در چه زمانی و مکانی ظهور می کند و حتی خود امام هم نمی داند و این موضوعی است که صرفا خداوند از آن آگاه است. فقط در ذکر شرایط ظهور آن حضرت این آمده است که زمانی می رسد که نه یادی و نه نامی در خور از قرآن و اسلام باقی مانده است و نه استفاده ی درست از آن ها می شود. همه گمراه شده اند و عده ای معدود به اصل قرآن و اسلام و خداوند ایمان واقعی دارند.

وی همچنین با بیان این که اندیشه ی مهدویت صرفا زائیده ی تشیع نیست و در کل اسلام موجود است، اذعان داشت: امید به روزهایی خوب و حاکم شدن صلحا بر جامعه خیری است که هم قرآن به آن پرداخته است و هم حضرت محمد در زمان حیاتش آن را ذکر کرده اند. در این رابطه با بیان خاطراتی از آیت الله طالقانی از قول ایشان گفت که امید و انتظار فلسفه ی دوران غیبت است که منتهی به رشد و تعالی انسان به جای خانه نشین شدن می شود.

مهندس محمد توسلی با نقبی به کتاب راه طی شده مصداق هایی از این کتاب مهم مهندس بازرگان آورد که بشر راه خودش را رفته است و راه انبیا را نرفته است. بشر در طول تاریخ خودش به هرچه می خواسته رسیده است. برای رفع گرسنگی به ذبح حیوانات رسیده است. برای تامین امنیت به زندگی دور از وحوش رسیده است. می خواسته مثل حیوانات پرواز کند به هواپیما رسیده است. می خواسته صدایش را همه بشنوند به رسانه رسیده است. در دوره ای به مکاتب مختلف از جمله اومانیزم و سکیولاریزم و کمونیزم و سوسیالیزم و . . . روی آورد. پس از این بشر بعید است که نتواند به یک حکومت عادل و خوب برسد. کما این که رسیدن به این اصل نیز در حال انجام شدن است.

اما انبیا آمدند که بگویند چگونه انسان این فرایند را زودتر و بهتر طی کند.

وی در ادامه به شرک آمیز خواندن این گفتمان به طور اعم در این حاکمیت سی ساله و به طور اخص در دولت نهم گفت که خداوند حتی به محمد که نگین پیامبرانش است و با آن جایگاهی

که یک پیغمبر نزد خداوند دارد با تاکید می گوید: فقط به خدا توکل کند. وی همچنین با اشاره به آیت الکرسی گفت: در قرآن نیمی از آیه ها به ذکر نام خداوند پرداخته اند. این بدین معنی است که هیچ چیز جای خداوند را نخواهد گرفت. و هیچ عنصری در ذهن مان نباید معادل خداوند قرار بگیرد.

توسلی با بیان این که تکرار واژه های کلیدی در قرآن همیشه مضربی از ۱۹ بوده است و در قرآن ۳۸ بار کلمه ی توکل آمده است و این که توکل، تقوی و عمل صالح سه اصل و پایه ی مهم برای شکل گرفتن شخصیت یک مومن از دید قرآن است گفت: توکل به خداوند یک ارزش دائم است. خداوند ارباب است و هیچ کس دیگر نمی تواند بار معنایی کلمه ی رب را به دوش بکشد.

وی در پایان از قول دکتر شریعتی گفت: بهترین راه برای ضربه زدن به یک تفکر یا بد مطرح کردن آن و یا بد دفاع کردن از آن است. از این رو باید در این زمینه خوب آگاهی رسانی شود تا امثال آقای احمدی نژاد به قرآن برگردند.

چرا انصراف؟^۱

با سلام و احترام، در شماره ۵۱ مجله شهروند امروز (۲ تیرماه ۱۳۸۷) در پرونده‌ای با عنوان "بهشتی دیگر" به دفعات به نام اینجانب اشاره شده است. لازم می‌دانم، ضمن تشکر و قدردانی از اینگونه اقدامات آگاهی‌بخش که سوابق تاریخی چند دهه اخیر کشور را در حد امکان با شفافیت در اختیار نسل جدید قرار داده می‌شود، نکاتی را به شرح زیر برای رفع ابهامات و تدقیق بیشتر سوابق تاریخی ارائه کنم.

۱. آشنایی و ارتباط بنده با مرحوم دکتر بهشتی از سال ۱۳۴۰ که بمناسبت مراسم چهلم درگذشت آیت‌اله بروجردی همراه با اعضای انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه تهران به قم رفتم و در مدرسه دین و دانش ایشان میزبان ما بودند آغاز شد و در خارج از کشور در آلمان در عرصه همکاری‌های فرهنگی - اجتماعی اتحادیه انجمن‌های اسلامی دانشجویان و در عرصه سیاسی خارج از کشور ادامه داشت. در سالهای قبل از انقلاب، دوران انقلاب و مسئولیت پس از انقلاب در طول سالهای ۵۸ و ۵۹ با آن مرحوم ارتباط نزدیکی داشتم. به نظر من هنوز در مورد شخصیت و دیدگاه‌های آن مرحوم به ویژه در سالهای قبل از انقلاب مطالب ناگفته زیادی وجود دارد که اگر در شرایط مناسب بازگو شوند همانگونه که شما هم به درستی عنوان کرده‌اید "بهشتی دیگر" در افکار عمومی جامعه مطرح می‌شود و هزینه‌های فقدان آن مرحوم در شرایط بعد از تیرماه سال ۱۳۶۰ مکشوف خواهد شد.
۲. اظهارنظر "بهشتی مترقی‌تر از بازرگان است" که در نوشته نویسنده محترم "یک بازرگان و دو بهشتی - راهی که بهشتی رفت و راهی که بازرگان نرفت" با استفاده از کتاب مهندس لطف‌اله میثمی به اینجانب نسبت داده شده است مربوط به جلسات انجمن اسلامی مهندسين است که در هنرستان کارآموز نارمک برگزار می‌شد. من چنین اظهارنظری را به خاطر ندارم اما با اعتمادی که به حافظه خوب دوست و برادر دیرین مهندس میثمی دارم بایستی این اظهارنظر مربوط به موضوع خاص آن جلسه در سالهای قبل از انقلاب باشد.
۳. آقای مهندس میرحسین موسوی در مورد همکاری‌های جمعی سالهای ۵۷-۵۴ در گفتگوی خود به اختصار گفته‌اند: "جمعی بود با حضور افراد گوناگون از جمله که من هم

^۱ یادداشت محمد توسلی به سردبیر مجله شهروند امروز - ۱۳۸۷/۴/۱۶

در آن شرکت می‌کردم. آن جمع اطلاعاتی را هم با عنوان دانشجویان مسلمان منتشر می‌کرد که يك روز آقای پیمان با عنوان جنبش مسلمانان مبارز اطلاعاتی صادر کرد و میان ایشان و برخی بچه‌های نهضتی، درگیری هم ایجاد شد...". در این اظهارات آقای مهندس موسوی با ادغام دو فعالیت جمعی متفاوت ابهاماتی به وجود آمده است که جا دارد بر طرف شود.

فعالیت اول مربوط به انتشار ۵ نشریه تحلیلی در طول سالهای ۱۳۵۴ تا ۱۳۵۶ با امضاهای مستعار "مسلمانان آگاه"، "دانشجویان دانشگاه"، "دانشجویان مسلمان" و "مسلمانان متعهد" است که بصورت کاملاً مخفی تهیه و توزیع می‌شد. در این جمع آقایان عبدالعلی بازرگان، میرحسین موسوی و اینجانب حضور داشتیم. این اقدام پس از انتشار بیانیه تغییر مواضع ایدئولوژیک سازمان مجاهدین خلق اولیه در سال ۱۳۵۴، برای خنثی کردن ضربه سنگین که به روحیه فعالان سیاسی مسلمان وارد شده بود، صورت گرفت.

فعالیت دوم مربوط به انتشار ۱۲ نشریه تحلیلی است که با امضای "جنبش مسلمانان ایران" از شهریور ۱۳۵۶ تا آبان ۱۳۵۷ تهیه و منتشر شده است. این جمع که توسعه یافته جمع قبلی است و بصورت مخفی فعالیت می‌کرد و علاوه بر سه نفر یاد شده چند نفر دیگر شامل آقایان هاشم صباغیان، فریدون سحابی، سید مهد جعفری و حبیب اله پیمان در این جمع حضور داشتند.

در تیرماه ۱۳۵۷ تحلیل‌های مشابهی با عنوان "جنبش مسلمانان مبارز ایران" منتشر شد و سپس "جنبش مسلمانان مبارز" مستقل از جمع فوق توسط آقای دکتر پیمان پایه‌گذاری گردید.

علاقمندان می‌توانند برای مطالعه متن کامل بیانیه‌های فوق و رخداد‌های این دوره به اسناد نهضت آزادی ایران جلد ۹ - دفتر اول و یا به آرشیو سایت نهضت آزادی ایران مراجعه کنند.

۴. در تکمیل توضیحات آقای مهندس موسوی درخصوص دیدار مشترك با مرحوم دکتر بهشتی و بررسی پیش‌نویس اساسنامه و مرامنامه حزب اسلامی جدید که بعد از پیروزی انقلاب با عنوان "حزب جمهوری اسلامی" اعلام شد، شایان ذکر است که ما در آن زمان با اصل فکر شکل‌گیری يك حزب فراگیر با مبانی اسلامی موافق بودیم و به همین علت

در سال ۵۶ که هنوز نهضت آزادی ایران تجدید سازمان نشده بود موضوع را با بررسی و اظهار نظر روی اساسنامه و مرامنامه مذکور دنبال می کردیم و نظرات و پیشنهادات اصلاحی خود را ارائه می دادیم که عموماً روی آنها توافق وجود داشت. شاید تنها نکته ای که موجب شد ما از ادامه مذاکره منصرف شویم پیش بینی حق ویژه برای شورای روحانیت حزب بود که اختیار تأیید همه مصوبات حزبی را داشت. ما چنین اختیاری را کاملاً غیردموکراتیک و مغایر با همکاری های حزبی ارزیابی می کردیم زیرا در عمل الگوی همکاری مرحوم آیت اله طالقانی با نهضت آزادی را در پیش روی خویش داشتیم که نه تنها طالقانی بلکه پایه گذاران نهضت چون مهندس بازرگان و دکتر سحابی نیز در شورای مرکزی مانند بقیه اعضای آن فقط يك رأی ساده داشتند و ایشان حتی در مواردی که شورا یا دفتر سیاسی خلاف پیشنهاد و نظر آنان موردی را تصویب می کرد نه تنها مخالفت نمی کردند بلکه خود آن مصوبات را با طیب خاطر اجرا می کردند و از این طریق عملاً فرهنگ دموکراسی را در همکاری های جمعی نهادینه می کردند، البته همانگونه آقای مهندس میرحسین موسوی توضیح داده اند از جمع ما فقط ایشان همکاری با حزب جمهوری اسلامی را پذیرا شدند.

سپاه پاسداران نهادی موقت بود که دائمی شد^۱

در چرایی شکل‌گیری سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ایران باید به دوران پیروزی انقلاب بازگشت؛ دوره‌ای که سازمان اطلاعات و امنیت کشور (ساواک) که چشم و مغز و مشت رژیم پهلوی بشمار می‌رفت از هم پاشیده بود، ارتش با فرار شاه به عنوان فرمانده کل و فرماندهان بلندپایه و خلع سلاح پادگان‌ها گرچه ساختارش را حفظ کرد اما منفعل شده بود، چنانکه در آستانه پیروزی انقلاب فرماندهان ارتش طی بیانیه‌ای اعلام بی‌طرفی کرده بودند؛ پلیس شهرهای مختلف و ژاندارمری با خلع سلاح از سوی مردم فرو پاشیده بود و در مجموع نیروی امنیتی و انتظامی برای کنترل امور وجود نداشت و نیروهای مردمی امنیت شهرها را در اختیار داشتند. در اوایل بهمن ۱۳۵۷ که ستاد استقبال از امام خمینی شکل گرفت، برای داوطلبان کارت‌های عضویتی صادر شد که این داوطلبان در خلال روزهای ۱۲ تا ۲۲ بهمن در ستادهای حفظ امنیت فعال شدند؛ این نیروها به تدریج در مساجد کمیته‌های محلی را ایجاد کردند که در نهایت کمیته مرکزی شکل گرفت که سرپرستی آن با مهدوی کنی بود. این کمیته‌ها انتظامات محلات را در شهرها بر عهده داشتند. در چنین حال و هوایی بود که شادروان مهندس مهدی بازرگان در ۱۵ بهمن مامور تشکیل دولت موقت شد؛ در حالیکه پس از ۲۲ بهمن برای اعمال حاکمیت عملاً ابزار امنیتی و انتظامی در اختیار نداشت و همین امر نگرانی رهبری و شورای انقلاب را موجب شده بود. من روز هفتم اسفند ۱۳۵۷ شهردار تهران شدم؛ شرایط به گونه‌ای بود که با تحریک نیروهای ضد انقلاب مرا طی ماه‌های اسفند و فروردین دوبار در اتاقم به گروگان گرفتند. در نخست وزیری، وزارتخانه‌ها و در استان‌های مختلف هم چنین شرایطی حاکم بود تا انقلاب را از درون با مشکل مواجه کنند.

اعلام تشکیل گارد ملی

فقدان نیروهای نظامی حافظ امنیت با واکنش رهبر فقید انقلاب مواجه شد که اعلام کردند برای جلوگیری از تشنجات و ایجاد نظم، «گارد ملی» تشکیل شود. تشکیل گارد ملی به دولت موقت و از سوی آن به دکتر ابراهیم یزدی معاون نخست وزیر در امور انقلاب سپرده شد و او با توجه به همکاری که با یکدیگر داشتیم و بالاخص تز کارشناسی ارشد بنده در آمریکا در زمینه سازماندهی، تصدی امور مربوط به تدوین اساسنامه آن را به من سپرد. همزمان امام حکمی به‌ایستادگی لاهوتی

^۱ متن کامل گفت و گوی خبرنگار اعتماد ملی با محمد توسلی - ۱۳۸۷/۴/۱۷

دادند و وی نماینده رهبر انقلاب در پروژه تشکیل گارد ملی شد. من و لاهوتی در پادگان باغشاه (و بعدها پادگان لاهوتی) مستقر شدیم و از ۲۳ بهمن تا ۷ اسفند (که من به شهرداری تهران رفتم) پیش نویسی برای اساسنامه گارد ملی تدوین کردیم که این پیش نویس به معاونت امور انقلاب (دکتر یزدی) سپرده شد.

در این پیش نویس شورای فرماندهی و واحدهایی در زیر مجموعه آن پیش بینی شده بود. شورای فرماندهی پنج عضو داشت، نماینده وزارت کشور که مسئولیت حفظ امنیت کشور را دارد (سرگردی از ژاندارمری)، نماینده دادستان کل کشور (آقای شهشاهانی دادستان کل آقای فاتحی را معرفی کردند)، نماینده ستاد مشترک (سرهنگ دیزجی)، نماینده مقام رهبری (آیت الله لاهوتی) و نماینده دولت (دکتر ابراهیم یزدی). واحدهای زیر مجموعه شامل واحد آموزش و واحد اطلاعات و تحقیقات بود. این اساس نامه در شورای فرماندهی به تصویب رسید و ظاهراً در مرحله بعد پس از تایید شورای انقلاب در دوم اردیبهشت ماه سال ۵۸ رهبر فقید انقلاب آنرا رسماً اعلام کردند. تهیه این پیش نویس برگرفته از تجربه ای بود که در سازماندهی نهادهای اجتماعی در ایران و سپس در خارج از کشور اندوخته بودم.

سپاه به جای گارد

یکی از گام‌های اولیه بحث انتخاب نام بود؛ چرا که نام گارد ملی در بعد اثرگذاری اجتماعی مناسب تشخیص داده نشد و می توانست تداعی کننده نام گارد شاهنشاهی باشد و در مجموع این نام نمی توانست اهداف راهبردی که این نهاد بر پایه آن شکل گرفته بود را نمایندگی کند. نامی که انتخاب شد «سپاه پاسداران انقلاب اسلامی» بود؛ قرار شد نام سپاه جایگزین گارد شود، چرا که «سپاه» پس زمینه ذهنی مثبتی در جامعه داشت و سپاه دانش و سپاه کشاورزی و... تداعی کننده نهادهایی با ماهیت خدمات مردمی در سطح شهرها و روستاها بودند. در انتخاب نام، این جمله دکتر شریعتی نیز نصب العین قرار گرفت که پیامبر در ابتدای دوران نبوت خود از قالب‌های بجا مانده از دوران جاهلیت استفاده و آنها را در راه اهداف متعالی بکار می گرفت. فکر کردیم اگر از واژه سپاه استفاده شود، پذیرش اجتماعی بیشتری خواهد داشت. حتی در دوره حضورم در شهرداری تهران در شورای نامگذاری پیشنهاد شد نام خیابان سلطنت آباد که در طول آن تاسیسات ارتش و سپاه وجود داشت به خیابان «پاسداران» تغییر یابد.

پنج «لا»

سپاه پاسداران انقلاب اسلامی مأمور پاسداری از ارزش‌های انقلاب شد؛ پاسداری از مطالبات تاریخی یکصد ساله مردم ایران که با به ثمر رسیدن انقلاب بایستی از آن محافظت می‌شد. در مجموع پنج ارزشی که جزء مطالبات انقلاب بود و سپاه پاسداران انقلاب اسلامی مأمور پاسداری از آن شد، عبارت بود از: نفی استبداد و اینکه مردم در پی جایگزینی آزادی به جای استبداد بودند؛ نفی استیلا بیگانه و حفظ استقلال کشور که بالاخص پس از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ مردم را رنج می‌داد؛ نفی استثمار طبقاتی که همانا مطالبه عدالت بود؛ نفی حاکمان مستبد و اقتدارگرا که در رکن جمهوریت نظام و حاکمیت ملت متبلور شد و نفی ابتدال فرهنگی حاکم بر جامعه پیش از انقلاب که فرهنگ بیگانه آن را تزریق می‌کرد و باید ارزش‌های اسلامی و ملی جایگزین آن می‌شد. سپاه پاسداران نهادی تعریف شد که بایستی مدافع این پنج ارزش اصولی انقلاب باشد. همین ارزش‌ها در آرم سپاه هم تبلور یافت. «لا» موجود در آرم سپاه پنج نفی پیش گفته است برگرفته از «لا» منقوش در آرم حسینیه ارشاد و «نه» موجود در ادبیات دکتر شریعتی و همه بر گرفته از «لا» لا اله الا الله.

خروج سپاه از کنترل دولت موقت

پس از تصویب پیش نویس اساسنامه در شورای فرماندهی و شروع کار واحدهای زیر مجموعه و انتخاب فرماندهان سپاه در چند مرکز استانی (آذربایجان ، زنجان ، رشت و ...) و پس از برگزاری اولین گردهمایی فرماندهان و فعالان سپاه پاسداران در پادگان عباس آباد که من و لاهوتی نیز در آن شرکت داشتیم جمعی که با حضور چنین نهادی در دولت موقت موافق نبودند در پادگان جمشیدیه نهادی موازی تشکیل دادند و در همان فروردین ماه ۵۸ پس از انتقال آقای دکتر یزدی به وزارت امور خارجه نهاد سپاه از دولت موقت جدا شد و زیر مجموعه شورای انقلاب قرار گرفت . دکتر چمران که در دولت موقت جایگزین دکتر یزدی یعنی معاونت امور انقلاب شده بودند اقدام به تشکیل نیروی ویژه کردند.

رهبر فقید انقلاب برای تأمین اقتدار دولت موقت این پروژه را به آن سپرد و پایه گذاری شد تا زمینه قدرت دولت موقت را فراهم کند؛ اما به فاصله اندکی برخی اعضای حزب جمهوری اسلامی که در شورای انقلاب بودند خواستار آن شدند که مدیریت سپاه از کنترل دولت موقت خارج شود بر این اساس مدیریت و فرماندهی سپاه از دولت موقت خارج شد. علاوه بر نهاد سپاه پاسداران که توسط دولت موقت پایه گذاری شد، نهادهای مشابهی نیز در آن دوره تاسیس گردید، همچون

جهاد سازندگی که با ابتکار آقای حسین بنی اسدی شکل گرفت اما بعدها به ناطق نوری تحویل داده شد.

نهادی برای دوران انتقال

ما برای سپاه پاسداران عمر دیرپایی متصور نبودیم؛ به نظر ما سپاه پاسداران تا زمانی بایستی به فعالیت خود ادامه می‌داد که نهادهای دیگر نظامی تعریف شده و استقرار یابند. در نگاه نخست، سپاه نهادی برای دوره انتقال تعریف می‌شد که با شکل‌گیری و قوام نهادهای رسمی لازم، کارکردهای سپاه نیز به آنها واگذار می‌شود. اما در تدوین قانون اساسی با تعریف آن به عنوان نهادی نظامی، سپاه تبدیل به نهادی دائمی در کنار ارتش شد. سپاه نه فقط از کسوت نهادی موقت به دائمی درآمد که ساختاری یافت که تنها در قامت فرهنگی - نظامی نمی‌گنجد بلکه عملاً فعالیت‌های سیاسی، اقتصادی و عمرانی نیز جزء کارکردهای آن شده است.

فرصت کشی گاهی تاریخ را می‌کشد^۱

واحد زمان را می‌توان گاه از جنبه فردی نگریست و گاه از زوایه دید سیاسی و فرهنگی - اجتماعی و به آن نگاه کرد. تحلیل زمان و نحوه مواجهه با آن به ویژه وقتی که بار سیاسی و فرهنگی نیز می‌یابد دشوار است، چرا که هر گونه فوت وقت در ابعاد کلان آن امکان دارد تبعاتی را همراه خود بیاورد که نشانه‌های شوم آن سال‌ها و سال‌ها در جامعه آثار خود را نشان دهد و حفظ کند. با این حساب توجه به امر زمان آنجایی که مورد نظر سیاستمداران و مسولان است، در جایگاه اهمیت والایی قرار می‌گیرد چرا که دامنه تاثیر گذاری به مراتب بیشتر و پروسعت تری پیدا می‌کند. اگر فردی در سنجش واحد زمانی اش در زندگی شخصی اشتباهی مرتکب شود آثار سوء آن نهایت خود او و شاید اطرافیان او را می‌رنجاند اما آثار يك فرصت کشی سیاسی و دیپلماتیک امکان دارد تا قرن‌ها بر روابط دیپلماتیک و روابط اجتماعی یک کشور سایه بیفکند.

ضرب المثلی گرانددر در فرهنگ کشور های توسعه یافته هست که می‌گوید "وقت طلاست". باید برای زمان ارزش قائل شد، یعنی اگر عمر مفید انسان را به عنوان سرمایه وجودی انسان تلقی کنیم، بنابراین زمان جامعه که مجموعه ای از زمان های افراد آن اجتماع است دارای ارزشی مضاعف می‌شود.

در همین راستا اهمیت پدیده زمان در متون دینی ما نیز مورد تاکید فراوان قرار گرفته است، به گونه ای که در سوره والعصر خداوند به زمان سوگند می‌خورد و انسان را مورد خطاب قرار داده است که به امر زمان توجه کند و اگر به جهان هستی و ارزشهای حاکم بر آن از جمله منزلت و کرامت انسانی خود باور نداشته باشد و ظرفیت وجودی و عمر خود را با برنامه راهبردی (عمل صالح) بکار نگیرد به خسران و ضرر خواهد افتاد و سرمایه وجودی اش تلف خواهد شد. بنابراین خداوند به کسانی وعده رستگاری می‌دهد که فرصت را غنیمت می‌شمارند و ایمان الهی پیشه می‌کنند. البته در این آیه خداوند افراد را به عمل صالح و صبر و ایمان در راه خود فرا می‌خواند و "تواصو بالصبر و تواصو بالحق" را می‌آورد. چنانچه در راستای چنین راهبردی باید پایدار باشند.

علاوه بر متون دینی، در علوم اجتماعی نیز توجه به زمان در مقوله مدیریت زمان به معنای

^۱ متن گفتگوی محمد توسلی با خبرنگار شهروند امروز - ۱۳۸۷/۵/۱۳

استفاده بهینه از فرصت های پیش رو مطرح شده است . ماکس وبر در کتاب با ارزش خود با عنوان "اخلاق پروتستان و روح سرمایه داری" ریشه تحولات کشورهای توسعه یافته را اخلاق، نظم و قانون پروتستان ها می داند که در مقابل فرهنگ کاتولیک ها تحولی در خلق و خوی مردم پدید آورد و زمینه های توسعه کشورهای صنعتی را فراهم ساخت .

بررسی خلق و خو و رفتار مردم در کشورهای توسعه نیافته از جمله کشور خود ما این واقعیت را نشان می دهد که مردم بطور کلی برای وقت خود ارزش قائل نیستند و بهره وری و تولید بسیار پایین است و بیش و پیش از تولید مردم به فکر مصرف هستند. طبیعی است در چنین جامعه هایی مدیران آن ها نیز که متأثر از چنین خصلت هایی هستند برای "زمان" ارزش لازم را قایل نیستند و قادر به مدیریت زمان یعنی مدیریت منابع انسانی و فرصت های پیش رو نیستند و مدیریت ها از کیفیت پایین برخوردار است و بتدریج فاصله شاخص توسعه یافتگی آنها از کشورهای توسعه یافته بیشتر می شود.

شاید نیاز به توضیح نباشد که یکی از زمینه های تاریخی پدید آمدن این خصوصیت ما ایرانی ها در فرهنگ استبدادی دیرین حاکم بر جامعه بوده است بطوری که مردم نتوانسته اند در جایگاه منزلت انسانی و کرامت خویش قرار گیرند و استعداد های درونی آنها بطور متعادل رشد کند شادروان مهندس بازرگان در مدافعات خود در دادگاه نظامی سال ۱۳۴۲ سوغات هفت سال اقامت دوران تحصیل خود در فرانسه را جوهر تمدن کشورهای غربی در همین زمینه یعنی آزادی و کرامت انسان، نظم و قانون معرفی کرده است که در کتاب مدافعات ایشان (مجموعه آثار جلد ۶) به تفصیل آمده است.

در جامعه ای که آزادی، حاکمیت ملت و کرامت انسانی بطور واقعی تأمین نشده باشد مدیران جامعه نیز منتخب واقعی مردم نخواهند بود. در چنین شرایطی جامعه با بحران مدیریت روبرو خواهد بود. زیرا از یک سو مدیران از حمایت واقعی مردم و بدنه کارشناسی جامعه برخوردار نیستند و از سوی دیگر مدیران معمولاً فاقد توانایی های لازم برای انجام وظائف محوله هستند. پیامد چنین وضعیتی بی برنامه گی و وقت کشی و از دست دادن فرصت ها در سطح ملی است.

برای بررسی خلق و خوی ما ایرانی ها باید به ریشه های نهفته فرهنگ استبدادی و ریشه های طویل آن در شخصیت اجتماعی افراد جامعه پرداخت . جایی که این فرهنگ استبدادی مانع از شکل گیری شخصیت های مستقل و منتقد در اجتماع شده و غالباً در چنبره قدرت قاهره

استبداد، افرادی بله قربان گو رشد و نمو پیدا می کردند که هیچ فرصت و فضایی برای بهره مندی از کرامت انسانی و آزادی های فردی نمی یافتند و بر همین اساس انتخاب آزاد و مشارکت در امور به عنوان امری غیر عملی در ساحت ساختار سیاسی تاریخ ایران پدیدار شد.

اینجا ست که وقت کشی خطر آفرین می شود چرا که در بزنگاه استبداد، آزادی بیان به محاق می رود و افراد نمی توانند به نقد عملکرد حاکمان بپردازند و در نتیجه گاه رخدادهایی اتفاق می افتد که بر تاریخ قرون کشوری سایه می افکند و چه بسیار پادشاهان مستبدی که بر این راه رفتند و فرصت های طلایی را از دم دست خود راندند.

اما اگر بخواهیم درباره اصطلاح وقت کشی کمی هم مصداقی تر بحث را دنبال کنیم باید گریزی به ماجرای تسخیر سفارت آمریکا در سال ۵۸ زد. روایت ها از این تصرف، متفاوت و مختلف است و این حرکت و رای بررسی های تاریخی و تاثیرگذاری به زعم دانشجویانی که می خواستند حرکتی چند روزه را شکل دهند ۴۴۴ روز به درازا کشید و ریشه های تاثیر آن حتی در تاریخ همین روزهای ایران نیز نمود بیرونی خود را نشان می دهد، چنانچه ایران بعد از ماجرای گروگان گیری مجبور شد حتی بر اساس قرار داد الجزیره تا ۱۱ میلیارد دلار هزینه کند. رخ دادن چنین واقعه ای آشکارا نشان می دهد که سیاستمداران و فعالین عرصه سیاست ما گاهی شرایط و ضوابط حاکم بر معادلات جهانی را به خوبی نمی شناسند.

در نمونه جنگ ایران و عراق نیز این موضوع را روشن تر می توان بررسی کرد. چنانچه می توانستیم جنگ را پس از پیروزی خرمشهر زودتر به پایان برسانیم و اینطور می شد که در واقع منابع و ذخایر کشور برای سال ها از بین نمی رفت و ثبات زودتر به ایران باز می گشت. اما جالب این است که اکنون که روایت ها از جنگ طرح می شود مشخص است که نه امام خمینی (ره) و نه دیگر مسولان هیچکدام تمایلی به ادامه جنگ نداشتند. براین مبنا است که اکنون نامه هایی از برخی فرماندهان منتشر می شود که ابعاد این فرصت کشی در آن عیان است. اینجا است که تفاوت ابعاد زمان سیاسی را می توان با زمان فردی مقایسه کرد، جایی که تصمیم گیری عده ای در مصدر امور آینده کشوری را دگرگون می کند.

اما یکی دیگر از نمونه های وقت کشی در عرصه سیاستمداری به سخنرانی سید محمد خاتمی، رییس جمهور سابق ایران در سازمان ملل باز می گردد در جایی که کلینتون هم در همان جلسه حاضر شد و همین حضور او فرصتی برای گفت و گو ایجاد کرد اما فضای سنگین سیاسی در

داخل کشور و البته در همراهی با روحیات محافظه کارانه آقای خاتمی مانع از این شد که فرصت پیش آمده به بهانه ای برای بازسازی روابط ایران و آمریکا بدل شود. البته شاید آقای خاتمی مثلاً جسارت مهندس بازرگان را نداشتند آنگاهی که بازرگان وقتی در الجزیره با برژینسکی مذاکره کرد و پس از بازگشت هم بازخواست شد و جسورانه ایستاد و از مذاکراتشان دفاع کرد و گفت که نه من هویدا هستم و نه امام خمینی (ره) شاه است که من برای هر تصمیم گیری اجازه بگیرم و اگر در کشوری نخست وزیر و وزیران دفاع و امور خارجه نتوانند برای مطالبات ملی گفت و گو کنند جای تأسف است.

در حال حاضر هم این سوال مطرح است که آیا مسئولان دولتی کشور با فرهنگ جهانی آشنایی دارند و آیا دیپلماسی ایشان در چند سال اخیر به شکلی بوده که نمودی از آشنایی شان با گفتمان جهانی داشته باشد؟ که البته در این زمینه من تردید دارم. چنانچه آقای ولایتی که دست کم ۱۳ سال تجربه حضور در عرصه های دیپلماتیک را دارند کنار گذاشته می شوند و سعید جلیلی که تجربه درخوری هم در حوزه روابط بین الملل و آن هم موضوع حساس هسته ای ندارد پای میز مذاکره با مردانی می نشیند که سابقه ای طولانی در حوزه روابط دیپلماتیک دارند و این خود اوج فرصت کشی های دولت را در حل موضوع هسته ای نشان می دهد چنانچه دولت نهم به گمان من تا امروز از فرصت های سیاسی پیش رو برای حل بحران هسته ای استفاده نکرده و البته باید توجه داشت که فرصت مذاکرات ژنو نیز رو به پایان است.

در حوزه اقتصادی هم وقت کشی های اساسی در دولت نهم صورت می گیرد در جایی که دلسوزان اقتصادی و کارشناسان این حوزه تا کنون بارها و بارها نسبت به وضعیت اقتصادی و به کاربستن شیوه های علمی و مدیریتی به رییس جمهوری هشدار داده اند اما متأسفانه در نهایت دولت طرح تحول اقتصادی را پیشکش می کند که بیش از آنکه دردی از دردهای اقتصادی مردم را دوا کند بیشتر به یک برنامه عمل انتخاباتی شبیه است.

حالا و در ادامه بیان مصداق ها بهتر است که برویم و از زاویه ای دیگر به درگیری های اخیر دولت و شهرداری اشاره کنیم. چه ائتلاف انرژی ها و فرصت ها که در بستر این دعوای سیاسی میان دو طرف به ضرر مردم صورت گرفت در جایی که ورود اتوبوس های مورد نیاز جا بجایی روزانه مردم با ممانعت مسولان مواجه و توسعه خطوط مترو و ارایه اعتبارات مصوب مجلس به شهرداری با فوت وقت همراه شد تا همچنان مشکلات حمل و نقل کلانشهر تهران گریبانگیر

شهروندان باشد. يك سوال اصلی اینجا مطرح است که پاسخش را باید از دولت نهم گرفت، اینکه در شرایطی که در آمد ارزی ما طی سه سال گذشته ۱۸۰ میلیارد دلار بوده است دولت چه اقدام آینده نگرانه ای برای کاهش هزینه زندگی و سختی معیشت مردم انجام داده است؟ خب البته پاسخ هم مشخص است چنانچه در جایی که هزینه ها فرصت ها صرف بازی ها، گله گذاری ها و دعوی های سیاسی می شود چطور می توان به نتایج مثبت و دوراندیشانه دل خوش بود، به اتخاذ برنامه عملی که در آن افقی بیش از برد و باخت انتخاباتی لحاظ شود.

به هر روی در چنبره فرهنگ خودمحموری است که فردیت و کرامت انسانی رنگ می بازد و حیطه برای اظهار نظر و حضور او در عرصه های اجتماعی کمرنگ می شود و توده پیرو و تابع در چنین شرایطی به دور از فرآیند آزادی شکل می گیرد. در جایی که مطبوعات ما حتی به عنوان رکن چهارم دموکراسی هر دم کمرنگ تر از پیش و با موانع بیشتر مجبور به تولید محتوا می شود، چطور می توان انتظار داشت که افراد بتوانند نسبت به جریانی که برایشان تصمیم گیری و تصمیم سازی می کند، منتقدانه ظاهر شوند. و همین عدم انتقادها و البته شنیده نشدن انتقادها خود عرصه را به وقت کشی های بیشتر در آینده فراخ می کند.

بطور خاصه برای اجرای برنامه های توسعه و جبران عقب ماندگی ها، راهی جز اجرای قانون و نظم در جامعه از طریق تأمین آزادی و حاکمیت ملت و کرامت انسانی در چارچوب اصول قانون اساسی و اعلامیه جهانی حقوق بشر وجود ندارد در اینصورت میزان بهره وری بالا خواهد رفت و مردم و مدیران جامعه از "زمان" و فرصت ها به خوبی بهره خواهند گرفت و پدیده "وقت کشی" به تدریج اصلاح خواهد شد.

تجربه زندان^۱

« در مراسم اعتراض به بازداشت دانشجویان که به دعوت شاخه جوانان حزب مشارکت ایران اسلامی در سالن اجتماعات آن حزب در تاریخ ۱۶/۴/۸۷ برگزار شد، میهمانان متعددی به ایراد سخن پرداختند. آخرین سخنران آقای مهندس محمد توسلی رئیس دفتر سیاسی نهضت آزادی ایران بود. وی پیش از پرداختن به مباحث سیاسی به بیان توصیه‌هایی در مورد نحوه سلوک و مقاومت در زندان پرداخت و افزود: « بررسی وضعیت زندانهای ایران در سه دهه گذشته نشان می‌دهد که به تدریج وضعیت زندانیان بهبود پیدا کرده است اما شرایط کنونی با اصول قانون اساسی و اعلامیه جهانی حقوق بشر فاصله زیادی دارد.» وی در پایان گفت: « فعالیت سیاسی - اجتماعی در ایران هزینه بالایی دارد، ملتی که خواهان آزادی و دموکراسی است باید خود را برای پرداخت این هزینه آماده کند. حالا که زندانی شدن يك واقعیت است باید به ساز و کاری اندیشید که ابزار زندان بی‌اثر شود. در عین حال وی ابراز امیدواری کرد هرچه زودتر در جامعه اسلامی شرایطی فراهم شود که کسی به خاطر اظهارنظر و عقیده و نقد حاکمان زندانی نشود و سلول‌های انفرادی مانند زندان توحید (کمیته مشترک سابق) به موزه تبدیل شود.» این متن تدوین و تکمیل شده سخنان ایشان در این جلسه است.»

مقدمه

زندان به ویژه در کشور ما برای فعالان سیاسی - اجتماعی بصورت يك واقعیت تلخ در آمده است. در اینصورت چگونه می‌توان در زندان مقاومت کرد و پیامدهای سوء آن را کاهش داد. فعالان سیاسی - اجتماعی در مرحله اول بایستی به حقوق قانونی خویش در مراحل بازداشت، بازجویی، دادگاه و دوران زندان آشنا باشند و بتوانند از خود با اعتماد به نفس دفاع کنند. با کمال تأسف جرم اصلی غالب زندانیان سیاسی - اجتماعی کشور ما در سه دهه اخیر عموماً اظهارنظر درباره مسائل جاری کشور و نقد حاکمان بوده است، یعنی انجام همان فریضه الهی امر به معروف و نهی از منکر که در معارف دینی ما مورد تأکید جدی قرار گرفته و در اصل هشتم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز به عنوان وظیفه و حق شهروندان تصریح شده است.

آزادی بیان و عقیده و نقد عملکرد حاکمان علاوه بر مبانی روشن اسلامی، و اصول قانون اساسی از اصول اولیه اعلامیه جهانی حقوق بشر و حقوق شهروندی است که امروز در سطح

^۱ متن تنظیم شده سخنرانی محمد توسلی در برنامه ۱۶/۴/۱۳۸۷ شاخه جوانان حزب مشارکت ایران اسلامی - شهریور ۱۳۸۷

جهانی به رسمیت شناخته شده است. شایان ذکر است که چهارده قرن قبل در شرایط جامعه بدوی و فرهنگ قبیلگی دوران پیامبر در مدینه و دوران پنج‌ساله حکومت حضرت علی (ع)، تاریخ هرگز گزارش نکرده است که کسی را به جرم نقد حاکمان - حتی فحاشی به حاکم - بازداشت و زندانی کرده باشند. پژوهش‌های مستند تاریخی نشان می‌دهد که ساختار زندانهای کنونی کشور به ویژه سلول‌های انفرادی آن از یادگارهای تاریک کلیسا در قرون وسطی است و در سالهای قبل از انقلاب نیز طرح زندانها را کارشناسان سیا و موساد در اختیار ساواک قرار دادند که بعد از انقلاب نیز متأسفانه همان طرحها توسعه پیدا کرده است.

برنامه مقاومت در زندان

گذار از يك جامعه‌ای با فرهنگ استبدادی به جامعه‌ای آزاد و دموکراتیک که در آن کرامت انسان و حقوق شهروندی رعایت شود مستلزم فرایندی طولانی و مسیر آن ناهموار و پر فراز و نشیب است. آگاهی فعالان سیاسی - اجتماعی به این فرایند و پذیرش هزینه‌های چنین فرایندی ضروری است^۱. زندان یکی از این هزینه‌هاست که فعالان سیاسی - اجتماعی شایسته است با آگاهی، در صورت ضرورت، پذیرای آن باشند و این دوران را مدیریت کنند.

ابزار اصلی مدیریت دوران زندان به ویژه دوران سلول انفرادی، "مدیریت زمان" است. زندانی بایستی متناسب با شرایط و علایق شخصی خویش برای تمام ساعات شبانه‌روز برنامه پر داشته باشد بطوری که لحظه‌ای ذهن او آزاد نباشد. نفس سلول انفرادی و نگهداری انسان در فضای محدود سلول در حکم شکنجه سنگین است. نداشتن برنامه در این دوران و مشغول نبودن ذهن انسان، موجب اختلال در تعادل روانی - عصبی می‌شود، بطوری که برخی از زندانیان بی‌تجربه به ویژه در بند های با سکوت مطلق و طولانی، با تشنج روحی و فریاد و گریه شدید روبرو می‌شوند. در این حالت است که بازجو به هدف خود یعنی شکستن مقاومت زندانی می‌رسد و برنامه‌های خود را اجرا می‌کند. اراده زندانی شکسته شده (بریده) در اختیار بازجو قرار می‌گیرد و تسلیم خواست او می‌شود.

همانگونه که گفته شد مدیریت زمان و برنامه‌ریزی روزانه بستگی به شرایط زندان و علایق

^۱ از جمله نصایح لقمان به فرزندش این است که: یا بنی اقم الصلوه، وأمر بالمعروف و انه عن المنکر وأصبر علی ما اصابک ان ذلک من عزم الامور (لقمان / ۱۷) "پسرم به نماز بایست (ارتباط خود را با خدا تقویت کن) و (دیگران را) به رفتار شایسته فراخوان و از ناپسند بازدار و (در این راه) بر آنچه (از سختی و مصیبت) به تو می‌رسد شکیبا باش، که این نشان قدرت اراده است."

شخصی زندانی دارد. آنچه در زیر می‌آید حاصل تجربه شخصی ایشان در طی چهار نوبت زندان‌های سال ۱۳۵۰ و سالهای ۱۳۶۷، ۱۳۶۹ و ۱۳۸۰ است.

۱. ایمان و باور عمیق به اهداف و برنامه فعالیت سیاسی - اجتماعی

هرچه شناخت و باور زندانی به اهداف و برنامه فعالیت سیاسی - اجتماعی که به خاطر آن این هزینه را محتمل می‌شود عمیق‌تر باشد و درخصوص پرداخت این هزینه آگاهی بیشتری داشته باشد دوران زندان راحت‌تر سپری می‌شود.

زندانیانی که فعالیت سیاسی - اجتماعی را با انگیزه و هدف دینی - اجتماعی انجام می‌دهند، تجربه نشان داده است که دوران زندان را راحت‌تر می‌گذرانند. بررسی گروه‌هایی که در سال ۱۳۵۰ در زندان بودند (حدود ۵۰ گروه) نشان داد که زندانیان مذهبی بطور متوسط بهتر از سایرین این دوران را می‌گذرانند. ارتباط مستمر انسان با خدا و هستی جهان می‌تواند دیوارهای صلب بتنی سلول را که در حالت عادی بر اعصاب و روان انسان فشار وارد می‌کند، آنرا از ذهن و منظر انسان حذف کند و انسان خود را با جهان هستی پیوند زند و تنگی و فشار سلول را احساس نکند. آیات متعدد قرآن راهکار تقویت ارتباط انسان با خدا را ارائه کرده است و والدین صبر و علی ربهم یتوکلون؛ توجه به کلید واژه‌های ایمان، تقوی، صبر و توکل در این آیات می‌تواند این روند را تقویت کند.

۲. برگزاری نماز در پنج نوبت و نوافل مستحبی و اگر توفیقی باشد نماز شب از اجزای مفید برنامه‌ریزی منظم روزانه و در عین حال تقویت ارتباط انسان با خالق هستی است. خواندن و تکرار دعاها و دعاهای خاص که ارتباط انسان را با خدا و الگوهای هدایتی بشر تقویت می‌کنند، از جمله راهکارهای مکمل نماز است که موجب نوازش روح انسان می‌شود.

۳. مطالعه یکی از راهکارهای مفید برای مدیریت زمان در دوران زندان است. در شرایطی که دسترسی به کتاب و کتابخانه عمومی زندان وجود داشته باشد زندانی می‌تواند با توجه به علایق شخصی خویش در زمینه مورد علاقه مسیر مطالعاتی خاصی برای خود برنامه‌ریزی کند و با تهیه فیش و یادداشتهای لازم احیاناً انجام کار پژوهشی به تولید فرهنگی بپردازد. در سالهای قبل از انقلاب به ویژه در دهه‌های سی و چهل چنین امکانی برای زندانیان فراهم بود. بخشی از آثار کلیدی زنده یاد مهندس بازرگان در دوران زندان دهه چهل تولید شده است. (۱۶ اثر کلیدی) اثر بدیع و ماندگار سیر تحول قرآن در دوران تبعید به زندان

برازجان تولید شده است. در دوران بعد از انقلاب نیز برخی از زندانیان تا حدودی از این فرصت استفاده کرده‌اند.

اما در دوران بازجویی و سلول انفرادی که معمولاً برای زندانی محدودیت قایل می‌شوند، کتاب حداکثر محدود به قرآن و مفاتیح و گاهی نهج‌البلاغه می‌شود. در این شرایط برای زندانی فرصت مغتنمی است که با مطالعه و تدبیر در قرآن با فرهنگ و آموزه‌های قرآنی آشنا شود. وقتی انسان با تدبیر و تمرکز، مجموعه قرآن را بطور پیوسته مورد بررسی و مطالعه قرار می‌دهد برداشت‌های جدیدی در زمینه‌های مختلف پیدا می‌کند. برداشت انسجام در مجموع آیات و برجسته شدن محورهای اصلی آیات که زمینه‌ساز هدایت انسان است و پیدا کردن دید تحلیلی از جمله این دستاوردهاست. انسان پیام اصلی قرآن را با نیازهای فطرت خود هماهنگ می‌بیند و هرچه بیشتر مطالعه می‌کند جاذبه آیات قرآن را عمیق‌تر احساس می‌کند. نهج‌البلاغه اثر پر جاذبه دیگری است که اگر زندانی با زبان عربی آشنایی داشته باشد مجذوب آن خواهد شد. مجموعه خطبه‌ها، نامه‌ها و حکمت‌ها در واقع پراتیک آیات قرآن را به تصویر می‌کشد و راهنمای ارزشمندی است برای زندگی انسان.

در دوره‌ای فقط مفاتیح در اختیار ایشان بود و از داشتن قرآن و نهج‌البلاغه محروم بودند. فرصتی دست داد که تمام مفاتیح و حواشی آنرا مطالعه کنند. در چنین مطالعه‌ای به وضوح دعاهای منسوب به ائمه علیهم‌السلام که با فرهنگ و دعاهای قرآنی هماهنگ است برجسته می‌شود و خواندن و تکرار آنها موجب تعالی انسان می‌گردد.

۴. ورزش و تحرك در سلول و در دوران زندان یکی دیگر از برنامه‌های مفید و ضروری است که بایستی در برنامه روزانه زندانی منظور شود. ورزش نه تنها برای پرکردن زمان شبانه‌روز مفید است بلکه موجب تقویت جسمی و روحی زندانی می‌شود و از افسردگی او جلوگیری می‌کند. حتی در سلول ۱×۲ متر زندانی می‌تواند در قطر سلول دست کم دو تا سه ساعت در روز بطور متناوب قدم بزند و در ضمن قدم زدن با زمزمه اشعار مورد علاقه و یا آیات منتخب قرآن روحیه خود را نیز تقویت کند.

۵. - تأمل در احوال شخصی و جمعی و ارزیابی و نقد عملکرد گذشته موضوع دیگری است که بخش کوتاهی از برنامه روزانه می‌تواند به آن اختصاص پیدا کند. چنین برنامه‌ای در

- زندان عمومی می‌تواند در صورت امکان بصورت جمعی نیز صورت گیرد.
۶. ارزیابی بازجویی‌ها و برنامه‌ریزی برای ادامه بازجویی می‌تواند با اولویت بخشی از زمان روزانه دوران زندان (معمولاً در سلول) را به خود اختصاص دهد. اگر زندانی متمرکز باشد به خوبی می‌تواند روند بازجویی خود را با ارزیابی و برنامه‌ریزی مستمر منسجم کند.
۷. ارزیابی فضای زندان و زندانیان نیز مورد دیگری است که در صورت امکان می‌تواند به بخشی از برنامه روزانه زندانی اختصاص پیدا کند. یادداشت‌های روزانه زنده‌یاد مهندس بازرگان که بخشی از آنها چاپ شده است ارزش تاریخی و ارزشمند اینگونه یادداشتها را در ثبت رویدادها و احوال زندانیان به خوبی نشان می‌دهد.
۸. برنامه صبحانه، نهار و شام و استفاده از سرویس و حمام و همچنین برنامه استراحت و خواب در شبانه‌روز بخش دیگری از برنامه‌های روزانه زندانی است که می‌تواند منظم و زمانمند شود. تغذیه مناسب و استراحت و خواب منظم و کافی برای حفظ سلامتی زندانی بسیار مهم است.
۹. تنظیم برنامه ۲۴ ساعته - با توجه به محورهای گفته شده زندانی می‌تواند متناسب با شرایط و امکانات در اختیار، برنامه ساعات شبانه‌روزی خود را تنظیم کند و با دقت آنرا مورد عمل قرار دهد. داشتن ساعت برای اجرای چنین برنامه‌ای بسیار مفید است. پس از ارائه جمع‌بندی تجربیات زندان سال ۱۳۶۷ در جمع دوستان و انعکاس آن، در دوران زندان سال ۱۳۶۹ ساعت را از همه زندانیان گرفتند. در چنین شرایطی از زمان نمازهای پنج‌گانه و زمان سایر برنامه‌های زندان وقت صبحانه، نهار و شام و همچنین در صورت روشن بودن رادیو می‌توان نظم برنامه روزانه را فراهم کرد. در سال ۱۳۶۹ زنگ منظم ساعت میدان امام خمینی (سپه سابق) که نزدیک و مشرف به زندان کمیته مشترک سابق (زندان توحید) بود برای این برنامه‌ریزی کاملاً مفید بود.
- همانگونه که گفته شد زندانی می‌تواند با مدیریت زمان و برنامه‌ریزی و پرکردن تمام دقائق روزانه زندان، سلامت جسمی و روحی خود را حفظ کند و با سرافرازی با ایمان و توکل به خدا و امید به آینده و آخرت این دوران را بگذراند.

سابقه آشنایی و همکاری با شهید رجایی^۱

محمدتوسلی سابقه طولانی دوستی با محمدعلی رجایی دارد و پس از انقلاب نیز در ابتدای دوران نخست وزیری رجایی، شهردار تهران بوده است. با او در خصوص خاطراتش از رجایی، پیش و پس از انقلاب گفت‌وگو کردیم و او ناگفته‌هایش از رجایی را با ما در میان گذاشت.

در ابتدا اگر ممکن است از اولین آشنایی‌تان با آقای رجایی بگویید. گویا سابقه آشنایی شما به فعالیت در انجمن اسلامی دانشجویان در دهه ۱۳۳۰ بر می‌گردد.

بله، اولین آشنایی من با مرحوم رجایی به سالهای ۱۳۳۵ و بعد از آن باز می‌گردد که مربوط به فعالیت در انجمن اسلامی دانشجویان است. ایشان در جلسات عمومی انجمن حضور داشتند و من از آن جلسات چند عکس تاریخی دارم که در یکی از این عکس‌ها مرحوم بازرگان، مطهری و طالقانی حضور دارند و در کنار عکس هم دکتر شریعتی و آقای رجایی دیده می‌شوند. حضور ایشان در کنار دکتر شریعتی و دیگران نشان می‌دهد که اندیشه او از چه منبعی تغذیه شده و خاستگاه تکوین شخصیت او کجا بوده است. وقتی نهضت آزادی تاسیس شد، رجایی هم عضو نهضت شد و همکاری‌های اجتماعی گسترده‌ای با نهضت داشت. بعد از انقلاب هم تا اسفند ۵۸ با نهضت همکاری می‌کردند که بعد از انتخابات ریاست جمهوری، وقتی مهندس سبحانی نامه‌ای نوشتند و همراه با ۱۲ نفر دیگر از نهضت خارج شدند، شهید رجایی هم یکی از آن جداشدگان از نهضت بودند.

آیا ایشان در انجمن اسلامی مهندسين و نهضت مسئولیت خاصی داشتند؟ دیدگاه‌های ایشان در جلسات چگونه بود؟ از حضورشان بگویید.

من به یاد ندارم که ایشان در فعالیت‌های انجمن‌های اسلامی و نیز نهضت آزادی مسئولیت مشخصی را قبول کرده باشند. آقای رجایی چهره موقر و کم حرف و متینی داشت. اهل صحبت کردن و جلو بودن نبود. او در جلسات مرحوم طالقانی در مسجد هدایت، جلسات منزل دکتر شببانی و یا جلساتی که در خوابگاه‌ها تشکیل می‌شد، با علاقمندی حضور پیدا می‌کرد. من تنها حضور ایشان در آن جلسات را به خاطر دارم و درباره دیدگاه شخصی ایشان چیز خاصی در خاطر من نیست. البته به عکس‌های آن زمان هم که نگاه می‌کنیم متوجه می‌شویم که حضوری حاشیه‌ای

^۱ گفتگوی محمدتوسلی با خبرنگار شهروند امروز - ۱۳۸۷/۶/۱۰

داشته‌اند. ایشان در همان زمان از نظر حرفه‌ای یکی از دبیران ریاضی خوشنام در دبیرستان کمال بودند.

در همان دبیرستانی که دکتر سجابی هم تدریس می‌کرد.

بله، علاوه بر آن، آقای رجایی در هنرستان کارآموز که وابسته به انجمن اسلامی مهندسين بود هم تدریس می‌کرد و با مدرسه رفاه هم که جمعی از فعالان بازاری روشن و فعال راه انداخته بودند ارتباط داشت.

چگونه و از چه طریقی ایشان به نهضت آزادی پیوستند؟

به یاد نمی‌آورم که زمینه پیوستن او به نهضت آزادی چگونه پیش آمد. اما طبیعی بود که بچه‌های انجمن اسلامی دانشجویان به نهضت بپیوندند. خاطره‌ای هم از آن دوران دارم. به یاد دارم که در شهریور ۵۰ بلافاصله پس از بازداشت رهبران سازمان مجاهدین خلق، اولین کسی که بازداشت آنها را در جمع ما و در جمع انجمن اسلامی مهندسين مطرح کرد، آقای رجایی بود. او کمک مالی و لجستیکی برای سازمان جمع‌آوری می‌کرد و در تدارک خانه‌های امن برای سازمان فعال بود. من حتی بعد از مدتی متوجه شدم ایشان با همراهی گروه فعال در مدرسه رفاه یک هسته پشتیبانی مالی و لجستیکی برای سازمان مجاهدین تشکیل داده است. بنابراین تلاش‌های آقای رجایی در زمینه کمک به مجاهدین بسیار چشمگیر بود تا آنجا که به جرات می‌توان مدعی شد نقش ایشان کمتر از کادرهای سازمان نبوده است. بعد از بازداشت سران این سازمان با تلاش‌های مرحوم رجایی، مهندس سجابی نامه‌ای نوشتند و من این نامه را از طریق برادرم برای آقای قطب زاده فرستادم. محتوای این نامه معرفی سازمان مجاهدین و خبر دستگیری و سابقه مبارزاتی اعضای ارشد آن برای آشنایی دوستان خارج از کشور بود. اما ظاهراً ساواک صندوق پستی صادق قطب‌زاده را کنترل می‌کرد و داستان لو رفت. لذا ۱۹ مهرماه من بازداشت و در دادگاه نهایتاً به یکسال زندان محکوم شدم. در آن زمان هنوز رجایی بازداشت نشده بود. در سال ۵۲ که آقای لطف‌الله میثمی هم از زندان آزاد شد، با آزادی او ما سه نفر یعنی من و رجایی و میثمی یک حلقه تشکیل دادیم و از طریق میثمی با سازمان ارتباط برقرار کردیم. ما به این ترتیب در سال ۵۲ و ۵۳ جلساتی را به صورت مخفی داشتیم.

آیا شما به عضویت سازمان مجاهدین هم در آمدید؟

تنها میثمی عضو سازمان بود و من و رجایی به صورت جانبی با سازمان ارتباط داشتیم.

میشی نشریات سازمان را می‌آورد و از ما هم نظر می‌خواست. فعالیت ما در دوره‌ای بود که تمام کادرهای اصلی سازمان یا در زندان بودند و یا شهید شده بودند. کادرهای دوم و سوم بودند که فعالیت می‌کردند. در همین دوران بود که زمینه تغییر مواضع در سازمان ایجاد شده بود و شعار «بیاید پرچم تجدیدنظر را در سازمان برافراشته کنیم» در یکی از نشریات سازمان درج شده بود. این را هم باید بگویم که در جریان آن جلسات سه نفره، همسر آقای رجایی مسئولیت برقراری ارتباطات را برعهده داشتند و در این زمینه خیلی دقیق و منظم عمل می‌کردند و در واقع رابط ما بودند. اگر تغییری در قرار ما ایجاد می‌شد از طریق خانم رجایی به همدیگر خبر می‌دادیم.

آقای رجایی به چه علت و چگونه بازداشت شد؟

رجایی به خاطر کتابی که به خواهرزاده‌اش داده بود، بازداشت شد. او در بازجویی‌ها می‌گوید که کتاب را به خانه‌اش انداخته بودند و اتهام را نمی‌پذیرد. لذا در کمیته مشترک شکنجه شدیدی را متحمل می‌شود که آثار آن را بعد از انقلاب در سفر به نیویورک و در سازمان ملل نشان داد. من معتقدم که شخصیت واقعی رجایی را باید در زندان شناخت. او در زندان انفرادی پایداری و استقامت و تقوای سیاسی و اجتماعی خود را به نمایش گذاشت. او زیر شکنجه خیلی راحت می‌توانست هسته سه نفری ما را لو دهد یا حتی خدمات گسترده قبلی خود به سازمان در مدرسه رفاه را بازگو و آن شبکه را معرفی کند. اما رجایی کوچکترین اطلاعاتی در اختیار بازجوها نگذاشت و ناشناخته وارد بند عمومی زندان شد. آن هم در زندانی که بچه‌های مجاهدین آن را مدیریت می‌کردند. آن زمان مرسوم بود که زندانیانی که جرم‌شان مشخص نبود و یا در بازجویی‌ها به جرمی اعتراف نکرده بودند، از جانب زندانیان طرد می‌شدند. رجایی به علت استقامت در بازجویی‌ها نمی‌توانست هویت حقیقی خود را برای زندانیان فاش کند و از طرف دیگر به این علت که ارتباط تشکیلاتی با سازمان نداشت در زندان و در میان زندانیان هم سختی‌های زیادی می‌کشید. برخوردهایی که اعضای سازمان مجاهدین در زندان با او داشتند برخوردهای خوبی نبود و اصلاً به نظر من همان برخوردها زمینه‌های اختلاف فکری و شکاف سیاسی بعد از انقلاب را میان ایشان و مجاهدین فراهم کرد.

آیا ارتباط آقای رجایی با نهضت آزادی با همان قوت تا انقلاب ادامه پیدا کرد؟

رجایی در آبان و یا آذر ۵۷ از زندان آزاد شد و هنوز با نهضت ارتباط داشت. آن زمان نهضت، تجدید سازمان داده و فعال شده بود. اما آقای رجایی از طرف دیگر، ارتباط خود با

حلقه مدرسه رفاه را هم همزمان حفظ و با مرحوم بهشتی و با هنر ارتباط قوی‌تری پیدا کرد. آنچنانکه بعد از پیروزی انقلاب، آقای بهشتی، رجایی را به شورای انقلاب معرفی کرد تا وزارت آموزش و پرورش را به او واگذار کنند. آقای بازرگان با این انتخاب موافق نبود و می‌گفت ایشان حداکثر دبیر دبیرستان بوده است و حداکثر می‌تواند سرپرست وزارتخانه باشد که در نهایت هم همین حکم سرپرست به ایشان ابلاغ شد. ناگفته نماند که در دوران حضور آقای رجایی در وزارت آموزش و پرورش من هم در شهرداری تهران بودم و ما همکاری خوبی باهم داشتیم. به صورت مشخص ما برای تشکیل شورای محله و شورای شهر در تهران برنامه‌ریزی کرده بودیم. قرار بر این بود که سایر ارگان‌های خدمات شهری هم خودشان را با شهرداری هماهنگ کنند و بر اساس یک نظام واحد، منطقه بندی انجام شود. آقای رجایی هم به مراکز پراکنده آموزش و پرورش دستور دادند که با شهرداری هماهنگ باشند. این یکی از خدمات ساختاری آقای رجایی در آموزش و پرورش بود.

نوع نگاه ایشان در آموزش و پرورش چگونه بود که اعضای دولت موقت مخالف بودند؟

رجایی با مدارس خصوصی موافق نبود و بحث عدالت در آموزش و پرورش را مطرح می‌کرد. دکتر سبحانی در شورای عالی آموزش و پرورش به شدت با این دیدگاه مخالف بود. ولی رجایی این دیدگاه را پی گرفت و ضربه سنگینی به مدارس بخش خصوصی در آن دوران وارد شد. او معتقد بود که امکانات باید در همه مدارس یکسان باشد و معنی ندارد که در یک مدرسه خصوصی خدمات بیشتری به دانش‌آموزان داده شود و این را تبعیض می‌دانست.

گویا وقتی آقای رجایی نخست وزیر شدند و شما هم شهردار بودید در همان ابتدای کار ایشان جلسه‌ای طولانی با هم داشتید و بحث‌های صریحی هم با هم کرده‌اید. می‌خواستم که اگر ممکن است از آن جلسه بگویید و اینکه اصلاً چرا برگزار شد؟

وقتی آقای رجایی نخست وزیر شدند به من تلفن کردند و گفتند که علاقمندم شما در شهرداری بمانید. اما من استعفای خود را به بنی صدر داده بودم و او هم نپذیرفته بود و حالا مصمم بودم که با انتخاب آقای رجایی به نخست وزیری، دیگر از شهرداری استعفا بدهم. به او گفتم که باید نکاتی را با شما مطرح کنم. هماهنگ کردم و در ساختمان وزارت آموزش و پرورش در خیابان اکباتان یک جلسه با هم ملاقات داشتیم که ۴ ساعت طول کشید و در تمام این ۴ ساعت ما با هم بحث و صحبت کردیم. من دو ایراد به مرحوم رجایی وارد می‌کردم. اول اینکه چرا

نخست وزیری را پذیرفتید. گفتم شما که حداکثر و نهایتاً یک مدرسه را اداره کرده‌اید چگونه حاضر شدید مسئولیتی (رئیس دستگاه اجرایی کشور) که نیاز به سلسله مراتب دارد را بپذیرید. ایشان پاسخ گفت که این ایراد را می‌پذیرد و خود را در آن سطح نمی‌داند ولی افرادی برای این مسئولیت مطرح بودند از جمله آقای احمد سلامتیان و میرسلیم که به نفع انقلاب بود که ایشان در مقابل آنها این مسئولیت را بپذیرد. نکته دیگری که من در آن جلسه توضیح دادم مشکلاتی بود که ما در اداره شهر تهران داشتیم. از جمله این مشکلات عدم هماهنگی مدیران ما با مدیران وزارتخانه‌ها و نیز دخالت همه جانبه مدیران عرصه‌های مختلف در اداره شهر تهران بود که به نفع مردم و انقلاب نمی‌توانست باشد. این دخالت‌ها را توضیح دادم. ایشان هم گفتند که تلاش می‌کنم هماهنگی‌های لازم ایجاد شود تا شما بتوانید در شهرداری بمانید و کار کنید. من نامه استعفایم را به آقای رجایی دادم و با این حال ایشان گفتند شما به کارتان ادامه بدهید. ایشان حتی در پاسخ به استعفای من نامه‌ای نوشتند و از خدمات گذشته تقدیر کردند و ضرورت تداوم آن را در آن شرایط اعلام کردند. من هم به دلیل علاقه عاطفی‌ای که به ایشان داشتم و به دلیل سنگین بودن این وظیفه که کسی در آن شرایط حاضر به عهده‌داری آن نبود، به عنوان یک واجب عینی پذیرفتم که به کار خود ادامه بدهم. اما در حالیکه در ماه‌های اول روابط ما خیلی خوب بود و ایشان بسیار پیگیری و حمایت می‌کردند، به تدریج مناسبات تغییر کرد که به خروج من از شهرداری تهران منجر شد.

آیا اتفاقات خاصی افتاد که به خروج شما از شهرداری تهران منجر شد؟

بله، دو اتفاق مشخص افتاد یکی از آنها به ماجرای متروی تهران برمی‌گشت. ما برای پروژه ترافیک تهران برنامه‌ریزی کرده بودیم. طراحی ترافیک محدود مرکز شهر تهران از پروژه‌هایی است که در شش ماهه بعد از انقلاب طراحی شد و امروز هم بدون آنکه چارچوب آن تغییر کند، تکمیل و اجرا شده است. در مرحله دوم طراحی برای توسعه بزرگراه‌های تهران و شبکه ارتباطی شهر تهیه کرده بودیم. یک طرح بلندمدت هم داشتیم که به اجرای مترو در تهران برمی‌گشت همین‌جا، جا دارد از مرحوم عبدالحسین ابراهیمی که رییس کانون کارشناسان کشور بودند و قبل از انقلاب قائم‌مقام آقای شهرستانی در شهرداری تهران بودند، تشکر کنم. ایشان خواهش ما را پذیرفتند و مدیرعاملی مترو تهران را قبول کردند و در این سمت در همان مدت کوتاه خدمات چشمگیری داشتند. اما برخی وزرای آقای رجایی به شدت با پروژه مترو مخالفت کردند و حتی

یکی از آنها در مصاحبه‌ای گفت: در شرایطی که مردم سیستان و بلوچستان نان ندارند و علف می‌خورند، چرا ما باید هزینه‌ای را صرف ساختن مترو کنیم. با آقای رجایی صحبت شد. به ایشان گفتم که این کار، کارشناسی شده و اجرای آن ضرورت دارد. قرار شد ما گزارشی به کمیته فنی (دولت) بدهیم و مسئولان را توجیه کنیم. از آن گروه فنی، امروز متاسفانه فقط آقای مهندس شهاب گنابادی وزیر اسبق مسکن و شهرسازی در قید حیات هستند. در آن گروه پنج نفره، مهندس کلانتری و آقای دکتر فیاض‌بخش و دکتر عباسپور هم حضور داشتند. ما دو جلسه با این کمیته فنی داشتیم که در آن جلسات من و آقای عبدالحسین ابراهیمی شرکت می‌کردیم و اسناد فنی را ارائه می‌کردیم. ما گزارشی از وضعیت مترو در شهرهای دنیا و نیازهای ترافیکی تهران ارائه کردیم و گفتیم که برای اجرای مترو در تهران دیر شده است. اعضای کمیته فنی در آن دو جلسه قانع شدند. آقای رجایی تعجب کرده بود که چه طور همه آنها را قانع کرده‌ایم. با خط سیاسی به من زنگ زده و گفت تو همه را متعجب کردی: من هم گفتم چون بحث ما کارشناسی بود جایی برای مخالفت باقی نماند. اما دوباره در مطبوعات همان عضو کابینه گفت که باید پروژه مترو متوقف شود. فهمیدیم که اراده‌ای در دولت، با مدیریت ما در شهرداری مخالف است و بنابراین حضور ما در شهرداری نمی‌تواند منشاء خدمت باشد.

گفتید که دو اتفاق باعث خروج شما شد، اتفاق دوم چه بود؟

اتفاق دوم هم به مشارکت شهرداری در پشتیبانی از جبهه‌های جنگ باز می‌گشت. ما پس از آغاز جنگ تحمیلی یک روز در شهریور ۵۹ جلسه معاونین شهرداری در خیابان فاطمی بودیم که هواپیماهای عراقی از مقابل ساختمان عبور کرد که بمب‌هایی را در فرودگاه مهرآباد انداخته بودند، از همان لحظه احساس کردیم که شهرداری باید به پشت جبهه‌ها کمک کند. بعد از انقلاب، انجمن‌های محلی در غیاب شورای شهر تشکیل شده بود و ما بسیاری از اختیارات را به آنها تفویض کرده بودیم. ما این انجمن‌های محلی را سازماندهی کردیم تا به ستاد مردمی جنگ و جلب حمایت برای پشت جبهه‌ها تبدیل شوند. در آن زمان آقای مهدوی کنی وزیر کشور بودند. از وزارت کشور به ما اطلاع دادند که شما باید کارتان را متوقف کنید. گفتیم چرا؟ گفتند دلیل آن را حضوری می‌گوییم. به ساختمان وزارت کشور در خیابان بهشت رفتیم. در آنجا آقای مهدوی کنی و میرسلیم و زواره‌ای حضور داشتند. مذاکرات آن جلسه یکی از خاطرات تلخ من است. به ما گفتند سفره‌تان را جمع کنید و کاری به این کارها نداشته باشید و مسئولیت شما در

شهر تهران، صرفاً جمع‌آوری زباله است. به هر حال وزارت کشور، قائم‌مقام انجمن شهر بود و در غیاب انجمن شهر، مصوبات شهرداری باید به تأیید وزیر کشور می‌رسید. مخالفت با مشارکت شهرداری و انجمن‌های محلی در کمک به پشت جبهه‌ها برای ما خیلی سنگین بود. جلسه‌ای در شهرداری گذاشتیم. معاونان من استعفا دادند و من با آقای رجایی صحبت کردم. ایشان گفتند که بمانید ما حل می‌کنیم. من آمیدی به حل مشکلات نداشتم.

بنابراین تصمیم گرفتم با آقای خمینی دیداری داشته باشم. ارتباط ما با حاج احمدآقا نزدیک بود و از طریق ایشان وقتی گرفتم و در اوایل دی‌ماه ۵۹ خدمت امام رفتم. دیدار ما حدود ۲۰ دقیقه طول کشید. من گزارشی از مشکلات مدیریت شهر تهران دادم و توضیح دادم که چرا ادامه کار برای ما غیرممکن است و گفتم که همکاران ما، در این شرایط به صلاح مردم نمی‌دانند که در شهرداری بمانیم چون امکان خدمت‌رسانی وجود ندارد. گفتم که آقای رجایی استعفای من را نپذیرفته‌اند، شما بپذیرید. من سابقه حضور در نجف را داشتم و از همانجا با امام آشنا بودم. ایشان تاملی کردند و گفتند باز هم مقاومت کنید و کارتان را ادامه دهید. از جلسه که بیرون آمدم مرحوم آیت‌الله توسلی را دیدم که همیشه به ما لطف خاصی داشتند. در همانجا با خبرنگار خبرگزاری جمهوری اسلامی که حضور داشت، مصاحبه‌ای کردم و عین مذاکرات را گفتم. روز بعد آن مصاحبه در روزنامه انقلاب اسلامی و میزان چاپ شد. با انعکاس این مصاحبه، آقای مهدوی‌کنی بلافاصله یک یادداشت کوتاهی فرستادند و با استعفای من موافقت کردند. آقای زواره‌ای را به عنوان سرپرست شهرداری تهران معرفی کردند که ما هم صندوق شهرداری و همه چیز را تحویل ایشان دادیم.

در این میان نظر آقای رجایی به واقع چه بود؟ ایشان نمی‌توانست در برابر آن موج مخالفت با حضور شما بایستد؟

می‌دانم که آقای رجایی نسبت به ما حسن‌نیت داشت اما فضای سیاسی در دولت ایشان به شدت در مخالفت با ما بود و نمی‌خواستند که ما سرکار باشیم. آنها با طیف روشنفکران دینی مخالف بودند ولی می‌خواستند که آنها را به کل از عرصه مدیریت کشور خارج کنند. اراده‌ای سیاسی برای این منظور وجود داشت و احتمالاً مرحوم رجایی، توان مقابله با آن فشار را نداشت. سوالی هم درباره جدایی آقای رجایی از نهضت آزادی داشتم. چرا ایشان به همراه جمع دوازده نفره و بعد از انقلاب از نهضت جدا شدند؟ آیا انتقاد خاصی داشتند؟

بعد از انقلاب، چهره‌های اصلی نهضت در دولت موقت مشغول به کار شدند و برخی از دوستان که خارج از دولت بودند به همراه آقای مهندس سحابی نهضت را اداره می‌کردند. آنها روحیه‌ای چپ داشتند و منتقد دولت بودند. برای همین هم در ریاست جمهوری اول از ریاست جمهوری آقای حبیبی حمایت کردند که يك اشتباه تاریخی بود. چرا که مهندس بازرگان می‌خواست نامزد انتخابات بشود ولی با خون‌دل تسلیم مخالفت و رأی این اکثریت نهضت شد. تحلیل امروز ما این است که اگر آقای بازرگان کاندیدا می‌شدند روند اوضاع می‌توانست تغییر کند و خیلی خشونت‌ها که در دوره بنی‌صدر اتفاق افتاد، اتفاق نمی‌افتاد. روی کار آمدن راست‌افراطی در کشور نتیجه عملکرد چپ‌افراطی و خشونت‌های آن سال‌ها بود. اما به هر حال وقتی مجموعه چپ نهضت آزادی و آقای سحابی استعفا دادند و از نهضت خارج شدند، آقای رجایی هم به واسطه رابطه‌اش با آن جمع و آقای سحابی، استعفا داد و آن بیانیه ۱۳ نفره را امضا کرد. مرحوم رجایی روی باورهای خودش پایدار و استوار بود و به لحاظ شخصیتی فردی صادق بود. او باورهای عمیقی به ارزش‌های انقلاب داشت. دولت خود را يك دولت انقلابی و مکتبی توصیف می‌کرد و البته در آن فضا چندان بر تخصص‌گرایی تاکید نداشت.

آیا این تاکید آقای رجایی بر تعهد در برابر تخصص، در قیاس با شعارهای دولت نهم،

حکایت از يك شباهت ریشه‌ای دارد یا يك شباهت ظاهری است؟

این شباهت، صرفاً شکلی و شعاری است. من خصوصیات مرحوم رجایی را با دولت نهم هماهنگ نمی‌بینم. شاید بهترین دفاعیه را در این زمینه خانم رجایی کردند و تفاوت‌ها را توضیح دادند. جریان حاکم در دولت نهم می‌خواهد با فرهنگ مدیریت مکتبی، عملکرد و مشکلات خود را توجیه کند، حال آنکه ۳۰ سال پس از انقلاب و در حالی که نظام جمهوری اسلامی به مرحله استقرار رسیده، دیگر باید از تخصص و ضابطه صحبت کرد. این شعارهایی که امروز داده می‌شود، يك بازگشت بدون منفعت، به گذشته است

خاتمی بهترین فردی است که می‌تواند محور ائتلاف قرار گیرد^۱

رئیس دفتر سیاسی نهضت آزادی ایران به اصلاح‌طلبان پیشنهاد کرد با یک برنامه حداقلی جبهه گسترده‌ای از همه وفاداران به مشی اصلاح‌طلبی را تشکیل دهند.

محمد توسلی در گفت‌وگو با خبرنگار «ایلنا» با اشاره به انتخابات آینده ریاست جمهوری، گفت: انتخابات دور دهم ریاست جمهوری از اهمیت ویژه‌ای در عرصه سیاست داخلی و خارجی برخوردار است.

وی افزود: همه گروه‌های سیاسی و همه افرادی که به سرنوشت ملی پایبند هستند، ضرورت دارد تا در ارتباط با این انتخابات از خود حساسیت نشان دهند و متناسب با شرایط بتوانند در این انتخابات حضور داشته باشند.

این فعال سیاسی با اشاره به تحولات سیاسی کشور، اظهار داشت: تحولات سیاسی کشور در سمت و سویی قرار گرفته است که احساس می‌شود آرمان‌های اولیه انقلاب - که مردم با ایثار و فداکاری خودشان و در راستای مطالبات تاریخی ملت ایران که از انقلاب مشروطه آغاز شده و در نهضت ملی ادامه پیدا کرده است و در سال ۵۷ در شعارهای انقلاب تبلور داشته - در معرض خطر قرار گرفته است.

وی تصریح کرد: در حال حاضر یک نوع بازگشت از آرمان‌های انقلاب را شاهد هستیم و به جای اینکه اراده مردم بر سرنوشت خویش حاکم باشد نهادهای دیگر تصمیم‌سازی می‌کنند و تصمیمات را از پیش اعلام می‌کنند و این هشدار است به تمامی دلسوزان نظام که واکنش جدی نسبت به این پدیده نشان دهند.

توسلی در بخش دیگری از این گفت‌وگو به ارزیابی وضعیت فعلی جریان اصلاح‌طلب پرداخت و گفت: اصلاح‌طلبان ضرورت دارد با یک برنامه حداقلی جبهه گسترده‌ای را شکل دهند و در چنین جبهه‌ای از به خطر افتادن کیان انقلاب و منافع ملی جلوگیری کنند. رئیس دفتر سیاسی نهضت آزادی ایران در ادامه تأکید کرد: در شرایط فعلی بهترین فردی که می‌تواند محور چنین جبهه‌ای قرار گیرد، محمد خاتمی است.

اولین شهردار تهران بعد از انقلاب، با بیان اینکه خاتمی می‌تواند با تدوین یک برنامه حداقلی

^۱گفت‌وگوی محمد توسلی با خبرنگار ایلنا - تهران - خبرگزاری کار ایران - ۱۳۸۷/۶/۱۳

در انتخابات آینده تاثیرگذار باشد، اظهار داشت: خاتمی در این برنامه حداقلی اعلام کند که به قانون اساسی التزام دارد - و هیچ اراده ای غیر از این قانون را نمی پذیرد - و این محوری‌ترین نکته‌ای است که در این برنامه حداقلی باید مورد توجه قرار گیرد.

توسلی افزود: اصلاح طلبان خود را از دایره تنگی که قبلاً برای خود تعریف کرده بودند، خارج کنند تا در یک طیف وسیعی از احزاب و گروه‌های سیاسی و افرادی که به مشی اصلاح طلبی پایبند هستند، بتوانند زمینه حضورشان در انتخابات را فراهم کنند.

وی با تاکید بر اینکه در مقطع فعلی خاتمی باید رسالت تاریخی خود را انجام دهد، اظهار داشت: در صورت حضور خاتمی در انتخابات با شرایط یاد شده در کنار او قرار داریم و امیدواریم خاتمی در این شرایط حساس تاریخی به رسالت خود عمل کند و تحت تاثیر القائاتی که توسط مخالفین انجام می‌شود، قرار نگیرد.

نگاه مثبت اپوزیسیون قانونی به نامزدی محمد خاتمی^۱

گرچه چالش‌ها بر سر ریاست جمهوری دوره‌ی دهم آغاز شده است، اما دو جبهه‌ی سیاسی اصلی کشور - اصلاح‌طلبان و اصول‌گرایان - پیش از آن‌که نامزدهای خود را در مقابل یکدیگر طرح کنند، به مبارزات درونی مشغول هستند.

در این میان، در اردوی اصلاح‌طلبان تحرک بیشتری به چشم می‌خورد و نامزدهای جدی‌تری مطرح شده‌اند.

در حالی که نامزدی آقای حسن روحانی، رییس سابق گروه مذاکرات هسته‌ای، با استقبال زیادی مواجه نشده است، احزاب شاخص اصلاح‌طلب مانند «حزب مشارکت»، «کارگزاران سازندگی» و «مجاهدین انقلاب اسلامی» تأکید خود را بر نامزدی آقای خاتمی، رییس‌جمهور پیشین اعلام می‌کنند.

بخش‌هایی از نیروهای منفرد اصلاح‌طلب بر نامزدی آقای نوری، با سابقه‌ی زندان سیاسی تأکید می‌کنند. اما در عمل، تنها «حزب اعتماد ملی» است که به سرعت و قطعیت، نامزدی دبیر کل خود، آقای مهدی کروبی را برای این سمت اعلام و فعالیت‌های خود را آغاز کرده است.

در صحنه‌ی سیاست ایران نیروهای دیگری نیز وجود دارند که علی‌رغم تفاوت‌ها و تمایزها از یکدیگر، از این نقطه‌ی اشتراک برخوردارند که با وجود حضور دایمی در فعالیت‌های سیاسی، از جانب حاکمیت به رسمیت شناخته نشده‌اند و اجازه‌ی حضور در صحنه‌ی انتخابات را به معنای حق انتخاب شدن، ندارند. اما این، آن‌ها را از تلاش برای حضور در صحنه‌ی سیاسی باز نداشته است.

برای این بررسی، با آقای دکتر هرمیداس باوند از شورای مرکزی «جبهه‌ی ملی»، آقای حبیب‌الله پیمان، از «شورای ملی - مذهبی» و آقای مهندس محمد توسلی از شورای مرکزی «نهضت آزادی ایران» گفت و گو کرده‌ام.

آقای محمد توسلی، عضو شورای مرکزی نهضت آزادی ایران معتقد است:

احتمالاً در انتخابات ریاست جمهوری آینده، تکلیف بسیاری از مسایل سیاسی کشور روشن خواهد شد.

با توجه به تجربه‌ای که در انتخابات گذشته داریم، اگر جریان این انتخابات با همان روند ادامه پیدا کند، طبیعی است که این‌ها عرصه را فقط برای نامزدهای خودی‌شان باز می‌گذارند و

^۱گفت و گوی محمد توسلی با خبرنگار رادیو زمانه - مریم محمدی - ۱۳۸۷/۶/۱۳

از بین آن‌ها هم آن‌چه مورد نظر است، از صندوق‌ها بیرون خواهد آمد. اما به این بستگی دارد که احزاب و گروه‌های اصلاح‌طلب و اپوزیسیون در داخل کشور، با چه آرایشی وارد عرصه‌ی انتخابات شوند. شاید نگذارند این سناریو محقق بشود.

در مورد وجوه مختلف این سه کاندیدا چه فکر می‌کنید؟

دو نگاه به انتخابات ریاست جمهوری آینده وجود دارد. کسانی که تا حدودی نسبت به رفتار حاکمیت بدگمان هستند، معتقدند آقای عبدالله نوری می‌تواند نامزد مطلوبی باشد؛ برای این که به احتمال زیاد ایشان رد صلاحیت خواهند شد. بنابراین انتخابات را تحریم می‌کنند یا در انتخابات شرکت نمی‌کنند.

این یک راهبردی است که جمعی از فعالان سیاسی در ایران - به عنوان یک سیاست راهبردی - دنبال می‌کنند.

نظر شما در مورد این راهبرد چیست؟

ما فکر می‌کنیم گزینه‌ی مطلوب برای تقویت ساختار دموکراسی در ایران و تداوم مبارزه‌ی قانونی در کشور، این است که از ظرفیت‌های مثبت آقای خاتمی استفاده کنیم. بخشی از اصلاح‌طلبان توصیه‌های به حقی به آقای خاتمی دارند که ایشان بایستی از دیدگاه‌های گذشته‌ی خودشان مقداری کوتاه بیایند و آن‌ها را اصلاح کنند. آقای خاتمی بایستی روشن کنند که حکم حکومتی مورد قبول‌شان است یا نه؟

اگر قرار باشد تابع حکم حکومتی باشند، بهتر است در این انتخابات شرکت نکنند. اما اگر بخواهد یک نامزد مستقلی باشد و در راستای منافع ملی و در چهارچوب قانون اساسی عمل بکند، بایستی استقلال فکری بیشتری از خودش نشان دهد تا اصلاح‌طلبان بتوانند در تقابل با انتخاباتی که حاکمیت مدیریت می‌کند، قرار بگیرند.

در مورد کاندیدای حزب اعتماد ملی، آقای کروبی چه طور فکر می‌کنید؟

به عنوان یک سازمان سیاسی، فکر می‌کنیم حق همه‌ی احزاب سیاسی است که نامزد خودشان را داشته باشند.

اما به نظر ما، شخص آقای کروبی و حزب اعتماد ملی باید توجه کنند با توجه به شرایط جامعه‌ی ما، اگر تعدد نامزدها در جبهه‌ی اصلاحات باشد، نتیجه‌ای جز شکست نخواهد داشت. همان تجاربی که ما در انتخابات گذشته شاهدش بودیم.

توصیه‌ی ما به شخص آقای کروی و حزب اعتماد ملی این است که خودشان را با اصلاح‌طلبان هماهنگ کنند.

گرچه ممکن است ایشان در وهله‌ی اول نامزد بشوند و در انتخابات شرکت کنند، اما نهایتاً بایستی تر نامزد واحد اصلاح‌طلبان را با یک ضوابطی که مشخص خواهد شد، بپذیرند تا اصلاح‌طلبان بتوانند در این مرحله نقش مؤثری در جهت تقویت فرایند دموکراسی ایفا کنند.

ضرورت پرسشگری مجلس از رییس دولت نهم^۱

رفتارهای خلاف قانون دولت نهم فراتر از نقض صرف قانون بوده و به عنوان استحاله ماهیت نظام، تضعیف رکن جمهوریت و ایراد خدشه به اصل قانون‌گرایی قابل بررسی و ارزیابی است. آفتاب: محمد توسلی گفت: «متأسفانه، پس از روی کار آمدن دولت نهم، وقایعی رخ داده است که جایگاه دولت را در زمینه‌های مختلف بسیار ضعیف کرده است.

محمد توسلی، رئیس دفتر سیاسی نهضت آزادی ایران، که درباره طرح سؤال از رئیس جمهور توسط نمایندگان مجلس با خبرنگار سیاسی آفتاب گفت و گو می‌کرد، در پاسخ به سؤالی مبنی بر اینکه «اگر شما می‌توانستید از رئیس جمهور سوال‌هایتان را بپرسید چه می‌پرسیدید» با بیان مطلب فوق اظهار داشت: «سؤال‌های ما همان سؤال‌های همیشگی است که به دفعات در نشریه‌ها و مصاحبه‌ها و نامه به رئیس مجلس مطرح کرده‌ایم.»

وی گفت: «سؤال‌های ما چیزی نیست جز موارد متعددی از نقض قانون اساسی و دیگر قوانین که در طول مدت ریاست جمهوری آقای احمدی نژاد صورت گرفته است که فهرست‌وار به برخی از آن‌ها اشاره می‌کنم.

توسلی در ادامه موارد ۱۱ گانه زیر را به عنوان سؤالات اصلی خود از رئیس جمهور مطرح کرد:

۱. نقض آشکار و گسترده اصول فصل سوم قانون اساسی با اعمال محدودیت‌های فراوان برای مطبوعات، احزاب سیاسی و فعالان جنبش‌های مدنی و اجتماعی، مانند برهم زدن مراسم معمول سیاسی، اجتماعی و حتی مذهبی که در دولتهای پیشین بدون ممانعت برگزار می‌شده‌اند.
۲. به مخاطره افکندن امنیت خارجی با تصمیم‌گیریها و اعلام مواضع شعاری فاقد عقلانیت و دشمن‌ساز در عرصه سیاست خارجی، و نیز بی‌اعتنایی به جایگاه مجلس شورای اسلامی در بحران هسته‌ای.
۳. ایجاد بحران عظیم اقتصادی و تورم شدید نسبت به دوران مشابه در سالیان پیش بر اثر اعمال سیاست‌های مالی و پولی خودسرانه مانند افزایش ناگهانی و بدون مجوز نقدینگی

^۱گفتگوی خبرنگار سیاسی آفتاب با محمد توسلی - شنبه ۲۳ شهریور ۱۳۸۷

- در جامعه و اقدام به حذف یارانه‌ها، بدون فراهم کردن پیش‌زمینه‌های لازم و به‌رغم پیش‌بینی‌های مندرج در سند چشم‌انداز بیست ساله و برنامه چهارم توسعه و جلوگیری آشکار از ورود مجلس شورای اسلامی به موضوع.
۴. انحلال سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور و سازمان‌های استانی آن، بدون رعایت الزامات قانونی و دریافت مصوبه‌ی مجلس شورای اسلامی.
۵. ابلاغ خودسرانه بودجه ۱۳۸۷ و کاهش ۶۰۰ ردیف بودجه به ۶۹ ردیف، به‌رغم مصوبه صریح مجلس و نقض اصل ۵۲ قانون اساسی.
۶. ایجاد حساب‌های مالی موازی با خزانه‌ی کشور و صندوق ذخیره ارزی و نقض اصل ۵۳ قانون اساسی که صراحت دارد «کلیه دریافت‌های دولت در حساب‌های خزانه‌داری کل متمرکز می‌شود و همه پرداخت‌ها در حدود اعتبارات مصوب به موجب قانون انجام می‌گیرد»، از طریق پرداخت تسهیلات گوناگون خارج از اعتبارات مصوب و موازین و سازوکارهای نظام بانکی کشور.
۷. بی‌اعتنایی به وظیفه رایبه منظم گزارش به مجلس شورای اسلامی، موضوع اصل ۵۴ قانون اساسی مبنی بر تفریغ بودجه.
۸. بی‌اعتنایی به اصل ۸۰ قانون اساسی و اعطای کمک‌های مالی بی‌عوض به افراد و کشورهای مختلف آمریکای لاتین، در موارد متعدد، بدون اجازه خواستن از مجلس شورای اسلامی.
۹. نادیده انگاشتن اصل ۱۴۱ قانون اساسی، مبنی بر منع تعدد شغل مقامات دولتی، و به کارگیری افراد گوناگون در هیات دولت که دارای سمت‌های متعدد دولتی و حکومتی هستند.
۱۰. بی‌اعتنایی به مخالفت آشکار مجلس با تشکیل صندوق مهر رضا و دور زدن قانون و تشکیل این صندوق از طریق ادغام چند صندوق دیگر.
۱۱. انتصابات نسنجیده در سطح دولت و زیرمجموعه‌های آن که منجر به تغییرات مستمر در سطح کلان مدیریت کشور و بی‌ثباتی آن شده است.
- عضو شورای مرکزی نهضت آزادی گفت: «رفتارهای یاد شده فراتر از نقض صرف قانون بوده و به عنوان استحاله ماهیت نظام، تضعیف رکن جمهوریت و ایراد خدشه به اصل قانون‌گرایی قابل بررسی و ارزیابی است و رئیس‌جمهور باید در این موارد پاسخگوی نمایندگان مردم و فعالان

سیاسی باشد».

توسلی در پایان خاطر نشان کرد: «ما از مجلس می‌خواهیم به عنوان نمایندگان ملت این موارد نقض قانون را طبق اصل ۸۹ قانون اساسی پیگیری کنند».

وی افزود: «بند دوم اصل ۸۹ قانون اساسی به مجلس حق داده است که دولت را در برابر اقداماتی که انجام داده است مورد سؤال قرار دهد، اگر پاسخ دولت قانع کننده باشد به کارشان ادامه خواهند داد و چنانچه این پاسخ‌ها نتوانست مجلس را قانع کند می‌بایست برای قوه مجریه یک فکر اساسی کرد».

ریشه های ناهنجاری های سیاست ورزی در جامعه ما^۱

برای اینکه بخواهیم به تحلیلی از دلایل بروز رفتارهای سیاسی به بلوغ نرسیده در جامعه برسیم لازم است به شرح مولفه های تاثیرگذار در بروز چنین مشکلاتی پرداخته شود.

جامعه ای دچار رفتارهای سیاسی ناپخته، اهانت آمیز و دعوای لفظی و دشنام پردازی سیاسی می شود که به لحاظ ساختاری هنوز به پایداری در آموزه های توسعه یافتگی و مدنیت دست نیافته باشد. می توان به اختصار از فرهنگ استبدادی، نبود جریان آزاد اطلاعات، نبود احزاب و نهاد های مدنی توانمند و امکان جابه جایی قانونمند فرآیند قدرت و نظایر اینها به عنوان عوامل تاثیرگذار در بروز رفتارهای سیاسی ناپخته نام برد.

در عالم سیاست افراد غالباً از دو روش برای دستیابی به اهداف مورد نظرشان بهره می جویند. یکی اینکه خودشان را تعالی بخشند و دیگری روش تخریبی است که فرد چون نمی تواند به آن حس از رشد و تعالی برسد بنابراین در پی تخریب دیگران و به ویژه رقبایی است که همراه او به میدان سیاست ورزی وارد شده اند.

این گروه به برنامه ریزی برای ایجاد جنگ روانی برای رقیب خود اقدام می کنند، روش هایی که این روزها در جامعه ما نیز شاهد بروز آن هستیم.

جامعه ای که گرفتار چنین رویه ای در میان سیاستمداران خود می شود جامعه ای توسعه یافته نیست چنانچه در کشورهای توسعه یافته، قدرتمندی ساختارهای قانونی مانع از آن می شود که افراد به این شکل نسبت به تخریب رقبای سیاسی خود عمل کنند. البته نمی شود منکر وجود برخی درگیری ها و مشکلات گروهی در کشورهای توسعه یافته شد، چنانچه در انتخابات اخیر آمریکا هم شاهد هستیم که گروه های رقیب چگونه با هم برخورد می کنند اما سطح این نوع تعاملات خارج از قاعده در کشورهای توسعه نیافته غالباً هنجار گسیخته و ملموس تر است.

گروهی که در پی تخریب رقیب سیاسی خود بر می آید به نوعی به آموزه های ماکیاولی پناه می برند، و از هر وسیله ای برای نیل به هدف مورد نظر بهره می جوید. البته مارکسیست ها بر همین روش می روند و غالباً بر این باورند که هدف وسیله را توجیه می کند و می توان به هر روشی به هدف مورد نظر دست یافت. اما در معارف و آموزه های دینی هدف وسیله را توجیه

^۱گفت و گوی خبرنگار شهروند امروز با محمد توسلی - این گفت و گو برای شهروند امروز تنظیم شد اما به چاپ نرسید. - مهر ۱۳۸۷

نمی‌کند و ما نمی‌توانیم از هر وسیله‌ای برای نیل به هدف استفاده کنیم.

حالا اگر بخواهیم سطح تحلیل خود از مفهوم تخریب شخصیت سیاسی را به مرزهای داخلی ببریم و بخواهیم قدری مصداقی‌تر در این زمینه سخن بگوییم باید بر این نکته تاکید کرد که روند داخلی سیاست در جامعه ما در این حوزه بسیار پراسیب است.

حالا اگر بخواهیم برخورد سیاسی خارج از قاعده و عرف برخی گروه‌های محافظه‌کار را هم در این میان مرور نکنیم، وارد همین حیطه اصلاح طلبان هم که شویم می‌بینیم که رویکرد و منش روشنفکران ما در برخورد و ابراز نظر درباره برخی چهره‌ها شفاف نیست. برخی معتقدند که آمدن خاتمی می‌تواند در شرایط خطیر کنونی مشکلات جامعه را حل کند و ابتدا از آمدن او استقبال می‌کنند اما در جایی دیگر سخنی دیگر از آن فرد می‌شنویم. این نوع موضع‌گیری‌های دوگانه در طی تاریخ صدمات جبران‌ناپذیری به تحولات اجتماعی ما وارد کرده است و موجب کاهش اعتماد و بی‌اعتمادی مردم در سطح جامعه شده است. افراد و شخصیت‌های سیاسی در فرصتی تلاش می‌کنند که فردی را به میدان بیاورند و نوع نگاهشان به کنشگران سیاسی نوعی نگاه ابزارگونه است و تقریباً برخی اوقات سناریوهایی را از پیش به همین منظور طراحی می‌کنند. اما اینکه چرا باید روشنفکران ما نیز به مانند عامه مردم گاه در دام این اشتباه بیفتند نکته‌ای است که باید ریشه‌های آن را در تاریخ اجتماعی سیاسی ایران جستجو کرد.

ما نمی‌توانیم منکر فرهنگ استبدادی در پدیدآوری چنین خلق و خویی شویم که عامه و نخبه جامعه ما در آن پرورش یافته‌اند و خروج از ساختارهای نهادینه آن برای افراد کار دشواری است چرا که در مواقعی ریشه‌های این فرهنگ سیاسی استبدادی در ناخودآگاه اندیشه افراد رخنه کرده و در برخی مواقع زمینه ظهور و بروز پیدا می‌کند.

الگوی رفتار و عمل سیاسی افراد و گروه‌ها در جامعه باز و بسته به ویژه در کارزارهای انتخاباتی بسیار متفاوت است به شکلی که فرد در جامعه باز به خاطر اینکه جریان آزاد اطلاعات در سطح روابط جامعه وجود دارد می‌تواند انتقاد کند و اگر بخواهد در مواقعی از چارچوب خارج شود پیامد منفی آن به خود او برمیگردد.

در جامعه باز با وجود اینکه فضا برای نقد و رایه آزاد گفتمان‌های رقیب وجود دارد اما افراد یا گروه‌های سیاسی بر اساس ضوابط تعریف شده نمی‌توانند از هر روشی استفاده کنند اما در جوامع بسته عوام زدگی مشکلی کلیدی است و از آنجا که توده جامعه نیز آگاه نیست گروه‌های

سیاسی به سمت استفاده از روش های ماکیاولی و نامتعارف در رفتار سیاسی خود می روند و فضای رقابت را غیرهمسان و آلوده می کنند.

متأسفانه اگر باز هم بخواهیم به سطح جامعه خود برگردیم و همین ماجرا را در این چارچوب بررسی کنیم به نتایج نه چندان جالبی دست خواهیم یافت. ما ۳۰ سال پیش انقلاب کردیم و در آن زمان انتظار بر این بود که جامعه ای به نسبت ایده ال در حوزه های اخلاق و سیاست ورزی داشته باشیم اما حالا نتیجه این خواست منطقی که با انقلاب ۵۷ شکل گرفت چه شده است؟ می بینیم که ارزش های اخلاقی مورد تاکید نظام به حاشیه رفته اند و دو دوزه بازی و ریاکاری جامعه را فرا گرفته و به ویژه فکر کنید این سطح از بی اخلاقی در عالم سیاست چه مشکلاتی را برای مردم به وجود می آورد و تا چه میزان آستانه اعتماد آن ها را نسبت به گروه های سیاسی فرو می کاهد.

هنوز هم روزنامه کیهان بعد از این همه سال بر طبل روش های پوسیده تخریب شخصیت ها می کوشد و همچنان از سیاست ”برچسب زنی” به افراد استفاده می کند چنانچه هنوز هم ”نهیضت آزادی ایران” از سوی این رسانه ”گروهک” خطاب می شود. بنابر این ما در مدل نقد رقیب و در مدل برخورد رقابتی در حوزه سیاست طی این همه سال نه تنها به روش های مدنی پناه نبرده ایم که به کل از شیوه های متعالی که اسلام پیش پایمان گذاشته نیز عبور کرده ایم. دلایل و زمینه های چنین رفتاری به گمانم بیش از دیگر موارد، خلق و خوی و رفتار ناشی از فرهنگ استبدادی و نبود جریان آزاد اطلاعات در تقویت حوزه های غیر اخلاقی در جامعه تاثیرگذار بوده است.

افراد جامعه ما اعم از سیاستمدار، روشنفکر و افراد عادی باید در فرصت پیش رو به تقوا رو بیاورند. تقوای دینی، سیاسی و حتی تقوای اجتماعی. تقوا می تواند به مهار کردن آن جنبه های نفسانی روابط انسانی که گاه به مرز اهانت و توهین و بی اخلاقی می رسد پایان دهد. برای همین منظور مناسبت دارد که رفتار تاریخی مردمان مان را در برهه هایی از تاریخ یادآوریشود، دهه ۳۰ در فرصت ۲۸ ماهه دولت دکتر مصدق فضای به نسبت آزاد و دموکراتیکی در کشور به وجود آمد در همین شرایط بود که می بینیم مردم ما معقول تر از سایر دوره ها عمل می کنند.

بعد وارد تاریخ انقلاب ۵۷ می شویم. در این دوران نیز تحول چشمگیری در روحیات و رفتار مردم شکل گرفت که بر اساس آن شاهد بودیم که نوعی آرامش، روحیه فداکاری و ایثار در

سطح جامعه پدید آمد. اعتماد و صداقتی که افراد آن روز نسبت بهم و دولتمردان داشتند کاملاً با آنچه امروز می بینیم متفاوت است.

در جمع بندی موضوع باید گفت که نبود ساختار قانونمند و دموکراتیک طی سال های اخیر در ایران مانع از رشد و توسعه احزاب سیاسی و نهاد های مدنی به تبع منش و رفتار سیاسی افراد جامعه شده است به شکلی که افراد و گروه ها به راحتی از ابزار تخریب استفاده می کنند. البته در هیچ بخش از تحلیل این آسیب اجتماعی و سیاسی نمی توان منکر تاثیرگذاری پررنگ فرهنگ استبدادی در روحیه فرد ایرانی شد.

سخنرانی شب ۲۱ رمضان در زنجان^۱

نگاه علی به حکومت

رئیس دفتر سیاسی نهضت آزادی ایران در جمع اعضاء و علاقه‌مندان واحد زنجان طی سخنانی اظهار داشت بهترین عبادت در شبهای قدر طرح بحثهای علمی و آگاهی بخش است زیرا همان طور که از پیامبر اسلام نقل شده است يك ساعت تفکر بهتر از هفتاد سال عبادت است. از این رو با توجه به نیازهای امروز جامعه ما، در مورد نگاه علی(ع) به حکومت سخن می‌گویم.

مهندس توسلی اظهار کرد: با توجه به اینکه نظام جمهوری اسلامی ما نیز مدعی پیروی از روش علی در حکومت هستند این بحث می‌تواند آگاهی بخش باشد. اما قبل از ورود به این بحث مقدمه‌ای اضافه می‌کنم تا ابتدا نسبت خود را با امام علی تعریف کنیم. برای این منظور ابتدا به جایگاه پیامبر اسلام(ص) که در قرآن توصیف شده اشاره می‌کنم.

توسلی ادامه داد همه‌ی ما می‌دانیم که پیامبر اسلام حامل وحی و پایه گذار مکتب اسلام است و این شأن درجای جای قرآن مورد تکریم قرار گرفته است: خدا و فرشتگانش بر پیامبر او درود و رحمت می‌فرستند و به مومنین نیز توصیه شده است به او درود و رحمت فرستند و تسلیم کامل او باشند. در عین حال خدا تاکید می‌کند: بگو من فقط بشری همچون شما هستم باین تفاوت که به من وحی می‌شود. در جای دیگری قرآن تاکید می‌کند که پیامبر برای شما الگو و آسوه هست. در نمازهای یومیه نیز مرتب تکرار می‌کنیم که "شهادت می‌دهم که محمد بنده و رسول خداست". همه این تاکیدها برای این ضرورت است که ما در ذهن خود جایگاه دیگری برای محمد(ص) تصور نکنیم.

وی ادامه داد: اما نسبت ما با علی که شاگرد اول این مکتب است بر اساس همان نسبتی که با پیامبر داریم، تعریف می‌شود. علی خود می‌گوید: من شاگرد کوچکی از شاگردان محمد هستم و پیامبر نیز می‌گوید "انا مدینه العلم و علی بابها".

مهندس توسلی با اشاره به اینکه شخصیت علی(ع) آنچنان والاست که نه تنها شیعه بلکه پژوهشگران سنی و مسیحی شخصیت والای او را در کتابهایشان توصیف کرده‌اند و او را صدای عدالت انسانیت خوانده‌اند.

^۱گزارش سخنرانی محمد توسلی در مراسم شب ۲۱ ماه مبارک رمضان در جمع اعضاء و علاقه‌مندان نهضت آزادی ایران - ۱۳۸۷/۷/۱

وی در ادامه بحث به نگاه امام علی به حکومت پرداخت و گفت: برای این منظور سه دوره از زندگی سیاسی علی را بعد از رحلت پیامبر مورد بررسی قرار می دهیم.

دوره اول: ۲۵ سال خانه نشینی علی پس از فوت پیامبر

در این دوره به رغم اینکه علی خود را شایسته تر از دیگران برای حکومت می داند و اعتراض خود را به جمع سقیفه برای انتخاب ابوبکر و منصوب شدن عمر توسط ابوبکر و سرانجام انتخاب عثمان توسط شورای خلافت اعلام داشته است، اما همانگونه که خود تصریح کرده است با هر سه خلیفه بیعت کرده و همواره به نقد و نصیحت مشفقانه آنها پرداخته است.

محمد توسلی اضافه میکند: علی خود به هنگام بیعت با عثمان می گوید: "شما می دانید که من برای زمامداری از هر کس دیگر سزاوارترم. به خدا قسم من خلافت را رها می کنم بخاطر اینکه امور مسلمین سالم بماند" (خطبه ۷۳). تاریخ گواه این واقعیت است که علی در طول ۲۵ سال خانه نشینی خویش هرگز به فکر تدارک سازوکاری برای احقاق حق خود برای حذف سه خلیفه از طریق ایستادگی در مقابل آنها نبوده است.

دوره دوم: نحوه پذیرش مسئولیت زمامداری پس از کشته شدن عثمان

توسلی گفت: پس از کشته شدن عثمان مردم تشنه عدالت به خانه علی هجوم بردند و خواستند که علی زمامداریشان را بپذیرد. در این شرایط که علی خود را محق می دانست با ملاک های معمول علی باید از این درخواست مردم استقبال می کرد و سوار بر موج احساسات مردم می شد. اما علی به آنها گفت: "مرا رها کنید و دیگری را برگزینید" و اطمینان داد که در این صورت همانند یک فرد عادی شنواترین و مطیع ترین عضو جامعه نسبت به کسی که به ولایت انتخاب کنند خواهد بود.

پس از پافشاری مردم، علی به شعاردهنده گان گفت: "عجله نکنید مهلت دهید همه جمع شوند و با یکدیگر مشورت کنند". سر انجام پس از اعراض از قبول مسئولیت وقتی اصحاب بدر و مهاجرین و انصار در جمع حاضر شدند و با علی بیعت کردند (اجماع نخبگان و عامه مردم)، علی زمامداری مردم را به استناد رأی آزاد و آگاهانه مردم در آن شرایط پذیرفت (خطبه ۳). علی شرایط این بیعت را در نامه ای خطاب به مردم کوفه اینچنین توضیح می دهد: "مردم نه باکراه و اجبار، بلکه با طوع و رغبت و اختیار با من بیعت کردند" (خطبه ۱۹۶).

توسلی رئیس دفتر سیاسی نهضت آزادی ایران اضافه کرد که علی (ع) جز از طریق یک

انتخابات آزاد، سالم و آگاهانه مردم، در شرایط اجتماعی آن دوران، حاضر به پذیرش زمامداری مردم نشد.

دوره سوم: دوران ۵ سال حکومت علی (ع)

توسلی توضیح داد که روش علی در حکومت این دوران بهترین الگو برای همه کسانی است که دنبال حکومت مردمسالار هستند که در آن حقوق و آزادی و حق شهروندی مردم بطور کامل رعایت می‌شود. وی اضافه کرد جامعه ما بیشتر از هر زمان دیگر در جستجوی "ارزشهای" دوران حکومت علی است.

محمد توسلی بانقل قسمت هایی از خطبه های ۴۱ و ۲۰۷ نهج البلاغه افزود: علی به پیمان خود با مردم همواره پایبند بود. هیچ گاه به مردم دروغ نگفت، همیشه با مردم صادق بود، وسیله هدف را برای او توجیه نمی کرد، برای حفظ قدرت خود از مردم سلب آزادی نمی کرد. علی (ع) از فریبکاری حاکمان به مردم هشدار می داد و می گفت: "ای مردم، وفا همزاد و هم‌ریشه راستی است و من سپری محکم تر و نگاهدارنده تر از وفا نمی شناسم. کسی که از چگونگی بازگشت خویش آگاه است نیرنگ نمی زند." علی می گفت: "برای من که بر شما حکومت می کنم حقی است بر شما و برای شما نیز حقی است بر من مانند حقی که بر شما دارم"، "با من بگونه ای که با دیکتاتورها سخن می‌گویند سخن نگویند"، "در برابر من از حق گویی یا ارایه نظر مشورتی که به تحقق عدالت بینجامد خودداری نکنید، چرا که من از خطا مبرا نبوده و از اشتباه در کار خویش هم ایمن نمی باشم مگر اینکه خدای، که او بر رفع آن خطا از من توانا تر است، مرا از آن حفظ کند".

محمد توسلی در جمع بندی شرایط سیاسی-اجتماعی این دوره گفت: حتی مخالفان علی (ناکثین، قاسطین و مارقین) از آزادی کامل برای اظهار نظر، فعالیت و تشکیل اجتماع برخوردار بودند. هیچکس به عنوان مخالف علی حتی توهین کنندگان علنی به وی بازداشت و زندانی نشدند. اصولاً جرم سیاسی به مفهوم امروزی وجود نداشته است. حتی با مخالفانی که شمشیر بر روی علی کشیده اند، آغاز گر جنگ نبوده است و برای راهنمایی و هدایت آنان و اتمام حجت ابتدا از روش گفت و گو و هدایت استفاده می‌کردند.

توسلی در پایان این جلسه به پرسش و پاسخ پرداخت و در مورد انتخابات اظهار داشت: انتخابات ریاست جمهوری دهم از جهات مختلف از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. احزاب،

گروها و فعالان سیاسی نیز حساسیت بیشتری در این دوره نشان داده اند. اولین دلیل عملکرد دولت نهم در عرصه داخلی و خارجی است. دومین دلیل شریطی است که انتخابات گذشته برگزار شده است. سومین دلیل نگرانی از اظهارات نهادهای قدرت است که تمایل خود را بطور شفاف و علنی برای ادامه حضور دولت نهم اعلام کرده اند.

در چنین شریطی است که بسیاری از احزاب و گروه ها و فعالان سیاسی نسبت به انتخابات پیش رو حساسیت نشان داده اند تا در مقابل این انحراف جدی بایستند. نهضت آزادی ایران بر این باور است که در شریط کنونی همه احزاب و گروه هایی که خط مشی اصلاح طلبی دارند باید در یک جبهه گسترده در چارچوب یک برنامه حداقلی که مورد توافق قرار می گیرد در این انتخابات حضور پیدا کنند. در بین نامزدهای مطرح آقای محمد خاتمی با اولویت می تواند محور این ائتلاف قرار گیرد.

آقای خاتمی یا هر کس دیگری که بخواهد محور این ائتلاف قرار گیرد ابتدا باید با تمام گروه های با خط مشی اصلاح طلبی گفتگو کند و یک برنامه حداقلی که مورد توافق باشد ارایه کند. در صورتی که نامزد اصلاح طلبان نتواند در این انتخابات موفق بشود حداقل یک جنبش اجتماعی شکل گرفته و این جنبش می تواند اهداف خود را بعد از انتخابات ادامه دهد.

وی ادامه داد: رد صلاحیت آقای خاتمی هزینهی بسیار سنگینی برای حاکمیت دارد و در واقع با این اقدام فاتحه رکن جمهوریت نظام جمهوری اسلامی ایران بطور کامل خوانده خواهد شد.

وی در پاسخ به سئوالی که آیا با وجود ولایت فقیه انتخابات آزاد در ایران می تواند شکل بگیرد توضیح داد: ما باید به قانون اساسی التزام داشته باشیم. در اصل ۱۱۰ قانون اساسی اختیارات ولی فقیه مشخص شده است. ما بر اساس اصول فصل سوم، پنجم و هفتم از حقوق اساسی ملت دفاع می کنیم. به نظر کارشناسان حقوقی اصل ۵۶ قانون اساسی که رای مردم را منشاء قدرت در جمهوری اسلامی می داند باید مبنای تفسیر سایر اصول قانون اساسی قرار گیرد. ایشان در پاسخ به سئوال دیگری در مورد انتخابات نهم اظهار داشت: در انتخاب دوره نهم رأی ما به آقای هاشمی رأی اعتراض به احمدی نژاد بود. این یکی از شیوه های رأی دادن و ابراز اعتراض در کشورهای دموکراتیک است.

مهندس توسلی در خصوص علل منسجم نبودن اصلاح طلبان خاطر نشان کرد: چون ما یک

کشور در حال توسعه هستیم و حضور پیامد های فرهنگ استبدادی، احزاب ما ریشه دار نیستند. مثلاً شما ببینید که بعد از انقلاب با نهضت آزادی ایران به عنوان يك حزب ریشه دار که در مدیریت انقلاب هم حضور داشته چه کرده اند و نیازی نیست که من توضیح بیشتری بدهم. هنوز هم کسانی در کمیسیون ماده ۱۰ احزاب مخالف صدور پروانه برای نهضت هستند، حزبی که پایه گذارانش مهندس بازرگان، آیت... طالقانی و دکتر سحابی هستند و در طول چند دهه با يك خط مشی منسجم و پاسخگو عمل کرده است. حتی با احزاب اصلاح طلب که بعضاً از درون قدرت شکل گرفته اند چگونه برخورد می کنند؟ صلاحیت آنها را بطور گسترده در انتخابات رد می کنند، آنها فاقد روزنامه هستند. در چنین شرایطی طبیعی است که احزاب نتوانند سازمان دهی کنند، نیرو جذب کنند و فعالیت منسجم داشته باشند.

عضو شورای مرکزی نهضت آزادی ایران پیرامون سئوالاتی که در مورد نهضت آزادی ایران و استعفای مهندس بازرگان از دولت موقت بود بیان داشت: اگر مهندس بازرگان استعفا نمی داد پیامد آن چه می شد؟

بنده نمی خواهم بگویم مهندس بازرگان علی (ع) است اما می گویم مهندس بازرگان پیرو روش علی است. این حرف یعنی مهندس باید رأی شورای خلافت را می پذیرفت. مهندس بازرگان در خاطرات خود می گوید ما در شرایطی مسئولیت داشتیم که فقط دسته چاقو در دست ما ولی تیغه آن در دست دیگرانی بود که مسئولیت نداشتند. بازرگان نمی توانست اعتقادات خود را کنار بگذارد و بگوید به کار دولت ادامه می دهم.

ایشان در توضیح این که نهضت آزادی ایران چقدر پایگاه مردمی دارد گفت: باید به این سؤال پاسخ گفت، که اگر نهضت آزادی ایران در حد يك وانت است و اندیشه آن در جامعه ما پایگاهی ندارد چه دلیلی وجود دارد که در طول ۳۰ سال گذشته این همه محدودیت و فشار بر آن اعمال کرده اند. اینهمه وحشت برای حزبی که پایگاه مردمی ندارد برای چیست؟ مهندس توسلی در مورد اصل ۱۱۰ قانون اساسی گفت: ما به قانون اساسی التزام داریم ولی التزام به معنای اعتقاد نیست.

وی در پایان اظهار داشت یأس و ناامیدی در معارف دینی ما جایی ندارد و ما تحت هیچ شرایطی نباید مأیوس شویم و رفتار خود را باید به الگوی علی نزدیک کنیم. حتی خود علی هم در نهج البلاغه می گوید شما نمی توانید عین من باشید ولی تلاش کنید.

با شکل‌گیری جبهه فراگیر اصلاح‌طلبان و آمدن خاتمی، جنبشی فراگیرتر از دوم خرداد شکل می‌گیرد^۱

به گزارش «موج سوم»، رییس دفتر سیاسی نهضت آزادی ایران که در مراسم افطاری شاخه جوانان نهضت آزادی ایران با حضور فعالان جوان احزاب و گروه‌های اصلاح‌طلب سخن می‌گفت، تأکید کرد: به اعتقاد من، اگر آقای خاتمی محور جبهه فراگیر اصلاح‌طلبان شوند، گروه‌هایی مثل ادوار تحکیم و خود آقای عبدالله نوری هم به این جریان خواهند پیوست.

محمد توسلی گفت: نیروهای سیاسی می‌توانند در بزنگاه‌های سیاسی خاص و ایام انتخابات نشان دهند که در عمل به چه میزان منافع ملی را بر منافع شخصی و گروهی خود مقدم می‌دارند. به گزارش خبرنگار «موج سوم»، رییس دفتر سیاسی نهضت آزادی ایران که در مراسم افطاری شاخه جوانان نهضت آزادی ایران با حضور فعالان جوان احزاب و گروه‌های اصلاح‌طلب سخن می‌گفت، تأکید کرد: «گروه‌های مختلف اصلاح‌طلب هر تحلیلی از وضعیت کشور داشته باشند، در نگرانی نسبت به آینده منافع ملی اشتراک نظر دارند و همین نگرانی می‌تواند محوری باشد برای ارتباط و همفکری و همراهی بیشتر این نیروها و هیچ بهانه‌ای نباید در چنین شرایطی مانع از ائتلاف فراگیر نیروهای اصلاح‌طلب شود.»

وی افزود: «برای ائتلاف نیز باید به جای «همه با من»، از «همه با هم» سخن بگوییم و به اخلاق گفتگو و ائتلاف سیاسی پایبند باشیم. انتخابات پیش رو فرصت بسیار مناسبی برای شکل‌گیری این ائتلاف با محوریت آقای خاتمی است؛ البته نزدیکان آقای خاتمی هم می‌توانند با تغییر پاره‌ای روش‌ها به شکل‌گیری و تداوم چنین ائتلافی کمک کنند.»

وی در ادامه خطاب به فعالان جوان احزاب اصلاح‌طلب کشور گفت: «شما می‌توانید برای تسهیل ائتلاف فراگیر و زدودن حاشیه‌های عاطفی و مشکلات تاریخی و خاطرات و اختلافاتی که عمدتاً تحمیلی بوده‌اند و مانع همفکری‌های آتی هستند، نقش مهمی ایفا کنید؛ همان‌طور که سازمان دانشجویان دانشگاه تهران در دهه ۴۰ توانست دیدگاه پاره‌ای از رهبران جبهه ملی را تغییر دهد.»

^۱ سخنان مهندس محمد توسلی در مراسم افطار شاخه جوانان نهضت آزادی ایران - شنبه ۶ مهر ۱۳۸۷

توسلی گفت: «جبهه گسترده اصلاح طلبان به محملی برای گفتگوی اصلاح طلبان تبدیل خواهد شد و می تواند با محوریت آقای خاتمی شکل بگیرد و همه گروه ها و احزاب اصلاح طلب احساس کنند در این جبهه حضور دارند. به اعتقاد من، اگر آقای خاتمی محور چنین جبهه ای شوند، حتی گروه هایی مثل ادوار تحکیم که از آقای عبدالله نوری حمایت می کنند هم به این جریان خواهند پیوست.»

عضو ارشد نهضت آزادی ایران خاطرنشان کرد: «وجوه مشترک گروه های تشکیل دهنده این جبهه می تواند مبنایی باشد برای رسیدن به برنامه ای حداقلی برای انتخابات ریاست جمهوری و پس از آن.»

توسلی افزود: «به نظرم اگر با کمک جوانان احزاب، چنین همگرایی ای ایجاد شود، آقای خاتمی برای انتخابات ریاست جمهوری نامزد خواهند شد و جنبشی فراگیرتر از دوم خرداد ۱۳۷۶ ایجاد می شود؛ چراکه شرایط کنونی جامعه ما بسیار مناسب تر از ۱۲ سال پیش است. خاتمی می تواند با حضور در انتخابات با اتکا به چنین ائتلاف و جنبشی ما را به تحقق آرمان های انقلاب اسلامی نزدیک کند.»

در این مراسم، نمایندگان جبهه مشارکت، حزب کارگزاران، «پویش (کمپین) دعوت از خاتمی»، ادوار تحکیم، شورای مرکزی دفتر تحکیم و تعدادی از انجمن های اسلامی دانشگاه های کشور حضور داشتند و پیش از سخنان محمد توسلی به طرح دیدگاه های خود در باب مسائل جاری کشور و انتخابات ریاست جمهوری پیش رو پرداختند.

تاریخ را تحریف نکنید^۱

رئیس دفتر سیاسی نهضت آزادی ایران گفت: آیت الله طالقانی از بنیانگذاران نهضت آزادی بود و تا آخرین لحظات عمرش از دولت موقت و نهضت حمایت می‌کرد.

محمد توسلی در گفت و گو با خبر نگار "ایلنا" در واکنش به مصاحبه اخیر خواهر مرحوم طالقانی با هفته نامه "شما" که گفته بود "برادرم از نهضت آزادی متنفر بود" با رد اینگونه مطالب، اظهار داشت: آیت الله طالقانی از پایه‌گذاران و از اعضای موسس نهضت آزادی بود و به همراه مرحومان مهندس بازرگان و دکتر سحابی قبل از اینکه نهضت تشکیل شود حدود ۲۰ سال کار فرهنگی متمرکز که زمینه ساز تشکیل یک حزب ملی - اسلامی است، انجام داد.

وی افزود: در شرایط ویژه سال ۱۳۴۰ که فعالان مسلمان هویت تشکیلاتی نداشتند و انتقاداتی هم به خط مشی سیاسی جبهه ملی دوم وارد بود، نهضت آزادی شکل گرفت.

این فعال سیاسی در توضیح چگونگی شکل‌گیری نهضت آزادی ایران گفت: بنیانگذاران تفکر روشنفکری دینی بعد از شهریور ۱۳۲۰ در شرایط فضای سیاسی سال ۱۳۴۰ به منظور هویت تشکیلاتی بخشیدن به فعالان سیاسی مسلمان به ویژه اعضا و فارغ‌التحصیلان انجمن اسلامی دانشجویان، نهضت آزادی ایران را تشکیل دادند و مرحوم طالقانی از موسسین و بنیانگذاران آن بود.

وی تصریح کرد: بیانیه‌ای که آیت الله طالقانی در هنگام عضویت در نهضت آزادی منتشر کرد، خط بطلانی است بر تحریف‌کنندگان تاریخ و این بیانیه در اسناد نهضت موجود است و علاقه‌مندان می‌توانند با مراجعه به سایت نهضت آزادی این بیانیه تاریخی را مطالعه کنند.

توسلی با اشاره به بازداشت مرحوم طالقانی همراه با سران نهضت که در سوم بهمن ۱۳۴۱ صورت گرفت، اظهار داشت: بعد از آزادی اعضای نهضت از زندان طبیعی بود که در داخل کشور امکان فعالیت میسر نباشد برای همین نهضت آزادی ایران خارج از کشور فعالیت خودش را ادامه داد. ولی مرحوم طالقانی به همراه دیگر دوستان همیشه از مواضع نهضت حمایت می‌کردند.

وی با مخاطب قرار دادن خواهر مرحوم طالقانی، اظهار داشت: با توجه به اینکه سوابق تاریخی نشان دهنده این است که مرحوم طالقانی از پایه‌گذاران نهضت آزادی بودند آیا این

^۱ واکنش مهندس محمد توسلی به مصاحبه خواهر مرحوم طالقانی و توصیه به موقوفه اسلامی - تهران - خبرگزاری کار ایران - ۱۳۸۷/۷/۸

اطلاعاتی که از قول ایشان در هفته نامه "شما" منتشر شده است آیا به صورت خصوصی به ایشان گفته شده است؟ چگونه این اطلاعات را بعد از ۲۹ سال از وفات مرحوم طالقانی مطرح می‌کنند؟ رئیس دفتر سیاسی نهضت آزادی ایران در ادامه تاکید کرد: فرزندان مرحوم طالقانی مخصوصاً سرکار خانم اعظم طالقانی از شاهدان زنده‌ای هستند که می‌توانند در خصوص مناسبات آیت الله طالقانی با نهضت آزادی شهادت دهند.

وی با اظهار تاسف از اینکه به خاطر برخوردهای سیاسی، حزب موتلفه مبادرت به انتشار مطالب خلاف واقع در ارگان رسمی‌شان می‌کنند، گفت: جای تاسف است که سیاست‌گذاران نشریه هفتگی «شما» بدون تحقیق و بدون سوال از فرزندان مرحوم طالقانی و مسوولان نهضت آزادی اینگونه واقعیات تاریخی را از قول فردی که به دلیل کهولت سنی، حافظه تاریخی مناسبی ندارد، تحریف می‌کنند.

توسلی تصریح کرد: از دبیر کل محترم حزب موتلفه و دیگر دوستان این حزب که در سال‌های قبل از انقلاب با اعضاء نهضت در زندان بودند و با خصوصیات نهضت آزادی ایران آشنا هستند، انتظار می‌رفت از انتشار مطالب خلاف واقع در ارگان رسمی خود جلوگیری کنند. وی با بیان اینکه این نشریه در هفته‌های قبل نیز مبادرت به تحریف تاریخ کرده بود، گفت: هفته نامه "شما" در هفته‌های قبل نیز ادعا کرد شهید رجایی عضو نهضت آزادی نبوده است بلکه از اعضای حزب موتلفه بوده است که این ادعا نیز تحریف تاریخ است.

توسلی به حزب موتلفه توصیه کرد که با انتشار مطالب خلاف واقع به اعتبار تاریخی این حزب لطمه نزنند.

گفتنی است در شماره اخیر هفته نامه "شما" ارگان حزب موتلفه اسلامی مصاحبه‌ای با خواهر مرحوم طالقانی انجام شده است که وی در این مصاحبه گفته است: «برادرم از نهضت آزادی متنفر بود».

شروطی با هدف اخذ موافقت نهادهای قدرت راهبردی نیست^۱

رئیس دفتر سیاسی نهضت آزادی ایران با اشاره به شروط سید محمد خاتمی برای اعلام نامزدی در دهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری تاکید کرد که محقق شدن شرط اول ایشان در این مرحله نیازمند تشکیل يك جبهه فراگیر اصلاح طلبی و جلب حمایت احزاب و گروه ها و فعالان سیاسی - اجتماعی است و در مرحله رأی دادن میزان آراء مردم در حمایت از برنامه ایشان است، برای تحقق شرط دوم نیز ضروری است ایشان بیش از منابع قدرت حاکمان، به پشتیبانی نیروهای سازمان یافته مردمی تکیه کنند.

حجت الاسلام والمسلمین سید محمد خاتمی چندی پیش در دیدار با مدیرعامل و دبیران خبرگزاری ایلنا، دو پیش شرط خود را برای ورود به عرصه انتخابات - با عبور از پیش شرط سلامت انتخابات - «تفاهم با ملت بر سر خواسته‌هایشان» و «امکان عملی شدن برنامه‌هایش» اعلام کرد.

در همین حال محمد توسلی رئیس دفتر سیاسی نهضت آزادی با بیان اینکه «شروطی که آقای خاتمی برای اعلام نامزدی خود مطرح کردند نیاز به بررسی بیشتری دارد» در گفتگو با خبرنگار «فرارو» گفت: «شرط اول ایشان بحث گفتمانی است که ایشان می خواهند با مردم داشته باشند یعنی اینک اگر من می خواهم نامزد شوم بایستی بر سر این گفتمان با مردم ایران به تفاهم برسم، محور گفتمان ایشان هم بحث آزادی، پیشرفت، عدالت و سازگاری با ارزشهای دینی است و در جمع بندی هم تاکید می کنند که گفتمان قالب و اصلی اصلاح طلبی هم همین گفتمان است.» وی افزود: «بنده چند نکته در این باره باید عرض کنم: نخست آنکه گفتمان اصلاح طلبی علاوه بر آزادی و عدالت و ارزشهای فرهنگی و بومی ما که همان ارزشهای ملی و دینی ما است به يك محور دیگر هم بایستی تاکید شود که همان حاکمیت قانون و قانون مداری است که خود ایشان نیز قبلا بر این نکته تاکید داشته اند.»

توسلی تصریح کرد: «در واقع این گفتمان نوعی پیگیری مطالبات تاریخی ملت ایران در انقلاب مشروطه، نهضت ملی و مطالبات مردم در انقلاب سال ۵۷ است که در اصول قانون اساسی هم تبلور یافته و تصریح شده است.»

^۱ گفت و گوی خبرنگار «فرارو» با مهندس محمد توسلی درباره دو شرط آقای خاتمی - ۱۳۸۷/۷/۱۶

این فعال سیاسی ادامه داد: «اما نکته دوم این است که چگونه آقای خاتمی می خواهند با مردم ایران در این مرحله تفاهم کنند و ساز و کار عملی تفاهم با مردم چیست، آیا می خواهند مثلا برنامه خودشان را به رفراندوم بگذارند و از مردم نظر خواهی کنند؟»

وی افزود: «این در حالی است که ما می دانیم در جامعه مدنی، این احزاب و گروه‌های سیاسی و نخبگان جامعه هستند که می توانند پلی باشند میان مردم و کسانی که می خواهند در انتخابات نامزد شوند برای تصدی قوه مجریه، بنابراین راهمکار عملی تفاهم با مردم این است که آقای خاتمی با نمایندگان گروه‌های سیاسی دیدار داشته باشند و با آنها تفاهم کنند.»

توسلی با تاکید بر اینکه «آقای خاتمی برای ورود به عرصه انتخابات ریاست جمهوری باید از دو راهکار استفاده کنند» گفت: «نخست آنکه باید به پذیرند که بدون مشارکت گسترده احزاب، گروه‌های سیاسی و نخبگان جامعه نمی توانند در اجرای برنامه خودشان موفق بشوند و برای این منظور باید با آنها به گفتگو بنشینند و بر سر يك برنامه حداقلی به تفاهم برسند که این برنامه در راستایی همان گفتمان اصلاح طلبی است که به آن اشاره شد. دريك چنین فرایندی است که می توان تفاهم با مردم ایران را تضمین کرد.»

وی افزود: «نکته دوم این است که آقای خاتمی می توانند يك جبهه فراگیر اصلاح طلبی تشکیل دهند. دیدار و گفتگو با احزاب و گروه‌های اصلاح طلب زمینه شکل گیری چنین جبهه ای را فراهم می کند و وقتی که همه احزاب و گروه‌های سیاسی و نهاد های مدنی در سراسر کشور يك چنین گفتمانی را حمایت کنند خود به خود شرط اول ایشان محقق می شود.»

توسلی در پاسخ به این سوال که «آیا آقای خاتمی با طرح پیش شرط اول خود قصد این را دارند که سطح مطالبات را از دولت آینده معقول کنند»، گفت: «بسیار خوب است اما چگونه می توان متعادل بودن و معقول بودن برنامه ها را مشخص کرد آیا راهکاری غیر از گفتگو با احزاب و گروه‌های سیاسی و نخبگان وجود دارد؟ در دیدارهایی که ایشان معمولا با نمایندگان مردم از استان ها دارند بیشتر يك ارتباط مونولوگ و يك طرفه ای برقرار می شود و کمتر آنها فرصت دارند به صورت جمع بندی شده نظرات خود را منتقل کنند.»

وی با بیان اینکه «خود آقای خاتمی قبول دارند که در يك جامعه مدنی این گروه ها و احزاب هستند که می توانند سر پلی باشند میان مردم و نهاد های قدرت» گفت: «بنابراین ساز و کار منطقی ارتباط با مردم، ارتباط با احزاب و گروه های مرجع اصلاح طلبان است که در نتیجه آن

آقای خاتمی به يك برنامه حداقلی نه حداکثری دست پیدا خواهند کرد. اگر ایشان با همه احزاب و گروه‌های سیاسی گفتگو کنند و آن انتظارات حداقلی مجموعه اصلاح طلبان را مد نظر قرار دهند خود به خود زمینه شکل گیری يك برنامه حداقلی و متعال برای ورود به عرصه انتخابات تهیه می شود که خود این نیز می تواند زمینه ساز شکل گیری يك جبهه فراگیر اصلاح طلبی در کشور باشد.»

توسلی در پاسخ به این سوال که آیا در چنین شرایطی که احساس می شود کشور با مشکلات فراوانی مواجه است يك برنامه حداقلی می تواند برای مردم راضی کننده باشد گفت: «کسانی که استراتژی اصلاح طلبی را پذیرفته اند می دانند که تغییرات در جامعه بایستی تدریجی، و قانون مند باشد تغییراتی که بخواهد از طریق اقدامات رادیکال صورت بگیرد پایدار نبوده و در چارچوب استراتژی اصلاح طلبی نمی گنجد.»

وی افزود: «ما بایستی در شرایط کنونی واقع بین باشیم و بنابراین نباید جنبش اصلاحات شعارهایی مطرح کند که نتواند با توجه به امکاناتی که دارد آنها را محقق کند که اگر نتواند آنها را اجرایی کند نتیجه اش سرخوردگی مردم خواهد بود. البته باید در اینجا تاکید شود که برنامه ها نباید محافظه کارانه باشد باید در چارچوب و سقف امکانات اصلاح طلبی حرکت کرد تا با برنامه ریزی و تدابیری که اتخاذ می شود بتوان این سقف را بالاتر هم برد.»

این فعال سیاسی تصریح کرد: «همچنین هم آقای خاتمی و هم گروه‌های اصلاح طلبی با کارهای تحلیلی و توضیحی که انجام می دهند می بایست ذهنیت مردم را کاملا آگاه و آشنا کنند که بدانند نباید به دنبال شعارهای غیر قابل تحقق باشند و بپذیرند که تمام تحولات پایدار هم در طبیعت و هم در جامعه همیشه تدریجی بوده در واقع این همان گفتمانی است که زنده یاد مهندس بازرگان در مقابل شعارهای رادیکالی که برخی گروه‌ها در سال اول انقلاب مطرح می کردند می گفتند که کارها باید "گام به گام" انجام بشود.»

وی افزود: «البته می توان گام خود را برای ایجاد تغییرات بلند تر برداشت اما اگر بدون توجه به موانع بخواهیم يك برنامه اصلاحی را پیاده کنیم به دور از واقعیت است. اساسا جنبش اصلاحی و اصلاح طلبان نباید در فضا حرکت کنند ما باید روی زمین حرکت کنیم تا بتوانیم گام بعدی را محکمتر برداریم.»

توسلی درباره شرط دوم خاتمی نیز گفت: «اگر منظور آقای خاتمی از طرح شرط دوم اخذ

موافقت نهادهای قدرت برای پذیرش مسئولیت باشد چنین شرطی راهبردی و به مصلحت نیست زیرا با توجه به شرایط کنونی کشور نهادهای قدرت هیچ نوع تضمینی برای اجرای برنامه های ایشان نخواهند داد که اگر هم به فرض بدهند به تنهایی قابل اعتماد نیست.»

وی تاکید کرد: « رهبری جنبش اصلاحات بایستی يك راهکار دیگری را مد نظر قرار دهد و آن این است که با تشکیل جبهه فراگیر اصلاح طلبی و برخورداری از حمایت قاطع و همه جانبه مردم- نه حمایت توده وار- است که می توان به اجرای برنامه ها امید وار بود.»

توسلی در ادامه گفت: « اگر بخواهیم نقدی به عملکرد ۸ ساله آقای خاتمی داشته باشیم می توان به همین نکته اشاره کرد که ایشان نتوانستند جنبش اصلاحات را رهبری و آنرا سازماندهی کنند تا آن سازمان از برنامه های ایشان حمایت کند.»

وی افزود: « ایشان در آن ۸ سال بیشتر در نقش و قامت يك رییس جمهور ظاهر شدند این درحالی است که در شرایط کنونی ایشان می توانند این مشکل را اصلاح کنند و پیامد این اقدام قوی ترین ضمانت برای اجرای برنامه های ایشان خواهد بود.»

سلامت انتخابات، نظارت خبرگان و نظارت بین‌المللی^۱

از نظر شخصی آقای جنتی را حلال می‌کنیم، اما از حقوق عمومی که حق الناس است نمی‌گذریم

گروه سیاسی؛ تفاوتی که انتخابات ریاست جمهوری سال آینده با چند انتخابات گذشته دارد در ورود نیروهای سیاسی است که پیشتر یا در انتخابات شرکت نمی‌کردند یا اینکه تا روزهای نزدیک به انتخابات از اعلام نظر خودداری می‌کردند. اما این بار شرایط به گونه‌ی رقم خورده است که سازمان دانش‌آموختگان ایران اسلامی (ادوار تحکیم وحدت) پیشاپیش به استقبال انتخابات رفته و زودتر از سایر احزاب اصلاح طلب به معرفی کاندیدا پرداخته و از نامزدی عبدالله نوری حمایت به عمل آورده است. در عین حال حزب سیاسی مانند نهضت آزادی هم ورود خود را به انتخابات ریاست جمهوری اعلام کرده و سیدمحمد خاتمی را کاندیدای خود می‌داند هر چند در عین حال تأکید کرده احزاب اصلاح طلب باید گردهم آیند تا درباره رسیدن به کاندیدای واحد به توافق برسند. در این باره با محمد توسلی رئیس دفتر سیاسی نهضت آزادی ایران گفت‌وگویی کرده ایم که آن را می‌خوانید.

اگرچه وضعیت کشور هنوز انتخاباتی نشده اما از هم‌اکنون می‌توان موضع گروه‌ها و احزاب در انتخابات را تشخیص داد. نهضت آزادی ایران یکی از آن تشکیلاتی است که همراه گروه‌های دموکراسی خواه و تحول‌خواه مواضع خود را بیان کرده است موضع دعوت نهضت آزادی ایران از آقای خاتمی، انفاقی که برای نخستین بار در تاریخ سیاسی ایران بعد از انقلاب است خصوصاً در ۱۰ سال گذشته، رخ داده است. چون نهضت آزادی ایران همواره برای شرکت خود در انتخابات شروطی را تعیین می‌کرد (چه آن شروط محقق می‌شد و چه نمی‌شد) و نهایتاً در رای‌گیری شرکت می‌کرد یا به رای اعتراض می‌رسید یا عدم شرکت در انتخابات. این بار نهضت آزادی برخلاف رویه خود عمل کرده است، در واقع بسیاری از مردم این سوال است که چه ضرورت تاریخی نهضت آزادی را به این نتیجه رسانده که در مشی گذشته خود تجدید نظر کند و با شرایط جدید به مقوله انتخابات ریاست جمهوری نگاه کند.

مواضعی که ما در انتخابات ریاست جمهوری دهم تاکنون بر اساس مصوبه دفتر سیاسی و شورای مرکزی نهضت اعلام کرده‌ایم کاملاً در راستای همان راهبردی است که در ۳۰ سال

^۱ متن کامل گفتگوی کیوان مهرگان خبرنگار روزنامه اعتماد با مهندس محمد توسلی - ۱۳۸۷/۷/۲۰

گذشته داشته ایم. در واقع ما همواره در جهت تقویت فرایند دموکراسی در هر مقطعی متناسب با شرایط تاکتیک‌هایی مناسب با آن شرایط را انتخاب کرده‌ایم.

یعنی الان تاکتیکتان را عوض کرده‌اید.

حالا توضیح می‌دهم. به لحاظ استراتژیک و راهبردی هیچ تغییری به وجود نیامده و همان استراتژی گذشته است. ما با توجه به مشکل اصلی - حضور فرهنگ استبدادی - و تحول فرهنگی که نیاز به یک تلاش فرهنگی، اجتماعی و سیاسی مستمر دارد در هر انتخاباتی کوشش کردیم از آن فرصت استفاده کنیم و کار آگاهی بخشی انجام دهیم و به هر حال موانع برگزاری انتخابات آزاد، سالم و رقابتی را به چالش بکشیم. تا به تدریج هم مردم آگاهتر بشوند و هم حاکمانی که انتخابات را برگزار می‌کنند، ابتلا و آزمونی برایشان فراهم شود که آیا انتخابات برگزار شده آزاد و سالم بوده یا نه، انتخابات فرمایشی بوده است. اما این انتخابات ریاست‌جمهوری دهم از ویژگی‌های خاصی برخوردار است که در انتخابات گذشته تا این حد با این خصوصیات و این ویژگی‌ها روبه‌رو نبودیم. من به چند محور اشاره می‌کنم؛ محور اول عملکرد دولت نهم است. در طول این سه سال هم در عرصه سیاست داخلی و هم بین‌المللی بحران‌های جدی برای کشور ما فراهم شده است و به‌رغم تعهدات و قول‌هایی که دولت نهم در آغاز کار خود داده بود ارزیابی عملکرد به‌طور ملموس در سطح جامعه هم به لحاظ اقتصادی، هم فرهنگی و هم اجتماعی خلاف این واقعیت‌ها را نشان داده است. در عرصه بین‌المللی ما با بحران روبه‌رو هستیم و یک اجماع جهانی مقابل ما است و به هر حال مخاطراتی است که امنیت ملی و آینده کشور ما را در معرض مخاطره قرار داده است. یک چنین واقعیت ملموسی را آحاد مردم از جمله فعالان و گروه‌های سیاسی با حساسیت دنبال می‌کنند و دنبال چاره‌اندیشی هستند. طبیعی است که نهضت آزادی ایران نیز نسبت به این مساله در این دوره مثل همه احزاب و گروه‌های سیاسی واکنش متناسب داشته باشد.

محور دوم این است که در چند انتخابات اخیر ما شاهد نوعی مدیریت و یا به تعبیری مهندسی انتخاباتی هستیم. یعنی با هماهنگی شورای نگهبان و دولت نهم عملاً انتخابات مجلس هشتم و ریاست‌جمهوری طوری برگزار شد که همه شخصیت‌های شاخص نظام، احزاب و گروه‌های سیاسی انتخابات را غیرآزاد، ناسالم و غیررقابتی ارزیابی کردند. اظهارات آقای هاشمی‌رفسنجانی، آقای کروبی یا بیانیه‌هایی که جبهه مشارکت ایران اسلامی، سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی

ایران و نهضت آزادی ایران دادند موید این واقعیت است. در دوره اخیر کمیته دفاع از انتخابات آزاد که در کانون مدافعان حقوق بشر شکل گرفته است نیز انتخابات اخیر را با معیارهای قانونی و کارشناسی مورد بررسی قرار دادند و گزارش‌های خود را منتشر کردند. این گزارش‌ها نیز نشان می‌دهد که انتخابات دوران اخیر کاملاً خلاف قانون اساسی و معیارهای شناخته شده جهانی صورت گرفته است و این شرایط برای کسانی که نسبت به نظام و منافع ملی حساس هستند طبیعی است که احساس مسوولیت ایجاد کند و در واقع به نوعی بخواهند واکنش نشان دهند. البته در انتخابات‌های بعد از سال ۶۰ ما کم و بیش با این مشکل روبه‌رو بوده ایم و همواره در مورد آزادی و سلامت انتخابات همیشه تلاش داشته‌ایم ولی هیچ‌گاه اتفاق نیفتاده بود که شورای نگهبان بیش از دو هزار نفر از شخصیت‌های شناخته شده که نماینده مجلس بودند یا در دولت بودند، یا عضو شورای نگهبان بودند (یعنی حوزه و جایگاه شناخته شده‌ای داشتند) با اتهامات ناروایی ردصلاحیت کنند و کسانی که انتخابات را می‌خواستند مدیریت کنند افراد مورد نظر خودشان را انتخاب کنند. این یک اتفاق کاملاً جدیدی است که رخ داده و بنابراین به‌طور مشهود و روشن هشدار به همه علاقه‌مندان می‌دهد که باید فکری بکنند. محور سوم که فکر می‌کنم خیلی جلب توجه می‌کند و تا حالا سابقه نداشته این است که نهادهای قدرت از جمله مقام رهبری و نهادهای انقلاب مثل نماینده رهبری در سپاه اینطور شفاف اعلام کنند که دولت نهم برای چهار سال بعد هم کارشان را ادامه دهند. این در واقع اعلام رأی به جای مردم است و نفی جمهوریت نظام و نفی اراده مردم در انتخاب دولت مورد نظر خودشان است. چنین واقعیت‌های شفاف‌ی فضای جدیدی در کشور ما پدید آورده است که موجب شده زود هنگام همه احزاب و گروه‌هایی که افکار و دیدگاهی - به نوعی اصلاح‌طلبی - دارند به فکر چاره بیفتند و رایزنی‌ها را آغاز کنند و برای مقابله با تهدیدی که استحاله نظام و رکن جمهوریت نظام را نشانه گرفته برنامه‌ریزی کنند و نهایتاً مجموع رویدادها این تحلیل را نشان می‌دهد که ما علاوه بر بحران فرهنگی و اجتماعی گرفتار انعقاد نشانه‌هایی از فروپاشی اقتصادی و فروپاشی جغرافیایی هستیم که ممکن است آینده کشور ما را تهدید کند. با توجه به این واقعیت‌ها سازمان دانش‌آموختگان ایران (ادوار تحکیم) نیز که در دوره گذشته انتخابات را مهم و تاثیرگذار نمی‌دانستند و بی‌تفاوت از کنار انتخابات گذشتند، این بار انتخابات ریاست‌جمهوری دهم را در دستور کارشان قرار دادند و در نشست سالیانه خود همان‌طور که آقای دکتر زیدآبادی گزارش کردند یکی از محورهای اصلی خودشان

انتخابات بود و با ارایه تحلیلی از نامزدی آقای عبدالله نوری حمایت می‌کنند. نمی‌خواهم در اینجا راجع به این برنامه اظهار نظر کنم ولی به هر حال چنین حساسیتی در این انتخابات به وجود آمده است که به نوعی بازتاب همان واقعیت‌هایی است که اشاره شد.

بحث حضور، نقش‌آفرینی و جلوگیری از انحرافی که به وجود آمده است، دامنه وسیعتری نیز داشته است. در کنار چنین واکنشی که احزاب و گروه‌های سیاسی نشان داده اند، برخی از شخصیت‌های اجتماعی به فکر چاره‌اندیشی افتاده‌اند و مدل‌های جدیدی را معرفی کرده‌اند تا بتوانند به نیاز اصلاح‌طلبان در این انتخابات پاسخ دهند. طرحی که آقای الویری ارائه دادند اگرچه با واکنش منفی برخی از احزاب و گروه‌های سیاسی که آن را غیرعملی ارزیابی کردند، روبه‌رو شد ولی به هر حال یک پدیده جدیدی است که قبلاً مطرح نبوده است. طرح پیشنهادی پارلمان اصلاح‌طلبان در واقع پاسخ به نیاز و راهکاری است برای خروج از مناسباتی که اصلاح‌طلبان در حال حاضر دارند. مشابه این طرح را آقای نجفی نیز ارایه داده‌اند که با تفاوت‌هایی همین ایده را منعکس می‌کند. بنابراین طبیعی است نهضت آزادی ایران نیز چون گذشته در راستای همان استراتژی یادشده نسبت به این انتخابات حساس باشد و در این انتخابات مواضع و تاکتیک‌های متناسب با این شرایط را اتخاذ کرده باشد.

محوری که همه اصلاح‌طلبان در ارزیابی انتخابات گذشته اتفاق نظر دارند این است که نامزدهای متعدد اصلاح‌طلبان حداقل یکی از دلایل شکست آنها بوده است. بر این اساس همه به این جمع‌بندی رسیده‌اند که اصلاح‌طلبان باید در این انتخابات نامزد واحدی داشته باشند. نهضت آزادی نیز این نظر را تأیید و بر آن تأکید کرده است که راهی جز تلاش برای داشتن نامزد واحد نیست. البته به صورت آرمانی و واکنشی زیبا است که بگوییم اصلاح‌طلبان نامزد واحد داشته باشند ولی باید ببینیم چه راهکارهایی برای رسیدن به این هدف وجود دارد.

قبل از اینکه به نامزد واحد برسیم شما تقریباً چهار محور و چهار مساله را برای اینکه احزاب متفاوت از گذشته حتی با تغییر تاکتیک در انتخابات شرکت کنند ذکر کردید اما ما هنوز می‌بینیم که شورای فعالان ملی- مذهبی هنوز از اظهار نظر صریح پرهیز دارد، جبهه ملی، حزب ملت ایران و احزابی از این دست صراحتاً بر تحریم تأکید دارند، حتی ادوار تحکیم از نظر سنخ فکری نزدیک به نهضت است و جزء همسایه‌های نهضت محسوب می‌شود باز آنها کاندیدایی که انتخاب کردند که منجر به عدم شرکت در انتخابات می‌شود. آیا این دوستان

سیاسی ما این ضرورت را جدی نگرفتند و چرا نهضت به تنهایی این تغییر تاکتیک را پذیرفته است.

جبهه ملی و حزب ملت ایران بعد از سال ۶۰ همواره بر مواضعی تاکید کردند که چون برخی از اصول قانون اساسی هماهنگ نیست و شرایط لازم برای انتخابات آزاد وجود ندارد هیچ وقت در انتخابات شرکت نکردند. بنابراین طبیعی است که در این انتخابات همان مواضع گذشته خود را داشته باشند ولی ممکن است در شرایطی آنها تغییر موضع بدهند. ولی شورای فعالان ملی- مذهبی، به عنوان یک حزب منسجم عمل نمی کنند زیرا طیفی از دیدگاهها در آن حضور دارند. افرادی مانند علیرضا رجایی اعلام نظر کرده اند و مهندس سبحانی نیز گفته اند ما آرزو می کنیم اصلاح طلبان بتوانند نامزد واحدی داشته باشند. اما این اظهار نظر ها هیچ گاه به عنوان جمع بندی نظرات جمع آنها نیست و آنها نیاز به فرآیند طولانی تری دارند تا به جمع بندی برسند. ولی احزاب سیاسی مثل نهضت که تشکیلات منسجم تری دارند، در یک فرآیند کوتاه تر می توانند به تصمیم گیری برسند. فکر می کنم اگر همین روند ادامه پیدا کند، آنها هم در این زمینه واکنش نشان دهند و مواضعی مشابه ادوار تحکیم و نهضت آزادی داشته باشند. باید منتظر باشیم ببینیم جمع بندی تشکیلاتی آنها چه خواهد بود.

می شود تاکتیکی که شما از آن نام بردید را بیشتر برای ما باز کنید؟

تاکتیکی که ما در این دوره پیگیری می کنیم دو محور اصلی دارد. محور اول این است که با توجه به اینکه شورای نگهبان زیرمجموعه و منتخب مقام رهبری است و مشکلات انتخابات ما هم از شورای نگهبان نشأت می گیرد، بنابراین راهکار قانونی که در ظرفیت قانون اساسی است برای اصلاحات فرصتی است که مجلس خبرگان رهبری در عملکرد مقام رهبری طبق قانون اساسی نظارت کند و بتواند به مواردی که خلاف قانون اتفاق می افتد رسیدگی کرده و اعلام نظر کند. این راهکاری است که ظرفیت آن در قانون اساسی پیش بینی شده است و بسیاری از فعالان و شخصیتها در این زمینه اظهار نظر کردند و کم کم به صورت گفتمان غالب در جامعه شکل می گیرد. بنابراین جنبش اصلاحات از ظرفیت قانون اساسی برای حل مشکلاتی که از جمله در انتخابات وجود دارد استفاده کند. این یک عمل اجتماعی است که برای تقویت جنبش اصلاحات پیشنهاد کردیم راهکار دوم که ما در انتخابات گذشته نیز مطرح کردیم نظارت بین المللی است. ما در اتحادیه بین المجالس عضو هستیم و در آنجا متعهد شدیم در چارچوب قوانین آنها عمل

کنیم. آقای لاریجانی قرار است سفری به این اتحادیه داشته باشد. این هم يك راهکار و فرصت قانونی است. همه کسانی که در راستای مبارزه قانونی و مسالمت‌آمیز فعالیت می‌کنند باید این ظرفیت‌ها را بشناسند و مورد عمل قرار دهند. اگر راهکار نظارت مجلس خبرگان بر رهبری موفق نباشد و نتواند فرآیند انتخابات را اصلاح کند و آنچه که در انتخابات گذشته اتفاق افتاد، تکرار نشود، راه حل بعدی نظارت بین‌المللی است. فکر می‌کنم راهکار اول در شرایط کنونی بتواند پاسخ بیشتری داشته باشد همانطور که داشته است و هم آقای رفسنجانی و هم برخی از شخصیت‌های اجتماعی دیگر در این مورد اظهار نظر کرده‌اند.

آقای مهندس با توجه به اینکه اصلاح‌طلبان به اهرم دوم توجه ندارند و فعلاً از اتخاذ چنین موضعی پرهیز میکنند و این را هم مرزبندی خودشان با نهضت می‌دانند و اما راه اول با توجه به بافت مجلس خبرگان و اساساً روابط و مناسباتی که بین مجلس خبرگان و نهادهای قدرت است آیا چنین چیزی امکان‌پذیر است؟

من آن را غیرممکن نمی‌بینم. به‌رغم بافت ویژه‌ای که در مجلس خبرگان رهبری وجود دارد اما جمعی از این بافت در جریان مشکلات این جامعه هستند و برای بقای روحانیت و حاکمیت نظام به هر حال وجدان آنها هم حساس است و در مقاطع حساس نشان داده‌اند که روحانیت شیعه وقتی در معرض خطر قرار می‌گیرد از خود واکنش نشان می‌دهد. این نوع اطلاع‌رسانی و اقدامات آگاهی‌بخشی که نهضت و بقیه گروه‌های سیاسی انجام می‌دهند موجب می‌شود روحانیت شیعه در آن مقاطع حساس - وقتی که کارد به استخوان می‌رسد- از این ابزارها استفاده کند. وقتی مشکلات اقتصادی در جامعه ما فراگیر است و روحانیت با توده مردم ارتباط تنگاتنگی دارد و این فشارهای اقتصادی را از نزدیک و به شکل ملموس می‌بینند و تهدیدهای خارجی که در کشور وجود دارد را حس می‌کنند خود به خود آنها هم قانوناً مسوولیت دارند و هم به لحاظ فشارهای اجتماعی احتمال دارد به وظیفه قانونی خود عمل کنند. اما وظیفه ما امر به معروف و نهی از منکر است، وظیفه ما آگاهی‌بخشی است که به مجلس خبرگان رهبری یادآوری کنیم شما طبق قانون این وظیفه را دارید و به این وظیفه عمل نکردید و این پیامدهای خطرناک در جامعه وجود دارد.

به مقوله انتخابات بپردازیم. نهضت آزادی با گروه‌های اصلاح‌طلب چقدر هم‌دلی و هم‌آوایی دارد. مضافاً این سوال زمانی بیشتر مطرح می‌شود که امسال برای اولین بار دبیر کل و برای دومین سال نهضت آزادی ایران در کنگره سازمان مجاهدین انقلاب به‌عنوان جریان

موثر جریان اصلاح طلب حضور پیدا کرد و پیام داد و پیام آنها در ارگان این تشکل چاپ شد و هرچند فشاری آمد اما اعضای سازمان مجاهدین انقلاب از این مهمان خودشان دعوت کردند. آیا این موضع گیری اخیر نهضت و تغییر تاکتیک، پیرو این تبادل نظرات و رفت و آمدهایی است که نهضت با گروه های اصلاح طلب پیدا کرده است؟

ما همانطور که در نشریه وفاق ملی در سال ۸۱ توضیح دادیم، احزاب سیاسی باید با هم تماس داشته باشند و گفت و گو کنند تا اندیشه و فکر تحزب در جامعه ما تقویت شود. بنابراین ما هم در طول دوران اصلاحات و بعد از اصلاحات همواره با همه احزاب و گروه های سیاسی این تلاش را داشتیم. طبیعتاً با احزاب و گروه های اصلاح طلب نزدیک تر بودیم و با احزابی مثل موتلفه این ارتباط محدودتر بوده، اما ما از همه فرصت ها استفاده کردیم و برای کنگره آنها پیام فرستادیم و مکاتبه با دبیرکل آنها داشتیم. به رغم برخی مواضع متفاوتی که وجود دارد اما وجوه اشتراکی زیادی هم وجود دارد و در چارچوب وجوه اشتراک باید این ارتباطات را توسعه دهیم. اما در زمینه انتخابات گفت و گوهایی، هم با سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی و هم جبهه مشارکت داشته ایم ولی این گفت و گوها محدود بوده ست. در انتخابات دوره نهم نامزدی دکتر معین این ارتباطات خیلی نزدیک تر بود. آنچه می خواهم در اینجا مورد تاکید قرار بدهم این است که ما براساس آن نکاتی که قبلاً توضیح دادم، وجه اشتراک ما با بقیه اصلاح طلبان در این است که همه در شرایط کنونی بر یک نامزد واحد تاکید می کنیم و این را یک ضرورت برای پیروزی اصلاح طلبان می دانیم. اما چگونه به این ضرورت جامه عمل بپوشانیم؟ مجموعه رویدادهایی که در ماه های اخیر اتفاق افتاده نشان می دهد دو محور باید اضافه کنیم: اول، به نظر ما آقای خاتمی بهترین کسی است که می تواند محور ائتلاف گسترده اصلاح طلبان باشد. این ظرفیت را آقای خاتمی بیش از دیگران دارد. نمی گوئیم دیگران ندارند اما آقای خاتمی بیش از دیگران این ظرفیت را دارد که محور ائتلاف و هماهنگی طیف گسترده اصلاح طلبان اعم از سابقاً درون حاکمیت و بیرون حاکمیت باشند. کسانی که برای آزادی، دموکراسی، حقوق بشر، قانونگرایی، قانونمند بودن برنامه های توسعه و در سیاست خارجی برای دوری از تنش و گسترش ارتباطات بین المللی در راستای منافع بین المللی تاکید دارند.

ائتلاف فراگیر روی آقای خاتمی لازم است ولی کافی نیست. به این دلیل که برای اینکه جبهه گسترده ای به وجود بیاید آقای خاتمی باید یک برنامه حداقلی را تدوین کنند که این برنامه حداقلی

مورد توافق همه اصلاح‌طلبان قرار بگیرد و روی برنامه بتوانند با آقای خاتمی همکاری کنند نه شخص آقای خاتمی.

پیشنهاد شما این است که ائتلاف اصلاح‌طلبان روی برنامه آقای خاتمی باشد؟

روی برنامه حداقلی که مورد توافق همه باشد. برای اینکه این برنامه حداقلی شکل بگیرد لازمه آن این است که گفت‌وگویی بین آقای خاتمی و احزاب و گروه‌های سیاسی شکل بگیرد تا از طریق این گفت‌وگوها محورهای حداقلی مشخص شود و نهایتاً بتواند چنین جبهه گسترده‌ای با برنامه‌های حداقلی تحقق پیدا کند والا اگر قرار باشد به صورت شعار و یک طرفه آقای خاتمی و برخی از احزابی که از آقای خاتمی حمایت می‌کنند صحبت کنند، طبیعی است که دست کم دو گروه با آنها هماهنگ نخواهند شد.

کدام گروه‌ها؟

یک گروه، گروه‌هایی که جزء اصلاح‌طلبان هستند و در نهادهای قدرت هم حضور دارند مثل کارگزاران. طبیعتاً باید به نوعی با آنها گفت‌وگو و تعامل شود تا آنها هم در چارچوب آن برنامه هماهنگ باشند. این طور نباشد که مثلاً کارگزاران بگویند ما امروز از آقای خاتمی حمایت می‌کنیم اما عملاً طوری رفتار کنند که نامزدهای دیگری مدنظر آنها باشد. چون بعضی چنین برداشتی را دارند. این برداشت نتیجه عملکرد برخی احزاب اصلاح‌طلب است. یعنی اگر این گفت‌وگوها شکل بگیرد کاملاً این سوءتفاهم‌ها برداشته می‌شود و یک نوع شفافیت و همدلی بین احزاب و فعالان اصلاح‌طلب به وجود می‌آید. گروه دوم کسانی هستند که در نهادهای قدرت حضور ندارند اما از قدرت و پشتوانه اجتماعی برخوردار هستند. با آنها هم باید گفت‌وگو شود که اصلاح‌طلبان بتوانند از پشتوانه اجتماعی احزاب و گروه‌های خارج از حاکمیت بهره بگیرند. در واقع به طور خلاصه اصلاح‌طلبان باید بپذیرند از این حلقه تنگی که پیرامون خود بسته‌اند خارج بشوند تا این جبهه گسترده بتواند شکل بگیرد و آن برنامه حداقلی به وجود بیاید و آقای خاتمی بتواند به طور گسترده وارد انتخابات شود. این محور دوم است. اما محور سوم این است که هم آقای خاتمی و هم سایر نامزدهایی که ممکن است به عنوان محور مشترك مطرح باشند باید بر التزام خود به قانون اساسی بیش از گذشته تاکید و تصریح کنند. تصریح کنند که نهادهای قدرت در چارچوب همین قانون اساسی است نه بیشتر. در واقع به نوعی باید تصریح کنند آنها هم حکم حکومتی را قبول ندارند.

قبلاً هم تاکید کردند. آیا تاکید نکردند؟

لااقل برخی از نامزدها در گذشته قبول نداشته اند. البته نیازی هم نیست به صورت مستقیم این مطلب را بیان کنند. همین که به التزام به قانون اساسی تاکید کنند و اینکه تسلیم اراده‌های مافوق قانون اساسی نخواهند شد کفایت می‌کند. اگر ایشان این آمادگی را در خودشان نمی‌بینند که چنین محوری را بیان و یا حداقل عمل کنند توصیه می‌کنم وارد این عرصه نشوند، برای اینکه در این صورت دو ضربه وارد خواهد شد، هم به شخصیت فرهنگی و اجتماعی ایشان و هم به جنبش اصلاحات. ما باید برای جنبش اصلاحات مصونیت ایجاد کنیم تا از آسیب‌هایی که در آینده ممکن است بر آن وارد شود پیشگیری شود. در خصوص سلامت انتخابات و فرآیندی که در شورای نگهبان و وزارت کشور برای مدیریت انتخابات وجود دارد، اگر اصلاح‌طلبان نتوانند یک نیروی اجتماعی قابل ملاحظه داشته باشند نمی‌توانند از برنامه مدیریت انتخابات جلوگیری کنند و چنین انتخاباتی آزاد و سالم نخواهد بود. بنابراین با توجه به شرایطی که توضیح دادم نهضت آزادی ایران حمایت از آقای خاتمی را در چارچوب چنین شرایطی مطرح کرده است و اگر چنین شرایطی تحقق پیدا کند طبیعتاً نهضت هم در کنار آقای خاتمی خواهد بود ولی اگر این شرایط تحقق پیدا نکند نهضت باید مجدداً بررسی کند و شرایط جدید را در مواضع خود لحاظ کند.

آقای مهندس توقع و انتظار این بود که نهضت آزادی ایران پیش از آقای خاتمی سراغ آقای عبدالله نوری برود. چرا عبدالله نوری در دستور کار نهضت قرار نگرفت. اصلاً ایشان برای انتخابات بررسی شد؟

دفتر سیاسی نهضت تمام امکانات و تمام افرادی که می‌توانستند در شرایط کنونی محور این ائتلاف قرار گیرند مورد بررسی قرار داده است. ما با آقای عبدالله نوری ارتباط بسیار نزدیکی داریم و برای شخصیت و سابقه ایشان احترام قائل هستیم. اما دو موضوع را باید از هم تفکیک کنیم. واقعیت این است که اگر آقای خاتمی بیاید هزینه ردصلاحیت ایشان برای نظام بسیار بیش از آقای عبدالله نوری خواهد بود. بنابراین برای برگزارکنندگان انتخابات رد صلاحیت آقای خاتمی چالشی جدی است. مدیریت جنبش اصلاحات بایستی آنچنان هزینه رد صلاحیت نامزد خود را بالا ببرد که ردصلاحیت وی را هیچ کس در ذهن خود راه ندهد. اما آقای عبدالله نوری اگرچه به لحاظ قانونی دلیلی برای ردصلاحیت ندارند، تا آنجا که بنده به لحاظ حقوقی اطلاع دارم، برای اینکه ایشان از حقوق اجتماعی محرومیت پیدا نکردند. اما با توجه به رویه‌ای که

شورای نگهبان در سال‌های اخیر داشته خیلی راحت‌تر می‌تواند صلاحیت آقای عبدالله نوری را رد کند. بنابراین ما نمی‌توانیم وارد فاز مثبت انتخابات شویم. فاز مثبت انتخابات و پیروزی در انتخابات در شرایط کنونی هدف راهبردی است. با حضور آقای خاتمی احتمال این پیروزی بیشتر است. ولی آقای عبدالله نوری می‌تواند همان‌طور که دوستان ادوار تحکیم تحلیل کرده‌اند حد اکثر محوری برای تقویت جنبش اجتماعی باشد و یا آرای خاموش قشرهای ناراضی جامعه را سازمان‌دهی کند. البته چندین اگر در این پروژه وجود دارد ولی امیدوار هستیم این اگرها عملی شود. اگر اول این است که خود آقای عبدالله نوری تاکنون صحبتی نکرده‌اند. دیگران از طرف ایشان صحبت می‌کنند. گام اول این است که ایشان بیابند مواضع خودشان را در شرایط کنونی اعلام کنند تا ایشان صحبت نکنند نمی‌توان روی گزینه‌ای که هنوز مطرح نشده اظهار نظر کرد. اگرهای بعدی این است که ساز و کارهایی که حمایت از عبدالله نوری بتواند جنبش اجتماعی در جامعه ایجاد کند نیاز به تحول بیشتری دارد و به نظر می‌رسد هنوز زمینه‌های عینی در جامعه فراهم نیست. بنابراین در مهندسی اجتماعی و برنامه‌ریزی اینچنینی باید واقع‌بینی به خرج دهیم و به جای اینکه در فضا حرکت کنیم در روی زمین حرکت کنیم. تا روی زمین حرکت نکنیم نمی‌توانیم گام‌های بعدی را برداریم. در مورد سایر برنامه‌ها توضیح دادم. در مورد پارلمان اصلاحات زمینه‌های عملی و اجتماعی آن در شرایط کنونی کمتر به نظر می‌رسد. گمان می‌کنم یکی از دلایلی که پیشنهاد پارلمان اصلاحات مطرح شده است، راهکاری برای رفع مشکل تنگ بودن حلقه‌ای است که برخی از اصلاح‌طلبان ایجاد کرده‌اند و با آن پیشنهاد می‌خواهند همه اصلاح‌طلبان بتوانند در تهیه برنامه انتخاباتی نامزد اصلاح‌طلبان بصورت منظم مشارکت کنند. آقای خاتمی و احزاب نزدیک ایشان می‌توانند با درایت و گفت و گوی منظم با همه اصلاح‌طلبان پاسخ این نیاز را به‌صورت عملی بدهند و فکر می‌کنم این نکته خیلی ظریفی است.

این پیش از اعلام حضور آقای خاتمی باید باشد؟

می‌تواند موازی عمل کند. این موازی عمل کردن زمینه پذیرش آقای خاتمی را فراهم می‌کند. آقای خاتمی مجموع اظهار نظرهایی که کردند و دغدغه‌هایی که دارند دو چیز است؛ یک، آیا احزاب و گروه‌ها و فعالان سیاسی و به‌طور مشخص آگاهان و روشنفکران ما تحلیل درستی از مخاطرات جامعه دارند که آقای خاتمی بخواهد هزینه کند و وارد انتخابات شود. دغدغه دیگر ایشان این است که دولت پادگانی و نهادهای قدرت در مقابل ایشان چگونه عمل می‌کنند. به

نظر من این دو دغدغه دو روی سکه هستند یعنی اگر رای مردم و نهادهای اجتماعی که رای مردم را معرفی می‌کنند قوی و گسترده شود همان‌طور که عرض کردم جبهه گسترده اصلاحات بتواند شکل بگیرد، خود به خود این بهترین فشاری است که نهادهای پادگانی و نهادهای قدرت نتوانند آن‌طور که برنامه‌ریزی کردند عمل کنند و تسلیم رای مردم و نخبگان جامعه بشوند و احتمال پذیرش و موفقیت آقای خاتمی بیشتر خواهد بود.

نهضت آزادی ایران در انتخابات گذشته شرط حمایت از آقای معین را تشکیل جبهه دموکراسی و حقوق بشر معرفی کرد. آن شرط اگرچه با پیروزی آقای دکتر معین بهتر مشخص می‌شد اما بعد از شکست ایشان و تلاشهای بعدی چند حزب و شخصیت‌های حقیقی عملاً تعطیل شد و به شکست منجر شد. آیا نهضت آزادی ایران از این ایده خود دست برداشته یا به دلیلی که شرایط آن را شما توضیح دادید به شرایط بهتری موقوف کرده است.

این توضیح را بدهم که بحث آزادی، دموکراسی و حقوق بشر گفتمان عمومی جامعه ما است. این گفتمان عمومی باید به صورت یک نهاد اجتماعی متبلور شود تا بتواند همه کسانی را که این گفتمان را در حول و حوش این محور حرکت می‌کنند سازمان دهد. این نکته مثبت را عرض کنم در طول دو سال که کار کارشناسی با حضور نمایندگان احزاب و شخصیت‌های اجتماعی صورت گرفت، تجربه بسیار خوبی بود. یعنی این مجموعه توانست هم منشور واقع بینانه تدوین کند و هم اساسنامه و ساختار خود را تنظیم کند و حتی بیانیه اعلام جبهه را تهیه کرده بود. چه شد که این اتفاق نیفتاد؟ این همان ضعفی است که بعضی از اعضای اصلاح طلبان در مقطع انتخابات نشان دادند و این پروژه مسکوت مانده است. طبیعی است در شرایط مناسب این پروژه مسکوت به عنوان ضرورت می‌تواند ادامه پیدا کند.

با توجه به اینکه همزمان با افزایش مشارکت نهضت آزادی ایران در فعالیت‌های سیاسی، نهادهای اقتدارگرا نسبت به حضور و فعالیت نهضت حساس می‌شوند و نمود آن را می‌توانیم در رسانه‌های آنها ببینیم و تقریباً یک ماه تا یک ماه و نیم میانگین روزی یک خبر یا یک طنز یا یک هجمه علیه تشکیلات نهضت دارند و نسبت به مواضع نهضت حساسیت نشان می‌دهند و در جلسات خود صریحاً اظهار نظر می‌کنند. فکر می‌کنید هرچه نهضت فعال‌تر شود تاثیر آینده انتخابات بر تشکیلات نهضت آزادی ایران چه خواهد بود؟

نهضت آزادی ایران در هر مقطعی متناسب با وسع و ظرفیت خویش کوشش کرده به وظیفه

عمل کند. در شرایط کنونی که نمی‌توانیم فعالیت گسترده داشته باشیم برای اینکه نه دفتر و نه رسانه داریم. بنابراین در حد امکانات محدود خودمان کوشش می‌کنیم در چارچوب تحلیلی که از شرایط کنونی جامعه داریم به فریضه امر به معروف و نهی از منکر و رسالت یک حزب و سازمان سیاسی با توجه به پیشینه تاریخی خود عمل کنیم. ما به وظیفه خودمان در چارچوب قانون عمل می‌کنیم. آینده نشان خواهد داد کدام برنامه موفق‌تر است.

اگر آقای خاتمی نیاید به نظر شما اصلاح‌طلبان باید چه کار کنند؟ باز به دنبال نامزد دیگری بگردند یا اساساً موضوع انتخابات را از دستور کار خارج کنند؟

امیدوار هستم که مجموعه شرایط طوری مدیریت شود که آقای خاتمی بیاید، ولی اگر نیاید به هر حال باید گزینه بعدی را مورد بررسی قرار داد.

خود شما مصداقی دارید؟

باید متناسب با شرایط بعد از آقای خاتمی بررسی کنیم. هنوز مصداق بعدی را بررسی نکرده‌ایم اما فکر می‌کنم نباید خیلی بسته فکر کنیم. تحولات اجتماعی طوری است که ما در هر شرایط باید متناسب با آن شرایط تحلیل کنیم و یک عمل اجتماعی دریاوریم. اما اگر گزینه‌ای پیدا نشود و اگر این شرایط تامین نشود شرکت و رأی دادن در انتخابات مفید نخواهد بود. این مقوله‌ای است که هنوز فرصت برای بررسی آن وجود دارد تا در شرایط بعدی تصمیم‌گیری کنیم. آقای جنتی در نماز جمعه دادخواهی کردند از کسانی که به آنها ظلمی شده است. قطعاً

چندین انتخابات از طرف ایشان به شما ظلم شده است. آیا ایشان را حلال می‌کنید؟

بله، آنچه به لحاظ شخصی است ما اهل کینه نیستیم. ما ایشان را حلال می‌کنیم. اما ما نمی‌توانیم از حق الناس بگذریم. عملکردی که ایشان در ردصلاحیت‌ها و مسخ اصول و آرمان‌های اولیه انقلاب داشتند. انتخابات آزاد و سالم از جمله مطالبات تاریخی ملت ایران در انقلاب اسلامی ۵۷ بوده است که با عملکرد خلاف قانون شورای نگهبان نادیده گرفته شده است. بخصوص با ردصلاحیت‌های بی‌رویه که انجام گرفته، تهمت‌هایی که به مومنین در این جامعه زدند، کسانی که ۵۰، ۶۰ سال در فعالیت‌های جامعه اسلامی حضور داشتند و منشأ خدماتی در جامعه ما بوده‌اند. این حق الناس است. ما نمی‌توانیم گذشت کنیم. رویه مرحوم مهندس بازرگان این بود که وقتی از او حلالیت می‌خواستند، ایشان نیز می‌پذیرفت چون مربوط به حوزه شخصی ایشان می‌شد. ولی در مورد آقای جنتی که مربوط به حوزه عمومی است شاید راهکارشان این

باشد که ایشان روش خود را اصلاح کنند. اگر روش خود را اصلاح کنند و طبق اصل ۹۹ قانون اساسی اختیارات خودشان را در چارچوب نظارتی که قانون اساسی پیش‌بینی کرده و در واقع حمایت از حقوق اساسی ملت در قبال تخلفاتی است که قوه مجریه ممکن است انجام بدهد که در قانون اساسی پیش‌بینی شده، یعنی نهاد ملت باشند نه نهاد قدرت. ایشان تا کنون در موضع نهاد قدرت عمل کردند و در مقابل حقوق اساسی ملت ایستادگی کردند. یکی از راه‌های آن برگشت است و فکر می‌کنم در چنین شرایطی زمینه فراهم می‌شود تا مردم گذشت کنند.

«نه بیگانه‌پرست باشیم، نه بیگانه‌ستیز»^۱

مهندس محمد توسلی که اولین شهردار تهران پس از انقلاب اسلامی ۵۷ بوده، رییس دفتر سیاسی نهضت آزادی ایران و دارای کارشناسی ارشد راه و حمل و نقل و ترافیک است. توسلی می‌گوید ما باید دور از بیگانه‌ستیزی و بیگانه‌پرستی با مردم غرب ارتباط داشته باشیم. گفت و گوی رادیو زمانه را با محمد توسلی بخوانید.

آقای توسلی، به نظر شما نگاه مردم ایران به غرب مبتنی بر تعامل است یا تقابل؟

من فکر می‌کنم که مردم ایران هیچ‌گاه فرهنگ تقابل نداشتند؛ همیشه تعامل داشتند. ریشه این رفتار هم در مبانی فرهنگ دینی و هم فرهنگ ملی ماست. همه ما با ادبیات ایران آشنا هستیم که در اشعار و نوشته‌های نویسندگان بنام ایرانی منعکس است. شما در اشعار سعدی می‌بینید که «بنی آدم اعضای یکدیگرند که در آفرینش ز یک گوهرند / چو عضوی به درد آورد روزگار، دگر عضوها را نباشد قرار.»

ایرانی‌ها چنین فرهنگی نسبت به همه مردم داشتند. شما در فرمان حضرت علی به مالک اشتر می‌بینید که حضرت علی (ع) به مالک اشتر می‌گویند: «ای مالک توجه کن که مردم دو دسته‌اند؛ یا هم‌فکر تو یا هم‌نوع تو. با همه یکسان عمل کن.» یک چنین فرهنگی در رفتار ما ایرانیان همیشه بوده است.

منتها وقتی با یک واقع‌بینی، تاریخ دو یا سه قرن اخیر را بررسی می‌کنیم، می‌بینیم که متأسفانه به رغم یک چنین دیدگاه و رفتاری که در ایرانیان بوده، استعمارگران از جمله انگلیس، روس و آمریکا به نحوی با کشورهای در حال توسعه رفتار کرده‌اند که طبیعتاً یک نوع بدگمانی و بدبینی نسبت به بیگانگان در ما ایرانیان به وجود آمده است.

شما به انقلاب مشروطه نگاه کنید؛ ببینید چه بلایی بر سر ما آوردند. جنبش مشروطه را که هدف آن پایه‌گذاری آزادی‌خواهی، دموکراسی و حکومت قانون بوده است، فلج کردند. ۲۰ سال استبداد را در کشور ما حاکم کردند.

در دهه‌ی ۳۰ نهضت ملی ایران و در دولت ۲۸ ماهه‌ی دکتر مصدق، ببینید انگلیسی‌ها با ما چه کردند. کودتای ۲۸ مرداد، ۱۵ سال استبداد را در جامعه ما حاکم کرد. بنابراین رشد و توسعه

^۱گفتگوی محمد توسلی با رادیو زمانه با عنوان «ما و غرب» - ۱۳۸۷/۷/۲۸

و زمینه‌های نهادینه شدن آزادی‌خواهی و دموکراسی‌خواهی را در ایران فلج کردند. در انقلاب اسلامی سال ۵۷، ببینید کسانی که در اثر این انقلاب ضربه خورده بودند، با انقلاب چه کردند. بنابراین به نظر بنده مردم ما همیشه اهل سازگاری و مدارا بوده‌اند. بر اساس این تجربیات تاریخی و سیاسی که در زمان دکتر مصدق پایه‌گذاری شد، یعنی سیاست موازنه منفی، ما باید در راستای منافع ملی خودمان با همه‌ی کشورها ارتباط و همکاری داشته باشیم.

ما کشورهایی داریم مثل هندوستان یا مراکش که مستقیماً استعمار را تجربه کرده‌اند. چرا

این نگاه منفی به غربی‌ها مستقیماً در آن‌جاها وجود ندارد؟

اولاً همان طور که می‌دانیم مراکش با هند کاملاً متفاوت است. هندوستان با توجه به تنوع مذاهب و فرهنگ‌هایی که آن‌جا وجود دارد، اما در اثر همان تأثیری که از فرهنگ انگلیسی در آن‌جا پیدا شد و روشی که گانندی داشت، در هندوستان دموکراسی واقعاً نهادینه شده و مردم در اثر نهادینه شدن دموکراسی رشد کردند و یاد گرفتند که چگونه در راستای منافع ملی خودشان مناسباتشان را با کشورهای خارجی تنظیم کنند.

در مورد کشورهای شمال آفریقا اما داستان متفاوت است. ولی در مورد ایران باید توجه داشته باشیم که افراط و تفریط در سیاست‌هایی که اتخاذ شد، ما را به طرف بیگانه‌ستیزی بیشتر سوق داد. در حالی که کسانی که پیش‌گامان ملت ایران بودند و راه درست را نشان می‌دادند، می‌گفتند ما بایستی نه مرعوب غرب باشیم، نه مجذوب غرب.

در این‌جا جا دارد از دکتر مصدق و از مهندس بازرگان یاد کنیم، این شخصیت‌های ملی همواره در راستای همان سیاستی که گانندی داشت، با درایت و واقع‌بینی با حفظ منافع و ارزش‌های ملی و دینی روابط با کشورهای غربی را تنظیم می‌کردند.

اما متأسفانه در اثر عملکرد بیگانگان در ایران و ناپختگی برخی از سیاست‌مداران، به جای استفاده از این سیاست معتدل که در راستای منافع ملی ایران است، بیگانه‌ستیزی به وجود آمده که ما آن را در راستای منافع ملی ارزیابی نمی‌کنیم.

همان طور که عرض کردم باید با بیگانه‌پرستی و بیگانه‌ستیزی مقابله کنیم. ما باید در راستای منافع ملی خودمان کوشش کنیم تا مناسباتمان را در چارچوب همان سیاست موازنه‌ی منفی که دکتر مصدق پایه‌گذاری کرده است، تنظیم کنیم.

فکر می‌کنید مردم غرب شناخت مناسبی از فرهنگ ما دارند؟

وقتی از غرب صحبت می‌کنیم یعنی مردم اروپایی و مردم آمریکا. مردم آمریکا به خصوص، مردم ساده‌ای هستند. یا در مورد ایران اصلاً اطلاعی ندارند یا آن‌هایی که اطلاع دارند، قشرهای مذهبی و ساده‌ای هستند. این سیاست‌مداران و دولت‌مردان آمریکایی هستند که در راستای منافع ملی خودشان و برای اجرای برنامه‌های سلطه‌شان در کشورهای در حال توسعه از جمله ایران با ما این چنین خصمانه رفتار می‌کنند.

در حال حاضر آمریکا و اروپا در منطقه خاورمیانه چه سیاستی را دنبال می‌کنند؟ برنامه‌های راهبردی ۵۰ ساله خودشان را پیگیری می‌کنند و طبیعی است که با واکنش ملت‌های منطقه هم روبه‌رو هستند. در این تقابل باید گفت که غربی‌ها هم خودشان یک‌پا مقصر هستند؛ زیرا که غربی‌ها رفتارهای بیگانه‌ستیزی را نه تنها در کشور ما، بلکه در کشورهای منطقه و عربی پایه‌گذاری کردند.

خود کشورهای غربی هستند که زمینه‌های تقویت جریان‌های رادیکال را در منطقه فراهم کرده‌اند. به عنوان نمونه پایه‌گذاری طالبان در افغانستان و پاکستان، القاعده در کشورهای عربی، شما ببینید این حرکت‌های رادیکال لااقل از ایران سرمنشاء نگرفته است. چرا؟

برای این‌ها در این زمینه در ایران حضور نداشتند. اما در کشورهای عربی مثل عربستان و در پاکستان، خودشان یک چنین جریان‌های رادیکالی را ایجاد کردند که در کل منطقه در حال حاضر تأثیرگذار شده‌اند و امنیت منطقه و جهان را در معرض مخاطره قرار داده‌اند. در شرایط کنونی حضور آمریکا و هم‌پیمانان‌اش در عراق را ببینید که چگونه رادیکالیسم و خشونت را در کل منطقه توسعه داده است.

حمایتی که امروز آمریکا از اسرائیل انجام می‌دهد و عملاً به قطعنامه‌های سازمان ملل که برای صلح خاورمیانه و جهت تشکیل کشور مستقل فلسطینی صادر شده، اجازه اجرا نمی‌دهد. خود به خود نمی‌گذارند که منطقه روی صلح و امنیت ببیند.

من فکر می‌کنم بخشی از این رفتاری که ما ایرانیان و ملت‌های دیگر نسبت به کشورهای غربی داریم، ناشی از سیاست‌های سلطه‌گری خود آن‌هاست و اگر آن‌ها مناسبات عادلانه‌ای را با سایر ملت‌ها داشته باشند، قطعاً ملت‌های منطقه ما هم با آن‌ها قصد تقابل ندارند و سیاست تعامل را در پیش خواهند گرفت.

شما واکنش ایرانی‌ها و عرب‌ها را در مقابل غرب تقریباً هم‌سان می‌بینید. اما فکر نمی‌کنید

فرهنگ ایرانی و فرهنگ عرب تفاوت‌های زیادی با هم دارد؟

چرا. من نخواستیم که خصوصیات فرهنگی خودمان را با کشورهای عرب و منطقه به طور هم‌سان ارزیابی کنیم. اما از آن زاویه که کشورهای غربی، سیاست سلطه‌طلبی در منطقه داشتند، طبیعتاً ملت‌های منطقه هم واکنش مشابهی در این زمینه دارند.

اما تاریخ نشان می‌دهد که ملت ایران بسیار متعادل‌تر نسبت به غربی‌ها عمل کرده است. به هر حال هماهنگی ما ایرانی‌ها با سایر ملل منطقه بیشتر در ارتباط با برخورد با کشورهای سلطه‌گر در منطقه است؛ اما از لحاظ رفتاری ما نسبت به غربی‌ها روحیه مدارای بیشتری داشته‌ایم و نسبت به تعامل فرهنگی نقش برجسته‌تری ایفا کرده‌ایم. حضور دو میلیون ایرانی در خارج از کشور و نقشی که در بالندگی خودشان و جوامع غربی دارند، نمودار یک چنین ظرفیتی است که ما ایرانی‌ها داریم.

در شرایط کنونی باید به این نکته تاکید کنیم که برخوردی که غربی‌ها با ایران دارند، زمینه‌های تقویت جریان افراطی را در ایران به وجود آورده و به همین علت اصلاح‌طلبان در موضع ضعف قرار گرفتند. بنابراین نوع برخورد و تحریک‌هایی که آن‌ها انجام می‌دهند، عملاً جریان افراطی را در ایران تقویت می‌کند.

شما چشم‌انداز مثبتی برای رفع این بی‌اعتمادی‌ها و سوءظن‌ها در آینده‌ی نزدیک متصور هستید؟

بستگی به رفتار و عملکرد دولتمردان دو طرف دارد. من نسبت به آینده امیدوار هستم. برای این که در تهدیدها و مخاطراتی که در چشم‌انداز آینده منطقه دیده می‌شود، نهایتاً واقعیت‌ها تازیان‌های است که هم ما را در این کشور و هم غربی‌ها را سر عقل بیاورد که در راستای مصالح جهانی و امنیت جهانی، از زور دست بردارند و کوشش کنند مناسباتمان را انسانی و عادلانه تنظیم کنیم که انشاءالله روی صلح و امنیت در منطقه و سراسر جهان تعمیم پیدا کند.

آقای توسلی، به نظر شما چه زمانی تأثیر سیاست بر اعتماد بین مردم ایران و غرب کمتر می‌شود؟

ما نمونه‌های متعددی را می‌بینیم که فضاها‌ی سیاسی این نوع تعامل‌ها را کم‌رنگ کرده است. ما شاهد این هستیم که در عرصه هنری و فرهنگی ملت ایران با ملت‌های غربی تعاملشان را دارند؛ به خصوص در شرایط کنونی که ما در یک دهکده جهانی زندگی می‌کنیم و با استفاده از اینترنت

و تکنولوژی، یک چنین تعاملی به طور طبیعی شکل می‌گیرد.

آخرین موضع نهضت آزادی درباره انتخابات ریاست جمهوری دهم^۱

آخرین موضع نهضت آزادی درباره انتخابات ریاست جمهوری دهم؟

موضع نهضت آزادی ایران در انتخابات ریاست جمهوری دهم در راستای راهبرد گذشته یعنی تقویت فرایند دموکراسی تأمین شرایط انتخابات آزاد، سالم و رقابتی است. اولین گام اعلام شده، پیشنهاد شکل‌گیری جبهه فراگیر اصلاح‌طلبان با برنامه حداقلی مورد توافق است. در شرایط کنونی آقای خاتمی می‌تواند محور چنین ائتلاف فراگیری قرار گیرد. اگر چنین شرایطی تحقق یابد، نهضت آزادی ایران از آقای سیدمحمد خاتمی در انتخابات ریاست جمهوری دهم بصورت حداکثری حمایت خواهد کرد.

چنانچه کاندیدای موردنظر شما وارد عرصه انتخابات نشود موضع‌گیری این حزب چه خواهد بود؟

در صورتیکه آقای خاتمی بهر علت از نامزدی این انتخابات منصرف شود در راستای راهبرد اعلام شده شرایط را بررسی و موضع خود را اعلام خواهد کرد.

آیا احتمال حمایت از يك کاندیدای اصولگرایی معتدل در نهضت آزادی وجود دارد؟

احتمال حمایت از يك کاندیدای خردگرای طیف موسوم به اصول‌گرا بسیار بعید به نظر می‌رسد، اما نهضت آزادی همواره حضور فعالان خرد گرای جریان محافظه‌کار را در عرصه قدرت مفید ارزیابی می‌کند.

^۱گفتگوی محمد توسلی با خبرنگار باشگاه خبرنگاران جوان - ۱۳۸۷/۸/۷

دهمین سالگرد تاسیس حزب مشارکت^۱

جناب آقای مهندس توسلی

احتراما؛ پرسش های روزنامه کارگزاران در باره دهمین سالگرد تاسیس حزب مشارکت به شرح زیر تقدیم می شود:

تجربه ده ساله تحزب درحزب مشارکت را چگونه ارزیابی می کنید؟ با توجه به اینکه دوره فعالیت مشارکت به دوبخش حضور در قدرت و بیرون از قدرت تقسیم می شود؛ رفتار سیاسی این تشکل در دو برهه زمانی یادشده را واجد چه ویژگی هایی می دانید؟ با توجه به تاسیس مشارکت در دوره حاکمیت دولت اصلاحات آیا تعبیر ”حزب دولت ساخته“ را درباره این تشکل درست می دانید؟ اگر پاسخستان مثبت است آیا هنوز می توان از این تعبیر استفاده کرد؟ نهضت آزادی ایران تشکیل احزاب و تقویت آنها را در راستای تامین پیشنیازهای جامعه دموکراتیک همواره مثبت ارزیابی می کند. بر این اساس تاسیس و فعالیت جبهه مشارکت را در ده سال گذشته در راستای تقویت فرایند دموکراسی باید مثبت ارزیابی کرد. اگرچه می توان به علت نحوه شکل گیری آن از درون قدرت و عدم انسجام مواضع و دیدگاه های اعضای ارشد آن عملکرد آن را مورد نقد جدی قرار داد.

به رغم حضور طیفی از دیدگاه ها در نهادهای تصمیم گیری مشارکت که در احزاب متعارف و قدیمی کمتر سابقه دارد که پیامد آن عدم امکان تصمیم گیری به موقع و بی نظمی تشکیلاتی است، جبهه مشارکت توانسته است اقدامات مفیدی در جهت تقویت جبهه اصلاحات انجام دهد و در تقابل با جبهه اقتدارگرایان نقش آگاهی بخش داشته باشد.

جبهه مشارکت که با استفاده از امکانات دوران قدرت شکل گرفته است امروز که عملا دستی در قدرت ندارد می تواند عملکرد گذشته خود را مورد ارزیابی و نقد جدی قرار دهد و با اصلاح برخی ملاحظات دوران قدرت زمینه پالایش رهبری خود را فراهم آورد تا بتواند مانند احزاب مردمی از مجموعه نیروهای تشکیلاتی و پایگاه اجتماعی خود در راستای اهداف و راهبردهای حزب بهره برداری بهینه داشته باشد.

^۱ پاسخ محمد توسلی به سوالات مکتوب روزنامه کارگزاران - ۱۳۸۷/۹/۱۲

زمینه برای حضور میرحسین موسوی فراهم شده است^۱

رئیس دفتر سیاسی نهضت آزادی ایران معتقد است، خاتمی نه تنها برای کشور حساسیت‌زا نیست بلکه با توجه به نوع مدیریت ایشان در صورت حضور موثر در انتخابات مورد استقبال قرار خواهد گرفت.

مهندس توسلی در گفت‌وگو با خبرنگار «ایلنا»، با اشاره به برخورد جریان‌های مختلف سیاسی با کاندیداتوری محمد خاتمی در انتخابات آینده گفت: کسانی که نگران پایگاه اجتماعی خود در داخل و در سطح بین‌المللی هستند، پیشاپیش با زمینه‌سازی، خواستار عدم حضور خاتمی در انتخابات هستند.

وی با اشاره به موضع حزب مؤتلفه مبنی بر این که «پیروزی اصلاح‌طلبان خط قرمز ما در انتخابات آینده است» آن را ناشی از ترس جریان مخالف اصلاحات از کاندیداتوری خاتمی دانست و گفت: با توجه به ظرفیت و پتانسیلی که خاتمی در سطح داخلی و بین‌المللی دارد و احتمال پیروزی ایشان نیز در انتخابات آینده زیاد است، طبیعی است جناح راست زمینه حساسیت‌های خاتمی را برای کشور فراهم کند. اولین شهردار تهران بعد از انقلاب تاکید کرد: اگر جریان راست بگذارند، خاتمی برای مدیریت کشور نه حساسیت‌زا است و نه هزینه‌بردار. بلکه موجب اعتلای کشور در سطح بین‌المللی می‌شود و امکان جلوگیری از تشدید بحران‌های جاری را فراهم خواهد کرد. وی با بیان این که عدم اعلام کاندیداتوری از سوی خاتمی در مقطع فعلی دلایل زیادی دارد، اظهار داشت: این که خاتمی هنوز به صورت رسمی تصمیم خود را برای کاندیداتوری اعلام نکرده است مبنی بر ارزیابی شرایط داخلی و بین‌المللی است.

توسلی تصریح کرد: خاتمی در حال محاسبه هزینه و فایده حضور یا عدم حضور خود در انتخابات آینده است. وی همچنین به اظهار نظر برخی از گروه‌های اصلاح‌طلب در خصوص کاندیداتوری خاتمی اشاره کرد و گفت: برخی از گروه‌های اصلاح‌طلب با توجه به نوع مدیریت خاتمی در هشت سال ریاست‌جمهوری انتقادهایی به نوع مدیریت ایشان را وارد می‌دانند و معتقدند خاتمی در مقابل برخی بحران‌ها با قاطعیت برخورد نکرد و به همین دلیل از حضور وی در انتخابات آینده استقبال نمی‌کنند.

^۱ گفت‌وگوی محمد توسلی با خبرنگار خبرگزاری کار ایران (ایلنا) - ۱۳۸۷/۱۰/۱۴

رئیس دفتر سیاسی نهضت آزادی ایران حامیان عبدالله نوری را یکی از گروه‌های منتقد حضور خاتمی در انتخابات آینده دانست و گفت:

گروه‌های اصلاح طلب عموماً معتقدند که خاتمی این دوره باید با خاتمی هشت سال ریاست جمهوری تفاوت‌هایی داشته باشد و به دیگر سخن باید یک «خاتمی نو» وارد عرصه انتخابات ریاست جمهوری شود.

وی همچنین در خصوص احتمال حضور میرحسین موسوی در انتخابات آینده نیز گفت:

میرحسین موسوی مورد احترام هستند و هیچ گروهی به سلامت نفس ایشان تردیدی ندارد. توسلی خاطر نشان کرد: میرحسین موسوی ظاهراً طی دو دهه اخیر از عرصه مدیریت کشور به دور بوده است و اظهار نظری نکرده‌اند؛ به همین دلیل باید برنامه‌های خود را با توجه به شرایط فعلی کشور ارائه دهد تا براساس برنامه‌های ایشان گروه‌های سیاسی تصمیم‌گیری کنند.

وی با بیان این که در مقطع فعلی زمینه حضور میرحسین موسوی نسبت به دوره قبل آماده‌تر شده است، اظهار داشت: در هفته‌های اخیر افرادی که احتمال عدم کاندیداتوری خاتمی را احساس می‌کنند بحث حضور میرحسین موسوی را مطرح کرده‌اند و ایشان نیز در مقابل تقاضاهای طرفداران خود جواب منفی نداده است.

توسلی در پایان تاکید کرد: به نظر می‌رسد در این دوره از انتخابات زمینه حضور میرحسین موسوی نیز فراهم شده باشد.

دو الگوی سیاست ورزی^۱

این نکته را شاید همه روشنفکران جامعه ما، مذهبی و غیر مذهبی، با نگاه های راست یا چپ، با تعبیر متفاوت گفته اند که: "تلاش روشنفکران ما در صد سال اخیر، از انقلاب مشروطه تا کنون، برای رفع موانع توسعه کشور و پاسخ به مطالبات تاریخی مردم موفق نبوده است". برخی سیر تحولات جامعه ما را از زمان امیر کبیر با میچی در ژاپن مقایسه می کنند و در جمع بندی توسعه نیافتگی جامعه ما را، به رغم برخورداری از نیروی انسانی با استعداد و منابع طبیعی فراوان، مورد پرسش جدی قرار می دهند و به دنبال آسیب شناسی این مشکل اجتماعی هستند. در این راستا صاحب نظران دیدگاه ها و تحلیل های مختلفی ارائه کرده اند و برای ریشه یابی این معضل و برون رفت از آن راهکارهایی نیز ارائه داده اند.

به عنوان نمونه می توان به تلاش های شادروان مهندس بازرگان، در آستانه چهاردهمین سالروز درگذشتش، اشاره کرد که این مقوله در بسیاری از آثار آن مرحوم به چشم می خورد: سر عقب افتادگی ملل مسلمان (۱۳۳۰)، احتیاج روز (۱۳۳۶)، مزایا و مضار دین (۱۳۳۹)، چرا با استبداد مخالفیم (۱۳۴۲)، سازگاری ایرانی (۱۳۴۳)، آفات توحید (۱۳۵۶)، گمراهان (۱۳۶۲)، آخرت و خدا، هدف بعثت انبیا (۱۳۷۱)، بازیابی ارزش ها (چهار جلد) و ...

مهندس بازرگان در آثار خویش ریشه اصلی این مشکل را از جمله تاثیر فرهنگ دیرین استبدادی در خلق و خوی ما ایرانیان سراغ می دهد که مانع توسعه انسانی، تقویت روحیه کارجمعی و شکل گیری نهادهای مدنی شده است. در غیاب احزاب و نهادهای مدنی ریشه دار و توسعه یافته فرهنگ استبدادی در مقاطع مختلف بازتولید شده و عملاً از شکل گیری دولت کارآمد و مردمی که بتواند با تامین امنیت و ثبات سیاسی و جلب مشارکت همه جانبه مردم برای توسعه پایدار کشور ریزی کند و به نیازهای واقعی مردم پاسخ گوید، جلوگیری کرده است. تردیدی نیست که در این فرآیند علاوه بر عوامل درونی که به آن ها اشاره شد موقعیت ژئوپولیتیک ایران و استیلای بیگانگان در یکصد سال گذشته همواره عامل موثر دیگری برای توسعه نیافتگی کشور بوده است.

با این مقدمه اجمالی در این یادداشت مایلیم به چالش نظری که روشنفکران جامعه ما در

^۱ یادداشت محمد توسلی در ضمیمه هفتگی اعتماد ملی - ۱۳۸۷/۱۰/۱۸

خصوص نحوه و شکل سیاست ورزی روبرو هستند و به طور مشخص به بررسی دو دیدگاه یا دو الگوی سیاست ورزی بپردازم.

بعد از انقلاب مشروطه در هر دوره ای احزاب و گروه های سیاسی تشکیل شده اند. اما به دلایلی، که بایستی جداگانه مورد بررسی قرار گیرد، از جمله نداشتن روحیه و تربیت کار جمعی و این که بسیاری از احزاب توسط حاکمان با رانت قدرت برای اهداف خاصی شکل گرفته است و به علاوه خیانت برخی از احزاب به منافع ملی، مردم در گذشته نگاه مثبتی به احزاب و حضور و مشارکت در آن ها نداشته اند. جالب توجه است که بسیاری از فعالان سیاسی در گذشته با افتخار اظهار می کردند که جزو هیچ حزب و گروه سیاسی نیستند! حاکمان اقتدار گرا نیز که حضور احزاب و نهادهای مدنی را محل تداوم قدرت خود می دانستند، همواره با مانع تراشی برای شکل گیری و یا حضور احزاب مردم نهاد، فرهنگ بدبینی مردم نسبت به عملکرد و جایگاه احزاب و نهادهای مدنی را با توسعه رفتارهای پوپولیستی، دامن می زدند. در فرایند تحولات صد سال اخیر و توسعه علوم اجتماعی و بهره گیری از تجربیات بشری در زمینه سازو کارهای حکمرانی خوب و راهکارهای تجربه شده برنامه ریزی توسعه همه جانبه و پایدار، این جمع بندی در گفتمان غالب فعالان سیاسی دیده میشود که بدون مشارکت واقعی مردم (توسعه سیاسی) اجرای موثر برنامه های توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی امکان پذیر نیست و مشارکت قانونمند مردم نیز از طریق حضور در احزاب و نهادهای مدنی عملی است.

خوشبختانه امروز بیش از پیش به ضرورت تقویت احزاب و نهادهای مدنی به وسیله جناح های مختلف، حتی محافظه کاران، مطرح می شود. در شرایط کنونی، به رغم موانع پیش رو، بایستی این ذهنیت را گام مثبتی در جهت فرایند تقویت دموکراسی ارزیابی کرد. اما دستیابی به شرایط مطلوب با راهبرد اصلاحات در کوتاه مدت میسر نیست. دستیابی به آزادی های اساسی، دموکراتیزه کردن ساختار قدرت و تامین حداقل های حقوق بشر نیازمند زمان و طی فرایند طولانی است و تلاش مستمر فعالان سیاسی- اجتماعی را می طلبد. در چنین شرایط و روندی سیاست ورزی فعالان جامعه چه الگویی بایستی داشته باشد تا حضور آنان مستمر باشد؟ آیا این فعالان بایستی حرفه ای و تمام وقت در خدمت این اهداف باشند؟ چه اقشاری از جامعه بایستی بار این مسئولیت را به عهده گیرند؟ در شرایطی که فعالیت احزاب و نهادهای مدنی مردم نهاد با محدودیت روبرو باشد چه میزان نیروهای تمام وقت می توانند برای مدت طولانی این بار

سنگین را بر دوش بگیرند؟

برای پاسخ به این پرسش ها در اینجا دو الگو تجربه شده را مطرح می کنیم تا مورد بررسی و نقد صاحب نظران قرارگیرد :

الگوی اول، حضور تمام وقت یا نسبتاً تمام وقت فعالان سیاسی اجتماعی در احزاب و نهاد های مدنی است تا سیاست ورزی به صورت حرفه ای و تخصصی شود و با چنین تمرکزی زمینه پیشرفت این نهاد ها فراهم شود. در کشورهای توسعه یافته که احزاب سیاسی به صورت قانونمند فعالیت دارند و افراد با تخصص های مرتبط با علوم سیاسی و اجتماعی در آنها حضور دارند، سیاست ورزی می تواند حرفه ای باشد زیرا این افراد در چارچوب تخصص خود در این نهادها خدمت می کنند و این امر کاملاً طبیعی است .

اما در کشورهای در حال توسعه که فعالیت در احزاب سیاسی و نهادهای مدنی همواره با محدودیت و هزینه روبروست، تجربه نشان داده است که صاحبان تخصص علوم سیاسی کم تر خود را مستقیماً درگیر فعالیت های سیاسی کرده اند و بیش تر با نهادهای مرتبط با قدرت همکاری دارند. از این رو سیاست ورزی در این الگو همواره با چالش روبروست زیرا افراد معدودی می توانند در این شرایط در کار سیاست مشارکت داشته باشند.

الگوی دوم ، حضور نیمه وقت یا پاره وقت فعالان سیاسی- اجتماعی به صورت گسترده است. در این الگو چون فعالان سیاسی به لحاظ معیشتی وابسته به حزب و یا قدرت نیستند می توانند در شرایط مختلف، زندگی مستقل خود را داشته باشند و به حزب نیز کمک کنند . با مدیریت نیروی انسانی گسترده، در این الگو امکان توسعه تشکیلاتی و دوام آن در شرایط بحرانی بیش تر عملی به نظر می رسد .

در گذشته شاهد نمادهایی از هر دو الگو بوده ایم و می توان عملکرد آنان را، البته در شرایط مساوی، مورد ارزیابی قرار داد.

مرحوم مهندس بازرگان نمونه شاخص الگوی دوم است. او حدود ۶۰ سال زندگی اجتماعی خود را به صورت منظم و برنامه ریزی شده در عرصه علمی (استاد دانشگاه) ، در عرصه اجتماعی و فرهنگی (خدمات فرهنگی و تاسیس نهادهای مدنی) و عرصه سیاسی (تاسیس نهضت آزادی ایران، مدیریت انقلاب ،حضور در قدرت و سپس در جایگاه اپوزیسیون قانونی) مدیریت کرده است . بررسی بیش از ۲۰۰ اثر مهندس بازرگان نشان می دهد که در طول زمان تعداد آن ها در

هر سال رقم نسبتاً ثابتی را تشکیل می دهد.

مهندس بازرگان خود در پاسخ به این سوال که چرا با وجود موقعیت علمی خود در دانشگاه وارد عرصه سیاست شده است در مدافعات دادگاه نظامی سال ۱۳۴۲ چنین می گوید: " من همیشه طرفدار و مبلغ این فکر بودم که هر وقت در مملکت نانوا نانش را خوب پخت، زارع گندم و محصول خوب و فراوان بیرون آورد، معلم معلم خوب بود، شاگرد درس حسابی خواند، وزیر کار وزارتش را با درستی و صلاحیت انجام داد، وکیل و روزنامه نویس و سیاست مداران هم در کارشان متمرکز و متبحر شدند، مملکت درست می شود. بنابراین وظیفه ملی و سیاسی هرکس این است که کار مربوط به خود را با حداکثر علاقه و جدیت انجام دهد... اما روزی که مسئولین و متصدیان به وظیفه خود عمل نکردند بلکه خلاف آن را انجام دادند و دزد و خائن بودند، همه کس مجبور است همه کاره شود. استاد دانشگاه هم، به داد و فریاد سیاسی بپردازد... (مجموعه آثار ۶-۲۵۶)

دکتر علی شریعتی در عرصه فرهنگی - اجتماعی نمونه الگوی اول است. او در طول سالهای ۱۳۵۲-۱۳۴۷ در حسینیه ارشاد تمام تلاش خود را متمرکز کرد و به صورت انفجاری در هر سال بیش از ۱۰ اثر از خود برجای گذاشت. که البته آثار خدمات فرهنگی او نه تنها در ایران بلکه در بسیاری از کشورهای اسلامی مخاطب دارد. بنیانگزاران و فعالان سازمان های انقلابی دهه ۴۰ نیز که در عرصه اعتقادی - تشکیلاتی - نظامی متمرکز شدند از نمونه های الگوی اول هستند که به طور طبیعی نمی توانستند عمر طولانی داشته باشند.

شاید الگوی سومی در هر سازمان به صورت ترکیب الگوی اول و دوم با برنامه ریزی و مدیریت لازم بتواند کارآمد باشد به طور خلاصه برای استمرار فعالیت فعالان سیاسی - مدنی و انباشت تجربه آنان در اینگونه سازمان ها و تقویت احزاب و نهادهای مدنی در شرایط سیاسی - اجتماعی کنونی بررسی چالش های سیاست ورزی در ایران و ارائه راهکارهایی برای برون رفت از مسائل جاری آنان از اهمیت ویژه ای برخوردار است و می توان موضوع را در جلساتی با حضور صاحب نظران مورد بررسی و پیگیری قرار داد.

مشفقانه با هاشمی رفسنجانی^۱

مصاحبه اخیر آقای هاشمی رفسنجانی با خبرنگاران داخلی و خارجی از جهات مختلف مورد ارزیابی صاحب‌نظران و مردم عادی قرار گرفت. بسیاری این مصاحبه را در راستای شفاف کردن دو دهه سوابق وی مثبت ارزیابی کرده‌اند. اگرچه بسیاری از جوابها دو پهلو و مبهم بوده است. از جمله پاسخ مبهمی است که ایشان در مورد نامه سرگشاده جمعی از آزادی خواهان ایران داده‌اند، مرا مکلف ساخت سکوت خود را بشکنم و برای رفع ابهام و یادآوری توضیحاتی هر چند به صورت اجمال و کلی بنویسم و پیشنهادی نیز خدمت وی تقدیم کنم. آقای هاشمی رفسنجانی در پاسخ خبرنگار گفته است: "اگر آن بازداشتها مربوط به آن نامه باشد، خطاست و باید رسیدگی می‌کردم. ولی اگر مربوط به آن نبود و آنان پرونده‌های دیگری داشته باشند، پرونده باید سیر قانونی را طی می‌کرد. من هم یادم نیست که آن موقع به چه دلایلی آنها را گرفته بودند".^۲

۱. برنامه تعدیل اقتصادی آقای هاشمی و استقراض از کشورهای خارجی بدون نظارت ملی نگرانی در سطح کارشناسان و علاقه‌مندان به سرنوشت کشور به وجود آورد. پیامد این برنامه وابستگی به بیگانگان و نقض استقلال کشور و بحرانهای اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی پیش‌بینی می‌شد. با چنین تحلیلی از شرایط کشور جمعی از افراد دلسوز و علاقه‌مند به ملک و ملت نامه سرگشاده‌ای در اردیبهشت سال ۱۳۶۹ به رئیس جمهوری آقای هاشمی رفسنجانی فرستادند که به نامه ۹۰ امضایی معروف شد. در این نامه ضمن تحلیل شرایط اقتصادی-اجتماعی و سیاسی کشور از ایشان خواسته شده بود سه اقدام زیر را سرلوحه اندیشه و اعمال خود و حاکمیت قرار دهند.

(آ) جلوگیری از خلفاها و خرابی‌ها و از انعقاد قراردادهای اسارت‌آور با بیگانگان، بدون نظارت ملی.

(ب) بازگرداندن حقوق قانونی مردم که در فصول سوم و پنجم قانون اساسی تصریح شده است به مردم و جلوگیری از سیاستهای سرکوبگرانه بعضی از نهادها.

(ج) آزاد گذاردن و تامین فعالیت اجزای و جمعیت‌های سیاسی و مطبوعات که فعالیت قانونی و علنی دارند، فرصت دادن خالی از دغدغه و آزار برای بحث و گفت‌وگو

^۱ یادداشت محمد توسلی در روزنامه آزادگان - ۱۳۸۷/۱۰/۲۱ - آریا اول دیماه ۱۳۷۸

- و برخورد آرا و عقاید به منظور حل مشکلات و معضلات مملکتی و همکاری صمیمانه مردم و بالاخره امکان و استقرار حاکمیت قانونی ملت.
- مطالبات و درخواست بالا همان مطالبات ملت ایران در مبارزات یکصد سال گذشته و به طور مشخص برنامه توسعه سیاسی آقای خاتمی در دوم خرداد ۱۳۷۶ است که مردم با بیش از بیست میلیون رای خود از آن حمایت کردند.
۲. در خرداد ۱۳۶۹ با تصمیم شورای امنیت ملی و با حکم دادستانی انقلاب ۲۳ تن از امضاکنندگان بازداشت شدند و گروه سعید امامی در شرایط بسیار سخت و زیر فشار و شکنجه جسمی و روحی از آنان بازجویی کردند و بعضی از آنان مجبور به اعترافات خلاف میل خود و ضبط مصاحبه‌هایی شدند که در برنامه هویت قسمت‌هایی از آنها، از سیمای جمهوری اسلامی پخش شد. بسیاری از بازداشت شدگان بیش از ۶ ماه در سلول انفرادی نگهداری شدند و ۹ تن که پرونده آنان به دادگاه انقلاب ارسال شد و به ۶ ماه تا ۳ سال و ۲۵ تا ۴۰ ضربه شلاق محکوم شدند، در بقیه مدت شرایط سخت اتاق‌های در بسته نگهداری شدند.
۳. آقای محمد یزدی رئیس قوه قضاییه در خطبه نماز جمعه گفت که ما افراد را به خاطر امضای نامه سرگشاده دستگیر نمی‌کنیم و آقای هاشمی در مصاحبه با خبرنگار لوموند تصریح کرد که "لیبرال‌هایی که اخیراً دستگیر شده‌اند، کسانی بوده‌اند که ماهیت جاسوسی پیدا کرده‌اند و از آمریکا دستور می‌گرفته‌اند." (اطلاعات ۱۹ مهر ۱۳۶۹)
۴. کیفرخواست بازداشت شدگان که دادستانی انقلاب تهیه کرده بود با صراحت جرم اصلی همه بازداشت شدگان را امضاء و تایید نامه سرگشاده قید کرده و حتی اشاره‌ای به جاسوسی !! در آنها نشده است.
۵. آقای هاشمی باید به این سؤال اساسی پاسخ دهند براساس کدام مجوز قانونی، شرعی و اخلاقی قبل از این که جرمی در دادگاه صالحه مطرح و اثبات شده باشد و برخلاف متن کیفرخواست‌های صادر شده از سوی مقامهای قضایی، به خود اجازه داده‌اند این گونه جمعی از شخصیت‌های با سابقه و خدمتگذار مملکت را در رسانه‌های عمومی به جاسوسی متهم کنند.
۶. آقای هاشمی در مصاحبه اخیر خود گفته است که اگر بازداشت ما مربوط به نامه باشد،

خطاست و باید ایشان به درخواست امضاکنندگان رسیدگی می‌کردند. اینک بعد از ۹ سال جا دارد ایشان بپذیرند که پیام مردم در دوم خرداد پاسخی به بی توجهی ایشان و سایر مسئولان حاکمیت به اجرای مطالبات بر حق مردم در دو دهه گذشته از جمله سه درخواست مشخص ۹۰ نفر از شخصیت‌های ملی و ملی - اسلامی کشور در این نامه سرگشاده است.

۷. برای جبران ضایعات اجتماعی و رفتار وحشیانه و غیرانسانی گروه سعید امامی با بسیاری از بازداشت شدگان و اعمال خلاف قانون شرع که در هنگام مسئولیت ریاست جمهوری و ریاست شورای امنیت ملی آقای هاشمی رفسنجانی این اقدامات صورت گرفته، شایسته است ایشان به طور رسمی از امضاکنندگان نامه، بازداشت شدگان و شکنجه دیدگان و خانواده‌های آنان و از ملت ایران عذرخواهی کنند که این به حق و عدالت نزدیک‌تر است و پیامد آن به نفع ایشان و نظام خواهد بود.

پیامدهای نامزد نشدن خاتمی^۱

محمد توسلی در گفتگو با خبرنگار پایگاه خبری یاری، تصریح کرد که نامزد نشدن خاتمی در این انتخابات هم بر روی نتیجه انتخابات، هم شرایط جمهوری اسلامی ایران در نظام بین‌الملل و هم در میزان مشارکت مردم در انتخابات، آثار منفی برجای خواهد گذارد.

«محمد توسلی» رئیس دفتر سیاسی نهضت آزادی ایران، با تأکید بر اینکه حمایت از نامزدی «سید محمد خاتمی» در چارچوب راهبرد انتخاباتی نهضت آزادی ایران که توسط دبیر کل نهضت نیز اعلام شده است مصوبه رسمی شورای مرکزی و دفتر سیاسی این تشکل است، به بیان تبعات نامزد نشدن خاتمی در انتخابات دهم پرداخت.

وی تصریح کرد که نامزد نشدن خاتمی در این انتخابات هم بر روی نتیجه انتخابات، هم شرایط جمهوری اسلامی ایران در نظام بین‌الملل و هم در میزان مشارکت مردم در انتخابات، آثار منفی برجای خواهد گذارد.

توسلی در گفت‌وگو با خبرنگار یاری توضیح داد: در صورتی که آقای خاتمی نامزدی در انتخابات ریاست جمهوری را نپذیرند، احتمال اجماع اصلاح‌طلبان بر روی گزینه‌های دیگر به شدت کاهش و در عوض احتمال پیروزی یک نامزد محافظه‌کار به شدت افزایش پیدا می‌کند. رئیس دفتر سیاسی نهضت آزادی ایران ادامه داد: عدم حضور آقای خاتمی در انتخابات و پیروزی احتمالی یک محافظه‌کار علاوه بر تداوم بحران‌های اقتصادی - اجتماعی جاری سبب افزایش فشارهای بین‌المللی که در بیش از سه سال گذشته شاهد آن بوده‌ایم بر جمهوری اسلامی ایران خواهد بود.

وی سومین اثر حضور نیافتن رئیس‌جمهور سابق در این عرصه را تقویت جبهه آرای خاموش و کاهش حضور مردم در انتخابات بیان کرد و افزود: طبیعی است که به علت محبوبیت بالا و مواضع خاتمی، عدم حضور ایشان می‌تواند به فاصله گرفتن بیش از پیش مردم از صندوق‌های رای بینجامد.

توسلی در ادامه سخنان خود درباره راهبرد انتخاباتی نهضت آزادی ایران گفت: آقای خاتمی باید از تمام گروه‌هایی که گفتمان اصلاح‌طلبی را در حرف و عمل قبول دارند، استفاده کرده و

^۱گفتگوی محمد توسلی با خبرنگار «یاری نیوز» - ۱۳۸۷/۱۰/۲۵

با نامزدی در انتخابات، جبهه فراگیر اصلاح‌طلبی را تشکیل دهند و از حلقه تنگ اصلاح‌طلبی دوم خردادی خارج شوند.

وی اضافه کرد: اگر در گفت‌وگوهای معطوف به این امر، برنامه‌ای حداقلی مورد توافق تدوین شود و آقای خاتمی در چارچوب آن در انتخابات شرکت کنند، در شرایط کنونی ایشان بهترین گزینه برای اداره کشور و برعهده‌گیری محوریت جنبش فراگیر اصلاح‌طلبی هستند و این فرآیند است که می‌تواند به پیروزی اصلاح‌طلبان در انتخابات بیا نجامد.

رئیس دفتر سیاسی نهضت آزادی ایران با اشاره به تجربه ناموفق دولت نهم در تمام حوزه‌های داخلی و خارجی، شرط برون‌رفت از وضعیت کنونی را نامزدی خاتمی مشروط به طی فرایند یاد شده دانست و گفت: در میان گزینه‌های مطرح دیگر اصلاح‌طلب هیچ‌چهره‌ای که به اندازه آقای خاتمی توانایی ایجاد اتحاد در میان اصلاح‌طلبان، پیروزی در انتخابات و تشکیل جبهه فراگیر اصلاح‌طلبی را داشته باشد، وجود ندارد.

وی در پایان افزود چنانچه آقای خاتمی به‌رعلت نتواند در انتخابات پیش رو نامزد شود همواره می‌تواند به عنوان یک شخصیت فرهنگی تاثیر گذار در جامعه ما حضور داشته باشد.

ضرورت حضور خاتمی در انتخابات^۱

محمد توسلی رئیس دفتر سیاسی نهضت آزادی ایران با اشاره به هزینه های گسترده ای که در طول چهار سال گذشته در عرصه سیاست داخلی و بین المللی پرداخت شده است و مردم در زندگی شخصی و اجتماعی خویش آن را احساس می کنند اظهار داشت: در شرایط کنونی ضروری است همه کسانی که قلبشان برای منافع ملی و منافع دراز مدت نظام جمهوری اسلامی می تپد با حساسیت از نامزدی خاتمی حمایت کنند.

محمد توسلی در گفت و گو با خبرنگار ایلنا با اشاره به احتمال کاندیداتوری محمد خاتمی در انتخابات آینده گفت: ضمن احترام به سایر نامزدها، خاتمی تنها کسی است که بین نامزد های مطرح اصلاح طلبان می تواند محور اجماع و هماهنگی مجموعه اصلاح طلبان کشور باشد. وی به پیشنهاد نهضت آزادی ایران مبنی بر تشکیل جبهه فراگیر اصلاح طلبی اشاره کرد و گفت: خاتمی نباید خود را محدود به حلقه تنگ اصلاح طلبی و چند حزب خاص کند و باید با گسترش جبهه اصلاح طلبی به همه کسانی که نسبت به مخاطرات پیش رو احساس مسئولیت می کنند، بتوانند با کمک همه احزاب، گروه ها و فعالان فرهنگی و اجتماعی، در انتخابات آینده موفق شود.

اولین شهردار تهران پس از انقلاب در پاسخ به سوالی مبنی بر اینکه اگر خاتمی پیشنهاد تشکیل جبهه فراگیر اصلاح طلبی را نپذیرد، میزان همکاری نهضت آزادی ایران با وی چگونه خواهد بود، اظهار داشت: طبیعی است که میزان همکاری و مشارکت ما متناسب با میزانی خواهد بود که این توصیه مورد قبول و اجرا قرار گیرد.

وی با بیان اینکه پیشنهاد تشکیل جبهه فراگیر اصلاح طلبی به خاطر منافع ملی و آینده جنبش اصلاح طلبی است، اظهار داشت: همه می دانیم نامزدی خاتمی با چالشها و تنشهای اجتماعی رو به رو خواهد بود چرا که کسانی که در این چهار سال مراکز قدرت را در اختیار گرفته اند حاضر نیستند به راحتی این امکانات را از دست بدهند به همین دلیل خاتمی و اصلاح طلبان بایستی با مدیریت و درایتی که به کار خواهند بست، این گون هزینه ها را به حداقل ممکن کاهش دهند.

توسلی در پاسخ به سوالی مبنی بر اینکه شانس احمدی نژاد برای پیروزی در انتخابات آینده

^۱گفتگوی محمد توسلی با خبرنگار خبرگزاری کار ایران (ایلنا) - ۱۳۸۷/۱۱/۱۵

تا چه میزان است؟ گفت: به نظر می‌رسد شانس احمدی نژاد برای پیروزی در انتخابات آینده به چند پارامتر بستگی دارد که یکی از مهمترین پارامترها این است که خاتمی و اصلاح طلبان تا چه حد بتوانند جنبش اصلاحات را فراگیر کنند و با تقویت احساس مسئولیت ملی در شهروندان ایران آراء خاموش جامعه را متقاعد کنند تا همه کسانی که درد منافع ملی دارند و به سرنوشت آینده و فرزندان خود علاقه مند هستند با احساس مسئولیت در این اقدام ملی مشارکت کنند.

وی سلامت انتخابات را یکی دیگر از پارامترهایی دانست که در صورت تضمین آن شانس پیروزی محمد خاتمی در انتخابات را افزایش می‌دهد و در همین ارتباط خاطر نشان کرد: اگر سلامت انتخابات تضمین نشود، و مجریان انتخابات بی طرفی خود را رعایت نکنند و برخلاف آرای مردم اقدام کنند، طبیعی است در این شرایط نمی‌توان خروجی واقعی انتخابات را پیش بینی کرد.

رئیس دفتر سیاسی نهضت آزادی ایران در پایان تاکید کرد: اگر تفاوت آرای واقعی خاتمی و احمدی نژاد چشمگیر مثلا بیش از ۵ میلیون باشد مدیریت انتخابات به مانند دوم خرداد برای مجریان انتخابات مقدور نخواهد بود.

بررسی تاریخی شخصیت و گفتمان بازرگان^۱

گفتمان بازرگان در دهه شصت با پرداخت هزینه های زیاد به تدریج به ثمر نشست و در دهه هفتاد و هشتاد در جنبش اصلاحات گسترش پیدا کرد

مقابله با باز تولید استبداد و پیگیری اجرای اصول قانون اساسی در زمینه حقوق اساسی ملت یعنی تأمین آزادی و حاکمیت ملت از جمله تلاش های شادروان مهندس بازرگان و همفکران وی بوده است و گفتمانی که مهندس بازرگان و همفکران او در دهه ۶۰ بعد از بسته شدن فضای سیاسی کشور مطرح کردند و با پرداخت هزینه های زیاد پیگیری کردند به تدریج به ثمر نشست و در دهه های هفتاد و هشتاد در جنبش اصلاحات گسترش پیدا کرد و دست کم در سطح فرهیختگان و روشنفکران جامعه بصورت گفتمان غالب برای تداوم تلاش های سیاسی - اجتماعی در آمده است.

محمد توسلی

به عنوان کسی که سالها با مرحوم مهندس بازرگان همکاری و معاشرت داشته اید، از خلق و خو و اخلاقیات و اعتقادات ایشان بفرمایید.

شخصیت مهندس بازرگان متأثر از فرهنگ دینی و اجتماعی محیط خانواده، شرایط اجتماعی - سیاسی انقلاب مشروطه و دوران اختناق ۲۰ ساله رضاخان و همچنین فضای فرهنگی - اجتماعی در دوران هفت سال تحصیلات تکمیلی آن مرحوم در اروپا به ویژه فرانسه است. بهترین منبع برای مطالعه تفصیلی زندگینامه مهندس بازرگان و آشنایی با زمینه های شکل گیری شخصیت او کتاب مدافعات دادگاه نظامی سال ۱۳۴۲ است که در مجموعه آثار ۶ به چاپ رسیده است. بدون تردید مهندس بازرگان یکی از شخصیت های برجسته دینی، علمی و سیاسی صد سال اخیر کشور ماست. انسجام شخصیتی در عرصه های مختلف، شجاعت و صداقت و انصاف او به ویژه در قبال مخالفان و خصوصیات اخلاقی و رفتاری مهندس بازرگان نه تنها در محیط خانواده بلکه در عرصه های مختلف زندگی می تواند برای نسل امروز و فردای جامعه الگوی آموزنده ای باشد.

^۱ گفتگوی تفصیلی محمدتوسلی با نشریه انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه سهند تبریز - ۱۳۸۷/۱۱/۱۷

بر پایه گفتمان قرآنی، مهندس بازرگان از زمره کسانی است که مشمول "انعمت علیهم" هست که ما در نمازهای روزانه خویش دستیابی به آن را از خداوند درخواست می‌کنیم. اگر مهندس بازرگان جزء انبیاء و شهدا نیست اما می‌توان او را در زمره صالحین و صدیقین محسوب کرد و رمز ماندگاری آثار وجودی چنین شخصیت‌هایی همین ویژگی‌های آنان است. مهندس بازرگان در طول حدود ۶۰ سال خدمات مستمر خویش در هر دوره‌ای متناسب با شرایط و نیازهای راهبردی جامعه عمل کرده است (عمل صالح) و همگان صداقت او را مورد تأکید قرار داده‌اند.

تشکیل نهضت آزادی ایران از چه زمانی و به چه دلایلی مطرح شد و نقش مهندس بازرگان در این بین چگونه بود؟ آیا آیت الله طالقانی هم عضو نهضت آزادی و از موسسان آن بودند؟

نهضت آزادی ایران پس از ۲۰ سال تلاشهای فرهنگی و زمینه سازی‌های اجتماعی در سال ۱۳۴۰ تأسیس شد. شرایط سیاسی - اجتماعی سالهای ۴۰-۱۳۳۹ و فضای نسبتاً بازی که در دوران ریاست جمهوری جان اف کندی در ایران پدید آمد و ضرورت هویت تشکیلاتی بخشیدن به دانشجویان و فعالان سیاسی مسلمان که در طول ۲۰ سال تربیت شده بودند از جمله دلایل تأسیس نهضت آزادی بوده است. مهندس بازرگان یکی از مؤسسين نهضت آزادی ایران همراه دکتر یداله سبحانی و آیت‌اله طالقانی و سایر همفکران بودند.

نقش ویژه مهندس بازرگان هم در عرصه اعتقادی و پاسخ گفتن به سئوالات نسل جوان است که بین دین و علم آشتی و همخوانی ایجاد کردند و جوانان را از گرایش‌های الحاقی و اندیشه‌های مخرب وارداتی آن دوران نجات دادند و از سوی دیگر با خرافات و پیرایه‌های دینی که موجب فاصله گرفتن نسل تحصیل کرده از فرهنگ دینی و بومی جامعه می‌شد مبارزه اصولی کردند. بعلاوه نقش مهندس بازرگان را در مدیریت و مهندسی اجتماعی بایستی مورد تأکید قرار داد. پیش‌نویس بسیاری از اساسنامه‌ها و اهداف و برنامه‌های نهادهای مدنی که در طول چند دهه تأسیس شده است از جمله کانون مهندسين، انجمن اسلامی مهندسين و ... به قلم مهندس بازرگان بود.

همانگونه که توضیح داده شد آیت‌اله طالقانی در سال ۱۳۱۹ همکاری فرهنگی خویش را با مهندس بازرگان و دکتر سبحانی آغاز کردند و در سال ۱۳۴۰ نیز یکی از مؤسسين نهضت آزادی بودند و تا پایان عمر نیز این ارتباط و پیوند همکاری را با همفکران خود حفظ کردند.

جنابعالی به عنوان کسی که در جریان ارتباط با سازمان مجاهدین خلق در سالهای ابتدایی

دهه ۵۰ مدتی زندانی شدید، موضع مهندس بازرگان در قبال این گروه و در کل گروه‌های مبارز پیش از انقلاب را چگونه ارزیابی می‌کنید؟ آیا درست است که می‌گویند آقای بازرگان در لفافه موافقت خود را با مبارزه‌ی مسلحانه علیه رژیم پهلوی به حنیف-نژاد بیان کرده بود؟ (طبق این جمله: "ما پیرمردها نمی‌توانیم اسلحه‌ی دستمان بگیریم اما هر کمکی از ما ساخته باشد انجام خواهیم داد.")

بین سالهای ۱۳۴۱ تا ۱۳۴۶ که برای ادامه تحصیل به خارج از کشور رفته بودم در جریان اینگونه مذاکرات خصوصی دوستان نبودم. اما جمله معروف مهندس بازرگان در دادگاه نظامی سال ۱۳۴۲ که "ما آخرین گروهی هستیم که با زبان قانون با شما سخن می‌گوییم" تلویحاً حمایت اجباری خود را از این روند بیان داشتند. دست کم مهندس بازرگان در طول سالهایی که سازمان‌های مسلحانه شکل گرفت هیچگاه با عملکرد آنان مخالفت نکرده است. آنچه در گزارش‌ها منعکس است و طبیعی نیز به نظر می‌رسد این است که مهندس بازرگان با برخی از مواضع سازمان مجاهدین خلق از جمله مواضع اقتصادی آنان که بر گرفته از اقتصاد مارکسیستی بود (اقتصاد به زبان ساده) موافق نبود و به آنها نیز در گفتگوهای خصوصی متذکر شده بود.

آیا شما پذیرش نخست وزیری توسط مهندس بازرگان در مقطع پیروزی انقلاب را حرکتی سنجیده می‌دانید؟ آیا درست است که گفته می‌شود آیت الله طالقانی به ایشان توصیه کرده بود از پذیرش این سمت استنکاف ورزند؟

درسی امین سالروز پیروزی انقلاب و ارزیابی مجموعه تجربیات این سه دهه به نظر من مهندس بازرگان با ایمان، صداقت و بینش تاریخی خود این مسئولیت را آگاهانه و واقع‌بینانه پذیرفت و به وظیفه دینی و ملی خویش در آن شرایط خطیر عمل کرد. درست است که مرحوم آیت‌الله طالقانی به ایشان توصیه کرد که پذیرش این مسئولیت پیامدهای خطیری در پی دارد و در پذیرش این مسئولیت تأمل بیشتری بکنند، زیرا شناختی که طالقانی از روحانیت و حوزه و دیدگاه‌های تاریخی آنان داشت بطور طبیعی چنین برداشتی را برای ایشان پدید آورده بود. اما امروز با تحلیل شرایط آن دوره و بررسی مجموعه واقعیت‌ها بهتر می‌توان گفت که در آن شرایط کسی جز مهندس بازرگان نمی‌توانست این مسئولیت خطیر را بپذیرد و دوره انتقال را از رژیم پهلوی به جمهوری اسلامی با حداقل هزینه به فرجام برساند. شخصیت و سوابق مهندس بازرگان و همفکران او جایگاهی در جامعه داشت که گروه‌های مختلف صلاحیت، صداقت و توانایی

آنان را برای این مهم قبول داشتند - به ویژه با مذاکرات و دیپلماسی انقلاب که از اوایل سال ۱۳۵۷ آغاز شده بود زمینه‌های کاهش هزینه‌های انقلاب فراهم شده بود.

لطفا تعریفی کلی از لیبرالیسم ارائه دهید و طبق آن بفرمایید آیا مهندس بازرگان آنطور که مخالفانش و حتی بعضی موافقانش می‌گویند، انسانی لیبرال بوده است؟ به نظر شما در اوایل انقلاب و در زمان دولت موقت، گرایش‌های لیبرالی تا چه حد متناسب با شرایط سیاسی و فکری جامعه بود؟

”لیبرالیسم“ زائیده تحولات کشورهای غربی است به معنی آزادی انسان از همه قیدهایی که فرهنگ کلیسای مسیحیت بر جامعه غربی تحمیل کرده بود. این اندیشه واکنش شرایط اختناق دوران قرون وسطی اروپا بوده است. مهندس بازرگان در بازیابی ارزشها خود لیبرالیسم را نقد می‌کند. اندیشه آزادی‌خواهی مهندس بازرگان، که به غلط و مغرضانه در سالهای دهه ۶۰ بی‌بند و باری توصیف می‌شد، متکی به آیات قرآن و توصیفی است که خداوند در گزینش انسان معرفی کرده است و او را در بین همه مخلوقات از امانت ”اختیار“ برخوردار ساخته است. انسانی که آزادی نداشته باشد، مختار نیست و بنابراین نمی‌تواند مسئول و پاسخگو باشد. اتفاقاً رشد و کمال انسان نیز مرهون این اختیار و آزادی اوست.

این آزادی در معارف قرآنی تا آنجا توسعه یافته است که حتی انسان در پذیرش دین نیز آزاد است ”لا اکراه فی الدین“ بر این اساس مهندس بازرگان انسانی آزاده و طرفدار آزادی بود و با تحلیل تاریخی مشکل کلیدی جامعه ما را فرهنگ استبدادی می‌دانست (مدافعات - چرا با استبداد مخالفیم).

حزب توده و جریان‌های چپ برای حذف روشنفکران دینی و زمینه‌سازی برای دستیابی به قدرت اولین بار شعار ”مرگ بر لیبرال“ را مطرح کردند و بتدریج به عرصه رسانه‌ها و حتی نمازهای جمعه نیز کشانده شد. این جریان پر قدرت تشکیلاتی همانگونه که خود بعدها گفتند بدنبال القاء فکر تداوم انقلاب بودند تا بتدریج اندیشه سیاسی - اجتماعی خود را با دستیابی به قدرت در جامعه پس از انقلاب مستقر کنند - اما غافل از اینکه روحانیت با نفوذ مردمی خود بر موج پدید آمده مسلط شد و با تکرار شدید تر همان شعارها بتدریج این گروهها را از عرصه اجتماع حذف کرد و دست کم در یک دهه گذشته دیگر چنین شعارهایی تکرار نشد و در گفتمان اصلاحات آزادی، دموکراسی و حقوق بشر به عنوان مطالبات اصلی همه گروه‌ها امروز مطرح می‌باشد.

به نظر شما دلیل ایجاد تنش بین انجمن های اسلامی دانشجویان و دولت مهندس بازرگان که اوج آن در جریان تسخیر سفارت آمریکا بروز کرد، در حالی که خود ایشان از بانیان این انجمن ها بوده اند، چه بوده است؟

همانگونه که توضیح داده شد بعد از پیروزی انقلاب رسانه ها عمدتاً در اختیار حزب توده و سایر گروه های چپ بود و آنان مطالبات رادیکال را برای تحقق اندیشه تداوم انقلاب خویش در جامعه مطرح می کردند و طبیعی بود که دانشجویان بیشتر تحت تأثیر آن جو کاذب بعد از انقلاب قرار گیرند. مهندس بازرگان و سایر کسانی که در دولت موقت قبول مسئولیت کرده بودند تمام وقت خود را به اجرای برنامه های مسئولیت سنگین دوران انتقال اختصاص داده بودند و مثل سایر گروه های سیاسی که کادرهای ورزیده و تمام وقت در خدمت فضا سازی سیاسی را داشتند نمی توانستند با موج ایجاد شده مقابله کنند. البته مهندس بازرگان و همکاران ایشان نسبت به این نیاز بی تفاوت نبودند. مجموعه سخنرانی ها و مقالات ۹ ماهه دوران دولت موقت که در کتاب "مشکلات و مسایل اولین سال انقلاب از زبان مهندس بازرگان" به چاپ رسیده است این تلاش ها را نشان می دهد، اما طبیعی است که پاسخگوی نسل جوان آن دوران نباشد. در مورد تسخیر سفارت آمریکا و عملکرد دانشجویان پیرو خط امام که می خواستند چند روز در سفارت بمانند اما گروگان گیری ۴۴۴ روز به طول انجامید داستان دیگری است که بایستی جداگانه مورد بررسی و تحلیل قرار گیرد.

گفته می شود مهندس بازرگان پس از انقلاب به همکاری جوانان در مسائل کشوری اعتقادی نداشتند و همین مسئله موجب بروز اختلافاتی بین ایشان و بعضی نهادهای انقلابی شد. در صورت صحت این موضوع بفرمایید به چه دلیل ایشان موافق همکاری جوانان نبودند؟ مهندس بازرگان نگاه علمی به مدیریت کشور داشت و حضور مسقیم دانشجویان را در عرصه مسئولیت های کلان مدیریتی کشور به مصلحت نمی دانست. اما برای جذب دانشجویان و جوانان در عرصه خدمات داوطلبانه و ایجاد بستر لازم برای رشد آنان و کمک به هموطنان، نهادهای اجتماعی تأسیس کرد. از جمله ایده جهاد سازندگی که توسط آقای دکتر حسین بنی اسدی و جمعی از همکاران ایشان در دولت موقت شکل گرفت و یا شوراهای مردمی که در محلات شهر تهران تشکیل شد و منشأ خدمات زیادی بودند در پاسخ به این نیاز آن دوران مدیریت شده بود. اما تفویض مسئولیت های کلان کشور به جوانانی که از تجربه و صلاحیت لازم برای تصدی

آن مسئولیت‌ها برخوردار نیستند به لحاظ علمی و تجربی برای سلامت مدیریت کشور قابل قبول نبود و امروز هم نیست و نمی‌تواند منافع و مصالح ملی را تأمین کند.

موضع گروه‌های سیاسی پس از انقلاب به خصوص مجاهدین خلق، حزب توده، حزب جمهوری و فدائیان نسبت به دولت موقت و شخص مهندس بازرگان چگونه بوده است؟

گروه‌های سیاسی در شرایط خاص بعد از انقلاب عموماً مخالف دولت موقت بودند. حزب توده و سازمان مجاهدین خلق و فدائیان داعیه قدرت داشتند و می‌خواستند با شیوه‌های مختلف قدرت را به دست بگیرند. مخالفت‌ها تا آنجا گسترش داشت که حتی دوستان نهضت آزادی که در دولت مسئولیت نداشتند هماهنگ با موج ایجاد شده در جایگاه نقد دولت موقت و بعضاً هماهنگ با مطالبات گروه‌های چپ اعلام موضع می‌کردند که با حفظ امانت در اسناد نهضت به چاپ رسیده است. البته حزب جمهوری اسلامی که بعد از انقلاب تأسیس شده بود و رهبری آن با روحانیون بود خود در قدرت حضور داشتند و برای دستیابی به قدرت کامل با شعارهای سایر گروه‌های مخالف نیز گاهی هم‌نوایی نشان می‌دادند و همان ایرادات و نقدهای آنان را تکرار می‌کردند و حتی شعار مرگ بر لیبرال را در رسانه‌های رسمی و فضای مقدس نمازهای جمعه و منابر تکرار می‌کردند.

مهندس بازرگان در سالهای پایانی عمر پربرکت خویش، به عنوان یک نیروی اپوزیسیون شناخته می‌شدند. فعالیت‌های ایشان در آن زمان چه بود و در نهایت ایشان تا چه حد توانستند به آرمانهایی که مد نظر داشتند دست پیدا کنند؟

مهندس بازرگان و همفکران ایشان بعد از دولت موقت براساس احساس مسئولیتی که در مدیریت انقلاب داشتند همواره با اتخاذ خط مشی اصلاحی و مبارزه قانونی و علنی و مسالمت‌آمیز در جایگاه اپوزیسیون قرار گرفتند و با نقد مشفقانه عملکرد مسئولان به وظیفه امر به معروف و نهی از منکر که در اصول قانون اساسی نیز پیش‌بینی شده است عمل کردند. محور اصلی اهداف و برنامه آنان پاسداری از اصول و آرمان‌های اولیه انقلاب که همان مطالبات تاریخی ملت ایران در مبارزات یکصد ساله اخیر است خلاصه می‌شود. مقابله با باز تولید استبداد و پیگیری اجرای اصول قانون اساسی در زمینه حقوق اساسی ملت یعنی تأمین آزادی و حاکمیت ملت از جمله تلاش‌های شادروان مهندس بازرگان و همفکران وی بوده است و گفتمانی که مهندس بازرگان و همفکران او در دهه ۶۰ بعد از بسته شدن فضای سیاسی کشور مطرح کردند و با پرداخت

هزینه‌های زیاد پیگیری کردند به تدریج به ثمر نشست و در دهه های هفتاد و هشتاد در جنبش اصلاحات گسترش پیدا کرد و دست کم در سطح فرهیختگان و روشنفکران جامعه بصورت گفتمان غالب برای تداوم تلاش‌های سیاسی - اجتماعی در آمده است.

چرا انقلاب؟^۱

مهندس توسلی چهره شناخته شده‌یی که بیش از ۴۰ سال است در عرصه سیاسی فعالیت دارد و پس از انقلاب شهردار تهران شد، در این گفت و گو از چگونگی شکل گیری انقلاب و چرایی آن سخن می گوید.

برخی از جوانها می پرسند نسل قبل از انقلاب چرا دست به چنین دگرگونی عظیمی زدند. آیا نمی شد در قالب یک کار مدنی اصلاحاتی انجام می شد که هزینه کمتری می داشت. ضمن این که شاه در این اواخر پذیرفته بود که در چارچوب قانون عمل کند چرا انقلابیون توبه او را نپذیرفتند؟ باتوجه به اینکه شما مشی مبارزات قانونی را دنبال می کردید می توانید پاسخ دهید چرا به همان شیوه مبارزات قانونی و سیاسی اهداف خود را پی نگرفتید و دست به انقلاب زدید؟ در نتیجه جامعه هزینه های زیادی را متحمل شد. برخی فکر می کنند مشکلات جامعه ما مربوط به اصل انقلاب است. شما چطور؟

پرسشی که مطرح می کنید در سطح جامعه هم مطرح است و در شرایط کنونی که در آستانه سی امین سال پیروزی انقلاب هستیم بجاست به این مسائل بپردازیم. شاید مقدمات^۲ سئوالات جدیدی هم مطرح کنیم که ریشه های انقلاب کجا بود و در چه فرایندی شکل گرفت و نیروهای موثر چه کسانی بودند. مطالبات واقعی مردم چه بودند و حالا آیا به آنها رسیده ایم یا نه؟ به نظر من انقلاب اسلامی سال ۵۷ ریشه در مطالبات تاریخی ملت ایران دارد. مطالباتی که از مبارزات صدساله ملت ما دنبال می شده است. از دوره جنبش مشروطه، نهضت ملی تا سال ۵۷ مشکل اصلی جامعه ما حضور فرهنگ استبدادی و حاکمیت و سلطه شاهان و اقتدارگرایان در جامعه بوده است. بیدارگران و اصلاح طلبان ما بیشتر بحث محدود کردن اختیارات قدرت و استقرار و حاکمیت اراده مردم و به زبان امروز دموکراسی و حقوق بشر را دنبال می کردند. می خواستند انسان بر سرنوشت خویش حاکم باشد تا توسعه در جامعه میسر شود. نقطه آغاز را نباید در یک نقطه مثل ۱۵ خرداد منحصر کرد. آنهم یکی از این نقاط و حلقه های بهم پیوسته بوده است. ریشه تاریخی انقلاب در عمق تاریخ ما بوده است و در هر مرحله یک گام بلند تر برداشته شده است. در انقلاب ۵۷ مردم شعار آزادی سر می دادند که از مظالم شاه و ابزار سرکوبش یعنی

^۱ متن کامل گفت و گوی روزنامه اعتماد با مهندس محمد توسلی اولین شهردار تهران پس از انقلاب - مهدی غنی - الهه حبیبی - ۱۳۸۷/۱۱/۱۷

ساواک به ستوه آمده بودند. از طرفی از حضور امریکا و سلطه آن بیزار بودند و شعار استقلال می دادند. ضمناً ملت ما مردم مسلمانی بودند و می خواستند ارزش های اسلامی در مناسباتشان حاکم باشد. لذا شعار جمهوری اسلامی می دادند.

این شعارها با هم یک هماهنگی و انسجامی داشتند. انقلاب در فرایندی شکل گرفته است که لااقل پس از شهریور ۲۰ و رفتن رضاخان و فضای بازنسی که در کشور ایجاد شد برمی گردد. در آن شرایط افکار نوی در جامعه مطرح می شود. هم ایده های مارکسیستی و هم ایده های اندیشه نو دینی مطرح می شود. نیروهای ملی هم حضور می یابند و مقاومت می کنند و زمینه های رشد حرکت مردم را فراهم می کنند. سال ۴۰ شرایط جدیدی مطرح می شود. شعار حقوق بشرکندی مطرح می شود. جبهه ملی دوم و بعد نهضت آزادی ایران تشکیل می شود. بعد با توجه به نقشی که شاه در اداره کشور داشت تصمیم می گیرد خودش مجری برنامه اصلاحات امریکایی شود. لایحه انجمن های ایالتی و ولایتی و فرماندم شش ماده ای شاه مطرح می شود. پیش بینی می کردند که روحانیت با اصلاحات ارضی و شرکت زنان در انتخابات مخالفت کند. ابتدا هم مخالفت هایی صورت گرفت ولی در تعاملی که با روشنفکران دینی صورت گرفت حرکت روحانیت هم به جهت گیری علیه شاه منجر شد و سمت و سوی ضد استبدادی را انتخاب کردند که در سخنرانی های آقای خمینی در سال ۴۲ کاملاً تبلور دارد. این تقابل استبداد سلطنتی و حرکتی که روحانیت برای مبارزه انتخاب کرده بود، باعث رخداد ۱۵ خرداد می شود. شاه با سرکوب این حرکت به مردم این پیام را می دهد که دیگر مبارزه قانونی امکان پذیر نیست.

از این تاریخ است که تمام مبارزین ما اعم از مارکسیست و مسلمان چه در داخل کشور و چه خارج همه به این جمع بندی می رسند که باید خودشان را برای یک مبارزه مسلحانه و مخفی آماده کنند. اگر نخبگان سیاسی ما بعد از ۱۵ خرداد به این جمع بندی رسیدند به این دلیل بود که این گفتمان در آن مقطع در سراسر جهان مطرح بود. آن موقع تجربه انقلاب کوبا، الجزایر، چین و شوروی پیش رو بود. به هر حال در مجموعه کشورها این گفتمان مطرح بود که برای رفع موانع راهی جز انقلاب وجود ندارد. به همین دلیل روشنفکران ما هم که به آن ادبیات دسترسی داشتند، آن را مطالعه کردند و مورد عمل قرار دادند. حتا در سال ۵۰ معروف بود که اعضای مجاهدین خلق از برخی چریک های فدایی خلق به مبانی ایدئولوژیک و تحلیلی مارکسیستی آشناتر هستند. از اینها هم که بگذریم جوان های دیگری مثل آقای بجنوردی که از عراق آمده بود در سال ۴۳

دنبال تشکیل سازمان نظامی بودند. بنابراین ما باید توجه کنیم که در دهه ۴۰ و در ادامه آن در دهه ۵۰ گفتمان جهانی این بود و تحت تاثیر آن راه حل اصلاحی در بین جوانان ما مطرح نبود و تنها کسانی مثل مهندس بازرگان و نهضت آزادی ایران به مبارزه قانونی و اصلاحی باور داشتند. شاه هم تمام راه های مبارزه قانونی و مسالمت آمیز را بکلی مسدود کرد. در انتخابات دوره بیستم مجلس تنها یک نماینده، آقای الهیار صالح از کاشان توانست به مجلس راه پیدا کند. شاه مجلس را منحل کرد تا همان یک نفر هم در مجلس نباشد. شاه حتی امینی را هم تحمل نکرد. و این در حالی بود که نهضت آزادی، بر خلاف گروه های دیگر، در راستای باز کردن فضای باز سیاسی و ادامه فعالیت های سیاسی قانونی از امینی حمایت کرد. اما شاه همان اندازه را هم بر نتابید. در چنین شرایطی بود که مهندس بازرگان در دادگاه نظامی سال ۴۲ جمله معروفی را گفت که ما آخرین گروهی هستیم که به زبان قانون با شما سخن می گوئیم و بعد از ما دیگر با این زبان با شما صحبت نخواهند کرد.

این مقدمه را من از این جهت به اختصار مطرح کردم که این فضای سیاسی و گفتمان جهانی که مبارزین ما قبل از انقلاب تنفس می کردند و مبنای تحلیل و عمل اجتماعی آنان بود تا حدودی روشن شود.

همیشه فضا چیزهایی را به افراد القا می کند اما الزاما آن چیزی که فضا القا می کند آن چیزی نیست که باید انتخاب شود. کما اینکه همین الان هم فضای جهانی در رابطه با ایران نگاه خاصی دارد که اصلاح طلبان ایران این را فبول ندارند. بحث سر این است که در آن شرایط آیا این صرفا یک واکنش نبود؟ به هر حال رژیم در ۱۵ خرداد سرکوبی انجام داده بود. ما می بینیم که از ۲۸ مرداد ۳۲ تا سال ۴۰ حرکتی در جهت براندازی نظام شکل نمی گیرد و مقاومت به سمت آگاهی بخشی و فعالیت های سیاسی و جمع کردن نیروها پیش می رود که تحت تاثیر آن فضای باز سیاسی سال ۳۸، ۳۹ به وجود می آید ولی آن فعالیت های ملی که در طول هفت هشت سال ایجاد می شود و خود رژیم هم که مشکلاتی پیدا می کند باعث می شود که امینی روی کار بیاید و فضای سیاسی باز شود. این نتیجه همان کارهای سیاسی است. از کجا معلوم که آن سرکوب ۱۵ خرداد هم حتما باید به براندازی نظام منجر شود. می خواهم بپرسم این جمع بندی واکنشی و عکس العملی نبوده؟ اگر ما با آرامش بیشتری حرکت می کردیم آیا نمی توانستیم دوباره یک فضای باز سیاسی را ایجاد کنیم؟

وقتی می‌خواهیم تاریخ را بررسی کنیم باید واقعیات را بررسی کنیم. واقعیت این است که رهبران سیاسی ما همه در زندان بودند. رهبران و فعالان نهضت و جبهه ملی همه در زندان بودند و هیچ نوع امکانی برای فعالیت نداشتند. از بهمن ۴۱ تا سال ۴۵ و ۴۶ زندان بودند و کم‌کم آزاد شدند. در آن دوران نسلی که بیرون از زندان بود و احساس مسئولیت می‌کرد جوان‌تر بود و شور وطن‌پرستی و ایمان داشت و می‌خواست به وظیفه‌اش عمل کند و راهی نداشت جز اینکه از تجربیات بشری و گفتمان جهانی استفاده کند. ما نمی‌توانیم امروز با معیارهای امروزی آنها را شماتت کنیم. می‌توانیم نقد کنیم نه شماتت. برای اینکه فقط یک گروه نبود که دست به این کار زد. هم مارکسیست‌ها هم مسلمانان در داخل و هم دوستان خود ما در خارج از کشور این تفکر را داشتند. در آمریکا دکتر چمران، صادق قطب‌زاده، دکتر یزدی، خود بنده و جمع دیگری از دوستان که همه در مشاغل علمی بالایی بودند به این نتیجه رسیده بودند. مثلاً دکتر چمران کارهای پژوهشی بزرگی انجام می‌داد و با دکتر یزدی همین‌طور. خود من برای ادامه تحصیل در مرحله دکترا در آمریکا مشغول بودم. آنها هم وقتی که در آن شرایط به موضوع نگاه کردند این را یک تکلیف و وظیفه تشخیص دادند. گفتمان جهانی بر ذهنیت و تصمیم‌گیری کسانی که خارج از ایران بودند هم اثر گذاشته بود. البته خیلی زود متوجه شدند که از خارج از کشور نمی‌توانند کار مفیدی برای داخل انجام بدهند و اطلاعات و تجربیاتشان را به داخل منتقل کردند.

برای اینکه این بحث ادامه پیدا کند می‌خواهم این نکته را اضافه کنم که رژیم شاه با همکاری سیا و موساد از تمام تکنولوژی‌های ممکن برای سرکوب این جریان استفاده کرد. به طوری که همان‌طور که می‌دانیم از سال ۴۹ که فعالیت‌های مسلحانه آغاز شد تا سال ۵۴ تمام این جریان‌ها سرکوب شدند. با شیوه‌های خاصی که ساواک داشت و هدایتی که می‌کرد تغییر رویه دادند و این تغییر آثار بسیار منفی در روحیه مسلمانان مبارز داشت. با این فرایند سرکوب، عملاً فعالیت مسلحانه در داخل کشور در سال ۵۴ به بن‌بست رسید. پیشگامان حرکت مسلحانه در ایران شهید شدند و یا در داخل زندان بودند و اگر در زندان نبودند به خاطر همین اختلافات مجبور شدند کشور را ترک کنند. پس از آن گروه‌های کوچکی شکل گرفت و این حرکت مسلحانه را ادامه دادند. همین هفت گروهی که پس از انقلاب، سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی را شکل دادند گروه‌های پراکنده‌ای بودند که بعد‌ها به هم پیوستند.

به رغم اینکه حرکت مسلحانه سرکوب شد اما این حرکت آثار مثبتی در فضای فرهنگی جامعه

ما به وجود آورد و در جامعه ما یک تحول فرهنگی به صورت ریشه ای اتفاق افتاد. به طوری که نسلی که بعد از سال ۴۹ در دانشگاه ها حضور داشتند به لحاظ فرهنگی و اجتماعی از رشد بسیار بالاتری برخوردار بودند. نه تنها نسل جوان ما بلکه مبارزین مسلمان و بدنه جامعه ما یک تحول کیفی پیدا کرده بودند. همچنین در پی نهضت روحانیت در سال ۴۱ و رخداد پانزدهم خرداد ۴۲ در خود روحانیت جریان بازار حامی آنان هم چنین تحولی شکل گرفته بود. روحانیون اهل مبارزه و اهل فداکاری و ایثار شدند. تعدادی از آنها در زندان و تبعید بودند. این تحول کیفی نسبی را در عرصه عمومی می توان دید. من می خواهم اضافه کنم علاوه بر این تحولات، نقشی که روشنفکران دینی در ادامه کار مهندس بازرگان و یا استاد محمدتقی شریعتی، به طور مشخص دکتر شریعتی سال ۴۷ ایفا کرد و یک ادبیات جدیدی را در جامعه مطرح کرد خود این ادبیات موجب شد که نسل جوان و مبارز ما را با یک محتوای غنی تری در جامعه تربیت کند و این مجموعه با غنای فرهنگی بالاتری در جامعه ما حضور داشت. سال ۵۴ که حرکت مسلحانه سرکوب شد این جریان تسلیم نشد و راه خویش را ادامه داد. شما به اسناد تاریخی که نگاه می کنید می بینید از سال ۵۴ به بعد یک حرکت آرام، فرهنگی و آگاهی بخش حرکت اجتماعی را دنبال می کند. به تدریج حرکات اصلاحی در جامعه ما رواج پیدا می کند. اگر رویدادهای سال ۵۵ را نگاه کنید بعد از روی کار آمدن کارتر و حقوق بشر اگر فقط فهرست رویدادها را مرور کنیم می بینیم. فروردین ۵۶ جمعیت ایرانی دفاع از آزادی و حقوق بشر مطرح میشود. در حوادث سال ۵۶ کم کم برنامه بزرگداشت دکتر شریعتی و مجلس ختم مرحوم حاج سید مصطفی خمینی در مسجد ارگ هست که بیانیه های امضادار از آن بیرون می آید. بعد اعتراض به محکومیت آقای طالقانی مطرح می شود به تدریج از شهریور ۵۶ اجتماعات عظیم روشنفکران دینی در تهران آغاز میشود و مثلا در مسجد قبا مرحوم دکتر مفتاح در آنجا پیش نماز بودند برنامه سخنرانی که روشنفکران دینی مثل آقای دکتر توسلی دکتر پیمان، دکتر سامی، مهندس بازرگان، دکتر سحابی شروع می شود این حرکت های مسالمت آمیز آغاز شد. مسجد قبا اولین جرقه ایست که مردم آنچنان استقبال می کنند که علاوه بر شبستان مسجد، طول خیابان قبا تا دکتر شریعتی مردم روی زمین نشسته بودند. این حضور طبیعتا ایجاد انگیزه می کرد و تحرکی به جامعه می داد. شهریور ۵۶ اجتماع هنرمندان و روشنفکران حتا غیر اسلامی در باشگاه انجمن ایران- آلمان به نام شبهای شعر شکل می گیرد. شهریور ۵۶ نماز عید فطر در زمین های قیطریه به امامت آیت الله سید

ابولفضل موسوی زنجانی اتفاق می افتد که خود برگزاری این نماز عید فطر اجتماعی است که در خود پیام گسترش یک حرکت اجتماعی عمومی را دارد. بانیان این برنامه ترکیبی از مبارزین مختلف هستند. صباغیان، حاج مانیان، حاج مهدی عراقی، تهرانچی و ... از آذر ۵۶ از زمانی که جمعیت دفاع از آزادی و حقوق بشر تشکیل میشود برای دفاع از زندانیان سیاسی و کاهش هزینه حضور در عرصه مبارزه برنامه ریزی می شود. اولین نشریه ای که ملیون و روشنفکران منتشر کردند در ۱۱ آبان ۵۶ است که مطالبات خودشان را شامل: اجرای قانون اساسی، آزادی زندانیان سیاسی، رعایت آزادی ها، آزادی مطبوعات و پیشبرد حقوق بشرو... مطرح می کنند. درچنین فضائی ناگهان حرکتی شروع می شود که جامعه را به سمت خشونت می کشاند. در ۱۷ دیماه ۵۶ آن مقاله معروف داریوش همایون در اطلاعات مطرح می شود. در اعتراض به این کار حادثه قم رخ می دهد. کشتار در آنجا اتفاق می افتد و بعد مراسم چهلم کشتار قم در تهران و شهرستانها انجام میشود. نکته مهم این است که در این شرایط خفقان که استبداد و ساواک هست اما مردم نیز در صحنه هستند. تنها کسی که جرأت می کند و با صدور بیانیه از مردم برای شرکت در مجلس بزرگداشت شهدای قم در مسجد آذربایجانی های بازار تهران دعوت کند مهندس بازرگان است. همین روند ادامه دارد...

شاید یکی از نکات تاریخی که بایستی در این فرآیند اشاره شود انجام اولین مصاحبه مخفیانه مهندس بازرگان با خبرنگار بلژیکی به نام آقای کلود در اول اردیبهشت سال ۵۷ است که تاثیرگسترده ای در رساندن پیام انقلاب داشته است. او یک مصاحبه ی یک ساعته با آقای مهندی بازرگان تهیه کرد که در بسیاری از رسانه های خارجی پخش شد. مهندس بازرگان در این مصاحبه گفته بود که ملت باید بین شاه و آزادی یکی را انتخاب کند. این در واقع سرآغاز ارتباط بین المللی وانعکاس مبارزات مسالمت آمیز بود.

ارسال نامه مهندس بازرگان به دفتر مخصوص شاه در اردیبهشت ۵۷ و دعوت شاه به مباحثه ملی از جمله اقداماتی است که شاه را به چالش کشید. طبیعی است که شاه پاسخی ندهد اما نفس انتشار یک چنین بیانیه ای که کسی در داخل جرأت می کند و این بیانیه را صادر می کند زمینه را برای چالش های بعدی فراهم ساخت. من از ذکر جزئیات رخدادهای پی در پی این دوران صرف نظر میکنم. از حدود ۱۵ خرداد سال ۵۷ است که به تدریج اعتصابات در شهرهای درجه ۱ و ۲ به بیش از ۸۰ درصد می رسد. در ۱۵ خرداد نهضت آزادی ایران بیانیه ای با عنوان "کارمندان

دولت حالا نوبت شماست" صادر می کند .

در ۶ شهریور ۵۷ که هنوز ساواک مسلط است بیانیه شاه برود نهضت آزادی با عنوان " راه نجات ایران از بن بست حاضر" منتشر می شود. ۱۳ شهریور ۵۷ نمازبا شکوه عید فطر به امامت دکتر مفتاح در قیطره برگزار می شود و..

امام خمینی گفته بود شاه باید برود؟

تا آن زمان در داخل کشور کسی این حرف را نزنده بود. این اولین باری است که این شعار علنی در داخل مطرح می شود. این موضع گیری در واقع در ادامه همان مصاحبه ای بود که اول اردیبهشت انجام شده بود. در این تحلیل تصریح شده است که شاه با این اقداماتی که انجام داده در برابر ملت ایران که صاحبخانه است ایستاده و بطور طبیعی باید برود. پس از نماز عید فطر که شرایط اجتماعی از سال قبل آماده تر بود، به صورت خودجوش اولین راه پیمایی اعتراضی مردم شکل گرفت. آقای هادی غفاری در این راهپیمایی نقش موثری داشت. ۱۶ شهریور در مقابله با گسترش اعتراضات مردمی اعلام حکومت نظامی می شود و ۱۷ شهریور هم همان ماجرای جمعه سیاه پیش می آید که در میدان شهدا رخ داد.

به دنبال بازداشت گسترده فعالان سیاسی پس از یورش ۱۷ شهریور، جمعیت دفاع از آزادی و حقوق بشر به اقدامات دفاعی خود توسعه داد و از جمله جمعی از فعالان جمعیت مذکور برای اعتراض به بازداشت ها و درخواست آزادی آنان در منزل آقای شریعتمداری متحصن شدند. در ۱۳ مهر هجرت آقای خمینی از نجف به پاریس به پیشنهاد و در معیت دکتر یزدی اتفاق می افتد. این سرآغاز يك دوران جدیدی است. آقای خمینی در دورانی که در تبعید بودند به خاطر پایداری ایشان در نهضت روحانیت از سال ۴۱ و تسلیم نشدن در مقابل رژیم شاه مورد توجه فعالان سیاسی در داخل و خارج کشور بودند. نهضت آزادی ایران در خارج کشور و انجمن های اسلامی دانشجویان در اروپا و آمریکا با ایشان در ارتباط بودند و این باعث شده بود که آقای خمینی در جمع فعالان سیاسی خارج از کشور نیز مطرح شوند. اگر این ارتباطات در داخل و خارج نبود طرفداران ایشان به روحانیت و بازارو اسلام سنتی، محدود می شد. این ارتباطات گسترده ای که در خارج از کشور صورت گرفت، مصاحبه هایی که انجام می گرفت و رفت و آمدهایی که بود و بیانیه هایی که ایشان می داد به خصوص پیام هایی که برای انجمن های اسلامی دانشگاه ها داده می شد مجموعه این موارد باعث شد که ایشان در بین روشنفکران هم مورد توجه قرار بگیرند.

حضورشان در پاریس با توجه به تداوم مبارزات در داخل بطور طبیعی در بین‌المللی کردن قیام مردم نقش موثری داشت. همه سران گروه‌ها و نخبگان سیاسی به پاریس می‌رفتند و مذاکراتی داشتند که مهندس بازرگان هم با ایشان مذاکراتی داشتند که وارد جزئیات نمی‌شوم.

بعد از سرکوب ۱۷ شهریور و هجرت امام خمینی رژیم چه مسیری درپیش گرفت؟

۱۴ آبان حکومت از هزاری به جای شریف امامی می‌آید و تصمیم می‌گیرند که برای برخورد با جریان انقلاب، از خشونت استفاده کنند. پس از ۱۷ شهریور درین تحلیلگران سیاسی این تحلیل مطرح بود که با این خشونت‌ها پیروزی چند سالی به عقب افتاده است.

اما باید در اینجا يك پراتز باز کنم که در مقابل این فرایند و برنامه‌های ساواک و ارتش در سرکوب مبارزات مردم - که هر کدام را باید جداگانه بررسی کرد - حرکت‌های دیگری هم بموازات آغاز شده بود. بطور خلاصه ما در شورای مرکزی نهضت آزادی در همان اواخر سال ۵۶ به این جمع بندی رسیدیم که با توجه به تجربیات گذشته برای مقابله با رژیم شاه دو اقدام بایستی در برنامه مبارزات قرار گیرد. در یک جبهه بایستی چهره واقعی رژیم شاه را نشان داد و با آن برخورد کرد. در جبهه دیگر بایستی به سراغ حمایت‌کنندگان رژیم شاه رفت و آنرا خنثی ساخت. امریکا با توجه به منافع راهبردی و حضور همه جانبه در ایران نقش موثری در حمایت و بقای رژیم شاه داشت. این تصمیم در شورای مرکزی نهضت گرفته شد. چهار نفر برای این کار انتخاب شدند. برای ما مشخص بود که با وجود ساواک این برنامه با مخاطراتی همراه است. مرحوم مهندس بازرگان، مرحوم دکتر سبحانی، آقای احمد صدر حاج سید جوادی و بنده برای این برنامه انتخاب شدیم که با توجه به ضرورت‌های این کار اقدام کنیم. این مذاکرات از اردیبهشت سال ۵۷ با یکی از کارکنان سفارت آمریکا آغاز شد. واز شهریورماه آقای مهندس امیرانتظام بجای من نقش ارتباط و ترجمه مذاکرات را به عهده داشتند. در اسنادی که منتشر شده است اصل این مذاکرات آمده است. اگر مجموع این مذاکرات در طول سال ۵۷، که پس از تشکیل شورای انقلاب با تایید ضرورت آن تداوم یافته است، با نگاه کارشناسی مورد بررسی قرار گیرد مشخص می‌شود که دیپلماسی انقلاب چه تاثیر تعیین کننده‌ای در تسهیل روند انقلاب و کاهش هزینه‌های آن داشته است.

این مذاکرات در آن شرایط چه نتیجه‌ی داشت؟

به تدریج موجب عقب نشینی آمریکا از مواضع گذشته خود و کاهش حمایت از رژیم شاه شد

و هم راه را برای ادامه مبارزات مردم با هزینه کمتر هموار ساخت. پس از تشکیل کمیته ایرانی دفاع از آزادی و حقوق بشر تأثیر و دامنه این مذاکرات بیشتر شد.

این مذاکرات هم در داخل کشور بود هم خارج؟

بله، این مذاکرات هم در ایران توسط شورای انقلاب پیگیری شد و هم در پاریس با رهبر فقید انقلاب.

چه موقع شاه تسلیم مطالبات مردم شد؟

نکته تاریخی مهم این است که پس از تغییرات دولت ها از هویدا تا شریف امامی و شکست برنامه های سرکوب مردم، در ۱۴ آبان از هاری به جای شریف امامی روی کار می آید و شاه در ۱۵ آبان آن سخنرانی مشهور خود را ارایه می کند و خطاب به مردم می گوید که من پیام انقلاب شما را شنیدم. در شرایط کنونی بسیار مفید است که سوابق تاریخی برای نسل جوان ما بازگو شود. ضمناً رخدادهای سال های ۵۴ تا این مقطع نشان می دهد که مبارزات ملت ما تا این مرحله کاملاً قانونی و مسالمت آمیز بوده است.

همینجا ما نمی توانستیم با این چرخش رژیم برخورد مثبت کنیم و بگوییم شاه توبه نامه

نوشته؟

این سوال خوبی است. آیا ما نباید به این پیام شاه جواب مثبت می دادیم؟ روحیه و فضای جامعه ما در آن زمان بهیچوجه پذیرای چنین واکنشی نبود. مردم باور نداشتند که در این سخنان شاه صداقتی وجود داشته باشد. این بازگشت را به عنوان يك تاكتيك تلقی می کردند تا آن شور انقلابی را کاهش دهد و باز دوباره سرکوب را شروع کنند. مهندس بازرگان نیز در این هنگام در زندان در پاسخ به این سوال مقدم رئیس ساواک، که بدیدن وی آمده بود، در مورد پیام شاه گفت: "حالا دیر شده است و کسی باور نمی کند". وقتی شاه از امینی برای تشکیل دولت دعوت کرد امینی پذیرش آنرا مشروط باین کرد که شاه فرماندهی کل قوا را به نخست وزیر واگذار کند و بودجه ارتش را دولت معین کند. شاه آن را نپذیرفت. امینی هم پیشنهاد شاه را نپذیرفت و گفت من این شاه را خوب می شناسم هر وقت در تنگنا قرار می گیرد به دیگران متوسل می شود و چون از تنگنا بیرون می آید بر می گردد به جای قبلی.

به رغم شرایط فشار دولت نظامی از هاری راهپیمائی های ناسوعا و عاشورا چگونه برگزار

شد؟

یکی از پیامدهای دیپلماسی انقلاب و اقدامات جمعیت دفاع از آزادی و حقوق بشر برگزاری موفقیت آمیز راهپیمائی های تاسوعا و عاشورا ست که طی آنها جمعیت میلیونی بطور مسالمت آمیز تنفر خود را از رژیم شاه و پشتیبانی خود را از مطالبات تاریخی مردم که در سخنان رهبر فقید انقلاب در پاریس متبلور بود و از رهبری آیت الله خمینی به جهانیان اعلام داشت. در واقع پیامد این راهپیمائی ها انجام یک فرایند و اعلام نظر روشن مردم بود.

اما راهپیمایی روز تاسوعا که در آن سال اتفاقا با روز حقوق بشر منطبق بود چگونه برگزار شد؟ فکر اولیه این برنامه ابتدا از سوی جمعیت دفاع از آزادی مطرح شد که در فرایند دیپلماسی انقلاب و مذاکره با سران ارتش موافقت آنان را برای برگزاری راهپیمایی مسالمت آمیز جلب کرده بودند. به همین دلیل در روز تاسوعا تانک ها و نیروهای ارتش خارج از مسیر راهپیمایی مستقر شدند. از سوی جمعیت دفاع، ستادی مرکب از نمایندگان گروه ها و فعالان سیاسی تشکیل شد. تا آنجا که به خاطر دارم در این ستاد آقای شاه حسینی،... و بنده به عنوان مسئول تبلیغات حضور داشتیم. مرحوم طالقانی هم اعلام کردند که راهپیمایی را از همان محل خودشان، پیچ شمیران آغاز می کنند. در روز تاسوعا با برنامه ریزی که ستاد انجام داد از نقاط مهم شهر راهپیمایی وسیع و گسترده ای به طرف میدان آزادی انجام شد. مردم با آن رشدی که کرده بودند ارتباط خیلی انسانی با سربازها بر قرار می کردند و گل به آنها هدیه می کردند. مردم شعارها و مطالبات خودشان را در این راه پیمایی مطرح کردند.

سوال اصلی این است که چه اقشاری در این راهپیمایی حضور داشتند، همه مردم بودند. اما بعدها برخی چنین القا کردند که قشرهای محروم و پابرهنه در این راهپیمایی حضور داشتند. اتفاقا آنها در این مقطع حضور چشمگیر نداشتند. مجموعه فیلم هایی که خوشبختانه اخیرا در تلویزیون نمایش داده می شود بخوبی نشان می دهد که قشرهای متوسط و بالای متوسط در این راهپیمایی ها بصورت غالب حضور دارند. هم عکس آیت الله خمینی هست هم دکتر مصدق و هم دکتر شریعتی. گروه های سیاسی مختلف هستند. یعنی نشان می دهد که مردم از طبقه متوسط به بالا که طبقه آگاه تر هستند به میدان آمده اند.

در روز عاشورا که مردم احساس امنیت بیشتری کردند بیشتر شرکت کردند و شاید بتوان گفت که جمعیت دوبرابر شد. شعارها و مطالبات مردم هم در اسناد تاریخی هست و مشخص است. مردم دنبال آزادی بودند. دنبال حاکمیت و ارزش های فرهنگی و اسلامی خودشان بودند. مردم

شاه را مانع اصلی تحقق این مطالبات می‌دانستند. بنا براین این مسئله در روز عاشورا برجسته تر عنوان شد که شاه باید برود. روز تاسوعا شعارها کمی آرام تر بود. مردم در این راهپیمایی‌ها مخالفت خودشان را با شاه و رژیم سلطنتی اعلام و از رهبری آیت الله خمینی حمایت کردند. ما حدود ۳۰۰ گروه خبرنگار خارجی داشتیم. دوستانی را که آشنا به زبان انگلیسی، آلمانی و فرانسه بودند سازماندهی کرده بودیم و با این پوشش خبری پیام انقلاب به طور وسیع در دنیا پخش شد. پس از این راهپیمایی‌ها ست که زمینه‌های رفتن شاه فراهم می‌شود. در هفتم دی ماه نهضت اعلامیه‌ای تحت عنوان جنگ شاه و ملت مطرح کرد که همان بیانیه شهرپور بود که با ویرایش و انسجام بیشتری در این زمان مطرح می‌شود. از ازهاری هم برای خاموش کردن شعله‌های انقلاب مردم کاری ساخته نشد. در ۱۶ دی ماه بختیار که آخرین گزینه برای رویارویی با انقلاب بود روی کار می‌آید.

جریانات بعدی مشکلات ناشی از قطع نفت در زندگی روزانه مردم است. برای راه اندازی نفت در حد نیاز داخلی رهبر فقید انقلاب هیأتی به سرپرستی مهندس بازرگان را انتخاب می‌کنند. در این هیأت پنج نفره آقای هاشمی رفسنجانی، مهندس کتیرایی، مهندس حسینی و مهندس صباغیان حضور دارند. این اقدام اولین گام برای تسخیر اداره مملکت به دستور آقای خمینی است.

۲۶ دی سرانجام، شاه ایران را ترک می‌کند و مردم با واکنش وسیع خود مقدمات پیروزی خویش را عملاً جشن می‌گیرند.

چون اعتصابات گسترده بخشی از زندگی مردم را فلج کرده بود، در ۲۷ دی ماه مسئولیت اداره اعتصابات به هیئت پنج نفری دیگری به سرپرستی دکتریدالله سبحانی سپرده شد تا اعتصابات را سامان دهد. در این هیأت دکتر باهنر، مهندس معین فر، دکتر کاظم یزدی و دکتر ممکن حضور دارند.

مذاکرات سیاسی اعضای شورای انقلاب و ملاقات با سولیوان در این دوره برای تسهیل مدیریت انقلاب ادامه دارد. بحث بازگشت آقای خمینی به ایران مطرح می‌شود. مصاحبه‌ها و سخنرانی‌های ایشان در پاریس از اهمیت زیادی برخوردار است. زیرا در پاسخ به سوالات خبرنگاران تصویری از شکل حکومت آینده ایران و پاسخگویی به مطالبات تاریخی ملت ارائه میکنند که نه تنها ملت ایران را مجذوب خود می‌سازند بلکه افکار عمومی مردم جهان را شیفته

پیام انسانی انقلاب مردم ایران می‌کنند. تا ۱۲ بهمن ماه که بازگشت تاریخی آقای خمینی به ایران انجام می‌شود راهبرد مبارزات مردم آرام و مسالمت آمیز است. البته مقاومت و درگیری هست، جمع زیادی شهید و مجروح داریم. اما مردم آغازگر خشونت نبوده‌اند.

یک سری ترورها و حرکت‌های انتحاری هم از سوی گروه‌های خودجوش انقلاب داشتیم. بله با توجه به طبیعت پراکندگی کانون‌های مبارزه اقدامات بی‌رویه‌ای نیز مانند رخدادهای سینما رکس آبادان توسط گروه‌های خودجوش صورت گرفته باشد. اما مدیریت انقلاب هرگز طرفدار اقدامات مسلحانه و خشونت بار نبود. ببینید این نکته مهمی است که انقلاب اسلامی ایران یک انقلاب مردمی و ریشه‌دار تاریخی است. اگر چه ممکن است بیگانگان در چارچوب منافع راهبردی خودشان در جریان انقلاب هدایت‌ها و یا سوء استفاده‌هایی کرده باشند.

پس از رفتن شاه دوره انتقال چگونه مدیریت شد؟

قبل از رفتن شاه از ایران فکر تشکیل شورای سلطنت مطرح شده بود. اما پس از ۲۶ دیماه که شاه رفت با حضور بختیار شورای سلطنت تشکیل شد. در حالی که مجموعه تلاش‌های شاه و حامیان داخلی و خارجی برای حفظ شاه و رژیم سلطنتی حتی با روی کار آوردن دولت نظامی با شکست مواجه شده بود، انتقال آرام قدرت به رهبران انقلاب با مدیریت شورای سلطنت و انتخاب اعضای آن با نظر شورای انقلاب و رهبر فقید انقلاب راهکاری بود که برخی از اعضای شورای انقلاب به ویژه مهندس بازرگان آنرا پیگیری می‌کردند. در گام اول سید جلال‌تهرانی رئیس شورای سلطنت به پاریس رفت و با استعفای او قبل از دیدار با امام موقعیت شورای سلطنت به ویژه سایر اعضای آن کاملاً متزلزل شد و بطور مسالمت‌آمیز یک گام دیگر در جهت حذف رژیم شاه برداشته شد.

در گام دوم تعیین تکلیف بختیار آخرین نخست‌وزیر رژیم شاه بود. شورای انقلاب با سفر بختیار به پاریس و متن استعفای وی به رهبر فقید انقلاب موافقت کرده بود، در آخرین لحظات نگاه برخی که گفتمان انقلاب را در ذهنیت خود داشتند با این پیشنهاد که می‌توانست بطور مسالمت‌آمیز قدرت را از رژیم شاه به رهبران انقلاب منتقل کند و هزینه‌های انقلاب را در این مرحله نیز بسیار کاهش دهد مخالفت ورزیدند.

امروز پس از ۳۰ سال که به جزییات رخداد‌های این دوره نگاه می‌کنیم و گفتمان ما و جهان از گفتمان انقلاب فاصله گرفته است جایگاه نگاه مهندس بازرگان و سایر اعضای شورای انقلاب که

انتقال تدریجی و مسالمت‌آمیز قدرت را دنبال می‌کردند در کاهش هزینه‌های سنگین رخدادهای بعد از ۱۲ بهمن را مورد تقدیر قرار می‌دهیم و آنرا در راستای منافع ملی ارزیابی می‌کنیم.

درباره این که چرا پیشنهادهای میانه روانه مهندس بازرگان پذیرفته نمی‌شود شاید لازم باشد به گذشته برگردیم و یکی دیگر از سئوالاتمان را مطرح کنیم. مثلاً سال ۱۳۴۰. می‌دانیم در دوران آقای بروجردی روحانیت کار چندانی به حکومت نداشت و بیشتر کار فرهنگی می‌کرد و در فکر گسترش افکار دینی بود. در آن مقطع مهندس بازرگان به روحانیت فشار می‌آورد که سیاسی شود. ایشان انتقاد می‌کند به روحانیون که چرا وارد سیاست نمی‌شوند و اصلاً چرا حکومت اسلامی تشکیل نمی‌دهند. چیزهایی که بعدها آقای خمینی مطرح می‌کنند. اینجا يك سوال مطرح می‌شود که آقای بازرگان چرا این کار را کرد؟ قبل از آن آقای بروجردی اقتداری داشتند و جلوی خیلی از کارهای خلاف را می‌گرفتند. با رژیم برخورد می‌کردند و رژیم هم می‌ترسید که مخالفت کند. آیا اگر همان روش ادامه پیدا می‌کرد بهتر بود یا مشی و روشی که بعد از فوت آقای بروجردی توسط روحانیون مبارز شکل گرفت؟ بعضی‌ها می‌گویند که این نحله‌ی روشنفکران دینی روحانیت را رادیکال کرد. طبیعی است که این جریان رادیکال با میانه روی آقای بازرگان تناسبی نداشته باشد.

این هم سوال مطرحی است و خوب است که در این زمینه به طرح واقعیت‌های تاریخی بپردازیم. در تاریخ ۶۰ ساله گذشته بطور مشخص پس از شهریور ۲۰، روشنفکران دینی جامعه ما با روحانیت به دفعات تعامل داشته‌اند، که در مقاطع مختلف متناسب با شرایط متفاوت بوده است. در دهه ۲۰ روشنفکران دینی بیشتر مخاطبشان جوانها و نسل دانشگاهی بود و هدفشان این بود که اگر مارکسیست‌ها افکار الحادی را در جامعه ما رواج می‌دهند با آن از طریق آگاهی بخشی مقابله کنند. مخالفین می‌گفتند دین غیر علمی است و به درد ما نمی‌خورد و باید کنار گذاشته شود. پیام اصلی روشنفکران دینی پیوند دادن دین با علم بود. مجموعه سخنرانی‌ها، مقالات و کتاب‌های منتشر شده در این زمینه بود که بتدریج این اندیشه را جا انداخت و توانستند به سوالات نسل جوان ما در این زمینه پاسخ دهند. حضور روشنفکران دینی در دانشگاه به تدریج که افزایش پیدا می‌کرد باعث می‌شد که بخشی از روحانیت که علاقمند به ارتباط با روشنفکران بودند به این مجموعه پیوندند. مرحوم طالقانی از همان ابتدا پیوست. در واقع جزو پایه‌گذاران این نحله بود. اینان باعث شدند که این تعامل رشد پیدا کند. به تدریج می‌بینید کسانی مثل

مرحوم مطهری سال ۳۳، ۳۴ به تهران می‌آیند، و در این محافل شرکت می‌کنند. یادم هست در جلسات انجمن اسلامی دانشجویان ایشان با اشتیاق می‌آمدند در جلسات و سخنرانی می‌کردند. مجموعه کارهای فرهنگی ایشان را که مرور کنید می‌بینید عموماً سخنرانی‌هایی است که در بین دانشجویان، مهندسين و پزشکان ارائه شده است و همین تعامل مرحوم مطهری با روشنفکران زمینه رشد ایشان را فراهم کرد. این بخشی از راهبردی بود که روشنفکران دینی پیگیری می‌کردند تا در این تعامل تعالی بخش بتوانند هم خودشان و هم روحانیت را بالا بیاورند. گام دومی که روشنفکران دینی در جامعه ما برداشتند این بوده که فهمیدند روشنفکران به تنهایی قادر به ایجاد تحول در جامعه ما نیستند. برای اینکه آنها امکان ارتباط موثر با توده مردم را ندارند. حتا حزب توده که به لحاظ سازمانی بسیار گسترده بود نتوانست نقشی در زمینه تحول در جامعه ایفا کند. یکی از تعامل‌های موثر این جریان با روحانیت همان تعاملی است که از سال ۴۱ به بعد رخ داده است. وقتی که لایحه انجمن‌های ایالتی و ولایتی مطرح شد اولین بیانیه‌ای که مراجع بزرگ قم دادند مخالفت با شرکت زنان در انتخابات و اصلاحات ارضی بود. اما پس از تعامل روشنفکران دینی با روحانیت نگاه آنان متحول شد. آقای سید حمید روحانی در جلد اول نهضت امام خمینی جزئیات این فرایند را آورده اند. ایشان به عنوان پژوهشگر تاریخ تصریح کرده اند که این تعامل روحانیون با نهضت آزادی بود که شعار مراجع را از برخورد با لایحه مزبور به ضد استبداد تبدیل کرد. کار پژوهشی دیگری اخیراً انجام شده که نشرصمدیه آنرا با عنوان تعامل نهضت آزادی و روحانیت به قلم آقای روح بخش چاپ کرده و در آن به تفصیل به این فرایند پرداخته است. این اثر تحقیقی نشان می‌دهد روشنفکران دینی چگونه با روحانیون تعامل کرده اند و چگونه این تعامل تعالی بخش بوده است. انجمن‌های اسلامی دانشجویان در اروپا و امریکا که ادامه همین حرکت روشنفکران دینی است ارتباطاتی با حوزه و روحانیت برقرار کردند. در لبنان دوستان نهضت آزادی ایران در خارج کشور، با امام موسی صدر و در عراق با آقای خمینی ارتباط داشتند. ما این تعامل را در یک فرایند تاریخی یک تعامل تعالی بخش ارزیابی می‌کنیم.

در جریان وپس از ۱۵ خرداد سال ۴۲ و حمایتی که روشنفکران دینی از خرداد ۱۵ خرداد کردند، به رغم مخالفت برخی از نیروها، جمعی از روحانیون که منفعل بودند به تدریج وارد عرصه مبارزه می‌شوند و نتیجتاً در دهه چهل و پنجاه در آستانه انقلاب وقتی این دو جریان در کنار هم قرار می‌گیرند می‌توانند کنده استبداد سلطنتی را بکنند. آیا نقش این تعامل و تاثیرات

اجتماعی آن قابل انکار است؟

اما پس از انقلاب روشنفکران ما اعم از مذهبی و غیر مذهبی اشتباه بزرگی در قبال انقلاب مرتکب شدند که در مقابل دولت موقت ایستادند. حتا خود دوستان نهضت، دولت موقت را به شدت نقد کردند و دولت موقت تنها ماند. روحانیت با توجه به اکثریت عددی که داشت و پراکندگی و اشتباهات روشنفکران به تدریج قدرت سیاسی را در دست گرفت. روند برخورد حاکمان روحانی با این جریان روشنفکری پس از انقلاب برای مخاطبان ما روشن است. اگر نگوئیم نفی بوده یقینا تعالی بخش نبوده است. این دو نوع تعاملی است که روشنفکران دینی با روحانیون داشته اند. به نظر من این ایرادی که گرفته می شود يك ایراد انفعالی است و کسانی که این پدیده به تحرك در آوردن توده و آوردن مردم به عرصه عمومی را منفی ارزیابی می کنند تحلیلشان واقع بینانه نیست. در این فرایند هم روحانیت نگاهش به خودش متحول شده و هم مردم نسبت به روحانیت دیدشان عوض شده است. بسیاری از باورهای دینی نادرست مردم در این فرایند اصلاح شده است. بنابراین این روند را باید در راستای پالایش فکری و رشد جامعه تلقی کنیم و به رغم هزینه هایی که داشته بایستی این روند را در مجموع مثبت ارزیابی کنیم. یعنی شما معتقدید که حضور روحانیت و بخش سنتی جامعه در عرصه سیاسی اجتماعی باعث تحول از درون آن شد و این زمینه ساز يك پیشرفت است.

بله. بسیاری از مسائلی را روشنفکران مطرح می کردند اما چندان موثر نبود، مثل حقوق زنان و موسیقی و... در این دوره حل شده است. تحولات زیادی در حوزه ها پدید آمده و نسل جدیدی تربیت شده است. به نظر من نباید به این دستاوردها کم بها داد. به هر حال این تحولاتی است که در درون جامعه پدید آمده است و روشنفکران ما نمی توانستند چنین تحولی را ایجاد کنند. ولی اگر مشکلاتی هست، که البته وجود دارد، در مقابل ضروری است روشنفکران ما نیز عملکرد و دستاوردهای خودشان را از انقلاب مشروطه تا کنون ارزیابی و مقایسه کنند. به خصوص در ابتدای انقلاب اگر روشنفکران واقع بینی بیشتری از خود نشان میدادند و خودخواهی خودشان را مهار می کردند قطعاً تعامل شان با انقلاب و روحانیت این طور نبود. شاید مثال روشن آن اشتباه تاریخی است که مجاهدین خلق پس از انقلاب کردند. اگر آنها در دهه ۶۰ آن خطای تاریخی را نمی کردند اصولاً شرایط انقلاب اجازه نمی داد فضای سیاسی جامعه آنچنان بسته شود. اگر روشنفکران به وظیفه خودشان عمل کرده بودند تعادل بیشتری برقرار می شد و شاهد رشد و توسعه

بیشتری در جامعه بودیم. در آن صورت آیا جامعه ما این هزینه های سنگین را می پرداخت؟ اگر این شرایط نمی بود آیا روحانیان حاکم برای حذف مخالفان و حفظ قدرت مجبور می شدند شعارهای رادیکال تری بدهند و در نتیجه رشد و توسعه کشور اینچنین با مشکلات روبرو شود؟ این نگاه را من نوعی فرافکنی ارزیابی می کنم. روشنفکران به جای تحلیل رفتار خودشان این جریان را مورد نقد قرار می دهند و می گویند مهندس بازرگان باعث شد که روحانیت سر کار بیاید، در حالی که عملکرد خودشان این پیامدها را در پی داشته است.

در واقع شما اصرار مهندس بازرگان و کلاً نحله ی روشنفکران دینی جوان بر حضور روحانیت را در راستای مشارکت مردم در سرنوشت سیاسی اجتماعی خودشان می دانستید و زمینه ساز دموکراسی را مشارکت مردم می دانستید و برای مشارکت مردم روحانیت باید بیاید در صحنه. آن قسمت دوم را که روشنفکران دچار مشکل می شوند را به دلیل شکاف درونی بین خود روشنفکران می دانید و نشناختن زمان و مکان شرایط بعد از انقلاب. درحقیقت شما آسیب شناسی آن را از درون آن می بینید.

بله، به هر حال ما باید ببینیم که اشکال کار کجاست که ما نمی توانیم با هم در چارچوب اهداف و مطالبات مشترک کارجمعی بکنیم.

با توجه به اینها شما معتقدید که روند شکل گیری انقلاب مردمی و طبیعی و ناگزیر بوده است، منتها آسیب ها و نارسایی هایی که ما امروز دچار آنها شده ایم را مربوط به انقلاب نمی دانید بلکه مربوط به سوء عملکردی می دانید که بعد از انقلاب صورت گرفت و اگر این طور نبود احتمالاً انقلاب به سمت مثبت تری پیش می رفت و ما به خیلی از مطالباتمان رسیده بودیم. چون بعضی ها معتقدند امر انقلاب منجر به این نارسایی ها شد. یعنی چیزی که ما امروز دچارش شدیم گناهش گردن کسانی است که انقلاب کرده اند. شما با این طرح موافق هستید که انقلاب روند طبیعی خودش را طی کرده است.

امروز پس از ۳۰ سال از پیروزی انقلاب و نقد گفتمان انقلاب و با توجه به تجربیات بشری، بسیاری گفتمان اصلاحات را بهترین و کم هزینه ترین روش برای برنامه ریزی تحولات اجتماعی می دانند. همانگونه که گفته شد، بخشی از نارسایی ها و آسیب های اجتماعی موجود و هزینه هایی که بر جامعه ما تحمیل شده، ناشی از پدیده انقلاب بوده است. من معتقدم که اگر نظر مهندس بازرگان و برخی از اعضای شورای انقلاب محقق می شد، دست کم بسیاری از هزینه

هایی که ما پرداخت کرده ایم موضوعیت پیدا نمی‌کرد. بر اساس همین تحلیل و تحولات پس از انقلاب نهضت آزادی در سال ۵۹ که کنگره سومش تشکیل شد به رغم شرایط خاص آن دوران که همه می‌دانیم، به این جمع بندی رسید که باید برای مقابله با انحرافات که به وجود آمده، که همان موقع زمینه های آن دیده می‌شد، باید مبارزه قانونی، علنی و مسالمت آمیز و انسانی را در دستور کار قرار داد. همانطور که می‌دانید، به رغم همه فشارها و محدودیت ها در این مدت بر این راهبرد همواره پایبند بوده ایم. امروز که به گذشته و عملکرد سایر گروه ها نگاه می‌کنیم می‌توانیم بگوئیم که این استراتژی موفق تر بوده است و به تدریج بسیاری از گروه ها نیز این استراتژی را پذیرفتند و مورد عمل قرار گرفته است. جنبش اصلاحات کنونی در دهه شصت حضور نداشت. این استراتژی به تدریج توسعه پیدا کرده است و به تدریج مورد پذیرش قرار گرفته است که راه درست مبارزه قانونی و علنی است و انتخابات مهم است. دوم خرداد سال ۷۶ نقطه عطفی بود و آقای خاتمی هم همان گفتمان را مطرح کرد. شما متن و محورهای بیانیه معروف ۹۰ امضایی سال ۶۹ را ببینید. همان گفتمان در دهه گذشته مورد تاکید قرار گرفته و البته توسعه پیدا کرده است. حتا گروه های خارج از کشور که استراتژی براندازی داشتند به تدریج غیر از دوسه گروه که هنوز نمی‌توانند تغییری در مواضع خود بدهند عموماً تغییر موضع دادند و همین سیاست مبارزه قانونی و مدارا و گفتمان اصلاحات را مورد تاکید قرار می‌دهند.

این ناشی از خصوصیات فرهنگی مردم است. یعنی همان گفتمانی که قبل از انقلاب بود، اگر منطقی و راهبردی نبودند مردم احساسی عمل می‌کردند. سوالی که امروز برای ملت ما و نسل جوان ما مطرح است این است که ما بعد از ۳۰ سال تا چه حد توانسته ایم در راستای این اهداف آرمانها و ارزشهای انقلاب جامعه عمل بپوشانیم؟

به نظر می‌رسد که ما اگر بخواهیم تحلیل جامعی در این زمینه داشته باشیم باید آرمانها و مطالبات مردم در انقلاب و همچنین مولفه های توسعه در کشور را شناسایی کنیم و ببینیم در زمینه این مولفه ها و شاخصه هایی که تعریف می‌کنیم در طول سی سال چه تحولاتی داشته اند؟ به لحاظ رشد و آگاهی جامعه به نظر می‌رسد که مجموعه تحولات در طول این سی سال موجب شده که کل جامعه ما به لحاظ ارزشی متحول شود و از يك جامعه سنتی به طرف جامعه مدرن حرکت کند. به همین دلیل ما باید جامعه خودمان را يك جامعه در حال گذار در نظر بگیریم که در طول این سالها در ابعاد مختلف به سمت مدرن شدن حرکت می‌کنیم. طبیعتاً این گذار

پیچیده است. برای اینکه خلق و خوی آدمها باید متحول شود و این امر به زمینه سازی زیاد و زمان و به آزمون و خطا نیاز دارد. به لحاظ آگاهی مردم و بالا رفتن سطح سواد مردم و کاهش میزان بی سوادی در جامعه تحول مشهود است. اما به لحاظ کیفی ما انتظارمان این بود که در انقلاب اسلامی با شعارهایی که داده می شد با توجه به ارزش های دینی، اخلاق در جامعه ما رشد و کمال پیدا کند که متأسفانه در این بعد ما شاهد افول ارزش های اخلاقی هستیم. این اعتمادی که مردم نسبت به هم داشتند آن صداقتی که در کسب و کارشان وجود داشت، خیلی کاهش پیدا کرده است. اگر چه جامعه ما به لحاظ اسلامی ظاهر موجهی دارد، اما متن جامع با ظاهر آن همخوانی لازم را ندارد و به لحاظ آسیب های اجتماعی، اعتیاد، بزهکاری، تعداد پرونده هایی که در قوه قضاییه هست به طوری که خود مسئولین قوه قضاییه اعلام می کنند با هیچ کشوری قابل مقایسه نیست، سرانه پرونده های ما بسیار بالاست. اخباری که در رسانه ها منعکس شده است، به لحاظ خودکشی ها و خودسوزی ها و یا خشونت هایی که در جامعه است با ارزشهای انقلاب و انتظارات مردم فاصله زیادی دارد. به لحاظ شرایط اجتماعی ما علاقه مند بودیم که جامعه ای آزاد و مردم سالار داشته باشیم و مردم آزادانه بر سرنوشت خودشان حاکم باشند که این شاخص ها افت کرده است. به لحاظ اقتصادی اگر چه ما در آمد نفتی خیلی خوبی داشتیم و بیش از ۸۰۰ میلیارد دلار پس از انقلاب درآمد ارزی داشتیم اما متناسب با این درآمد پیشرفت نکرده ایم. میزان توسعه ای که کشورهای مثل ترکیه، مالزی یا کره جنوبی و یا حتی کشورهای همسایه نسبت به ایران داشته اند اصلاً باهم قابل مقایسه نیست. البته ۸ سال جنگ هزینه های زیادی را بر ما تحمیل کرد. به هر حال اگر ما به لحاظ مدیریت جامعه شرایط مطلوبی را داشتیم، مقوله جنگ و مشکلات را می توانستیم برطرف کنیم. کشور ما به لحاظ منابع انسانی و طبیعی بسیار غنی است اما به دلیل مشکلات مدیریتی که در جامعه ما وجود دارد ما نتوانسته ایم این ظرفیت های بالقوه را بکار گیریم. بنابراین باید بگوییم که شاید در زمینه استقلال سیاسی مشکلی نداشته باشیم چون کشورهای دیگر در کشور ما حضور و نفوذ ندارند اما مشکلات اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و بحران های جاری اگر بموقع مهار نشوند می توانند زمینه های نقض استقلال سیاسی ما را هم فراهم کنند. بنابراین در آستانه سی امین سالگرد انقلاب کارنامه ما کارنامه درخشانی نیست. ما باید در روش های حکمرانی کشور، با اجرای قانون در راستای مطالبات مردم در انقلاب، تجدید نظر کنیم تا موانع رشد و توسعه کشور برطرف گردد.

تحریم در این شرایط محلی از اعراب ندارد^۱

در شرایط فعلی کشور با توجه به بحران‌ها و مسائل بسیاری که برای کشور ایران پیش آمده است، از دید من مساله تحریم به شکل کلی مطرح نیست.

بحث این روزهای محافل سیاسی بیشتر از آن‌که سلبی باشد ایجابی است. تحریم انتخابات در فضای فعلی حداقل در طیف اصلاح‌طلب و تحول‌خواه ایران محلی از اعراب ندارد و نمی‌توان آن را به عنوان یک دغدغه بیان کرد.

مساله تحریم در شرایطی که اصلاح‌طلبان می‌گفتند انتخابات و شرکت در آن با این شرایط مفهومی ندارد مطرح می‌شده است که یک امر همگانی و با پشتوانه فکری و عملی بوده است. در این شرایط با توجه به شرایط کشور دیگر کسی از اصلاح‌طلبان به دنبال تحریم انتخابات نیست. آن افرادی که آقای عبدالله نوری را به عنوان کاندیدا مطرح کرده‌اند، نشان دادند به دنبال تحریم در انتخابات نیستند و می‌خواهند در این دوره از انتخابات حضوری موثر داشته باشند.

در بین گروه‌های سیاسی غیر از چند گروه خارج نشین که آن‌چنان در شرایط کشور حضور ندارند و شاید حتی تاثیر آنچنانی نیز در روند سیاسی کشور نداشته باشند، هیچ کدام از گروه‌های اصلاح‌طلب خواستار تحریم و خاموشی در انتخابات نیستند.

از دید من مهم‌تر از مساله تحریم که تا تعیین موضع‌های انتخاباتی آینده فرصت زیادی باقی است، مسائلی مانند سلامت انتخابات، ترغیب مردم به حضور در انتخابات، آمدن پای صندوق‌های رای، مطلع کردن مردم نسبت به انحرافات که در روند توسعه کشور ایجاد شده است و تشویق آن‌ها به مقابله با این روند انحرافی و مسائل دیگری از این دست است، چراکه تحریم و گروه‌هایی که تحریم را در پیش می‌گیرند در روند فعلی کشور آن‌چنان که مسائل مطرح شده اهمیت دارند، دارای اهمیت و تاکید همه‌جانبه نیستند. در شرایط فعلی کشور باید به انتخابات به معنای عمومی و جزیی آن دقت شود و برای سلامت انتخابات تلاش کرد تا خدای ناکرده با مسائل غیراخلاقی مواجه نشویم.

^۱ یادداشت محمد توسلی در روزنامه اعتماد - ۱۳۸۷/۱۱/۲۱

به خاتمی جدیدی نیازمندیم^۱

فرارو- از آنجا که سید محمد خاتمی به طور رسمی برای شرکت در انتخابات ریاست جمهوری اعلام کاندیداتوری کرده است، مسائلی درباره تفاوت های او با خاتمی پیشین مطرح می شود. در این راستا محمد توسلی معتقد است: «قطعا آقای خاتمی و همکارانشان به این واقعیت توجه دارند که شرایط بعد از دولت نهم با شرایط هشت سال ریاست جمهوری ایشان، هم به لحاظ شرایط داخلی و هم به لحاظ شرایط بین المللی متفاوت و جدید است بنابراین باید با یک برنامه روشن و کارشناسی شده جدید که در آن راهبرد مسائل جاری مشخص شده باشد وارد عرصه شود.»

رئیس دفتر سیاسی نهضت آزادی ایران در گفتگو با خبرنگار فرارو اظهار می دارد: «در همین راستا ما قبلا این توصیه را کرده بودیم که اصلاح طلبان برای اینکه بتوانند در این مرحله با توجه به چالش های جدی ای که بیش از پیش وجود دارد باید علاوه بر دوستان نزدیک خود با احزاب و گروه های سیاسی ای که گفتمان اصلاح طلبی را باور دارند و در عمل هم پایبندی خودشان را به این گفتمان نشان داده اند گفتگو بکنند و با این رایزنی ها بتوانند برنامه حداقلی ای را که مورد قبول همگان است و منطبق با شرایط کنونی جامعه ما است، اعلام کنند. در این صورت است که آقای خاتمی می تواند با شکل دهی جنبش فراگیر اصلاح طلبی هم زمینه حضور خود و هم زمینه موفقیت خود در انتخابات و هم در صورت پیروزی زمینه اجرای برنامه هایش را فراهم آورد.»

توسلی خاطر نشان کرد: «همکاران ایشان هم در نوشته های خود تصریح کرده اند که خاتمی نو باید بیاید چون خاتمی ای که با شرایط گذشته می شناسیم معلوم نیست که در شرایط جدید بتواند موفق شود.»

توسلی درباره اینکه این خاتمی جدید چه ویژگی هایی باید داشته باشد، اظهار داشت: «خاتمی نو در شرایط جدید باید پایبندی خود را به قانون اساسی بیش از پیش اعلام و مورد عمل قرار دهد و کوشش کند که از حقوق اساسی ملت که در قانون اساسی مطرح شده است با قاطعیت حمایت کند و سایر مطالبات مردم که در واقع انتظارات طبیعی و نیازهای آنها است از قبیل

^۱گفت وگویی خبرنگار فرارو با مهندس محمد توسلی - ۱۳۸۷/۱۱/۲۱

آموزش، بهداشت، حداقل رفاه و... را با یک برنامه کارشناسی شده در جهت پاسخ به نیازها برنامه ریزی نموده و واقع بینانه عمل نماید. لازمه این کار هم جلب کارشناسان خبره این کار است.»

وی همچنین در خصوص اینکه خاتمی از طرف مخالفان به تندروی و از جانب برخی موافقان به کند روی متهم شده است، گفت: «به نظر من هر دو نقطه نظر قابل بررسی است. مخالفان اصلاحات در واقع طیف محافظه کارانی هستند که تمایلی به تغییر شرایط موجود ندارند چون کسانی که منافعی را جذب کردند و منتفع از آنها هستند نمی خواهند تغییری در شرایط موجود به وجود بیاید، بنابراین با واژه اصلاحات و اصلاح طلب و تحول در جامعه در جهت پاسخ به نیازهای همه اقشار جامعه موافق نیستند. بنابراین طبیعی است که آنها با اصلاح طلبی موافق نباشند پس باید این مسئله را از نظر آنها طبیعی ارزیابی کنیم.»

وی افزود: «از دیگر سو اگر اصلاح طلبان نظر آنها را قبول داشتند اصولاً جنبش اصلاح طلبی در کشور شکل نمی گرفت، این جنبش به دنبال تحقق آرمان ها و اصول اولیه ای است که مردم به خاطر آنها انقلاب کردند و انتظار دارند که انقلاب آن دستاوردهایی را داشته باشد ولی آقایان با مقاومت در برابر این خواست منطقی مردم شرایطی را حاکم کردند که قشر خاصی در جامعه حاکم باشد و جمعی هم در آن منافع شریک باشند.»

توسلی ادامه داد: «بخشی از ایراداتی که برخی در جبهه موافق به آقای خاتمی وارد می کنند نادرست است. این تصور نادرستی است که برخی گمان می کردند اصلاحات یک شبه اتفاق می افتد. اصلاحات تدریجی است و متناسب با واقعیت ها باید انجام پذیرد.» وی تاکید کرد: «به نظر من آقای خاتمی در طول هشت سال اقدامات بسیار خوبی انجام دادند و گام های بلندی در جهت توسعه کشور برداشتند به خصوص در عرصه توسعه سیاسی فعالیت های خوبی انجام شده است که ما در دولت نهم خلاء آنها را احساس می کنیم. گذشته از این ها اما بخشی از ایرادات وارد است.»

رئیس دفتر سیاسی نهضت آزادی ایران تصریح کرد: «آقای خاتمی و همکاران ایشان باید به این انتقادات توجه کنند و پاسخگوی این نقد ها باشند و کوشش کنند که در برنامه هایی که برای دوره دهم آماده

می کنند، هم در برنامه و هم در اراده ای که برای اجرای برنامه ها دارند راسخ باشند و عملاً

به این نقدها پاسخ دهند.»

وی سپس افزود: «از جمله نقدهایی که به ایشان وارد است این است که انتخابات مجلس هفتم را در حالی برگزار کردند که خود آقای خاتمی و وزیر کشور ایشان اذعان داشتند که آن انتخابات خلاف قانون انجام شده است، به خصوص رد صلاحیت هایی که در آن حدود دو هزار نفر از مدیران انقلاب را با اتهامات کاملاً واهی و بی اساس رد صلاحیت کردند. این نقد کاملاً به آقای خاتمی وارد است چراکه ایشان نباید مجری چنین انتخاباتی می شدند که هم به لحاظ اخلاقی و هم به لحاظ معیارهای قانونی کشور و هم با معیارهایی که برای انتخابات آزاد، سالم و منصفانه در جهان شناخته شده، در تضاد آشکار است.»

توسلی ادامه داد: «نکته دیگر این است که آقای خاتمی خود را صرفاً به عنوان رئیس دستگاه اجرایی دولت اصلاحات مطرح می کرد اما جامعه انتظار داشت ایشان به عنوان رهبر جنبش اصلاحات هم ایفای نقش کند. این امر در دوره ایشان مغفول مانده بود و نتوانستند از رأی بیست و چند میلیون و زمینه اجتماعی ای که وجود داشت استفاده کنند و مردم را به میدان بیاورند و از پشتیبانی مردم برای پیشرفت اصلاحات استفاده کنند.»

توسلی با بیان اینکه از نظر ما خاتمی بهترین گزینه است درباره رویکرد انتخاباتی تشکل متبوعش گفت: «در بیانیه ها و مصاحبه های متعدد خود در ماه های گذشته تصریح و توصیه کردیم که اصلاح طلبان باید نامزد واحد داشته باشند و کوشش کنند که اصلاحات در قالب جبهه گسترده اصلاح طلبان شکل بگیرد تا بتوانند در شرایط کنونی اقدامات موثری انجام دهند.»

وی با تأکید بر اجماع اصلاح طلبان گفت: «در تحلیل های خود گفته ایم که آقای خاتمی مناسب ترین نامزدی است که می تواند محور ویا لولای جنبش فراگیر اصلاح طلبی در کشور باشد و اکنون هم که ایشان اعلام نامزدی کرده اند ما استقبال می کنیم و فکر میکنیم که حضور ایشان نباید جا را برای سایر نامزدها تنگ کند. سایر نامزدها از جمله آقایان موسوی و کروبی هم می توانند در عرصه حضور داشته باشند و ستادهای خود را تقویت کنند اما انتظار ما از همه بزرگوارانی که در عرصه اصلاح طلبی نامزد می شوند این است که در کنار هم باشند و در نهایت یک نفر از میان این جمع به عنوان نامزد نهایی در انتخابات حضور پیدا کند. پیش بینی من این است که اگر این اتفاق نیافتد و اصلاح طلبان مثل دوره قبل با چند کاندیدا حضور پیدا کنند و آراء شان تقسیم شود با چند پیامد مشخص روبرو خواهیم شد.»

عضو نهضت آزادی ایران دو پیامد منفی عدم اجماع اصلاح طلبان را اینگونه تشریح کرد: «چون آرا تقسیم می شود شانس پیروزی محافظه کاران بیشتر خواهد شد. دوم این است که اگر نامزدهای اصلاح طلبان متعدد باشد رغبت مردم برای حضور در انتخابات کاهش پیدا می کند. مردم دوست دارند که این تفاوت ها با گفتگو تبدیل به یک برنامه مشترک شود و این یک شاخص توسعه یافتگی است.»

وی با اشاره به روند برگزاری انتخابات در امریکا بیان کرد: «در انتخابات امریکا به وضوح دیدیم که با چه سازوکاری نهایتا نامزدها در هم ادغام شدند و به صورت نامزد واحدی جلو آمدند و انتظار داریم کسانی که به عنوان نامزد اصلاح طلبی می خواهند در عرصه حضور داشته باشند این نوع شاخص های توسعه یافتگی را در رفتارهای خود لحاظ کنند و کوشش کنند با گفتگو به جمع بندی مشترک برسند و یک نفر نماینده واحد بشود و با ادغام برنامه ها بتوانند هماهنگ عمل کنند.»

توسلی در پایان خاطر نشان کرد: «پیامد دیگر این مسئله که بسیار مهم است این است که با توجه به اینکه محافظه کاران تجربه کسب کرده اند و به اصطلاح انتخابات را مدیریت می کنند اگر نامزد اصلاح طلبان واحد نباشد و اختلاف آرایشان چشمگیر نباشد در نهایت برنامه مدیریت و مهندسی انتخابات شکل می گیرد و تفاوت های کم را با مدیریت به راحتی جبران می کنند و همان براین انتخابات خواهد رفت که در انتخابات گذشته رفته است.»

ضرورت برگزاری انتخابات آزاد و سالم^۱

سلامت انتخابات در این ۳۰ سال مورد توجه کسانی بوده که این امر را مهم ارزیابی کرده‌اند و همیشه در تلاش برای ایجاد زمینه برگزاری انتخاباتی آزاد و سالم بوده‌اند.

مشکل سلامت برگزار شدن انتخابات بعد از سال‌های ۶۰ همواره مطرح بوده اما در چند انتخابات اخیر این ماجرا پیچیده‌تر شده است و برخی از مسوولان گزارش کرده‌اند با سیاست چندلایه‌یی [!] انتخابات را مدیریت کرده‌ایم و واژه‌هایی مثل تقلب کمتر دیده می‌شود و به جای آن از واژه‌های بهداشتی‌تری مانند مدیریت و مهندسی انتخابات استفاده می‌شود.

بخشی دیگر از این مدیریت حضور احزاب پادگانی است. حضور این احزاب پادگانی به نوعی مهندسی انتخابات است زیرا رای‌های این احزاب در انتخابات باعث می‌شود همیشه یکسری رای بلوکه وجود داشته باشد بدون آنکه نام تقلب بر خود بگیرد. به این ترتیب انتخابات مدیریت می‌شود.

در اینجا راهکارهایی برای مواجهه با این آرای سازماندهی شده وجود دارد.

۱. آنکه اصلاح‌طلبان با يك کاندیدای واحد در صحنه انتخابات حضور داشته باشند که به این ترتیب باعث می‌شود اختلاف آرا مانند دوم خرداد ۷۶ به گونه‌یی چشمگیر باشد که امکان مدیریت انتخابات وجود نداشته باشد و این راهکاری است که دست خود اصلاح‌طلبان است.

۲. نامزد واحد اصلاح‌طلبان بتواند با به کار گماردن افراد داوطلب، در تمام حوزه‌ها نماینده داشته باشد.

اصلاح‌طلبان با توجه به تجاربی که در چند انتخابات اخیر به دست آوردند باید امور را به گونه‌یی سازماندهی کنند که امکان حضور نمایندگان‌شان در تمام شعب رای‌گیری از هنگام اخذ رای تا پایان شمارش و اعلام آرا وجود داشته باشد.

اصلاح‌طلبان باید از طریق ابزارهایی که در اختیار دارند از مسوولان اجرایی تضمین بگیرند. برای مثال یکی از تضمین‌ها بلافاصله اعلام شدن نتایج آرا در هر شعبه است. چون به این ترتیب امکان مدیریت آمار در ستاد وزارت کشور وجود نخواهد داشت.

^۱ یادداشت محمد توسلی در روزنامه اعتماد - ۱۳۸۷/۱۱/۲۲

نکته قابل توجه و ضروری دیگر تعامل میان اصلاح طلبان و نهادهای نظارتی است. باید با شورای نگهبان و وزارت کشور مذاکره شود و حتی در سطوح بالا باید با مقام رهبری هم گفت‌وگوهایی انجام شود چراکه سلامت انتخابات با امنیت ملی و منافع ملی ما ارتباط تنگاتنگ دارد و برگزاری يك انتخابات سالم استحکام و اقتدار ملی را در محافل بین‌المللی تضمین خواهد کرد.

نکته دیگری که پیش از این هم به آن تاکید کرده‌ایم این است که با توجه به اینکه جمهوری اسلامی ایرانی عضو اتحادیه بین‌المجالس است از این نهاد بین‌المللی دعوت کنیم تا ناظران خود را برای نظارت بر روند انتخابات به کشور ما اعزام کنند، همان‌طور که خود ما ناظران مان را برای نظارت بر انتخابات آذربایجان به این کشور فرستادیم. همان‌طور که از انتخابات فلسطین دفاع می‌کنیم و آن را انتخابات سالم و آزاد می‌دانیم زیرا با حضور ناظران بین‌المللی انجام گرفته، از برگزاری انتخابات با حضور ناظران بین‌المللی در ایران هم استقبال می‌کنیم و حضور ناظران بین‌المللی یکی از راهکارهای سلامت برگزار شدن و اعتبار بخشیدن به سلامت انتخابات است. اگرچه بعضی این مساله را بدون توجه به قانونی بودن آن مداخله تشخیص دادند اما در حقیقت این راهکاری است در راستای ارتقا بخشیدن به اعتبار ایران در مجامع بین‌المللی.

بدون آزادی عدالت اقتصادی قابل تحقق نیست^۱

رئیس دفتر سیاسی نهضت آزادی با تاکید بر اینکه آزادی اولین گام رعایت عدالت است، خاطر نشان کرد: اگر انسان آزاد نباشد نمی‌تواند کرامت لازم را داشته باشد و اگر آزادی تحقق پیدا نکند، سایر زمینه‌های عدالت قابل تحقق نیست، بدون آزادی عدالت اقتصادی نیز قابل تحقق نیست. به گزارش خبرنگار ایلنا، محمد توسلی در نشست انقلاب اسلامی زمینه‌ها و دستاوردها در جبهه مشارکت ایران اسلامی با بیان اینکه اولین سوالی که در مورد زمینه‌های انقلاب مطرح می‌کنیم آن است که ریشه انقلاب کجاست؟ اظهار داشت: برخی در تحلیل خود ریشه انقلاب را به جنبش ۱۵ خرداد معطوف می‌کنند در حالی که ۱۵ خرداد یکی از حلقه‌های موثر تحولات انقلاب را تشکیل می‌دهد و معتقدم که ریشه‌های انقلاب اسلامی ایران از جنبش تنباکو، انقلاب مشروطه و نهضت ملی ایران شروع شده است و در واقع انقلاب ۱۳۵۷ در ادامه مطالبات گذشته بود.

وی با طرح این پرسش که انقلاب چگونه شکل گرفت و چه گروه‌های اجتماعی آن را مدیریت کردند، خاطر نشان کرد: متأسفانه در این ارتباط رسانه‌های رسمی بسیاری از واقعیات را کامل منعکس نمی‌کنند و این جفای در حق انقلاب است و موجب انفعال مردم و فاصله گرفتن آنها از انقلاب شده است.

اولین شهردار تهران پس از انقلاب با بیان اینکه در انقلاب سال ۵۷ گروه‌های مختلفی حضور داشتند، اما در بین اقشار مختلف دو گروه اصلی بودند که نقش آفرینی می‌کردند، گفت: یک گروه روشنفکران دینی بودند که از دهه ۲۰ نقش خود را ایفا کرده بودند و یک گروه روحانیت و اسلام سنتی و گروه‌هایی که از آنها پشتیبانی می‌کردند که به طور مشخص می‌توان از بازار نام برد که پس از ۱۵ خرداد وارد عرصه شدند.

توسلی با تاکید بر اینکه نقش انقلاب در شکل‌گیری این جریان برجسته بود، خاطر نشان کرد: مبارزات، تبعید و حضور امام (ره) در خارج از کشور در شکل‌گیری این جریان بسیار موثر بود. روشنفکران ما در طول ۱۰۰ سال تلاش زیادی کردند ولی چون قدرت بسیج توده‌ها را نداشتند نتوانستند نقش موثری را ایفا کنند تا زمانی که این دو گروه در کنار هم قرار گرفتند و توانستند با

^۱ گزارش خبرنگار ایلنا از سخنرانی محمد توسلی در نشست انقلاب اسلامی در جبهه مشارکت - تهران - خبرگزاری کار ایران - ۱۳۸۷/۱۱/۲۲

ظرفیت اجتماعی که به وجود آوردند، کنده استبداد را بکنند.

وی با بیان اینکه یکی از انتقادات وارد به مرحوم بازرگان و نهضت آزادی ایران این بود که شما زمینه ورود روحانیت به عرصه قدرت را فراهم آوردید، خاطر نشان کرد: معتقدم ما پاسخگوی عملکرد روشنفکران دینی در چند دهه گذشته هستیم، انقلاب به لحاظ تاریخی کاری بزرگ بود که با بسیج توده‌ها در چند دهه گذشته توانست آن را رقم بزند.

توسلی با بیان اینکه به رغم نابسامانی‌های فعلی کشور به لحاظ اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی تحولات زیادی در جامعه شکل گرفته است، اظهار داشت: تغییراتی که در بافت روحانیت پس از انقلاب به وجود آمده است و اصلاحاتی که در باورهای دینی، زیرساخت‌های اجتماعی و سنت‌های اجتماعی بوجود آمده است، حایز اهمیت است و وضعیت زنان پس از انقلاب بسیار تغییر کرده است.

توسلی با طرح این پرسش که مردم به چه دلیل انقلاب کردند و آرمان‌های مردم چه بود، گفت: مردم انقلاب کردند چرا که از شرایط اجتماعی، سرکوب ساواک و استبداد سلطنتی به ستوه آمده بودند، ملت از حضور بیگانگان به ویژه آمریکا خسته و بیزار شده بودند و لذا شعار "آزای و استقلال" را سر دادند و برای تحقق حاکمیت ملت و ارزش‌های اسلامی شعار "جمهوری اسلامی" مطرح شد. در واقع بحث حاکمیت مردم و تبلور رکن جمهوریت مهم‌ترین شعار مردم بود و امروز این سوال مطرح است که در این ۳۰ سال تا چه اندازه توانسته‌ایم به این آرمان‌ها دست پیدا کنیم.

وی با بیان اینکه تحول‌ها در جامعه یک شبه اتفاق نمی‌افتد، خاطر نشان کرد: سوال اصلی اینجاست که آیا با امکانات این ۳۰ سال به لحاظ منابع انسانی، منابع اقتصادی و زیرزمینی توانسته‌ایم مدیریت درستی برای تحقق این مطالبات مردم در انقلاب داشته باشیم. به عقیده من پاسخ آن مثبت نیست، ما اگر خود را با کشورهای همسایه و در حاشیه خلیج فارس مقایسه کنیم رشد و توسعه آنها بسیار بیشتر از ما بوده است و این انحرافی است که از اصول و آرمان‌های اولیه انقلاب به وجود آمده است.

توسلی با بیان اینکه پایه انقلاب اسلامی بحث اخلاق است خاطر نشان کرد: انتظار داشتیم پس از پیروزی انقلاب جامعه ما به لحاظ اخلاقی ارتقا پیدا کند ولی امروز به نظر نمی‌رسد که کسی این موضوع را تایید کند که ما به لحاظ اخلاقی رشد داشته‌ایم. صداقت، امانت و اخلاق

در جامعه ما رشد نداشته است.

رئیس دفتر سیاسی نهضت آزادی ایران با بیان اینکه به علت بحران مدیریت نتوانستیم از منابع طبیعی پس از انقلاب استفاده کنیم، اظهار داشت: مردم ما در دوازده فروردین به جمهوری اسلامی رای دادند که امام (ره) ویژگی‌های آن را در پاریس به تصویر کشیده بودند، بخشی از شعارهایی که برخی از انقلابیون سر می‌دادند حکومت عدال اسلامی بود. هرچند تعریف‌هایی که از عدالت وجود دارد متعدد است و همانطور که در قرآن نیز تاکید شده است رسالت پیامبران نیز اقامه قسط در جوامع بوده است.

سه کاندیدا و یک توصیه^۱

روشنفکران باید واقع بین باشند که اگر درانتخابات یا حوزه سیاسی حضور و مشارکت دارند در راستای احساس وظیفه ملی و دینی و اجتماعی شان است. از این رو اگر دست به یک عمل اجتماعی می زنند، براین اساس نباید هیچ منتهی برکسی داشته باشند. این نقطه کلیدی در حفظ آداب و اخلاق انتخابات است. اگر ما درانتخابات شرکت می کنیم و هدفمان تنها قدرت باشد به طور طبیعی دچار همان آفت هایی می شویم که روشنفکران ما در گذشته داشته اند. اما اگر هدف ما از حضور درانتخابات یا در مرحله بعدی شرکت درانتخابات و رای دادن و در نهایت هدف ما پاسخ به یک نیاز ملی باشد، اگر چه در این راه هزینه هایی را پرداخت بکنیم، این هزینه را نباید به دیگران تحمیل کنیم. مهندس محمد توسلی رئیس دفتر سیاسی نهضت آزادی ایران درگفت وگو با روزضمن بیان مطلب فوق تاکید می کند که ما ایرانیان درکارجمعی ضعیف هستیم و در حفظ آداب و اخلاق انتخابات، انتخابات ریاست جمهوری اخیر آمریکا، الگوی خوبی در این باره است. این گفت وگو در پی می آید.

برای آن که اصلاح طلبان در انتخابات پیش رو بتوانند از سد اصول گرایان عبور کنند چه شرایطی را باید ایجاد کنند؟

برای آن که نامزد اصلاح طلبان در انتخابات آتی موفق شود نخستین و مهمترین توصیه این است که با توجه به شرایط جاری کشور و موانعی که برای ورود نامزد اصلاح طلبان در انتخابات ریاست جمهوری وجود دارد که شواهد و قرائن آن کاملاً مشهود است اصلاح طلبان باید بتوانند با گفت وگو و تعامل به نامزد واحدی برسند. زیرا اگر نامزدهای متفاوتی مانند آقای خاتمی، کروبی، و موسوی مطرح است خواسته باشند جداگانه درانتخابات شرکت کنند آرائشان تقسیم خواهد شد و به طور قطع و یقین نامزد محافظه کاران درانتخابات آتی پیروز خواهد بود. این توصیه ای مهم است که شما می فرمایید اما به طور مشخص با توجه به الگویی که انتخابات آمریکا به ویژه در رقابت خانم کلینتون و اواما مشاهده کردیم، و با توجه به شرایط حساس کشور، شما راه حلتان برای بیرون آمدن اصلاح طلبان از تفرقی که با حضور چند کاندیدا به وجود آمده چیست؟

^۱گفتگوی محمد توسلی با خبرنگار «روز» - ۱۳۸۷/۱۱/۲۲

حال که آقای خاتمی کاندیداتوری خود را اعلام کرده اند و این اعلام کاندیداتوری با استقبال گسترده داخلی و بین المللی مواجه شده است ، الزامات این مقطع تاریخی حکم می کند که آقای خاتمی با بقیه نامزدها اگر چه ممکن است درانتخابات نیز حضور داشته باشند تعامل داشته و درنهایت آن بزرگواران نیز به نفع آقای خاتمی کناربروند و البته آقای خاتمی نیز به طور مستمر با آنان در باره همکاری های انتخاباتی و همکاری های پس از مرحله پیروزی با یکدیگر گفت و گو کنند . از این منظر من معتقدم که انتخابات ریاست جمهوری آمریکا که پوشش وسیعی در سطح جهانی داشت و ملت ما نیز این انتخابات را دنبال می کرد الگوی بسیار خوبی برای این همکاری میان کاندیداها است . تعاملی که نامزدهای مختلف در فرآیند انتخابات داشتند الگوی بسیار آموزنده ای است از انتخابات کشورهای که توسعه یافته هستند و در راستای منافع ملی خودشان عمل می کنند . بنابراین در این شرایط نامزد های اصلاح طلبان باید این توسعه یافتگی را در رفتار اجتماعی خودشان بروز بدهند و نهایتا به نامزد واحد دست یابند . این توصیه را ما نه تنها از قبل بر آن تاکید کرده ایم بلکه بسیاری از صاحب نظران بر این موضوع انگشت تاکید گذاشته اند . حتی نامزدهای دیگر هم پذیرفته اند منتها روی سازوکاری که باید چگونه نامزد واحد انتخاب شود هنوز بحث دارند . البته این موضوع ایرادی ندارد و می توانند سازوکاری منطقی را برای حل گره فوق پیدا کنند .

آیا شما و دوستانتان در نهضت آزادی این آمادگی را دارید که در استان ها و شهرستان ها برای دست یابی به یک وحدت جبهه ای در انتخابات ، و ایجاد یک جنبش اجتماعی برای عبور از خطر های مختلفی که می تواند سلامت انتخابات را در معرض تهدید قرار دهد وارد عمل شوید و در نهایت طیف های مختلف را به مرحله ای وارد کنید که منجر به گزینش کاندیدای واحد شود؟

کاری که تا کنون ما انجام داده ایم در سطح رسانه ای بوده است به این معنی که ما در مصاحبه های خودمان و یادداشت هایی که در نشریه های مختلف منتشر کرده ایم بر این ضرورت تاکید کرده ایم . من با اطلاعی که از بعضی از استان ها دارم و مصاحبه هایی که برخی از صاحب نظران در نشریات محلی خود داشته اند مشاهده کرده ام که به نظر می رسد گفتمان حاضر یعنی ریاست جمهوری به یک گفتمان غالب تبدیل شده و بسیاری به این واقعیت رسیده اند که راهی جز این نیست بنا بر این من فکر می کنم زمینه اجتماعی چنین ضرورتی فراهم شده است . اما در مرحله

بعدی ما می توانیم از ارتباطات اجتماعی که داریم به صورت شخصی استفاده کنیم و زمینه های گفت و گو هایی را فراهم کنیم تا چنین نتیجه ای بتواند محقق بشود.

به نظر می رسد که در شرایط کنونی یکی از مسایلی که به شدت می تواند تحت الشعاع مسایل انتخابات قرار بگیرد موضوع اخلاق انتخابات است . به نحوی که به طور مشخص وبه طرز توسعه نیافته ای برخی از نقص ها در گذشته به جای این که در ترازو گذاشته شود و در مجموع کارنامه ای سنجیده شود ، بر مسایل فردی و اخلاقی تاکید شده و بر روی کاندیداها قضاوت صورت می گیرد. شاید نحوه رقابت انتخاباتی خانم کلینتون و آقای اوباما در حزب دمکرات در این باره الگوی خوبی برای بسیار جالب باشد که این دو بعد از يك رقابت فشرده وسخت و این که در نهایت پس از آن که معلوم شد کدامیک از این دو قدرت رای آوری بیشتری دارد یکی به نفع دیگری کنار رفت ، لذا این مهم است که بدانیم اخلاق انتخاباتی در چه حوزه هایی در کشور ما در معرض آسیب جدی قرار گرفته است و اصلاح طلبان باید روی چه موازینی حساس باشند تا علاوه بر کسب پیروزی در حوزه سیاسی ، در حوزه اخلاقی نیز پیروزی عظیم تری را در حوزه اجتماعی کسب کنند؟

به نظر می رسد حوزه اصلی که در این فرآیند نقش کلیدی دارد خصوصیات فرهنگی و اجتماعی ما ایرانیان است که ما به مانند کشورهای توسعه یافته به دلیل فرهنگ دیرین استبدادی که بر مناسبات ، رفتار و شخصیت ما حاکم بوده است از این رو ما با کار جمعی کمتر مانوس هستیم و در این حوزه از آمادگی های لازم برخوردار نیستیم. نداشتن روحیه کار جمعی و نداشتن گذشت برای منافع ملی یکی از مسایلی است که ملت ما هزینه های سنگینی را بابت آن ها پرداخته است. شما اگر تاریخ صد ساله ما را از مشروطه تا کنون مطالعه کنید مشاهده می کنید که یکی از بلیات و یکی از مشکلاتی که جامعه ما با آن روبرو بوده است همین خصوصیات روشنفکران جامعه ما است که در هر مقطعی به دلیل همین تقیصه هزینه های سنگینی را نه تنها برای جامعه ما بلکه برای قشر روشنفکر جامعه ما نیز به وجود آورده است. در کشورهای توسعه یافته که دمکراسی نهادینه شده است ، این تربیت را پیدا کرده اند و می توانند حول محورهای مشترك از نقاط افتراقی خود به نفع منافع ملی و منافع جامعه چشم پوشی کنند . من تصور می کنم که لااقل در میان سه نامزد بیشتر مطرح اصلاح طلبان لااقل در دو بخش کمتر مشکل وجود داشته باشد. از این رو من میان آقای خاتمی و آقای موسوی فکر می کنم که چنین مفاهمه و چنین زمینه ای برای رسیدن به

نقطه نظر مشترك وجود دارد. ما باید از شیخ اصلاحات یعنی آقای کروی این انتظار را داشته باشیم که با توجه به شرایط خطیری که در کشور وجود دارد و تاکید بر این ضرورت که دوستان ایشان نیز بر این ضرورت تصریح داشته اند که اصلاح طلبان باید نامزد واحدی داشته باشند در حال با بزرگواری و با احساس مسئولیت تاریخی، زمینه های يك چنین گفت و گو و تعاملی را با شخص آقای خاتمی و ستاد ایشان هماهنگ بکنند. البته از آقای خاتمی و ستاد ایشان نیز می توانیم این انتظار را داشته باشیم تا در يك چنین تعاملی بتوانند به این نتیجه ای که مورد انتظار همه است برسند. به نظر من این موضوع، آن مشکل اصلی و کلیدی است که ما انتظار داریم این بزرگواران در این مقطع با آن خصوصیت فرهنگی دیرینه ای که مشکل آفرین نیز بوده است غلبه بکنند و این بار رشد و توسعه یافتگی خودشان را به منصفه ظهور و بروز برسانند. من فکرمی کنم اگر چنین اتفاقی در ایران روی بدهد، در واقع يك جهشی در همکاری های اجتماعی خواهد بود.

جناب توسلی ما وقتی وارد حوزه بحث استراتژی می شویم حول پیروزی کاندیدایمان حرکت می کنیم. حال ممکن است در برخی نقاط استراتژی خود ما نیز درگیر و دار دادگاه وزندان قرار بگیریم و به هرنحوی هم کسانی که از آنان انتظار داریم، نتوانند از ما به خوبی دفاع کنند. آیا این درست است که يك عنصر سیاسی تنها به دلیل وجود حمایت بیرونی وارد مبارزه سیاسی بشود به این معنا که اگر برای من حادثه ای پیش آمد تمام استراتژی نیروی حامی تحت تاثیر استراتژی نیروهای پیرامونی قرار بگیرد؟ یا خیر اگر دچار آسیبی هم می شویم روشنفکران و نیروهای سیاسی باید برای تحقق استراتژی کلان که باعث شده فردی را به مسئولیت خطیر ریاست جمهوری برساند تلاش کنند؟ به عبارت دیگر آیا این درست است که من به عنوان يك روشنفکر یا نیروی سیاسی به گونه ای حرکت کنم تا منافع ملی و استراتژی کلانی که در پشت حرکت انتخابات قرار گرفته بود، امروز پشت سر حرکت من قرار بگیرد؟

به نظر می رسد روشنفکران باید واقع بین باشند که اگر در انتخابات یا حوزه سیاسی حضور و مشارکت دارند در راستای احساس وظیفه ملی و دینی و اجتماعی شان است. از این رو اگر دست به يك عمل اجتماعی می زنند، بر این اساس نباید هیچ منتهی بر کسی داشته باشند. این نقطه کلیدی در حفظ آداب و اخلاق انتخابات است. اگر ما در انتخابات شرکت می کنیم و هدفمان تنها قدرت باشد به طور طبیعی دچار همان آفت هایی می شویم که روشنفکران ما در گذشته داشته اند. اما اگر هدف ما از حضور در انتخابات یا در مرحله بعدی شرکت در انتخابات و رای دادن

ودر نهایت هدف ما پاسخ به يك نیاز ملی باشد، اگر چه در این راه هزینه هایی را پرداخت بکنیم، این هزینه را نباید به دیگران تحمیل کنیم. برعکس در این حوزه هر روشنفکری باید نگاه به منافع ملی داشته باشد. اما از طرفی دیگر وقتی مشکلی برای يك فرد، حزب یا جمعی نیز در فرآیند انتخابات به وجود می آید وظیفه مابقی روشنفکران و حتی آن کسانی هم که نامزد هستند، چه انتخاب شوند و چه انتخاب نشوند، در هر صورت آنان نیز باید به این نوع وظیفه شناسی روشنفکران که در عمل اجتماعی مشارکت دارند بی تفاوت نباشند و در جهت دفاع از آنان هر نوع اقدام قانونی که به نظرشان می رسد انجام بدهند و بی تفاوت از این دست از مسایل عبور نکنند. من فکر می کنم اگر چنین تقسیم وظیفه و دو نگاه متفاوت را ما بتوانیم برجسته کنیم در این شرایط هیچ اعتراضی از هیچ طرف ایجاد نخواهد شد و همه چه روشنفکران حمایت کننده و چه نامزد و ستادهایی که از آن نامزد حمایت می کنند با یکدیگر می توانند به صورت جمعی در راستای هدف مشترک، یعنی ایفای وظیفه ملی، عمل کنند.

اندیشه مصدق «نقشه راه»^۱

در مورد رابطه و نسبت ایرانیّت و اسلامیت، در ایران، همیشه دودیدگاه پر سر و صدا در مقابل یک دیدگاه با صدای کمتر قرار داشته است. یک دیدگاه همواره ملیّت را در برابر اسلامیت می پنداشته و به نفع ملیّت رأی می داده که ما ایرانی هستیم و همواره به تاریخ قبل از ورود اسلام به ایران اکتفا می کند. نگاه دیگر این بوده که ما مسلمانیم و اصلاً ایرانی بودن در برابر مسلمانی ما مفهومی ندارد. اما آن صدایی که متأسفانه کمتر به گوش جامعه رسیده است آراء کسانی است که این دو را با هم و در توازن با یکدیگر می خواسته اند و معتقد بوده اند که هویت ایرانیان دو رکن دارد هویت ملی و هویت دینی، زیرا اکثریت قریب به اتفاق جامعه ما مسلمانند. واقعیت این است که ایرانی ها هم قبل از اسلام و هم بعد از ورود آن به ایران مذهبی بوده اند، چنانکه امروز هم جامعه و مردم ما بسیار متأثر از مذهب اند. بنابر این هویت دینی یکی از عناصر فرهنگی ما ایرانی ها است که موجب می شود نتوانیم آن را از هویت ملی مان تفکیک کنیم. حتی کسانی که خودشان را ملی گرا می دانند و بر ملی گرایی هم تأکید می کنند درمقاطع حساس ذهنیت دینی خودشان را بروز می دهند و از آن طرف هم کسانی که روی هویت دینی شان تأکید دارند در یک مقطعی جنبه هویت ملی شان به خوبی بروز پیدا می کند؛ چنانکه مثلاً وقتی در یک مسابقه فوتبال ایران و استرالیا در برابر هم قرار می گیرند می بینیم که بطور ناخود آگاه و بدون اینکه قبلاً سازمان دهی شده باشد همه آحاد مردم در شهرهای سراسر کشور واکنش مشابهی نشان می دهند. در واقع آنها هویت ملی خودشان را بروز می دهند. بنابر این آنچه که به لحاظ تاریخی واقعیت عینی دارد این است که هویت ملی و دینی ما در هم آمیخته است و در شخصیت ما و در خود آگاه و نا خود آگاه جامعه ما حضور دارد.

اندیشه دکتر مصدق

اما در بازگشت به شخصیت هایی که حامل این ارزشها به طور توأمان بوده اند مشخصاً اندیشه و عملکرد دکتر مصدق برجستگی خاصی دارد و امروز که چهل و دو سال از درگذشت آن زنده یاد می گذرد خوب است که بر مبانی اندیشه وی مروری داشته باشیم. زندگی دکتر مصدق و مراحل مختلف آن نشان می دهد که با توجه به مسئولیت هایی که در

^۱ یادداشت محمد توسلی در نشریه ندای جامعه کرمانشاه - ۱۳۸۷/۱۲/۱۴

عرصه های مختلف داشته و تجربه ای که در مدیریت بدست آورده و با تحصیلات عالی که در حقوق بین الملل داشته ، توانایی کم نظیری در مدیریت ، شناخت تاریخ ایران و در آشنایی با فرهنگ جهانی و تجربه بشری داشت. وقتی ما گفتار و عملکرد او را در مقاطع مختلف در مجلس های چهارم ، پنجم ، چهاردهم و شانزدهم و بعد در دوران ۲۸ ماهه دوران نخست وزیری و در چالشی که او با استبداد سلطنتی داشت ، بررسی می کنیم به وضوح مشاهده می کنیم که او هم به لحاظ فکری ، اسلامیت و ایرانیت را از هم جدا نمی دانست و هم به لحاظ سیاسی عملکردش در جهت تفکر دینی و منافع ملی بوده است .

برای بررسی این مدعا کافی است نگاهی به سخنان او در مجلس شورای ملی و عملکردش در دوران نخست وزیری و وقایع ملی شدن صنعت نفت بیاندازیم . دکتر مصدق در مجلس پنجم در نطقی تاریخی و در مخالفت با تغییر سلطنت اشاره دارد که : ” بنده در سال گذشته در حضور نمایندگان محترم به کلام الله مجید قسم یاد کردم که به مملکت و ملت خیانت نکنم آن ساعتی که قسم می خوردم مسلمان بودم و حالا هم مسلمانم و از آقایان تمنا دارم به احترام این قرآن بر خیزند . ” در این موقع مصدق کلام الله را از جیب خود بیرون می آورد و حضار قیام میکنند و او ادامه می دهد: ” در حضور همه آقایان بنده شهادتین خود را می گویم ... من شخصی بودم مسلمان و به این کتاب قسم یاد کردم و در این ساعت هم قران خصمی مرا بکند اگر در عقیده خود اختلافی حاصل کرده باشم . همان بودم که هستم و امروز هم اگر چیزی بر خلاف مصالح مملکت به عقل ناقصم بینم خودم را ناچار می دانم که برای حفظ مملکت و حفظ قومیت و بقای اسلامیت از ابراز عقیده خودداری نکنم. اگر کسی پیدا شود که نظرهای مملکتی و اسلامی خود را اظهار نکند، بنده او را پست ، بی شرف و مستحق قتل می دانم ”.

این ابتدای حضور مصدق است که در آن با تغییر سلطنت برخورد می کند و مبانی فکری و اندیشه ی خویش را در این سخن کاملاً منعکس می نماید . در دوره ششم مجلس شورای ملی مصدق ضمن نطقی که در مخالفت با عقد قرار داد ۱۹۱۹ ایراد می کند، این جمله معروف را می گوید که ” هر ایرانی که دیانتمند است و هر کس که شرافت دارد باید روی دو اصل از وطن خود دفاع کند یکی اصل اسلامیت و دیگری اصل وطن پرستی . ” که در اینجا وطن پرستی یعنی همان دفاع از هویت ملی . دکتر مصدق در مقاطع مختلف مبانی اندیشه خویش را به تناسب شرایط مطرح می کند . او در مجلس چهاردهم بعد از شهریور ۱۳۲۰ ، وقتی اقلیت مجلس علیه

کابینه صدر اقدام به ابستراکسیون کرده بودند در نطق خود باز هم این مفهوم را تکرار می کند و البته این نشان می دهد که این صحبت ها تنها متناسب با آن شرایط نیست بلکه بخشی از اندیشه او است که بیان می کند و می گوید "من ایرانی و مسلمانم و بر علیه هرچه ایرانیت و اسلامیت را تهدید کند تا زنده هستم مبارزه می کنم".

بنابراین اسلامیت و ایرانیت دو عنصر اصلی اندیشه دکتر مصدق را تشکیل می دهند؛ اندیشه ای که دکتر مصدق، چه در دورانی که مسئولیت نخست وزیری را در نهضت ملی ایران داشت و چه قبل از آن و چه بعد که محاکمه می شود و در احمد آباد دوره محکومیت خودش را می گذراند تا سال ۴۵ که دار فانی را وداع می گوید، به آن عمل می کرده و به آن وفادار و پایبند بوده است.

اندیشه مهندس بازرگان

اما بینیم کسانی که خود را پیرواندیشه دکتر مصدق می دانند آنرا چگونه معرفی کرده اند. یکی از نمونه های شاخص پیروی از اندیشه دکتر مصدق، مرحوم مهندس مهدی بازرگان بود. مهندس بازرگان در نطق افتتاحیه ی تأسیس نهضت آزادی ایران در ۲۷ اردیبهشت سال ۱۳۴۰، در منزل مرحوم صادق فیروزآبادی، در معرفی نهضت آزادی می گوید: که ما مسلمانیم و ایرانی یعنی تاکید بر همان هویت اسلامی و ملی و بعد اضافه می کند ما مصدقی هستیم. مصدقی بودن را بازرگان در آن سخنرانی چنین توصیف می کند: "ما مصدقی هستیم و او را از خادمین بزرگ و از افتخارات ایران و شرق می دانیم. ما مصدق را به عنوان یگانه رئیس دولت که در طول تاریخ ایران محبوب و منتخب واقعی اکثر مردم بود و قدم در راه خواسته های ملت برداشت و توانست پیوند بین دولت و ملت را برقرار سازد و مفهوم واقعی دولت را بفهماند و به بزرگترین موفقیت تاریخ اخیر ایران یعنی شکست استعمار نایل گردد تجلیل می کنیم". این توصیف و برداشتی است که بازرگان از مصدقی بودن دارد. در این نطق افتتاحیه که در واقع به نوعی مرام نامه و خط مشی نهضت را در سال ۱۳۴۰ تصویر می کند بازرگان به نکته ای اشاره می کند و آن اینست که من و نهضت آزادی که هویتمان اسلامی و ایرانی است نقشه را همان اندیشه مصدق است.

دو دیدگاه

حال چرا مهندس بازرگان اندیشه مصدق را به عنوان نقشه راه برای تحقق هویت دینی و ملی ایرانیان مطرح می کند و اصولاً پایبندی به این نقشه راه یعنی چه؟ واقعیت این است که در

جامعه ما دو دیدگاه در باره هویت اسلامی دیده می شود، یک نگاه که اسلام را بیشتر در فقاقت ، شکل ، ساختار و مناسک می بیند و بر اجرای مناسک و شعائر تأکید دارد و اجرای حدود و مقررات را مورد تأکید قرار می دهد و اخلاق ، انسانیت ، صداقت ، امانت ، مناسبات انسانی ، فضیلت عدالت ، فضیلت آزادی و حرمت و کرامت انسانی کمتر مطرح است و نگاه دیگر که ضمن احترام به مناسک توجه اصلی اش به محتواست. به تاریخ صد ساله اخیر بعد از مشروطه که نگاه کنیم می بینیم نگاه مناسکی نگاهی است که مرحوم شیخ فضل الله نوری به آن تعلق دارد. در سوی دیگر عالمان و مراجعی چون نایینی ایستاده اند که به جای تأکید بر مناسک توجه به مشکل ملموس جامعه یعنی استبداد دارند. بنابراین نایینی بر اساس مبانی اسلامی بحث استبداد سیاسی و دینی را مطرح می کند و می گوید استبداد دینی از استبداد سیاسی خطرناک تر است و بعد برای محدود کردن قدرت سلطنت از مشروطه خواهی دفاع می کند. آخوند خراسانی و سایر مراجع نجف هم که در آن دوره به واقعیت های اجتماعی اشراف داشتند همین دیدگاه را داشتند.

بعد از پیروزی انقلاب سال ۵۷ نیز همین دو دیدگاه را در بین کسانی که در عرصه انقلاب حضور داشتند شاهد بودیم؛ از یک طرف مهندس بازرگان و از طرف دیگر رهبر فقید انقلاب. از همان ابتدا بازرگان می گفت که ما اسلام را به خاطر ایران می خواهیم و آقای خمینی می گفتند که ما ایران را بخاطر اسلام می خواهیم ، بنابراین برای حفظ اسلام ، ایران هم می تواند فدا شود . این دو نگاه در تعامل و تقابلی که اسلام سنتی و اسلام روشنفکری دینی در سی سال گذشته با یکدیگر داشته اند ، وجود داشته است.

همچنین به لحاظ تاریخی بعد از شهریور ۱۳۲۰ که عده ای از فرهنگیان خیرخواه دنبال زمینه سازی برای رشد فرهنگی و اجتماعی بودند این تقابل به این صورت بروز کرده بود که یک عده می گفتند ما هر خدمتی می کنیم بایستی پسوند اسلامی داشته باشد ، مثلاً جامعه تبلیغات اسلامی و یا اگر مدرسه ای را بنیان می نهادند الزاماً اسمش را می گذاشتند مدرسه دخترانه اسلامی و... ولی اتفاقاً روشنفکران دینی ای که بیشتر نگاه به محتوا داشتند؛ افرادی مثل دکتر سحابی و مهندس بازرگان می گفتند ما نباید پسوند اسلامی بر نهادهای اجتماعی خودمان بگذاریم بلکه باید اسلامی عمل کنیم . اسامی انتخاب شده برای موسسات فرهنگی این جریان عموماً مفهوم اسلامی داشت؛ مثل موسسه اخلاق، مدرسه کمال ، هنرستان کار آموز ، دبیرستان کوثر و... منطقشان هم این بود که ما اسلامی عمل می کنیم ، اگر ما بد عمل کردیم هزینه اش نباید به پای اسلام نوشته شود.

دکتر مصدق با همین نگاه همیشه اسلامی عمل می کرد بدون اینکه بخواهد اسم اسلامی بر آنها بگذارد. اتفاقاً در همان دوران بعد از سال ۱۳۲۷ که فداییان اسلام تشکیل شد در نهضت ملی ایران همین بحث ها مطرح بود؛ فداییان اسلام کتاب منشور برادری را که حاوی برنامه اسلامی مورد نظرشان بود تدوین کردند و همان موقع از آیت الله کاشانی خواستند این کتاب را به دکتر مصدق بدهد تا آن را به عنوان برنامه حکومتش اعلام کند. آنها در این منشور تأکید ویژه ای بر ظواهر و مناسک داشتند. مثلاً می گفتند خرید و فروش مشروبات الکلی باید قطع شود و حدود اجرا شود؛ یعنی از حکومت اسلامی همین اجرای ظواهر مد نظرشان بود. اما آیت الله کاشانی با آنان برخورد کرد و گفت که حالا وقت مطرح کردن این موارد نیست الان ما مسایل پیچیده مهمتری داریم و باید به آنها بپردازیم. تاریخ صد ساله ما به نوعی صحنه تقابل این دو اندیشه است. در این مورد بین فداییان اسلام، آیت الله کاشانی و حتی حوزه اختلاف نظر وجود داشت. حتی حوزه و مرحوم آیت الله بروجردی نپذیرفت که فداییان اسلام افکار خودشان را در قم مطرح کنند. برای اینکه آنها هم دنبال کار محتوایی بودند و حوزه را به لحاظ فکری تقویت می کردند.

برنامه های مصدق

خدمات اصلی دکتر مصدق در دوران بیست و هشت ماه حکومتش این بود که استقلال سیاسی و اقتصادی را تامین و آزادی و دموکراسی را در جامعه پایه گذاری کند. برنامه های دولت او دو محور اصلی داشت یکی اجرای قانون ملی شدن صنعت نفت بر طبق قانون مصوب ۹ اردیبهشت ۱۳۳۰ و تخصیص عواید حاصل از آن برای تقویت بنیه اقتصادی کشور و ایجاد موجبات رفاه و آسایش عمومی و دیگر اصلاح قانون انتخابات مجلس شورای ملی و شهرداری ها. او مبرم ترین نیاز جامعه را، به تعبیر قرآن عمل صالح، دو مسئله می دانست. یکی قطع دست و استیلا بیگانگان و حفاظت از منابع زیر زمینی که عملاً به رایگان در اختیار انگلیس بود و حضور آنان استقلال، عزت و شرف ما را که در واقع بخشی از هویت ملی و دینی ما است در معرض مخاطره جدی افکنده بود و دیگر اینکه با استبداد سلطنتی برخورد کند. دکتر مصدق با اجرای هدف اول از طریق هنر دیپلماسی و بصیرتی که داشت و به خاطر آشنایی که با زبان و فرهنگ آنها داشت توانست بدون اینکه تسلیم بیگانگان شود با کمترین هزینه از استعمار کهن انگلیس خلع ید کند چنانکه بر مبنای قوانین اسلامی نیز قطع ید برخی سارقان لازم است. او

با این حرکت حقوق ملت را احیا و حفظ کرد و این بزرگترین خدمت دینی و ملی بود که می توانست انجام شود.

در برخورد با فرهنگ استبدادی راهکار او برگزاری انتخابات آزاد و سالم در سطح شوراها، شهری و مجلس شورای ملی بود. تا مردم بتوانند بر امور اجرایی کشور نظارت کنند. یعنی بجای پذیرش مدیریت از بالا و نظام آمرانه مصدق به نحوی فرهنگ سازی کرد تا به تدریج این مدیریت از پایین شکل بگیرد و مردم بر سرنوشت و اداره جامعه خویش حاکم شوند و این روند یک تحول اساسی است که در آن دوران شکل گرفت. یعنی هم تامین آزادی و دموکراسی و هم استقلال سیاسی و اقتصادی کشور و بنابراین اگر مهندس بازرگان می گوید که ما مسلمان، ایرانی و مصدقی هستیم در واقع اندیشه مصدق را نقشه راهی معرفی می کند که می توان بر اساس آن هم هویت دینی و هم هویت ملی مان را حفظ و تقویت کنیم. مرحوم نایینی هم در آن کتاب با ارزش تنزیه الملة تصریح می کند که در جامعه ای که استبداد باشد طاغوت حاکم است و نمی توان خدا را خالصانه پرستش کرد. بنابراین اندیشه مصدق زمینه های پیاده شدن ارزشهای اسلامی را فراهم می کند و ضمناً هویت ملی را نیز حفظ می کند.

حذف نام مصدق

اما متأسفانه می بینیم که قبل از انقلاب رژیم شاه سعی می کرد مصدق را چهره ای ضد ملی نشان دهد و بعد از انقلاب برخی ها او را به عنوان چهره ضد دینی مطرح کردند تا جایی که حتی تلویحاً گفتند ایشان مسلمان نبود و نگاهی به آداب و شریعت نداشت. قبل از انقلاب انگیزه روشن است که شاه به عنوان یک مستبد اقتدارگرا که خودش را مالک کشور می دانست؛ مصدق را که به صورت برنامه ریزی شده و راهبردی پایه های حکومت استبدادی را به لرزه در آورده بود مخالف ملیت معرفی کند. طبیعی بود که شاه مخالف باشد و حتی نتواند اسم او را تحمل کند. چنانکه برخی اطرافیان شاه گفته اند که شاه وقتی اسم مصدق می آمد یک نوع حالت پریشانی و عصیت بروز می داد که این واکنش ناشی از همان کار اساسی بود که مصدق در آن دوران انجام داده بود. اما علی رغم تبلیغات رسانه ای رژیم شاه جامعه از مصدق به عنوان رهبر ملی یاد می کرد و نام و راهش را گرامی می داشت.

پس از انقلاب اسلامی سال ۵۷ البته ابتدا برخی حرف هایی زدند مبنی بر اینکه مصدق مسلم نبود اما بعد وقتی کسانی که مورد وثوق رهبر فقید انقلاب بودند شهادت دادند که او مسلمان

بود و حتی وجوهات پرداخت می کرد دیگر این مطالب عنوان نشد. اما همچنان کسانی که آن تفکر سنتی را داشتند چهره دیگری از مصدق در کتاب های درسی معرفی می کردند که به دفعات هم مورد اعتراض قرار می گرفت و ظاهراً در چند سال گذشته اصلاح شده است. جریان اسلام سنتی سعی فراوانی کرد تا جایگاهی را که دکتر مصدق داشته و دارد حذف کند اما به رغم این تلاش های فراوان می بینیم که نسل جوان ما که از آن دوران فاصله زیادی دارد از مصدق به نیکی یاد می کند

جایگاه ملی و جهانی مصدق

نهضت ملی ایران و ملی شدن صنعت نفت نه تنها به ملت ایران احساس خودباوری داد و یک تحول فرهنگی و بینشی در آن به وجود آورد بلکه در سایر کشورهای منطقه و نیز کشورهای آسیا، آفریقا و آمریکای لاتین نیز الگو بود و در تحولات بعدی که در این کشورها به وجود آمد تاثیر به سزایی گذاشت. دکتر مصدق به عنوان یک شخصیت ملی و جهانی مطرح است. چنانکه چند سال قبل در آمریکا یک کنگره جهانی برای بزرگداشت دکتر مصدق برگزار شد که شخصیت های جهانی مشهوری در آن حضور پیدا کردند و مقالات خود را در تجلیل از دکتر مصدق ارائه دادند. اهمیت کار مصدق هم به لحاظ منافع ملی ما و هم تاثیر جهانی بسیار قابل توجه است. وقتی جان فاستر دالس وزیر امور خارجه آمریکا با الهیار صالح سفیر وقت ایران در آمریکا در خصوص نفت ایران دیداری داشت، دالس به سفیر ایران ابراز کرد که بهتر است ایران با کشورهای آمریکا و انگلیس کنار بیاید. فاستر دالس وقتی جواب شنید که مصدق اجازه نخواهد داد بیگانگان در امور ایران و نفت دخالت کنند و بهتر است آمریکا از کمک به انگلیسی ها خودداری کند و اجازه بدهد ایران نفت خود را بدون دخالت خارجی اداره کند، پاسخ صریح و دردناکی می دهد که: "اگر این منشور اصلی مصدق در ایران یعنی ملی شدن صنعت نفت عملی شود به مرور تمام کشورهای خاورمیانه و... به تقلید از ایران نفت کشور های خود را ملی خواهند نمود و از این راه بزرگترین لطمه به سیاست و اقتصاد آمریکا زده خواهد شد".

زمینه های کودتای ۲۸ مرداد و مقاومت مردم

آمریکا در ماجرای نفت ایران ابتدا کنار ایران بود اما وقتی دید مصدق دنبال منافع ملی است و نمی تواند جایگزین استیلای بریتانیا شود شروع به توطئه چینی برای سرنگونی دولت مصدق کرد. رخداد ۳۰ تیر پیش آمد. البته حضور و مقاومت ملت ایران و تاثیری که اعلامیه آیت الله

کاشانی در بسیج مردم داشت باعث بازگشت مصدق و اجابت خواست او مبنی بر در اختیار داشتن وزارت دفاع و ارتش شد. اما آمریکایی ها ساکت نشستند و حوادث ۹ اسفند را فراهم کردند و در نهایت در ۲۸ مرداد با کمک شوروی، انگلیس و دربار و عوامل داخلی خودشان یعنی توده نفتی ها و فراهم کردن زمینه های اختلاف میان مصدق و همکاران او همچون حسین مکی، مظفر بقایی و حائری زاده و کاشانی اتفاق افتاد و شد آنچه نباید می شد. مطالعه اسناد این دوران نشان می دهد که چگونه بیگانگان می توانند به دست خود ما حتی بدون اینکه بدانیم ایجاد تفرقه کنند. این مشکلی است که امروز هم در جامعه شاهد آن هستیم و کسانی سعی می کنند مثلاً از کنار هم قرار گرفتن نیروهای اصلاح طلب جلوگیری کنند.

در مورد فضا سازی که توده نفتی ها در فاصله روزهای ۲۵ تا ۲۸ مرداد انجام دادند از مرحوم طالقانی نقل می کنند که وقتی ایشان در آن مقطع در مسجد هدایت بودند نزدیک پنجاه نامه دریافت می کنند که همه پیام تهدید در بر داشت که کمونیست های ضد خدا و دین می خواهند دین شما را از بین ببرند. و نیز نقل می کنند در همان زمان در حالیکه مرحوم بروجردی در روستای وشنو که روستایی است خارج از شهر قم بوده اند عده ای می آیند و علیه روحانیت شعار می دهند و ادبیات مارکسیستی و حزب توده را مطرح می کنند تا جایی که مرحوم بروجردی می گویند که من بین کمونیستها و شاه، شاه را انتخاب کردم. کاملاً به خاطر دارم که توده نفتی ها در روزهای منتهی به ۲۸ مرداد در خیابان های تهران شعار می دادند ” ز جنبش توده ای شاه فراری شده ” و همین جو سازی ها باعث انفعال مردم شد. اما خوشبختانه تنها یک هفته بعد از ۲۸ مرداد نیروهای ملی شروع به تجدید سازمان کردند و نهضت مقاومت ملی شکل گرفت و آنها هشت سال مقاومت کردند و نگذاشتند رژیم کودتا مشروعیت پیدا کند.

بطور خلاصه آنچه می خواهم بگویم این است که دکتر مصدق، هم در گفتار و هم در رفتار بر دو رکن اسلامیت و ایرانیت تاکید داشت و بر مبنای تعهد اسلامی و ایرانی خویش عمل کرد. عملکرد دکتر مصدق در زمینه تأمین استقلال سیاسی و اقتصادی کشور و خلع ید از استعمار انگلستان و در نتیجه زمینه سازی برای آزادی و دموکراسی مبرم ترین نیاز جامعه اسلامی بود، که به عنوان یک عمل صالح، به این نیاز راهبردی جامعه پاسخ داد و زمینه های تحول فرهنگی در جامعه را فراهم کرد. این همان راهبردی است که مهندس بازرگان در سال چهل به عنوان نقشه راه مطرح می کند و می گوید ما مسلمان، ایرانی و مصدقی هستیم. این راهبرد می تواند پیامی

مجموعه آثار از ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۰ ۳۰۳

باشد برای نسل امروز جامعه ما.

چرا نهضت آزادی از نامزدی خاتمی استقبال می‌کند؟^۱

از اوایل سال جاری، براساس تحلیل شرایط ایران، در مصاحبه‌های خود انتخابات ریاست جمهوری دهم را بسیار مهم و سرنوشت‌ساز ارزیابی و برای موفقیت اصلاح‌طلبان ایران چند توصیه ارائه کرده‌ایم:

- ضرورت اجماع اصلاح‌طلبان بر نامزد واحد، چراکه در غیر این صورت قطعاً شکست خواهند خورد.
 - ضمن احترام به همه نامزدها، در بین نامزدهای مطرح اصلاح‌طلبان تنها کسی که می‌تواند محور یا لولای تجمع و همکاری طیف وسیعی از اصلاح‌طلبان باشد خاتمی است.
 - برای رقابت عملی با نامزد محافظه‌کاران ضروری است خاتمی جبهه فراگیر اصلاح‌طلبان را از طریق گفتگو و برپایه برنامه حداقلی مورد توافق تشکیل دهد.
- اینک که آقای خاتمی به رغم مصلحت‌اندیشی‌ها، تهدیدها و ارباب‌ها، با توکل به خدا و اعتماد به پشتیبانی مردم، نامزدی خود را با پذیرش مسئولیت و رسالت تاریخی اعلام کرده‌اند، ما (نهضت آزاد ایران) به رغم نقدهایی که به برخی از عملکردهای ایشان داریم از نامزدی ایشان استقبال می‌کنیم، زیرا:
- او از صداقت، سلامت، فرهیختگی، اصالت و سابقه خانوادگی روشن، محبوبیت مردمی در داخل و اعتبار جهانی برخوردار است.
 - گفتمان خاتمی، یعنی آزادی، دموکراسی و حقوق بشر مطالبه گذشته ملت ایران (از انقلاب مشروطیت) و امروز اکثریت قاطع ملت ایران است.
 - پاسخ به نیاز همه‌جانبه مادی و معنوی ملت ایران به ویژه تأمین رفاه عمومی و تحقق عدالت اقتصادی جز با مشارکت دموکراتیک مردم یعنی پیگیری گفتمان خاتمی امکان‌پذیر نیست.
 - حضور گفتمان خاتمی نفی گفتمان اقتدارگرایی و تأمین منافع ملی است.
 - حضور گفتمان خاتمی می‌تواند زمینه‌ساز خروج از بحران‌های جاری کشور، نجات ملی و اعتلای هویت اسلامی و ملی باشد.

^۱ یادداشت محمد توسلی در نشریه «موج» - ۱۳۸۷/۱۲/۱۶

اما در شرایط کنونی چه انتظاراتی از خاتمی و خودمان داریم؟
انتظارات از خاتمی:

- ارائه برنامه واقع‌بینانه برای پاسخ به نیازهای مردمی و خروج کشور از بحران‌های جاری به‌طوری‌که در طول چهار سال قابل ارزیابی باشد
- حفظ جایگاه فراجزبی و گروهی برای شکل‌گیری عملی جبهه فراگیر اصلاح‌طلبان به‌منظور جلب همکاری گسترده مردم و پشتیبانی نظام‌مند از دولت آتی
- تلاش برای اجماع نامزدهای اصلاح‌طلب از طریق گفتگو و راهکارهای دموکراتیک
- تلاش برای تضمین سلامت انتخابات

انتظارات از خودمان:

- منیت‌ها، خودخواهی‌ها، گروه‌گرایی‌ها را مهار کنیم و در راستای منافع ملی همکاری‌های جمعی خودمان را توسعه دهیم تا رئیس‌جمهور فرهیخته و شایسته‌ای که نماد ملت فرهیخته ایران باشد انتخاب شود.
- برای توسعه و تقویت نهادهای حامی ستاد آقای خاتمی مجدداً تلاش کنیم.
- خود و جامعه را به واقع‌بینی و بهره‌گیری از آموزه‌های گذشته دعوت کنیم و از طرح شعارها و مطالبات غیرعملی خودداری کنیم و فراموش نکنیم که اصلاحات تدریجی است و بصورت گام به گام با فراهم شدن زمینه‌های لازم، تحولات اجتماعی امکان‌پذیر می‌شود.

استقبال نهضت آزادی از حضور خاتمی در انتخابات^۱

نوروز: « اینک که آقای خاتمی به رغم مصلحت‌اندیشی‌ها، تهدیدها و ارباب‌ها، با توکل به خدا و اعتماد به پشتیبانی مردم، نامزدی خود را با پذیرش مسئولیت و رسالت تاریخی اعلام کرده‌اند ما (نهضت آزاد ایران) به رغم نقدهایی که به برخی از عملکردهای ایشان داریم از نامزدی ایشان استقبال می‌کنیم»

رییس دفتر سیاسی نهضت آزادی با اعلام مواضع این تشکل سیاسی با تاکید بر اجماع اصلاح‌طلبان در انتخابات پیش رو به خبرنگار نوروز گفت: « ضمن احترام به همه نامزدهای اصلاح‌طلبان، در بین نامزدهای مطرح اصلاح‌طلبان تنها کسی که می‌تواند محور یا لولای تجمع و همکاری طیف وسیعی از همه اصلاح‌طلبان باشد خاتمی است.» و ادامه داد: « برای رقابت عملی با نامزد محافظه‌کاران ضروری است خاتمی جبهه فراگیر اصلاح‌طلبان را از طریق گفتگو و بر پایه برنامه حداقلی مورد توافق تشکیل دهد.» این عضو ارشد نهضت آزادی دلایل استقبال از حضور آقای خاتمی را این گونه برشمرد: « او از صداقت، سلامت، فرهیختگی، اصالت و سابقه خانوادگی روشن، محبوبیت مردمی در داخل و اعتبار جهانی برخوردار است. - گفتمان خاتمی، یعنی آزادی، دموکراسی و حقوق بشر مطالبه گذشته ملت ایران (از انقلاب مشروطیت) و امروز اکثریت قاطع ملت ایران است. - پاسخ به نیاز همه‌جانبه مادی و معنوی ملت ایران به ویژه تأمین رفاه عمومی و تحقق عدالت اقتصادی جز با مشارکت دموکراتیک مردم یعنی پیگیری گفتمان خاتمی امکانپذیر نیست. - حضور گفتمان خاتمی نفی گفتمان اقتدارگرایی و تأمین منافع ملی است. - حضور گفتمان خاتمی می‌تواند زمینه‌ساز خروج از بحران‌های جاری کشور، نجات ملی و اعتلای هویت اسلامی و ملی باشد.»

مهندس محمد توسلی ضمن تاکید بر تلاش همه جانبه اصلاح‌طلبان برای تضمین سلامت انتخابات « ارائه برنامه واقع‌بینانه برای پاسخ به نیازهای مردمی و خروج کشور از بحران‌های جاری بطوریکه در طول چهار سال قابل ارزیابی باشد.» و همین‌طور « حفظ جایگاه فراحزبی و گروهی برای شکل‌گیری عملی جبهه فراگیر اصلاح‌طلبان بمنظور جلب همکاری گسترده مردم و پشتیبانی نظام‌مند از دولت آتی» را از انتظارات بجای مردم از آقای خاتمی دانست و در ادامه با تاکید بر

^۱گفتگوی محمد توسلی با خبرنگار نشریه نوروز - ۱۳۸۷/۱۲/۱۸

تلاش مجدانه فعالان سیاسی بر توسعه و تقویت نهادهای حامی ستاد آقای خاتمی خطاب به جریان‌های سیاسی گفت: «منیت‌ها، خودخواهی‌ها، گروه‌گرایی‌ها را مهار کنیم و در راستای منافع ملی همکاری‌های جمعی خودمان را توسعه دهیم تا رئیس‌جمهور فرهیخته و شایسته‌ای که نماد ملت فرهیخته ایران باشد انتخاب شود.»

عضو شورای مرکزی نهضت آزادی ایران در پایان خود و جامعه را به واقع‌بینی و بهره‌گیری از آموزه‌های گذشته دعوت کرده و گفت: «از طرح شعارها و مطالبات غیرعملی خودداری کنیم و فراموش نکنیم که اصلاحات تدریجی است و بصورت گام به گام با فراهم شدن زمینه‌های لازم، تحولات اجتماعی امکان‌پذیر می‌شود.»

حق حیات انسانی مردم را تأمین کنید^۱

رئیس جمهور محترم

با سلام و خدایات و آرزوی سلامتی و موفقیت برای شما در راه ایفای مسئولیتهای سنگینی که در شرایط خطیر کشور برعهده خواهید گرفت به عنوان يك شهروند ایرانی، پیشاپیش مواردی را یادآوری می‌کنم، به امید آنکه به مصداق آموزه قرآنی " فذكر ان الذکری تنفع المومنین" مورد توجه قرار گیرد.

رئیس جمهور محترم

شما بخوبی از وضعیت سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کنونی کشور مطلع هستید. در حوزه اقتصادی: رئیس جمهور دولت نهم با طرح شعار پوپولیستی مبارزه با فساد و تأمین عدالت به رغم وعده‌های صریح ایشان که پول نفت را بر سر سفره مردم خواهد آورد و گشایشی در وضعیت اقتصادی دهک‌های پائین جامعه پدید خواهد آورد، سیاست‌هایی را در حوزه سیاست، اقتصاد و فرهنگ جاری ساخته است که پیامدهای وخیم آن و تبیین شرایط ناگوار کنونی نیازی به توضیح فراوان ندارد. متأسفانه گزارش‌ها و آمار و ارقام کارشناسی واقعی منتشر شده از سوی دستگاه‌های غیردولتی نه تنها چنین روندی را نشان نمی‌دهد بلکه بیان‌گر آن است که شکاف اجتماعی و فشار اقتصادی بر طبقات محروم جامعه نسبت به گذشته شدید تر شده است (نسبت ۱ به ۲۱). مدیریت متلاطم و ناپایدار اقتصادی دولت نهم که همواره خارج از وزارت اقتصاد و بانک مرکزی رقم خورده است، این باور نادرست را تبلیغ کرده که با تزریق پول نقد به اشخاص نیازمند در سفرهای استانی یا توزیع سهام عدالت و این‌گونه اقدامات، موجبات بهبود وضعیت اقتصادی مردم فراهم خواهد شد و فضیلت عدالت در جامعه فراگیر می‌شود. در این حوزه نیازی به توضیح کارشناسان اقتصادی نیست زیرا هر يك از آحاد ملت و اقشار جامعه، پیامد سیاست‌های اقتصادی دولت نهم را به ویژه در سال جاری در حوزه کاری خود به طور ملموسی شاهد هستند. رکود تورمی در عرصه‌ی صنعت و خدمات و مشکلات مالی که به ویژه بخش خصوصی را در ماه‌های پایانی سال با خود روبرو ساخته است جای انکار ندارد. در حوزه فرهنگی و اجتماعی: نگاهی به آمار پرونده‌های قوه قضائیه و گزارش‌های صفحات

^۱ نامه سرگشاده محمد توسلی به رئیس جمهور آینده: کتاب سی سال، ضمیمه روزنامه اعتماد ملی - ۱۳۸۷/۱۲/۲۸

حوادث روزنامه‌ها که تنها گوشه‌ای از آسیب‌های اجتماعی را منعکس می‌کنند و مشاهدات عینی وضعیت ناهنجاری را در جامعه ما نشان می‌دهند، نشان از وجود بحرانی عمیق دارد. متأسفانه شاخص‌های ارزش‌های اخلاقی، مانند راست‌گویی، امانت، اعتماد در مناسبات اجتماعی و ... نسبت به گذشته افت چشمگیری را نشان می‌دهند و به نظر می‌رسد که دستگاه عوام‌فریبی و دروغ‌پراکنی رسمی مستقر در دولت نهم که با انتشار آمار و اخبار نادرست در جامعه سعی در به دست آوردن آرای مردم در انتخابات بعدی را دارد به مصداق «الناس علی دین ملوکهم» بر این امر موثر بوده است.

در حوزه‌ی سیاست داخلی: دولت نهم با سلب حقوق اساسی ملت که در اصول مندرج در فصل‌های سوم و پنجم قانون اساسی تصریح شده است و سانسور و توقیف گسترده‌ی مطبوعات مستقل و با بهره‌گیری از رسانه‌های فراگیر و ضد ملی خود، با ایجاد فشار، محدودیت و سرکوب دگراندیشان، احزاب مستقل، گروه‌های سیاسی، جنبش دانشجویی، جنبش زنان، سندیکاها، کارگری، انجمن‌های صنفی، نهادهای مدنی، اقلیت‌های مذهبی و قومی و حتی درواپش و نقض آشکار آزادی‌های قانونی و حقوق شهروندی، فضای سیاسی جامعه را به حدی بسته نگه داشته که گویی هیچ فریادرسی هم وجود ندارد.

در حوزه سیاست خارجی: طرح موارد تشنج‌زا و بی‌ربطی مانند انکار هولوکاست و یا عدم برخورد صحیح دیپلماتیک در خصوص مسأله‌ی بحران هسته‌ای و محدود ساختن تمامی حقوق و مصلحت ملت ایران به برخورداری از انرژی هسته‌ای از جمله مواردی بوده است که امنیت ملی را به مخاطره انداخته و در نتیجه، موجب تشدید تحریم‌ها و جنگ اقتصادی، کاهش سرمایه گذاری، فرار سرمایه‌ها و استعدادهای و افزایش تورم و بیکاری شده است.

رئیس جمهور محترم

می‌دانید که رئیس جمهور پس از مقام رهبری، عالی‌ترین مقام رسمی کشور است و مسوولیت اجرای قانون اساسی و ریاست قوه مجریه را برعهده دارد. شما که با میزان رأی آزاد و آگاهانه ملت تشخیص صلاحیت خواهید شد قطعاً از رجال مذهبی و سیاسی، مدیر و مدبر و مؤمن و معتقد به مبانی جمهوری اسلامی بوده و از این رو از ملکه‌ی امانت و تقوی نیز برخوردار هستید. در پیشگاه قرآن کریم و در برابر ملت ایران سوگند خواهید خورد که پاسدار نظام جمهوری اسلامی و قانون اساسی و ترویج‌گر ارزش‌های دینی و اخلاقی در جامعه بوده و از حق و گسترش عدالت

و از آزادی و حرمت اشخاص و حقوقی که قانون اساسی به ویژه در اصول فصل‌های سوم و پنجم و هفتم قانون اساسی برای ملت به رسمیت شناخته است بی‌هیچ شایبه و بی‌ملاحظه از فشار عوامل متکی بر ساختار فراقانونی قدرت، حمایت خواهید کرد و همچنین در حراست از استقلال سیاسی، اقتصادی و فرهنگی کشور از هیچ اقدامی دریغ نخواهید ورزید.

رئیس جمهور محترم

نیازی به یادآوری نیست که وظایف و مسوولیت‌های بسیار خطیر رئیس جمهور آینده برای انتقال کشور از وضعیت ناهنجار کنونی به وضعیت مطلوب، رسالتی بس سنگین است که نیازمند برنامه‌ریزی واقع بینانه، جلب همکاران فرهیخته و با تجربه و پشتیبانی سازمان یافته‌ی مردمی است، تا ضمن ایجاد توان مدیریتی بالا برای پاسخ‌گویی به مسوولیت‌های محوله، امکان جلوگیری از کارشکنی‌های قابل پیش‌بینی مخالفان اصلاحات و به ویژه کسانی که در چهار سال اخیر منابع حیاتی کشور را در اختیار گرفته‌اند و به سادگی حاضر به از دست دادن این امکانات نیستند، فراهم شود. از این رو بدیهی است که پس از توکل به خدا و به کارگیری توان مدیریتی خود و همکارانتان، ابزار اصلی دولت اصلاح طلب آتی، اتکاء به قانون و بهره‌گیری از پشتیبانی مردمی است. یادآور می‌شود که این مردمی که جنابعالی در زمان اخذ آرا و سپس حمایت از دولت آتی بدان نیاز دارید و مفتخر به مقام نمایندگی ایشان در حاکمیت هستید، شامل تمامی اقشار و گروه‌های سیاسی و اجتماعی هستند. نویسندگان، دانشجویان، زنان، کارگران، معلمان، فعالان حقوق بشر، احزاب دگراندیش، دراویش گنابادی، فقها و مراجع ناهمسو با برخی مقامات کنونی کشور و بسیاری اقشار و گروه‌هایی که در این سالیان حقوق اولیه‌شان مورد نقض و هتک قرار گرفته است، همه و همه آحاد همین ملت هستند. بنابراین دفاع از حقوق بنیادین این ملت و پاسخ‌گویی به مطالبات ایشان نخستین وظیفه‌ای است که از دولت اصلاح طلب جنابعالی توقع می‌رود و این انتظار به حقی نیست که کسی حمایت مردم را بطبّد اما نسبت به سرنوشت ایشان مواضع خویش را اعلام ندارد. در همین راستا توصیه می‌شود که در اولین فرصت، در گفتار و در عمل سکوت خود را شکسته و مواضع صریح خود را در خصوص قربانیان تمامیت‌خواهی اندیشه‌ی حاکم بر دولت نهم با مردم در میان گذارید.

رئیس جمهور محترم

طبیعی است که مطالبه‌ی اولیه‌ی بسیاری از اقشار جامعه تأمین رفاه و رفع مشکلات معیشتی

مردم است که خواست کاملاً برحقی است. اگرچه اقدامات کوتاه مدت ممکن است تا حدی به این نیاز جامعه حساسیت نشان دهد اما مگر بدون برنامه‌ریزی و جلب مشارکت همه جانبه مردم به ویژه کارشناسان، اجرای برنامه‌های توسعه‌ی اقتصادی امکان پذیر است؟ تجربه‌ی بشری نشان می‌دهد و نبایستی تردید کرد که بدون توسعه‌ی سیاسی و تحقق حاکمیت ملت و اجرای حداقل‌های انسانی مندرج در اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر و پذیرش مبانی دموکراسی در جامعه و در نتیجه، ایجاد انگیزه و اعتماد عمومی برای مشارکت مردم در اجرای برنامه‌ها و سیاست‌گذاری‌های هیات حاکمه، و پاسخ به سایر نیازهای همه‌جانبه‌ی مردم در عرصه اجتماعی و فرهنگی هیچ‌گاه برنامه‌های توسعه اقتصادی امکان پذیر تلقی نمی‌شوند، البته توسعه‌ی سیاسی و توسعه‌ی اقتصادی دو روی یک سکه هستند و گام به گام با هم حرکت می‌کنند، به میزانی که توسعه سیاسی در جامعه شکل بگیرد و توسعه‌ی انسانی پدید آید، ظرفیت‌های انسانی و شرایط جدید اجتماعی به طور طبیعی، شاخص‌های توسعه اقتصادی را ارتقا می‌دهد و ارتقای توسعه اقتصادی، در مرحله‌ی بعدی، زمینه‌ی پیشرفت توسعه سیاسی در مدار بالاتر را فراهم خواهد ساخت. تنها در چنین فرآیندی است که جامعه شاهد توسعه‌ی همه جانبه خواهد بود. البته از سوی دیگر توجه به این امر که مخالفان آزادی، دموکراسی و نهادینه شدن ارزش‌های مندرج در اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر در طول تاریخ یک‌صد ساله‌ی ایران از جمله مهم‌ترین عوامل شیوع اقتصاد وابسته و سرمایه‌داری تجاری منحصر به واردات کالاهای مصرفی خارجی، فقر، فساد و در یک کلام عقب‌ماندگی بوده‌اند و تجربه‌ی بشری در سراسر جهان نیز گواهی می‌دهد که توسعه‌ی پایدار متوازن تنها در پرتو حاکمیت‌های دموکراتیک امکان رشد و نمو داشته، استنکاف از پذیرش حقوق بنیادین ملت‌ها راه را بر هرگونه توسعه‌ی اقتصادی و پیشرفت صنعتی می‌بندد، از این رو صحت شعار اولویت توسعه‌ی سیاسی در جامعه‌ای مانند ایران و اولویت حل مساله‌ی استبداد بر نان مردم از اهمیتی دوچندان برخوردار بوده و تاکید و پرداختن به این مهم، نخستین گام رو به جلو ارزیابی می‌شود. براین اساس باور دارد که پی‌گیری مطالبات تاریخی ملت ایران از انقلاب مشروطیت تا انقلاب اسلامی سال ۵۷ و به طور مشخص مهم‌ترین خواست اکثریت قاطع ملت ایران، یعنی آزادی، دموکراسی و حقوق بشر در چارچوب اصول قانون اساسی و سایر تعهدات بین‌المللی که در حکم قوانین داخلی است اولویت‌های برنامه شما را نشان می‌دهد و جا دارد در برابر کسانی که با وعده‌های عوام‌فریبانه‌ی خود در صدد جلب آرای مردم هستند و یا با اتکا به بینشی غیرجامع،

سعی در القای اولویت توسعه‌ی اقتصادی دارند، به طور واقع‌بینانه، برای پاسخ به این مطالبات برنامه‌ریزی شود.

رئیس جمهور محترم

رئیس جمهور دولت نهم با ادبیات و برنامه‌های خاص خود که مرتباً از رسانه‌های در اختیار که به ظاهر، موسوم به ملی هستند و البته آشکارا تنها به اقلیتی محض از این ملت تعلق دارند، مروج این باور سطحی و ناکارآمد است که دستیابی به انرژی هسته‌ای، توسعه‌ی صنایع نظامی و فناوری‌های جدید مانند پرتاب ماهواره امید، برای نشان دادن توسعه یافتگی جمهوری اسلامی و مقابله با تهدید بیگانگان کافی بوده و از اولویت خاص برخوردار است. تردیدی نیست که پیشرفت‌های علمی، از جمله نیازهای برنامه‌های توسعه‌ی کشور است. اما اگر در چارچوب برنامه‌های توسعه‌ی متوازن و هماهنگ به همه نیازهای مردم به طور متعادل پاسخ داده نشود، توسعه‌ی غیرمتناسب بخشی می‌تواند عوارض بسیار وخیمی در پی داشته باشد.

برای روشن شدن موضوع می‌توان از يك سو به مسابقه‌ی تسلیحاتی اتحاد جماهیر شوروی با آمریکا در چند دهه‌ی گذشته اشاره کرد. در حالی که آمریکا با برنامه‌ریزی همه‌جانبه به نیازهای جامعه خود به طور متعادل در فضای آزاد و دموکراتیک پاسخ می‌گفت، روسیه‌ی شوروی بخش عمده‌ای از امکانات خود را صرف پروژه‌های نظامی و تسلیحاتی و حتی رقابت‌های فضایی کرد و در حالی که شعار عدالت اجتماعی بر ایدئولوژی حاکم آنان سیطره داشت از اجرای برنامه‌های توسعه همه‌جانبه باز ماند و در اثر شکاف طبقاتی و محرومیت مردم از نیازهای مادی و معنوی اولیه زندگی، گرفتار فروپاشی اجتماعی و جغرافیایی شد و از سوی دیگر به اندیشه‌ی نادرست محمدرضا پهلوی اشاره داشت که به غلط می‌پنداشت با خرید چند فروند هواپیما و تانک و تسلیحات نظامی می‌تواند پنجمین ارتش دنیا را بدون دستیابی به زیرساخت‌های صنعتی ایجاد کند و با وجود هزینه‌های فراوانی که از جیب ملت ایران در این زمینه پرداخت، امروزه کسی تردیدی ندارد که ایران در آستانه‌ی انقلاب ۱۳۵۷ یکی از عقب‌مانده‌ترین و توسعه‌نیافته‌ترین کشورهای جهان بود.

رئیس جمهور محترم

با توجه به نکاتی که اشاره شد ملت ایران، در راستای مطالبات تاریخی خویش، از شما دو انتظار اساسی و به حق دارد. نخست آن که در مقام کاندیدای انتخابات ریاست جمهوری بر

برگزاری انتخاباتی آزاد، سالم و عادلانه و صیانت از آرای مردم با تکیه بر پشتیبانی همین ملت تاکید ورزید و از هر سازوکار قانونی که سلامت انتخابات را تضمین کند مانند نظارت بین‌المللی و فراخوان سازمان‌یافته‌ی مردم به حضور در پای صندوق‌های رأی در هنگام اخذ و شمارش آرا مدد‌گیری و دوم آن که در مقام ریاست جمهوری ایران آن‌گاه که به خواست خداوند متعال و حمایت ملت بر کرسی حکومت تکیه زدید، حق حیات انسانی او را تامین کنید. حق مشارکت در سرنوشت سیاسی، آزادی بیان، پرسش‌گری و نقد حاکمان و نظارت بر عمل کرد تمامی مسوولان و مقامات رسمی کشور به رسمیت شناخته شود و در چارچوب حاکمیت قوانین دموکراتیک، از همه شهروندان به ویژه دگراندیشان، احزاب و گروه‌های سیاسی خارج از حاکمیت، اقلیت‌های دینی، جنبش‌های اجتماعی دانشجویان، زنان، کارگران، نهادهای مدنی، و مطبوعات مستقل حمایت شود و به عنوان مسوول اجرای درست قانون اساسی، از سستی که بر آنها می‌رود با متخلفین برخورد بشود. حق حیات از بدیهی‌ترین حقوق شهروندی است که ملت فرهیخته‌ی ایران از رئیس‌جمهور فرهیخته منتخب خود انتظار دارد.

با آرزوی موفقیت رئیس‌جمهور منتخب مردم

هنوز ابهاماتی در خصوص علل انصراف خاتمی وجود دارد^۱

نهضت آزادی ایران پس از بررسی برنامه نامزدهای مطرح انتخابات ریاست جمهوری، موضع خود را اعلام خواهد کرد.

ایلنا: رئیس دفتر سیاسی نهضت آزادی ایران تاکید کرد: انصراف آقای خاتمی از عرصه انتخابات هزینه سنگینی برای جنبش اصلاحات در پی داشت.

محمد توسلی در گفت‌وگو با ایلنا، با اشاره به انصراف خاتمی از عرصه انتخابات گفت: دلایلی که ایشان در سخنان خود برای انصراف از عرصه انتخابات ذکر کرد کافی به نظر نمی‌رسد.

وی افزود: به نظر می‌رسد اگر در گذشته مهندسی آرا صورت می‌گرفت و انتخابات مدیریت می‌شد، در این دوره نامزدهای انتخابات مدیریت می‌شوند. به همین دلیل به گمان من در مقطع فعلی شرایطی فراهم شد که خاتمی با کمترین هزینه انصراف دهد.

اولین شهردار تهران پس از انقلاب به استقبال مردم استان فارس از خاتمی اشاره کرد و آنرا نشانه‌ای از تمایل مردم به تغییر وضع موجود دانست و در همین خصوص اظهار داشت: بعد از سفر استان فارس خاتمی از حضور در عرصه انتخابات انصراف می‌دهد و جالب آن که زمان بندی این انصراف هم در نوع خود قابل توجه است یعنی یک روز مانده به تعطیلی رسانه‌ها، به رغم مخالفت حامیان، بیانیه انصراف ایشان منتشر می‌شود و به همین دلیل ابهاماتی در خصوص علل انصراف خاتمی در اذهان وجود دارد.

وی با بیان اینکه خاتمی باید به سوالات کلیدی در خصوص علت انصراف خویش پاسخگو باشد در خصوص ورود میرحسین موسوی به عرصه انتخابات نیز گفت: آقای خاتمی به دلیل آن که ۸ سال رئیس‌جمهور بوده‌اند و در این ۴ سال نیز دیدگاه‌های خود را در خصوص مسائل مختلف از جمله گفتمان و برنامه اصلاحات بیان کرده‌اند مردم به خوبی با اندیشه‌های او آشنا هستند و استقبال گسترده مردم استان فارس از خاتمی را در واقع می‌توان استقبال از گفتمان خاتمی و در راستای منافع ملی ارزیابی کرد.

توسلی خاطرنشان کرد: نهضت آزادی ایران نیز ضمن احترام به دیگر کاندیداها از گفتمان

^۱گفت‌وگوی مهندس محمد توسلی با خبرنگار ایلنا - ۱۳۸۸/۱/۱۶

خاتمی استقبال کرد و اما مهندس موسوی به دلیل اینکه مواضع خود را هنوز به طور شفاف بیان نکرده و برنامه‌های خود را اعلام ننموده است نمی‌توان اظهارنظر مشخصی در ارتباط با ایشان داشت.

وی تاکید کرد: مهندس موسوی باید تعریف خود را از اصلاح‌طلبی تبیین کند و برنامه خود را برای خروج از بحران‌های جاری کشور ارایه کند. توسلی در پایان در خصوص موضع نهضت آزادی ایران در خصوص انتخابات آینده نیز گفت: نهضت آزادی ایران پس از بررسی برنامه نامزدهای مطرح موضع خود را اعلام خواهد کرد.

منتظر اعلام برنامه‌های موسوی هستیم^۱

یکشنبه شانزدهم فروردین‌ماه ۱۳۸۸ پس از دو هفته تعطیلات رسمی، فعالیت‌های تقریباً متوقف شده‌ی انتخاباتی از سر گرفته شد و انعکاس آن چندین خبر نسبتاً مهم، البته بازهم در طیف اصلاح‌طلبان بود. در حالی که در اردوی اصول‌گرایان هیچ حرکتی جز تکرار کلیات همیشگی مشهود نیست. حتا در میان مخالفان و موافقان آقای احمدی نژاد.

اما اعلام نظر مثبت «جبهه‌ی مشارکت ایران اسلامی» نسبت به آقای موسوی، با توجه به اهمیت جبهه‌ی مشارکت در طیف اصلاح‌طلبان، به نظر می‌رسد که کاندیدای نهایی اصلاح‌طلبان را اعلام کرده و حامیان آقای کروبی را در اقلیت قرار داده باشد.

به این ترتیب، ملاقات «ستاد ۸۸- جوانان حامی خاتمی» با آقای مهندس موسوی، می‌تواند صحنه‌ای بر این گمان باشد. هرچند آقای شهاب‌الدین طباطبایی، رییس ستاد ۸۸ اعلام کرده است که این ستاد تصمیم نهایی را بعد از ملاقات با آقای کروبی در پنجشنبه‌ی آینده، اعلام خواهد کرد.

علاوه بر آن، «نهضت آزادی ایران» که پیش از این، حمایت ضمنی خود را از آقای خاتمی عنوان کرده بود، در گفت و گوی آقای محمد توسلی، دبیر سیاسی این تشکیلات با رادیو زمانه، تمایل ضمنی خود را نسبت به آقای موسوی، اعلام می‌کند.

آقای میرحسین موسوی، بعد از ظهر شنبه در تهران مصاحبه‌ی مطبوعاتی داشته و به پرسش‌های خبرنگاران داخلی و خارجی پاسخ داد. در این برنامه، با آقای شهاب‌الدین طباطبایی، رییس ستاد جوانان حامی خاتمی و هم‌چنین با آقای محمد توسلی، دبیر سیاسی نهضت آزادی ایران، در همین باره گفت و گو کرده ام.

با آقای شهاب‌الدین طباطبایی گفت و گو می‌کنم:

بعد از انصراف آقای خاتمی که هنوز هم می‌توان گفت، غیرقابل انتظار بود و نامه‌ای که ایشان بعد از انصراف نوشت و در آن تأکید داشت که دو کاندیدای باقی‌مانده (آقایان موسوی و کروبی) اجماع کنند و کاندیدای واحد اصلاح‌طلبان داشته باشیم، تصمیم دوستان‌مان در ستاد این شد که روی دو گزینه، حمایت از آقای کروبی یا آقای موسوی، بررسی کنیم یا این که اگر تا آن لحظه به اجماع رسیده باشند، از کاندیدای اجماعی حمایت کنیم.

آیا مطمئن هستید که کاندیدای دیگری نخواهد آمد؟ و چرا از میان دو کاندیدای اصلاح‌طلب،

آقای موسوی را انتخاب کردید؟

^۱گفتگوی خبرنگار رادیو زمانه (مریم محمدی) با شهاب‌الدین طباطبایی رییس ستاد انتخابات ۸۸ و محمد توسلی رییس دفتر سیاسی نهضت آزادی ایران - ۱۳۸۸/۱/۱۷

البته، این هفته قبل از جلسه‌ای که برای جمع‌بندی داریم، با آقای کروی ملاقات خواهیم داشت. جمعه‌ی این هفته جلسه‌ی جمع‌بندی ما است و قبل از آن ملاقات با آقای کروی در برنامه‌ی ما است که قبلاً هم اعلام کرده‌ایم. این‌طور نیست که فقط با آقای مهندس موسوی دیدار کرده باشیم.

از این جهت که به دیدگاه‌های آقای موسوی کم‌تر آشنایی داشتیم و کم‌تر از ایشان شنیده بودیم، لازم بود جلسه‌ای مفصل با ایشان داشته باشیم. آقای کروی در طول این سال‌ها، صحبت‌هایی کرده و مواضع ایشان مشخص بوده. اما نیاز بود با دیدگاه‌های آقای موسوی بیشتر آشنا شویم و همراه با شورای سیاست‌گذاری، جلسه‌ی خوب سه ساعته‌ای با ایشان داشتیم.

چه سوالاتی بیشتر دغدغه‌ی شما بودند و طرح شدند؟

در حوزه‌های مختلفی، از سیاست داخلی، نظارت استصوابی یا حوزه‌های اجتماعی مانند طرح امنیت اجتماعی، موضوعاتی که در طول این مدت اتفاق افتاده، یا سوالاتی راجع به بحث سرمایه‌گذاری خصوصی، خارجی، بخش خصوصی، سوالات و ابهاماتی که ما به عنوان نسلی که با دیدگاه‌های آقای مهندس موسوی خیلی آشنایی نداریم در مورد مواضع و عملکرد ایشان داشتیم. ایشان بیست سال سکوت کرده بود و لازم بود این سوالات پرسیده شود.

آیا توقع شما در پاسخ‌هایی که گرفتید، برآورده شد؟ آیا فکر می‌کنید پاسخ‌های آقای موسوی در همان راستایی بود که از طرف آقای خاتمی می‌توانست عنوان شود؟

به نظرم، ایشان بسیار صریح و شفاف پاسخ داد و بخش عمده‌ای از ابهاماتی که وجود داشت، برطرف شد. همین صراحت و شفافیتی که ما سوالاتمان را طرح کردیم و ایشان پاسخ دادند، برای ما بسیار مثبت بود.

ارزیابی جمع ما پنج‌شنبه و جمعه، بعد از دیدار با آقای کروی انجام می‌شود و تصمیم نهایی‌مان را هم آن موقع اعلام می‌کنیم. اما، به نظر من، مواضع آقای میرحسین موسوی، امیدوارکننده بود.

دغدغه‌ی دیگر جوانان مسایل دمکراتیک و آزادی‌های فردی و اجتماعی است. در این مورد

هم آیا دیدگاه‌های مهندس موسوی برای شما قانع‌کننده بود؟

دیدگاه ایشان، تأکید بر حقوق و کرامت انسانی و آزادی‌ها بود. مثال‌هایی هم از دوران نخست‌وزیری خودشان آوردند. بیرون از جلسه، با دوستان صحبت می‌کردم، احساس کردم در

این حوزه، برای کسی خیلی سوالی باقی نمانده است.

آیا در رابطه با حقوق و مسایل زنان هم مسایلی طرح شد؟

بله، یکی از بخش‌های مهم صحبت‌ها، راجع به حقوق زنان، تبعیض جنسیتی، سهمیه‌ی جنسیتی دانشگاه‌ها بود، مسایل مربوط به جوانان، اقوام، اقلیت‌ها هم طرح شدند. به نظر در آن زمینه‌ها هم پاسخ‌های آقای موسوی قانع کننده بود.

با وجود نزدیکی تشکیلاتی شما با جبهه‌ی مشارکت ایران اسلامی و با توجه به این که آن‌ها نظر مثبت خود را نسبت به آقای موسوی اعلام کرده‌اند، می‌تواند ملاقات روز پنج‌شنبه‌ی شما با آقای کروبی حاوی اهمیت خاصی نباشد و شما تصمیم خود را گرفته باشید؟
هنوز هیچ تصمیمی نگرفته‌ایم. تصمیم ستاد ۸۸، به عنوان ستادی که شش ماه برای انتخابات، برای شخص آقای خاتمی، فعالیت کرده، این است که نظر جمع را یعنی مجموعه‌ی ستادهای ۸۸ در تمام کشور را ملاک قرار دهد.

برای آن هم سیستمی طراحی کرده‌ایم. داریم از استان‌ها رأی‌گیری می‌کنیم. نتیجه‌ی آن آرا روز پنج‌شنبه، یکی از عوامل تعیین کننده‌ی تصمیم نهایی مان است. ولی لازم بود دیدگاه‌های این دو بزرگوار را هم به طور خاص و مشخص در مورد موضوعات مشخص داشته باشیم.
با آقای مهندس محمد توسلی، دبیر سیاسی نهضت آزادی ایران گفت و گو می‌کنم. آقای توسلی اظهار داشتند که دلایل انصراف آقای خاتمی هنوز در ابهام است. از ایشان می‌پرسم: آیا این ابهام می‌تواند در تصمیم‌گیری شما برای انتخابات ریاست جمهوری موثر باشد؟
طبیعی است که این ابهامات تأثیری در تصمیم ما در انتخابات نداشته باشد. ولی در هر حال ما این مطلب را به عنوان ابهامی که در ارتباط با انصراف آقای خاتمی به نظر می‌رسد، به منظور آگاهی مطرح می‌کنیم تا مورد توجه قرار بگیرد.

آیا اگر این ابهامات از این قبیل باشد که آقای خاتمی ناخواسته، تحت فشار حضور آقای موسوی، کناره‌گیری کرده باشد، آن موقع جهت‌گیری شما نسبت به آقای موسوی تغییری نخواهد کرد؟

در این زمینه، اطلاعی نداریم که ایشان مسبب چنین فشارهایی بوده باشد. ما باید برنامه‌های آقای مهندس موسوی و سایر نامزدها را بررسی کنیم، در راستای منافع ملی در این مقطع و با توجه به شرایط کنونی تصمیم‌گیری کنیم.

به طور کلی، اغلب نهضت آزادی را در جبهه‌ی اصلاحات ارزیابی می‌کنند. با توجه به این‌که جبهه‌ی مشارکت سمت‌گیری خود را به آقای موسوی اعلام کرد، به نظر می‌آید، اصلاح‌طلبان تمایل خود را به سوی آقای موسوی نشان داده‌اند. آیا اگر مجموعه‌ی اصلاح‌طلبان به سمت آقای موسوی بروند، نهضت آزادی هم همین سمت را پیش خواهد گرفت؟ این نظر شما کاملاً درست است که نهضت آزادی ایران همواره از گفتمان اصلاح‌طلبی، از همان سال‌های اول بعد از انقلاب، تبعیت می‌کرده و همواره هم با همین نگاه در انتخابات حضور داشته یا در مواقعی که لازم بوده، شرکت کرده است. اما هیچ‌وقت تابع بقیه نبوده، خودش مستقلاً شرایط را ارزیابی کرده و آن‌چه را درست تشخیص داده، عمل کرده است.

اگر نظر شخصی شما را در مورد تفاوت‌های آقای موسوی و کروبی پرسیم، چه خواهید گفت؟

ما برای همه‌ی نامزدها احترام قایل هستیم. طبیعتاً آقای کروبی و آقای مهندس موسوی، هر کدام، ویژگی‌های خاص خود را دارند. باید ابتدا، برنامه‌های این نامزدها را بررسی کنیم و بعد بتوانیم اظهار نظر کنیم.

به نظر می‌آید که آقای کروبی برنامه‌های‌شان را حداقل، در دور قبل اعلام کردند. ما با برنامه‌ای که آقای کروبی در دوره‌ی قبل اعلام کرد، موافق نبودیم. به همین دلیل از آقای دکتر معین که گفتمان ایشان با گفتمان اصلاح‌طلبی نزدیک‌تر بود، همکاری داشتیم. منتظر هستیم که آقای مهندس موسوی برنامه‌های خود را اعلام کند تا ببینیم اگر هماهنگ و نزدیک با برنامه‌های نهضت آزادی ایران باشد، در مورد آن اظهار نظر خواهیم کرد.

انصراف آقای خاتمی مدیریت شده است^۱

رئیس دفتر سیاسی نهضت آزادی ایران گفت: تاکنون موضع خاصی درباره انتخابات ریاست جمهوری اتخاذ نکرده و در حال بررسی برنامه داوطلبان این انتخابات هستیم.

محمد توسلی در گفتگو با خبرنگار ما با بیان اینکه تاکنون دیداری با آقای میرحسین موسوی در این زمینه نداشته ایم، موضع گیری نهضت آزادی درباره انتخابات آینده را به پس از انتشار برنامه های داوطلبان ریاست جمهوری موکول کرد.

وی در اظهار نظری شخصی درباره عملکرد اصلاح طلبان برای انتخابات ریاست جمهوری اضافه کرد: به نظر می رسد انتخابات ریاست جمهوری با توجه به انصراف غیر منتظره آقای خاتمی به رغم مخالفت حامیان وی و پس از استقبال خوبی که از ایشان در سفر اخیرش به جنوب کشور شد، مدیریت شده باشد.

^۱گفتگوی محمد توسلی با خبرنگار واحد مرکزی خبر - ۱۳۸۸/۱/۲۰

مقایسه خلق و خوی مردم، قبل و بعد از انقلاب^۱

همان‌طور که قبلاً اعلام شده است صحبت بنده در مورد مقایسه رفتار و خلق و خوی مردم در دوران قبل و پس از انقلاب با تأکید بر تجربه‌ی مدیریت شهر تهران در دو سال اول انقلاب است. من فکر می‌کنم با بحثی که آقای دکتر فراستخواه در دو جلسه اخیر در ارتباط با نظریه‌ی م‌ها داشتند و توضیحاتی که اخیراً دادند، گزارش من از مشاهدات و تجربه‌های مدیریتی شهر تهران و نیز تحلیل رفتار اجتماعی مردمان در این دوره، در واقع یک نوع ارزیابی نظریه‌ی م‌ها در خصوص رفتار مردم است که ما در آن دوران شاهد آن بودیم.

این گزارش را با استفاده از برداشت و نظریه‌ی مرحوم مهندس بازرگان در کتاب «انقلاب ایران در دو حرکت» آغاز می‌کنم. همه‌ی شما این کتاب را خوانده‌اید و با این نظریه آشنا هستید؛ این که چگونه آن فرهنگ همکاری، هم‌سویی، هم‌دلی و هم‌گامی که به تدریج تا پیروزی انقلاب به وجود آمد و «همه با هم» بودیم و چگونه پس از پیروزی با تغییر برخی از رفتارها و گفتمان، این وضع و رفتار تبدیل به «همه با من» شد، و این تحول چه پیامدهایی در رفتار شهروندان در جامعه‌ی ایران پدید آورد.

می‌دانیم که انقلاب سال ۵۷ پدیده‌ای نبود که دفعتاً به وجود بیاید؛ این تحولات ریشه در تاریخ ما داشت. من نمی‌خواهم از انقلاب مشروطه شروع کنم؛ قطعاً انقلاب ۵۷ ریشه در آن دوران و تحول داشت؛ اما لااقل تجربه‌ی سال‌های ۳۰ تا ۳۲ و حوادثی که در کشور ما اتفاق افتاد و گفتمانی که در فضای سیاسی- اجتماعی ایران حاکم شد یک تحول درونی در ارزش‌های جامعه ما پدید آورد؛ نگاه جدیدی در این دوره به وجود آمد. اندیشه‌ای مطرح شد که مصدق مصداق و تبلور آن بود، و مردم پاسخ نیازهای خودشان را در گفتمان او می‌دیدند. بحث آزادی، کرامت انسان، حق مردم برای حاکمیت بر سرنوشت خویش و استقلال سیاسی و اقتصادی به صورت یک گفتمان عملی- بدون اینکه در مورد آن نظریه‌پردازی زیادی انجام شود- در برنامه‌ها مشهود و برجسته شد. مردم احساس کردند که هویت ملی و دینی دارند. با شرایط پیرامونی و مجموعه‌ای از علل و عوامل، متأسفانه این گفتمان نتوانست تداوم پیدا کند و کودتای ۲۸ مرداد مانع نهادینه شدن و گسترش آن شد. اما آثار آن تحول اجتماعی و انباشت‌های فرهنگی و

^۱ متن تدوین شده سخنرانی محمد توسلی در جلسه ۲۲ هم‌اندیشی بنیاد فرهنگی مهندس مهدی بازرگان - حسینیه ارشاد - ۱۳۸۷/۱۲/۲۴

آموزه‌هایی که در جامعه ما به وجود آمده بود، دست مایه‌ی ملت ما شد. تجربه‌ی نهضت مقاومت ملی و نیز تجربیات سال‌های ۳۹ تا ۴۲ و خود قیام خرداد ۴۲ انباشت تجربه‌های دیگری برای ملت ما بود و به‌طور خلاصه تحلیل و گفتمان جدید به وجود آمد. نسل جوان و متعهد ما به دنبال راهکار جدیدی بود. در همین راستا بود که حرکت‌های مسلحانه در جامعه شکل گرفت. من نمی‌خواهم راجع به درستی یا نادرستی آن تلاش‌ها صحبت کنم، اما نفس این گفتمان، تحول فرهنگی به وجود آورد. در بسیاری از خانواده‌ها، جوان‌ها از خانواده‌های خودشان بریدند و این گفتمان جدید آنان را متاثر کرد. همین جا تأکید کنم کسانی که وارد این عرصه شدند بهترین فرزندان بهترین خانواده‌های جامعه ما بودند، اعم از سازمان مجاهدین خلق یا چریک‌های فدایی خلق یا حتی حزب ملل اسلامی. رهبر حزب ملل اسلامی، آقای بجنوردی بود؛ یک جوان ۱۹- ۲۰ ساله که از عراق آمد و مبارزه مسلحانه علیه رژیم را آغاز کرد. امروز ایشان مدیریت یک نهاد فرهنگی را برعهده دارد. آنها آدم‌های عادی نبودند که وارد این عرصه شدند.

تحولات سیاسی در سال‌های ۴۴ تا ۵۴ خود موجب تحولات کیفی و فرهنگی در جامعه‌ی ما شد. با وجود اینکه این حرکت‌ها در ظاهر سرکوب اما انباشتی فرهنگی در جامعه‌ی ما ایجاد کرد که خود از جمله زمینه‌های تحقق و پیروزی انقلاب سال ۵۷ شد. من در اینجا بایستی به نقش فرهنگ‌سازی دکتر شریعتی بین سال‌های ۴۷ تا ۵۲ نیز اشاره کنم. در همین حسینیه ارشاد، کلاس‌هایی شکل گرفت که بیش از ۵ هزار دانشجو در آن ثبت نام می‌کردند و آموزش می‌گرفتند. مجموعه‌ی این رویدادها و شرایط که در ۲۵ سال (حد فاصل کودتا تا انقلاب) در جامعه‌ی ما رخ می‌داد زمینه‌ساز یک تحول فرهنگی بود. اگر ما بخواهیم رفتار امروز مردم را دنبال و تحلیل بکنیم نمی‌توانیم این پیشینه‌ی تاریخی و سرمایه‌ی اجتماعی را- که در جامعه‌ی ما به وجود آمد- نادیده بگیریم.

هم‌چنین تحولی که در روحانیت به وجود آمد قابل توجه است. در سال ۴۱ اولین بیانیه‌ای که مراجع قم می‌دهند مخالفت با شرکت زنان در انتخابات و بحث اصلاحات ارضی است. اما آن گفتمان به یک گفتمان ضد استبدادی تبدیل می‌شود و ادامه پیدا می‌کند، و روحانیت نقش مؤثری در تحولات اجتماعی ما به عهده می‌گیرد.

مقدمه‌ی بحث را جمع‌بندی کنم؛ اگر در سال‌های قبل از انقلاب روحیه‌ی همفکری، همگامی، همدلی و حالت ایثار و فداکاری در ملت ما به وجود آمد، این دقیقاً به خاطر پیشینه‌ای است که

لااقل از جنبش مشروطه و به خصوص از دهه‌ی ۳۰ در ایران وجود داشت. در چه مقاطع تاریخی زمینه‌های این انسجام و وفاق و همکاری‌های اجتماعی شکل می‌گیرد؟ موقعی که انسان‌ها ببینند به نیازهای واقعی آنها پاسخ داده می‌شود. خداوند انسان‌ها را آزاد خلق کرده است و آنها اختیار دارند نیازمند کرامت هستند و حقوق بشر برای آنها مطرح است. آنها می‌خواهند بر سرنوشت خودشان تأثیرگذار باشند، نمی‌خواهند وابسته باشند. هر گفتمانی که بتواند به این نیاز طبیعی انسان‌ها پاسخ دهد خود به خود زمینه‌ی این همگامی و همکاری و وفاق را فراهم می‌کند. اگر بعد از ۴۲ سال از درگذشت دکتر مصدق، نسل جوان ما - که به لحاظ تاریخی ارتباطی با ایشان نداشته است - همان گفتمان را گرامی می‌دارد، به‌خاطر این است که می‌بیند آن گفتمان و آن راه، پاسخگوی نیازی است که امروز او هم احساس می‌کند. مردم در اجتماعات و تظاهرات سال ۵۷ چه شعاری می‌دادند؟ آیا شعارهای مردم، چیزی جز مطالبات آنها بود؟ چه عکس‌هایی در راه‌پیمایی‌ها بیشتر حمل می‌شد؟ عکس کسانی که همین ارزش‌ها را به آنها یاد داده بودند و منادی آنها بودند.

همه به یاد داریم که رهبر فقید انقلاب چگونه هویت جمهوری اسلامی ایران را در پاریس معرفی می‌کردند؛ تبیینی که به نوعی هویت ملی و هویت اسلامی انقلاب را فراگیر و جهانی کرد. آیا جز این بود که آقای خمینی هم بر همین گفتمان و نیازهای واقعی مردم تأکید کردند و براساس همین پیمان و گفتمان بود که مردم ایشان را به رهبری انقلاب انتخاب کردند و در ۱۲ فروردین سال ۵۸ به جمهوری اسلامی رأی دادند؟ این فقط مربوط به نخبگان و روشنفکران نبود، بلکه کل جامعه ما براساس این پیمان و گفتمان و مطالبات، رهبری ایشان را مورد تأیید قرار دادند. حتی احزابی که این گفتمان را قبول نداشتند (مثل حزب توده) آنها هم در شرایط انقلاب همین گفتمان را پذیرفتند. یادمان هست که آقای به‌آذین (اعتمادزاده) که در واقع نماد حزب توده در داخل کشور بود، همان گفتمان را مطرح می‌کرد و پیشنهاد جبهه‌ی ضداستبداد را عنوان کرد؛ همان پیشنهاد و نظری که آقای خمینی و برخی از مراجع داشتند و حرکت ضداستبدادی را شروع کردند. حتی آنها هم همین گفتمان را پذیرفتند؛ چرا که گفتمان فراگیر جامعه‌ی ما بود. در همین جا باید به نقش «جمعیت ایرانی دفاع از آزادی و حقوق بشر» در آن شرایط و تأثیری که در تسهیل روند انقلاب و کاهش هزینه‌های آن داشت اشاره کنم؛ آنها هم همین گفتمان را مطرح کردند و تأثیرگذار بودند. پس از این مقدمه‌ی بسیار اجمالی و فشرده، حالا مشاهدات خود را از نوع

رفتاری که مردم در دوران انقلاب داشتند، به طور خلاصه بیان می‌کنم. همه‌ی ما به یاد داریم که اولین واکنش را به این گفتمان، طبقات متوسط جامعه ما داشتند. نخبگان و قشرهای مرفه جامعه که آگاهی بیشتری داشتند این گفتمان را زودتر پذیرا شدند؛ توده‌های محروم جامعه آخرین اقشاری بودند که به انقلاب پیوستند، آنها بیشتر به دنبال بهره‌برداری از گفتمان انقلاب بودند. رخدادهایی مثل مراسم چهل‌م‌های زنجیره‌ای (چهل‌م قم، تبریز، یزد) همسویی مردم را در نقاط مختلف کشور- نسبت به هر حادثه‌ای که در کشور اتفاق می‌افتاد- نشان می‌داد و موجب گسترش انقلاب می‌شد. ما در آن موقع سازمانی یک‌پارچه و گسترده نداشتیم. یکی از ویژگی‌های انقلاب این بود که هسته‌های مبارز در این دوران کاملاً متکثر و در کل جامعه پراکنده بود و به همین علت هم قابل سرکوب نبود؛ اما خود مردم با همان گفتمانی که در عرصه یاجدان عمومی وجود داشت انسجام و هماهنگی خویش را با رهبری انقلاب به تدریج افزایش می‌دادند.

در اینجا باید از حادثه ۱۷ شهریور و سرکوبی که در میدان شهدا (ژاله) انجام شد یاد کنم؛ من خود در آنجا حضور داشتم و در اطراف میدان شهدا شاهد بودم که وقتی زخمی‌ها را از محل حادثه دور می‌کردند در همه‌ی منازل- بدون استثناء- باز بود. به افرادی که فرار می‌کردند کمک می‌نمودند و زخمی‌ها را مأوا می‌دادند. هر چه را داشتند (پنبه، ملافه و وسایل درمان) در اختیار زخمی‌ها می‌گذاشتند. یک نوع همدلی و وحدت یک‌پارچه در آن منطقه (خیابان ایران و کوچه عباس‌آباد و میدان شهدا) شکل گرفته بود. از این پدیده نمی‌شود همین طور ساده گذشت. راهپیمایی‌های تاسوعا و عاشورا از دیگر جلوه‌های مشارکت گسترده و همدلی مردم بود که با پیگیری و ابتکار جمعیت دفاع از آزادی و حقوق بشر برگزار شد. هرچند ستاد برگزاری راهپیمایی وجود داشت که این راهپیمایی‌ها را تدارک می‌دید و هماهنگ می‌کرد، اما خود مردم به‌طور طبیعی و خودجوش، هماهنگی و سازمان یافتگی چنین راهپیمایی‌هایی را به عهده داشتند. این وضع در مورد ستاد استقبال از امام نیز وجود داشت. این ستاد توانست به صورت خیلی طبیعی بسیاری از افراد را در سازمان ستاد استقبال، سامان دهد. بسیاری از افرادی که آن موقع در لایه‌های مثلاً دوم سوم و چهارم مشارکت داشتند، فکر می‌کردند جزء کمیته مرکزی استقبال از امام هستند؛ یعنی تا این حد، مدیریت مشارکتی اعمال شد و همه خودشان را به نوعی در این رویداد شریک می‌دانستند.

نمونه‌ی دیگر، رفتار طبیعی مردم در روز رفتن شاه (۲۶ دی ماه) است؛ در این روز، بدون اینکه از قبل اعلام شود و بدون اینکه سازمان‌دهی صورت گیرد، مردم چگونه رفتار کردند و چگونه در سراسر کشور واکنش هماهنگ نشان دادند؟ از این پدیده نمی‌شود گذشت، و باید آن را به‌عنوان یک پدیده اجتماعی مورد بررسی قرار داد.

اما چون وقت محدود است در اینجا می‌خواهم تجربه‌ی مستقیم خود را در دوران مدیریت دو سال اول انقلاب بیان کنم. همه یادتان هست که شهرداری در آن سال‌ها یک سازمان خوشنام نبود؛ خود همکاران ما در شهرداری تهران می‌گفتند، وقتی ما برای خواستگاری می‌رفتیم عموماً با واکنش منفی خانواده‌ها روبرو می‌شدیم! یعنی آنها تا این حد به لحاظ اجتماعی خوشنام نبودند. با تصور و احساسی که از انقلاب داریم طبیعی به نظر می‌رسد که مثل این دوران - که مدیران اتوبوسی عوض می‌شوند - باید تعداد زیادی مدیر را یک‌باره وارد شهرداری می‌کردیم. درحالی‌که در طول دو سال فکر می‌کنم که حدود ۱۰ یا ۱۱ نفر از افراد خارج از کارکنان شهرداری تهران در حوزه‌ی معاونان و برخی مدیران وارد شهرداری شدند. ما کوشش کردیم با سازوکاری از خود کارکنان شهرداری استفاده کنیم. استعدادهای موجود در آنجا را شناسایی کردیم و به‌همان‌ها مسئولیت دادیم و از اعتمادی که در روند انقلاب به‌وجود آمده بود، سود جستیم. این تجربه‌ی بسیار موفقی بود. با وجود برخی کارشکنی‌ها و تلاش بعضی افراد که مخالف حضور بنده در شهرداری تهران بودند و از بیرون سمپاشی می‌کردند، چون هیچ امکانی جز گفت‌وگو نداشتیم، با برگزاری جلسات گفت‌وگو، کوشش کردیم بر این سمپاشی‌ها فائق آییم. با گفت‌وگو توانستیم مجموعه‌ی استعدادها را جذب کنیم و به کاربگیریم و فضا را تلطیف کنیم.

در برنامه‌ی اولین افطار شهرداری تهران که در سالن ۱۲ هزار نفری استادیوم برگزار شد یکی از رخدادهای خیلی زیبای شهر تهران شکل گرفت. در این برنامه نمایندگان همه‌ی اقشار شهر تهران شرکت داشتند؛ هم هیأت دولت در آنجا حضور داشتند، هم نمایندگان انجمن‌های محلی بیست‌گانه‌ی شهر تهران، هم نمایندگان کارگران و... و خلاصه نمایندگان تمام اقشار جامعه در آن مراسم حضور داشتند. مرحوم طالقانی نیز در آن برنامه سخنرانی کردند؛ تمجیدی که ایشان از تلاش‌ها و خدمات کارکنان شهرداری کردند، موجب تحول قابل توجهی در روحیه‌ی آنها شد. این فضا در بسیاری از کارکنان شهرداری تأثیرگذار شده بود؛ آنها می‌گفتند که نگاه مردم شهر تهران نسبت به کارکنان شهرداری متحول شده و تغییر کرده است.

شاخص دیگری که به لحاظ رفتار مردم می‌توانم در اینجا گزارش کنم، بحث نیروهای داوطلب گسترده‌ای بود که در جامعه آماده‌ی همکاری بودند و به مدیران اعتماد داشتند. بخشی از آنان، دانشجویان خارج از کشور بودند که درس و زندگی‌شان را رها کرده بودند و به ایران آمده بودند، و ما از این نیروها در بخش‌های مختلف - به‌صورت داوطلبانه - استفاده می‌کردیم. مطلب قابل اشاره‌ی دیگر، بحث قانون شوراها و زمینه‌سازی برای تشکیل شورای شهر بود؛ ما خودمان را موقت می‌دانستیم؛ فکر می‌کردیم که باید مردم شورای شهر را انتخاب کنند، و شورای شهر، شهردار تهران را انتخاب نماید. ما نیروهای داوطلبی را که در شهر تهران وجود داشتند در محلات (۳۷۵ محله در تهران شناسایی شده بود) سازماندهی کردیم، و انجمن‌های محلی به‌صورت داوطلبانه کار می‌کردند؛ اینها نقش بسیار مؤثری در کمک به مدیریت شهر تهران داشتند؛ همان برنامه‌ای که پس از قریب ۲۵ سال با عنوان شورایاری بر اساس ضرورت در سال‌های اخیر تشکیل شده است.

یکی از کارهایی که به‌صورت داوطلبانه صورت گرفت، تشکیل شورای گودنشین‌های جنوب شهر تهران بود که جمعی از همین نیروهای داوطلب در آنجا مستقر شدند، و ما اولین انتخابات شوراهای گودنشینان جنوب شهر تهران را زیر نظر وزارت کشور انجام دادیم. گودنشین‌های جنوب تهران در واقع پایین‌ترین لایه‌های اجتماعی هستند؛ اما تجربه نشان داد که حتی در پایین‌ترین لایه‌های اجتماعی نیز می‌توان بزرگ‌ترین کارهای اجتماعی را انجام داد. یعنی ما با کمک خود آنها و با حداقل هزینه توانستیم گودنشین‌ها را از گودها خارج کنیم و در نقاط دیگر اسکان دهیم. آن گودها امروز به بوستان‌هایی در جنوب تهران تبدیل شده است. من باید از آقای مهندس سعید حجازی که مدتی در جنوب تهران مدیر سازمان بهسازی جنوب تهران بودند و خدمات گسترده‌ای انجام دادند، یاد و تقدیر کنم.

اولین تجربه‌ای که ما با رفتار تحسین برانگیز مردم روبرو شدیم در همان اسفند سال ۵۷ در آخرین جمعه‌ی سال رخ داد: طرح پاکسازی شهر تهران. ما از سنت قدیمی ایرانی خانه‌تکانی آخر سال استفاده کردیم؛ همه یادتان است که تهران به شهری جنگ‌زده تبدیل شده بود. در دیوارهای شهر پر از شعار بود و معابر شهر نیز نیاز به پاک‌سازی داشت. شهرداری با نیروی انسانی محدودش قادر به انجام این کار نبود. وقتی ما فکر پاک‌سازی را مطرح کردیم با یکی دو تا مصاحبه و اکنش وسیع و گسترده‌ای در شهر تهران به‌وجود آمد. در آن روز، همه‌ی مردم جلوی

خانه، کوچه و خیابان‌شان را به‌صورت گسترده‌ای پاک‌سازی کردند؛ حتی مدیران انقلاب از جمله مرحوم آیت‌الله طالقانی هم جارو دست گرفتند و در پاک‌سازی مشارکت کردند. وقتی اعتماد عمومی وجود دارد و آحاد جامعه‌ای، حکومت و مدیران را از خودشان می‌دانند، با تمام وجود همراه می‌شوند و چنین صحنه‌هایی را می‌آفرینند که باورش لااقل در شرایط کنونی شاید خیلی مشکل است.

من مثال دیگری را از رفتار مردم در آن مقطع، بیان می‌کنم. یکی از طرح‌های ما، حل مشکل ترافیک تهران بود. از جمله طرح‌های کوتاه‌مدت، بحث حل مشکلات هسته‌ی مرکزی شهر تهران و به‌ویژه مسأله‌ی ترافیک بود. برای اینکه این مشکلات حل شود از همان اسفند ۵۷ گروه کارشناسی کار کردند و در شهریور سال ۵۷ اولین مرحله‌ی این طرح اجرا شد. ما می‌خواستیم ۵۰ خیابان مرکزی شهر را یک طرفه کنیم و خطوط ویژه ایجاد نماییم. پیامد ایجاد خطوط ویژه این است که در سمتی از خیابان که خطوط ویژه واقع شده، دیگر نباید پارک صورت گیرد، و این، مزاحم کسب و کار و کاربری‌های تجاری است که در آن سمت قرار دارد. کارشناسان ما در سازمان حمل و نقل ترافیک می‌گفتند امکان ندارد بتوانیم این طرح را اجرا کنیم. آنها مثال می‌زدند و می‌گفتند قبل از انقلاب دو خیابان تخت طاووس و عباس‌آباد (مطهری و بهشتی) را می‌خواستند فقط یک طرفه کنند؛ دو ماه کار اطلاع‌رسانی و آموزشی انجام دادند تا این پروژه محقق شود. لذا تأکید می‌کردند که امکان ندارد این کار انجام شود. ولی من به آنها اطمینان دادم که شرایط انقلاب و اعتمادی که مردم به مدیران انقلاب دارند سرمایه‌ای است که ما با این سرمایه می‌توانیم طرح‌هایی را که به‌لحاظ کارشناسی در شرایط عادی امکان‌پذیر نیست اجرا کنیم. خطوط ویژه در سه شبانه روز، عملیاتی و اجرا گردید و طرح با موفقیت و استقبال مردم آغاز شد. حتی یک مورد تخلف و اعتراض مردم گزارش نشد.

آن حد از اعتماد و انسجام و پیوستگی مردم با مدیران شهر، قابل تکرار نیست. در شرایط کنونی به‌نظر نمی‌رسد که بتوان چنین طرح‌هایی را بدون واکنش مردم - که در واقع با منافع‌شان در چالش است - محقق کرد. تأکید می‌کنم که آن حد از ایثار و فداکاری و هماهنگی با مدیران شهر و دولت تکرار ناشدنی به‌نظر می‌رسد و مثال‌زدنی است.

اجازه دهید نمونه‌ای دیگر را ذکر کنم. وقتی ما از همان اسفند ۵۷ مشغول به کار شدیم، ده‌ها طرح (طرح‌های نسبتاً کارشناسی شده) را افراد مختلف برای ما فرستادند؛ من اینها را جم‌کردم و

همه در اختیار کمیته فنی سازمان حمل و نقل و ترافیک تهران قرار گرفت. محتوای این طرح‌ها مهم نیست؛ مهم مشارکت مردم در طرحی بود که مورد توجه همه قرار گرفته بود. همه‌ی شما خاطرتان است که رفتار ترافیکی مردم در دوران پس از پیروزی انقلاب چگونه بود. در شرایطی که نیروهای انتظامی و راهنمایی و رانندگی تضعیف شده بودند، خود مردم مسئولیت‌ها را در خیابان‌های تهران و تقاطع‌های شهر تصدی می‌کردند و اگر گره‌ی به‌وجود می‌آمد خودشان راهنمایی می‌کردند. مردم یک‌پارچه خودشان را متولی مدیریت شهر می‌دانستند و کاملاً با مسئولان هماهنگی داشتند. رفتار مردم را موقعی که تصادف می‌کردند به یاد بیاورید؛ چگونه به همدیگر لبخند می‌زدند و چگونه گذشت می‌کردند و عبور می‌کردند. امروز رفتار مردم در هنگام تصادف چگونه است؟ البته متأسفانه آن رفتارها در فرهنگ و اخلاقیات مردم نهادینه و مستقر نشد، چون اگر نهادینه شده بود به این سادگی متحول نمی‌شد...

اعتماد مردم به اهداف و مدیران انقلاب، یک سرمایه اجتماعی بود، و این سرمایه اجتماعی می‌توانست در ابعاد مختلف تأثیرگذار باشد. متأسفانه آن وضع و آن مشارکت یک‌پارچه و ۹۸ درصدی در ۱۲ فروردین سال ۵۸ که اولین نظرخواهی رسمی از مردم بود به تدریج رو به افول رفت و نقاط افتراق از گفتمان غالب، بیشتر شد. همان‌طور که آقای مهندس بازرگان در کتاب «انقلاب ایران در دو حرکت» آورده‌اند. و در آنجا کار میدانی انجام گرفته و به‌صورت مستند بحث شده است. نخبگان جامعه اولین گروه‌هایی بودند که خشت کج تفرقه را در جامعه گذاشتند. کسانی که شعار تداوم انقلاب را می‌دادند؛ در حقیقت با طرح بحث تداوم انقلاب تأکید می‌کردند. به‌صورت غیرمستقیم. که در آن هدف مشترك (سقوط شاه)، «همه با هم» بودیم؛ این مهم، حاصل شده و حالا هر کسی دنبال هدف شخصی و گروه خودش برود و آن را در جامعه پیاده کند. مخالفت با دولت موقت. که به دولت امام زمان منتسب شده بود و دولت انقلاب بود. اولین گامی محسوب می‌شود که در همین راستا (انشقاق و اختلاف) برداشته شد و زمینه‌های تفرقه را در جامعه ما فراهم کرد. البته توده‌ی مردم از نخبگان تبعیت نکردند، چرا که با وجود تمام بدگویی‌ها و سمپاشی‌هایی که مثلاً با اشغال سفارت آمریکا انجام شد در اولین انتخابات مجلس شورای اسلامی، مرحوم مهندس بازرگان حدود ۷۰ درصد آراء مردم شهر تهران را کسب کردند؛ این رأی بالا نشان می‌داد که زمینه و تعلق خاطر اجتماعی به گفتمان ایشان. با وجود سمپاشی‌ها. کاهش پیدا نکرده است.

من چون فرصت نیست بحث‌ام را مختصر می‌کنم. به قرائت این آیه قرآن اکتفا می‌نمایم که می‌فرماید: «وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا». این «حبل‌الله» در واقع «حبل‌الناس» است؛ همین محورهای انقلاب و مطالبات تاریخی و خواست مردم بود که انقلاب حول اینها شکل گرفت. متأسفانه اینها به تدریج نقض شد؛ قدرت‌طلبی برخی احزاب و گروه‌های سیاسی و روحانیت - که داعیه‌ی حکومت را داشتند - متأسفانه موجب شد که زمینه‌های تفرقه در جامعه‌ی ما فراهم شود. شاید بعد از اختلاف‌هایی که نخبگان جامعه‌ی ما ایجاد کردند و نتوانستند از فضای به‌وجود آمده (فضای آزادی) برای گفت‌وگو و مفاهمه و پیشرفت کشور بهره‌گیرند، زمینه‌های تفرقه و انحراف شکل گرفت. شاید پس از اشغال سفارت آمریکا، اولین خشت کج را تغییر قانون اساسی گذاشت. آن پیش‌نویس قانون اساسی را که نوشته شده و قرار بود به فراندوم گذاشته شود و رهبر فقید انقلاب نیز آن را امضاء کرده بودند، تغییر کرد. برخی از مراجع اشکالات کوچکی راجع به آن داشتند که آن‌ها هم برطرف شد. ولی وقتی مجلس خبرگان قانون اساسی تشکیل شد، آن قانون را کنار گذاشتند و قانون جدیدی را تدوین کردند و اصول جدیدی را به قانون اساسی اضافه نمودند که با آن گفتمانی که رهبر فقید انقلاب در پاریس مطرح کرده بودند، هماهنگ نبود. از اینجا به تدریج زمینه‌های نقض پیمان در جمهوری اسلامی شکل گرفت. طبیعی است این نقض پیمان‌ها به تدریج آثار سوء خودش را بر جامعه و مردم و نیز بر کاهش اعتماد مردم بر جای گذاشت.

اعدام‌های بی‌رویه و خلاف قانونی که بعد از انقلاب انجام شد یکی دیگر از زمینه‌هایی بود که خشونت و بی‌قانونی را در جامعه ایجاد کرد و رواج داد؛ و این‌ها جملگی تفرقه را در جامعه افزایش داد. نکته‌ی قابل اشاره‌ی دیگر بسته شدن فضای سیاسی کشور پس از خرداد ۶۰ است. به نظر بنده، کسانی که آن استراتژی را انتخاب کردند شدیدترین ضربه‌ها را به آرمان‌های مردم و انقلاب زدند و فضای سیاسی جامعه را به سوی انسداد سوق دادند. اگر آن اتفاق رخ نداده بود، جریاناتی که دنبال قدرت بودند هیچ‌گاه قادر نبودند چنین فضای بسته‌ای را در دهه‌ی ۶۰ در جامعه‌ی ما حاکم کنند، و همان روند تکامل در جامعه می‌توانست ادامه پیدا کند.

این روند و وضعیت ادامه داشت تا اینکه در دوم خرداد سال ۷۶ يك نقطه بازگشتی فراهم شد. مردم به این امید که به ارزش‌های دوران انقلاب برگردند و اعتماد به مردم بازسازی شود، فعال شدند؛ شور و هیجانی شبیه اول انقلاب به‌وجود آمد و نقطه‌ی درخشانی بعد از انقلاب

ایجاد شد. ولی این رخداد نیز به دو دلیل نتوانست تداوم پیدا کند؛ یکی کارشکنی محافظه‌کاران که به اصطلاح هر ۹ روز یک بحران آفریدند و نگذاشتند مدیران و مسئولان این دوران به گفتمان خودش و تعهداتی که کرده بودند، عمل کنند. و نکته‌ی بعد، عملکرد ضعیف اصلاح‌طلبان در این دوران است.

البته من باید این را نیز بگویم که با وجود نقض‌هایی که در این دوران وجود داشت، کارهای بزرگی هم انجام شد؛ تحولات اجتماعی بزرگی شکل گرفت که فکر می‌کنم مقایسه‌ی آن با عملکرد چهارساله اخیر بهتر ارزش‌های آن دوره و دستاوردهایش را قابل ارزیابی کند. در هر حال حضور مجدد محافظه‌کاران در قوه مجریه و مقننه اعتماد عمومی را در جامعه‌ی ما کاهش داده و شرایطی را فراهم کرده است که مردم تشنه‌ی تغییر و تحول و بازگشت به گفتمان اول انقلاب هستند. من فقط به این نکته اشاره کنم که این اتفاقی نیست که همه‌ی احزاب و گروه‌های سیاسی که در دوهی قبل (انتخابات ریاست جمهوری نهم) به‌نوعی انتخابات را تحریم می‌کردند و شرکت نمی‌کردند، گفتمان‌شان را عوض کرده‌اند و به مشارکت در انتخابات متمایل شده‌اند. این تغییر رفتار خود یکی از مهم‌هایی است که قابل توجه و ارزیابی است. در واقع فضای جدیدی از رفتار سیاسی توسط شهروندان و گروه‌های سیاسی در حال شکل‌گیری است که این را هم بایستی مورد بررسی قرار دهیم.

خلاصه کنم؛ وضع نابسامان کنونی (به جهت اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی) و رواج ناهنجاری‌ها، آسیب‌های اجتماعی و خلیات نادرست را می‌توان پیامد سیاست «همه با من» و انحراف از گفتمان اول انقلاب یا مطالبات تاریخی مردم دانست. باید بررسی کنیم که چگونه می‌توان برنامه‌ریزی و عمل کرد تا اعتماد مردم را - که سرمایه اجتماعی گرانقدری بود - دوباره به آنها برگرداند و زمینه‌های تغییر رفتار مردم را فراهم کرد. من از اطالهی سخن عذر می‌خواهم؛ ان‌شاءالله اگر ابهام و سئوالی باشد در وقت باقی مانده در خدمتتان هستم. متشکرم.

دغدغه های توسعه انسانی دکتر سحابی^۱

دکتریدالله سحابی نمونه بارز یک سیاستمدار اخلاق پیشه و نهادگرا است. سالها تجربه ایشان در عرصه نهادهای مدنی و سیاسی در قبل و بعد از انقلاب می تواند به عنوان یک الگو و راهکار سیاسی برای نسل جدید فعالان سیاسی و مدنی مد نظر قرار گیرد. کوشش های ایشان برای آزادی و تحقق حقوق اساسی ملت، صبوری توأم با جسارت و البته تربیت نیروی انسانی از جمله این ویژگی هاست که باید مورد بازخوانی واقع شود. مهندس محمد توسلی، رئیس دفتر سیاسی نهضت آزادی ایران که بیش از ۴۰ سال با مرحوم دکتر سحابی از نزدیک آشنایی داشته و در یک جبهه برای تحقق حقوق اساسی ملت تلاش کرده است در باره دغدغه ها و ویژگی های دکتر سحابی با او گفت و گو کرده ایم. این گفت و گو را بخوانید.

حمید مافی

از بارزترین ویژگی های مرحوم دکتر سحابی تاسیس نهادهای مدنی در حوزه فرهنگی است. باتوجه به همراهی شما با ایشان در سالهای طولانی برای آغاز در این خصوص توضیح می دهید؟

آقای دکتر سحابی در جریان سفر سال ۱۳۱۲ خود به ایران با مهندس بازرگان و دکتر قریب که آنان نیز موقتاً عازم تهران بودند آشنا شدند و این سرآغاز یک همکاری تاریخی است که از سال ۱۳۲۰ آغاز می شود و تا آخرین روز حیات مهندس بازرگان در سال ۱۳۷۳ و تا پایان حیات خودشان سال ۱۳۸۱ ادامه داشت. در فاصله شهریور ۱۳۲۰ تا سال ۱۳۴۰ که نهضت آزادی را تاسیس کردند به همراه مرحوم طالقانی و بازرگان فعالیت هایشان در عرصه فرهنگی و اجتماعی متمرکز بود. ایشان در این سالها زیر ساخت های فرهنگی و اجتماعی را پایه گذاری کردند. از جمله خدمات برجسته ایشان در این سالها پایه گذاری نهادهای فرهنگی، اجتماعی و مدنی است. که از این مجموعه می توان به شرکت یاد " یازده استاد دانشگاه " که در اعتراض به قرارداد کنسرسیوم نفت از دانشگاه تهران اخراج شده بودند و همچنین تأسیس دانشسرای تعلیمات دینی و دبیرستان کمال نارمک اشاره کرد. از دل این دو موسسه نیروهای برجسته ای تربیت شدند که در ارتقای کیفیت آموزش دینی و علمی در مدارس نقش موثری داشتند. ایشان به بستر سازی

^۱ گفتگو با محمد توسلی برای ویژه نامه «چشم انداز ایران» - راز ماندگاری دکتر یدالله سحابی - حمید مافی - ۱۳۸۸/۲/۱۹

فرهنگی همواره علاقه وافری داشتند و به دنبال نوآوری و ایجاد نهادهای جدید بودند. نمونه دیگری از این فعالیت ها دبیرستان کوثر تهران است که در سالهای پس از انقلاب تاسیس شده است و از باقیات و صالحات ایشان به شمار می رود. در سالهای آخر عمر آن مرحوم تلاش فراوانی برای تاسیس مدرسه دخترانه نیز داشتند که عمرشان کفاف نداد. همچنین موسسه اخلاق و موقوفه دینمهر نهادهای دیگری است که ایشان برای انجام طرح های فرهنگی خودشان تاسیس کردند. دکتر سحابی تمام اندوخته زندگی خود را در این موقوفه وقف خدمات فرهنگی کردند که امروز به وسیله یک هیات امنای مدیریت می شود.

دیگرویزگی بارز مرحوم سحابی اخلاق مداری ایشان است به گونه ای که در بسیاری از حوزه ها زبانزد هستند.

یکی دیگر از وجوه شخصیت ایشان در مسائل سیاسی رعایت اخلاق است و ایشان به عنوان یک سیاستمدار اخلاقی مورد ارزیابی قرار گرفته اند.

من با نام ایشان در دوران تحصیل در دبیرستان رهنما آشنا شدم که فرزند ایشان نیز در آنجا تحصیل می کرد و مرحوم دکتر عضو انجمن اولیاء و مربیان مدرسه بودند و همانجا نقش موثری در افزایش کیفیت مدرسه داشتند. در سال ۱۳۴۰ که نهضت آزادی تشکیل شد تا آخرین روزهای حیات ایشان همراهی و ارتباط نزدیکی با دکتر داشتیم. حضور و نحوه سلوک او در نهادهای فرهنگی و اجتماعی برای ما یک الگو بود. ایشان در عمل به ما درس اخلاق دموکراتیک و کار جمعی می دادند. ایشان و سایرین، مرحوم بازرگان و مرحوم طالقانی در جلسات از جمله در شورای مرکزی نهضت برای خودشان بیش از یک رأی ساده قائل نبودند و تابع تصمیمات جمعی بودند.

در برخی موارد در جلسات علیرغم این که پیشنهادی مطرح می شد که مخالف بودند، اما وقتی به تصویب اکثریت می رسید به رأی جمع احترام می گذاشتند و برای اجرایی کردن آن مصوبه تلاش می کردند، این خصوصیت را شما در کمتر فردی می توانید سراغ بگیرید که برای اجرایی کردن برنامه هایی که خود موافق نبودند تلاش کنند. اما هیچگاه ما از مهندس بازرگان و دکتر سحابی نشینیدیم و ندیدیم که بگویند چون ما رأی نداده ایم، همراهی و همکاری نمی کنیم. روحیه بالایی در کار جمعی داشتند و برای همه ما الگو بودند.

نمونه دیگری در حیات سیاسی دکتر سحابی، نحوه تعامل ایشان با نهضت آزادی بعد از

درگذشت مهندس بازرگان است در حالی که انتظار می رفت بعد از درگذشت مهندس بازرگان دکتر سحابی دبیرکل نهضت شوند، این اتفاق نیفتاد و اما مرحوم سحابی همچنان در نهضت فعال بودند و از هیچ کوششی فرو گذار نکردند و حتی فعالیت‌هایشان پررنگتر هم شد.

بله! مرحوم دکتر سحابی و مهندس بازرگان ۶۰ سال فعالیت مشترک با یکدیگر داشتند و در این عرصه احترام متقابل فراوانی برای هم قائل بودند. دکتر اگرچه زیاد اهل سخنرانی و اهل قلم نبودند اما همواره برای گفتمان مهندس بازرگان احترام قائل بودند و اندیشه ایشان را مورد تمجید قرار می دادند. یکی از نمونه‌های بازر اخلاق جمعی ایشان همانطور که اشاره کردید بعد از درگذشت مهندس بازرگان در نهضت اتفاق افتاد، در آخرین جلسه شورای مرکزی نهضت که قبل از سفر مهندس انجام شد و ایشان به نوعی آخرین توصیه‌ها یا وصیتشان را بیان کردند، بر این نکته پای فشرده‌اند که به خرد جمعی متکی باشید حتی اگر من هم نباشم کار جمعی را ادامه بدهید. قاعدتاً انتظار این بود که بعد از درگذشت مهندس بازرگان، دکتر سحابی دبیرکل نهضت آزادی باشند با توجه به سابقه و سن و سالشان. اما در اولین جلسه بعد از درگذشت مهندس، دکتر سحابی شخصاً آقای دکتر ابراهیم یزدی را برای دبیرکلی پیشنهاد کردند و خودشان هم به ایشان رای دادند. بعد از آن هم برای اهداف جمعی تلاش کردند. به عنوان یک خاطره در سال ۱۳۸۰ که ما به همراه جمعی از اعضای نهضت آزادی ایران و فعالان ملی - مذهبی بازداشت شدیم، ایشان به رغم کهولت سن فعالانه برخورد کردند و مکاتبات فراوانی را با دستگاه قضایی و مقام رهبری انجام دادند و حتی یک بار به مجلس رفتند که با رییس مجلس آقای کروبی دیدار کردند. آنجا هم چون مهندس عزت‌الله سحابی در جمع بازداشت‌شدگان بودند، برای این که شائبه‌ای پیش نیاید، به‌رغم پیوند عمیق عاطفی که با مهندس سحابی داشتند، اعلام کردند: "من برای عزت نیامده‌ام برای نهضت آمده‌ام". در واقع ایشان روح کار جمعی و تعلق تشکیلاتی خودشان را بر عاطفه پدری اولویت دادند و شخصیت اجتماعی و عامل به اصول خودشان را به منصفه ظهور رساندند.

به علاقه وافر ایشان به فعالیت اجتماعی و کار جمعی در ایشان اشاره کردید. مرحوم سحابی در قبل و بعد از انقلاب در نهادهای مدنی متعددی مشارکت داشتند. یک نمونه در آستانه انقلاب جمعیت ایرانی دفاع از آزادی و حقوق بشر است که ایشان تشکیل دادند. بله در سال ۵۶ و در آستانه انقلاب در شرایطی که هزینه فعالیت اجتماعی و سیاسی بسیار

بالا بود؛ یکی از نهادهایی که نقش چشمگیری در کاهش هزینه برای فعالان و همچنین گسترش زمینه برای فعالیت انقلابیون داشت، جمعیت ایرانی دفاع از آزادی و حقوق بشر بود که دکتر سحابی یکی از پایه گذاران آن است و نام ایشان در کنار نام موسسین جمعیت: از جمله آیت الله سید ابوالفضل موسوی زنجانی، مهندس بازرگان، دکتر اصغر حاج سیدجوادی، مهندس کاظم حسینی، دکتر کریم سنجابی، دکتر احمد صدر حاج سید جوادی، دکتر اسدالله مبشری، مهندس هاشم صباغیان، دکتر محمد ملکی و ... قرار دارد.

یکی از فعالیت‌های این جمعیت که در دفتر دوم جلد نهم اسناد نهضت چاپ شده است دفاع از زندانیانی بود که از طریق نهادهای بین المللی حقوق بشر پیگیر وضعیت زندانیان سیاسی بودند. نامه هایی که به سازمان های حقوق بشر؛ صلیب سرخ و شخص دبیرکل سازمان ملل نوشته می شد معمولاً امضای دکتر سحابی و مهندس بازرگان و در مواردی هم دکتر سنجابی و احمد صدر حاج سید جوادی را داشت.

ایشان پس از انقلاب هم در تاسیس جمعیت دفاع از آزادی و حاکمیت ملت ایران مشارکت داشتند. این نهاد به چه منظوری تشکیل شد؟

در انتخابات ریاست جمهوری سال ۶۴ مهندس بازرگان به درخواست جمعی از نیروهای ملی و اسلامی نامزد شدند. شورای نگهبان صلاحیت مهندس بازرگان را رد کرد و یک برگه تیره در سابقه شورای نگهبان اضافه شد. چرا که مهندس بازرگان با آن سابقه قبل از انقلاب و همچنین مدیریت دوران انقلاب و با توجه به اینکه ایشان نخست وزیر دولت موقت بود که به گفته رهبر فقید انقلاب دولت امام زمان بود نتواند نامزد ریاست جمهوری شود جای سوال داشت. برخی از تحلیلگران بر این باور بودند که شورای نگهبان با رد صلاحیت بازرگان، در واقع صلاحیت خودش را رد کرد. بعد از این ماجرا، جمعی از نیروهای ملی - اسلامی به ویژه از فعالان نهضت آزادی و جبهه ملی جمعیتی را با عنوان دفاع از آزادی و حاکمیت ملت ایران تشکیل دادند. و فعالیت خود را بر محور اصلی مطالبات مردم از انقلاب مشروطه تا انقلاب اسلامی یعنی آزادی و حاکمیت ملت متمرکز کردند. این جمعیت به این منظور تشکیل شد تا از مطالبات مردم دفاع کند. در شکل گیری این جمعیت مهندس بازرگان، علی اردلان و دکتر سحابی نیز مشارکت داشتند. آخرین اقدام این جمعیت در سال ۱۳۶۹ صدور بیانیه معروف به ۹۰ امضایی به عنوان رئیس جمهور وقت بود که در آن شرایط تاثیر زیادی در تحولات اجتماعی داشت. از مجموعه امضا کنندگان

۲۴ نفر بازداشت شدند که ۹ نفرشان در دادگاه انقلاب محکومیت گرفتند و تا ۲ سال در زندان بودند. تداوم همین گفتمان دهه ۶۰ و اوایل دهه ۷۰ و تلاشهایی که صورت گرفت زمینه‌های شکل‌گیری دوم خرداد سال ۷۶ و گفتمان توسعه سیاسی جنبش اصلاحات را فراهم ساخت.

در دوران انتخابات آقای دکتر سحابی و دوستانشان چه برخوردی داشتند؟

بعد از انتخابات مجلس اول که در یک فضای آزاد برگزار شد، دیگر انتخابات‌ها پس از سال ۱۳۶۰ در یک فضای آزاد برگزار نمی‌شد. در آن فضای بسته دهه ۶۰ نهضت آزادی تنها حزب و جریانی بود که به خاطر حضور شخصیت‌هایی مانند مهندس بازرگان و دکتر سحابی که در مدیریت انقلاب و در دولت موقت نقش داشتند و در مجلس اول نیز بودند ایستادگی کردند و به فعالیت‌های خودشان ادامه دادند و برای دفاع از آرمانهای انقلاب و مطالبات مردم و جلوگیری از انحراف انقلاب تلاش کردند. در دوران انتخابات مجلس دوم، سوم و چهارم از جمله سمینارهایی با عنوان "تامین انتخابات آزاد و سالم" برگزار کردند. در این سمینارها مبانی انتخابات آزاد، سالم مورد بحث و بررسی قرار می‌گرفت تا مردم با حقوق قانونی خودشان بیشتر آشنا شوند و زمینه رشد و آگاهی اجتماعی مردم فراهم شود. این اقدامات دهه‌های گذشته به صورت تکامل یافته‌تر امروز با عنوان "کمیته دفاع از انتخابات آزاد، سالم و عادلانه" با مشارکت فعالان سیاسی و اجتماعی پیگیری می‌شود.

امروز که به کارنامه مرحوم سحابی نگاه میکنیم سرشار از آموزه‌های اخلاق سیاسی است. از دیدگاه شما این آموزه‌ها و نمونه‌ی بارز آنها چیست و چگونه می‌تواند به نسل امروز انتقال یابد؟

برای زنده یاد دکتریدالله سحابی دو یادنامه به وسیله بنیاد فرهنگی مهدی مهدی بازرگان تهیه شده است که یکی در زمان حیات ایشان به کوشش آقای محمد ترکمان و دومین یادنامه پس از درگذشت آن مرحوم به کوشش آقای علی اکرمی به چاپ رسیده است. برای آشنایی با این "اسوه اخلاق و سلوک اجتماعی" که به درستی عنوان دومین یادنامه را به خود اختصاص داده است می‌توان این دو اثر ارزنده را مطالعه کرد و از آموزه‌های زندگی پربار آن مرحوم بهره گرفت. آنچه به نظر بنده در شخصیت دکتر سحابی برجستگی خاصی دارد بیش از جنبه‌های علمی و فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی آن مرحوم ایمان و خلوص دینی ایشان است. براساس این نوع نگرش دینی دور از شرک و خرافه است که او و همراهانشان مهندس بازرگان و طالقانی و ادامه دهندگان

راه آن بنیانگزاران، عمل صالح خود را در مقاطع مختلف برگزیده اند و در طول بیش از ۶۰ سال خدمات فرهنگی، اجتماعی و سیاسی از انسجام فکری و خدماتی برخوردار بوده‌اند و بر تحولات اجتماعی ایران تاثیر گذار بوده‌اند. ایمان و خلوص دینی از دکتر سجابی شخصیتی ساخته است که در زندگی شخصی منظم و منضبط و پرکار و در عرصه خدمت رسانی به مردم صادق و بی‌منت بوده و با نگاه راهبردی به تامین نیاز واقعی مردم یعنی توسعه انسانی پرداخته و اندوخته خود را نیز وقف ادامه خدمات فرهنگی و اجتماعی کرده است. در عرصه فعالیت اجتماعی و سیاسی برخوردار از روحیه کار جمعی و بجای هدف گیری قدرت و منافع فردی و گروهی به دنبال حاکمیت ارزشها و اصلاح جامعه بود. بیشترین تساهل و مدارا را با مردم و دگراندیشان داشت و در مقابل مستبدین و خودکامگان همواره به خدا و آخرت توکل و توجه داشت و مقاوم و استوار چون کوه می ایستاد. خدایش رحمت کناد و راهش مستدام باد.

حمایت از یک نامزد اصلاح طلب بعید است^۱

محمد توسلی، رییس دفتر سیاسی نهضت آزادی ایران معتقد است که مهندس میرحسین موسوی به واسطه ویژگی های شخصیتی اش از توان بیشتری برای جذب آرای طبقه متوسط شهری برخوردار است.

وی که عضو یکی از تشکل های قدیمی برخاسته از طبقه متوسط شهری است در گفت و گو با جمهوریت درباره ظرفیت کاندیداهای اصلاح طلب نسبت به جذب آرای این طبقه گفت: هم آقای مهندس میرحسین موسوی و هم آقای کروبی ظرفیت هایی دارند که می توانند بخشی از آرای طبقه متوسط را جذب کنند اما به نظر می رسد که آقای موسوی به واسطه ویژگی های شخصی خودشان در این بخش توان بیشتری داشته باشند.

این عضو نهضت آزادی ایران درباره ویژگی های شخصیتی مهندس میرحسین موسوی اظهار داشت: کاندیدها، هم نقاط ضعفی دارند و هم نقاط قوتی. اما نقطه قوت آقای موسوی این است که ایشان ریشه درروشنفکری دینی دارد و یک شخصیت آکادمیک و دانشگاهی و البته هنرمند است. حتی خانواده ایشان هم یک خانواده فرهنگی است و این ویژگی فرهنگی بودن برای جامعه تحصیلکرده و متوسط شهری، ارزش تلقی می شود.

وی در پاسخ به این سوال که «فکر می کنید شعارهای آقای موسوی تاکنون به گونه ای بوده که آرای طبقه متوسط را جذب کند؟» عنوان کرد: ارزیابی سوال شما در حال حاضر کمی مشکل است. در هر صورت هم آقای کروبی و هم آقای موسوی شعارهایی درخصوص حقوق شهروندی، قانون گرایی، دموکراسی و... داشتند و طبقه متوسط هم به این ارزش ها توجه دارد و جزء مطالبات تاریخی آن هاست. به طوریکه هرگاه کاندیدها شعارهایی در این حوزه ها دادند با اقبال مثبت طبقه متوسط شهری روبرو شدند.

توسلی همچنین با بیان این موضوع که هنوز ارزیابی دقیقی از مجاب شدن طبقه متوسط شهری مبنی بر شرکت گسترده در انتخابات وجود ندارد تحلیل درست این رفتار را به روزهای تبلیغات رسمی موکول کرد و افزود: رسانه های ما نمی توانند نماینده دیدگاه های مردم باشند زیرا منعکس کننده همه دیدگاه های مردم نیست. در هر حال باید صبر کنیم تا روزهای تبلیغات رسمی

^۱گفتگوی محمد توسلی با سایت جمهوریت - ۱۳۸۸/۲/۲۲

آغاز شود و رسانه ها بتوانند درباره کاندیدها آزادانه تر صحبت کنند. در ضمن آمار نظرسنجی ها و همچنین انعکاس آزادانه نظرات مردم در روزنامه ها می تواند کمک کند برای پاسخ به این سوال.

وی در ادامه موضع تشکل های متعلق به طبقه متوسط شهری مثل نهضت آزادی، فعالان ملی مذهبی، سازمان ادوار تحکیم، دفتر تحکیم وحدت و جنبش های معلمان، زنان و کارگران در انتخابات را هنوز نامشخص عنوان کرد و به بیانیه ۸ تشکل سیاسی، اجتماعی از جمله، دفتر تحکیم وحدت، سازمان ادوار تحکیم، نهضت آزادی ایران، شورای فعالان ملی مذهبی، حزب ملت ایران، جمعیت زنان انقلاب اسلامی، جاما و جنبش مسلمانان مبارز اشاره کرد که به تازگی منتشر شده و نشان دهنده این است که هنوز این مجموعه در ارتباط با کاندیدایی اظهار نظر نکردند و در آن بیانیه هم گفتند که برنامه ها و مواضع نامزدهای اصلاح طلب را رصد می کنند و اعلام آمادگی کردند که با نامزدها گفتگو و رایزنی کنند تا در موقع مناسب موضع خودشان را اعلام کنند.

رییس دفتر سیاسی نهضت آزادی ایران احتمال حمایت این تشکل ها به نفع یکی از دو کاندیدای اصلاح طلب را در هاله ای از ابهام قرار داد و درخصوص زمان تصمیم گیری این تشکل ها افزود: این ۸ تشکل جلسات هماهنگی مشترکی دارند و به دنبال جمع آوری اطلاعات و تبادل نظر هستند و در موقع مقتضی، یعنی وقتی که اطلاعات کامل شد نظرشان را نسبت به یکی از نامزدها یا روش دیگری اعلام خواهند کرد.

چگونه موج انتخاباتی پدید می آید؟^۱

بسیاری از مردم عملاً از شرایط انتخابات آزاد و عادلانه در این مرحله عبور کرده‌اند و فقط انتظار دارند سلامت انتخابات تأمین شود و از آراء آنان صیانت شود.

حدود چهار هفته تا ۲۲ خرداد ماه، روز انتخابات ریاست جمهوری باقی است. تا چه میزانی مردم ایران مصمم به شرکت در این انتخابات و ریختن آراء خود در صندوق‌های رأی هستند؟

نظرسنجی‌های اولیه نشان می‌دهند که آراء خاموش جامعه هنوز درصد بالایی را به خود اختصاص می‌دهد. این شرایط در حالی است که بسیاری از فعالان سیاسی - اجتماعی اعم از اصلاح‌طلبان و بخشی از محافظه‌کاران در تحلیل‌های خود بر ضرورت تغییر وضع موجود در راستای منافع ملی تأکید می‌ورزند و پیامد انتخابات ریاست جمهوری را در شرایط کنونی کشور حساس و مهم ارزیابی می‌کنند. نکته مهمی که کاملاً چشمگیر است حضور فعال بسیاری از احزاب و گروه‌های سیاسی - اجتماعی در این انتخابات است که در انتخابات گذشته با بی‌اهمیت تلقی کردن آن حضور و مشارکتی در انتخابات نداشتند و یا انتخابات را تحریم کردند. آنان می‌گفتند در حالی که انتخابات آزاد، سالم و عادلانه نیست و رأی ما تأثیری در سرنوشت انتخابات ندارد چرا در چنین انتخاباتی شرکت کنیم و این عمل را توهین به شخصیت خود تلقی می‌کردند. بسیاری از این افراد امروز اذعان دارند که عدم حضور آنان در انتخابات گذشته و رأی ندادن موجب روی کار آمدن دولت نهم و وضعیت جاری کشور شده است.

به رغم تحولی که در دیدگاه‌ها و تحلیل‌های یادشده شاهد هستیم، اما در عرصه عمومی هنوز شاهد حساسیت لازم مردم نسبت به انتخابات ریاست جمهوری پیش‌رو نیستیم چرا؟ برای توضیح این وضعیت می‌توان به دو عامل مهم اشاره کرد. به امید آنکه به موقع مورد توجه قرار گیرد:

عامل اول مربوط به شرایط برگزاری انتخابات و ایستادگی مجریان انتخابات در مقابل خواست بر حق و قانونی مردم است. بسیاری از مردم عملاً از شرایط انتخابات آزاد و عادلانه در این مرحله عبور کرده‌اند و فقط انتظار دارند سلامت انتخابات تأمین شود و از آراء آنان

^۱ یادداشت محمد توسلی منتشر شده در سایت سلام - ۱۳۸۸/۲/۲۳ - این متن در تاریخ ۱۳۸۸/۳/۶ در روزنامه اعتماد ملی بازنشر شده است.

صیانت شود. باتوجه به مدیریت و مهندسی چند انتخابات گذشته که به دفعات بطور مستند به وسیله جمعی از مقامات شاخص نظام مطرح شده است آرایش بسته و یکدست مجریان و ناظران انتخابات این نگرانی جدی را به وجود آورده که انتخابات سالم برگزار نشود. بنابراین برای حضور حداکثری مردم در انتخابات ضروری است که وزارت کشور و شورای نگهبان با نظارت قانونمند و مؤثر نهادهای مدنی داخلی بر انتخابات و صیانت از آراء مردم موافقت و همکاری کنند تا نیازی به پیگیری نظارت نهادهای مدنی بین‌المللی نباشد. برای حضور حداکثری مردم در انتخابات و رفع این نگرانی بر حق مردم ضروری است نامزدها و ستادهای آنان برای تقویت نهادهای صیانت از آراء مردم برنامه‌ریزی و پیگیری نمایند.

عامل دوم مربوط به شعارها، برنامه‌ها و گفتمانی است که نامزدها ارائه می‌کنند. جهت ایجاد انگیزه و احساس مسئولیت شهروندان برای حضور در انتخابات و حاضر شدن پای صندوق‌ها و رأی دادن باید دلایل آراء خاموش جامعه مورد بررسی قرار گیرد. وقتی مطالبات تاریخی و حقوق اساسی ملت که در آرمانهای انقلاب اسلامی سال ۵۷ نیز تبلور داشت و در بسیاری از اصول قانون اساسی نیز تبلور پیدا کرد به وسیله مقامات و مجریان انتخابات بطور آشکار نادیده گرفته می‌شود و عملاً شخصیت و هویت ملی آحاد مردم مورد تحقیر قرار می‌گیرد، نامزدها بایستی در سخنان و برنامه‌های خود به این نیاز حیاتی مردم پاسخ گویند. مردم ما بطور مشخص در یکصدسال اخیر ریشه توسعه نیافتگی خود را در فرهنگ استبدادی جامعه می‌دانند و تشنه آزادی، حق حیات و عدالت هستند.

تجربه تاریخی یکصد سال اخیر به وضوح نشان می‌دهد در مقاطعی که اکثریت قاطع ملت ایران در عرصه انتخابات حضور پیدا کرده‌اند و موج انتخاباتی به وجود آمده است که به این نیاز طبیعی و تاریخی مردم پاسخ گفته شده است. در دوران حکومت دکتر مصدق و نهضت ملی ایران در دهه ۳۰ بطور مشخص به این نیاز تاریخی مردم پاسخ گفته شد و با قطع ید استعمار کهن انگلیس استقلال و عزت ایران و ایرانی تأمین شد و با اصلاح قانون انتخابات و زمینه‌سازی برای حاکمیت ملی و محدود کردن قدرت استبداد سلطنتی زمینه‌های بالندگی ملی فراهم شد. ادامه این روند در دهه ۴۰ با تشکیل احزاب ملی و اسلامی در عرصه انتخابات ظهور و بروز پیدا کرد و سرانجام در انقلاب سال ۵۷ سخنان رهبر فقید انقلاب در پاریس و پاسخگویی به این نیاز طبیعی مردم زمینه حضور گسترده مردم را در انقلاب و نهایتاً در فروردین سال

۵۸ به جمهوری اسلامی فراهم کرد. در دوم خرداد سال ۷۶ نیز حضور گسترده مردم در انتخابات واکنش و پاسخگویی به این نیاز طبیعی مردم با ارائه برنامه توسعه سیاسی آقای سید محمد خاتمی بود.

در شرایط کنونی نیز ساز و کار ایجاد موج انتخاباتی و حضور حداکثری مردم در انتخابات مطابق اصل ۵۶ قانون اساسی منوط به تأمین حقوق شهروندی و حق حیات و رفع تحقیر مردمی است که صاحبان اصلی این ملک و منشأ قدرت در ایران هستند.

سخنرانی محمد توسلی به مناسبت دوم خرداد^۱

به مناسبت سالروز دوم خرداد ستاد ۸۸ اراک (ستاد ملی جوانان حامی خاتمی و موسوی) از مهندس محمد توسلی رییس دفتر سیاسی نهضت آزادی ایران دعوت کردند تا در آستانه برگزاری دهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری به ایراد سخنرانی بپردازند.

مهندس توسلی در ابتدا با تشکر از ستاد ۸۸ اراک که این مراسم را ترتیب داده اند اقدام به طرح یک پرسش کردند . پیام اصلی دوم خرداد چه بود ؟

مهندس توسلی در پاسخ به سوال فوق گفتند : همه به یاد داریم که دوم خرداد سال ۷۶ در شرایطی به وجود آمد که مجموعه حاکمیت نسبت به نامزدی خاص تصمیم گرفته بود و حتی وزرا و مدیران کل هم انتخاب شده بودند. در چنین شرایطی آقای خاتمی وارد عرصه انتخابات شد تا ۵۴ میلیون رای بیاورند و بتوانند با چنین زمینه اجتماعی جنبش اجتماعی با گفتمان توسعه سیاسی پایه گذاری کنند . گفتمان خاتمی و برنامه هایش پاسخی بود به نیاز های جامعه و مردم ، نیاز به آزادی ، نیاز به دموکراسی ، نیاز به پیشرفت و توسعه در واقع بازگشت به مطالبات تاریخی مردم و اصول آرمان های اولیه انقلاب. این شرایط موجی در جامعه ایجاد کرد و باعث شد آقای خاتمی با اکثریت قاطع پیروز شود. در واقع دوم خرداد رأی اعتراضی بود به عملکرد حاکمان پیشین .

رییس دفتر سیاسی نهضت آزادی ایران در ادامه با نگاهی اجمالی به دو دوره ریاست جمهوری آقای خاتمی و عملکرد اصلاحات بیان کردند : در این ۸ سال تحولات اساسی در جامعه شکل گرفت از جمله اقداماتی در ایجاد و تقویت جامعه مدنی ، اقداماتی در رابطه با توسعه علمی ، فرهنگی و اقتصادی . در عرصه بین المللی : تنش زدایی ، تقویت ارتباطات منطقه ای و جهانی ، حضور در مجامع جهانی (سازمان ملل) و طرح دیدگاه ها (گفتگوی فرهنگ ها و تمدن ها) باعث سرفرازی و سر بلندی ایران و ایرانی شده بود .

در این رابطه مهندس توسلی با نقل مستقیم سخنان کسانی که حتی مخالف نظام بودند گفتند : وقتی آقای خاتمی در مجامع بین المللی سخنرانی می کنند ما احساس غرور و افتخار می کنیم ایشان به نقل از معاون دانشجویی وزارت علوم دوران اصلاحات اضافه کردند : در این

^۱ گزارش سخنرانی محمد توسلی در ستاد انتخاباتی اراک - ستاد حامی خاتمی و موسوی - ۱۳۸۸/۳/۳

دوران بیش از سه هزارنهاد صنفی دانشجویی در دانشگاه‌ها شکل گرفت. البته وقتی این تشکل‌ها در دوره اخیر زیر فشار قرار گرفتند بیشتر قدر آن دوره را می‌دانند. در ادامه اولین شهردار تهران پس از انقلاب به نقد دوره اصلاحات پرداختند و در این رابطه به دو نکته اشاره کردند:

۱. مردم

مردم ایران از جمله جنبش دانشجویی ما متأثر از فرهنگ استبدادی هستند (فرهنگ زور و زود). انتظار ایجاد شده بود که مطالبات مردم به سرعت محقق شود و طی چند سال تحولی که در طول سه یا چهار قرن در کشور‌های توسعه یافته پدید آمده است در دوره کوتاهی محقق شود به تبع آن شعارهای تندی مثل عبور از خاتمی مطرح شد. می‌دانیم که تحولات فرهنگی - اجتماعی در جامعه فرایندی طولانی است و باید با تلاش مستمر، همفکری و کار جمعی انتظار دستیابی به مطالبات را داشت. اصلاحات راه پر فراز و نشیبی و پر سنگلاخی است و نیاز به انسان‌هایی دارد که مومن و صبور باشند تا بذری را که می‌کارند اگر نتوانستند خود برداشت کنند دیگران و آیندگان آن را درو کنند.

۲. اصلاح طلبان

آیا اصلاح طلبان از تمام ظرفیت‌هایی که در اختیارشان بود استفاده کردند؟ پاسخ منفی است، فرصت‌هایی بود که می‌شد بهتر استفاده کرد چنانچه خود آقای خاتمی هم به دفعات بر این واقعیت تأکید کرده‌اند. ایشان ریشه مشکل اصلاحات و جنبش اصلاح طلبی را فقدان رهبری دانستند. ما در دوره اصلاحات به آقای خاتمی پیشنهاد کردیم که ایشان مردم را در سالگرد دوم خرداد در میدان آزادی فراخوان کنند و گزارشی از فعالیت‌ها و مشکلات بدهند، که مورد عمل قرار نگیرد. ما امید داریم آقای خاتمی در شرایط جدید نقش سازمان یافته رهبری و مدیریت اصلاحات را بر عهده بگیرند.

رییس دفتر سیاسی نهضت آزادی ایران گفت: قبل از بررسی انتخابات پیش رو باید به این سوال پاسخ گفت که چگونه احمدی‌نژاد سر کار آمد؟ به یاد دارید که در انتخابات دومین دوره شوراها، در همه شهرهای کشور دو اتفاق افتاد:

۱. رفتار نا صواب برخی منتخبین شورای شهر اول که از طیف اصلاح طلبان بودند که نتوانستند شوراها را در مسیر درست هدایت کنند و این مسئله باعث بی‌اعتمادی مردم

نسبت به اصلاح طلبان شد .

۲. شرکت کم مردم در انتخابات شوراها (در تهران ۱۱ درصد واجدین شرایط شرکت کردند) این فرصت را به رقیب داد تا با آرای مدیریت شده و بلوکه گروه ناشناخته آبادگران را بر کرسی های شورای شهرتهران بنشانند و متعاقب آن آقای احمدی نژاد به عنوان شهردارتهران انتخاب شد . این انتخاب سکوی پرشی برای آقای احمدی نژاد شد تا از تمامی امکانات و تسهیلات شهرداری تهران یعنی مردم شهربرای دستیابی به اهداف خود استفاده کند . ساخت سقاخانه، دادن تسهیلات به هیئت های مذهبی، دادن وام ازدواج به جوانان ، دیدار های حضوری در مناطق شهرداری برای حل مشکل مردم که وظیفه شهرداران مناطق است، هزینه های خارج از ضوابط و ... از جمله اقداماتی بود که برای زمینه سازی جلب آرای مردم صورت گرفت. در دوره نهم انتخابات ریاست جمهوری اصلاح طلبان با چند نامزد وارد شدند و آرایشان پراکنده شد و به گفته برخی مسئولین انتخابات مدیریت شد . در دور دوم هاشمی رفسنجانی و احمدی نژاد در مقابل هم قرار گرفتند و به رغم حمایت های زیاد از هاشمی اما آرای خاموش بالا با این تحلیل که رأیشان تاثیری ندارد در انتخابا شرکت نکردند و در نتیجه احمدی نژاد به عنوان رئیس جمهور دوره نهم انتخاب شد . نهضت آزادی ایران در دور اول با تحلیلی که مطرح کردیم از آقای معین حمایت کرد. ولی در دور دوم ما به آقای احمدی نژاد رای اعتراض دادیم به این معنی که در اعتراض به احمدی نژاد به رقیب او آقای هاشمی رفسنجانی رأی دادیم ولی آرای اعتراض کافی نبود و احمدی نژاد انتخاب و بر مقدرات کشورحاکم شد. با توجه به عملکرد دوره چهار ساله احمدی نژاد تحلیل ها به این سمت رفت که ما اشتباه کردیم و باید شرکت می کردیم چنانچه بسیاری از تحریمی ها در این دوره فعالانه در انتخابات شرکت دارند و ازنامزد های اصلاح طلب حمایت می کنند. این تحول نشانه بلوغ سیاسی است ما بار ها گفته ایم که دموکراسی یاد گرفتنی است . باید گام به گام جلو برویم و از گذشته درس بگیریم .

مهندس توسلی در ادامه به ارزیابی دولت نهم پرداختند و گفتند : در عرصه اقتصادی برغم وعده ها تورم ما دو رقمی و بیکاری ۲ رقمی شده است این در شرایطی است که درآمد نفت بین ۲۷۰ تا ۳۰۰ میلیارد دلار بوده است (تناقض آماری به دلیل عدم ارائه آمار صحیح از سوی دولت

است) این درآمد معادل سه برابر متوسط درآمد ها در چهار دوره شانزده سال قبل است. در حوزه فرهنگی با مطبوعات، چاپ کتاب و تولید فیلم چه کرده اند؟ در حوزه فرهنگی ما هزینه های زیادی داده ایم. در حوزه اجتماعی با سرکوب جنبش های مدنی کارگران، زنان، دانشجویان، معلمان، اقلیتهای دینی از جمله دراویش گنابادی - با تخریب مکان هایشان با بازداشت آنها - روبرو بوده ایم.. در عرصه سیاست خارجی دست کم سه قطعنامه سازمان ملل علیه ما صادر شد، تحریم ها تشدید شده باعث ایجاد مشکلات اساسی برای تولیدات صنایع و کشاورزی شده است. با سلطه نهادهای نظامی - امنیتی در عرصه اقتصادی و خدمات، بخش خصوصی با بحران جدی روبرو شده است. در زمینه سیاست خارجی برخی از اقدامات دولت نهم مانند طرح مسئله هولوکاست و نمایش هسته ای که بر اساس تحلیل های کارشناسی پیامد این گونه سیاست ها عملا به نفع اسرائیل و برضد منافع ملی ما بوده است.. این سوء مدیریت ها، کج فهمی ها، کژ اندیشی ها و ناکارآمدی ها و... شرایط وخیم و بحرانی کنونی را فراهم ساخته است.

رییس دفتر سیاسی نهضت آزادی ایران با طرح این سوال که راه کار های پیش روی مردم در انتخابات چیست؟ به انتخابات دهم ریاست جمهوری پرداخت: برای مردم روشن است که شرایط موجود به نفع منافع ملی ما نیست و همه احساس مسئولیت کرده اند تا به عرصه بیایند تا وضع موجود را تغییر دهند. البته این فقط اصلاح طلب ها نیستند که خواهان تغییر هستند بلکه بخشی از اصول گرایان هم هستند که خواهان تغییر هستند مثل موضوعی که نمایندگان محافظه کار مجلس علیه کار های دولت می گیرند، مثل موضوعی که جامعه مدرسین حوزه علمیه و جامعه روحانیت مبارز تهران که نهاد هایی محافظه کار هستند در انتخابات دارند و نتوانسته اند از آقای احمدی نژاد حمایت کنند. گفتمان تغییر تبدیل به گفتمان ملی شده است و باید برای تحقق آن تلاش کرد. در حال حاضر شورای نگهبان چهار نامزد را تایید کرد که دو نامزد از طیف اصلاح طلبان هستند. با این شرایط راهکار منطقی این است که مشارکت آنگونه بالا برود تا احمدی نژاد در دور اول نتواند ۵۰ درصد آراء شرکت کنندگان ردا داشته باشد. مهم نیست کروی یا موسوی، مهم این است که در مرحله اول احمدی نژاد رای نیاورد و انتخابات به دور دوم برود، در دور دوم مردم تکلیف را روشن خواهند کرد. در این رابطه مردم باید قبول مسئولیت کنند و با ستاد ها همکاری کنند با هر دو ستاد به صورت سازمان یافته. باید مواضع و برنامه های هر دو کاندید را بررسی کنید و خود هر یک را که مناسب تر برای پذیرش مسئولیت ریاست جمهوری

تشخیص می دهید رأی دهید.

در پایان مهندس توسلی به ضرورت صیانت از آرا اشاره کردند و گفتند: ما عملاً از انتخابات آزاد و عادلانه در این مرحله عبور کرده ایم. انتخابات بر اساس اصول قانون اساسی و معیارهای جهانی شناخته شده فاصله دارد. در این مرحله سلامت انتخابات مهم است، مهم این است که آن رای که مردم می دهند شمرده شود. این سنگین ترین مسئولیت ما است مردم باید این را به عنوان یک مسئولیت مهم و سنگین بپذیرند و نقش موثر ایفا کنند. در دو خرداد مردم حضورشان بیشتر اعتراضی و احساسی بود ولی در ۲۲ خرداد با آگاهی بیشتر و اعتراضی خواهد بود.

بعد از پایان سخنرانی مهندس توسلی به سوالات حضار پاسخ گفتند:

با توجه به حضور وزارت کشور و شورای نگهبان در فرایند انتخابات آیا از آرا مردم صیانت

می شود؟

این نگرانی وجود دارد که شرایط به نفع یک نامزد خاص باشد ولی باید تلاش کرد با حضور در کمیته صیانت از آرا، با حضور ناظران نامزدها در پای صندوق های رای و همه مراحل تا اعلام نتایج از سلامت انتخابات اطمینان پیدا کرد.

علت دستگیری ۲۴ نفر از فعالین سیاسی در سال ۶۹ چه بود؟ ۲ - برنامه کدام نامزد با

توجه به بیانیه های حقوق شهروندی آن ها بهتر است؟

بازداشت سال ۶۹ در پی نامه معروف ۹۰ امضایی به رییس جمهور وقت بود که از ۲۴ نفر بازداشت شده ۹ نفر در دادگاه محکوم شدند من هم افتخار داشتم یکی از آن ها باشم. اگر شما دوباره آن نامه را با دقت بخوانید متوجه می شوید که گفتمان و مفاد آن نامه (از جمله امضا کنندگان آن نامه مرحومان بازرگان، سحابی و اردلان) موجی ایجاد کردند که پیامد طبیعی آن تلاشها در گفتمان دوم خرداد تباور پیدا کرد. به سوال دوم جواب نمی دهم ما در بیانیه خودمان از هر دو نامزد اصلاح طلب حمایت کرده ایم شما خودتان برنامه های آنان را بررسی و انتخاب کنید.

برداشت خود را از دوران نخست وزیری آقای موسوی بیان کنید؟

این سوال پاسخ کوتاه ندارد موضع ما وضع حال و مواضع کنونی افراد است. در پی رخدادهای سال ۶۰ دوستان ما از حاکمیت خارج شدند. در آن شرایط هیچ گروهی امکان فعالیت نداشت و تنها نهضت به اعتبار سوابق و رهبرانیش به فعالیت ادامه داد و از اصول و ارزشهای انقلاب

دفاع کرد. در چنین شرایطی آقای مهندس موسوی به طور طبیعی نخست وزیر شد. مرحوم عالی نسب مشاور اقتصادی دولت آقای موسوی بود و در دوران جنگ تحمیلی اقتصاد جنگی کشور را هدایت کردند و به پشتوانه حمایت رهبر فقید انقلاب با چالش های پیش رو برخورد کردند. البته ایشان نقاط قوت و ضعف زیادی دارند. ما دوره قبل را فراموش نکرده ایم ولی مسایل را نیز به دل نمی گیریم. ما باید اهل تساهل و مدارا باشیم و منافع ملی را بر منافع شخصی و گروهی خود ترجیح بدهیم تا بتوانیم در مسیر توسعه حرکت بکنیم. به عنوان مثال در مالزی و ترکیه آرا و افکار مختلفی وجود دارد ولی آن ها ضمن پذیرش اختلاف دیدگاه ها و احترام به هم می توانند با هم کار کنند و این باعث نهادینه شدن فرهنگ دموکراسی و توسعه کشورشان شده است. ما انتظار داریم هر دو کاندیدا پایبندی خود را به بیانیه های حقوق شهروندی خویش حفظ کنند.

سکوت آقای خاتمی در سال های پایانی ریاست جمهوری برای حفظ نظام بود یا حفظ

اصلاحات؟

شما باید این سوال را از خود آقای خاتمی بپرسید البته ایشان کوتاهی هایی داشتند مثل برگذاری انتخابات مجلس هفتم و همچنین ایشان باید ابهام زدایی کنند که در این انتخابات چگونه شد که آمدند و رفتند. دع هر حال خاتمی همچنان در جامعه ما از نفوذ و جایگاه بالایی برخوردار است و می تواند در جایگاه رهبری اصلاحات نقش خوبی داشته باشد.

با توجه به وضعیت اقتصادی آیا آقای موسوی می تواند کاری بکند؟

مهمتر از بحران سیاسی و سیاست خارجی که بسیار خطرناک است به نظر بنده خسارت معنوی تحقیر ملت ایران به وسیله دولت نهم است. آقای احمدی نژاد با ارائه آمار نادرست، عدم توجه به چهار نام ۱۵۰ استاد و کارشناس اقتصادی، عدم توجه به نام ۷۵ استاد جامعه شناس دانشگاه ها، ادعاهای بی پشتوانه (مثل هاله نور)، رشوه دادن به مردم برای جلب آرا از جمله اخیرا پخش سه هزار چک پول پنجاه هزار تومانی در خوابگاه دانشجویان یا توزیع سبب زمینی مجانی بین مردم و.... درواقع شعور و هوشمندی ملت ایران را به سخره گرفته و ملت ایران را تحقیر کرده است.

با توجه به اینکه عرف شده است هر فرد دو دوره رییس جمهور باشد آیا می شود در این

دوره شخص دیگری را انتخاب کرد؟

این دغدغه را فقط یکایک ما و شما با حضور در انتخابات می توانیم پاسخگو باشیم و از

تکرار شرایط چهار سال گذشته پیشگیری کنیم..

آیا دولت آینده آقای موسوی پروانه فعالیت رسمی نهضت آزادی را خواهند داد؟ ۲- با توجه به وجهه نهضت آیا آقای موسوی از آن‌ها در کابینه خود استفاده می‌کند؟

ما در دیداری که با رییس ستاد آقای موسوی داشتیم گفتیم ما از آقای موسوی هیچ سهمی از قدرت نمی‌خواهیم. آنچه ما می‌خواهیم اینست که ایشان اگر انتخاب شدند منشور حقوق شهروندی را که به آن سوگند خورده‌اند پایبند باشند. حمایت ما همانگونه که در نشریه اخیر نهضت آزادی آمده است در چارچوب تحلیل شرایط کنونی کشور و در راستای منافع ملی است. در ابتدای جلسه آقای سعید کمیجانی به عنوان رییس ستاد ۸۸ اراک ضمن خیر مقدم به آقای مهندس توسلی و انتقاد از استانداری به دلیل عدم مجوز به سخرانی آقای تاج زاده در اراک خواستار عدم تبعیض استانداری نسبت به کاندیداهای مختلف شد. مهندس توسلی بعد از پایان سخرانی با حضور در ستاد انتخاباتی آقای مهندس موسوی با اعضای ستاد به گفتگو پرداختند.

دعوت برای مقابله با کودتای بدون خونریزی^۱

حدود ۵۰ نفر از فعالان سیاسی ایران هشدار داده‌اند که تلاشهایی در حال اجراست تا آراء سازماندهی شده تندروها بتواند سرنوشت انتخابات ریاست‌جمهوری را در دور نخست به نفع احمدی‌نژاد تمام کند. مطالبی نیز در مورد برنامه‌ریزی برخی تندروها برای مادام‌العمر کردن دوران ریاست‌جمهوری شنیده شده است که در مجموع فضایی کودتاگونه را تداعی می‌کند. بیانیه ۵۰ نفره امروز را در خرابات بخوانید.

به نام خدا

ملت شریف ایران

کشور در شرایط سخت و حساس تاریخی خویش یکبار دیگر فرزندان پاک‌نهاد خود را به یاری می‌خواند. بررسی اوضاع اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی از جهات مختلف نگران‌کننده است. حقوق اساسی ملت، آزادی‌های عمومی و خصوصی شهروندان، حق آزادی بیان و قلم و مطبوعات به‌عنوان رکن چهارم دموکراسی و دیده‌بان حقوق شهروندان در برابر حکومت، در وضعیت تجاوز قرار دارد.

در چنین شرایطی ضروریست سریعاً برای مقابله قانونی با این نگرانی‌ها، تجاوزها و نیز تلاشهایی که اخیراً به منظور یکسره کردن سرنوشت انتخابات پیش‌رو در دور اول و به نفع تندروی‌های چهارساله اخیر صورت پذیرفته، اقدامی همگانی انجام شود. مدنی‌ترین و کم‌هزینه‌ترین اقدامی که کنشگران دموکراسی‌خواه در کوتاه مدت می‌توانند انجام دهند تشویق مردم به بالا بردن میلیونی آراء مخالفان بنیادگرایی است، تا آراء سازماندهی‌شده‌ی تندروها نتواند در دور اول انتخابات نصف بعلاوه یک رأی‌ها را از آن خود کند.

بنابراین تمامی تلاش اندیشه‌ورزان و مصلحان جامعه آن است که با رفتاری مدنی و ضمن پرهیز از هرگونه خشونت، در جهت پاسداری از حق آزادی بیان و مطبوعات، به منظور تلاش برای اصلاح امور اقتصادی و معیشتی جامعه، با تأکید بر رعایت حقوق بشر و برای توسعه همه‌جانبه کشور مشارکتی بسیار گسترده را پی‌گیرند. اینک گاه آن فرا رسیده است که گامی فرا پیش نهیم و فلک را سقف بشکافیم و "موجی" نو دراندازیم.

^۱ متن بیانیه با امضای محمد توسلی و جمعی از اعضای نهضت آزادی و فعالان سیاسی - ۱۳۸۸/۳/۸

بر این اساس ، ما امضاکنندگان این بیانیه به منظور خروج از وضعیت بسیارنگران‌کننده‌ی چهارسال اخیر ، هم‌میهنان خویش را به حضور مثبت در انتخابات ریاست جمهوری فرا می‌خوانیم و انتظار داریم با رأی خویش به یکی از نامزدهای اصلاح‌طلب ممکن (کروی یا موسوی) گامی برای تغییر فضای موجود و ایجاد آمادگی برای توسعه و رسیدن به ایرانی پیشرفته، آزاد و آباد بردارند .

حمید احراری/ طاهر احمدزاده/ بابک احمدی/ ابوالفضل بازرگان / پروین بختیارنژاد/ محمد بسته‌نگار/ محمدحسین بنی‌اسدی/ بهزاد بهزادی/ محمد بهزادی/ مسعود بهنود/ حبیب‌الله پیمان/ مسعود پدرام/ مصطفی تنها/ غلامعباس توسلی/ محمد توسلی / مجید تولایی/ رضا تهرانی/ علی حکمت/ علیرضا رجایی/ تقی رحمانی/ حسین رفیعی/ عبدالعلی رضایی/ رضا رئیس طوسی/ محمدرضا زهدی/ احمد زیدآبادی/ عزت‌الله سبحانی/ نسرین ستوده/ سیدمحمد سیف‌زاده/ عیسی سحرخیز/ ماشاءالله شمس‌الواعظین/ احمد صدر حاج‌سیدجوادی/ هاشم صباغیان/ عباس صفایی‌فر/ کیوان صمیمی/ اعظم طالقانی/ رضا علیجانی/ محمود عمرانی/ حسین قاضیان/ نظام‌الدین قهاری/ مرتضی کاظمیان/ محسن کدیور/ نرگس محمدی/ بدرالسادات مفیدی/ وحید میرزاده/ سعید مدنی/ مینو مرتاضی لنگرودی/ محمد جواد مظفر/ محمودنکوروح/ ناصرهاشمی/ حسن یوسفی اشکوری/ میرمحمود یگانلی/ ابراهیم یزدی/

چرا شرکت در انتخابات؟^۱

مجری جلسه ابتدا ضمن خیر مقدم به مهمانان و مدعوین، از اساتیدی که "معمولاً در شرایط غیر عادی امکان دعوت از آنها وجود دارد" تشکر کرد و ضمن یادی از دانشجویان در بند، درخواست آزادی همه آنها را نمود و اشاره ای به علل شکل گیری ستادشان که عمدتاً تفاوت سطح مطالبات با سایر کاندیداهای اصلاح طلب می باشد، نمود.

سپس آقای مهندس توسلی در جایگاه حاضر شد و برای توضیح اینکه چرا در شرایط کنونی ضرورت دارد در انتخابات شرکت کنیم به بررسی روند تاریخی انتخابات در ۱۰۰ سال گذشته کشور پرداخت. در دوره انقلاب مشروطه که خواست اصلی مردم «محدود کردن اختیارات قدرت سیاسی و واگذاری اختیارات به مردم» بود که البته همچنان این خواست تا کنون تداوم داشته است، حضور و نقش تاثیر گذار مردم در انتخابات آغاز می شود. در دوران نهضت ملی و دکتر مصدق برای پاسخ به این مطالبه دیر پای مردم "اصلاح قانون انتخابات و انجمن های شهر" یکی از دو برنامه مصدق بود تا با برگزاری انتخابات آزاد مردم بتوانند در اداره شهرها و کشور مشارکت کنند. در سالهای پس از کودتای سال ۳۲ نیز علیرغم شرایط کودتا نهضت مقاومت ملی، شرکت در انتخابات را تا سالهای ۳۹ به جهت پیگیری مطالبات مردم پیگیری کرد و این شعار را می داد: "در انتخابات شرکت می کنیم یا پیروز می شویم یا رسوا می کنیم".

پس از انقلاب اسلامی ۵۷ ابتدا مردم بطور گسترده در انتخابات شرکت می کردند بطوریکه در فرایند جمهوری اسلامی در ۱۲ فروردین سال ۵۸ بیش از ۹۸ درصد مردم در آن شرکت کردند. زیرا ویژگی های جمهوری اسلامی را که رهبر فقید انقلاب در پاریس در مصاحبه ها و سخنرانی های متعدد بیان کرده بودند در راستای همان مطالبات تاریخی مردم بود، در این میان مهندس بازرگان با شناخت و دغدغه تاریخی خویش پیشنهاد: "جمهوری دموکراتیک اسلامی" را مطرح کرد، چون نگران برداشتهای غیر دموکراتیک از اسلام بود.

مهندس توسلی افزود: تا خرداد سال ۶۰ انتخابات عموماً آزاد، سالم و بدون نظارت استصوابی برگزار می شد. اما از آن تاریخ فضا بسته و فعالیت گروههای سیاسی متوقف شد. در آن فضا، نهضت آزادی به دلیل سابقه رهبرانش توانست مقاومت کند و با پذیرش هزینه های سنگین به

^۱ گزارش سخنرانی محمد توسلی در مشهد - محل ستاد دانشجویان مطالبه محور - ۱۳۸۸/۳/۹

حیات خود ادامه دهد. در این دوران نهضت آزادی از فرصت انتخابات استفاده می کرد و به رسالت آگاهی بخشی خود عمل می کرد. برگزاری سمینارهای تامین انتخابات آزاد و سالم بخشی از این برنامه ها بود که در آنها معیارهای انتخابات آزاد و سالم و حقوق مردم در انتخابات ارایه می شد. با پایان جنگ و تغییر فضای سیاسی، در انتخابات مجلس پنجم تعدادی از اعضای نهضت آزادی، با قید عضویت در نهضت در فرم مربوطه، ثبت نام کردند اما رد صلاحیت نشدند. اما به علت نداشتن امکانات تبلیغاتی و محدودیت ها انصراف دادند. در انتخابات هفتمین دوره ریاست جمهوری سال ۷۶، نهضت و برخی از چهره های ملی و اسلامی در انتخابات ثبت نام کردند اما رد صلاحیت شدند. در روز دوم خرداد، مردم برای اعتراض به نامزد حاکمیت با حضور گسترده خود در انتخابات به خاتمی رای دادند تا بطور دموکراتیک اعتراض خود را به نمایش بگذارند. شرایط و فضا و به دنبال آن معادلات سیاسی تغییر کرد، که سرآغاز تغییرات در سالهای اخیر شد.

مهندس توسلی افزود: "به اعتقاد من در آن ۸ سال خدمات زیادی، به رغم بحران های مستمر و مقاومتی که محافظه کاران داشتند، در عرصه های سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی انجام شد. بدیهی است که هم نقد های جدی به عملکرد اصلاح طلبان وارد بود و هم به مردم به ویژه جوانان و دانشجویان که انتظار دوازده ساله از اصلاح طلبان داشتند.

به گفته توسلی در نهایت بعد از همه افت و خیزها، در دور دوم نهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری سال ۸۴، آقای هاشمی رفسنجانی در مقابل آقای احمدی نژاد قرار گرفت و بسیاری در انتخابات شرکت نکردند و احمدی نژاد انتخاب شد و جامعه ما امروز هزینه های این انتخاب را پرداخت می کند. بسیاری از تحریمیون دیروز امروز به این جمع بندی رسیده اند که رای ندادن عملاً رای به احمدی نژاد بوده است و عمل خود را مورد نقد قرار می دهند.

وی افزود: جا دارد به زمینه های موفقیت جریان احمدی نژاد نیز اشاره ای داشته باشیم. در انتخابات آزاد شوراهای دوم که بدون نظارت استصوابی انجام شد مشارکت مردم بسیار پایین بود؛ در تهران حدود ۱۱ درصد. چرا؟ مردم از عملکرد اصلاح طلبان در شورا های شهر راضی نبودند و در نتیجه در تهران، گروه ناشناخته ی آبادگران - با رای ثابتی که دارند - تمام کرسی های شورا را به خود اختصاص دادند و شورای شهر، آقای احمدی نژاد را به عنوان شهردار تهران انتخاب کرد. احمدی نژاد از تمام امکانات شهرداری و شهر تهران برای پیشبرد اهداف خود استفاده کرد و از

این فرصت به عنوان سکوی پرشی برای انتخابات ریاست جمهوری بهره گرفت. شرکت نکردن مردم در انتخابات شورای شهر دوم و دور دوم نهمین دوره ریاست جمهوری چنین پیامدی برای مردم و کشور در پی داشته است. این یک تجربه تاریخی است و باید از آن امروز درس گرفت. مهندس توسلی در ادامه گفت: حال بد نیست که در اینجا یک ارزیابی کوتاهی از عملکرد دولت نهم داشته باشیم. در عرصه اقتصادی و شعار پول نفت بر سر سفره مردم، نیازی به توضیح نیست و نرخ تورم دو رقمی و بیکاری فعلی و وضعیت معیشت مردم خود گویاست. همه اینها به رغم اینکه در این ۴ سال افسانه ای ترین درآمدها را از نفت داشته ایم، رخ داده است. هر چند ارقام درآمد های نفت و گاز شفاف اعلام نشده، اما کف گزارشها ۷۰-۲۶۰ میلیارد دلار یعنی حدود ۳ برابر متوسط درآمد چهار دوره قبل است. اما گزارشهای کارشناسی نشان می دهد که امروز ما در هر سه زمینه صنعتی، کشاورزی و خدمات با بحران روبرو هستیم. در تولید گندم، از خودکفایی به واردکننده عمده تبدیل شده ایم. عسلویه که یک پروژه ملی بود، امروز خاموش است و بسیاری از شرکتهای فعال در آنجا، نیروهای کاری را کم کردند. در عرصه اجتماعی، سرکوبها افزایش یافته. جنبش دانشجویی، کارگران، معلمان، زنان، احزاب و مطبوعات در این دوران به طور مستمر تحت فشار و سرکوب بودند. عملکرد وزارت ارشاد در اعمال محدودیتهای برای فیلم، کتاب، مطبوعات و... معلوم است. در ستادهای اصلاح طلبان هنرمندان می گویند ۴ سال «خفت و حقارت» کافیت و علیرغم فشارها، عقده دل را می گشایند. در عرصه خارجی ایجاد تنش های بی مورد مانند «هولوکاست، نمایش های هسته ای و...» و اثر تحریمها بر اقتصاد کشور خود گویاست. اگر بخواهم خلاصه بکنم چکیده عملکرد دولت نهم، عوامفریبی، رواج خرافات، سوء استفاده از اعتقادات مذهبی، کژ اندیشی، بی تدبیری، ناکارآمدی و به سخره گرفتن عقلانیت و ظرفیت های کارشناسی کشور بوده است. ۱۵۰ اقتصاددان کشور چهار نامه کارشناسی به دولت ارائه کردند که نماد عقل جمعی اقتصادی کشور است. چه وقعی دولت بر این عقل جمعی گذاشت؟ در نامه تحلیلی ۷۵ استاد جامعه شناس به رییس جمهور، پیامدهای سیاستهای ایشان را باز کردند. اما چه توجهی شد؟

مجموعه اینها و اوضاع و احوال نشان می دهد که ملت از عملکرد دولت نهم نا راضی است و به ستوه آمده است. پیامد چنین رفتاری با مردم چیزی جز تحقیر ملت نیست. پس عموم ملت هدف مشترکی یعنی اعتراض به دولت نهم و جلوگیری از ادامه آن را دنبال می کنند. به جز

طرفداران دولت، اکثریت مردم بر این گفتمان اعتراضی توافق دارند.

آیا دستیابی به این هدف راهبردی جز با مشارکت گسترده مردم در انتخابات امکان پذیر است؟ اگر مشارکت کم باشد و آقای احمدی نژاد در دور اول ۵۱ درصد رای بیاورد، چه کسی سود خواهد برد؟ مردم یا جریان حاکم نظامی - امنیتی؟ جواب معلوم است؛ شرکت نکردن یعنی رای دادن به عملکرد فعلی.

بد نیست که این توضیح را هم بدهم که در این ۳۰ سال، سه راهبرد در مورد انتخابات مطرح بوده است:

۱. بی قید و شرط و به دلیل وظیفه شرعی شرکت کنیم؛ که همان رای بلوکه حاکمیت است.
۲. نباید در انتخابات شرکت کرد به خاطر نقایص قانون اساسی و اینکه انتخابات آزاد، سالم و عادلانه برگزار نمی شود. این دیدگاه در صورتی موثر است که مردم با اکثریت بالا (۷۰ درصد) در انتخابات شرکت نکنند و با این رای اعتراضی خود بر تحولات تاثیر بگذارند. تجربه نشان داده است که مشارکت معمولاً حدود ۴۵-۵۰ درصد می باشد.
۳. حضور در انتخابات برای آگاهی دادن به مردم و تقویت فرایند دموکراسی و در صورت مقتضی شرکت کردن و رای دادن در انتخابات. این راهبرد به تدریج مقبولیت بیشتری پیدا کرده است.

مهندس توسلی در پایان گفت: ما می دانیم که در این دوره هم شرایط انتخابات آزاد، سالم و عادلانه برقرار نیست! اما این انتخابات فرصتی است برای مردم با درس گرفتن از گذشته و تحلیل واقع‌بینانه شرایط کنونی، در انتخابات شرکت کنند و از ادامه وضعیت کنونی جلوگیری کنند. در پاسخ به این سوال که به «کدام نامزد اصلاح طلب» رای دهیم؟ باید گفت که در مرحله اول مشارکت بالای مردم مهم است؛ بایستی مواضع و برنامه های هر یک از دو نامزد اصلاح طلب را بررسی کنیم، هر کدام به خواسته ها و مطالبات ما نزدیکتر بود، رای دهیم. اگر انتخابات به مرحله دوم برسد انتخاب بصورت دموکراتیک و رای طبیعی مردم حاصل می شود.

پس از سخنرانی مهندس توسلی جلسه به صورت پرسش و پاسخ ادامه پیدا کرد.

شایان ذکر است که در روز جمعه هشتم نیز با حضور آقایان مهندس سحابی و مهندس توسلی جلسه گفت و گوی با دانشجویان و شرکت کنندگان برگزار شد و به تفصیل با حاضرین گفت و گو شد.

واکنش‌های احمدی‌نژاد در برابر کاهش آرایش، طبیعی است^۱

رئیس دفتر سیاسی نهضت آزادی ایران با بیان اینکه نتیجه نظرسنجی‌ها نشان‌دهنده، کاهش آرای احمدی‌نژاد و افزایش آرای موسوی است، اظهار داشت: طبیعی است رئیس دولت نهم که تمام امکانات مملکت را در اختیار دارد، این روند انتقال قدرت را برنتابد و برای حفظ قدرت و موقعیت خود دست به اقداماتی بزند.

محمد توسلی در گفت‌وگو با خبرنگار ایلنا، اضافه کرد: آثار این روند خشونت‌هایی است که در برخی شهرستان‌ها با خاتمی و سایر نامزدهای انتخاباتی صورت می‌گیرد. این فعال سیاسی با اشاره به سابقه برخی جریانات در استفاده از ابزار خشونت به جای توسل به قانون و رعایت موازین اخلاقی، به هواداران و حامیان دو کاندیدای اصلاح‌طلب، ضرورت خویش‌داری و تدبیر در برابر برخی رفتارهای نابهنجار را یادآور شد.

وی افزود: طرفداران اصلاحات، صرفاً موارد منجر به نقض قانون را به مراجع قضایی و ذی‌صلاح گزارش دهند، زیرا برای خنثی کردن روشی که محافظه‌کاران در پیش گرفته‌اند، این اقدام دفاعی موثرتر خواهد بود.

توسلی گفت: ریزش پایگاه اجتماعی دولت نهم از مدت‌ها قبل آغاز شده است و سکوت جامعه روحانیت مبارز و جامعه مدرسین، نیز ناشی از درک همین واقعیت است. وی افزود: صف‌آرایی بخش قابل توجهی از محافظه‌کاران مجلس هشتم در برابر بخش دیگر آن نیز در نتیجه عملکرد دولت نهم در عرصه‌های اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و سیاست داخلی و خارجی است.

وی ادامه داد: اما علی‌رغم توصیف احمدی‌نژاد از ایران تحت عنوان بهشت برین، مردم با پوست و گوشت خود مشکلات را در همه عرصه‌های معیشتی و حقوق شهروندی لمس می‌کنند، بنابراین مردم به موقع واکنش خود را نشان خواهند داد.

وی با بیان اینکه چنانچه دولت به مردم خدمت کرده باشد، مقبول ملت خواهد بود، گفت: اگر دولت آمار و اطلاعات غلط به مردم ارائه دهد و عقلانیت و شعور عمومی مردم را به سخره بگیرد و ملت ایران را مورد تحقیر قرار دهد، واکنش آن به صورت اعتراض عمومی درآمده و

^۱گفت‌وگوی مهندس محمد توسلی با خبرنگار ایلنا - ۱۳۸۸/۳/۱۶

مردم نیز برای بیان دموکراتیک اعتراض خود آرای خود را به نام یکی از دو نامزد اصلاح طلب به صندوق ها می ریزند.

تغییر دولت نهم مطالبه ملی است^۱

چهارسال سال زمامداری آقای احمدی نژاد شرایطی را در داخل و خارج از مرزها رقم زده که به عقیده بسیاری از تحلیلگران سیاسی و اجتماعی و اقتصادی شرایط ناگواری را بر کشور حاکم کرده است. شما هم به عنوان کسی که با این تحلیلگران هم‌نوا هستید چه راهکاری را برای دعوت تحریمیان به پای صندوق های رای پیشنهاد می کنید؟

همانطور که در سال ۸۷ طی مصاحبه های مختلف و اخیراً در بیانیه نهضت آزادی ایران اعلام کردیم، انتخابات دوره دهم ریاست جمهوری از ویژگی های خاصی برخوردار است و پیش بینی می شود به خاطر شرایط خطیر کشور عده بیشتری در انتخابات شرکت کنند تا به دولت نهم رای اعتراض دهند.

در خصوص عملکرد دولت به نظر می رسد نیازی به ارائه آمار و ارقام نباشد. در حالی که آقای احمدی نژاد ایران را بهشت برین توصیف می کند، در عرصه کارشناسی و حتی در سطح عمومی مردم مشکلات اقتصادی و نقض حقوق شهروندی را با پوست و گوشت خود احساس می کنند و از شرایط پیش آمده بسیار نگران و ناراحت هستند. این واکنش مردم صرفاً از موضع شخصی نیست بلکه ادامه این روند بر خلاف منافع ملی کشور ارزیابی می شود. در شرایط کنونی تغییر دولت نهم به گفتمان و مطالبه ملی تبدیل شده است و گسترش این گفتمان، تغییر دولت نهم را محقق می سازد.

اضافه کردن این توضیح در اینجا می تواند مفید باشد که چرا در شرایط ایران تحریم ها به نتیجه مطلوب خود نمی رسد؟ زیرا همواره دست کم ۴۰ تا ۵۰ درصد مردم در انتخابات شرکت می کنند و در این شرایط حاکمان با حفظ موقعیت خود به سادگی می توانند نتایج انتخابات را مدیریت کنند. برای نمونه لازم است یاد آوری کنم که چگونه احمدی نژاد بر کرسی ریاست جمهوری نشست. پیش از ریاست جمهوری در انتخابات شورای شهر دوم که کاملاً آزاد بود و حتی کاندیدا های نهضت آزادی و ملی مذهبی ها هم تایید صلاحیت شدند، مردم در انتخابات حضور کم رنگی داشتند و در تهران فقط حدود ۱۱ درصد شرکت کردند. در نتیجه گروه ناشناخته آبادگران تمام کرسی های شورای شهر تهران را به خود اختصاص دادند. شورای شهر تهران آقای

^۱گفتگوی محمد توسلی با سایت خرابات - سید غلامرضا هزاوه ای - ۱۳۸۸/۳/۱۶

احمدی نژاد را برای شهرداری منصوب کرد و وی نیز از تمام امکانات شهرداری تهران برای دستیابی به اهداف خود به عنوان سکوی پرش استفاده کرد. در انتخابات ریاست جمهوری نهم نیز کاندیدا های اصلاح طلبان پراکنده بودند و این باعث شد آقای هاشمی رفسنجانی و احمدی نژاد به دور دوم بروند. در دور دوم نیز باز هم با عدم شرکت کثیری از مردم و آرای سازمان یافته ای که به احمدی نژاد داده شد، وی رئیس جمهور شد. در واقع عدم حضور و شرکت اکثریتی از مردم در انتخابات شورای شهر دوم و همچنین در دور دوم انتخابات ریاست جمهوری نهم موجب شد که احمدی نژاد بر سرنوشت ایران حاکم شود و این سرنوشت رقت بار را برای کشور رقم بزند. از تجربه های گذشته باید استفاده کنیم و با حضور گسترده خود در انتخابات پیش رو دست کم به دولت نهم «نه» بگوییم.

به نظر می رسد در کشور ما آزادی انتخابات مورد خدشه است و انتخابات از آزادی، عدالت و سلامت حداقلی برخوردار است. همواره سخن از قلب و دست بردن در آراء چه در روز رای گیری و چه در هنگام شمارش آراء، شرکت کنندگان در انتخابات را بی انگیزه می کند. چنانچه فیلترینگ شورای نگهبان پیش از انتخابات نیز به این محدودیت ها اضافه شود، بسیاری را به این جمع بندی می رساند که در واقع انتخابات، قبلاً برگزار شده است و بسیاری از تحریمیان به این دلیل سخن از عدم شرکت می زنند که نتیجه بازی را از پیش تعیین شده می دانند و ترجیح می دهند در این بازی نابرابر، تنها تماشاگر باشند. در مقابل این استدلال تحریمیان چه پاسخی می توان داد؟

- باید با کسانی که نگاه تحریم به انتخابات دارند چند نکته را به روشنی مطرح کرد.
۱. کسانی که در این ۳۰ سال همواره انتخابات را تحریم کردند چه تاثیر و دستاوردی داشته اند. تحریم زمانی کارکرد دارد که عده زیادی را با خود همراه کنیم. یعنی لا اقل حدود ۷۰ درصد در انتخابات شرکت نکنند. در ایران که همیشه لا اقل ۵۰ درصد از واجدین شرایط در انتخابات شرکت می کنند، تحریم دستاوردی ندارد. به عکس با شرکت در انتخابات می توان حاکمان را با چالش روبرو ساخت و به هر حال تاثیر بیشتری بر تقویت فرایند دموکراسی در ایران گذاشت. تحولاتی که در این مدت رخ داده، ناشی از حضور و یا شرکت در انتخابات بوده است، نه تحریم.
 ۲. در انتخابات ریاست جمهوری سال ۷۶ حاکمیت، عملاً رئیس جمهور را تعیین کرده بود

و حتی وزرا نیز مشخص شده بودند. اما مردم با حضور پر رنگ خود نگذاشتند آنچه را که حاکمیت مورد نظرش بود محقق شود. تجربه تاریخی نشان داده است که حضور مردم تاثیر گذار بوده و می تواند تاثیر گذار باشد. ما می پذیریم که در شرایط کنونی انتخابات، آزاد و عادلانه نیست. زیرا نه مطبوعات آزادند و نه گردش آزاد اطلاعات وجود دارد، فیلتر شورای نگهبان وجود دارد، اما مردم می توانند از فرصت انتخابات استفاده کنند و ضمن آگاهی بخشی با شرکت در انتخابات به دولت نهم رای اعتراض دهند و «نه» بگویند.

۳. در ارتباط با سلامت انتخابات نیز کمیته صیانت از آراء و همچنین کمیته انتخابات آزاد، سالم و عادلانه شکل گرفته است و در یکی از آخرین بیانیه های خود از جمهوری اسلامی خواسته اند که علاوه بر ناظران کاندیداها، ناظران مدنی و آزاد نیز برای صیانت از آراء مردم حضور داشته باشند تا بتوانند بر انتخابات نظارت کنند. اگر نسبت به نظارت ناظران نهاد های بین المللی مشکلات و مخالفت هایی وجود دارد لاقلاً نهاد های مدنی داخلی که شکل گرفته اند بتوانند بر انتخابات نظارت کنند.

در مجموع برای تامین سلامت انتخابات دو اهرم وجود دارد یکی حضور گسترده مردم در پای صندوق های رای و دیگری صیانت و حفاظت از آرائی که مردم به صندوق ها می ریزند. در هر دوی این جهات باید تلاش کرد.

طیف گسترده ای از نخبگان سیاسی در دور دوم انتخابات نهم، فاجعه انتخاب احمدی نژاد را گوشزد کرده بودند. طیفی گسترده ای از راست سنتی حوزه تا احزاب و جریاناتی مانند ملی مذهبی ها و نهضت آزادی را در خود جای می داد. از آیت الله جوادی آملی تا دکتر یزدی. خلاصه همه و همه با تمام انتقاداتی که به عملکرد هاشمی داشتند از وی حمایت کردند و انتخاب احمدی نژاد را ناگوار قلمداد کردند؛ اما این حمایت گسترده نه به گوش مردم کوچه و بازار رسید و نه به گوش آنان رفت و نتیجه اش انتخاب احمدی نژاد شد. به نظر شما چه اقداماتی برای رساندن پیام نخبگان به بدنه جامعه باید صورت پذیرد تا در پس تحریم، این بار نیز اتفاق ۴ سال پیش تکرار نشود؟

دموکراسی یاد گرفتنی است. در انتخابات گذشته مردم یاد گرفته اند که چگونه از ابزار دموکراتیک به تدریج برای پیگیری مطالبات خود استفاده کنند. مجموعه فعالیت هایی صورت گرفته موجب شده این بار مردم و بسیاری از گروه های سیاسی اجتماعی که انتخابات گذشته را

تحریم کردند ، با نقد رفتار گذشته خودشان در این انتخابات شرکت کنند . بنابراین انتخابات پیش‌رو با انتخابات دور دوم ریاست جمهوری گذشته کاملاً متفاوت است.

برای رساندن صدای نخبگان به گوش مردم نیز باید ابزار اطلاع رسانی و آگاهی بخشی را توسعه داد. از وبلاگ ها، سایت ها و حتی ارسال پیامک و مجموعه ابزار هایی که به خصوص در سال های اخیر متداول شده است، می توان بهره جست. ضرورت حضور را باید بیش از پیش گوشزد کرد. در خارج از ایران نیز ایرانی ها در حال سازماندهی هستند تا برای رای اعتراض به احمدی نژاد به پای صندوق رای بیایند و در مجموع طلیعه مثبتی در حال شکل گیری است.

آخرین سخنرانی در جمع مردم پر شور رشت^۱

در آخرین ساعات تبلیغات قانونی دهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری، عصر روز چهارشنبه ۸۸/۳/۲۰، مهندس محمد توسلی، رییس دفتر سیاسی نهضت آزادی ایران، در جمع پر شور مردم رشت به ایراد سخنرانی پرداخت. وی خطاب به جوانان حاضر گفت: «اجازه دهید در فضایی آرام با شما که با موج سبز خودتان، شعار امید و نشاط و سرزندگی سرداده اید، بخشی از تجربیات گذشته خود را با شما در میان بگذارم.» وی افزود:

«برای آن که ببینید چرا در جامعه چنین موجی ایجاد شده است، توجه شما را به تاریخ صد ساله کشورمان، از زمان مشروطه تا کنون جلب می‌کنم. از آن زمان تا امروز، هرگاه رهبران اجتماعی مطالبات تاریخی مردم را مطرح کرده اند و به نیازهای طبیعی مردم پاسخ گفته اند، مردم چنین موج سبز و جنبش فراگیری را به وجود آورده اند. استقبال و تجمع شما هم دقیقاً به همین دلیل است که نامزد های اصلاح طلب از جمله آقای مهندس موسوی به این نیاز طبیعی شما پاسخ داده اند. اصلاحات می‌خواهد به چهار سال حکومت احمدی نژاد، که در عرصه های مختلف منابع انسانی و مالی کشور را تلف کرده و با آمارهای دروغین، ایران را بهشت برین تصویر می‌کند، و متأسفانه هنوز هم حاضر به اعتراف اشتباهاتشان نیستند، پایان دهد. «وی حرکت های مردمی این چنینی را واکنش طبیعی مردم در قبال این جریانات دانست و سپس به برنامه زنجیره سبز مردمی روز دوشنبه تهران، که از میدان تجریش تا میدان راه آهن تشکیل شده بود، اشاره کرد و افزود: «جمعیت میلیونی بیش از راهپیمایی های قبل از انقلاب، خیابان ولیعصر تهران را فراگرفته بود. ویژگی این موج و زنجیره سبز این بود که آحاد ملت به طور طبیعی و خودجوش، با پای پیاده یا وسایط نقلیه شخصی و عمومی در آن شرکت نمودند. در مقابل، اجتماعی از طرفداران احمدی نژاد نیز در مصلاهی تهران گرد هم آمده بودند که با اتوبوس های نهادهای نظامی و وابسته به دولت، از نقاط مختلف تهران و شهر های اطراف آن جمع آوری شده بودند، به طوری که این اتوبوس ها منطقه مصلا و اطراف آن را پر کرده بود. در حالی که شرکت کنندگان در زنجیر سبز، پس از پایان برنامه تا کیلومترها با پای پیاده محل را ترک نمودند و این نشانگر آن است که هیچ نهاد یا ارگانی ایشان را گردآوری نکرده و هیچ

^۱گزارش سخنرانی محمد توسلی در ستاد حامیان مهندس موسوی در رشت - ۱۳۸۸/۳/۲۰

هزینه عمومی ای برای برگزاری این مراسم انجام نشده بود. « وی تأکید کرد: « چنین اجتماعی هرگز قادر نخواهند بود با جنبش شما مقابله نمایند و شما پیروز این میدان خواهید بود.» وی در ادامه، به دلایل ضرورت شرکت گسترده و حضور مؤثر در انتخابات پرداخت و گفت: « انتخابات سازوکاری مهم در راه تحقق دموکراسی است. همه ما باید تلاش کنیم تا ملت در پای صندوق های رأی حاضر شوند و میزان مشارکت مردم هرچه بیشتر، افزایش یابد. تنها در این صورت است که احمدی نژاد حتی با مدیریت انتخابات نیز نمی تواند حائز اکثریت آرا گردد.» وی در ادامه، سه گام مهم برای تحقق این هدف را چنین برشمرد: « گام اول متقاعد کردن آحاد جامعه برای حضور در انتخابات و رأی به یکی از نامزدهای اصلاح طلب است. گام دوم آن است که ستادهای انتخاباتی با دقت و هوشیاری، با سازماندهی مردم برای نظارت بر حوزه های اخذ رأی از تخلف های محتمل جلوگیری نمایند و سلامت انتخابات را با نظارت خویش تضمین کنند و گام سوم؛ تحمل و احترام به طرفداران سایر نامزدهاست. تجربه خوب این انتخابات آن است که گروه های اجتماعی مختلف با نظرهای متفاوت، ضمن حفظ خویشتنداری جمعی، از ابزار خشونت برای رسیدن به اهداف خود استفاده ننمودند. تجربه کشورهای مشابه نظیر مالزی و ترکیه نیز نشانگر آن است که اولین اقدام برای نهادهای دموکراسی، تحمل عقیده مخالف و معتقدان به آن است.» وی در پایان اظهار امیدواری نمود که با شکل گیری این فرایند در جامعه، بتوانیم شاهد ایرانی آباد، آزاد و سربلند باشیم.

تحلیل داده های اعلام شده انتخابات ریاست جمهوری دهم^۱

بیاید ابتدا نتایج انتخابات ریاست جمهوری دوره نهم را بررسی کنیم. می بینیم که درصد آرای احمدی نژاد در دور اول به طور میانگین ۱۹.۵ درصد آرای کل با انحراف معیار ۱۱ درصد بوده است. انحراف معیار نشان دهنده مقدار انحراف اعداد از میانگینشان است. هر چه این عدد کوچکتر باشد اعداد به هم و به میانگین نزدیکترند. حداقل درصد رای احمدی نژاد ۵.۵ درصد در استان بلوچستان و بیشترین درصد ۵۳ درصد در استان قم بود. اختلاف بین این دو عدد هم یک معیار دیگر برای تفاوت اعداد از هم و از میانگینشان است. در دور دوم آرای احمدی نژاد ۶۱ درصد آرای کل با انحراف معیار ۷ درصد و با حداقل درصد رای ۴۴ درصد در استان بلوچستان و بیشترین درصد رای ۷۳ درصد در استان قم بود. بنابراین در انتخابات ریاست جمهوری دوره نهم انحراف معیار از مرتبه ۱۰ درصد بوده است. اختلاف کمترین و بیشترین نزدیک ۴۰ درصد بوده است.

در دوره دهم انتخابات ریاست جمهوری وزارت کشور در چند نوبت تعداد آراء چهار نامزد انتخابات ریاست جمهوری را اعلام کرد. نتایج اعلام شده در جدول زیر آمده است:

^۱ یادداشت محمد توسلی با استفاده از نظرات کارشناسی دریافت شده

جدول ۲ تعداد آراء چهار نامزد انتخابات ریاست جمهوری

	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	نویت نامزد
۲۴.۵۲۷.۵۱۶	۷.۰۲۷.۹۱۹	۱۰.۲۳۰.۴۷۸	۱۴.۰۱۱.۶۶۴	۱۵.۹۱۳.۲۵۶	۱۶.۹۷۴.۳۸۲	۱۸.۳۰۲.۹۲۴	۱۸.۷۸۷.۷۶۶	۱۹.۷۶۱.۴۳۳	۲۱.۷۸۱.۳۹۱	۲۴.۵۲۷.۵۱۶	احمدی نژاد
۶۷۸.۲۴۰	۱۶۲.۰۰۰	۲۵۹.۴۵۶	۳۹۷.۱۷۷	۴۷۰.۵۲۹	۵۰۸.۷۹۶	۵۷۰.۱۷۴	۵۹۴.۸۶۴	۶۳۲.۰۴۸	۵۷۸.۹۱۳	۶۷۸.۲۴۰	رضائی
۳۳۳.۶۳۵	۸۸.۴۷۴	۱۳۲.۹۳۵	۱۸۵.۵۷۸	۲۱۲.۸۵۵	۲۲۸.۴۳۱	۲۴۸.۴۳۱	۲۵۷.۰۶۱	۲۷۰.۸۵۵	۲۹۸.۷۹۸	۳۳۳.۶۳۵	کروبی
۱۳.۲۱۶.۴۱۱	۲.۹۹۵.۱۳۱	۴.۶۲۸.۹۱۲	۶.۵۷۵.۸۴۴	۷.۵۲۶.۱۱۷	۸.۱۲۴.۶۹۰	۸.۹۲۹.۲۳۲	۹.۲۶۹.۹۹۸	۹.۸۴۱.۰۵۶	۱۱.۷۰۹.۳۹۱	۱۳.۲۱۶.۴۱۱	موسوی
۳۹.۱۶۵.۱۹۱	۱۰.۲۳۴.۴۳۱	۱۵.۲۵۱.۷۸۱	۲۱.۱۷۰.۲۶۳	۲۴.۱۲۲.۷۷۷	۲۵.۸۳۶.۲۹۹	۲۸.۰۵۰.۷۶۱	۲۸.۹۰۹.۶۸۹	۳۰.۵۰۶.۴۲۲	۳۴.۳۷۷.۴۹۳	۳۹.۱۶۵.۱۹۱	کل

در صورتی که بپذیریم این آراء صحیحند، انحراف معیار نسبت آراء احمدی نژاد به آرای کل در دوره دهم از مرتبه ۱ درصد است. این یعنی در دوره دهم نتیجه انتخابات در تمام ایران نسبت به دوره قبل ۱۰ برابر یکنواخت تر شده است. خوب است توجه کنیم که انحراف معیار آرای احمدی نژاد در هر دو مرحله انتخابات ریاست جمهوری در دوره قبل از مرتبه ۱۰ درصد بوده است. یعنی بر خلاف دوره قبل که نظر رای دهندگان در نقاط مختلف فرق فاحشی داشت، در این دوره این نظرها در تمام ایران به شدت یکسان شده اند. یادآوری میشود آراء اعلام شده در نوبت های متفاوت نتیجه گزارشهای رسیده از حوزه های متفاوت است، زیرا طبیعتاً نتایج حوزه های کوچکتر سریعتر گزارش میشوند. چرا اختلاف نظر رای دهندگان در دو دوره باید ده برابر کوچکتر شود؟

به این موضوع میتوان از طریق دیگری هم نگاه کرد. نکته قابل توجه این است که اگر آراء هر دو نامزد را نسبت به هم در یک نمودار رسم کنیم، از نقاط به دست آمده با دقتی باورنکردنی میتوان یک خط راست گذراند. به زبان آمار، انحراف از خط راست نزدیک ۰۰۱۰۰ است. توجه داریم که در شمارش آراء صندوق های نقاط مختلف کشور شمارش شده اند. وقتی که انحراف از مرتبه ۰۰۱۰۰ است یعنی تمام نقاط کشور با دقت شگفت آوری شبیه هم هستند. در این بررسی، به دلیل تناقضی که در آراء رضائی در نوبت ۸ و ۹ دیده میشود، تنها داده های ۶ نوبت اول در نظر گرفته شده اند.

اگر این منحنی ها را به فردی که تجربه گر یا کارشناس تحلیل داده ها باشد نشان دهیم جواب این است که این کار عددسازی است. در واقع دانشجوئی مبتدی و ناآشنا با تحلیل داده ها اگر بخواهد سر مربی آزمایشگاهش را کلاه بگذارد ممکن است دچار همین خطا شود. یعنی اول یک خط میکشد و سپس چند نقطه روی آن انتخاب می کند.

در اینجا هم به نظر می رسد همین کار صورت گرفته یعنی ابتدا خطی رسم شده و سپس چند نقطه از خطی که قبلاً رسم شده جدا شده و به عنوان تعداد آراء اعلام شده. توجه داریم که تعداد آراء اعلام شده از استان ها و حوزه های متفاوت است، و مطابق دوره های گذشته انتظار داریم که اعداد اعلام شده افت و خیز داشته باشند. این هم یکی از عجایب این انتخابات است. یادمان نرفته که در دوره قبل مثلاً رتبه احمدی نژاد در طول شمارش آراء تغییر زیادی کرد به طوریکه در نهایت در مرحله اول نفر دوم شد. بنابراین رشد خطی با این دقت بسیار عجیب و بهت آور است.

داده ها و خطهای رسم شده در زیر آمده اند. در شکلها R (Regression) معیار نزدیکی به خط راست است، که دیده میشود به طرز عجیبی نزدیک ۱ (خط دقیقاً راست) هستند.

نا گفته هایی از شهید رجایی^۱

رفاقتش با رجایی نه از سالهای انقلاب که به دهه ۴۰ بر میگردد و مدرسه کمال و مسجد هدایت. این رفاقت صورت همکاری هم به خود گرفت رجایی نخست وزیر بود توسلی شهردار تهران. رجایی به او قول هماهنگی دولت و حمایت از شهرداری را داده بود که به گفته توسلی به علت شرایط آن روز کشور این امر محقق نشد.

محمد توسلی متولد ۱۳۱۷، عضو شورای مرکزی و رئیس دفتر سیاسی نهضت آزادی ایران است. او سال ۳۵ وارد دانشکده فنی دانشگاه تهران شد و سال ۴۱ برای ادامه تحصیل به آلمان و سپس برای ادامه تحصیل به آمریکا رفت. او که اولین شهردار تهران پس از انقلاب بود، سابقه دوستی طولانی با شهید رجایی در قبل و پس از انقلاب دارد. در همین راستا گفتگویی با ایشان در رابطه با شهید رجایی و سابقه دوستی ایشان ترتیب داده شده است که نظر شما را بدان جلب می کنیم.

جناب مهندس توسلی، با توجه با اینکه در آستانه سالگرد شهادت رجایی و با هنر هستیم و با توجه به سابقه طولانی دوستی شما و رجایی و سمت شهرداری شما در دوران نخست وزیری وی، لطفا در مورد سابقه این دوستی و شناخت شما از رجایی توضیح دهید.

من هم از اینکه به مناسبت سالگرد شهادت رجایی و دکتر باهنر چنین گزارشی را تهیه می کنید، استقبال می کنم. حدود سال های پایانی دهه ۳۰ که بنده در دانشکده فنی دانشگاه تهران دانشجو بودم، در انجمن اسلامی دانشجویان با شهید رجایی آشنا شدم. ایشان، شخصیت ویژه فرهنگی داشتند که با مرحوم دکتر سحابی در دبیرستان کمال همکاری داشتند و در مدارس مشابه مثل هنرستان کارآموز انجمن اسلامی مهندسين هم به عنوان دبیر فرهیخته تدریس می کردند و علاوه بر تدریس، تاثیرات فرهنگی و اجتماعی بسیاری بر مخاطبین خودشان یعنی دانش آموزان داشتند. مرحوم رجایی دارای شخصیت کاملاً آرام و متینی بودند که با انجمن اسلامی دانشجویان، همکاری نزدیکی داشتند.

لطفا از بازداشت و زندانی شدن خودتان و شهید رجایی بفرمائید.

در سال ۱۳۵۰ که اعضای سازمان مجاهدین خلق، شناسایی و بازداشت می شوند، یکی از کسانی که کمکهای جدی و قابل ملاحظه ای به خانواده ها و زندانیان سازمان مجاهدین می دهد،

^۱گفت وگویی مهندس توسلی با مهرداد قربانی خبر نگار روزنامه فرهیختگان - ۱۳۸۸/۶/۷

ایشان بودند و به خصوص با حضور ایشان در دبیرستان رفاه که با مرحوم دکتر باهنر هم آنجا کار فرهنگی داشتند، این نوع نهادهای فرهنگی به تدریج پایگاهی بود برای جمع آوری کمک های مالی و حتی لجستیک مثل خانه های امن برای اعضای سازمان مجاهدین خلق. کمتر کسی در آن شرایط حساس این آمادگی را داشت که مسئولیت و هزینه های این نوع کمک ها را به سازمان مجاهدین قبول کند، که این همکاری ها کاملاً شخصیت ویژه ایشان را که اهل ایثار و فداکاری در راه حق بودند، کاملاً به تصویر می کشد.

من نیز در کنار آقای مهندس سحابی و آقای هاشمی رفسنجانی، در ارتباط با کمک به سازمان مجاهدین بازداشت و یک سالی در سال ۵۰ در زندان بودم. وقتی از زندان آزاد شدم، بعد از مدتی در هسته ای سه نفره با آقای مهندس لطف اله میثمی که ایشان هم بعد از دو سال آزاد شدند و مرتبط به سازمان مجاهدین بودند، ارتباطی با بنده و مرحوم رجایی داشتیم و آن هسته سه نفره از سال ۵۲ تا سال ۵۳ در ارتباط و همکاری بود. همسر شهید رجایی نقش موثری در تنظیم ارتباط این هسته داشتند که در آن شرایط مخفی کار هماهنگی را برای جلسات ما انجام می دادند.

مرحوم رجایی در اثر اشتباه یکی از اقوام شان، در اوایل سال ۵۳ بازداشت شدند. به رغم شکنجه های شدیدی که ساواک روی ایشان اعمال می کند و مدت زیاد سلول انفرادی، ایشان هیچ گونه اطلاعی از همکاری های گذشته شان و ارتباطی که با بنده و آقای مهندس میثمی داشتند، بازگو نمی کنند. بنابراین ما می توانیم در خارج حفظ شویم و به خدمات خودمان ادامه دهیم. مهندس میثمی هم همانطور که در گزارشات آمده، در یک انفجار در یک خانه تیمی مجروح و به قسمتی از بدنشان یعنی دست و چشم شان آسیب می رسد، که بینایی شان را از دست می دهند. شهید رجایی در زندان با توجه به اینکه سوابق خودشان را با سازمان مجاهدین را بازگو نکردند، در زندان برایشان شرایط ویژه ای به وجود آمد که از اشتباهات سازمان مجاهدین این بود که افرادی که نمی خواستند زیر مجموعه ی سازمانی قرار بگیرند، در زندان خدماتی در اختیار شان نمی گذاشتند و یا مورد تحقیر قرار می گرفتند. که این در مورد روحانیون بزرگی مثل مرحوم ربانی و آیت الله منتظری و یا مرحوم آیت الله طالقانی که در زندان بودند صادق بود. که این اشتباه راهبردی سازمان هزینه های سنگینی را در زندان و پس از انقلاب بر جامعه ی ما تحمیل کرده که نیاز به این دارد که به لحاظ تاریخی باز شود که من در گفتگوهای دیگری ابعاد آن را توضیح داده ام.

محمد علی رجایی و نهضت آزادی ایران و حزب جمهوری اسلامی پس از انقلاب. از شهید رجایی پس از انقلاب بگوئید.

در آستانه پیروزی انقلاب تمامی زندانیان از جمله مرحوم رجایی آزاد شدند. همانطور که می دانید ایشان هم عضو انجمن اسلامی دانشجویان و هم عضو نهضت آزادی ایران بودند. ایشان تا پایان سال ۵۸ عضو رسمی نهضت آزادی ایران بودند. همزمان با جدا شدن مهندس سبحانی در اواخر سال ۵۸، به لحاظ تشکیلاتی از نهضت جدا شدند، اما مانند مهندس سبحانی و دیگر دوستانی که از نهضت جدا شدند و برخلاف سایر انشعاب ها که در مقابل هم قرار می گیرند، همیشه ارتباط، همفکری و دوستی شان را با نهضت حفظ کردند.

پس از انقلاب، در فضای ویژه سیاسی که بوجود آمد، مرحوم رجایی با شهید دکتر بهشتی و با مجموعه حزب جمهوری اسلامی ارتباط نزدیک تری را به تدریج بوجود آوردند، به طوری که از سوی حزب جمهوری اسلامی ایشان برای تصدی نخست وزیری انتخاب شدند.

پس از پیروزی انقلاب بنده از طرف دولت موقت به سمت شهردار تهران انتخاب شده بودم. زمانی که دولت موقت استعفا داد و دولت شورای انقلاب در دوران آقای بنی صدر تشکیل شد، بنده استعفا دادم تا دست آقای بنی صدر در انتخاب شهردار تهران باز باشد. ایشان هم در هر حال استعفای بنده را نپذیرفتند و خواستند که من به خدمات خودم در شهرداری تهران ادامه دهم.

شما در زمان شروع نخست وزیری شهید رجایی هم استعفا دادید و باز شما در آن سمت حفظ شدید و مدتی پس از شروع جنگ دوباره استعفا دادید و ازین پست کناره گیری کردید. در این باره هم توضیح دهید.

وقتی شهید رجایی نخست وزیر شدند، من از شهید رجایی نیز خواستم با استعفایم موافقت کنند و در جلسه ای که حدود سه چهار ساعت در ساختمان آموزش و پرورش داشتیم خواستم ایشان را متقاعد کنم که ادمه فعالیت بنده در شهرداری تهران به مصلحت شهر تهران نیست. چرا که شهردار تهران که منتخب مردم شهر نیست می بایست با دولت هماهنگ باشد. و این هماهنگی به سرعت قابل تحقق نبود. ایشان قول دادند که تمام امکانات دولت را بسیج کنند و هماهنگی وزرا را با مدیریت شهر تهران تضمین کنند. بنده هم پذیرفتم و مسئولیت خودم را در دولت شهید رجایی ادامه دادم.

خاطره ای از ایشان در زمانی که سرپرست آموزش و پرورش بودند و من در شهرداری تهران

بودم، عنوان می‌کنم. اعتماد ایشان به لحاظ مدیریتی به بنده در حدی بود که وقتی بنده یک پیشنهاد کارشناسی می‌کردم با طیب خاطر و اعتماد می‌پذیرفتند. ما شهر تهران را به ۲۰ منطقه تقسیم کردیم که خدمات شهر در مناطق مختلف متمرکز شود و این پیش‌نیاز تشکیل شوراهای و مدیریت تقاضای ترافیک بود که بتوان از سفرهای زائد شهری جلوگیری کرد و بتوانیم کاهشی در تراکم ترافیک شهر تهران داشته باشیم.

ازین رو از ایشان خواستم مناطق آموزش و پرورش را هماهنگ با تقسیم‌بندی جدید مناطق شهری بکنند که ایشان پذیرفتند و دستورش را دادند. ما این برنامه ریزی را کرده بودیم که درمورد بقیه خدمات شهری نیز این هماهنگی را ایجاد کنیم که امروز و پس از قریب به سی سال دیگر ادامه‌ی این فکر و در واقع این مبنای علمی که مدیریت تقاضای ترافیک است، انجام نشده است. این خاطره را از آن دوران عرض می‌کنم که این ارتباط نزدیک و دوستی ایشان را نشان دهم. پس از شروع جنگ و در آن دوران هماهنگی‌ها تا حدودی صورت گرفت. اما دو مورد خاص پیش آمد که نشان داد که ایشان هم قادر نبودند که این هماهنگی را فراهم کنند. یکی در ارتباط با ستاد بسیجی بود که ما در شوراهای محله شهر تهران داشتیم و برای پشتیبانی جبهه کمک می‌کردیم. از وزارت کشور به ما گفتند که شما حق ندارید در زمینه‌ی کمک به جبهه فعالیت کنید. جلساتی در وزارت کشور در زمان آیت‌الله مهدوی کنی داشتیم، در جاهای دیگر هم گفتم، که متأسفانه ایشان در جلسه‌ای با حضور دو معاون خود مرحوم زواره‌ای و آقای میرسلیم، صریح به ما و همکاران ما گفتند که شما در شهر تهران فقط زباله شهر را جمع کنید و دیگر به هیچ کاری کار نداشته باشید. خوب این واکنش برای همکاران ما بسیار سنگین بود در قبال وظایف سنگینی که مدیریت شهر تهران در خدمات گسترده شهر مسئولیت داشت و برنامه ریزی‌های راهبردی که در شهر تهران صورت گرفته بود کاملاً غیر منتظره بود.

مورد دیگر پروژه‌ی مترو بود که ما از همان روزهای ابتدایی پس از انقلاب این پروژه را به عنوان یک ضرورت برای شهر تهران مدیریت کرده بودیم و موانع را برطرف کرده بودیم. در آن زمان یکی از وزرا تاکید داشتند در حالی که مردم سیستان و بلوچستان در یک شرایط نامساعد زندگی می‌کنند درست نیست که در تهران پروژه‌ی مترو دنبال شود. ما گفتیم نمی‌خواهیم هیچ اعتباری از دولت و اعتبار عمومی استفاده کنیم و از اعتبار شهر تهران استفاده می‌کنیم. کار کارشناسی انجام دادیم و گزارش کارشناسی مفصلی هم به کمیسیون فنی دولت دادیم، همه قانع

شدند اما باز چنین مخالفتی تکرار شد، اخیراً متوجه شدیم که مشکل این بود که نمی توانستند تحمل کنند یک عضو شناخته شده نهضت آزادی ایران، تصدی مدیریت شهر تهران را داشته باشد، در حالی که هرگز خدمات شهری را با مسائل سیاسی مخلوط نکردیم و حتی من با نهضت ارتباطم را در این دوره قطع کرده بودم که در فعالیت های شهر تهران متمرکز باشم.

وقتی مرحوم رجایی نتوانست این همکاری را هماهنگ کند، بنده در دیماه ۵۹ دیداری با رهبر فقید انقلاب داشتم و یک گزارش فشرده از مشکلات شهر به ایشان دادم و خواهش کردم به هر حال استعفای بنده را بپذیرند، چون ادامه فعالیت ما به نفع مردم شهر تهران نیست. ایشان توصیه کردند که بهتراست که گفتگو کنید و مسائل را حل کنید. بنده هم عین مطالب را در مصاحبه ای مطرح کردم که در روزنامه های وقت منتشر شد. روز بعد آیت اله مهدوی کنی با استعفای من موافقت کردند و بنده هم طی جلسه ای مدیریت شهر تهران را به آقای زواره ای تحویل دادم، در حالی که صندوق شهرداری تهران در آن شرایط بحرانی حدود ۶۰۰ میلیون تومان موجودی داشت.

پیامد شهادت رجایی را امروز چگونه ارزیابی می کنید

شهید رجایی با توجه به شرایط ویژه ی سیاسی که در آن سال ها بود، همانطور که در جلسه خصوصی نیز به بنده گفتند، احساس تکلیف کردند که این مسئولیت را بپذیرند. به هر حال کسانی که تداوم انقلاب را به صورت مسالمت آمیز و مردمی و با حضور رأی مردم برنمی تابیدند، عملاً خشوشت را در این دوره بر جامعه ما حاکم کردند و یک جریانی را که تفکر ویژه ای دارد که خشونت ورزی عنصری از تفکر آنهاست، متأسفانه در جامعه ی ما حاکم شود و نگذارد اصول و آرمان انقلاب در یک فرآیند تدریجی پیاده شود و مردم بتوانند به مطالبات تاریخی شان که از انقلاب مشروطه و بعد نهضت ملی ایران آغاز شده بود و در انقلاب اسلامی سال ۵۷ با فرهنگ اسلامی پیوند خورده بود دست پیدا کنند. پس از سی سال، کسانی با ادعای پیروی از منش رجایی تصدی دولت نهم را داشتند و امروز در دولت دهم هم همان فرهنگ خودشان را دنبال می کنند، در حالی که به نظر بنده و بسیاری که با شهید رجایی از نزدیک همکاری داشتند، خصوصیات مدیران دولت نهم سنخیتی با شخصیت و منش شهید رجایی ندارد و این یک نوع مصادره تاریخی ست از شخصیت هایی که در ابتدای انقلاب جزو خدمتگزاران انقلاب بودند. ان شاء الله شما هم بتوانید در معرفی شخصیت هایی که ریشه در تاریخ انقلاب اسلامی دارند

و از سال های قبل از انقلاب پایداری خودشان و مبانی اعتقادی خودشان را در جهت اسلامی و ملی نشان دادند، معرفی کنید و این خدمتی ست در جهت آگاه کردن نسل جوان امروز جامعه ی ما.

در ادامه ی توضیحاتی که فرمودید می خواستم بازهم از منش شهید رجایی و این بار در مورد مبنا و ریشه های آن بپرسم. به نظر شما در شاخصه های که فرمودید و در منش و روش شهید رجایی، اگر بخواهید در مورد ریشه های فکری ایشان توضیح دهید چگونه به آن می پردازید و توضیح می دهید؟

شهید رجایی، ریشه ی تفکراتشان در انجمن های اسلامی دانشجویان هست. ایشان عضو نهضت آزادی ایران بودند. بنابراین مبنا ی فکری ایشان با روشنفکران دینی پیوند دارد. اگر افرادی مانند شهید رجایی یا آقای مهندس میرحسین موسوی با حزب جمهوری اسلامی به دلایل خاص همکاری کردند، آن مبانی اندیشه خودشان را از دست ندادند. مرحوم رجایی که شهید شدند، اما امروز می بینیم که آقای مهندس موسوی همان مبانی را که اعتقاد به کرامت، آزادی و اختیار انسان است را باور دارد و باور دارد که انسان بایستی بر سرنوشت خویش حاکم باشد. این ارزش ها در خمیر مایه ی تفکر مرحوم رجایی وجود داشت و به اتکای باورهای دینی و هم تجربیاتی که در مبارزات ملی داشتند این دو بال تفکر دینی و زمینه های مبارزات ملی را با یکدیگر عجین کرده بودند و انسجامی در شخصیت شان بود که اگر شهید نشده بودند، به نظر بنده امروز مثل مهندس موسوی نهایتاً وقتی با این نوع انحرافات که در انقلاب بوجود آمده، احساس خطر می کردند و به میدان می آمدند و به نوعی به همان تفکرات تاریخی خودشان در مبارزات حضور پیدا می کردند.

ممنون از توضیحات شما. لطفاً در مورد زمانی که خبر شهادت را شنیدید توضیح دهید.

چه زمانی بود و به چه طریقی؟

خبر را از طریق رسانه ها مطلع شدیم. بسیار متاسف شدیم. شهریور ۶۰ و در این فضای سیاسی ملتهب خیلی از نیروها دنبال این بودند که تسویه حساب های سیاسی انجام دهند. به خوبی به خاطر دارم که در یک جلسه کوچک که مرحوم مهندس بازرگان و مرحوم دکتر یدالله سبحانی و آقای دکتر یزدی و چند نفر از دوستان دفتر سیاسی نهضت بودیم، بیانیه ای صادر شده که با این آیه ی قرآن شروع شده: «واتقوا فتنة لا تصیبن الذین ظلموا منکم خاصة. بپرهیزید از

فتنه‌هایی که اگر دامنگیر جامعه شود، تر و خشک را باهم می‌سوزاند».

بنابراین در این نوع حوادث نباید فرصتی برای بدخواهان فراهم آورد که تسویه حساب‌های سیاسی خودشان را انجام دهند. این وقایع در سال شصت باعث شد، شرایط بحرانی پدید آید و فضای سیاسی جامعه بسته شود و ما از آرمان‌های اولیه انقلاب دور شویم و کسانی که این خشونت‌ها را بر جامعه‌ی ما تحمیل کردند، به عنوان مسئول دور شدن انقلاب از تحقق آرمان‌های اصیل انقلاب باید مورد ارزیابی قرار بگیرند.

پس از انفجار دفتر نخست‌وزیری، افرادی چون آقای بهزاد نبوی و برخی کسانی که با ایشان همکاری نزدیک داشتند مورد اتهاماتی قرار گرفتند. پس از حضور امام در این صحنه ما شاهدیم این تهمت‌ها پایان نگرفت و حال پس از گذشت مدت‌ها با توجه به شرایط خاص امروز باز این اتهامات قوت گرفته و به آن دامن زده می‌شود. می‌خواهم نظر شما را به عنوان مورد آخر در این باب بدانم.

من در موضع قضاوت نمی‌توانم بنشینم. کسانی که مدعی هستند، بایستی مدارک و مستندات خود را به دادگاه صالحه ارائه کنند و دادگاه بتواند رسیدگی کند. اما آن چیزی که من به لحاظ سیاسی می‌توانم در این زمینه اظهار نظر کنم اینست که اگر کسانی این ادعا را دارند و حال بعد از سی سال این ادعا را تکرار می‌کنند، بیان این واقعیت است که این پرونده سازی‌ها، جایگاهی ندارد و اگر دلایل و مستندات برای این نوع ادعاها داشتند تا به حال در یک دادگاه صالحه مطرح می‌کردند و نتیجه آن مشخص می‌شد. تحلیل تاریخی ما اینست که آن کسانی که در آن شرایط بحرانی کلاهی‌ها و کشمیری‌ها را مهره سازی کردند و در حزب جمهوری اسلامی و نخست‌وزیری وارد کردند که چنین کاری را انجام دهند و وقتی آنها این بمب‌شان را منجر کردند ما باید مطمئن باشیم که آن جریان‌ها بمب‌های مشابهی را در این سی سال در درون نظام حفظ کردند و این مشکلات که امروز در درون انقلاب شاهد هستیم، همین بمب‌هایی هست که تا کنون منفجر نشده و در حال ضربه زدن به مبانی انقلاب، آرمان‌های انقلاب و تیشه زدن به اصل نظام هستند. به نظر من کسانی که امروز فعالان جنبش اصلاحات از جمله سازمان مجاهدین انقلاب و جبهه مشارکت را، با این روش‌های غیرقانونی بازداشت کردند، در شرایط سخت سلول انفرادی که از مصادیق بارز شکنجه است، نگهداری می‌کنند و در این دادگاه‌هایی که بر اساس اظهار نظر کارشناسان حقوقی با نقض اصول قانون اساسی و قوانین موضوعه در حال برگزاری است، خود

این اعمال هم به نوعی عملکردش به مانند آن بمبی ست که کلاهی یا کشمیری منفجر کردند و نتیجه اش جز ضربه زدن به اعتبار انقلاب و نظام — به نظر بنده — حاصلی ندارد.

با تشکر از توضیحاتی که دادید و با امید به اینکه در زمانی مناسب دیگری بتوانیم با شما به موضوعات مهم دیگری که ازین گفتگو دور ماند پردازیم و با تشکر از وقتی که به من و سوالاتم اختصاص دادید، در پایان اگر صحبتی هست بفرمائید.

من هم از شما و همکارانتان تشکر می کنم.

استقبال از برنامه مهندس موسوی^۱

محمد توسلی در گفت‌وگو با خبرنگار ایلنا در ارزیابی خود از بیانیه اخیر مهندس موسوی گفت: راهکارهای ارائه شده در این بیانیه محورخط مشی و برنامه همه اصلاح طلبان است که در چارچوب قانون اساسی و فعالیت علنی، مسامت آمیز و پرهیز از خشونت و در راستای تامین حقوق اساسی ملت ایران تدوین شده است.

رئیس دفترسیاسی نهضت آزادی ایران با بیان اینکه قانون اساسی میثاقی میان ملت و حاکمان است، اظهارداشت: در شرایط کنونی و در چارچوب همین قانون اساسی تحقق راهبردها و برنامه‌های اصلاح طلبان امکان پذیراست و میر حسین موسوی نیز بر همین مبنا این بیانیه را تنظیم و منتشر کرده است.

وی تاکید کرد: در سال های پس از پیروزی انقلاب اسلامی نیز نهضت آزادی همواره برالتزام به قانون اساسی تاکید داشته و در همین چارچوب نیز مطالبات مردم را پیگیری کرده است. توسلی ادامه داد: بر این اساس از طرح و برنامه‌های میر حسین موسوی استقبال می کنیم و برای توفیق ایشان و همه کسانی که در راه تحقق اصول و آرمان های اولیه انقلاب اسلامی، که همان مطالبات تاریخی ملت ایران است، تلاش می کنند دعا می کنیم.

رئیس دفترسیاسی نهضت آزادی ایران با بیان اینکه در بیانیه اخیر نهضت آزادی با عنوان "پیام امید به ملت ایران" نیز بر محورهای مشابهی که در بیانیه موسوی مطرح شده تاکید شده است، گفت: کسانی که اهداف و راهبردهای مشترکی دارند اگرچه مستقل عمل کنند اما خروجی و محور فعالیت آنها هماهنگ است.

توسلی در خصوص پیشنهاد میر حسین موسوی مبنی بر تشکیل کمیته حقیقت یاب برای بررسی انتخابات ریاست جمهوری و حوادث پس از آن، گفت: واقعیت امر این است که اکثریت چشمگیر ملت ایران به خصوص در بخش جامعه شهری و نخبگان جامعه اعم از دانشگاهیان، هنرمندان، اقتصاددانان، جامعه شناسان و فعالان سیاسی، اجتماعی و فرهنگی که در بیانیه های خود قبل از انتخابات ابتدا از خاتمی و سپس از موسوی و کروی حمایت کرده بودند، خواسته ی محوری آنان تغییر مدیریت اجرایی کشور بود و هیچ فرد منصفی این واقعیت را انکار نمی کند.

^۱گفتگوی محمد توسلی با خبرنگار خبرگزاری کار ایران (ایلنا) - ۱۳۸۸/۶/۱۶

اما آنچه که در رسانه ها پس از انتخابات مطرح شد عکس خواسته و مطالبه مردم بود و آنگونه وانمود می شود که این ۴۰ میلیون رای دهنده با حضور گسترده خویش در انتخابات از حاکمان حمایت کرده و بدنبال تداوم مدیریت اجرایی کشور بودند.

وی تصریح کرد: تحریف واقعیت بطور طبیعی وجدان عمومی جامعه را متاثر کرده و این را به نوعی توهین به شعور عمومی تلقی می کنند و بی شک پیامد آن سلب اعتماد از مدیریت اجرایی کشور است. اعتماد یک سرمایه اجتماعی است که اگر سلب شود قطعاً دولت در اجرای برنامه ها با مشکل روبرو خواهد شد.

این عضو شورای مرکزی نهضت آزادی خاطر نشان کرد: تشکیل کمیته حقیقت یاب و ارائه گزارش کارشناسانه به مردم می تواند در جهت بازیابی اعتماد مردم نقش موثری داشته باشد و پیش نیاز چنین برنامه ای همکاری دستگاه های اجرایی مختلف به ویژه قوه قضاییه است.

رییس دفتر سیاسی نهضت آزادی در خصوص اصول مغفول مانده قانون اساسی که میرحسین موسوی بر احیای آن ها تاکید دارد نیز گفت: اصول فصول سوم، پنجم و هفتم قانون اساسی؛ حقوق اساسی مردم و حاکمیت ملت رابه تفصیل بیان کرده است و تدوین کنندگان آن نیز کوشیدند مطالبات مردم پس از انقلاب مشروطه را که در انقلاب اسلامی نیز تبلور پیدا کرد، در این اصول منعکس کنند.

وی با اشاره به اصل ۵۶ قانون اساسی اظهار داشت: در این اصل تصریح شده است که: ”حاکمیت مطلق بر جهان و انسان از آن خداست و هم او، انسان را بر سرنوشت اجتماعی خویش حاکم ساخته است. هیچ کس نمی تواند این حق الهی را از انسان سلب کند یا در خدمت منافع فرد یا گروه خاص قرا دهد...” به همین دلیل مشروعیت حکومت ها موقوف به آراء مردم است و سایر اصول قانون اساسی نیز باید هماهنگ با این اصل تبیین و تفصیل شوند.

توسلی با اشاره به محور دیگری از اقدامات پیشنهادی مهندس موسوی برای آرامش جامعه و بیان این که طبق اصل ۱۶۸ قانون اساسی رسیدگی به جرائم سیاسی باید در دادگاه های عمومی، بصورت علنی و با حضور هیات منصفه و وکیل صورت گیرد، گفت: با گذشت سی سال از تدوین قانون اساسی و قانون احزاب هنوز قانون جرم سیاسی و هیات منصفه تدوین و اجرا نشده است. به همین دلیل افرادی که به اتهام اظهار نظر و انتقاد از عملکرد حاکمان اعم از گفتاری و نوشتاری بازداشت می شوند، رسیدگی به اتهامات آنها در دادگاه انقلاب صورت می گیرد که

این امر مصداق بارز نقض اصل ۱۶۸ قانون اساسی است. این عضو شورای مرکزی نهضت آزادی با اشاره به بندهای هشتم و نهم بیانیه میرحسین موسوی گفت: برای پیشگیری از انحرافات که در جامعه کنونی از قانون اساسی و آرمان های نخستین انقلاب پیش آمده است، پیگیری اقدامات پیشنهادی مهندس موسوی در این ۹ بند می تواند زمینه اجتماعی لازم را برای آرامش و اعتماد عمومی که پیشنیاز خروج از بحران های کنونی و اجرای برنامه های توسعه کشور است فراهم سازد.

شعارهای افراطی زمینه ساز سرکوب است^۱

اشاره: زمانی که تلاش‌های مصلحان برای اصلاح وضع موجود از مرحله نصیحت و نقد قانونی می‌گذرد، مردم به تدریج، با رشد و توسعه آگاهی، در میدان مبارزه سیاسی و اجتماعی حاضر می‌شوند. در این هنگام اعتراض‌های فردی نخبگان به اعتراض‌های جمعی تبدیل می‌شود. در این راستا سلاح نظام سیاسی یعنی زندان، فشار و ایراد اتهام علیه جمعیت‌های گسترده کار ساز نیست؛ به همین دلیل خاموش کردن جنبش مردم هر روز مشکل‌تر می‌شود. با حضور جمع گسترده مردم در میدان مبارزه سیاسی و اجتماعی، جنبش اجتماعی وارد مرحله حساس خود می‌شود. در این زمان کنشگران به شکل‌های مختلف دست به مبارزه می‌زنند که مهم‌ترین آن، اجتماع و راهپیمایی است. در این حضور به دو مفهوم اساسی «شعار» و «تحلیل» بر می‌خوریم که هر دو باید در نهایت آگاهی و دقت مورد توجه واقع شوند. از آنجا که «شعار» در مراحل اولیه هر حرکت اجتماعی مطرح می‌شود، اگر با دقت ارائه نشود، می‌تواند بخشی از ظرفیت نیروهای اجتماعی را به هدر دهد و حتی جمعیت‌ها را بسوی مسیرهای انحرافی سوق دهد. بنابراین شعار باید در تعقیب هدف‌های مشخص حرکت اجتماعی و معرفی آن باشد.

بر همین اساس یکی از مصداق‌های حرکت اجتماعی مردم ایران را در جنبش راه سبز که در جریان برگزاری انتخابات دهمین دوره ریاست جمهوری شکل گرفت در گفت و گو با مهندس محمد توسلی از وابستگان جریان فکری، سیاسی که در طول حیات یک صد ساله خود همواره بر هویت «ایرانیت» و «اسلامیت» ایرانیان تأکید داشته است به بحث گذاشته‌ام. چرایی ارائه تحلیل دقیق از راهپیمایی روز قدس، «جمعیت و ترکیب شرکت کنندگان» و «شعارهای مردم» از موضوع‌های مهمی است که ما را در چگونگی مواجهه رقیب برای سرکوب طرف مقابل در رویارویی کمک می‌کند.

اگر چه حامیان محمود احمدی‌نژاد و رسانه‌های وابسته به آنان میزان جمعیت راهپیمایی معترضین در راهپیمایی روز قدس را ابتدا کم ارزیابی کردند اما اگر بخواهیم گزارشی صادقانه از حضور حامیان جنبش سبز داشته باشیم باید بگوییم، از شش مسیری که برای راهپیمایی روز قدس در نظر گرفته شده بود، دو مسیر اصلی شاهد جمعیتی نه تنها هزاران نفری بلکه صدها هزار نفری بود که می‌شود گفت در شش مسیر بیش از یک میلیون نفر وابسته به حامیان جنبش راه سبز بودند. بافت و ترکیب جمعیت نیز نشان از جمعیت حدود هفتاد درصد جوان داشت. زنان حضوری گسترده داشتند. حضور افرادی که به دیدگاه‌های مختلف وابسته بودند

^۱گفتگوی محمد توسلی در باره شعارهای جنبش سبز - عبدالرضا تاجیک - ۱۳۸۸/۷/۲۰

نیز چشمگیر بود. از خانواده‌های محجبه و بصورت خانوادگی تا کسانی که حجاب معمولی داشتند. افراد مسن حضورشان برجسته بود. در مقابل به عنوان نمونه، در میدان هفت تیر و در ساعات ابتدایی، نیروهای انتظامی و لباس شخصی بصورت سازمان یافته مستقر بودند؛ نه تنها در میدان هفت تیر بلکه در تمام خیابان‌های منتهی به میدان هفت تیر این نیروها کاملاً مستقر بودند. جمعیت طرفدار دولت احمدی‌نژاد که در مقابل مسجد جواد واقع در میدان هفت تیر گرد آمده بودند، محدود اما مجهز به تجهیزات صوتی قوی بودند که در دستانشان پلاکاردهای يك دستي بود که بطور هماهنگ در سراسر کشور بصورت متمرکز و برنامه ریزی شده توزیع شده بود. استقرار مسئولان حکومتی راهپیمایی، ابتدا شکل گیری موج سبز را با مشکل مواجه کرد اما نیم ساعت طول نکشید تا موج جمعیت شکل گرفت و این مسیر طولانی با حضور کسانی که نماد سبز در دستشان بود و یا لباس سبز بر تن داشتند، پر شد.

آن چیزی که با توجه به ترکیب جمعیت حاضر در راه پیمایی جلب توجه می‌کرد، رفتار مدنی حامیان جنبش سبز با جمعیت سازمان یافته حامی دولت احمدی‌نژاد بود که بدون توجه به آنان، شعار خود را می‌دادند. زمانی که راهپیمایی موج سبز شکل گرفت، يك مقدار حالت انفعال در میان جمعیت سازمان یافته حامی دولت احمدی‌نژاد، مشاهده شد. در پی حضور حامیان جنبش سبز نیروی انتظامی رفتار مناسبی از خود نشان داد. حضور نیروی انتظامی و مسئولان حکومتی راهپیمایی روز قدس در اطراف دانشگاه تهران، محل برگزاری نماز جمعه به گونه‌ای بود که با رسیدن موج جمعیت حامیان جنبش سبز به مقابل پارك لاله در بولوار کشاورز، امکان ادامه مسیر و ورود به دانشگاه تهران توسط آنان سلب شد. انتشار گاز خردل در میان حامیان جنبش سبز در بولوار کشاورز که موجب برهم خوردن انسجام جمعیت شد، باعث نشد تا شعار علیه احمدی‌نژاد سر داده نشود. تا این زمان درگیری گسترده ای میان حامیان جنبش سبز و حامیان دولت احمدی‌نژاد رخ نداد اما بعد از ساعت ۳ بعد از ظهر در خیابان‌های منتهی به میدان هفت تیر درگیری‌هایی صورت گرفت که با شلیک گاز اشک‌آور همراه شد.»

راهپیمایی روز قدس در سال ۱۳۸۸ از آن جهت برای من و مهندس توسلی اهمیتی مضاعف یافت که به اجبار از نزدیک شاهد اعتراض‌های مدنی مردم پس از برگزاری انتخابات نبوده‌ایم. متن گفت و گو با مهندس محمد توسلی، رییس دفتر سیاسی «نهضت آزادی ایران» در پی می‌آید.

در خصوص راهپیمایی روز قدس و حضور طرفداران جنبش سبز، نظرات متفاوتی هم از سوی مسئولان جمهوری اسلامی و رسانه‌های وابسته به آنان و هم از سوی طرفداران این جنبش

ارائه شده است. با توجه به اهمیت این راهپیمایی که عملاً بعد از سه ماه فشار بر جنبش سبز و پس از انتخابات ۲۲ خرداد ۸۸ انجام شد، ارزیابی اتان از این اقدام چیست؟ حضور چشمگیر مردم در این راهپیمایی نشان داد که این فشارها تأثیرگذار نبوده و مردم به طور وسیع به دنبال مطالبات بر حق و قانونی خودشان هستند و نسبت به نتایج انتخابات اعتراض دارند. حضوری که بطور خودجوش و بدون سازماندهی بود.

این حضور بی سازمان و تنوع دیدگاه ها در جامعه و همچنین در جنبش اصلاحات، آیا خطری را متوجه این جنبش نمی سازد؟

طبیعت و نقطه قوت جنبش راه سبز که آقایان خاتمی، کروبی و موسوی معرفی کرده اند، حضور همه ایرانیان با دیدگاه های متفاوت در عرصه عمومی است. مطالبات مشترک در راستای منافع ملی که با تعامل میان همه افراد و گروه ها و با تأکید بر حداقل ها و پرهیز از خواسته های حداکثری شکل می گیرد راه را برای همکاری گسترده مردم هموار می سازد. احترام متقابل مردم با دیدگاه های متفاوت رمز موفقیت جنبش و پیشنیاز توسعه فرهنگی برای تحقق جامعه مردم سالار است. وضعیت اجتماعی و توسعه فرهنگی مردم مسلمان در کشورهایی مانند مالزی و ترکیه که موفق به دستیابی به توسعه اقتصادی و اجتماعی شده اند در این خصوص می تواند بسیار آموزنده باشد. در این کشورها مردم به عقاید و دیدگاه های یکدیگر احترام می گذارند و کوشش می کنند تا بر منافع ملی و مطالبات حداقلی مشترک تأکید داشته باشند. در ایران به نظر من مطالبات حداقلی همان "حق حیات" یعنی حقوق اساسی ملت است که در قانون اساسی نیز تصریح شده است. جنبش سبز اصلاحات، راهبردهایش را بر این اساس و بر پایه مبارزه قانونی، علنی و مسالمت آمیز و تأکید بر تغییرات تدریجی و پایداری، تدوین کرده است. بنابراین طرح شعارهای افراطی که با گفتمان و خط مشی جنبش راه سبز هماهنگ نباشد بطور قطع ریختن آب به آسیاب برنامه های اقتدارگرایان خواهد بود که زمینه سرکوب و محدود کردن جنبش رافراهم خواهد کرد.

برخی شعارهایی که در تجمعات و راهپیمایی های حامیان جنبش سبز بیان شده است با واکنش منتقدان این جنبش همراه شد؛ شعارهایی که رسانه های حامی دولت احمدی نژاد بر روی آن مانور دادند و از حامیان جنبش سبز انتقاد کردند. شعارهایی که در تجمعات و راهپیمایی های حامیان جنبش سبز شنیده می شد را می توان به دو دسته کلی تقسیم کرد،

يك دسته شعارهایی که بطور مستقیم به انتخابات مربوط می‌شود که بخشی در حمایت از مهندس موسوی و آقای کروبی است و بخش دیگر در حمایت از کسانی است که در حمایت از جنبش سبز و دو نامزد معترض انتخابات دهمین دوره ریاست جمهوری - آیات عظام منتظری و صانعی - وارد عرصه شده بودند. دسته دوم شعارهایی است که در نقد عملکرد دولت و حاکمان مطرح می‌شود. شعار «نه غزه، نه لبنان، جانم فدای ایران» یکی از شعارهایی بود که از میان جمعیت موج سبز در راهپیمایی روز قدس به گوش می‌رسید. اما از همین جمع جنبش سبز شعار دیگری که معادل وهم جنس این شعار بود نیز شنیده می‌شد؛ «هم غزه، هم لبنان، جانم فدای ایران».

شعار های دسته اول گفتمان اصلی مردم در اعتراض به نتایج اعلام شده انتخابات و حمایت از دو نامزد اصلاح طلب است. در خصوص شعار «نه غزه، نه لبنان، جانم فدای ایران» ضروری است با یک نگاه تحلیلی ببینیم چرا این شعار مطرح شد و چرا جمعی از حامیان جنبش سبز این شعار را تکرار می کردند و چرا بعضی دیگر این شعار را به شعار دیگر تبدیل کردند و چه زمینه های ذهنی برای طرح این شعار وجود داشت.

سوابق تاریخی مبارزات ملت ایران نشان می دهد که در طول ۶۰ سال گذشته مردم ایران همواره از جنبش حق طلبانه مردم فلسطین حمایت کرده اند. آن چرا که بعد از انقلاب سال ۵۷ انجام شده است بطور طبیعی خمیرمایه همان دفاع از مظلومی است که اسرائیل بر ملت مظلوم فلسطین روا داشته و دولت های غربی از این تجاوز، کشتار و مظلومیت حمایت کرده اند. بنابراین هم به لحاظ انسانی و هم از آن جهت که جنبش فلسطین، جنبش اسلامی است، طبیعی است که مردم ایران عموماً یک پیوند عمیق تاریخی در ارتباط با قدس داشته باشند. بر این اساس راهپیمایی روز قدس برای محکوم کردن تجاوز و مظلوم اسرائیل و حمایت از ملت مظلوم فلسطین پایه گذاری شد. شاید برای اولین بار آیت الله طالقانی این پیوند را بین جنبش آزادی خواهی در ایران و جنبش استقلال طلبی ملت فلسطین در سرزمین های اشغالی ایجاد کرد. او در همایش های مربوط به فلسطین شرکت و ضمن حمایت از مبارزات فلسطینی ها، مراتب تأیید ملت ایران را در سخنرانی های خود ابراز کرد. نمونه دیگر بیانیه دکتر یدالله سحابی در سال ۱۳۵۵ بود که شیعیان لبنان توسط مسیحی های لبنان سرکوب شدند و وضعیت نامناسبی در آنجا بوجود آمد. مرحوم دکتر سحابی در بیانیه خود از مردم دعوت کرد تا به شیعیان لبنان کمک کنند. در همین خصوص

برخی از بازاریان مبارز مثل مرحوم حاج محمود مانیان پیش قدم شدند و کمک های مالی مردم ایران را جمع آوری و مستقیماً در اختیار آنان قرار دادند. با این سوابق تاریخی پیشنهاد روز قدس توسط آقای دکتر ابراهیم یزدی وزیر امور خارجه دولت موقت خیلی طبیعی بود.

بنابراین سوابق تاریخی نشان می دهد که ملت ایران عموماً با ملت های فلسطین و لبنان پیوند انسانی و اعتقادی داشته است. اما سؤال اصلی این است که چرا در این راهپیمایی لاقفل جمعی از تظاهرکنندگان شعار «نه غزه، نه لبنان، جانم فدای ایران» سر دادند؟ در واقع این پیوند واقعی را به نوعی نفی کردند. من فکر می کنم اکثریت قاطع افرادی که این شعار را تکرار می کردند بیان احساس و اعتراضشان نسبت به عملکرد دولت است که کمک های همه جانبه و غیر متناسبی از اعتبارات عمومی کشور را به طرف حماس و حزب الله لبنان سرازیر کرده است در حالی که کشور و مردم ما شدیداً نیاز به این اعتبارات دارند. اگر من بخواهم بطور خیلی مشخص تصویری از این دوگانگی را ارائه دهم باید به پروژه بازسازی خرمشهر بعد از گذشت ۲۰ سال از جنگ تحمیلی اشاره کنم. کافی است عکس هایی که وضعیت خرمشهر را در سال ۶۷ که جنگ خاتمه پیدا کرد، را با عکس های خرمشهر در شرایط کنونی که هنوز آثار خرابی های جنگ در آن ها مشهود است مقایسه شود. البته شهر زلزله زده بم را نیز می توان به عنوان نمونه دیگری ارایه کرد که تا چه اندازه به نیازهای مردم بم پاسخ داده شده است. این در حالی است که نسل جوان ایران که حدود ۷۰ درصد جمعیت ایران را تشکیل می دهد به تحصیل، اشتغال و زندگی شرافت مندانه نیاز دارد. آنان وقتی در مقابل، ریخت و پاش هایی را می بینید، وقتی مردم کمک های سنگین دولت ایران را به فلسطین و لبنان مشاهده می کنند بطور طبیعی چنین واکنشی را از خود نشان می دهند و این ضرب المثل قدیمی را که ” چراغی که به خانه رواست به مسجد حرام است ” یادآوری می کنند. در عکس هایی که بعد از جنگ ۳۳ روزه جنوب لبنان و امروز آن منتشر شده، نشان دهنده آن است که جنوب لبنان بصورت مدرن بازسازی شده است. بنابراین این شعارها به معنای این نیست که این جمع با مردم فلسطین و لبنان پیوند انسانی و دینی ندارد بلکه نشان دهنده این است که اگر دولت ایران چنین مسایل و ابهامات را برطرف کند و کمک های خارجی ایران قانونی و شفاف شود بطور قطع چنین شعارهایی مطرح نخواهد شد؛ چرا که طرح این شعارها واکنش و اعتراض نسبت به عملکرد غیر متعادل مسئولان است. البته همانگونه که اشاره شد جمعی دیگر از مردم با نگاه راهبردی و هماهنگ با گفتمان جنبش راه سبزین شعار را اصلاح

کردند تابخانه ای به دست بد خواهان داده نشود.

اما در کنار این مسأله که رسانه‌های حامی دولت احمدی‌نژاد به صورت مستمر بر این نکته که این گروه شعار دهنده به کشورهای غربی از جمله امریکا وابسته هستند، تأکید می‌کردند، این شعار از سوی برخی رسانه‌های فارسی زبان در خارج از ایران و همچنین برخی فعالان سیاسی مطرح می‌شد.

کسانی که این شعارها را مطرح و یا تقویت می‌کنند باید توجه کنند که هویت «اسلامی و ایرانی» دو پایه اصلی از هویت شخصیتی ایرانیان را تشکیل داده است، بنابراین شعارها نباید این هویت را خدشه دار کند. همچنین شعارها نباید پیوند انسانی و تاریخی ملت ما را با سایر ملل مخدوش و زمینه ساز سرکوب در داخل باشد.

شعار دیگری که در این راهپیمایی از سوی حامیان جنبش سبز مطرح شد «آزادی، استقلال، جمهوری ایرانی» بود. سؤال اصلی این است که وقتی مردم در سال ۱۳۵۸ به جمهوری اسلامی که بقول رهبر فقید انقلاب «نه یک کلمه کم و نه یک کلمه زیاد» رأی دادند، چرا چنین شعاری مطرح شد؟ آیا این افراد به قول برخی سلطنت طلب بودند؟

به نظر من کسانی که این شعار را تکرار کردند به خاطر زمینه ذهنی‌شان در خصوص انحرافی است که در اصول و آرمان‌های اولیه انقلاب ایجاد شده است. این مطلب کاملاً روشن است؛ تعریفی که از جمهوری اسلامی در بحث‌های رهبر فقید انقلاب در پاریس ارائه می‌شد و در بام رسانه‌های دنیا این مصاحبه‌ها و سخنرانی‌ها صورت می‌گرفت و افکار عمومی در داخل ایران و جهان را متأثر می‌کرد، یک نگاه انسانی و رحمانی از اسلام داشت. در این تعریف بر آزادی، دموکراسی و حقوق اساسی ملت تأکید شده بود و مردم نیز به دلیل اینکه از استبداد شاهنشاهی و سیاست‌های ساواک و سرکوب‌های صورت گرفته به ستوه آمده بودند برای نجات کشور همه به دنبال این بودند که حاکمیت ملت یعنی جمهوریت شکل بگیرد و طبیعی است که چون اکثریت مردم ایران مسلمان هستند این دموکراسی در چارچوب ارزش‌های فرهنگی مردم یعنی اسلام در شکل «جمهوری اسلامی» که خواست مردم بود، ایجاد می‌شد. اما متأسفانه این پیمان به تدریج نقض شد. شاید یادآوری این مطلب در اینجا برای نسل جوان ما مفید باشد که مرحوم مهندس مهدی بازرگان که بینش تاریخی به مسایل اجتماعی و فرهنگی ایران داشت این نگرانی را ابراز کرد که ممکن است از جمهوری اسلامی یک تعریف غیر دموکراتیک از اسلام بشود، بنابراین

پیشنهاد کرد که جمهوری دموکراتیک اسلامی نیز به رأی گذاشته شود که همان موقع با مخالفت رهبر فقید انقلاب مواجه شد.

همچنین در اصول فصل سوم، پنج و هفتم قانون اساسی، حقوق اساسی ملت پیش بینی شده و مشروح مذاکرات خبرگان قانون اساسی کاملاً نشان می دهد که اکثریت قاطع نمایندگان خبرگان بر حقوق اساسی ملت تأکید و تصریح داشتند. اصل نهم قانون اساسی به صراحت مقرر می دارد که هیچ مقامی حق ندارد به نام حفظ استقلال و تمامیت ارضی کشور، آزادی های مشروع را هرچند با وضع قوانین و مقررات سلب کند و یا اصل ۵۶ قانون اساسی، حاکمیت را از آن ملت می داند و تصریح شده است که هیچکس نمی تواند این حق الهی را از ملت سلب کند یا در خدمت فرد یا گروه خاص قرار دهد. بنابراین تمام اصول دیگر قانون اساسی باید براساس این اصول تفسیر شوند. نص صریح اصل ۲۶ قانون اساسی و ماده ۶ قانون احزاب مصوب مجلس در سال ۱۳۶۰ فعالیت احزاب و نهادهای مدنی را علی الاطلاق آزاد اعلام کرده و آن را به هیچ وجه منوط به اخذ مجوز و یا پروانه از مراجع رسمی ندانسته است.

اما دیدگاه اقلیت محض هفت یا هشت نفری که به اصل ۲۶ رأی منفی دادند در طول سالیان گذشته و به ویژه از دوران حکومت دولت نهم به بعد در کشور عملاً حاکم بوده و احزاب و نهادهای مدنی نتوانسته اند بر اساس این اصل شکل بگیرند و زیر ساخت های یک جامعه مردم سالار را، که پیش نیاز توسعه کشور است، فراهم کنند.

بنابراین با توجه به عملکرد عملی جمهوری اسلامی که با آن تعریفی که در ابتدا از جمهوری اسلامی شده و مردم به خاطر آن تعاریف - اسلام رحمانی- به آن رأی داده بودند، مغایرت می بینند، جمعی فکر می کنند که این جمهوری اسلامی نمی تواند پاسخگوی مطالبات تاریخی مردم ایران باشد ولی این افراد باید توجه داشته باشند که طرح این شعارها با ماهیت اصلاح طلبانه و گفتمان جنبش راه سبز مغایرت دارد و زمینه را برای سرکوب مردم فراهم می کند. جنبش سبز باید مطالبات بر حق و قانونی خود را در چارچوب همین قانون اساسی که میثاق بین مردم و حاکمان است مطرح کند تا جنبش سبز بتواند در فرآیند مبارزات قانونی، روند اصلاحات را دنبال کرده و آن را به ثمر برساند. جنبش اصلاحات همواره بر مبارزات قانونی و مسالمت آمیز تأکید داشته و همین استراتژی بوده است که توانسته در نهایت در انتخابات دهم ریاست جمهوری زمینه های آگاهی بیشتر مردم و جنبش سبز را فراهم کند. طرح شعارهای رادیکال و فاقد مبانی اصلاح طلبانه

نمی‌تواند تأثیر مثبتی در فرآیند این مبارزات داشته باشد.

شرایطی که بعد از انقلاب وجود داشته این امکان را فراهم کرده است که جنبش اصلاحات بتواند با بهره‌گیری از روش مبارزات قانونی، علنی و مسالمت آمیز به تدریج با توسعه آگاهی در جامعه، زمینه‌های تغییرات حقیقی را به جای تغییرات ساختاری صرفاً حقوقی فراهم کند. به همین دلیل در دهه ۶۰ مجموعه اپوزیسیون در داخل ایران محدود بود که با مقاومت آنها به تدریج در دهه‌های ۷۰ و ۸۰ در سطح جامعه گسرش پیدا کرد.

بنابراین مطرح کردن شعارهای خارج از ظرفیت در هر مقطع می‌تواند آسیب‌های جدی به جنبش اصلاحات وارد کند که این امر در جهت خواست اقتدارگرایان است. همچنین ممکن است اقتدارگرایان در مقاطعی با ایجاد حرکت‌های افراطی زمینه سرکوب را فراهم کنند. حوادث تیر ۱۳۷۸ و خرداد ۱۳۸۸ کوی دانشگاه تهران را می‌توان در این راستا ارزیابی کرد. امروز اقتدارگرایان از هر حرکت رادیکال و خارج از وسع جنبش اصلاحات استقبال می‌کنند تا این جنبش را قبل از توسعه آگاهی مردم سرکوب کنند.

شعارهای دیگری که از جمع حامیان جنبش سبز شنیده می‌شد، «مرگ بر روسیه» و «مرگ بر چین» بود که در واکنش به شعار «مرگ بر آمریکا» بیان می‌شد. هرزمان که «شعار مرگ بر آمریکا» از بلندگوهای جریان حامی دولت پخش می‌شد، حامیان جنبش سبز با شعار «مرگ بر روسیه» واکنش نشان می‌دادند. چرا مردم چنین واکنشی نشان می‌دادند آیا مردم طرفدار آمریکا هستند؟

هرگز؛ مردم سیاست‌های آمریکا و هزینه‌های سنگینی را که این کشور به ایران وارد کرده است را با پوست و گوشت خود لمس می‌کنند. مردم نقش اسرائیل در منطقه و سیاست‌ها و بحرانی که در منطقه ایجاد کرده، برایشان کاملاً ملموس است.

اگر چنین است چرا مردم چنین واکنشی را نشان می‌دهند؟

شعار «نه شرقی، نه غربی، جمهوری اسلامی» که در ابتدای پیروزی انقلاب مطرح می‌شد در راستای سیاست راهبردی سیاست خارجی دکتر محمد مصدق یعنی موازنه منفی و یا موازنه عدمی شهید مدرس بود. منافع ملی ایران ایجاب می‌کند که با همه کشورها ارتباط داشته باشد و در راستای منافع ملی مناسبات خود را تنظیم کند. با توجه به اینکه عملاً جمهوری اسلامی در تقابل با آمریکا و کشورهای غربی درهای خود را بسوی دو کشور روسیه و چین باز کرده است،

آنها یک سویه در راستای منافع خودشان از امکانات ایران بهره برداری می کنند که این امر انتقاد مردم را به همراه داشت. مناسبات و قراردادهای ویژه با چینی ها از يك طرف و پایبند نبودن روسیه به تعهداتش از جمله نیروگاه بوشهر و نقض منافع و حقوق ملی و تاریخی ایران در دریای خزر از سوی دیگر از جمله مواردی است که طرح می شود. بنابراین اگر مسئولان جمهوری اسلامی سیاست های گذشته خودشان را در راستای منافع ملی تصحیح کنند هیچ ایرانی به ویژه جنبش سبز نه دنبال مرگ خواهی برای امریکاست و نه روسیه و چین. به نظر می رسد طرح این شعار نیز به دلیل سیاست خارجی نسنجیده مسئولان جمهوری اسلامی باشد. البته در این خصوص باید به تاثیر يك سری اخبار غیررسمی نیز توجه داشت که حکایت از کمک های نظامی و تکنیکی روسیه به دولت ایران در رابطه با سرکوب مردم دارند. به عبارت دیگر همان گونه که مردم ایران و مبارزان سیاسی پیش از انقلاب به جهت همکاری های دولت های غربی و آمریکا با شاه، مسوولان و حکومت های این کشورها را در وضعیت کشور خود مقصر می دانستند و عملاً نیز این نزدیکی و رابطه را نوعی سلب و نقض استقلال ارزیابی می کردند، در حال حاضر نیز به جهت فقدان فضای باز سیاسی و نقض آشکار آزادی های بنیادین و حقوق ملت توسط اقتدارگرایان، مردم ایران همکاری ها و حمایت دولت هایی نظیر چین، روسیه و حتی ونزوئلا و سوریه را هم در راستای نقض استقلال و مترادف با تضييع حقوق و منافع ملت ایران ارزیابی می کنند.

همچنین شنیده می شود، مردم ایران با این احساس که برخی مقام های جمهوری اسلامی در صدد استفاده از روش های چین و روسیه برای فشار بر مخالفان هستند، این دو شعار را مطرح کرده اند؟

عملکرد روسیه در داخل روسیه و در کشورهای جدا شده از روسیه مثل چین و روش هایی که چین در برخورد با مخالفان از جمله مسلمان ها درپیش گرفته که نوعی نقض حقوق اساسی و حقوق بشر است نیز موجب شده تا مردم ما نسبت به این دولت ها نگاه مثبت نداشته باشند و نوعی واکنش نشان دهند.

مارتین لوتر کینگ رهبر فقید سیاهپوستان مسیحی امریکا در نهضت خود سعی کرد شعارهای خود را با استفاده از متون مذهبی پایه گذاری کند تا بر مؤمنان مسیحی اثر بگذارد و آنان را قانع کند که می توان از این مسیر نیز حرکت کرد. از طرف دیگر این احتمال وجود دارد که طرح شعارهای رادیکالی بر ضد مذهب با این هدف که مذهبی ها را از جنبش سبز جدا کنند

از طرف جریان رقیب جنبش اصلاحی صورت گیرد تا زمینه سرکوب جنبش اصلاحات فراهم شود.

تجربه‌های تاریخی در کشورهای مختلف از جمله تجربه جنبش دانشجویی ایران پس از سال ۱۳۲۰ نشان داده است که همواره می‌شود با نفوذ و طرح شعارهای رادیکال زمینه سرکوب جنبش اصلاحی را فراهم کرد. مردم ایران هرگز نقش شعارهای انحرافی را در روزهای حساس مرداد ۱۳۳۲ که موجب سر در گمی و بی تفاوتی مردم و حتی نخبگان و مرجع تقلید شد و موجب زمینه سازی برای کودتای آمریکایی - انگلیسی با کمترین هزینه شد از یاد نخواهند برد و این تجربیات تاریخی را در جنبش سبز خویش بکار می‌بندند.

جریان نواندیشی مذهبی به دلیل مقاومت و ایستادگی که در طول سه دهه گذشته داشته است با پرداخت هزینه های سنگین، نقش آگاهی بخشی و معرفی یک راهبرد مؤثر برای تداوم اصلاحات داشته است ولی گویا این نقش امروز پررنگ نیست؟

ما باید بپذیریم در جامعه دموکراتیک، نظرات متفاوتی وجود دارد که باید با گفت و گو و تعامل این وجوه مشترک را گسترش داد. طبیعی است نهضت آزادی ایران و همه نواندیشان مذهبی که در مسیر اصلاحات فعالیت می‌کنند به نوعی مأموریت خودشان را به نسل بعدی منتقل کرده اند. آنچه را مطرح کرده‌ایم یک نوع نظر مشورتی برای رهبران جنبش سبز و معترضان به انتخابات است که تجربیات تاریخی این جریان را مورد توجه قرار دهند. ما نیز همچون مهندس موسوی بر اجرای اصول مغفول قانون اساسی و تدریجی بودن مبارزات و رشد آگاهی مردم و توسعه شبکه اجتماعی تأکید داریم. شبکه اجتماعی که بتواند این آگاهی را در درون خودش نهادینه کند و توسط هسته های درونی که شکل می‌گیرد، جنبش را ادامه دهد.

و جایگاه نیروهای خارج از کشور؟

تجربه نشان می‌دهد که چه قبل و چه بعد از انقلاب سال ۵۷ نیروهای فعال خارج از کشور از آنجا که نگاه ذهنی به مسایل داخل ایران دارند در انعکاس و تقویت پیام مبارزات داخل کشور نقش مؤثرتری را می‌توانند ایفا کنند. دقت بر راهبردهایی که جنبش سبز در داخل کشور مطرح می‌کند، اصلی انکار ناپذیر برای نیروهای ملی خارج از کشور است. چرا که اگر مطالبات بیشتر از وسع جنبش در داخل باشد، زمینه انحراف و سرکوب را فراهم می‌کند.

با توجه به اینکه جنبش نوپای سبز فاقد رهبری سازمان یافته است و عملاً نامزدهای

انتخابات دهمین دوره ریاست جمهوری - میرحسین موسوی و مهدی کروبی - و همچنین سید محمد خاتمی، رئیس جمهور سابق ایران نقش رهبری این مجموعه را بر عهده گرفته اند، فعالان سیاسی و آگاهان دیگر چه وظیفه ای دارند؟

ضروری است فعالان احزاب و نهادهای مدنی با تحلیل های آگاهی بخش خودشان زمینه های آگاهی بیشتر مردم و ایجاد گفت و گو، تعامل و تفاهم بین دیدگاه های مختلف را فراهم کنند تا آن حداقل های مشترک در این فرآیند برجسته شود و همکاری های جمعی بصورت شبکه اجتماعی شکل بگیرد تا از درون شبکه اجتماعی، شکل گیری رهبری سازمان یافته به تدریج امکان پذیر شود. این امر نیاز به زمان و فرآیندی طولانی است. در این فاصله همه آحاد مردم باید کوشش کنند جریان هایی که به دنبال وارد کردن شعارهای افراطی و خارج از ظرفیت و مصالح جنبش اصلاحات هستند را از طریق گفت و گو و تعامل نسبت به اصلاح اینگونه شعارها آگاه کنند.

در خصوص مناسبات رهبری نمادین جنبش راه سبز با احزاب و نهاد های مدنی و نحوه شکل گیری و توسعه شبکه اجتماعی و سازو کارهای تقویت ارتباط درونی آنها نیاز با کار بیشتری است و باید به آن اهتمام داشت.

انتقاد میر حسین موسوی از شعارهای افراطی^۱

رییس دفتر سیاسی نهضت آزادی ایران: انتقاد میر حسین موسوی از اعمال افراطیون جریان سبز به این دلیل است که او متوجه سوء استفاده منفعت طلبان و جریان های معاند با نظام شده است. محمد توسلی تاکید کرد: میر حسین موسوی متوجه شده است که نفوذ جریان های معاند و مخالف با اصل نظام در جریان سبز برای ایجاد هرج و مرج در کشور فعالیت می کنند. وی ادامه داد: جریان سبز به دنبال مطالبات خود از طریق مجاری قانونی و به طور مسالمت آمیز و مدنی است اما بعضی از جریان ها با نفوذ به بدنه جریان سبز قصد دارند راهبرد دیگری را اتخاذ کنند.

توسلی در ادامه گفت: میر حسین موسوی در این زمینه هشدار می دهد تا تنها در راستای تحقق اهداف تعالی نظام و انقلاب حرکت شود و خارج از این چارچوب نمی تواند مورد پذیرش باشد.

این فعال سیاسی گفت: بعضی از جریان ها ملتزم فعالیت در چارچوب مبانی مدنی نیستند و قصد دارند که به جریان سبز هزینه تحمیل کنند. وی تاکید دارد: میر حسین موسوی با اتخاذ این موضع نشان داد که نباید فراتر از ظرفیت های نظام و کشور حرکت کرد. توسلی در پایان خاطر نشان کرد: باید در راستای گفت و گو تعامل گام برداشت هرگونه افراطی گری و هیاهو مورد قبول سران اصلاحات نیست.

^۱گفتگوی منتشر نشده محمد توسلی به خبرگزاری جمهوری اسلامی (ایرنا) - ۱۳۸۸/۸/۳

راهکارهای کم هزینه اعتماد سازی^۱

معتقدم در شرایط فعلی مهم ترین و ساده ترین راهکار برای ایجاد اعتماد عمومی بازگشت همگان به قانون اساسی است. چراکه قانون اساسی میثاق بین ملت و حاکمان نظام جمهوری اسلامی است. نکته ای که باید به آن اشاره کرد این است که برای جلب اعتماد مردم، مسولان و نهادهای ناظر باید برای اجرای اصول قانون اساسی و به ویژه اصول مندرج در فصل های سوم و پنجم و هفتم آن که در ضمن آنها حقوق اساسی ملت تصریح شده است تلاش کنند. اگر این روند طی شود و مردم احساس کنند که حاکمان حقوق قانونی آنانرا محترم می شمارند، زمینه های اعتماد سازی در جامعه فراهم خواهد شد. برای تضمین اجرای قانون، استقلال قوه قضاییه و صیانت از حقوق اساسی مردم که جزء وظایف اصلی آن قوه است از اهمیت حیاتی برخوردار است و امروز چگونگی عملکرد این نهاد مهم برای پاسداری از حقوق ملت و پیامد های خطیر آن جزو دغدغه های اصلی مردم و فعالان سیاسی است. از سوی دیگر مسایل و مشکلات اقتصادی که بیشتر ناشی از بحران مدیریتی و سیاسی کشور است زمینه های نارضایتی و بی اعتمادی اکثریت قابل توجه مردم به ویژه نسل جوان کشور را، که حدود ۷۰ درصد جمعیت را تشکیل می دهند، فراهم ساخته است. این طور به نظر می رسد که مشکلات مردم به خاطر بی عدالتی در عرصه های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی است. مردم ما از انقلاب مشروطه تا کنون همواره در جهت رشد قانون محوری، عدالت و آزادی تلاش کرده اند. در شرایط کنونی نیز خواست اکثریت مردم تامین حق حیات انسانی و حاکمیت بر سرنوشت خویش از طریق برگزاری انتخابات آزاد و سالم است و به حق انتظار دارند که مسولان نسبت به این نیازهای طبیعی آنان پاسخگو باشند تا زمینه برای جلب اعتماد مردمان فراهم شود.

محمد توسلی

^۱ یادداشت محمد توسلی در ضمیمه روزنامه اعتماد - ۱۳۸۸/۸/۲۰

اقتدارگرایان از رادیکال شدن شعارها استقبال می‌کنند^۱

ایلنا: اولین شهردار تهران پس از انقلاب اظهار داشت: برخی جریان‌ها به فکر مطالبات حداکثری خود و طرح شعارهایی خارج از وسع جنبش سبز هستند که زمینه‌های آسیب‌رساندن به جنبش سبز را فراهم می‌کنند.

محمد توسلی در گفت‌وگو با خبرنگار ایلنا، با اشاره به پیشینه جنبش سبز گفت: این جنبش ادامه جنبش اصلاحات در سه دهه گذشته است که اهداف آن تحقق مطالبات تاریخی مردم ایران از انقلاب مشروطه تا انقلاب اسلامی سال ۵۷ شامل قانونمداری، دموکراسی، آزادی و حقوق بشر است که همه عناصر تشکیل‌دهنده فضیلت عدالت‌خواهی را شامل می‌شود.

وی با بیان اینکه جنبش اصلاحات در سه دهه گذشته به تدریج پیش رفته است، اظهار داشت: در دوم خرداد ۷۶ گام بلندی در این مسیر برداشته شد و این گفتمان همواره در پیگیری اهداف خود با پرهیز از خشونت‌ورزی و بهره‌گیری از روش‌های مسالمت‌آمیز به جلو رفته است که دستاورد آن توسعه آگاهی مردم و دستیابی به شرایط عینی برای رسیدن به مطالبات مردم حداقل هزینه بوده است.

توسلی ادامه داد: در انتخابات ریاست جمهوری دهم رخداد جدیدی که اتفاق افتاد حضور همه اقشار جامعه و اکثریت قاطع مردم و گروه‌های سیاسی، در داخل و خارج کشور، در آن بود و حتی کسانی که تاکنون در انتخابات شرکت نکرده بودند این بار راهبرد جنبش اصلاحات را پذیرفتند و با حضور خود حماسه جدیدی را آفریدند که در واقع به این صورت اعتراض خود به عملکرد دولت نهم را به طور مسالمت‌آمیز نشان دادند. رئیس دفتر سیاسی نهضت آزادی ایران با اشاره به شکل‌گیری جنبش سبز گفت: در این انتخابات موسوی نماد سبز را برای بیان استراتژی اصلاح‌طلبان معرفی کرد و جنبش سبز پس از انتخابات نیز در راستای همین نماد شکل گرفت.

توسلی افزود: موسوی پس از انتخابات طی بیانیه‌های مختلف راهبردهای خود را اعلام کرد و هماهنگ با خاتمی و کروبی رهبری نمادین جنبش سبز را پی گرفت و با حضور شبکه اجتماعی که در دوران تبلیغات شکل گرفته بود آن را تقویت کرد و به پیگیری اعتراض مردم برای دستیابی به حقوق اساسی‌شان که همان مطالبات تاریخی است و در اصول قانون اساسی نیز تصریح شده

^۱گفتگوی محمد توسلی با خبرگزاری کار ایران (ایلنا) - ۱۳۸۸/۸/۲۵

است، پرداخت. اولین شهردار تهران پس از انقلاب ادامه داد: مردم در تحولات بعد از انتخابات در برابر انحراف از اصول قانون اساسی و آرمان‌های انقلاب مقاومت نشان دادند و لذا اجتماعات میلیونی را در خیابان‌ها شکل دادند.

وی با اشاره به نقاط قوت جنبش سبز گفت: آگاهی و حضور گسترده مردم با نگاه‌های مختلف در داخل و خارج کشور از جمله این نقاط قوت است و می‌بینیم که اعتراضات مربوط به یک گروه یا جناح خاص نبود و همه مردم در آن حضور داشتند و لذا تبدیل به یک شبکه اجتماعی با رهبری غیرمتمرکز شد.

توسلی با اشاره به اینکه چنین ساختاری آسیب‌هایی را در پی داشته است، تصریح کرد: یک آسیب، محدودیت‌هایی است که رهبری نمادین جنبش یعنی خاتمی موسوی و کروبی با آن مواجه هستند و از جمله آن عدم امکان فعالیت موثر نهادهای مدنی مانند مطبوعات و احزاب است و آسیب دوم مشکل ارتباطی است که آنان با بدنه جامعه می‌توانند برقرار کنند، زیرا این ارتباط عملاً محدود به مصاحبه‌ها و بیانیه‌هایی است که خاتمی، موسوی و کروبی صادر می‌کنند، در صورتی که شبکه اجتماعی خودش بالنده و فعال است و مطالبش را تولید می‌کند. رئیس دفتر سیاسی نهضت آزادی با بیان اینکه در شعار هر ایرانی یک ستاد بر مطالبات حداقلی مردم تأکید شده بود اظهار داشت: اگر مطالبات حداکثری باشد وجوه اشتراک میان همه مردم به وجود نمی‌آید و خود این مسأله که مبارزه ضد خشونت است و همه باید در شکل‌گیری جنبش مشارکت داشته باشند، باعث پدید آمدن آفتی می‌شود و آن اینکه برخی جریان‌ها به فکر مطالبات حداکثری خود و طرح شعارهایی خارج از وسع جنبش سبز هستند که زمینه‌های آسیب‌رساندن به جنبش سبز را فراهم می‌کنند.

توسلی ادامه داد: در این راستا باید با گفت‌وگو و تعامل از مطرح شدن شعارهای رادیکال و خارج از گفتمان جنبش سبز خودداری شود تا زمینه رفتارهای خشونت‌آمیز فراهم نشود، زیرا حتی اگر شعارهای تند در سطح کوچکی هم داده شود در رسانه‌های رسمی اینگونه مطرح می‌کنند که اینها شعارهای جنبش سبز هستند در حالی که جنبش هیچ تناسبی با این راهبردها ندارد.

وی ابراز عقیده کرد: اتفاقاً اقتدارگرایان معمولاً از رادیکال شدن شعارها استقبال می‌کنند و تجربه مستند ما از شهریور ۱۳۲۰ به بعد هم نشان می‌دهد همواره اقتدارگرایان برای انحراف جنبش‌های مردمی فضا را خود رادیکالیزه می‌کنند تا سرکوب جنبش آسان‌تر شود. توسلی با

تاکید بر اینکه جنبش سبز و اصلاحات به دنبال تحول تدریجی و درون‌زا هستند، گفت: این يك آفت است که عده‌ای به دنبال تسریع در جنبش و دادن شعارهای تند هستند، در حالی که دلیل تدریجی بودن جنبش آگاهی دادن به مردم است و این کار را نمی‌توان به طور دفعی انجام داد. توسلی با اشاره به نقش ایرانیان خارج از کشور در جنبش سبز تصریح کرد: این افراد به دلیل مواجهه نبودن با محدودیت‌هایی که شبکه‌های اجتماعی داخل کشور دارند در برخی مواقع ممکن است شعارهای انحرافی و یا رادیکال‌ارایه دهند در حالی که تجربه قبل و بعد از انقلاب نشان می‌دهد مهم‌ترین نقشی که ایرانیان خارج از کشور می‌توانند داشته باشند حمایت از جنبش مردم در داخل و انعکاس آن در خارج از کشور است و اگر فکر کنند می‌توانند این جنبش را از خارج مدیریت کنند این يك آفت است.

نامه محمد توسلی به دادستان تهران^۱

باسلام و احترام، به اطلاع می‌رساند که آقای حسن رحیم‌پور ازغدی عضو شورای عالی انقلاب فرهنگی در سخنرانی خود در حسینیه جماران به مناسبت روز دانشجو که عصر روز سه شنبه ۲۴ آذر ماه از شبکه اول سیمای جمهوری اسلامی مطابق معمول پخش شد، مطالب کذبی را علیه دولت موقت و برخی اعضای آن مطرح ساخته‌اند که متن آن به گزارش سایت پارسینه به شرح زیر است:

« رحیم‌پور ازغدی: شش عضو کابینه دولت بازرگان از CIA پول می‌گرفتند به گزارش پارسینه، حسن رحیم‌پور ازغدی، عضو شورای عالی انقلاب فرهنگی در سخنرانی در حسینیه جماران به مناسبت روز دانشجو که عصر امروز از شبکه اول سیمای جمهوری اسلامی پخش شد، گفت طبق اسناد لانه جاسوسی در دولت موقت بازرگان، شش عضو کابینه از CIA پول می‌گرفتند و مستقیماً با جاسوس‌های آمریکایی در رابطه بودند. رحیم‌پور از افرادی چون «ابراهیم یزدی، توسلی، امیرانتظام» و «سخنگوی دولت موقت» به عنوان نمونه‌هایی از این افراد نام برد.»
توضیحات مقدماتی زیر برای بررسی اولیه ضروری است:

۱- اینجانب به عنوان شهردار تهران عضو کابینه دولت موقت نبودم. پس از استعفای دولت موقت در آبان ماه ۱۳۵۸ بنده در دولت شورای انقلاب و سپس در دولت شهید رجایی هر بار به رغم ارائه استعفای خویش بر اساس درخواست آنان در هر مورد تا دی ماه ۱۳۵۹ به خدمات خود در نهاد عمومی شهرداری تهران ادامه دادم.

۲- شش عضو دولت موقت که در مذاکرات مورد نظر آقای رحیم‌پور ازغدی مشارکت داشته‌اند، علاوه بر آقایان دکتر ابراهیم یزدی، مهندس عباس امیرانتظام و اینجانب، آقایان دکتر صادق طباطبایی (سخنگوی دولت موقت)، مرحومان مهندس مهدی بازرگان (نخست‌وزیر دولت موقت) و دکتر یدالله سبحانی (وزیر مشاور در طرح‌های انقلاب) را نیز شامل می‌شوند. حاصل و پیامد این اتهامات به دولت موقت انقلاب پس از سی سال از پیروزی انقلاب و در شرایط کنونی با توجه به نقش کلیدی که این افراد در مدیریت و پیروزی انقلاب سال ۵۷ و مسئولیت‌های سنگین انتقال نظام شاهنشاهی به نظام جمهوری اسلامی داشته‌اند، القاء این شبهه است

که انقلاب اسلامی ایران از سوی بیگانگان به ویژه آمریکائی ها مدیریت شده است و چنین شبهه‌ای، اهانت آشکار به نحوه‌ی رهبری انقلاب و فعالیت تبلیغی علیه سلامت و مردمی بودن نظام جمهوری اسلامی ایران محسوب می‌شود.

۳- اگر نفس مذاکره با دبیر اول یا سفیر سفارتخانه ای در ادبیات آقای رحیم پور ازغدی به معنی ارتباط با جاسوس های آن کشور و گرفتن پول تلقی شود، مرحوم شهید دکتر بهشتی و آیت الله موسوی اردبیلی که در این مذاکرات (دیپلماسی انقلاب) شرکت کردند و حتی رهبر فقید انقلاب، که بر طبق اسناد منتشر شده، با مقامات آمریکایی نیز مذاکره داشته‌اند مشمول این اتهامات خواهند شد!! ملاحظه می‌فرمایید که تسری این اتهامات چه پیامدهای خطیری برای تیشه زدن به ریشه انقلاب اسلامی ایران خواهد داشت!!.

۴- همانگونه که در جلد‌های ۱۸ و ۲۴ اسناد سفارت سابق آمریکا، که توسط دانشجویان پیرو خط امام تنظیم و منتشر شده منعکس است، اینجانب با اسم مستعار خود را معرفی کرده‌ام تا شناخته نشوم و بعنوان مترجم مذاکرات مرحومان مهندس بازرگان و دکتر سحابی از اردیبهشت تا شهریور ۵۷ حضور داشته‌ام و ادامه این وظیفه با توجه به مسئولیت های سنگین دیگری که در سال ۱۳۵۷ به عهده داشتم به عهده آقای مهندس امیرانتظام گذارده شد. شورای انقلاب ضمن تایید مذاکرات انجام شده همانگونه که گفته شد توسط مرحومان مهندس بازرگان و دکتر یدالله سحابی در چارچوب برنامه دیپلماسی انقلاب و ضرورت تداوم آن به برخی از اعضای ارشد روحانی خود نیز ماموریت داد تا شخصاً در این مذاکرات شرکت کرده و روند آن را پیگیری کنند.

۵- تحلیل رخدادهای سال ۱۳۵۷ به وضوح نشان می‌دهد که اگر دیپلماسی و مذاکرات سیاسی سال ۱۳۵۷ نبود هرگز انقلاب اسلامی این چنین با تدبیر و با حداقل هزینه به پیروزی نمی‌رسید.

۶- اسناد منتشره از سفارت آمریکا ضمن آن که حاوی برخی شبهات بوده و علی‌الأصول نمی‌تواند دلیل متقنی مبنی بر صحت تمامی مفاد این اسناد باشد تنها دلالت بر نفس انجام مذاکرات دارد و در هیچ کجا اشاره و یا تصریحی نسبت به اخذ پول توسط نامبردگان از سیا ندارد، آقای پور ازغدی باید پاسخ دهند که بنا بر کدام دلایل و مستندات چنین ادعایی را مطرح می‌سازند؟

از آنجا که اظهارات آقای رحیم پور ازغدی، اهانت صریح به یکی از نهادهای رسمی نظام

جمهوری اسلامی ایران (دولت موقت) و افترا به اشخاص حقیقی فعال در این نهاد محسوب می شود، در راستای نقض اصول ۲۴ و ۳۷ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران قرار داشته و افزون بر آن که مشمول جرم فعالیت تبلیغی علیه نظام جمهوری اسلامی ایران قابل پیگیری قضایی است، با جرایم موضوع مواد ۵۰۰، ۶۰۹ و ۶۹۷ قانون مجازات اسلامی تطابق دارد، بنابراین با توجه به اهمیت و پیامدهای خطیر این اتهامات، خواهشمنداست مقرر فرمایید هر چه سریعتر به این اتهامات رسیدگی شده و اولاً از آقای رحیم پور ازغدی خواسته شود مدارک این اتهامات را ارائه کنند و ثانیاً از صدا و سیما جمهوری اسلامی نیز که این اتهامات را بطور وسیع پخش کرده است، خواسته شود بر اساس اخلاق و عرف رایج رسانه‌ای، ضمن ایجاد امکان مناسب برای پاسخگویی و رفع شبهات از سوی افرادی که مورد اتهام قرار گرفته اند مطابق مقررات اقدام مقتضی به عمل آورد.

با احترام - محمد توسلی

دوم دیماه ۱۳۸۸

رونوشت: جناب آقای مهندس عزت الله ضرغامی، رئیس سازمان صدا و سیما جهت اطلاع

و اقدام لازم

در تکاپوی آزادی^۱

به عقیده محمد توسلی متون بر جای مانده از مهندس بازرگان هنوز هم می‌تواند نسخه‌ای شفاف‌بخش برای دردهای امروز و سرمایه‌ای اجتماعی برای نسل جوان باشد. او که مبنای اصلی اندیشه بازرگان را مبتنی بر آزادی‌خواهی می‌داند، با تاکید بر اعتقاد بازرگان به ارجحیت تغییر شخصیت حقیقی جامعه بر تغییر ساختار حقوقی می‌گوید: از نظر ایشان مهم این است که بستری فراهم شود تا شخصیت حقیقی جامعه و بخصوص نخبگان که بر روند حرکت کلی جامعه تاثیرگذار هستند، تغییر کند. در جامعه‌ای که ۲۵۰۰ سال تاریخ استبدادی دارد، تا خودخواهی‌ها، منیت‌ها و کیش شخصیتی که آحاد جامعه خصوصاً نخبگان دارند، متحول نشود انتظار تحولات اجتماعی دور از واقع‌بینی است.

امید ایران‌مهر

اولین پرسشی که درباره مرحوم بازرگان به عنوان یک سیاستمدار وجود دارد این است که هدف مهندس از ورود به عرصه سیاست چه بود؟ نگاهش به سیاست و مقوله قدرت از چه زاویه‌ای بود؟ او قدرت را هدف می‌دید یا ابزار؟

بررسی ۶۰ سال خدمات علمی، اجتماعی، دینی و سیاسی ایشان نشان می‌دهد که مهندس بازرگان به عنوان یک سرمایه اجتماعی از ویژگی‌های خاصی برخوردار بود که بازگویی ابعاد مختلف شخصیت ایشان می‌تواند به عنوان سرمایه‌ای اجتماعی برای نسل جوان ما الگوی آموزنده‌ای باشد.

یکی از ویژگی‌های مهندس صداقت و صراحت در بیان اندیشه‌هایش بود. در دورانی که همه تئوری‌پردازان و روشنفکران بر این عقیده تاکید داشتند که احزاب باید بر پایه قدرت شکل بگیرند و در یک فرآیند دموکراتیک پس از دستیابی به قدرت بتوانند افکار و اندیشه‌های خودشان را در جامعه پیاده کنند، مهندس بازرگان یک جمله کلیدی دارند که می‌گوید «جنگ ما جنگ حجت است، نه قدرت.» به این گفتمان مهندس بازرگان تعریض‌های زیادی در گذشته شده و شاید هنوز هم بشود اما مهندس بازرگان معتقد بود در علوم سیاسی جدید که تعریفی از کارکرد احزاب مطرح می‌شود یک کپی‌برداری است از آنچه در کشورهای غربی شکل گرفته است. در کشورهای

^۱گفتگوی محمد توسلی با هفته نامه «ایران دخت» - شماره ۹۲ - امید ایران‌مهر - ۱۳۸۸/۱۱/۳

غربی که در طول قرن‌ها برای آزادی و دموکراسی تلاش کردند وقتی که جامعه دموکراتیک شده طبیعی است که کارکرد احزاب در این شرایط کسب قدرت باشد. اما در جوامعی مثل ایران که یک فرهنگ استبدادی کهن وجود دارد، اگر احزاب و گروه‌هایی بخواهند قدرت را هدف قرار دهند چون هنوز زیرساخت‌های دموکراتیک فراهم نشده است، چنین سازوکاری موجب تقابل و تخاصم میان احزاب و گروه‌های سیاسی می‌شود و این در راستای منافع ملی نیست.

دیدگاه مرحوم بازرگان برای تامین منافع ملی در این عرصه چیست؟ او چه رسالتی برای

نهادهای سیاسی مثل احزاب قائل بود؟

تلاش مهندس بازرگان این بود که اول زیرساخت‌ها به وجود بیاید، احزاب و نهادهای مدنی و مطبوعات آزاد شکل بگیرد و در چنین فرآیندی که در شخصیت حقیقی افراد جامعه بوجود می‌آید بتوانند تعامل دموکراتیک داشته باشند احزاب هم می‌توانند مثل غرب قدرت را هدف قرار دهند و برای به دست آوردن آن به رقابت بپردازند.

تجربه تاریخی در یک قرن گذشته هم در جریان انقلاب مشروطه، هم نهضت ملی و هم انقلاب اسلامی یکی از چالش‌های اصلی در راه تحولات اجتماعی همین نگرش روشنفکران بوده است و هزینه سنگین آن را جامعه پرداخت کرده است. به این دلیل که روشنفکران ما نتوانستند در تنظیم مسئولیت‌های خودشان موفق باشند و بتوانند روی حداقل‌های مطالبات کاری جمعی صورت دهند. این باعث شد که آن‌ها به جای آن‌که صرف یافتن و حل موانع اصلی توسعه شود، صرف برخوردهای داخلی خودشان شود. اگر بخواهم به طور مشخص به موارد تاریخی اشاره کنم می‌توانم به تقابل‌های دوره نهضت ملی ایران که ضربه‌های بسیاری به حرکت زد اشاره کرد که در جریان آن نخبگان نتوانستند در کنار هم محورهای مشترک مطالبات را در مقابل استبداد به پیش ببرند و با وقوع کودتای ۲۸ مرداد عملاً روند حرکت کشور و فرآیند توسعه مختل شد. در آستانه انقلاب هم مجدداً همین اشتباه و تجربه تلخ تکرار شد که همه جریان‌های سیاسی به هر قیمت به دنبال به دست آوردن قدرت بودند. شاید برای نسل امروز باور کردنی نباشد که بعد از آن‌که دولت موقت مهندس بازرگان مسئولیت را قبول کرد بدون استثناء همه گروه‌ها حملات خود را متوجه دولت موقت و شخص مهندس بازرگان کردند، در حالی که اگر کمی واقع‌بینی به خرج می‌دادند، می‌توانستند با سعه صدر با دولت همکاری کنند، تا نهادهای نظام شکل بگیرد و در یک فرآیند دموکراتیک در چارچوب رای مردم قدرت را به دست بگیرند. اما متأسفانه برخی

گروه‌ها و اشخاص در آن زمان اصالتاً "خودشان را صاحب و مالک کشور می‌دانستند و حاضر به مذاکره با هیچکس نبودند. مهندس بازرگان دنبال حجت بود، به دنبال این بود که نهادهای مدنی شکل بگیرند، یک ساختار دموکراتیک در کشور به وجود بیاید و سازوکار گردش قدرت در کشور شکل بگیرد.

در طول ۱۵، ۱۶ سالی که از زمان پیروزی انقلاب در قید حیات بودند همواره بر این راهبرد تاکید داشتند که ما با حاکمان جمهوری اسلامی جنگ قدرت نداریم که بگوییم شما بروید ما به جای شما بیاییم، حرف ما این است که در چارچوب قانون اساسی عمل شود. زمینه‌های تحقق مطالباتی که مردم در انقلاب مطرح کردند مثل آزادی، استقلال و جمهوری اسلامی را فراهم شود. بسترهای لازم را فراهم کنند تا مسیر توسعه طی شود.

در آثار مهندس بازرگان آنچه بسیار بر آن تاکید شده است، آموزه‌های قرآنی است. این آموزه‌ها چه تاثیری بر شکل‌گیری نگرش سیاسی ایشان داشت؟

اندیشه‌های مهندس بازرگان برگرفته از آموزه‌های قرآنی، واقعیت‌های فرهنگی جامعه و تجربه بشری است. بازرگان از بعد از شهریور ۲۰ که با مرحوم طالقانی و دکتر سبحانی همکاری‌های فرهنگی و اجتماعی را آغاز کردند آنچه سرلوحه کارشان بود و اندیشه‌هایشان بر پایه آن شکل گرفته، این آیه قرآن است که «ان الله لا یغیر ما بقوم حتی ینقضوا عهدهم» خداوند وضعیت هیچ ملتی را متحول نمی‌کند مگر این که آحاد آن جامعه عناصر تشکیل دهنده شخصیت، منش و نگرش‌هایشان را تغییر دهند. مهندس بازرگان و همفکران ایشان همواره بر این نکته تاکید داشتند که تا شخصیت حقیقی جامعه تغییر نکند تغییر شخصیت حقوقی جامعه کارساز نیست. از نظر ایشان مهم این است که بستری فراهم شود تا شخصیت حقیقی جامعه و بخصوص نخبگان که بر روند حرکت کلی جامعه تاثیرگذار هستند، تغییر کند. این تجربه تاریخی ماست؛ جامعه‌ای که ۲۵۰۰ سال تاریخ استبدادی دارد، خودخواهی‌ها، منیت‌ها و کیش شخصیتی که نخبگان در چنین جامعه‌ای دارند و بر اساس آن همه خودشان را محور عالم می‌دانند، تا این‌ها متحول نشود انتظار تحولات اجتماعی دور از واقع‌بینی است.

در عرصه عمل ایشان چه تلاشی را برای این تغییر منش‌ها و به گفته شما تغییر تدریجی شخصیت حقیقی جامعه به انجام رساندند. این تفکر در کدام رفتار سیاسی مهندس بازرگان نمود پیدا می‌کند؟

طبیعی است که در همین راستا مثلاً پس از پیروزی انقلاب اسلامی مهندس و همفکرانش همواره در انتخابات‌های مختلف حضور پیدا کرده‌اند نه برای کسب مقام بلکه همین شرکت کردن در انتخابات و مشارکت در فرآیند آن باعث می‌شود مردم به مشارکت در فرآیند انتخابات و آشنایی با ساختار آن تشویق شوند. این‌ها در راستای همان جنگ حجت است که ما با وجود کاستی‌هایی که می‌دانیم وجود دارد در اصل انتخابات مشارکت می‌کنیم و به مردم آگاهی می‌دهیم که از طریق این آگاه‌سازی زمینه و مطالبه یک انتخابات آزاد و دموکراتیک را شکل بدهد. در همین دوران بسیاری از شخصیت‌ها و گروه‌های سیاسی بودند که این روش‌ها را مفید نمی‌دانستند و انتخابات را تحریم می‌کردند اما مهندس بازرگان و همفکرانش در نهضت همواره در انتخابات حضور یافتند. در همین انتخابات اخیر هم دیدید که نهضت بر اساس همین تفکر از اصل شرکت در انتخابات حمایت کرد و از مردم خواست که به تشخیص خود به یکی از دو کاندیدای اصلاح طلب رای دهد. به نظر من حضور گسترده مردم و این‌که آنان به میزانی از رشد و آگاهی رسیده بودند که می‌دانستند بر اساس تجربیات انباشته گذشته عدم شرکت در انتخابات سودی برایشان ندارد یکی از نتایج جنگ حجت در برابر جنگ قدرت است.

آنچنان که گفتید نگاه مهندس بازرگان به سیاست، منبعث از آموزه‌های دینی بود. دین تاکید ویژه‌ای بر اخلاق دارد و آن را برای مومن فضیلت می‌داند. از آن سو تجربه تاریخی نشان داده است که سیاست پدیده‌ای نیست که چندان با اخلاق هم‌داستان شود. ولی ما می‌بینیم که بسیاری سیاست‌ورزی مهندس بازرگان را در حوزه اخلاق سیاسی تعریف می‌کنند. ایشان چگونه اخلاق و سیاست دو مفهوم دور از یکدیگر را به هم پیوند می‌زنند.

اخلاق‌گرایی یکی از ویژگی‌های بارز شخصیت مهندس بازرگان است. بسیاری از کسانی که درباره ایشان سخن گفته‌اند او را یک سیاستمدار اخلاق‌مدار توصیف کرده‌اند. شخصیتی است که در عالم سیاست هم هیچ‌گاه ارزش‌های انسانی خود را فراموش نمی‌کند. این انسجام شخصیتی مهندس یکی از ویژگی‌های خاصی است که در در توصیفاتی که از او وجود دارد نیز منعکس است. او چه در کلاس درس، چه در کار صنعتی، چه در نهادهای مدنی مثل انجمن اسلامی مهندسين، چه در عرصه نهادهای سیاسی مثل نهضت آزادی همواره ارزش‌های اعتقادی و انسانی خود را در حرکات و رفتارهایش لحاظ کرده است. صداقت مهندس بازرگان در گفتار و عمل خود نوعی اخلاق‌گرایی محسوب می‌شود. او هیچ‌گاه به خاطر سیاست و منافع مقطعی و

زودگذر خلاف نگفته و حتی در شرایط بحرانی که شاید جو جامعه با او همراه نبود، بر ارزش‌های اعتقادی‌اش تاکید کرده است. ما این ویژگی را در پیشوایان دینی‌مان مثل مولای متقیان حضرت علی (ع) هم سراغ داریم که هیچ‌گاه حقیقت را فدای مصلحت نکردند و طبیعی است که پیوندگان راه آنان نیز این مسائل را مدنظر قرار بدهند.

شکل‌گیری این نگرش که ریشه و پاسخ همه مسائل را از دین استخراج کنیم، شاید زمانی در مهندس بازرگان بیشتر تقویت شد که ایشان وارد حوزه تفسیر قرآن شدند. مهندس بازرگان دانش‌آموخته رشته مهندسی بودند، فکر می‌کنید چه شد که به سراغ مقوله‌ای مثل تفسیر قرآن رفتند و آنقدر با جدیت در این مسیر گام برداشتند. این مسئله را از آن جهت می‌پرسم که این تفسیر قرآن در شکل‌گیری تفکر دینی و سیاسی ایشان که تا پایان عمر بر مبنای آن به فعالیت پرداختند، تاثیر شگرفی داشت.

مهندس بازرگان از یک خانواده شناخته شده مذهبی بود و طبیعی بود که با فرهنگ دینی پیوند داشته باشد. با این وجود مطمئناً بسیاری از کسانی بودند و هستند که این پیوندها را داشته‌اند اما الزاماً زندگی آن‌ها مثل زندگی مهندس بازرگان نیست. این که چرا مهندس بازرگان پای در این راه گذاشت را خودش در دادگاه نظامی عشرت‌آباد بیان کرده است. خودشان اینطور توضیح می‌دهند که «۷ سالی که در فرانسه برای تحصیل رفته بودند با بررسی دلایل پیشرفت کشورهای اروپایی به این نتیجه می‌رسند که اروپایی‌ها نه تنها از دین جدا نشده‌اند بلکه پایه‌های پیشرفت بر اندیشه‌های دینی‌شان استوار شده است. این مسئله‌ای است که مهندس بازرگان در کتاب «مذهب در اروپا» در پاسخ به روشنفکرانی که فکر می‌کردند راه پیشرفت از مسیر پشت کردن به فرهنگ ملی و دینی مردم می‌گذرد، مطرح کردند.

مهندس بازرگان و دکتر سبحانی که در فرانسه تحصیل کرده بودند و مرحوم آیت‌الله طالقانی که تحصیل‌کرده حوزه بودند و با نگاه نو به تحولات اجتماعی نگاه می‌کردند هر سه وقتی به تجربه سیدجمال‌الدین اسدآبادی نگاه می‌کنند که چهار دهه پیش از آن‌ها نقش موثری در تحولات اجتماعی داشت به این نتیجه می‌رسند که سیدجمال تمام توانش را در راه گفت‌وگو با حاکمان مصروف کرد و در سال آخر غبطه خورد که چرا عمرم را مصروف زمامداران کشور اسلامی کردم. این پیشگامان بر اساس این تجربه و تحلیل خودشان بود که تمام ظرفیت فکری خودشان را صرف مطالعه موانع توسعه کشور کردند و یکی از موانع را دور شدن جامعه ما از آموزه‌های واقعی اسلام

ارزیابی کردند. خرافات و پیرایه‌هایی که در طول تاریخ در اطراف اعتقادات مردم شکل گرفته بود را دیدند و کوشش کردند نسل جوان دهه‌های ۲۰، ۳۰ و ۴۰ را در یک فرآیند فشرده فرهنگی با قرآن و آموزه‌های درست اسلامی آشنا کنند و به این وسیله پیرایه‌های که در طول تاریخ بر افکار و ذهنیت مردم ما سیطره پیدا کرده و مانع رشد علمی و توسعه جامعه شده بود را بزدايند. این پیشگامان ۲۰ سال کار فشرده فرهنگی و اجتماعی را به پیش بردند تا جامعه را با فرهنگ ملی ایران که با اسلام درآمیخته است آشنا کنند و آن‌ها را از خودبیگانگی برهانند تا مردم بخصوص نسل جوان و روشنفکر جامعه با بازیابی ارزش‌های ملی راه رشد و کمال جامعه را هموار کنند. به همین دلیل است که شما کمتر اثری از مهندس بازرگان می‌بینید که آموزه‌ای قرآنی در آن به کار نگرفته باشد. به علاوه مهندس بازرگان کار با ارزش دیگری هم در این زمینه انجام داد، پژوهشی تاریخی است که در زندان برازجان انجام داد و آن مجموعه «سیر تحول قرآن» بود که جلد ۱۲ و ۱۳ آثار ایشان را تشکیل می‌دهد. وقتی دکتر شریعتی در سال ۴۶ چکیده‌ای از این پژوهش را در جریان جلسه‌ای در مشهد از زبان مهندس بازرگان شنید، آن نامه تاریخی را می‌نویسد که: «من در شگفتم که چگونه است مهندس بازرگان کشفی بزرگ انجام داده است. کشفی بزرگتر از کشف پاستور و گاليله اما به تواضع و به سادگی از کنارش می‌گذرد.»

یکی از مسائلی که درباره مهندس بازرگان همواره مطرح بوده و در سال‌های اولیه انقلاب به صورت یک دشنام درباره ایشان بیان می‌شد، لیبرال بودن وی بود. نگاه ویژه مهندس بازرگان به آزادی و لیبرالیسم در آن زمان باعث شده بود موجی اینچنینی علیه ایشان به راه بیفتد. در حالی که امروز بسیاری تفکر آن روز مهندس بازرگان را تحسین می‌کنند. به نظر شما بازرگان برای نسل امروز چه دستاوردی دارد؟

در این زمینه من خاطره‌ای عرض می‌کنم که ما در سال ۱۳۷۸ همراه آقای دکتر یزدی به دعوت موسسه‌ای به آلمان سفر کردیم و در جریان این سفر یکی از فعالان سابق حزب توده که از نخبگان سیاسی است، در فرانکفورت به دیدار ما آمد و ضمن بحث و گفت‌وگو با شجاعت و صراحت گفت «امروز که من با شما صحبت می‌کنم از مواضع ۶۰ ساله گذشته خودم نمی‌توانم دفاع کنم چون مواضع فکری‌ام از نظر اجتماعی، اقتصادی و سیاسی کاملاً متحول شده است. اما به شما تبریک می‌گویم که می‌توانید از ۶۰ سال سابقه جریان فکری خودتان با سربلندی دفاع کنید.»

مهندس بازرگان در ۸۷ سال عمر با برکت خود که ۶۰ سال از آن به صورت فعال در عرصه‌های مختلف علمی، فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و مدیریتی صرف شده است. نحوه شکل‌گیری زندگی او، سلوک او در عرصه‌های مختلف، بینش و منش او می‌تواند برای نسل امروز ما که نگاه به آینده دارد الگوی آموزنده‌ای باشد. پرسشی که پیش می‌آید این است که آیا سولاتی که نسل‌های دهه‌های گذشته داشتند امروز هم برای نسل کنونی مطرح است یا خیر؟ کسانی که با افکار و اندیشه‌های مهندس بازرگان آشنا هستند و جزو فعالان سیاسی هستند به این سوال پاسخ دادند و معتقدند که بسیاری از سولاتی که نسل امروز با آن مواجه هستند. پاسخش در بسیاری از آثار مهندس بازرگان وجود دارد. بنابراین مراجعه به این مجموعه آثار می‌تواند برای نسل امروز و فردای جامعه ما هم مورد استفاده قرار گیرد. ایشان در سال ۳۶ که ما تازه وارد دانشگاه شده بودیم در سالن دانشکده کشاورزی کرج مطالبی را با عنوان «احتیاج روز» مطرح کردند که اگر کسی همین امروز هم آن را بخواند پاسخ بسیاری از پرسش‌هایش را در قالب آن می‌یابد. عصاره احتیاج روز این است که مشکل ما این است که به خاطر فرهنگ استبدادی جامعه ایران با کار جمعی آشنا نیستیم و باید فضای را فراهم کنیم که روحیه کارهای جمعی به وجود بیاید. ایشان خودشان نیز در مقاطع مختلف زندگی‌شان با تشکیل نهادهای گوناگونی از جمله «جمعیت دفاع از آزادی و حقوق بشر» و «جمعیت دفاع از آزادی و حاکمیت ملت» این ایده را در عرصه عمل به اجرا گذاشتند. به نظر من ما اگر بخواهیم چکیده اندیشه‌های مهندس بازرگان در جریان تلاش‌های ۶۰ ساله‌اش را مطرح کنیم همانطور که در عنوان کتابی که آقای اشکوری درباره زندگی ایشان نوشته‌اند مطرح شده است، می‌توانیم کل زندگی ایشان را «در تکاپوی آزادی» ببینیم. در طول ۶۰ سال تلاش‌های مهندس بازرگان در عرصه‌های سیاسی، فرهنگی و اجتماعی ایشان همواره بر این گفتمان متمکز بودند و زمینه‌های عینی تحقق این گفتمان امروزه به عنوان گفتمان فراگیر جوامع بشری مطرح است و این همان اندیشه‌ای است که ثمره آن اکنون به ما و نسل‌های امروز و فردا رسیده است.

آسیب شناسی کارجمعی در ایران^۱

آیا ایرانی‌ها روحیه کارجمعی دارند؟ جواب قطعاً منفی است. این خصوصیت ایرانی‌ها عمدتاً به سوابق فرهنگی و اجتماعی درونی ما ارتباط دارد و متاثر از عوامل بیرونی نیست. امروز حدود یک میلیون ایرانی عموماً تحصیل کرده در امریکا زندگی می‌کنند و اکثراً در کارهای شخصی خودشان بسیار موفق هستند و در پاره‌ای از موارد جزء نخبگان آنجا محسوب می‌شوند. چرا در کارهای جمعی آنجا که آرمان مشترک ایرانیان مطرح است و قاعدتاً بایستی با تأثیرپذیری از روحیه و فرهنگ رایج کارجمعی آنجا، در کنار هم قرار گیرند، تا این حد پراکنده هستند و هر کسی گلیم خود را از آب بیرون می‌کشد.

ما ایرانی‌ها کمتر از دیگران آمادگی کارجمعی داریم. علت چیست؟ بنیاد فرهنگی مهندس مهدی بازرگان دنبال تبیین این مسأله است. بخشی از آثار مهندس بازرگان به این مهم پرداخته است: «احتیاج روز»، «سازگاری ایرانی»، «چرا عقب ماندیم؟»، «سرعقب افتادگی مسلمانان»، «چرا با استبداد مخالفیم» و ... اصولاً فرهنگ دیرین استبدادی، خصوصیت خودمحوری، خودخواهی و خودبینی را در رفتار ما نهادینه کرده است. ما نمی‌توانیم همدیگر را تحمل کنیم. وقتی به هم نگاه می‌کنیم در نظرها بیشتر جنبه‌های منفی شخصیت یکدیگر برجسته می‌شود بطوری که ممکن است با وجود ۹۵ درصد اشتراک نظر معمولاً آن ۵ درصد اختلاف عمده و مطرح شود.

این فرایند تاریخی هم به صورت ژنتیک و هم آموزش جاری به ما منتقل شده است. در دبستان، دبیرستان، خانواده و جامعه با وجود آن که سطح تحصیلات و اطلاعات بالا رفته اما ریشه مشکلات همچنان باقی است. ما هنوز در کارهای جمعی همان مسایل و مشکلات را داریم. زنده یاد مهندس بازرگان در پی تجربیات خود به ویژه پس از ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ و تجربه همکاری‌های نهضت مقاومت ملی در سال ۱۳۳۶ در سخنرانی «احتیاج روز» راهکارهای خود را برای برون رفت از این معضل اجتماعی ارائه داده است که امروز نیز احتیاج روز ماست. در این راستا نهاد «متاع» (مکتب - تربیتی - اجتماعی - عملی) با حضور شخصیت‌های فرهنگی، اجتماعی و سیاسی تشکیل می‌شود که بدون تظاهر خارجی تا پیروزی انقلاب فعالیت آن ادامه داشته است.

^۱ یادداشت محمد توسلی - ۱۳۸۹/۲/۲۵

از جمله فعالیت های این نهاد پایه گذاری شرکت سهامی انتشار در سال ۱۳۳۸، تاسیس انجمن اسلامی مهندسين و پزشکان در سال و بسياری نهاد های فرهنگی و حتی اقتصادی ديگر است تا قبل از این که افراد وارد کار سیاسی شوند و هزینه های سنگینی برای خود و جامعه ببار بیاورند، با کار جمعی آشنا شوند. مهندس بازرگان خود در زندگی فردی و خانوادگی و کار جمعی الگو بودند. اگر پیشنهادایشان پس از بررسی در نهاد های اجتماعی رأی نمی آورد به رأی اکثریت احترام می گذارد و هرگز نمی گفت "من موافق نبودم مرا در اجرای تصمیم معاف کنید".

از انقلاب مشروطه تا رضاخان؛ طی سیزده سال خیلی سریع پایگاه استبداد تقویت شد. به خاطر عدم آمادگی مردم و جامعه، حتی میرزای نائینی اجبارا کتاب تنبیه المله خود را جمع آوری کرد. ۵۳ نفر سران حزب توده سرکوب شدند. بررسی عملکرد احزاب و گروه های سیاسی - اجتماعی دهه های ۲۰ تا ۵۰ نشان می دهد که دلیل عدم تداوم آنها علاوه بر حاکمیت استبداد روحیه تکروی و عدم آشنایی با کار جمعی است. پس از انقلاب ۵۷ نیز همین روند ادامه پیدا کرده است. مخالفت همه احزاب و تشکل های سیاسی - اجتماعی با دولت موقت در این راستا قابل ارزیابی است.

متأسفانه ما عجز هستیم و می خواهیم همه چیز را سریع به دست آوریم. در حالی که در کشورهای غربی پس از سه یا چهار قرن تلاش و فداکاری در یک فرایند طولانی شرایط خود را متحول ساخته اند و آزادی و دموکراسی نهادینه شده است. رفتار ما عموماً متأثر از فرهنگ استبدادی تک روی است. البته بایستی تاکید کنم که روحیه کار جمعی در جامعه امروز ما نسبت به گذشته پیشرفت داشته و به آینده می توان امید وار بود. اما تلاش برای هموار کردن این فرایند ضروری است.

آثار کار فردی و جمعی

در کار فردی هر کس متناسب با توان، ظرفیت و سلیقه خودش برنامه ریزی و تلاش می کند. در کار جمعی دو نفر یا بیشتر در مورد هدف یا اهداف معینی برنامه ریزی کنند و در راستای برنامه با هم همکاری می کنند. در کار فردی روحیه فردی اما در کار جمعی روحیه جمعی حاکم است. در کار جمعی مهم این است که افراد بتوانند توانایی های خود را در کنار هم تقویت کنند و حاصل عملکردشان بالاتر از مجموع عملکرد افراد باشد.

یدالله مع الجماعه به عنوان یک اصل دینی و قانونمندیهایی که در خلقت و آفرینش ساری و

جاری است همین اصل را تنبیین می کند. در جوامع توسعه یافته با تربیت مردم از این قانونمندی بهره گرفته اند. به عنوان مثال در این گونه کشورها روحیه کار جمعی آنچنان نهادینه شده است که در برخی پروژه‌ها بیش از هزار نفر همکاری می کنند تا مثلاً یک قمر مصنوعی پرتاب شود. در این پروژه‌ها لزوماً هزار نفر درکنار هم نیستند. اما با کار ستادی و بهره گیری از سیستم فناوری جدید و الکترونیکی با هم مرتبط اند و توان انجام طرح های بزرگ را فراهم ساخته اند. در شرایط کنونی جهان اگر ملتی نتواند با تقویت روحیه کار جمعی مشارکت مردم را بصورت سازمان یافته فراهم سازد اجرای برنامه های توسعه آن قرین موفقیت نخواهد بود.

آسیب شناسی

۱. موانع دینی؛ خرافات و آموزه های سنتی که زمینه رشد عقلانیت و خردورزی و تقویت روحیه کار جمعی را در جامعه مختل کند می تواند با برنامه ریزی آموزشی و بسترسازی برای تربیت مردم اصلاح شود.
 ۲. موانع ساختاری؛ خاستگاه استبداد با زمینه ی دیرینه ی آن به لحاظ تاریخی با مناسبات تاریخی، به لحاظ اقتصادی، نظام قدرت متمرکز می باشد. منابع را جمع می کند و اختلاف طبقاتی به وجود می آید.
 ۳. خصلت‌ها و خصوصیات ناشی از فرهنگ استبدادی مانع کار جمعی است. خصلت‌های منفی که به خودخواهی، خود محوری، فردگرایی، ترجیح منافع فردی و خانوادگی و حتی گروهی بر منافع ملی است.
- کارنامه کار جمعی در ایران در مجموع مثبت نیست. حزب گریزی حاکمان بعد از ۵۷ تشدید شده اما الان حتی مؤتلفه هم دنبال تقویت فرایند حزبی قدرت است.

راهکارها

۱. اگر این راهبرد را بپذیریم که اصلاحات، تغییرات و تحولات تدریجی تضمین کننده توسعه پایدار است برنامه ریزی برای تحولات تدریجی با توسعه نهادهای مدنی و تقویت روحیه کار جمعی است. هر تلاش جمعی و نهادی اعم از هنری، ورزشی، اقتصادی که افرادی را در کنار هم جمع کند و تبدیل به عمل جمعی کند در این راستا مبارک است. تقویت فرایند انتخابات یکی از راهکارهای مناسب است به شرط این که به توسعه نهادهای مدنی بینجامد.

۲. به تجربیات تاریخی کار جمعی در ایران توجه شود و از آفات کار جمعی پیشگیری شود.
۳. کار جمعی خوب پایه گذاری شود تا خوب تداوم یابد و تأثیرگذاری کند.
۴. بستر قانونی کار جمعی باید فراهم شود، با قوانین کشور و جنبه‌های مثبت آن باید آشنا شویم تا از فرصت‌ها برای ایجاد نهادها استفاده کنیم. مثال: انجمن توان بخشی به معلولان باید با ظرفیت‌ها، امکانات زیستی خوب پایه گذاری شود و در استانها شعبه داشته باشد.
۵. در کار جمعی باید صبور و شکور بود. قرآن ۴ بارواژه صبار و شکور را به کار برده است. در یکی از آن‌ها داستان کشتی در دریای طوفانی را مثال می زند که ملوان حتی در سخت ترین شرایط می تواند بادبان کشتی را برای خروج از بحران تنظیم کند. دو ویژگی مقاومت در مقابل سختی ها و استفاده از ذره ذره امکانات و فرصت‌ها راهکار خروج از سختی ها و بحران هاست.

سوابق تاریخی نهضت آزادی ایران^۱

در ابتدا به صورت مختصر بفرمایید که فعالیتتان در نهضت از کی شروع شد و تا کی ادامه داشت و به چه صورت بود؟

بنده در همان زمانی که نهضت آزادی ایران در سال ۱۳۴۰ تاسیس شد عضویت آنرا پذیرفتم و عضو شاخه دانشجویی نهضت شدم. پس از فارغ التحصیلی از دانشکده فنی دانشگاه تهران در اردیبهشت ۱۳۴۰، در سال ۱۳۴۱ برای ادامه تحصیل به خارج از کشور رفتم. ابتدا در آلمان ضمن فعالیت در عرصه های فرهنگی و پایه گذاری اولیه گروه فارسی زبان اتحادیه انجمن های اسلامی دانشجویان در اروپا و سپس در آمریکا همکاری با انجمن اسلامی دانشجویان در آمریکا و کانادا عملاً در راستای اندیشه مهندس بازرگان و نهضت آزادی در خارج از کشور به فعالیت فرهنگی - اجتماعی ادامه دادم. در داخل ایران هم بعد از پانزده خرداد و بازداشت و محاکمه سران و فعالان، فعالیت های نهضت عملاً از سال ۴۴ متوقف شد. از حدود اواخر سال ۵۶ در آستانه انقلاب، نهضت در داخل کشور تجدید سازمان کرد و بنده در آن موقع از مدیران انقلاب بودم. به استثنای دو سال اول انقلاب که شهردار تهران بودم از سال ۱۳۵۹ عضو شورای مرکزی نهضت، و در حال حاضر هم عضو شورای مرکزی نهضت هستم.

از چه سالی و تا کی در خارج از کشور تشریف داشتید؟

از سال ۴۱ تا سال ۴۶. در داخل کشور عملاً از ۱۳۴۴ تا ۱۳۵۶ فعالیت نهضت متوقف بود، اما در خارج از کشور فعالیتها ادامه پیدا کرد.

در مصاحبه های قبلی صحبتی که در مورد نهضت شد این بود که برخی از فعالیت های

نهضت در خارج از کشور مورد تایید کامل مهندس بازرگان نبوده؟

این طور نیست. فعالیت های نهضت در خارج از کشور اگرچه مستقل بود اما اسناد نشان می دهند که با خط مشی و اهداف داخل هماهنگ بود و آقای مهندس بازرگان در جریان آنها بودند. در پروژه ای که ما باشهید دکتر چمران و دکتر یزدی و جمع دیگری برای آموزشهای نظامی به مصر رفتیم نیز مرحوم مهندس بازرگان در کلیات برنامه در جریان بودند.

در چه کشور هایی فعالیت داشته اید؟ و با چه کسانی در ارتباط بوده اید؟

^۱ مصاحبه با محمد توسلی در باره سوابق نهضت آزادی - تیر ۱۳۸۹

مدتی در آلمان و مدتی نیز در آمریکا بودم. در آمریکا با شهید دکتر چمران و دکتر یزدی و با مرحوم صادق قطب زاده هم که مسئول دیپلماسی نهضت در خارج از کشور بود ارتباط و همکاری داشتم.

بحثی که راجع به عدم هماهنگی با نهضت آزادی مطرح شد از این جهت بود که نهضت آزادی خارج از کشور در قالب "انجمن اسلامی دانشجویان در آمریکا و کانادا" فعالیت می کردند و فی المثل در بیانیه هایشان در کنار مهر انجمن اسلامی مهر نهضت آزادی را هم می زدند و مستقلاً به نام نهضت فعالیت می انجام نمی شده است.

خیر، این اطلاعات درستی نیست. ما از سال ۴۱ که به خارج از کشور رفتیم هیچ گونه فعالیتی را به نام نهضت به مصلحت نمی دیدیم چراکه فضای فرهنگی خارج از کشور در دست گروه های چپ عمدتاً ماکسیست بود و بنا براین ابتدا باید يك کار فرهنگی انجام می شد تا زیر ساختهای فرهنگی برای فعالیت نهضت به عنوان يك حزب ملی- اسلامی در خارج از کشور فراهم شود. خود من از همان سال ۴۱ زمینه های پایه گذاری انجمن اسلامی دانشجویان در آلمان را فراهم کردم که در خاطراتم گفته ام و منتشر شده است. پیامد آن اقدام، تشکیل گروه فارسی زبان "اتحادیه انجمن های اسلامی دانشجویان" است که تا پیروزی انقلاب، نقش موثری در توسعه فرهنگ ایرانی و اسلامی در اروپا داشت. در آمریکا، در همین راستا از حدود همان سالهای چهل انجمن اسلامی دانشجویان توسط دکتر مهدی بهادر نژاد در دانشگاه ایلینوی هماهنگ با دکتر ابراهیم یزدی و شهید دکتر چمران بنا نهاده شد و بنده هم در همان دانشگاه درس می خواندم و ارتباط نزدیکی با این انجمن داشتم و البته این فعالیت ها مختص دانشجویان ایرانی و همان دانشگاه نبود بلکه همه دانشجویان مسلمان آمریکا شامل ۵۰ کشور اسلامی در آن انجمن عضو بودند. این فعالیت ها صرفاً فرهنگی، دینی و اجتماعی بود. پیوندهای اخوت اسلامی ای که آن موقع بین دانشجویان کشور های مختلف اسلامی شکل گرفت زمینه توسعه نهضت فکری اسلامی را در همه کشورها بوجود آورد. به عنوان نمونه آقای عبدا... گل و آقای طیب اردوغان از نمونه هایی هستند که در بستر همین فعالیتهای فرهنگی که بوسیله دوستان ما پایه گذاری شد ساخته شدند. آقای انور ابراهیم و آقای مهاتیر محمد در مالزی از ثمرات این فعالیتهای فرهنگی است. آقای حسن ترابی در سودان و خیلی از دانشجویانی که در آنزمان از سوریه، لبنان، اردن، الجزیره و عربستان داشتیم و اسامی آنها در خاطر من نیست. این دستاوردها نتیجه تعامل فرهنگی

دانشجویان مسلمان ایرانی با دانشجویان دیگر کشورهای اسلامی است. بطور خلاصه از حدود سالهای ۴۹ و ۵۰ با توسعه فعالیت‌های فرهنگی دکتر شریعتی در داخل و انعکاس این ادبیات در خارج از کشور بتدریج این زیر ساختها در خارج کشور شکل گرفت.

نهضت آزادی ایران از همان سالهای ۱۳۴۱ در خارج از کشور پایه ریزی شد اما هیچ کار علنی انجام نداد تا این زیر ساختها آماده شود. از حدود سال ۵۰ که جنبش مسلحانه در ایران شکل می گیرد بتدریج نهضت آزادی ایران در خارج از کشور فعال می شود و نشریه پیام مجاهد را تا سال ۱۳۵۷ منتشر می کند.

در سال ۱۳۴۴ پس از شرایط ۱۵ خرداد سال ۴۲، فعالان نهضت در خارج از کشور برای تدارک جنگ مسلحانه سازمان سماع را تشکیل می دهند و برای طی دوره های آموزشی به مصر میروند و به دلایلی که در منابع تاریخی توضیح داده شده است از ادامه کار منصرف می شوند. بنابراین کارهایی که در خارج از کشور انجام شده مغایرتی با خط مشی نهضت آزادی در داخل کشور نداشته بلکه هماهنگ بوده است. نهضت آزادی در واقع يك جریان فکری، فرهنگی و اجتماعی است که اعضای آن به دنبال قدرت نبودند بلکه انگیزه اصلی آنان کار فرهنگی و اجتماعی و توسعه بوده است. بنابراین هر جا که رفتند مستقلا اما هماهنگ با این خط مشی عمل کردند.

از چه سالی دقیقا تشکل دانشجویی خارج از کشور شکل گرفت؟

من در اروپا سال ۴۱ بذره‌های آن را پاشیدم. ولی وقتی در سال ۱۳۴۴ به مصر رفتم و سپس به آلمان برگشتم در حدود سال ۴۵ این تشکل فارسی زبان بوجود آمد که تا پیروزی انقلاب نقش موثری در توسعه فرهنگی و مبارزات خارج از کشور داشته است. در آمریکا در سال ۱۹۶۱ یعنی قبل از اینکه من به آمریکا بروم این نهاد پایه گذاری شده بود و در آنجا با آنها همکاری داشتم که عنوان آن انجمن اسلامی دانشجویان در آمریکا و کانادا in Association Student Muslim U.S & Canada) بود.

به اسم نهضت آزادی از چه زمانی شروع شد؟

نهضت آزادی در خارج کشور با حضور دکتر شریعتی در سال ۱۳۴۱ پایه گذاری می شود، اما حرکت رسمی که بیانیه و نشریه می دهند از سال ۱۳۵۰ می باشد.

از چه سالی به ایران آمدید؟

در سال ۴۶ به ایران آمدم که توسط ساواک ممنوع الخروج شدم.

نهضت در داخل چه سالی دوباره فعال می شود؟

اواخر ۵۶. اگرچه اولین بیانیه رسمی آن در تیر ماه سال ۵۷ منتشر شد اما به لحاظ تشکیلاتی در اواخر ۵۶ فعال شد.

در آن بازه فعالیتی هم داشتید؟

بله. از سال ۵۴ همزمان با تغییر مواضع ایدئولوژیک سازمان مجاهدین، با اسم مستعار (چون شرایط مساعد نبود) بیانیه هایی دادیم. که نوع فعالیت هایی که تا انقلاب انجام داده ایم در اسناد منتشر شده نهضت منعکس است.

در مورد عضوگیری نهضت باید گفت که عضوگیری ما با عضوگیری سازمانهای چریکی متمایز بوده است.

اولاً اینکه همواره نگاه ملی و اسلامی داشته است. ثانیاً اعتقاد به مبارزه قانونی، علنی و مسالمت آمیز داشته است و نگاهش همواره زمینه سازی برای تحول تدریجی در جامعه بوده است. بنا براین شیوه عضوگیری و نوع افرادی که انتخاب کرده اند با عضوگیری در سازمانهای چریکی کاملاً متفاوت بوده است.

روش عضوگیری نهضت از سال ۴۰ تاکنون فرقی نکرده است. برای اینکه مستند در این مورد بررسی شود می توان به اساسنامه نهضت رجوع کرد. در آنجا شرایط عضوگیری آمده است.

این اساسنامه برای قبل یا بعد از انقلاب است؟

بله اساسنامه کنونی ویرایش جدید است. اما اصول اساسنامه قبل از انقلاب به همین شکل بوده است:

”تابعیت ایران و دارا بودن حداقل ۱۸ سال سن”

- ایمان و التزام عملی به اسلام، داشتن تعهد به مبارزات سیاسی و اجتماعی بر مبنای جهانبینی و آموزه های اسلام و فعالیتهای مستمر در راه تحقق اهداف نهضت
- اعتقاد به مرام نامه، التزام به اساسنامه و مصوبات نهضت، رعایت انضباط حزبی، تعهد به پرداخت حق عضویت، شرکت منظم در جلسات و فعالیتهای و انجام وظایف محوله حزب

- دفاع از آرمانهای اصیل سال ۵۷ بویژه آزادی، استقلال ملت و التزام به قانون اساسی جمهوری اسلامی

- عدم سابقه عضویت در احزاب ضد اسلامی و ضد ملی مگر آنکه تغییر رویه و عقیده در راستای اصول و مبانی نهضت محرز گردد.
- صلاحیت اخلاقی و اجتماعی و نداشتن سوء شهرت
- معرفی و تایید صلاحیت از طرف دو نفر از اعضای رسمی نهضت
- گذارندن حداقل يك دروه آموزشی سه ماهه، مگر آنکه فرد به تایید واحد استانی، سابقه فعالیت سیاسی و اجتماعی داشته باشد.
- نداشتن عضویت در سایر احزاب و سایر سازمانهای سیاسی مگر با تصویب شورای مرکزی نهضت.

تبصره: نهضت می تواند دارای اعضای وابسته، افتخاری و مجازی باشد که شرایط عضویت، وظایف آنان را آیین نامه مصوب شورای مرکزی تعیین می کند.

بنابراین ملاحظه میکنید که شرایط عضوگیری ما در عین ممتنع بودن، سهل هم هست. با توجه به اینکه رسالت اصلی نهضت در واقع آگاهی بخشی در جامعه است بنابراین پایگاه اصلی نهضت هم قشرهای متوسط و تحصیلکرده جامعه هستند. این وظایف را چه کسانی می توانند متقبل شوند؟ کسانی که این ظرفیت ها را داشته باشند. بنابراین نهضت هیچ وقت دنبال سیاهی لشکر نبوده که تعداد اعضایش را بی رویه زیاد کند. دنبال کسانی بوده اند که قادر باشند و بتوانند این وظایف را حتی در شرایط سخت به عهده بگیرند و نقش آگاهی بخشی در جامعه را تقبل کنند. اهل فکر و عمل و مدیریت باشند و بتوانند در این راستا عمل بکنند. منتها این را خدمتتان عرض بکنم که در سال ۴۰ که ما عضو شدیم در شرایطی بود که يك فضای باز نسبی بوجود آمده بود. ولی بعد از مدت کوتاهی که دکتر امینی آمد و شاه گفت که خود من برنامه مورد نظر آمریکا را اجرا می کنم، فشار بر احزاب کاملاً تشدید شد. البته من خودم سال ۴۱ از کشور خارج شدم ولی کسانی که بودند همه زیر فشار بودند. در سالهای قبل از انقلاب نیز طبیعتاً نهضت زیر فشار بود. همه زیر فشار بودند. بنابراین نهضت بر همین اساس قبول مسئولیت کرد و مسئولیت سنگین مدیریت انقلاب را در بخش های زیادی که در اسناد منتشر شده آمده است بعهده گرفت. در ابتدای انقلاب هم مسئولیت سنگین دوره انتقال را پذیرفت. آن هم در واقع بر مهندس بازرگان و کسانی که قبول مسئولیت کردند، تحمیل شد.

ساختار و سازماندهی نهضت برای عضوگیری چگونه بود؟

منابعی که نهضت برای عضوگیری استفاده می کرد، چند منبع اصلی بود؛ یکی نهادهای فرهنگی - اجتماعی بود که افراد در آن نهادها فعالیت می کردند مثل انجمن اسلامی دانشجویان که خود به خود با نهضت آشنا می شدند و درخواست عضویت می دادند. ما جلسات عمومی داشتیم که افرادی به مناسبت های مختلف در این جلسات شرکت می کردند و با نهضت آشنا می شدند و درخواست عضویت می دادند.

خود من هم در سال ۴۰ به عنوان عضو انجمن اسلامی دانشجویان عضو نهضت شدم. برای تکمیل پاسخ این سوال باید بگویم که تأسیس نهضت آزادی در اردیبهشت سال ۴۰ در واقع پاسخ به یک نیاز فعالان مسلمان روشنفکر بود. تا آن زمان این فعالان در عرصه سیاسی جایگاه وهویت تشکیلاتی نداشتند. تأسیس نهضت در واقع پاسخ به این نیاز و ضرورت بود. طبیعی است کسانی که عضو انجمن اسلامی دانشجویان بودند عموماً عضو نهضت می شدند. در واقع نهضت یک بستر طبیعی بود برای جذب بسیاری از فعالان سیاسی مسلمان از جمله در بازار، کارکنان دولت و اصناف. نگاهی به سوابق نهضت نشان می دهد که هم شاخه های کارمندی داشته و هم کارگری و هم کشاورزی. در واقع به طور طبیعی فعالان مسلمان جذب نهضت می شدند که یک حضور تشکیلاتی سیاسی به آنها می داد و جلسات عمومی و مذهبی که برگزار می کرد بستری بود برای اینکه افراد مسلمان علاقه مند به فعالیت سیاسی - اجتماعی شوند و با این اندیشه آشنا و جذب شوند.

انجمن اسلامی دانشجویان در مقاطعی از سال جلسات عمومی داشت مثلاً در عید فطر همواره برنامه و جشن داشتند و مهندس بازرگان سخنران آن جلسات بودند. و این بستری بود برای جذب و عضوگیری حزب. در جشن های مبعث انجمن همیشه مهندس بازرگان سخنرانی داشتند که تمام سخنرانی های مبعث هم در مجموعه آثار ایشان چاپ شده است. بنابراین این گونه جلسات بستری بود برای جذب افراد علاقمند. در بسیاری از اینگونه جلسات مذهبی روحانیون روشنفکر با اشتیاق حضور پیدا می کردند و سخنرانی داشتند. آیت الله طالقانی، دکتر بهشتی، استاد مطهری و بعدها دکتر باهنر از جمله کسانی هستند که در اینگونه جلسات برای ایراد سخنرانی دعوت می شدند. بعدها در سال ۱۳۳۶ که انجمن اسلامی مهندسين و سپس انجمن اسلامی پزشکان تأسیس شد آنجا نیز بستری برای جذب افراد به نهضت بود. در سالهای ۳۴ و ۳۵ مرحوم مطهری طلبه ای بود که تازه از قم به تهران آمده بودند و در این جلسات آموزشی که

در کتابخانه شیانی واقع در خیابان امیریه تشکیل می شد شرکت می کردند. از جمله سخنرانان این جلسات علامه محمد تقی جعفری بودند.

پس اینطور که من متوجه شدم ساختار و سازماندهی گروه برای عضوگیری بیشتر از طریق سخنرانی ها و ...

بله. محافل فرهنگی، اجتماعی فرصتهایی بود که بنیانگذاران نهضت، اندیشه خودشان را مطرح می کردند. بنابراین کسانی که علاقمند بودند آنجا شناخت پیدا می کردند و بعد عضو می شدند. البته نشریات و کتاب های مرتبط با پایه گزاران و فعالان نهضت منابع موثر دیگری برای آشنایی با اندیشه نهضت و عضویت افراد بوده است.

بعد از اینکه طرف علاقمند می شد برای عضو شدن چه کار باید می کرد؟ باید اسم می نوشت؟ چگونه بود؟

دو سازو کار وجود داشت. در عضوگیری نهضت دو پرسشنامه وجود داشت، یکی پرسشنامه «الف» بود که هر عضو نهضت می توانست برای فرد علاقمند به عضویت نهضت پُر کند. این پرسشنامه در يك كمسيون زیر مجموعه تشکیلات می رفت و بررسی می شد وقتی چار چوب صلاحیت او تایید می شد بعد با او مذاکره می شد و پرسشنامه «ب» را به او می داند که خودش پُر کند.

افرادی را که تایید می کردند، خاطرتان هست یا نه؟

خیر، زمان زیادی گذشته خاطر من نیست. پرسشنامه «ب» در کمیته تحقیق زیر مجموعه تشکیلات بررسی می شد. و بعد از تصویب آنها، آن فرد می بایست دوره آموزشی ۳ ماهه را طی می کرد و اگر آن دوره را طی می کرد و بعد با او مصاحبه می شد برای اینکه بررسی شود که آن چیزی که در دوره آموزشی یادگرفته با آن چیزی که در ذهنیت او بود هماهنگی دارد یا نه. و بعد از تایید کمیسیون مزبور مراسم تحلیف انجام می شد.

فرم «الف» و «ب» مربوط به آن سالهاست؟ یا بعد از انقلاب تهیه شد؟

به خاطر ندارم، ولی در سال ۴۰ مشابه این بود و همین فرآیند طی می شد ولی ممکن است مقداری آیین نامه هایش تکمیل شده باشد.

سخنرانان نهضت غیر از آیت الله طالقانی و مهندس بازرگان چه کسانی بودند؟

خیلی از شخصیت ها مدعو بودند مثلاً آقای مهندس مصطفی کتیرایی در باشگاهی که

نهضت در خیابان کاخ (فلسطین امروز) داشت ، در روز تاسوعا سخنرانی داشتند. بسیاری از روحانیون روشنفکر حوزه نظیر مرحوم مطهری با نهضت آزادی ارتباط ارگانیک داشتند و از سخنرانان مدعو بودند. مرحوم آیت ... سید ابولفضل زنجانی هم از سخنرانان مدعو بودند که به پایه گزاران نهضت خیلی نزدیک بودند. از اساتید دانشگاه که پیوند فکری با نهضت داشتند، مرحوم حاج سید غلامرضا سعیدی ، در جلسات انجمن حضور داشتند. تعدادی از افرادی هم که سخنرانی می کردند از خود اعضای انجمن یا اعضای از انجمن اسلامی مهندسين بودند. بنابراین سخنرانان هم از حوزه بودند و هم از دانشگاه.

پس محمل هایی که شما برای عضوگیری استفاده می کردید، یکی انجمن های اسلامی بودو دیگری محفل های روشنفکری که داشتید؟ آیا از فضای مساجد هم استفاده می کردید؟ کدام مساجد؟

بله ، غیر از مسجدهدایت که پایگاه مرحوم طالقانی بود، از مساجد معدود دیگری نیز استفاده می شد. از جمله از مسجدی واقع در خیابان حافظ. یکی از جشنهای انجمن که خود مهندس بازرگان سخنرانی داشتند. گاهی در منازل اشخاص هم برگزار می شد مثلاً در برنامه های دهه محرم و آنجا هم بستری برای ارتباط و آشنایی کسانی که شرکت می کردند با افکار و اندیشه های نهضت آزادی بود. سالن نهارخوری کوی دانشگاه در امیر آباد نیز برای برگزاری بعضی از برنامه های انجمن استفاده می شد.

جریان های داخلی نهضت؟

دو جریان در نهضت وجود داشت، یکی جریان «پایه گذاران» این جریان فکری بود که از شهریور سال ۲۰ کارشان را شروع کردند یعنی آقایان طالقانی، بازرگان و سحابی که کاملاً هم فکر، هم جهت و هم سو بودند. آنها از شهریور ۲۰ تا سال ۴۰ ، در واقع ۲۰ سال کار فرهنگی کردند و همین زیر ساخت فرهنگی بوده که باعث شده در سال ۴۰ در شرایط خاص زمینه تأسیس نهضت فراهم شود. جریان دیگری نیز از کادرهای تربیت شده دوران نهضت مقاومت ملی هستند که بعد از کودتای ۲۸ مرداد سال ۱۳۳۲ با بازرگان و طالقانی و سحابی در نهضت مقاومت ملی آشنا شدند و همکاری داشتند. این دو جریان به لحاظ سیاسی هم فکری کامل داشتند.

از شخصیت هایشان می توانید چند مورد مثال بزنید؟

از جمله آقایان مهندس عباس امیرنظام ، عباس سمیعی و رحیم عطایی. این افراد که در

جریان نهضت مقاومت ملی با هم فعالیت داشتند از لحاظ سیاسی انسجام فکری داشتند اما پایه های اعتقادی کسانی که در این جریان فرهنگی بودند به خصوص در انجمن های اسلامی دانشجویان و بعد مهندسين، پزشکان، معلمان و بانوان - بسترهای نهادهای مدنی که به وسیله این جریان شکل گرفته بود را نداشتند. طبیعی است که این افراد بیشتر از بُعد سیاسی به فعالیت نگاه کنند و شما می توانید تمایز این افراد را ببینید. مثلاً مهندس عزت الله سبحانی، دکتر ابراهیم یزدی و شهید دکتر چمران، افرادی بودند که از کانال انجمن اسلامی دانشجویان به نهضت آزادی پیوستند و در طول ۵۰-۶۰ سال حتی در دورانی که در اروپا و آمریکا بودند انسجام فکری خودشان را حفظ کردند. جریان اول اکثریت بودند اما جریان دوم که اقلیت بودند کاملاً برای مهندس بازرگان و آقای طالقانی احترام قائل بودند و در همکاری تشکیلاتی کاملاً منضبط بودند.

طبقه اجتماعی - اقتصادی اعضای فعال گروه؟

اعضای فعال نهضت آزادی عموماً از قشر متوسط شهری و روشنفکران متعهد بودند. همانطور که توضیح دادم رسالت اصلی نهضت آگاهی بخشی است. لذا نهضت افرادی را جذب می کرد که توان چنین رسالتی را داشته باشند. اسناد نهضت به وضوح نشان می دهد که پایه گزاران آن مانع اصلی توسعه جامعه ایران را حضور فرهنگ دیرین استبدادی می دانستند و بر این پایه محور اصلی تلاش خود را شناخت ریشه های این فرهنگ و زمینه سازی برای گسترش و تعمیق آگاهی های مردم و تأمین آزادی های اساسی در جامعه بوده است. طبیعی است که این قشر روشنفکر جامعه بود که می توانست این پرچم را به دوش بکشد و به این خاطر جذب این گروه هدف اصلی جذب و تربیت افراد بوده است. نهضت در همان سالهای ۱۳۴۰ که فضای نسبتاً باز سیاسی وجود داشت، علاوه بر دانشگاهیان شاخه های کارمندی یا صنفی و یا حتی کارگری نیز داشت. اما کسانی که جذب نهضت شدند، عموماً از قشر روشنفکر بودند. روشنفکر به معنای کسی که احساس تعهد می کند که باید به جامعه اش خدمت کند. یعنی کسی که شناختی از جامعه اش دارد و موانع و مشکلات را می بیند و به عنوان يك انسان می خواهد در درون جامعه به وظیفه خود عمل کند و آن پاسخ به نیازهای واقعی جامعه است. بنابراین طبیعی است که کسانی بیشتر جذب شوند که ظرفیت و انگیزه لازم را داشته باشند و بتوانند بار رسالت و امانت را به دوش بکشند.

آنها اهل فکر و مطالعه و اهل قلم و مدیریت بودند. شما اسامی مجموعه کسانی که به

عنوان عضو نهضت بودند را ملاحظه کنید که همینطور بودند، شهید دکتر چمران که شاگرد اول دانشکده فنی بود. آقای دکتر یزدی شاگرد ممتاز بود. بهترین دانشجویان دانشگاهها، عضو انجمن اسلامی دانشگاهها می شدند و ممتاز بودند و می درخشیدند و اینطور نبود که از درس فرار کنند و وارد فعالیت های اجتماعی شوند. همه آنها شاگرد اول و یا ممتاز بودند.

در مورد بسترهای فرهنگی که قبلا گفتید بیشتر توضیح دهید؟

علاوه بر انجمن اسلامی مهندسين و معلمان و پزشکان، انجمن اسلامی بانوان هم بعد از سال ۳۶ تشکیل شد که اینها بسترهایی بودند که افراد از طریق آن عضو می شدند و به لحاظ فکری و اجتماعی و کار جمعی رشد می کردند و جمعی از آنها برای کار سیاسی آمادگی پیدا می کردند و عضو نهضت می شدند ولی همه آنها عضو نمی شدند.

این سخنرانی ها و محفل های روشنفکری که داشتید یا عزاداری هایی که در منازل بوده، از افراد انجمن اسلامی مهندسين و پزشکان و بانوان دعوت می کردید؟ رابطه اینها با نهضت چگونه بود؟

ما دعوت نمی کردیم. اینها همه مستقل بودند. مهندس بازرگان همیشه این اعتقاد را داشت که هر نهادی باید مستقل باشد و هیچگاه پرونده این نهاد ها را نباید با هم قاطی کرد، مهندس بازرگان هم استاد دانشگاه بود و هم پایه گذار انجمن اسلامی مهندسين و هم دبیر کل نهضت و هم با شرکت های مهندسی و صنعتی ارتباط داشتند. ایشان پرونده هیچ یک از این نهاد را باهم مخلوط نمی کردند. اما هر جا که بودند با همان ارزشهای منسجم خویش حضور داشتند. هیچ وقت کسی را مجبور نمی کردند تا عضو نهضت شود. معتقد بودند که آمادگی برای عضویت باید از درون افراد به جوشد و خودشان در خواست عضویت کنند.

یعنی می توان نتیجه گرفت که این انجمن ها بسترهایی بودند که نهضت بیشتر روی آنها سرمایه گذاری می کرد؟

بله البته با حفظ استقلال آنها و به طور طبیعی. انجمن های اسلامی بستری برای رشد و تربیت کار جمعی بود. در انجمن ها افراد قبل از اینکه وارد کار سیاسی شوند، با کار جمعی آشنا می شدند. مهندس بازرگان موضوع کتاب « احتیاج روز » را در سال ۱۳۳۶ در برنامه جشن عید فطرانجمن دردانشکده کشاورزی کرج ارائه دادند، دقیقا همین استراتژی را مطرح می کنند که احتیاج روز امروز ما هم هست. می گویند برای اینکه ما بتوانیم در کارهای سیاسی موفق باشیم،

قبل از اینکه افراد درگیر کار سیاسی شوند باید درگیر فعالیت جمعی شوند یعنی یاد بگیرند که چگونه با هم کار کنند. پس از طی این فرایند باید وارد فعالیت سیاسی بشوند. برای اینکه در نهضت مقاومت ملی تجربه کرده بودند که کسانی که تجربه کار جمعی نداشتند مشکلاتی در فعالیت سیاسی به وجود می آوردند.

مهندس بازرگان از سال ۳۴ که از زندان آزاد می شوند، یک نهادی را تشکیل می دهند به عنوان متاع: "مکتب تربیتی - اجتماعی - عملی". این نهاد تا انقلاب یک نهاد مخفی بود و بعد از ترور مرحوم مطهری مشخص می شود که ایشان در جلسه متاع بودند. استاد مطهری، مهندس بازرگان و حاج کاظم طرخانی و افرادی مثل مهندس سبحانی و... بودند. نهادهایی که پس از این سال تشکیل شده، تصمیمات متاع بود. در جلسات متاع نیازها را بررسی می کردند و نهادهای مدنی مورد نیاز را شکل می دادند، بسترسازی می کردند تا افراد در این نهادها رشد کنند. نه تنها در بستر کار فرهنگی مانند تأسیس شرکت سهامی انتشار، تأسیس نهادهای اجتماعی مانند انجمن های اسلامی حتی در عرصه آموزشی و صنعتی نیز نهادهایی مانند شرکت کارآموز و شرکت ایرفو را تشکیل دادند.

به نظر شما چند درصد از افرادی که از سال ۴۱ و ۴۲ وارد نهضت شدند حاصل همین

متاع بودند؟

قطعا اکثریت آنها. این بسترسازی ها و نهادسازی ها خیلی موثر بوده است. مسجد هدایت نقش موثری در تربیت این افراد داشته است. ما مبانی اعتقادی خودمان را در کلاسهای قرآن مرحوم طالقانی و سخنرانی های مهندس بازرگان گرفتیم. البته خود من از زمان دبستان و دبیرستان با زبان عربی و قرآن آشنا شده بودم. ولی اگر کتاب خاطرات دکتر چمران را بخوانید متوجه می شوید که مسجد هدایت و مهندس بازرگان نقش موثری در ساختن زیربنای اعتقادی و فکری وی داشته اند.

آسیب شناسی جریان روشنفکری ، پس از انقلاب اسلامی^۱

جریان روشنفکری پس از انقلاب تا چه حد توانسته به رسالت خود عمل کند و در این راه چقدر توانسته توفیق به دست آورد؟

در يك نگاه تحلیلی و کلان تاریخی نمی‌توان عملکرد جریان روشنفکری ایران را پس از انقلاب موفق ارزیابی کرد. ریشه مشکل روشنفکری ایران را که دست کم از انقلاب مشروطه تاکنون در مقاطع مختلف بروز و ظهور پیدا کرده است، می‌توان در زمینه‌های فرهنگ استبدادی و خلق و خوی ایرانیان جستجو کرد. خود بینی، تک روی و در عین حال تمامیت خواهی و مطلق طلبی از عوارض خلق و خوی ما ایرانیان است.

با این نگاه، روشنفکران ما پس از انقلاب نتوانستند برای تحقق مطالبات مردم با تاکید بر حداقل‌های مشترک و پذیرش اصل گفت و گو با دیگران درکنار هم قرار گیرند و راه را برای رفع موانع توسعه هموار سازند.

به رغم این واقعیت تاریخی و هزینه‌های سنگینی که در سه دهه گذشته پرداخت شده بخشی از روشنفکران جامعه به این رسالت تاریخی خویش عمل کرده‌اند و بتدریج با رشد و توسعه آگاهی در جامعه شرایط نوینی در دهه چهارم پس از انقلاب پیش روی ملت ایران قرار گرفته است.

اگر روشنفکران ایران جمع‌بندی تجربیات گذشته خود را بکار ببندند و در راستای منافع ملی با گفت و گو و واقع بینی همواره بر مطالبات حداقلی و مشترک خود پا فشاری و مقاومت نمایند، زمینه برای عمل به رسالت آنان فراهم خواهد شد.

آنچنان که مهرزاد بروجردی در کتاب روشنفکران ایران و غرب میگوید ، مرگ یا ترور ناگهانی شخصیت‌های فکری و سیاسی برجسته چون استاد مطهری ، آیت الله طالقانی و دکتر بهشتی، چقدر توانست در شاکله روشنفکری پس از انقلاب به خصوص از نوع دینی آن مؤثر باشد؟

بدون تردید مرگ یا ترور شخصیت‌های فکری و سیاسی مورد توجه مردم که حامل دانش و تجربه طولانی بوده و شخصیت آنان در فرآیند تحولات اجتماعی شکل گرفته است ضایعه غیر

^۱ مصاحبه محمد توسلی با خبرنگار روزنامه شرق - ۱۳۸۹/۵/۴

قابل جبرانی برای جامعه ما بوده است. بسیاری معتقدند که اگر افرادی چون استاد مطهری، دکتر بهشتی و ... در دو یا سه دهه گذشته در قید حیات بودند تحولات جامعه ما به شکل دیگری رقم می خورد.

به نظر شما آیا لازم است که روشنفکران ما تا این حد، به مباحث کلامی ورود پیدا کنند و در مورد وحی و امور قدسی و ... نظر دهند؟

اگر رسالت روشنفکران را اجمالاً شناخت مسائل و مشکلات جامعه و برنامه ریزی برای ایجاد تحول در جهت رفع موانع توسعه و بهبود مناسبات فرهنگی، اجتماعی و سیاسی بدانیم دست کم طرح مباحث کلامی در عرصه عمومی که مسائل اصلی جامعه را تحت تاثیر خود قرار دهد نمی تواند در اولویت رسالت روشنفکران باشد.

طرح مباحثی همچون ”چرا نباید لائیک بود؟“ یا ”چرا باید لائیک بود؟“ در برخی جراید و محافل روشنفکری را با توجه به فضای حاکم بر جریان روشنفکری چطور ارزیابی می کنید و به نظر شما اصولاً طرح چنین مباحثی ضرورت دارد؟ (مقاله محمد قوچانی در مهرنامه)

اگر چه به آن مقاله آقای محمد قوچانی در مهرنامه تحت عنوان « چرا نباید لائیک بود؟ » نقد دارم و بایستی در جای خود مطرح شود، اما طرح دیدگاه های متفاوت را برای گفت و گو و تعامل روشنفکران در سطح چنین نشریاتی که در حلقه محدودی مورد استفاده قرار می گیرد مفید ارزیابی می کنم.

برخی معتقدند که فاصله روشنفکران در ایران با متن توده مردم، خیلی وسیع است و این موجب میشود تا مردم و روشنفکران حرف یکدیگر را نفهمند ... ، آیا این فاصله ضروری است یا می توان توقع داشت، میان روشنفکران و متن مردم فاصله ای نباشد؟ آفت های این فاصله چیست؟

در شرایطی که گردش آزاد اطلاعات وجود نداشته باشد و روشنفکران نتوانند از رسانه ها استفاده کنند به طور طبیعی چنین فاصله ای شکل می گیرد. در شرایط کنونی ارتباطات و پدید آمدن روش های جدید ارتباطی این فاصله می تواند کاهش یابد. و این مهم موقعی تحقق پیدا می کند که روشنفکران جامعه با زبان و فرهنگ متن توده مردم آشنا باشند و با شناخت دردها و مشکلات مردم بتوانند با دادن آگاهی به مردم، زمینه های تحول و پیشرفت در جامعه را فراهم سازد.

موفقیت نسبی روشنفکران دینی در ۶۰ سال اخیر که با زبان و فرهنگ مردم سخن گفته‌اند در این راستا قابل بررسی و ارزیابی است.

با توجه به اینکه چندی است روشنفکران داخلی سکوت پیشه کرده‌اند و تقریباً منفعل شده‌اند آیا فکر می‌کنید راهکار و ابزاری وجود دارد که بتوانند تا حدی در پیشبرد اهداف روشنفکرانه خود در چنین ظرفیتی، نقشی ایفا کنند و احتمالاً به کامیابی‌هایی نیز دست پیدا کنند؟

اگر چه در شرایط جاری کشور بخشی از روشنفکران جامعه ما عملاً از انجام رسالت معمول خویش باز مانده‌اند، اما همین پدیده زمینه گسترش و عمیق‌تر شدن رشد و آگاهی مردم را فراهم می‌سازد. تجربه تاریخی نشان می‌دهد که این دوران قابل دوام نیست و همواره در شرایط سخت نیز روشنفکران می‌توانند در حد وسع به وظایف آگاهی بخشی خود عمل نمایند.

آیا الان معیار و شاخصی برای جریان روشنفکری در دنیا وجود دارد و تا چه حد جریان روشنفکری داخلی را منطبق با آن میدانید؟

واژه روشنفکری از ادبیات فرهنگی - سیاسی اروپا در دوران انقلاب مشروطه وارد گفتمان فرهنگی - سیاسی ایران شد. در این دوران روشنفکران عموماً به صورت فردی عمل می‌کردند. نگاه کنید به تاریخ بیداری ایرانیان و نقش افراد در این فرآیند. اما بتدریج با توسعه نهادهای مدنی، احزاب، انجمن‌ها و NGOها در همه کشورها آگاهان جامعه به صورت جمعی به رسالت روشنفکری و تعهد اجتماعی خود عمل می‌کنند. براین پایه حکومت‌های اقتدارگرا در سطح جهانی با شکل‌گیری این نهادها مخالفت می‌ورزند تا این بسترهای طبیعی آگاهی بخشی و رفع موانع توسعه کشورها پدید نیایند.

روشنفکران ایران به ویژه در سالهای پس از انقلاب ۵۷ با استناد به مبانی قرآنی و معارف اسلام رحمانی و فرهنگ ملی هماهنگ با جریان روشنفکری در دنیا بر آزادی، مردمسالاری و کرامت انسانی که جوهر فضیلت عدالت است، تاکید دارند.

قیاس مع الفارق^۱

خطیب این هفته (۱۵/۵/۸۹) نماز جمعه تهران آقای سید احمد خاتمی در نقد سخنان اخیر آقای رحیم مشایی رئیس دفتر رئیس جمهور که آنرا « شرک آلود» خواند بدون ذکر نام، این سخنان را با دیدگاه‌های مرحوم مهندس بازرگان در سال‌های اول انقلاب شبیه سازی کرد و گفت:

« در ابتدای انقلاب یکی از سیاسیون گفته بود فرق ما با امام این است که امام ایران را برای اسلام می‌خواهد و ما اسلام را برای ایران می‌خواهیم که این همان ملی‌گرایی شرک آلود است و امام آن را خلاف اسلام و قرآن دانست».

برای رفع ابهام از این شبیه سازی ضرورتاً در غیاب شادروان مهندس مهدی بازرگان، به عنوان شاگرد و همراه آن‌مرحوم در طول چند دهه، توضیحاتی را اگر چه به طور اجمال و اختصار یادآور می‌شوم.

۱. در مقاله «ایران و اسلام» تفاوت نگاه مهندس بازرگان با رهبر فقید انقلاب درباره اسلام و ایران ارائه شده است که در جلد دوم «بازیابی ارزشها» و مجموعه آثار آن مرحوم نیز منتشر شده است.

در این مقاله به استناد آیات قرآن، که اسلام را دین فطری و هدف آنرا هدایت و هموار کردن راه رشد و کمال انسان معرفی می‌کند طبیعی است که در کشور ما اسلام برای ایران و ایرانیان تلقی شود. به لحاظ تاریخی نیز اسلام چنین نقشی را در گذشته در عرصه‌های فرهنگی و اجتماعی ایران ایفا کرده است.

۲. شهید استاد مطهری در کتاب ارزشمند خود با عنوان «خدمات متقابل اسلام و ایران» که در سالهای دهه سی در انجمن اسلامی مهندسین ارائه و سپس تدوین و منتشر شد به خوبی نقش اسلام و ایرانیان را در این خدمات متقابل تشریح کرده‌اند. نقش اسلام در شکوفایی استعدادها و کمال ایرانیان و نقش ایرانیان را در فهم و گسترش فرهنگ اسلامی در این اثر به خوبی تصویر شده است. در این اثر به طور تاریخی و مستند نقش اسلام برای ایران و ایرانیان تبیین شده است.

۳. مهندس بازرگان در اردیبهشت سال ۱۳۴۰ طی سخنرانی افتتاحیه تأسیس نهضت آزادی

^۱ یادداشت مهندس محمد توسلی در روزنامه شرق - ۱۳۸۹/۵/۲۱

ایران در اجتماع دوستان و همفکرانش گفت: که ما "مسلمان، ایرانی و مصدقی" هستیم. در آن سخنرانی مفهوم مسلمانی، ایرانی و مصدقی بودن به طور مشخص تعریف شده است. این مفاهیم دیدگاه‌های اجتماعی و سیاسی مهندس بازرگان و همفکران او را در دهه‌های چهل و پنجاه یعنی سالهای قبل از انقلاب برای همگان روشن ساخته بود و برای دفاع از این دیدگاه‌ها در دادگاه نظامی سال ۱۳۴۲ محاکمه و به زندان طولانی محکوم شدند. بر پایه همان نگاه اسلامی و ایرانی مدافعات خود را با عنوان «چرا با استبداد مخالفیم؟» ارائه دادند که به دفعات منتشر شده است. رهبر فقید انقلاب و اعضای شورای انقلاب با آگاهی کامل از مواضع اعتقادی و دیدگاه‌های اسلامی و ایرانی او به عنوان عضو شورای انقلاب و سپس نخست وزیر دولت موقت انتخاب شدند. این مفاهیم در حکم انتصاب مهندس بازرگان به سمت نخست وزیر دولت موقت انقلاب که در آن از اعتماد خودشان به "ایمان راسخ آمرحوم به اسلام" و اطلاعشان از سوابق "مبارزات اسلامی و ملی" ایشان ذکر کرده بودند، کاملاً برجسته است.

اگر رهبر فقید انقلاب در سالهای بعد تعریضی به دولت موقت داشتند از این بابت بود که چرا دولت موقت هماهنگ با جوانان، انقلابی عمل نمی‌کرد! اما هرگز به دیدگاه‌های اعتقادی مهندس بازرگان نسبت «شرك» و «خلاف اسلام» ندادند.

معلوم نیست امام جمعه موقت تهران با چه مبنایی، سخنان آقای مشایی را که از مبانی و انسجامی برخوردار نیست با دیدگاه‌های مهندس بازرگان، که در طول ۶۰ سال خدمات آن مرحوم ارائه شده و از انسجام و مبانی روشنی برخوردار است، مقایسه و شبیه سازی کرده‌اند. البته نیازی به توضیح نیست که دیدگاه‌های اعتقادی، مواضع و عملکرد آقای مشایی و همکاران ایشان در دولت دهم در موارد عدیده‌ای با دولت موقت و شخص مهندس بازرگان تضاد آشکاری دارند و لذا نمی‌توان محمل و یا توجیهی برای این شبیه سازی و مقایسه تصور کرد، اما می‌توان آنرا مصداق "قیاس مع الفارق" دانست.

خدمات و آثار زندگی دکتر شبیری نژاد انسان روشن دفتر^۱

یکی از سرمایه های جامعه، انسان هایی هستند که توانمندی های خود را بارور ساخته و با کسب فضیلت های انسانی و کسب مدارج علمی، اجتماعی، اقتصادی و ... عمر خود را با صداقت و اخلاق در خدمت جامعه قرار می دهند. چنین انسان هایی در زمره سرمایه های اجتماعی هستند که زمینه رشد و توسعه جامعه را فراهم می سازند. بزرگداشت و معرفی شخصیت این گونه انسان ها به نسل های بعدی تقویت سرمایه های اجتماعی و هویت ملی و نشان دادن راه رشد و کمال به جوانان است که به دنبال خودسازی و تداوم این روند هستند.

مرحوم دکتر سید علی اکبر شبیری نژاد (۱۳۸۸ - ۱۳۲۱) از جمله انسان های خدمتگزار جامعه ماست که بازگویی خدمات و زندگی و معرفی منش آنان می تواند ضمن تقویت سرمایه های اجتماعی و دمیدن روح امید به جامعه، زمینه را برای تداوم آثار وجودی آنان فراهم سازد. آیات قرآن که بهار دلها «ربیع قلوب» و راهنمای عمل «هدایت» است، این قانون مندی را به ما نشان می دهد.

همه ما، به ویژه به یاد در گذشتگان خود، سوره مبارکه یس را به دفعات تلاوت کرده ایم. این سوره در پنج پاراگراف یا ترجیع بند مشخص به محور اصلی رسالت پیامبران که توجیه و تفهیم «آخرت» برای انسان هاست، پرداخته است که فهم و پذیرش آن برای ما انسان ها بسیار سخت تر از پذیرش «خدا» است. در این سوره از سوابق و شواهد تاریخی و طبیعت استمداد جسته و واقعیت آخرت و زندگی پس از مرگ را به ذهن انسان نزدیک می سازد.

در آیه پایانی ترجیع بند اول (۱۲ آیه) خداوند با پنج بار مایه گذاشتن از خود زندگی پس از مرگ را مورد تأکید قرار می دهد.

انا نحن نحي الموتى و نكتب ما قدموا و آثار هم و كل شی احصیناه فی امام مبین (یس/۱۲)
«مسلماً ما ئیم که مردگان را بر می انگیزیم (زنده می کنیم و تمام اعمال گذشته و آثار وجویشان را ثبت می کنیم؛ و هر چیز را در دفتر روشنی به شمار آورده ایم»

جالب توجه است که این ۵ بار تأکید (انا، نحن، نحي، نكتب، احصیناه) در این آیه به لحاظ

^۱ یادداشت محمد توسلی - چشم انداز ایران شماره ۵۷ - شهریور ۱۳۸۹

تعداد با پنج بخش سوره هماهنگ است.

آنچه در این آیه مورد توجه است و در این یادداشت مایلیم آن را ارائه کنم این نکته مهم است که خداوند علاوه بر احیای مردگان «نحی الموتی» و نوشتن اعمال انسانها که پیش فرستاده‌اند «ما قدموا»، آثاری که انسانها بر جای می‌گذارند «آثار هم» را مورد تاکید قرار می‌دهد.

آثار وجودی انسان‌ها، از جمله فرزندان شایسته، اندیشه، سلوک شخصی و خدمات و ... است. ممکن است آثار وجودی یک انسان در طول زمان از ارزش مجموع عملکرد وی در طول زندگی به مراتب بیشتر باشد. آثار قلمی اندیشمندی که زمینه رشد و آگاهی و توسعه جامعه را فراهم می‌سازد یا کشف داروی معالجه بیماری که جان انسانها را نجات می‌بخشد و خدماتی که سطح رفاه زندگی انسانها را ارتقا می‌دهد و ... به نوعی آثار وجودی انسانها قلمداد می‌شود. از این رو، اینگونه یادنامه‌ها و معرفی شخصیت و آثار انسان در طول حیات می‌تواند زمینه توسعه آثار وجودی وی را پس از مرگ نیز فراهم آورد.

اما سابقه آشنایی من با خانواده شبیری‌نژاد به سال ۵۸ و هم‌کاری داوطلبانه و ثمر بخش جناب آقای مهندس سید محمد رضا شبیری‌نژاد تنها برادر مرحوم دکتر شبیری‌نژاد با مدیریت شهرداری تهران، در سمت شهردار یکی از مناطق در دو سال اول انقلاب برمی‌گردد. البته پس از این دوره، روابط نزدیکتر، دوستانه و خانوادگی ما ادامه داشته است. این ارتباط با خانواده شبیری‌نژاد پس از ازدواج فرزندانم (احمد) با دختر مرحوم دکتر شبیری‌نژاد (آمنه) در سال ۱۳۸۳ بسیار نزدیک‌تر شد و از نزدیک با آن مرحوم و خانواده ایشان آشنا شده و ارتباط پیدا کردم. ارتباط عاطفی بسیار نزدیک و عمیق مرحوم دکتر شبیری‌نژاد با فرزنداناش - بویژه آمنه و همسر او احمد - از جمله مواردی است که خصوصیات و روحیه آن مرحوم را نشان می‌دهد. این ارتباط عاطفی عمیق را در جریان عمل بسیار سنگین مغز مرحوم دکتر شبیری‌نژاد که توسط دکتر خسرو پارسا جراح متعهد مغز و اعصاب با موفقیت انجام شد، همه به خاطر داریم که چگونه پروانه‌وار و عاشقانه مسائل او را پیگیری می‌کردند.

اگر چه مدت ارتباط و آشنایی من با مرحوم دکتر شبیری‌نژاد مربوط به سالهای اخیر است و با ایشان همکاری کارشناسی نداشته‌ام و نمی‌توانم در خصوص ارزش خدمات ایشان گزارشی داشته باشم و در این زمینه همکاران محترم آن مرحوم ابعاد مختلف توانایی‌ها و خدمات گسترده و بدیع ایشان را در این یادنامه مطرح خواهند کرد، اما در خلال گزارشها و بازگویی خاطرات که

به طور اجمالی در جریان سوابق تحصیلی و خدماتی ایشان قرار گرفته‌ام نکاتی به نظر می‌رسد که شاید یادآوری آنها در این جا خالی از لطف نباشد:

۱- تعهد کارشناسی و درستکاری که حاصل ایمان و اصالت خانوادگی است. از ویژگی‌های برجسته ایشان چند دهه خدمات در سازمان برنامه و بودجه (۱۳۶۴-۱۳۴۴)، مدیرعاملی شرکت تولیدی کیمیای ایران (۱۳۷۶-۱۳۶۸)، وزارت نفت، عضویت در هیأت مدیره شرکت پتروشیمی بندر امام، شرکت ملی صنایع پتروشیمی، ریاست موسسه عالی پژوهش تأمین اجتماعی (۱۳۸۵-۱۳۷۷) و همکاری با مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی و همچنین انتشار ده ها مقاله و کتاب است.

دقت نظر و ایستادگی روی اصول و مبانی کارشناسی و تسلیم نشدن به نظریات نادرست و پایداری در اصول علمی و کارشناسی از جمله خصوصیات شخصیتی دکتر شبیری‌نژاد به شمار می‌آید که منزلت کارشناسی و انسانی ویژه‌ای در بین همکاران برای ایشان فراهم کرده است.

۲- تواضع کارشناسی - به رغم برخورداری از کارنامه سنگین و طولانی خدماتی و آثار قلمی متعدد در ارائه نظرات خود ضمن پابندی به اصول همواره متواضع بود و برای اظهار نظر و ارائه خدمات بیدریغ به ویژه با جوان ترها، صبورانه در جلسات کارشناسی صرف وقت می‌کرد.

۳- افتخار خدمات دولتی - شاید دکتر شبیری‌نژاد از معدود کارشناسانی باشد که با افتخار و علاقمندی به عنوان کارمند دولت خدمات صمیمانه و با صداقت ارائه کرده باشد.

۴- احترام به برخی از اعتقادات نزدیکان خانوادگی که شخصاً به آنها باور نداشت اما با حفظ روابط خویشاوندی به استحکام این پیوندها عنایت خاصی داشت.

۵- دغدغه‌های مستمر نسبت به نابسامانی‌های اقتصادی - او به ریشه مشکلات اقتصادی اشراف داشت. او در سازمان برنامه و بودجه کارشناس برجسته برنامه ریزی اقتصادی و بودجه نویسی بود. از این رو روند جاری اقتصاد کشور را در راستای منافع ملی نمی‌دانست و از این بابت عمیقاً رنج می‌برد.

۶- دغدغه منافع ملی و حساسیت نسبت به رخدادهای سیاسی - اجتماعی از ویژگی‌های برجسته دکتر شبیری‌نژاد بود. او هرگز فعال سیاسی نبود و در کار کارشناسی خود متمرکز بود. اما در خصوص مسائل سیاسی تحلیل خاص خود را داشت و از آنچه برخلاف منافع ملی و قانون و انصاف اتفاق می‌افتاد به شدت ناراحت می‌شد. دو یا سه باری که روزهای قبل از پرکشیدن از

دنیای فانی به اتفاق جناب آقای دکتر قاسم صالح خو به دیدن من برای کسب اطلاع و دلجویی آمدند کاملاً تأثر عمیق ایشان را مشاهده کردم. شاید قلب و احساس لطیف ایشان سرانجام نتوانست این همه دغدغه‌ها را تحمل کند و در زمان کوتاهی جان به جان آفرین تسلیم کرد و به دارباقی شتافت. خدایش او را رحمت کناد و آثار وجودیش، فرزندان شایسته و خدمات و آثار بدیع باقیمانده‌اش توشه زندگی جاودانه اش گرداند.

با دعای خیر و طلب رحمت و مغفرت برای آن مرحوم

محمد توسلی

طالقانی منادی کدام اسلام؟^۱

در سی و یکمین سالگرد رحلت آیت‌اله سید محمود طالقانی برای گرامی‌داشت یاد و خاطره او می‌توان در این مجال محدود به اختصار به واکاوی مبانی اندیشه و عملکرد او پرداخت، اندیشه‌ای که در چند دهه گذشته در تحولات فرهنگی، اجتماعی و سیاسی کشور تأثیرگذار بوده و برای امروز و فردای جامعه ما می‌تواند راهگشا باشد.

- طالقانی در سال ۱۳۱۹ فعالیت خود را همراه با شادروان مهندس مهدی بازرگان با اندیشه "بازگشت به قرآن" آغاز کرد و تا آخرین روزهای حیات خود با "پرتوی از قرآن" بر این راهبرد پای فشرد تا نسل جوان و تشنه حقیقت جامعه را با سرچشمه زلال وحی آشنا سازد و خرافات و پیرایه‌هایی که طی قرون بر این اندیشه ناب سایه افکنده و زمینه تحجر، جمود و انحراف فکری جامعه را پدید آورده بود از ذهن و فرهنگ مرم بزداید و راه برای پرستش خدای واحد و کمال انسان هموار شود.

- طالقانی در تمام عمر پرثمرش با مستبدین زمان که آزادی را از انسان سلب می‌کردند سر ستیز داشت زیرا او معتقد بود که "مکتب قرآن و اسلام، مهمترین مسأله را برای انسان‌ها آزادی می‌داند... انسان در بین همه موجودات دارای چنین خصیصه ایست که مختار آفریده شده یعنی در سرنوشت خود و در تصمیم خود و اتخاذ راه و روش زندگی آزاد است..." "آن کسی که فقط وعده آب و نان می‌دهد دلسوز بشر نیست آن کسی که آزادی بشر را می‌خواهد اوست که طرفدار حیات و زندگی واقعی بشر است." "انسان آزادی می‌خواهد، انسان کرامت نفس می‌خواهد و انسان می‌خواهد راهش باز باشد، تنفس کند."

- طالقانی همواره بر حق حاکمیت ملت بر سرنوشت خویش در سطوح محلی، شهری و ملی با استناد به آیات قرآنی و تجربه بشری تأکید می‌ورزید، در مجلس خبرگان قانون اساسی و در آخرین خطبه‌های نماز جمعه خود در بهشت‌زهرا بر این ضرورت پای فشرد. اصول فصل شوراها، قانون اساسی و شکل‌گیری شوراها برگرفته از این اندیشه راهبردی طالقانی است که در سه دهه گذشته برای اجرای آنها همواره با مقاومت جدی روبرو بوده

^۱ یادداشت محمد توسلی - هفته نامه ستاره صبح - ۱۳۸۹/۶/۲۱

است.

- طالقانی آزادی، حاکمیت مردم و کرامت انسان را عین آرمان و فضیلت عدالت می‌داندست زیرا در چنین شرایطی است که توزیع عادلانه قدرت که مقدمه توزیع عادلانه ثروت و عدالت اقتصادی و اجتماعی است امکانپذیر می‌گردد.
 - طالقانی با مشارکت در کار جمعی در طول حیات خود و مشارکت در تأسیس نهضت آزادی ایران در سال ۱۳۴۰ الگویی تاریخی برای تأکید بر شکل‌گیری و تقویت نهادهای مدنی و تحزب برپایه آزادی، حاکمیت ملت، کرامت انسانی و عدالت است.
 - طالقانی در سال ۱۳۳۴ یعنی دو سال پس از کودتای ۲۸ مرداد ۳۲ که کتاب "تنبیه الامه و تنزیه المله" آیت اله شیخ محمد حسین نایینی را منتشر و حواشی به آن اضافه کرد، اندیشه اجتماعی خود را در آخرین پاورقی آن اینچنین منعکس کرده است: "پیامبران عظام که کاختهای استبداد را ویران کردند... مردمی را تربیت کردند و قدرت بدستشان دادند تا با قدرت شمشیر عدالت و خدایپرستی، قدرت استبداد و شاهپرستی را برانداختند، آن مقاومت و انقلاب و خونریزی امروز به قانون و آراء عمومی تبدیل شده، این حقیقت که می‌تواند مستبدین را محدود سازد تا چشم باز کنند و سود و زیان خود و ملت را درک نمایند امروز اوراق انتخابات بجای شمشیر و تیر و کمان انقلاب دیروز است، این یگانه چاره کندن ریشه شاهپرستی و خودپرستی و از مصادیق بارز امر به معروف و نهی از منکر می‌باشد." این اندیشه حدود نیم قرن قبل طالقانی، امروز راهبرد مطالبه انتخابات آزاد و سالم و مبارزه قانونی و پرهیز از خشونت را پیش روی مردم ما نهاده است.
- مروری بر آثار طالقانی نشان می‌دهد که نه تنها اندیشه طالقانی و یاران او در چند دهه گذشته زمینه ساز تحول در ایران و همچنین بارور کردن اندیشه روشنفکران دینی سایر کشورهای اسلامی بوده است بلکه امروز نیز می‌تواند راهنمای نسل جدید برای بازگشت به مبانی اسلام رحمانی و انسانی و دور ساختن عرصه فرهنگی جامعه از زمینه‌های اسلام قشری که ارزش‌های انسانی را نفی می‌کند، باشد.

رحمت خدا بر او و یاران او باد

طالقانی از تبار بیدارگران^۱

نسیم بیداری در دو قرن اخیر در کشور ما نیز وزیدن داشته و بیدارگران فراوانی چراغ آگاهی بخشی را روشنایی بخشیده‌اند. قائم مقام‌ها، میرزا تقی امیرکبیر و محمد مصدق بذره‌های اصلاح طلبی را در جامعه استبداد زده ایران افشاندند و افرادی چون میرزا ملکم‌خان ناظم الدوله، میرزا فتعلی آخوندزاده، سید جمال‌الدین اسدآبادی، میرزا حسن شیرازی، آخوند ملا کاظم خراسانی و شیخ محمد حسین نائینی، سید حسن مدرس و ... از جمله بیدارگران دو قرن اخیر هستند که هر یک به نو به خود فرآیند بیدارگری را در جامعه ما قوت بخشیده‌اند. آیت‌الله سید محمود طالقانی (۱۳۵۸-۱۲۹۰) یکی از این بیدارگران قرن اخیر کشور ماست که پس از طی مدارج علمی در حوزه در آستانه تحولات شهریور ۱۳۲۰ همراه با یارانی چون شادروان مهندس مهدی بازرگان به رسالت آگاهی بخشی و بیدارگری در جامعه ما همت گماشته‌اند و در تحولات قرن اخیر کشور تاثیر گذار بوده‌اند. بازخوانی محورهای اندیشه و منش این بیدارگران به ویژه در ابعاد فرهنگی و اجتماعی برای نسل جوان امروز خالی از لطف نیست.

اولین گام طالقانی از همان ابتدای ورودش به تهران، همانگونه که همراه او مهندس بازرگان توصیف کرده‌است، یک نوع فرار و اعراض یا به اصطلاح انقلابی بود علیه حوزه و سنت‌های جاری آنروز روحانیت. او روال عادی منبر و محراب و مقام جویی را پیش نگرفت که فقط با افراد مسن و مؤمنین سرو کار داشته باشد. او می‌خواست نسل جوان و درس خوانده را که در فضای فرهنگی آنروز از باورهای دینی فاصله گرفته بودند نجات دهد.

برای این منظور او به استناد سخنی از پیامبر(ص) راهبرد "بازگشت به قرآن" را انتخاب کرد و در طول عمر پر ثمرش همواره بر آن پایفشرد تا پیرایه‌های تاریخی و خرافاتی که موجب شده بود نسل جوان و تحصیل کرده با معارف اسلامی فاصله بگیرد از دامن معارف اصیل اسلامی بزدايد و نسل تحصیل کرده و تشنه حقیقت با سرچشمه زلال وحی آشنا شود و زمینه پرستش خدای واحد و کمال انسان هموار گردد. طالقانی به استناد معارف قرآنی و سخنان پیامبر(ص) و ائمه علیهم‌السلام به ویژه نهج البلاغه سخنان علی(ع) به پرسش‌های نسل جوان به ویژه در عرصه‌های اجتماعی و سیاسی که خواهان تحول بودند پاسخ داد مروری بر آثار طالقانی به ویژه

^۱ یادداشت محمد توسلی - ماهنامه نسیم بیداری (شماره ۱۰) - ۱۳۸۹/۸/۱۰

تفسیر "پرتوی از قرآن"، مجموعه سخنرانی‌ها و مصاحبه‌های آن مرحوم برای نسل امروز جامعه ما می‌تواند راهگشا باشد.

طالقانی مشکل اصلی جامعه ما را فرهنگ دیرین استبدادی می‌دانست که در رفتار و شخصیت مردم و حاکمان جامعه وجود داشته و دارد. او از یک سو حکومت طاغوت و استبداد را به استناد آیات قرآن توضیح می‌داد که: "طاغوت به معنای لغوی و وسیع هر خودخواه و سرکشی بر اندیشه، آزادی و حق خلق است" و به استناد کلام نهج البلاغه می‌گفت "هرکس استبداد به ورزد نابود خواهد شد" (من استبد به رأیه فقد هلک). اما از سوی دیگر خود در تمام عمر به مقابله با طاغوت‌های زمان و مستبدین همت گماشت و سالهای متمادی عمر خود را در زندان‌ها و تبعیدگاه‌های طاغوت گذراند تا درخت پر ثمر آزادی و کرامت انسان آبیاری شود. طالقانی در پرتوی از قرآن تصریح می‌کند که: «از همه خطرناک‌تر یعنی آنچه را که احبار و رهبان و همکاران آنها و طبقات ممتاز، بر مردم تحمیل کرده بودند به نام دین، این خطرناک‌ترین تحمیلات است». طالقانی مبانی اندیشه خود را برای حکومت حق همواره بر آزادی، حاکمیت ملت و حقوق مردم استوار می‌کرد. به استناد آیات قرآن طالقانی هدف اصلی گزینش و خلقت انسان را اختیار و آزادی او می‌دانست و براین پایه آزادی و دموکراسی را زیر بنای یک نظام اسلامی توصیف می‌کرد. طالقانی می‌گفت: "در انقلابات و حرکت‌ها اصیل گذشته تاریخ هدف اصلی آزادی انسان‌ها بوده است. چون مسأله آزادی مهمتر از اقتصاد و خوراک و پوشاک بوده است. عامه مردم ایران حتی طبقه مرفه و مردم نیمه مرفه و تحت فشار، که همه به پا خواسته‌اند در مرحله اول آزادی می‌خواهند".

طالقانی اگرچه همواره بر قسط و عدالت به عنوان فضیلت پایه در معارف اسلامی تأیید داشت و می‌گفت: "قسط و عدالت عمل و توزیع عادلانه و رساندن حق است که زیربنای احکام و تحکیم نظام و رشد ایمان و اخلاق و وسیله کمال می‌باشد و اگر قسط نباشد هیچ اصلی از اصول شریعت پایه نمی‌گیرد". اما در عین حال آزادی، حاکمیت مردم و کرامت انسان را گام نخست تحقق فضیلت عدالت در جامعه می‌دانست زیرا فقط در چنین شرایطی است که انسان در جایگاه طبیعی خود قرار می‌گیرد و توزیع عادلانه قدرت که پیشنیاز توزیع عادلانه ثروت و عدالت اقتصادی و اجتماعی است امکان پذیر می‌گردد.

طالقانی راهکار تضمین آزادی و حاکمیت مردم و زمینه سازی برای تحقق فضیلت قسط و

عدالت در جامعه را سپردن کارها به دست خود مردم می‌دانست و بر این پایه همواره بر اجرای اصل «شورا» به استناد معارف قرآنی و تجربه بشری تاکید دانست.

با پیگیری طالقانی و یاران او اصول فصل هفتم قانون اساسی تدوین شد اما متأسفانه در عمل کمتر به ضرورت و اهمیت آن در سه دهه پس از انقلاب توجه شده است. برگزاری انتخابات شوراها در سال ۱۳۷۷ گام موثری برای پاسداری از این اصول قانون اساسی بود و شوراها در سه دوره اخیر نقش موثری در این راستا داشته‌اند. اما عملکرد شوراها و اختیارات پیش‌بینی شده در قانون برای شوراها نسبت به آنچه در اصول قانونی اساسی پیش‌بینی شده است و باید باشد فاصله زیادی دارد. اتفاقاً زنده یاد طالقانی با شناخت تاریخی خود این نگرانی را در سخنان خود در آخرین خطبه نماز جمعه تهران (شهریور ۱۳۵۸) نیز بیان داشت: "مساله شوراها از اساسی‌ترین مسائل اسلامی است، حتی به پیمبرش با آن عظمت می‌گوید، با این مردم مشورت کن، به اینها شخصیت بده، بدانند که مسئولیت دارند، متکی به شخص رهبری نباشند. ولی نه این که نکردند! می‌دانم چرا نکردند! هنوز هم در مجلس خبرگان بحث می‌کنند در این اصل اساسی قرآن، که به چه صورت پیاده شود. باید، شاید یا این که می‌توانند یعنی گروه‌ها و افراد دست اندرکار شاید این طور تشخیص بدهند که اگر شورا باشد دیگر ما چکاره هستیم؟ شما هیچ !! بروید دنبال کارتان، بگذارید این مردم مسئولیت پیدا کنند."

از دیگر ویژگیهای خاص طالقانی و یاران او توجه به ضرورت شکل‌گیری و تقویت نهادهای مدنی و احزاب سیاسی بود و این امر به گفته مهندس بازرگان حرکت انقلابی دیگر طالقانی بود که وارد حزب و پذیرش انضباط حزبی و مبارزه جمعی با غیر روحانی شد. البته بدون توقع ریاست و حق وتو و دور از تعصب صنفی. او در سال ۱۳۴۰ که از پایه‌گذاران نهضت آزادی ایران بود همراه با سایر یاران خود چون مهندس مهدی بازرگان و دکتر یداله سبحانی در جلسات حزبی با حضور اعضای جوان با قائل بودن فقط یک رأی ساده برای خودشان عملاً کار شورایی و جمعی را آموزش می‌دادند. موارد زیادی اتفاق می‌افتاد که این بزرگواران پیشنهادی را مطرح می‌کردند و از آن پیشنهاد در چارچوب ضوابط کار جمعی دفاع می‌کردند اما موقعی که نظرشان رأی نمی‌آورد خود به تصمیم جمع احترام می‌گذاشتند و خود برای اجرای آن تصمیم قبول مسئولیت می‌کردند. روحشان شاد و راهشان پر رهرو باد.

با مطالعه آثار طالقانی و سایر بیدارگرانی که نقش موثری در نشان دادن راه نجات جامعه و

مجموعه آثار از ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۰ ۴۳۳

رفع موانع توسعه کشور را داشته‌اند یاد آنان را گرامی بداریم.

بررسی عملکرد دولت موقت مهندس بازرگان^۱

آیا اهداف نهضت آزادی ایران با تداوم نخست وزیری بختیار محقق نمی‌شد؟ بختیار در ۳۷ روز نخست وزیری، قابلیت‌های خود را ثابت کرد، آزادی زندانیان سیاسی، انحلال ساواک، آزادی اجتماعات و آزادی روزنامه‌ها و... چرا شما از انقلاب پشتیبانی کردید؟

زمانی بختیار آمد که همه چیز برای نظام شاهنشاهی تمام شده بود، شریط اجتماعی متحول شده بود، شاه، خیلی دیر، پیام انقلاب را شنیده بود و رهبری آیت الله خمینی مطرح شده بود، در شعارهای راهپیمایی‌های تاسوعا و عاشورا عملاً رهبری ایشان بر پایه مطالبات مردم اعلام شده بود، در نتیجه حضور بختیار دیگر موضوعیت نداشت. در حقیقت مردم از بختیار عبور کرده بودند، اما سوالی که امروز می‌تواند مطرح شود این است که آیا روندی که انقلاب طی کرد بهترین روند در راستای منافع ملی بود؟ مهندس بازرگان در نوشته‌ها و در مصاحبه‌ها خود بارها به این سوال پاسخ داده است: ایشان معتقد بود که تغییرات تدریجی و گام به گام می‌تواند مفید و پایدار باشد، تحولات رادیکال معمولاً شرایط پایدار را تضمین نمی‌کند. وقتی شرایط اجتماعی با روش انقلابی توأم با خشونت متحول شود عملاً زمینه برای تداوم اعمال خشونت برای حفظ وضعیت موجود فراهم می‌شود. تجربه سایر انقلاب‌ها نیز نشان می‌دهد که در گفتمان انقلابی مطالبات مردم محقق نشده است. به همین علت امروز دیگر این نوع گفتمان در سطح جهانی مطرح نیست. سران کشورهای غیر متعهد در کنفرانس باندوک در سال ۱۹۶۳ با توجه به گفتمان انقلابی که در کشورهای جهان سوم آنروز مورد عمل بود و دکتر علی شریعتی هم در آثار خود به آن اشاره دارد تاکید داشتند که در کشورهای در حال توسعه باید به «موکراسی هدایت شده» دست پیدا کرد و ضرورتاً رهبران انقلاب باید در قدرت بمانند تا جامعه به بلوغی برسد که انتخابات دیگر انتخاب رأس‌ها نباشد. پیامد‌های منفی این راهبرد امروز در کشورهای غیر متعهد مشهود است.

در سال ۵۷ نگاه مهندس بازرگان این بود که نظام شاهنشاهی به تدریج متحول شود اما چگونه؟ در پاریس به امام پیشنهاد شد که شورای سلطنتی تشکیل شود که اعضای آن توسط

^۱ گفتگوی محمد توفلی با نشریه «پایان» (گاهنامه اجتماعی-سیاسی-فرهنگی دانشگاه علم و صنعت) - ویژه نامه دولت موقت و سیزده آبان - (دوره اول - شماره ۲) - ۱۳۸۹/۸/۸

خود ایشان انتخاب شود، اما امام گفتند نظام سلطنتی باید دفعتاً برود و جمهوری اسلامی بیاید، تحول ساختاری با گفتمان انقلابی ضروری است. در آن شرایط عموم روشنفکران نیز تحت تاثیر گفتمان غالب جهانی، همین دیدگاه را می پذیرفتند. اما بازرگان میخواست که این تحول تدریجی شکل بگیرد، یعنی شورای سلطنت شکل بگیرد، رهبرانقلاب اعضای آنرا انتخاب کند، شورای سلطنت رأی بدهد که شاه برود، انتخابات آزاد و سالم برگزار شود، مجلس تشکیل شود و دولت مورد نظر مردم را انتخاب کند و قانون اساسی در یک فرآیند حقوقی متحول شود و در نتیجه نه این همه ناآرامی در کشور به وجود می آمد و نه این همه هزینه پرداخت میکردیم، بنابراین بازرگان به دنبال تغییر تدریجی نظام بود و تجربیات جامعه شناختی نشان می دهد که شرایط پایدار برای یک جامعه از یک فرآیند تحول اصلاحی و تدریجی عبور می کند.

بازرگان از لحاظ سیاسی موفق نبود چرا که اخلاق گرا بود و می خواست که اخلاق سیاسی را رعایت کند بنابراین نتوانست به صد در صد آرمان های خود برسد آیا شما با این گفته موافق هستید؟

بله مهندس بازرگان یک سیاستمدار اخلاق مدار بود اما اینکه بعضی می گویند بازرگان در دولت موقت و همکارانشان موفق نبودند به نظر من یک قضاوت ناپخته ایست، بازرگان و دولت موقت وظایف مشخصی داشت که در حکم امام و شورای انقلاب تصریح شده بود تا شرایط انتقال از نظام گذشته به نظام جدید را فراهم کنند. به نظر من مهندس بازرگان و دولت موقت در انجام وظایف محوله خوب عمل کردند و هیچ کس دیگری در آن شرایط نمی توانست این وظایف را عهده دار شود و به جرأت می توان گفت که اگر بازرگان در آن زمان این مسئولیت را نمی پذیرفت وضعیت ایران احتمالاً شبیه افغانستان می شد. در زمانی که بازرگان این مسئولیت را قبول کرد تمام احزاب اعم از حزب توده، مجاهدین خلق، چریک های فدایی، حزب جمهوری اسلامی و ... به دنبال کسب قدرت بودند و حتی در کار دولت کارشکنی میکردند و هیچ حزب و ارگانی از بازرگان حمایت نمیکرد، اما بازرگان تا آنجا که توانست وظایف محوله را انجام داد و آنجا که نتوانست و ادامه حضورش را به مصلحت و در راستای منافع ملی ندید، استعفا داد. علت اصلی استعفای بازرگان، ماجرای ۱۳ آبان نبود بلکه کارشکنی در کار دولت موقت بود که بازرگان مدام از آن شکایت میکرد و در دیدارهایی هم که با امام داشتند مدام آن را مطرح می کردند. سرانجام دولت موقت و شورای انقلاب در هم ادغام شدند اما باز هم فایده ای نداشت و کارشکنی ها ادامه

پیدا کرد. در واقع مطرح کردن دیدار با برژینسکی بهانه ای بود برای کسانی که با اندیشه مهندس بازرگان مخالف و در تدارک دستیابی به قدرت بودند.

اگر پیشنهاد نخست وزیری دولت موقت به اعضای جبهه ملی مانند دکتر کریم سنجابی یا داریوش فروهر داده می شد آیا آنها موفق می شدند؟

رهبر فقید انقلاب مرجع تقلید و شخصیتی مذهبی بودند، نه بختیار، نه سنجابی و نه داریوش فروهر پیشینه فکری هماهنگی با ایشان و شورای انقلاب نداشتند، البته گفته بودند که از همه استفاده شود و هنگامی که دولت موقت با رایزنی قبلی مرحوم سنجابی و مرحوم فروهر را برای وزرای دولت پیشنهاد داد مورد موافقت شورای انقلاب قرار گرفت و حکم آنان توسط رهبر فقید انقلاب امضا و صادر شد.

به عنوان نویسنده اولین پیش نویس اساسنامه سپاه فکر می کنید که سپاه پاسداران امروزی تا چه حد به ایده آلی که شما در نظر داشتید شبیه است؟

من به درخواست آقای دکتر ابراهیم یزدی معاون امور انقلاب دولت موقت روز بعد از ۲۲ بهمن مسئول تهیه پیش نویس اساسنامه گارد ملی شدم که امام دستور تشکیل آنرا داده بودند. مرحوم آیت الله لاهوتی نیز به عنوان نماینده ایشان معرفی شدند. اما با توجه به زمینه ی منفی که از واژه گارد به دلیل عملکرد گارد شاهنشاهی و گارد جاویدان در اذهان عمومی وجود داشت، به جای گارد ملی، عنوان "سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ایران" طراحی شد. واژه سپاه در جامعه آنروز به علت عملکرد خوب سپاه دانش، سپاه ترویج و... زمینه اجتماعی خوبی داشت. مردم در انقلاب سال ۵۷ به دنبال چه بودند؟ آنها از عملکرد ساواک ناراضی بودند و به دنبال آزادی بودند. از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ تا انقلاب، مستشاران آمریکایی در کشور ما سلطه همه جانبه داشتند، پس مردم به دنبال استقلال بودند. مردم برای حاکمیت برسرنوشت خود به دنبال مردمسالاری و نظام جمهوری بودند. بعلاوه مردم ما عموماً مذهبی هستند و بطور طبیعی به دنبال حضور فرهنگ اسلامی در جامعه بودند که در شعارهای دوران انقلاب از جمله آزادی، استقلال، جمهوری اسلامی نیز انعکاس داشت. آنچه که ما در آن دوران فکر می کردیم همان پاسداری از مطالبات مردم و ارزش های انقلاب که در واقع همان مطالبات تاریخی مردم ما بود. بنابراین طبیعی است که ما به چنین آرمانهایی فکر می کردیم و چنین نامی را انتخاب کردیم. اما هرگز تصور نمی کردیم که فعالیت سپاه پس از استقرار نظام جمهوری اسلامی و شکل گیری نهاد های

قانونی جدید ادامه پیدا کند. همکاری من در این کار از ۲۳ بهمن تا ۷ اسفند ۵۷ یعنی زمان ابلاغ مسئولیت شهرداری تهران ادامه داشت و البته اختیار این نهاد نیز در همان آغاز شروع فعالیت خود به علت رقابت هایی که وجود داشت در اردیبهشت ۵۸ از دولت موقت خارج شد و زیر نظر شورای انقلاب قرار گرفت. بطور خلاصه سپاهی که امروزه وجود دارد و آنچه که ما پیش بینی می کردیم بکلی متفاوت است.

دیدگاه شما نسبت به تحزب چیست؟ به نظر شما چرا در یک سری از مقاطع تاریخی مثل اوایل انقلاب و دوم خرداد با اقبال بیش از حد به تحزب روبرو بودیم و در مقاطع دیگر به جایی می رسیدیم که مشارکت و مجاهدین انقلاب هم پشت خط قرمز قرار می گیرند؟

احزاب و نهادهای مدنی پیش نیازهای یک جامعه دموکراتیک هستند، یعنی یک جامعه دموکراتیک بر اساس تجربه بشری نمی تواند بدون نهادهای مدنی و احزاب محقق شود. مجموعه تاریخ صد ساله تاریخ معاصر ما از مشروطه تاکنون مشحون از تعامل دو نگاه است: اول- تا حکومت قاجاریه که در آن حکومت از بالا به پایین بود و مردم در جایگاه رعیت و دوم- که از مشروطه به بعد شروع می شود و در این نوع نگاه مردم در جایگاه شهروند و منشأ قدرت هستند و قدرت از پایین به بالا منتقل می شود. در این نوع جوامع نهادهای مدنی شکل می گیرد و این نهادها رابطه بین مردم و حاکمان منتخب خود را تنظیم می کنند. بطور خلاصه این فرآیند، مناسبات یک جامعه دموکراتیک را شکل می دهد.

بررسی مذاکرات مجلس خبرگان قانون اساسی مربوط به اصل ۲۶ قانون اساسی بسیار آموزنده است. پس از بحث مفصل، این اصل با اکثریت قاطع حدود پنجاه نفر تصویب می شود و حدود هشت نفر رأی مخالف داده بودند. به نظر می رسد در طول سه دهه پس از انقلاب دیدگاه این اقلیت مانع اجرای اصل ۲۶ قانون اساسی بوده است. از جمله موافقان این طرح می توان به مرحوم دکتر بهشتی اشاره کرد. مطابق با این اصل فعالیت انجمن ها، گروه ها و احزاب سیاسی، در چارچوب قانون، علی الاطلاق آزاد است و فعالیت آنها نیازی به مجوز ندارد. بنابراین در قانون اساسی و قانون احزاب مصوب سال ۱۳۶۰ مجلس این ضرورت به عنوان حقوق اساسی مردم پیش بینی شده است. متأسفانه در سالهای اخیر در دولت های نهم و دهم دولتمردان رسماً میگویند که ما در اسلام حزب نداریم و هرکه میخواهد فعالیت کند برود و در مساجد فعالیت کند. فشار بر احزاب موثر موجود در راستای چنین نگاهی قابل ارزیابی است.

شما ریشه‌های اصلی واقعه ۱۳ آبان را در کجا می‌بینید؟

دانشجویان اشغال کنندگان سفارت آمریکا می‌گویند: ما با رفتن شاه به آمریکا و سوابقی که آمریکا در ایران داشت احساس وظیفه کردیم که واکنش نشان بدهیم و این واکنش را با آقای موسوی خوئینی‌ها مطرح کردیم و او هم موافقت کرد و او هم گفت که به امام نگوئیم، چون اگر بگوئیم مخالفت میکنند. آن‌ها می‌گویند: ما فکر کردیم این کار سه یا چهار روز بیشتر طول نخواهد کشید اما ۴۴۴ روز طول کشید و زمینه‌های واکنش گسترده‌ای را علیه ایران به وجود آورد، جنگ تحمیلی هم یکی از ریشه‌های اشغال سفارت بود، انقلاب اسلامی مردم ایران یک انقلاب انسانی و مردمی بود و در سطح جهانی اعتبارگرانسنگی برای ملت ایران فراهم کرد، حضور رهبر فقید انقلاب در پاریس و صحبت‌های ایشان واقعا یک فضای انسانی در سطح داخلی و به ویژه جهانی به وجود آورده بود. اما کسانی که نمی‌خواستند این ارزش‌ها برای ملت ایران پایدار بماند طبیعی است که باید از این فرصت‌ها و بهتر بگویم این اشتباهات استفاده کنند تا این ارزش‌ها را به ضد ارزش در سطح افکار عمومی جهان تبدیل کنند و این کار را کردند یعنی کشورهایی مثل آمریکا، اسرائیل و ... که منافع خود را در ایران از دست داده بودند سوار این موج شدند و در جهت بی اعتبار کردن و غیر انسانی جلوه دادن انقلاب ما عمل کردند و در نتیجه جنگ تحمیلی هم توسط آنها و اما به دست خود ما تحمیل شد. بنابراین باید عمیق تر به مسائل نگاه کنیم. شما از جمعی جوان حدود ۱۸ ساله چه انتظاری دارید، هر چه احساسش بگوید عمل میکند.

یعنی شما می‌گویید این برنامه از قبل طراحی شده بود؟

به هر حال اصل بر براءت است، دانشجویان می‌گویند که ما احساس تکلیف کردیم و این کار را کردیم. البته کسان دیگری بر این موج سوار شدند. برخی از کسانی که آن زمان این کار را انجام دادند و یا حمایت کردند، امروز می‌گویند که آن زمان این کار درستی بود اما ما امروز در شرایط کنونی این کار را تایید نمی‌کنیم. مهندس بازرگان با توجه به بینش تاریخی که داشت گفت این یک عمل شیطانی است، این کار عملی انسانی نیست. آمریکایی‌ها از ۲۸ مرداد سال ۳۲ تا پیروزی انقلاب مرتکب جنایات زیادی در کشور ما شدند، اما ما به لحاظ انسانی و رعایت منافع ملی خودمان چه باید می‌کردیم؟ در آفریقای جنوبی نلسون ماندلا چه کرد؟ پیامبر اسلام با مشرکین در آستانه فتح مکه چه کرد؟ ما می‌توانستیم سطح ارتباط را پایین بیاوریم، می‌توانستیم ارتباط را کاملا قطع کنیم. ما می‌توانستیم علیه آمریکا اعلام جرم بکنیم و به دادگاه‌های بین‌المللی

شکایت کنیم. دارایی‌های ما را بلوکه کردند، شکایت می‌کردیم، می‌توانستیم انسانی برخورد کنیم، انقلاب ما یک عمل انسانی بود و همین‌طور برنامه ریزی شده بود، چرا ما این‌طور برخورد کردیم؟ اما در انتها باید دید که چه کسانی سوار این موج شدند؟ چه جریانی از آن استفاده کردند؟ مذاکرات بازرگان با برژینسکی حول چه مسائلی بود و چرا اینقدر حساسیت روی آن بالا رفت؟

مهندس بازرگان در برگشت از الجزایر مذاکرات خود را رسانه ای کرد. البته قبل از اینکه به آنجا بروند از امام پرسیده شد که چنانچه ما به آنجا برویم ممکن است مذاکره شود، گفتند "کج دار و مریز" عمل کنید، امام نگفتند که مذاکره نکنید، یعنی قطع ارتباط با آمریکا در آن زمان اصلاً مطرح نبود. محور مذاکرات این بود که در ایران انقلابی شده، ما اموالی پیش شما داریم. چگونه آن‌ها را مسترد می‌کنید؟ در حقیقت موضوع اصلی تأمین منافع ملی بود، نرفتند که منافع ملی را بفروشند، همراه ایشان دو نفر از اعضای دولت موقت دکتر چمران وزیر دفاع و دکتر یزدی وزیر امور خارجه هم بودند که گزارش سفر خود را عیناً تقدیم رهبر فقید انقلاب کردند. بعد از بازگشت از مهندس بازرگان پرسیدند که چرا مذاکره کردید ایشان گفتند نخست وزیر اختیاراتی دارد و نخست وزیری که نتواند تصمیم بگیرد برای لای جرز خوب است.

زندگینامه دکتر یدالله سحابی^۱

لطفاً نگرش مرحوم سحابی درباره‌ی بستر سیاسی و تاریخی زمان آغاز فعالیت‌های سیاسی ایشان را تشریح بفرمایید؟

فعالیت سیاسی شادروان دکتر یدالله سحابی عملاً پس از کودتای ۲۸ مرداد سال ۱۳۳۲ آغاز شده است. قبل از این دوره آن مرحوم همراه با شادروانان مهندس مهدی بازرگان و آیت اله سید محمود طالقانی فعالیت فرهنگی و اجتماعی خود را پس از شهریور ۱۳۲۰ که فضای نسبتاً بازی به وجود آمده بود، آغاز کرده بودند. پیامدها و دستاوردهای این فعالیت‌های فرهنگی و اجتماعی توسعه دانش همراه با اخلاق دینی و فضیلت‌های انسانی و تاسیس نهادهای مدنی و فرهنگی بود که تا پایان عمر با برکت و پر ثمر آن مرحوم تداوم داشته است.

تأسیس مؤسسه فرهنگی اخلاق (۱۳۳۵)، دبیرستان کمال (۱۳۳۷) و در سالهای بعد دبیرستان کوثر (۱۳۶۹) از جمله نهادهای فرهنگی ماندگار است که توسط آن مرحوم پایه‌گذاری و برای مدتی نیز به طور مستقیم مدیریت و در دوره‌های بعدی نظارت داشته‌اند.

همفکری و همراهی با نهضت ملی ایران و مرحوم دکتر مصدق نخست وزیر مردمی و ملی ایران در سالهای ۳۲-۱۳۳۰ زمینه فکری ایشان و یاران دیرینشان را برای مشارکت در تأسیس نهضت مقاومت ملی فراهم ساخت.

حضور شخصیت‌های علمی، دینی و اجتماعی مانند مرحوم دکتر سحابی در نهضت مقاومت ملی و ایستادگی در مقابل رژیم کودتا موجب شد تا به رغم مداخله گسترده و حمایت‌های بی دریغ آمریکا از شاه، رژیم کودتا نتواند مشروعیت پیدا کند و با بحرانهای مدیریتی و سیاسی روبرو شود، شکاف بین ملت و دولت کودتا با شکل‌گیری نیروهای نظامی و امنیتی ساواک و سرکوب مردم بحدی عمیق شده بود که در سال ۱۳۳۹ یعنی فقط ۷ سال پس از کودتا در دوره ریاست جمهوری جان کندی در آمریکا، با فشار آمریکا فضای نسبتاً باز سیاسی در ایران به وجود آمد و با ابتکار و پیگیری کادرهای باقیمانده نهضت مقاومت ملی جبهه ملی دوم تأسیس شد که مهندس بازرگان نیز عضو شورای مرکزی آن بود:

در شرایط ویژه این دوره که فعالان سیاسی مسلمان هویت تشکیلاتی نداشتند و از سوی

^۱ پاسخ محمد توسلی به سوالات پایان نامه کارشناسی ارشد خانم سمیه اسکندری در باره دکتر سحابی - ۱۳۸۹/۹/۷

دیگر کادرهای با تجربه نهضت مقاومت ملی با برخی از سیاست‌های جبهه ملی دوم موافق نبودند دکتر سحابی همراه با مهندس بازرگان و آیت‌اله طالقانی و جمعی دیگر از فعالان سیاسی ملی و مسلمان به این ضرورت تاریخی و مقتضیات زمان پاسخ دادند و نهضت آزادی ایران را در اردیبهشت ۱۳۴۰ تأسیس کردند. بررسی اساسنامه، خط مشی و برنامه‌های نهضت آزادی ایران که در اسناد نهضت آزادی آمده است بینش و منش دکتر سحابی و یاران دیرین آن مرحوم را برای فعالیت سیاسی نشان می‌دهد.

جایگاه و اهمیت مدرسه کمال در ترویج اندیشه نوگرایانه دینی و نقش دکتر سحابی در آن و پیوند آن با مسجد هدایت و حسینیه ارشاد را لطفاً توضیح بفرمایید؟

قبل از تأسیس دبیرستان کمال، مدارس اسلامی متعددی در تهران و شهرستانها توسط افراد خیر و با برنامه ترویج آموزشهای دینی و با نام و پسوند اسلامی از جمله «جامعه تعلیمات اسلامی» تأسیس شده بود، اما روش آنان بیشتر سنتی و هماهنگ با اندیشه اسلام حوزوی آن دوران بود. دبیرستان کمال پایه‌گذار روش نوینی در آموزش مدارس بود. در این روش شاگردان علاوه بر کسب دانش روز با مبانی دینی و اخلاق و سلوک انسانی در فضای کلاس و مدیریت مدرسه آشنا می‌شدند. دانش آموزان فارغ التحصیل دبیرستان کمال عموماً شخصیت متمایزی نسبت به شاگردان سایر مدارس دولتی و یا غیر دولتی که اندیشه اسلام سنتی را آموزش می‌دادند، پیدا می‌کردند و در عرصه اجتماعی منشاء خدمات ارزشمند بوده‌اند. شاگردان دبیرستان کمال که آماده ورود به تحصیلات دانشگاهی شده‌اند با حضور در فعالیتهای انجمن‌های اسلامی دانشجویان، به طور طبیعی در برنامه‌های مسجد هدایت که زیر نظر مرحوم آیت‌اله طالقانی اداره می‌شد به ویژه جلسات تفسیر قرآن شبهای جمعه شرکت می‌کردند و با زبان و فرهنگ قرآن یعنی سرچشمه زلال وحی آشنا می‌شدند. در دوران بعد یعنی سالهای دهه پنجاه (۱۳۵۲-۱۳۴۷) جوانانی که این اندیشه را می‌پسندیدند در جلسات حسینیه‌ارشاد از سخنرانی‌های شهید استاد مرتضی مطهری و دکتر علی شریعتی بهره می‌گرفتند.

در يك نگاه کلان تاریخی روشنفکران دینی که نگاه نوی به اسلام با توجه به معارف اصیل قرآنی و مقتضیات زمان داشتند از جمله سید جمال‌الدین اسدآبادی، سید محمد حسین نایینی تا آیت‌اله طالقانی، مهندس مهدی بازرگان، دکتر یداله سحابی، دکتر علی شریعتی و طیفی از بیدارگران ملی و اسلامی قرن اخیر کشور را نمایندگی می‌کنند.

آیا مرحوم دکتر سحابی در سال ۵۷-۵۶ به همراه مهندس بازرگان در پاریس با امام ملاقات داشتند؟ اگر ملاقاتی صورت گرفته با چه اهدافی بوده و چه کسی هماهنگ کننده این ملاقات بوده؟

رهبر فقید انقلاب در آبان ۱۳۵۷ از نجف به پاریس رفتند. مرحوم دکتر سحابی سفری به پاریس نداشتند، اما آن مرحوم عضو شورای انقلاب و مسئول کمیته تنظیم اعتصابات سال ۵۷ بودند که توسط آیت اله خمینی منصوب شده بودند. پس از پیروزی انقلاب نیز در دولت موقت انقلاب، وزیر مشاور در امور طرح‌ها و برنامه‌های انقلاب بودند.

لطفاً در مورد تصمیم شورای مرکزی نهضت آزادی در سالهای ۵۷-۵۶ در مورد مذاکره با آمریکا که دکتر سحابی نیز حضور داشتند و نتایج و تاثیر آن در دیپلماسی انقلاب بفرمایید؟

اواخر سال ۱۳۵۶ در پی مبارزات ملت ایران و شرایط جهانی زمینه‌های تحول در ایران پدید آمده بود. نهضت آزادی ایران که پس از بازداشت سران و فعالان آن در سال ۱۳۴۱ عملاً فعالیت آن در سال ۱۳۴۴ در داخل کشور متوقف شده بود، تجدید سازمان کرد. در جلسات شورای مرکزی نهضت در چارچوب تحلیل شرایط داخلی و بین‌المللی به منظور کاهش حمایت آمریکا از رژیم استبداد سلطنتی شاه و زمینه سازی برای پیروزی مبارزات آزادی خواهان ملت ایران به چهار نفر ماموریت داد تا به طور مستقل با توجه به شرایط سنگین امنیتی ساواک با مسئولان سفارت آمریکا مذاکره کنند. این چهار نفر مرحومان دکتر یداله سحابی و مهندس مهدی بازرگان و جناب آقای دکتر سید احمد صدر حاج سیدجوادی و اینجانب بودند. این مذاکرات از اردیبهشت سال ۵۷ آغاز شد و تا پیروزی انقلاب ادامه داشت. شورای انقلاب ضمن تایید تداوم این مذاکرات برخی از اعضای آن از جمله آیت‌اله موسوی اردبیلی و شهید دکتر بهشتی نیز در مقاطع لازم با مقامات سفارت آمریکا دیدار و مذاکره داشتند. من تا شهریور ۵۷ بیشتر نقش مترجم این مذاکرات را بعهده داشتم و از آن تاریخ به بعد آقای مهندس عباس امیر انتظام این مسئولیت را پیگیری کردند. مجموعه این مذاکرات که دیپلماسی انقلاب را تشکیل داده است و اسناد آن به ویژه در جلد ۱۸ و جلد ۲۴ اسناد منتشر شده سفارت سابق آمریکا درج شده است به نظر من از برگهای زرین تاریخ انقلاب اسلامی سال ۵۷ به شمار می‌رود. این مذاکرات و همچنین مذاکرات رهبر فقید انقلاب در پاریس که اسناد آن نیز به تفصیل منتشر شده است، به تدریج حمایت آمریکا را از رژیم استبداد سلطنتی کاهش داد و بستر لازم برای توسعه مبارزات ملت ایران فراهم ساخت. در

نتیجه این دیپلماسی در روز جهانی حقوق بشر با هماهنگی بعمل آمده، امنیت راهپیمایی تاسوعا که همزمان با روز جهانی حقوق بشر بود تأمین شد و روز بعد راهپیمایی عاشورا به طور وسیعتر شکل گرفت و به طور مسالمت آمیز و با حداقل هزینه بتدریج زمینه پیروزی انقلاب فراهم شد.

در مورد بیانیه معروف به ۹۰ امضایی و پیامد آن توضیح بفرمایید؟

بیانیه ۹۰ امضایی از جمله اقدامات جمعیت دفاع از آزادی و حاکمیت ملت ایران در سال ۱۳۶۹ است این جمعیت در سال ۱۳۶۵ با مشارکت جمعی از سران و فعالان نهضت آزادی ایران و جمعی از نیروهای ملی و مسلمان تشکیل شده بود. مرحومان دکتر یداله سحابی و مهندس مهدی بازرگان از اعضای شورای مرکزی آن بودند. در این بیانیه ضمن نقد سیاست‌های رئیس جمهور وقت مطالبات تاریخی ملت ایران که در اصول قانون اساسی نیز تصریح شده است، یعنی آزادی، حاکمیت ملت و اجرای اصول فصل سوم و پنجم قانون اساسی مطالبه شده بود. پیامد صدور این بیانیه که بازتاب وسیعی در رسانه‌ها داشت و موجی از حرکت آگاهی بخش به وجود آورده بود و موجب واکنش شدید برخی مسئولان و دستگاه امنیتی وقت شد و ۲۴ نفر از امضاء کنندگان بازداشت و در زندان کمیته مشترک (زندان توحید که امروز موزه عبرت نام گرفته است) در شرایط سخت سلول انفرادی مورد شکنجه شدید جسمی و روحی قرار گرفتند که شمه‌ای از آن در کتاب «در میهمانی حاج آقا» به قلم دوتن از بازداشت شدگان دکتر فرهاد بهبهانی و مرحوم دکتر حبیب داوران تشریح شده است.

۹ نفر از ۲۴ نفر در دادگاه انقلاب به صورت غیر علنی و بدون حضور وکیل به ۶ ماه تا ۳ سال حبس تعزیری محکوم شدند. جرم این افراد صرفاً اظهار نظر و انجام فریضه دینی امر به معروف و نهی از منکر بود.

شایان ذکر است پس از حدود ۷ سال همان گفتمان بیانیه ۹۰ امضایی در سال ۱۳۷۶ محور اندیشه و برنامه‌های آقای سید محمد خاتمی بود که با بیش از ۲۰ میلیون رای مورد استقبال وسیع مردم قرار گرفت.

نظر دکتر سحابی پیرامون ادوار جنگ قبل از آزادی و پس از آزادی وطن بفرمایید؟

نظر مرحوم دکتر یداله سحابی در خصوص ۸ سال جنگ تحمیلی ایران و عراق به طور مشخص در بیش از ۵۰ بیانیه و نشریه تفصیلی نهضت آزادی ایران که بین سالهای ۱۳۶۴ تا ۱۳۶۷ منتشر شده، آمده است. براساس این نشریات از شهریور سال ۱۳۵۹ تا خرداد سال

۱۳۶۰ زمان پیروزی خرمشهر که جنگ جنبه دفاعی داشته است در راستای منافع ملی و هماهنگ با آموزه‌های قرآنی و حق بوده است. اما پس از فتح خرمشهر و ادامه جنگ، کاملاً تحمیلی و به ضرر منافع ملی بوده، و با آموزه‌های قرآنی مغایرت آشکار داشته است.

واکنش دکتر سحابی در برابر جریانها و وقایع سیاسی کشور مانند انتخابات ریاست جمهوری (آقای خاتمی)/اتهام و بازداشت فعالان سیاسی/ و قتل‌های زنجیره‌ای/ را چگونه می‌شود ارزیابی کرد؟

واکنش دکتر سحابی در وقایع و رخدادهای سیاسی بعنوان عضو قدیمی شورای مرکزی و دفتر سیاسی نهضت آزادی ایران به طور کلی در بیانیه‌های نهضت آزادی که در اسناد نهضت منتشر شده است آمده است. در موارد و شرایط خاص نظرات و دیدگاه‌های ایشان در بیانیه‌هایی با امضای شخصی ایشان منتشر شده است. این گونه اظهار نظرهای شخصی آن مرحوم در دو جلد یاد نامه دکتر یداله سحابی که جلد اول آن در دوران حیات و جلد دوم آن پس از درگذشت ایشان توسط بنیاد فرهنگی مهندس مهدی بازرگان منتشر شده است.

در سال ۱۳۸۰ در آستانه هشتمین دوره انتخابات ریاست جمهوری که جمع وسیعی از اعضاء علاقمندان نهضت آزادی ایران و جمعی از فعالان ملی- مذهبی به اتهامات واهی ولی برای مدیریت و تاثیرگذاری بر نتایج انتخابات مذکور بازداشت شده بودند، مرحوم دکتر یداله سحابی در تاریخ ۱۳۸۰/۲/۱۴ طی بیانیه‌ای از مردم برای شرکت در انتخابات ریاست جمهوری و حمایت از آقای سید محمد خاتمی دعوت کردند و با سازماندهی نیروهای علاقمند اهداف برنامه بازداشت‌ها با شکست مواجه شد و آقای خاتمی برای بار دوم انتخاب شدند.

در خصوص پیگیری بازداشت‌ها و برگزاری دادگاه غیر عادلانه اعضای نهضت آزادی ایران که حدود ۸ ماه در شرایط سخت سلول انفرادی زندان عشرت آباد نگهداری شدند در تاریخ ۱۳۸۰/۸/۲۵ طی نامه‌ای به رئیس قوه قضاییه، ضمن ارائه سوابق مبارزات قانونی و مسالمت آمیز نهضت آزادی ایران و نقض اصل ۱۶۸ قانون اساسی در خصوص برگزاری دادگاه در بسته بدون حضور هیئت منصفه، مصرأً می‌خواهند: «در صورتی که قوه قضاییه نسبت به ادعای خود یقین وافر داشته، نهضت آزادی ایران را مرتکب کمترین خطا و یا بی‌توجهی نسبت به مصالح ملی می‌داند و با استناد به مدارک قطعی باکی از محاکمه علنی افراد در پیشگاه ملت هشیار ایران ندارد» در سالهای پایانی عمر مرحوم دکتر یداله سحابی نامه‌هایی از سر مسئولیت و احساس وظیفه

دینی و ملی و مشفقانه نیز به مقام محترم رهبری نوشتند که یکی از آنها در روزنامه جامعه منتشر شد (تاریخ). که موجب توقیف آن نشریه گردید.

۸- اگر بخواهیم دیدگاه سیاسی مرحوم دکتر سحابی را در پیش و پس از انقلاب ترسیم کنیم به نظر شما چگونه این منحنی را می‌شود ترسیم کرد؟

از جمله ویژگیهای برجسته دکتر یداله سحابی و یاران دیرین ایشان مهندس مهدی بازرگان و آیت‌اله طالقانی بهره‌مندی از دیدگاه و مواضع سیاسی منسجم و هماهنگ در طول حدود ۶۰ سال فعالیت فرهنگی، اجتماعی و سیاسی آنان است. این پایه‌گذاران نهضت آزادی ایران در سال ۱۳۴۰، با مراجعه به سرچشمه زلال وحی و شناخت آموزه‌های اصیل اسلامی، فرهنگ بومی و تاریخ کشور و همچنین تجربه بشری به این انسجام فکری و استواری مواضع سیاسی در طول چند دهه حیات سیاسی خویش نائل شده‌اند. این ویژگی را قرآن با واژه «قول سدید» که مخصوص مؤمنین و پروا پیشگان است معرفی می‌کند.^۱

دکتر سحابی و یاران دیرین آن مرحوم بر پایه شناخت و بینش تاریخی خویش معضل تاریخی ایران را حضور فرهنگ دیرین استبدادی دانسته‌اند. مهندس بازرگان در مدافعات دادگاه نظامی سال ۱۳۴۳ با عنوان «چرا با استبداد مخالفیم» (مجموعه آثار ۶) زمینه‌ها و پیامدهای حضور فرهنگ استبدادی را در ایران به تحلیل کشانده و دلایل و موانع توسعه ایران را به رغم بهره‌مند بودن از سرمایه‌های ارزشمند انسانی و منابع غنی طبیعی بر شمرده‌است.

از این رو این پیشگامان، همانگونه که در مرامنامه و مواضع نهضت آزادی ایران در سالهای پیش و پس از انقلاب منعکس است، همواره آرمانهای آزادی، حاکمیت ملت، کرامت انسانی (حقوق بشر) و حاکمیت قانون را مورد تاکید قرار داده‌اند. این بزرگواران اختیار و آزادی و رهایی انسان را عین فضیلت عدالت و پیشنیاز عدالت اقتصادی می‌دانستند. برای دستیابی به این اهداف ابتدا برای اصلاح و تقویت زیرساخت‌های فرهنگی - اجتماعی، برنامه‌ریزی و تلاش کرده‌اند که این امر تا آخرین روزهای حیاتشان ادامه داشته است. در مقاطع حساس تاریخی نیز برای اصلاح ساختارهای سیاسی اقتدار گرایانه که مانع اصلی دستیابی به آرمانهای تاریخی ملت ایران بوده است اقدام نموده‌اند.

زندگی‌نامه دکتر یداله سحابی بخوبی نشان می‌دهد که در طول حدود ۷۰ سال عمر خدماتی

^۱ نساء/۹ - احزاب ۷۰

مفیدشان به طور منظم در این راستا متمرکز بوده است. پس از کسب علم و دانش و خودسازی بخشی از تلاش‌های دکتر سحابی صرف توسعه انسانی از طریق خدمات آموزشی و ایجاد نهادهای آموزشی و تاثیرگذاری در برنامه‌هایی آموزشی کشور متمرکز بوده است. بخش دیگری از تلاش‌های دکتر سحابی در عرصه سیاسی صرف ایجاد و تقویت نهادهای مدنی از جمله پایه‌گذاری و تقویت احزاب سیاسی مانند نهضت آزادی ایران بوده است که تا واپسین روزهای عمر پر برکتشان بر آن پای فشردند. بخش دیگری از این تلاش‌ها در مقاطع مختلف صرف اصلاح ساختار اقتدار گرایانه سیاسی کشور بوده است. اگر چه این بزرگواران هیچگاه پرونده تلاش‌های مختلف را با هم مخلوط نکردند و برای هر فعالیتی پرونده مستقلی داشتند، در تمام عرصه‌ها با مبانی، هویت و اخلاق یکسانی حضور داشتند. بهمین مناسبت مجموعه تلاش‌های آنان در عرصه‌های مختلف هماهنگ و همسو، اهداف مشترکی را دنبال و محقق ساخته‌اند.

باز خوانی ابعاد مختلف شخصیت‌هایی نظیر دکتر سحابی که با رعایت اخلاق، سلوک انسانی و اعتدال برای توسعه پایدار و پیشرفت کشور بصورت راهبردی و هماهنگ منشأ خدمات گسترده بوده اند می‌تواند برای تقویت هویت ملی و دینی جوانان کشور بسیار مفید و آموزنده باشد.

پیشینه روند اصلاح طلبی^۱

اصلاح طلبی راهبردی است برای همه دوران و با تاریخ بشریت همراه بوده است. در این یادداشت پیشینه اندیشه اصلاح طلبی در معارف اسلامی و تاریخ دو قرن اخیر ایران را به اجمال مرور می‌کنیم:

پیشینه اندیشه اصلاح طلبی در معارف اسلامی

آموزه‌های قرآنی و سخنان و عملکرد ائمه علیهم‌السلام همواره بر روش اصلاحات تدریجی متناسب با شرایط فرهنگی - اجتماعی هر دوران تاکید دارند. از نگاه قرآن سمت و سوی برنامه اصلاحی همواره رفع موانع رشد و کمال انسان بوده‌است. اگر به تعبیر قرآن بزرگترین مانع برای کمال انسان‌ها «ظلم و جهل» است (إِنَّهُ كَانَ ظَلُومًا جَهُولًا - احزاب - ۷۲) تأمین عدالت و آگاهی بخشی بستر لازم برای هدایت و رشد انسان را فراهم می‌کند و مسیر زندگی انسان را در «صراط مستقیم» قرار می‌دهد.

قرآن رسالت اصلی پیامبران را آگاهی بخشی معرفی می‌کند تا انسان‌ها خود برای برقراری عدالت تلاش کنند. لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ (حدید - ۲۵) - ما پیامبران خویش را با نشانه‌های روشن فرستادیم و همراهشان کتاب و میزان (تشخیص حق از باطل) نازل کردیم تا مردم به عدالت برخیزند.

قرآن راهبرد این رسالت انسان را در آیات متعددی نشان داده است. واژه «صَلَح» و مشتقات آن «اصلاح، صالحین، مصلحین، اصلاح و ...» به این مفهوم پرداخته است. «ایمان و عمل صالح» از واژه‌های کلیدی قرآن است. در فرازهایی از آیات قرآن «صالحین» در زمره کسانی که خداوند به آنها موهبت داده است (انعم الله علیهم) شامل: «انبیا، صالحین و شهیدان» معرفی می‌شود. (نساء - ۶۹) حضرت شعیب از جمله پیامبرانی که ذکرش در قرآن آمده است، در خصوص اساس دعوت خود به اهل مدین می‌گوید: إِنَّ أُرَيْدُ إِلَّا الْإِصْلَاحَ مَا اسْتَطَعْتُ وَمَا تَوْفِيقِي إِلَّا بِاللَّهِ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَإِلَيْهِ أُنِيبُ (هود - ۸۸) (جز اصلاح در حد توان خود نظری ندارم، توفیقم تنها از جانب خداست، بر او توکل کرده‌ام و به پیشگاه او باز می‌آیم).

ساز و کار رسالت آگاهی بخشی انسان برای اقامه قسط و عدالت و رفع موانع رشد و کمال

^۱ یادداشت محمد توسلی در نشریه «صبح آزادی» - ۱۳۸۹/۹/۲۱

انسان نیز در آیات دیگری مورد توجه قرار گرفته است. در سوره آل عمران آنجا که ویژگیهای يك جامعه ایمانی و سلامت را توضیح می‌دهد، برای پاسداری از ارزشها و مقابله با انحرافات از مسیر طبیعی رشد انسان با تاکید می‌گوید: وَلْتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ (آل عمران - ۱۰۴) «باید از میان شما افرادی (جمعی همفکر و همراه) باشند که (دیگران را) به نیکویی فراخوانند و به رفتار شایسته فرمان دهند و از ناپسند باز دارند، و آنان رستگارند». البته این سازو کار در ادبیات سیاسی امروز همان شکل‌گیری احزاب و نهادهای مدنی است که در اصل ۲۶ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز مورد تاکید قرار گرفته است.

بخشی از آیات قرآن کاملاً حساب شده به تاریخ و سرگذشت جمعی از پیامبران اختصاص پیدا کرده است که از بین آنها داستان موسی و فرعون برجستگی خاصی دارد و به تفصیل بیشتری در سوره‌های مختلف به آن پرداخته شده است که هم برای پیامبر در آن دوران آموزنده بوده است و هم در طول تاریخ برای همه انسان‌ها. در فرازی از این آیات خداوند استراتژی موسی را در تعامل با فرعون تعیین می‌کند: اذْهَبَا إِلَى فِرْعَوْنَ إِنَّهُ طَغَى فَقُولَا لَهُ قَوْلًا لَّيِّنًا لَعَلَّهُ يَتَذَكَّرُ أَوْ يَخْشَى (طه - ۴۳-۴۴)

«به سوی فرعون بروید که سر به طغیان برداشته است و با نرمش با او سخن بگویید بسا که پند پذیرد یا [از خدا] بترسد».

خواسته موسی از فرعون نیز کاملاً روشن است. هرگز موسی داعیه قدرت از خود نشان نمی‌دهد بلکه فقط به رسالت آگاهی بخشی و نجات مردم از ظلم و بیداد فرعون عمل می‌کند. به گفتمان موسی دقت فرمایید:

فَقُولَا إِنَّا رَسُولَا رَبِّكَ فَأَرْسِلْ مَعَنَا بَنِي إِسْرَائِيلَ وَلَا نُعَذِّبُهُمْ قَدْ جِئْنَاكَ بِآيَةٍ مِنْ رَبِّكَ وَالسَّلَامُ عَلَيَّ مَنْ اتَّبَعَ الْهُدَى (طه - ۴۷)

نزد او «فرعون» بروید و بگویید: ما دو پیامبر پروردگار توایم، دودمان یعقوب (مردم) را در اختیار ما بگذار و آزارشان مده، نشانه‌ای از پروردگارت برای تو آورده‌ایم، و درود بر آن که پیرو راه هدایت باشد.

این راهبرد موسی که با عقلانیت و پرهیز از خشونت توأم است پس از تحمل مصائب و شرایط سخت نهایتاً به هلاکت و نابودی نظام فرعون منجر می‌شود. پیامبر اسلام نیز که الگوی

رحمت و شفقت است نیز در طول ۲۳ سال رسالت خود همواره بر این راهبرد تاکید داشته است. اگر ظاهر آیاتی از قرآن با این راهبرد هماهنگ به نظر نمی‌رسد مربوط به جنگ و برخوردهای کاملاً دفاعی است که در جامعه قبیلگی آن دوران اجتناب نا پذیر بوده است که پرداختن به آن در حوصله این یادداشت نیست.

زندگی و عملکرد ائمه علیهم‌السلام که شاگردان و الگوهای برجسته این معارف هستند نیز با این راهبرد هماهنگ است. حدود پنج سال حکومت علی (ع) گواه روشنی بر این مدعا است. در این مختصر و به مناسبت ایام ماه محرم فقط به گوشه‌ای از وصیتنامه امام حسین (ع) به محمد بن حنفیه اشاره می‌کنم که هدف و رسالت خود را از واقعه عاشورا اینچنین توضیح می‌دهد: «... اَئِمَّا خَرَجْتَ لَطَلْبِ الْإِصْلَاحِ فِي أُمَّةٍ جَدِي. أُرِيدُ أَنْ أَمَرَ بِالْمَعْرُوفِ وَأَنْهَى عَنِ الْمُنْكَرِ...» (مقتل خوارزمی، ج ۱ ص ۱۸۸)

هدف من از خارج شدن از مدینه و رفتن به کربلا تلاشی برای اصلاح امور مردمی است که تحت ظلم و حکومت استبدادی یزید قرار دارند، روش من آگاهی بخشی و انجام فریضه الهی امر به معروف و نهی از منکر است.

در فصل هشتم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز این فریضه مورد تاکید قرار گرفته است. امام حسین هرگز از روش خشونت استفاده نکرد و تا آخرین لحظات حیات خود به آگاهی بخشی و نشان دادن انحرافات حکومت یزید از معیارهای قرآنی و سنت پیامبر پرداخت. امام حسین (ع) و یاران و خاندان همفکر او که رحمت خدا بر آنان باد در چارچوب همین استراتژی تسلیم دستورات حاکمان فاجر نشدند تا آنجا که جان خود و حتی فرزندان بیگناه خود را در روز عاشورا در یک تقابل دفاعی در راه خدا عاشقانه ایثار کردند و شاهدان و الگوهای همیشه زنده تاریخ و این استراتژی شدند.

پیشینه روند اصلاح طلبی در تحولات دو قرن اخیر

اندیشه اصلاح طلبی پس از شکست راهبرد انقلابی که عمدتاً بر پایه اندیشه مارکسیسم و تضاد طبقاتی برای برخورد با نظام سلطه حاکم استوار بود از اواخر قرن نوزدهم در سطح جهان مورد پذیرش قرار گرفت و مبانی نظری آن ارائه گردید. به طور مشخص در هیچیک از کشورهای که با روش انقلابی و با استفاده از ابزار خشونت نظام سیاسی متحول شده است به آرمانهای اولیه دست پیدا نکرده‌اند و به نوعی استبداد به شکل جدیدی بازتولید شده است. نمونه بارز این واقعیت

انقلاب اکتبر روسیه شوروی است که سرانجام پس از ۷۰ سال مقاومت و پرداخت هزینه‌های سنگین به شکل کنونی روسیه که با گفتمان اولیه انقلاب مارکسیستی فاصله زیادی پیدا کرده است، ادامه حیات می‌دهد. وضعیت سایر کشورهایی که با این راهبرد متحول شده‌اند کم و بیش مشابه روسیه است. بررسی سرگذشت و سرنوشت این کشورها نیاز به بررسی مستند تاریخی دارد که در حوصله این یادداشت نیست.

آنچه در اینجا مایلیم بیشتر مورد بررسی قرار گیرد اشاره‌ای به سرگذشت اندیشه اصلاح طلبی در دو قرن اخیر ایران است. به طور مشخص نگاهی اجمالی به سرفصل‌های سه مقطع تاریخی انقلاب مشروطیت، نهضت ملی ایران و انقلاب اسلامی سال ۵۷ است.

اندیشه بیدارگران در دو قرن اخیر ایران عموماً بر راهبرد اصلاح طلبی استوار است. از جمله سید جمال‌الدین اسدآبادی، آخوند خراسانی و سید محمد حسین نائینی و تا سید حسن مدرس همه با بهره‌گیری از تجربیات تحولات اجتماعی غرب و بکارگیری مبانی معارف اسلامی و واقعیت‌های فرهنگ استبدادی کهن، برای رفع موانع رشد و توسعه جامعه راهکارهایی ارائه دادند و به رسالت آگاهی بخشی خود عمل کردند. کتاب ارزشمند تنبیه‌الامه و تنزیه‌المله نائینی که در سال ۱۳۳۴ توسط سید محمود طالقانی با اضافه کردن پاورقی و توضیحات تکمیلی باز نشر شد، نمونه‌ای از تلاش اصلاح طلبان انقلاب مشروطیت به شمار می‌رود.

در مقطع نهضت ملی ایران دکتر محمد مصدق نیز روند اصلاح طلبی را با ملی کردن صنعت نفت و تقویت خودباوری مردم و همچنین زمینه‌سازی برای محدود کردن قدرت مطلقه شاه و استیلای بیگانگان و تامین آزادی و حاکمیت ملت پیگیری کرده و نقش مهم و راهبردی ایفا کرده است. به طوری که نسل جوان امروز به رغم گذشت بیش از نیم قرن متاثر از دستاوردهای آن دوران است.

در مقطع انقلاب اسلامی سال ۵۷ دو نگاه انقلابی و اصلاح طلبی همزمان در عرصه مدیریت انقلاب حضور داشت که البته نگاه انقلابی پررنگتر بود. حضور احزاب و سازمان‌های انقلابی که بعد از ۱۵ خرداد سال ۱۳۴۲ با تاثیر از گفتمان انقلابی مطرح در سایر کشورها به ویژه ادبیات مارکسیستی تشکیل شده بودند و روشنفکران و فعالان سیاسی از جمله حزب توده ایران که با تمام کادرها و امکانات سازمانی و اطلاعاتی خود وارد ایران شده بودند در تقویت نگاه انقلابی و تحمیل رادیکالیسم و خشونت بر روند انقلاب به ویژه از سال ۱۳۶۰ به بعد تاثیر چشمگیری

داشتند.

برای رفع هر گونه ابهام در این تحلیل ناگزیر بایستی این توضیح اضافه شود که نگاه انقلابی و اصلاح طلبی در این بررسی مربوط به استراتژی و روش تغییر در ارزشها و یا دستیابی به مطالبات مردم است. در نگاه انقلابی آنروز، می خواستند مطالبات انباشته مردم را سریع و به اصطلاح یک شبه محقق سازند بعنوان نمونه می گفتند می خواهیم سه ماهه همه مردم را صاحب خانه کنیم!! افرادی چون مهندس مهدی بازرگان که نگاه اصلاح طلبی داشتند و از همان فردای پیروزی انقلاب راهبرد اصلاحی و تغییرات تدریجی و گام به گام را بعنوان روش درست مدیریتی جامعه برای دستیابی به مطالبات مردم ارائه می کردند، به لحاظ آرمانی و اندیشه کاملاً نو و انقلابی فکر می کردند.

علاوه بر حضور دو نگاه انقلابی و اصلاح طلبی در اندیشه و عمل مدیران و فعالان سیاسی - اجتماعی پس از انقلاب که یک نگاه به تغییرات تدریجی، قانونی و با روش صلح آمیز و مسالمت آمیز و مدنی تاکید دارد و نگاه دیگر به تحول سریع و رادیکال و در موارد لازم استفاده از خشونت باور دارد، می توان به تفاوت محتوایی این دو نگاه که دست کم در دو قرن اخیر با هم تقابل و گاهی تعامل هم داشته اند، اشاره داشت. در یک نگاه قدرت مافوق بشری و ظل الهی است و مردم رعیت هستند که بایستی از حاکمان تبعیت کنند. این نگاه در ایران ریشه تاریخی دارد و شاهان قدرت خود را بر پایه این اندیشه توجیه می کردند. استبداد ۲۵۰۰ ساله شاهنشاهی در ایران که بسیاری از مناسبات اجتماعی ما را تحت تاثیر قرار داده بود متأثر از این واقعیت است. نگاه دوم که از انقلاب مشروطیت بتدریج مطرح شده است مردم منشاء قدرت هستند و حاکمان بایستی براساس رأی مردم در انتخابات آزاد و سالم به صورت ادواری انتخاب شوند و پاسخگویی عملکرد خود باشند.

پس از انقلاب اسلامی ۵۷ بر پایه شعارها و مطالبات مردم در راهپیمایی های سال ۵۷ و به ویژه به استناد سخنرانی ها و مصاحبه های رهبر فقید انقلاب در پاریس که ویژگی ها و خصوصیات انقلاب اسلامی در بام رسانه های جهانی به طور وسیع منعکس شد و مردم با چنین شناخت و باوری در ۱۲ فروردین سال ۵۸ با اکثریت قاطع ۹۸ درصد به جمهوری اسلامی رای دادند، انتظار می رفت نگاه دوم مورد عمل قرار گیرد. در پیش نویس اولیه قانون اساسی که در دولت موقت انقلاب نهایی و به تایید شورای انقلاب، رهبر فقید انقلاب و مراجع عظام قرار گرفت نگاه دوم

در اصول قانون اساسی مورد توجه قرار گرفته بود.

آنچه در پایان این مقدمه مایلم اشاره کنم، سخن کوتاه اما راهبردی زنده یاد مهندس مهدی بازرگان است که در همان سالهای ابتدای دهه ۶۰ گفته‌اند که « برنامه ما جنگ حجت است نه جنگ قدرت» مهندس بازرگان و یاران دیرین آن مرحوم هدف قراردادن قدرت قبل از اصلاح زیرساخت‌های فرهنگی - اجتماعی را نه تنها مفید نمی‌دانستند بلکه مخل روند اصلاح طلبی ارزیابی می‌کردند.

ایران امروز، باید بازرگان را بشناسد^۱

اینکه امام خمینی در روزهای اول ورود به ایران مهندس بازرگان را مأمور تشکیل دولت موقت و در نتیجه انتقال نظام شاهنشاهی به نظام جمهوری اسلامی می کند، نشان می دهد که او گزینه ای مناسب برای قبول این مسئولیت خطیر در حساس ترین روزهای انقلاب بوده. با این وجود سئوالی که در اذهان عمومی بی پاسخ مانده، این است که با وجود تاکید بنیانگذار انقلاب به توانایی و درایت وی، چرا شرایط طوری رقم خورد که او در طول ۹ ماه چهاربار استعفا کند و در نهایت کناره گیری کند؟ محمد توسلی که با انتخاب مهندس بازرگان به عنوان اولین شهردار تهران در جمهوری اسلامی برگزیده شده بود، در این گفت و گو به تشریح شرایطی پرداخت که در نهایت فرصت اداره دولت را از بازرگان گرفت.

عنوان "موقت" چه ویژگی هایی برای دولت بازرگان در پی داشت؟

دولت موقت در حالی تشکیل شد که اوضاع کاملاً بحرانی بود و مهندس بازرگان در شرایطی این مسئولیت خطیر را به عهده گرفت که بقایای نظام شاهنشاهی، ساواک و نیروهای مخالف نظام اسلامی در جامعه حضور و البته فعالیتهایی زیادی داشتند. مجموعه این شرایط نشان می دهد که بازرگان وقتی در مدرسه علوی این مسئولیت تاریخی را پذیرفت، وفاداری خود به مطالبات مردم را ثابت کرد و نشان داد که برای اعتلای ایران و منافع ملی هر کاری را که لازم بداند انجام می دهد.

او به گواه تاریخ با درایت کامل و با ملاک قرار دادن مدیریت علمی و اخلاقی چهره هایی سالم و البته کارشناس برای سمت های وزیر و مسئولین بلندپایه انتخاب کرد تا مساله مهمی چون انتقال قدرت را به سرانجام خوبی برساند تا دولت های بعدی بتوانند با استفاده از زیر ساخت های موجود با کمترین مشکلات ممکن به اداره امور بپردازند. اگر بازرگان این امکان را پیدا می کرد که برنامه هایش را آنطور که می خواست، اجرایی کند بی شک کشور و البته نظام در شرایط فعلی وضعیتی به مراتب بهتر را تجربه می کرد.

اما ۴ استعفا نشان می دهد که بازرگان به بن بست رسیده بود.

بهتر است گفته شود که چپ روی ها، ندانم کاری ها و قدرت طلبی ها بازرگان را در مقام

^۱گفتگوی محمد توسلی با ماهنامه «نسیم بیداری» - شماره ۱۲ - دیماه ۱۳۸۹

ریاست دولت به بن بست رساندند. او که شرایط را دشوار و پاره ای ازدشواری ها را غیرقابل حل می دید در ۱۵ اردیبهشت ۵۸ و درست ۳ ماه بعد از قبول نخست وزیری در نامه ای به رهبر فقید انقلاب و شورای انقلاب آورده است که دولت نمی تواند به همه وظایف اصلی اش برسد و به همین دلیل بعد از اداره مملکت در آن روزهای حساس و برگزاری فراندوم تعیین نظام و همچنین انتخابات مجلس خبرگان بررسی قانون اساسی دیگر نمی تواند شرایط را برای برگزاری انتخاب نمایندگان فراهم آورد. این دلیلی نداشت جز تحركات ضدانقلاب ها که علاوه بر دامن زدن به درگیری های داخلی در مسیر کارشکنی با کشورهای خارجی هم همکاری می کردند.

یعنی ضد انقلاب ها تنها موانع حرکت دولت موقت در مسیر تعیین شده بودند؟

نه، مشکل دیگر بازرگان این بود که در فضای انقلابی آن روزها نمی توانست با رفتارهای متعادل دولت موقت کنار بیاید و مخالفان سیاست دولت بر این باور بودند که در رسیدن به همه اهداف باید با روحیه ای انقلابی جلو رفت و یک شبه به همه خواسته ها رسید. این در حالی بود که نخست وزیر تاکید بر واقع بینی داشتند و تحت هیچ شرایطی حاضر نبودند تا فرصت های موجود در آن زمان را با ندانم کاری به تهدید تبدیل کنند.

می توانید به نمونه ای از آن موارد اشاره کنید؟

به عنوان مثال به خاطر دارم که عده ای شعار می دادند که می توانند در مدت سه ماه مشکل مسکن را برطرف و این دغدغه بزرگ را از مشکلات مردم کم کنند. جالب است بدانید که این نمونه اظهارات غیرمنطقی از جانب افراد یا جریان هایی مطرح می شد که اتفاقاً در انقلاب و اذهان عمومی نفوذ داشتند و همین عامل باعث می شد تا انتظارات غیرمنطقی از دولت زیاد شود. طبیعی است که بازرگان با اعتقاد بر اینکه هر اصلاحی باید گام به گام در لایه های جامعه شکل بگیرد، نمی توانست تن به این شعارها بدهد و در نتیجه از سوی بخشی از مردم تحت فشار قرار می گرفت. این نوع رفتارها که نشأت گرفته از اراده تشکل های انقلابی بود به همان اندازه ضد انقلاب ها موانعی را در راه دولت موقت ایجاد کرد تا در نهایت نتواند به کارش ادامه دهد. حزب توده هم که دنبال خارج کردن همه نیروهای توانمند و تشکل های انقلاب به نفع خود بود از هیچ کوششی برای تخریب چهره دولت موقت کوتاهی نکرد. البته توده ای ها در کنار مخالفت با دولت موقت اذعان داشتند که لایه روحانیت شکننده است و می توانند این قشر را هم به راحتی از سد راه خود برداشته و به تنهایی اداره کشور را برعهده بگیرند.

ظاهرا بنی صدر هم به یکی از منتقدین سرسخت دولت موقت تبدیل شده بود.
 بله؛ آقای بنی صدر نیز قبل از انتخاب شدن به عنوان اولین رییس جمهوری انتخابی، تیزترین انتقادات را متوجه دولت می کرد. در کل می توانم بگویم آن روزها همه، حتی چهره های موجه انقلاب هم گفتمان قدرت داشتند و تلاش هایی جدی برای کسب قدرت از خود نشان می دادند. مشکل بزرگ دیگر همان کمیته هایی بود که به هر حال برای رتق و فتق امور ضرورتا تشکیل شده بودند. ایراد آنها این بود که همه چیز را بر اساس خواسته های خود می خواستند و حتی در امور وزارتخانه ها و اداره شهرها دخالت کرده و اجازه برنامه ریزی و قانون مداری را از وزرای کابینه می گرفتند.

دولت برای مقابله با چنین پدیده هایی چه تدبیری اندیشید؟

بازرگان بر این باور بود که باید شورای انقلاب همکاری بیشتری با دولت موقت می کرد. او در نامه ها و سخنرانی های خود و حتی در نامه ای به امام به دفعات این مشکلات را بازگو و راه حل های مدیریتی ارائه کردند. ایشان به طور طبیعی بیشتر جانب روحانیت و نهاد های انقلابی را می گرفتند و فضا به گونه ای شد که حتی گفتند که در انتخاب بازرگان اشتباه کرده اند. البته مهندس بازرگان در نامه ای خطاب به ایشان توضیح دادند که ایشان در این مورد اشتباه نکرده اند و در آن شرایط هیچ گزینه دیگری پیش رو نداشتند. شرایط این دوران نشان می دهد که دولت موقت نمی توانست در فضایی که به وجود آورده بودند، کار مفیدی انجام دهند و لذا استعفا را در راستای منافع ملی ارزیابی کردند.
 برخی معتقدند بازرگان و دولتش همخوانی لازم را با شرایط روزهای اولیه انقلاب نداشت و در نتیجه انتخاب مناسبی نبود.

برخی این عقیده را دارند و می گویند که مهندس بازرگان با شخصیت متعادل و اصلاح طلبی با گفتمان انقلابی تناسب نداشت و فردی باید به عنوان نخست وزیر انتخاب می شد که از روحیه انقلابی برخوردار بود. اگر فردی با چنین خصلتی به عنوان مسئول انتقال کشور از نظام شاهنشاهی به جمهوری اسلامی برگزیده می شد، انقلاب نمی توانست در مسیری منطقی به حرکت خود ادامه دهد. بازرگان با توان مدیریتی و شخصیت تاریخی توانست همکاری گروه های مختلف را جلب کند.

اما منتقدین، دولت موقت را دولتی برخواسته از نهضت آزادی عنوان می کنند.

اصلاً اینطور نیست. با نگاهی به ترکیب وزرا می بینیم که فقط یازده نفر از نهضت آزادی، یازده نفر از جبهه ملی، چهار نفر از انجمن اسلامی مهندسين و بالاخره چهار نفر از روحانیون بود. این نشان می دهد نخست وزیر دولت موقت توانست نمایندگان تشکل های مختلف را دور هم جمع کرده و در نهایت، دولتی ملی را تشکیل بدهد.

چرا ایشان به عنوان یک سیاست مدار، مشکلات را پیش بینی نکرد؟

او با شناخت تاریخی که داشت می دانست چه موانعی بر سر راه دولتش به وجود می آید، البته برخی از مشکلات هم برای او قابل پیش بینی نبود. با نگاهی به یادداشت ها و گفت و گوهای بازرگان می توان به این نتیجه رسید که نخست وزیر با علم بر مشکلات نخست وزیری را قبول کرد. بازرگان قبول مسئولیت کرد چون گزینه دیگری را نمی دید که بتواند کار مهم انتقال را به سرانجام برساند. وی در همان ۱۵ بهمن پنجاه و هفت و در مدرسه علوی در سخنان کوتاهی در پاسخ به حکم آیت الله خمینی نظرش را اینگونه آورده است که "چون شما مورد تایید اکثریت قاطع ملت ایران هستید، حکم شما مورد قبول قرار گرفته است." این نشان می دهد که بازرگان "اصل" را رأی مردم می داند و با وجود اختلاف نظرهایی که داشت حکم نخست وزیری را قبول کرد. او در طول ۹ ماه با تدبیر مساله مهمی چون انتقال را انجام داد و در حالی از رأس دولت کنار رفت که جمهوری اسلامی مستقر شده بود.

ظاهراً برخی از نزدیکان بازرگان مخالف نخست وزیری او بودند؟

بله، همه آنهايي که با خصوصیات بازرگان آشنایی کاملی داشتند از اول هم می دانستند که تفکرات او در فضای آن زمان منتقد و مخالفان زیادی دارد. حتی آیت الله طالقانی موافق پذیرش این مسئولیت توسط مهندس بازرگان نبود. با این وجود او پذیرفت که در شرایط بحرانی قبول مسئولیت کند تا در آینده در پیشگاه مردم و خدا بتواند پاسخگو باشد. طالقانی آشنا بودن بازرگان با روحانیت را دلیلی اصلی مخالفت خود عنوان می کرد که البته نتوانست در اراده خدمتگذاری بازرگان تاثیری بگذارد. این در حالی است که این دو از شهریور ۱۳۲۰ در کنار هم فعالیتهای فرهنگی و اجتماعی متعددی را انجام داده و نهضت آزادی ایران را در سال ۱۳۴۰ پایه گذاری کرده بودند.

این شرایط می تواند دلیلی بر اشتباه بازرگان در قبول مسئولیت عنوان شود؟

هرگز، بازرگان با شناختی که از تاریخ ایران داشت و همچنین سهمی که در اصلاح زیر

ساختهای فرهنگی و اجتماعی کشور داشت، نمی توانست در آن مقطع از قبول مسئولیت شانه خالی کند. البته نباید از کنار این مساله هم به سادگی گذشت که در روزهای اول پیروزی انقلاب اسلامی کمتر کسی بود که به اندازه او صلاحیت و شجاعت پذیرش نخست وزیری را در خود ببیند.

اما گزینه های متعددی بودند که می توانستند دولت موقت را تشکیل بدهند.

ببینید! انقلاب نتیجه تعامل دو نیروی روشنفکران دینی و روحانیت بود. روشنفکران از دهه های قبل تر و روحانیون از سال ۴۲ وارد مسیر مبارزه علیه استبداد شدند که اتفاقاً هر دو در بین مردم هم نقش آفرینی می کردند. وقتی این دو جریان کنار هم قرار گرفتند توانستند استبداد را ریشه کن کرده و از دخالت بیگانگان در امور داخلی جلوگیری کنند. ویژگی شاخص بازرگان این بود که مورد وثوق هر دو طرف بود و در آن زمان کمتر کسی از فاکتور مورد حمایت همزمان روشنفکران و روحانیت بهره مند بود.

دولت موقت و بازرگان چه کوتاهی داشت که در به سرانجام نرسیدن برنامه هایش تاثیرگذار

بود؟

به نظر من مهندس بازرگان باید ارتباط بیشتری با مردم می گرفت. شک ندارم اگر جوانان به طور مستقیم به حرف های او گوش می دادند با توجه به شعور و قدرت تشخیصی که داشتند، می توانستند در نهایت انتظارات عمومی از دولت موقت را به انتظاراتی منطقی و تقویت فرایند اصلاحات تبدیل کنند.

ضرورت تحلیل بازرگان برای نسل امروز در چه چیزی نهفته است؟

نسل جدید همانطور که با وجود فاصله زمانی زیاد، مصدق را مورد توجه قرار می دهد، باید در مورد اندیشه و رفتار بازرگان هم مطالعاتی داشته باشد تا از این طریق برای اجرایی شدن برنامه های ملی بتواند با الهام از آنها، راه را برای دستیابی به مطالبات خود هموارتر کند. در واقع می توان گفت که "ایران امروز" برای پاسخ دادن به نیازهای خود باید بازرگان را بیشتر بشناسد. متأسفانه جامعه ایران خیلی دیر به این نتیجه رسید که بازرگان و گفتمان بازرگان چه دست آوردهایی می توانست برای جمهوری اسلامی داشته باشد.

چرا یاد مهندس بازرگان؟^۱

۱۶ سال پس از درگذشت زنده یاد مهندس مهدی بازرگان، جا دارد بازهم مبانی اندیشه بازرگان و دیدگاه‌های او در عرصه مسائل فرهنگی، اجتماعی و سیاسی به ویژه برای نسل جوان واکاوی بیشتری شود، زیرا پاسخ بسیاری از سئوالات نسل جوان امروز جامعه ما در آثار او یافت می‌شود. بازرگان و یاران دیرین او چون آیت‌اله طالقانی حدود ۷۰ سال قبل راهبرد «بازگشت به قرآن» و رجوع به سرچشمه زلال وحی را پیش‌روی نسل جوان قرار دادند تا بتوانند پیرایه‌ها و خرافات تاریخی را که آموزه‌های فطری و عقلی قرآن را پوشانیده و موجب تحجر فکری و عقب‌ماندگی جامعه شده است بازشناسند و راه‌هایی، آزادی و کمال انسانی را بیمایند.

مهندس بازرگان به استناد آموزه‌های قرآنی، شناخت جامعه ایران و دستاوردهای تجربه بشری، مشکل اصلی جامعه ایران را بر خلاف اندیشه‌های رایج آن زمان که استثمار، استعمار و یا امپریالیسم معرفی می‌کردند، «فرهنگ کهن استبدادی» می‌دانست و چاره کار را زمینه‌سازی برای اصلاح زیرساخت‌های فرهنگی و اجتماعی جامعه ارائه کرد و خود و یاران او که نهضت آزادی ایران را در سال ۱۳۴۰ پایه‌گذاری کردند در طول عمر مفید خود در این راستا تلاش پیگیری داشتند و در این راستا هزینه‌های سنگینی نیز پرداخت کردند.

مهندس بازرگان از جمله در مدافعات خود در دادگاه نظامی سران و فعالان نهضت آزادی در دادگاه نظامی سال ۱۳۴۳ زیرعنوان «چرا با استبداد مخالفیم؟» و «طرفدار حکومت ملی یا دموکراسی هستیم» می‌نویسد: «... استبداد سبب می‌شود که در بعضی از افراد از طریق محو شخصیت، نطفه‌های انسانیت و ترقی را عقیم سازد و در سایرین و کسانی که از دستبرد وی مصون مانده‌اند، از طریق سلب آزادی، جلوی بروز و ظهور و سر در آوردن استعدادهای آنها و نبوغ و ترقی را بگیرد.....»

و در نهایت نتیجه‌گیری می‌کند که استبداد بزرگترین دشمن انسان و انسانیت است که موجب محو اخلاق، فضیلت‌های انسانی چون ابتکار و خلاقیت و رشد شخصیت انسان‌ها می‌شود و به‌طور خلاصه در محیط استبداد پرستش پاك خدای واحد عملاً امکان‌پذیر نمی‌شود. مهندس بازرگان در آثار خود با استناد به آیات قرآن، تامین آزادی، دموکراسی و کرامت ذاتی انسان یعنی

^۱ یادداشت مهندس محمد توسلی - منبع: هفته نامه ستاره صبح - ۱۳۸۹/۱۰/۲۵

حقوق بشر را بسترهای لازم برای زدودن تدریجی فرهنگ استبدادی از جامعه ایران و هموار شدن راه توسعه و پیشرفت جامعه معرفی می‌کند. روحش شاد و یادش گرامی باد.

فراگیری آموزش های چریکی^۱

تاریخ ایرانی: پس از سرکوب های شدید محمدرضا شاه در سال ۱۳۴۲ و کشتار انقلابیون که دنبال آن بسیاری از چهره های سیاسی و رهبران گروه های مخالف رژیم به زندان افتادند، جمعی از نیروهای انقلابی به این نتیجه رسیدند که دیگر مبارزه مسالمت آمیز در چارچوب قانون با رژیم شاهنشاهی فایده ای ندارد. در نتیجه به مبارزات چریکی روی آوردند و گروهی برای فراگیری آموزش های لازم برای مبارزه مسلحانه راهی مصر شدند. دوره های آموزشی با اعزام ۴ گروه ۵ نفره در قاهره طی شد اما در نهایت هسته مرکزی تصمیم گیرنده برای مبارزه چریکی به جمع بندی دیگری رسید. «تاریخ ایرانی» در گفت و گو با محمد توسلی، یکی از افرادی که آموزش های چریکی را در قاهره فرا گرفته به واکاوی رخدادهای آن دوره پرداخته است.

در سال ۴۲ طبق چه تصمیمی برای اعزام نیرو به مصر جهت فراگیری آموزش های چریکی اقدام شد؟

مذاکره با مقامات مصری به دنبال فعالیت های فرهنگی، اجتماعی و سیاسی پس از سال ۴۱ در خارج از کشور انجام شد. وقتی در سال ۴۰ نهضت آزادی ایران تشکیل شد، مرحوم دکتر شریعتی، مرحوم دکتر چمران، مرحوم قطب زاده و دکتر ابراهیم یزدی همه خارج از کشور بودند. در سال ۴۱ به توصیه دکتر شریعتی جلسه ای برگزار شد و نهضت آزادی ایران در خارج از کشور را تاسیس می کنند. با توجه به شرایطی که در خارج از کشور حاکم بوده، تصمیم می گیرند نهضت رسماً اعلام موجودیت نکند، بلکه در پوشش فعالیت های دانشجویی بوده و در کنار آن انجمن های اسلامی دانشجویان در آمریکا و اروپا را پایه گذاری کرده و در کنار فعالیت های جبهه ملی این اقدامات گسترش پیدا کند.

بعد از ۱۵ خرداد و سرکوب شدیدی که شاه انجام داد و زندانی شدن سران جبهه ملی و نهضت آزادی و دادگاه نظامی که در ایران برای محاکمه رهبران و فعالان نهضت برگزار و منجر به صدور زندان های طویل المدت شد، جمع بندی همه فعالان سیاسی در داخل و خارج کشور به طور مشخص این بود که دوران مبارزه قانونی و مسالمت آمیز بسر آمده است. دلیل اینکه فعالان سیاسی به این نتیجه رسیدند گفتمان جهانی بود. در این دوران انقلاب روسیه و کوبا شکل گرفته،

^۱ گفتگوی محمد توسلی با خبرنگار «تاریخ ایرانی» اعظم ویسمه - ۱۳۸۹/۱۲/۸

نهضتی در الجزایر بود، در چین و کشورهای آفریقایی و آمریکای لاتین، تحولاتی رخ داده بود. طبیعتاً فعالان سیاسی ایران هم در آن دوران متأثر از گفتمان انقلابی آن روز جهان بودند.

این ایده اولین بار از سوی چه کسانی مطرح شد؟

سوابق نشان می‌دهد اولین گروهی که به این فکر افتادند دوستان نهضت آزادی ایران در خارج از کشور بودند. این دوستان احساس مسولیت کردند که فعالان و رهبران نهضت در زندان هستند، پس باید فکری کنند. طبیعتاً در چارچوب همین گفتمان قالب در آن شرایط تحلیل کردند و به این جمع بندی رسیدند که باید با کشورهایی که مدافع این گفتمان هستند ارتباط برقرار کنند و از آنها کمک بگیرند. در این زمینه دو کار انجام شد، ابتدا زمینه‌سازی برای پی‌ریزی فرهنگ انقلابی که با همین هدف نشریه‌ای در آمریکا با نام "اندیشه جبهه" منتشر می‌شد و دکتر چمران مسوول آن بود. من هم که سال ۴۲ وارد آمریکا شدم، با این نشریه همکاری داشتم. هم ایشان و هم بقیه دوستان تلاش کردند ادبیات انقلابی را به صورت تجربه انقلاب‌های دیگر انعکاس داده و نیز مبانی اعتقادی انقلابی را بخصوص با استفاده از نهج البلاغه پوشش دهند. مرحوم دکتر چمران چندین مقاله با استفاده از نهج البلاغه نوشت. این کارهای فرهنگی بود که در آمریکا شکل گرفت. در بخش دوم به دلیل آنکه دکتر شریعتی در پاریس با سازمان آزادی بخش الجزایر ارتباط تنگاتنگی داشت، ابتدا مذاکرات برای فراگرفتن آموزش‌های چریکی با الجزایر صورت گرفت، اما مشخص شد الجزایر آمادگی این کار را ندارد. سپس با مقامات مصری مذاکره کردند.

از ایران چه کسی پای میز مذاکره بوده است؟

به احتمال زیاد دکتر یزدی و آقای قطب زاده مسوول این کار بوده‌اند. مطمئن نیستم. اما آقای دکتر ابراهیم یزدی محور مذاکرات بودند. وقتی که از مقامات مصری واکنش مثبتی دریافت می‌کنند مذاکرات بعدی در شهر برن سوئیس با سرتیپ صفوتی، سفیر مصر در سوئیس انجام می‌شود. در چارچوب این مذاکرات اولین گروه اعزامی به مصر می‌روند.

اولین گروه چه کسانی بودند و در چه تاریخی به مصر رفتند؟

۵ نفر آقایان دکتر چمران، دکتر ابراهیم یزدی، بهرام راستین، پرویز امین و شریفیان اولین گروهی هستند که در دی ماه ۱۳۴۳ وارد مصر شدند. شریفیان از ایران آمده بود، پرویز امین از پاریس، بهرام راستین از آلمان، دکتر چمران و یزدی هم از آمریکا آمده بودند. برای آنکه بتوانند

راحت به مصر بروند و مشکل نداشته باشند وقتی وارد اروپا شدند، گذرنامه عبور در سفارت مصر در یرن سوئیس برایشان صادر می‌شد، زیرا از گذرنامه ایرانی استفاده نمی‌کردند تا شناخته نشوند. همه اسم‌ها هم مستعار بود.

در مصر با چه کسانی وارد مذاکره شدند؟

اولین جلسه آشنایی این هیات ایرانی که نام سازمان مخصوص اتحاد و عمل (سماع) را برای خود انتخاب کرده بودند در قاهره با آقای کمال‌الدین رفعت، معاون رئیس جمهور مصر در ۱۹ دی ماه ۴۳ انجام شد. بعد از ملاقات اولیه از دوستان ما خواسته شد اصول مرامی و سیاست داخلی و خارجی خود را تنظیم کنند. این اصول تنظیم و به جمال عبدالناصر، رییس جمهور مصر داده شد. بعد از این مذاکرات موافقتنامه همکاری بین سماع و کمال‌الدین رفعت، معاون رئیس جمهور مصر امضا و این پروژه کلید خورد.

چه تعهداتی در قبال هم داشتند؟

تعهداتی نبوده است. در کتاب "تاریخ سیاسی بیست و پنج ساله ایران" به قلم سرهنگ غلامرضا نجاتی چارچوب این اصول آمده است. آنها متعهد می‌شوند که آموزش‌های لازم را در اختیار این افراد قرار دهند، آنها هم وقتی خودشان آموزش دیدند، سازماندهی لازم را انجام دهند تا افراد از ایران به مصر بروند و به آنها هم آموزش بدهند تا به ایران برگردند و پایه یک حرکت انقلابی و مسلحانه در ایران شکل بگیرد. به لحاظ فکری و اعتقادی آنها کاملاً با مرحوم طالقانی و مهندس بازرگان آشنا بودند و مجموعه را به اعتبار بازرگان و طالقانی که شناخت داشتند، مورد اعتماد قرار دادند.

این مجموعه با آیت الله طالقانی و مهندس بازرگان که در آن زمان در زندان بودند هم

ارتباط داشتند؟

بله، به صورت کلی ارتباط وجود داشت. برخی از افراد مانند مرحوم رحیم عطایی که بیرون از زندان بودند و سمت رئیس دفتر سیاسی نهضت آزادی را در آن زمان بر عهده داشتند، با مجموعه حاضر در قاهره در ارتباط بودند. دوستانی که در زندان بودند، می‌دانستند در خارج از کشور اقداماتی در حال انجام است اما جزئیات را نمی‌دانستند.

دوره‌های آموزشی به چه صورت بود؟

دوره آموزشی اول ۸۴ روز طول کشید. در مجموع ۴ دوره تا اواسط سال ۱۳۴۵ طی شد. من

وقتی که در جریان این ایده قرار گرفتم ترم آخر دانشگاه در آمریکا بودم و اظهار شادمانی می‌کردم که با این گروه همراه شوم. دکتر چمران به من توصیه کرد برای حفظ مسائل امنیتی بهتر است فارغ التحصیل شوید و بعد به گروه بپیوندید. در آن ترم آخر من مسوولیت ارتباط خانواده‌های این دوستان بخصوص خانواده دکتر چمران که هیچ اطلاعی از برنامه‌ها نداشتند را با دوستان در مصر برعهده داشتم. وقتی که فارغ التحصیل شدم دیگر منتظر مراسم و تشریفات فارغ التحصیلی نشدم، از همه صرف نظر کردم، حتی مدرک تحصیلی‌ام را نیز بعدها دوستان برای من فرستادند. به اروپا رفتم، از همان کانالی که هماهنگ شده بود ویزا گرفتم و با جمع دیگری که در گروه دوم بودیم به مصر رفتیم.

چه کسانی در گروه دوم و همراه شما به مصر آمدند؟

آقایان ابوالفضل بازرگان، رضا رئیسی، دو فرد دیگر که اسامی‌شان را بخاطر ندارم و من در گروه دوم بودیم. در دوره اول همه آموزش‌ها را کارشناسان مصری به دوستان می‌دادند، اما در دوره دوم برخی از آموزش‌ها را خود دکتر چمران به ما می‌دادند. فقط بخشی از آموزش‌های تخصصی که مربوط به مسائل مواد منفجره و تخریبی بود و یک چریک باید یاد می‌گرفت را برخی کارشناسان و سرهنگ‌های خیره مصری آموزش می‌دادند.

آموزش‌هایی که در مصر داده شد شامل چه مواردی بود؟

بحث آموزش‌های جسمانی و تمرینات رزمی بود. آموزش‌های تئوریک، سازماندهی و آموزش کارهای انفجاری و تخریبی را نیز شامل می‌شد.

در مصر آن دوران چطور سپری شد؟

ما در یک خانه امنیتی زندگی می‌کردیم. مصری‌ها از ۲۰ نفری که در طول ۴ دوره به مصر رفتند، با توجه به شناختی که از عقبه این جریان داشتند، خیلی استقبال می‌کردند. برخوردها گرم بود. در خانه‌های تیمی در منطقه خاص قاهره زندگی ساده‌ای داشتیم. وقتی دوره آموزش ما تمام شد بر اساس برنامه ریزی که انجام شده بود، من ماموریت پیدا کردم در بغداد مستقر شوم. مرحوم پرویز امین در بصره مستقر شد.

یعنی هر یک از افراد آموزش دیده در مناطق مختلف مستقر شدند؟

در واقع همه افراد بطور پوششی در مناطق مختلف حضور داشتند. آقای دکتر چمران مسئول آموزش شدند و در قاهره ماندند. آقای دکتر یزدی با شرایط بسیار سختی که خانواده و بچه‌های

کوچک همراهشان بود، در بیروت مستقر شدند. من در بغداد بودم. پرویز امین در بصره مستقر شد. رضا رئیسی هم به ایران برگشت تا اطلاعات را به ایران منتقل کند. آقای قطب زاده هم در پاریس مستقر بود و کارهای سیاست خارجی مجموعه را در پاریس پیگیری می‌کرد. شش ماهی که من در عراق مستقر بودم با رویدادهای مختلف همراه بود. من وقتی از قاهره برگشتم ابتدا به آلمان رفتم. آیت الله بهشتی که تازه به مرکز اسلامی هامبورگ آلمان رفته بود، من را با آیت الله دکتر محمد صادقی که بدلیل تعقیب رژیم ایران در نجف عراق ساکن شده بود، معرفی کرد. در نجف از طریق شیخ نصراله خلخالی که هم حجره آقای خمینی بود و دفترشان کار تبدیل ارز برای زائران ایرانی را انجام می‌داد با فضای فرهنگی نجف و بغداد آشنا شدم. در دانشگاه اصول الدین بغداد نیز ثبت نام کردم تا پوششی برای فعالیت‌ها باشد. بعد از دو هفته حضور در بغداد مطلع شدیم آیت الله خمینی قرار است از ترکیه به عراق بیایند. وقتی آقای خلخالی به ما گفتند که آقای خمینی می‌آیند، ما اولین گروهی بودیم که استقبال از آقای خمینی در فرودگاه بغداد را سازماندهی کردیم.

دو سند از این دوران موجود است، یکی مربوط به سخنرانی آقای خمینی در اولین جلسه درس ایشان که سیاسی بود و با نظر خود ایشان نهایی شد. من این متن سخنرانی را برای نشریات اروپا و آمریکا فرستادم که چاپ شد. سند دوم این بود که وقتی آقای خمینی در نجف مستقر شدند به آقای دکتر یزدی اطلاع دادم، خوب است دیداری با ایشان داشته باشیم. دکتر چمران و دکتر یزدی به نجف آمدند. دیداری صورت گرفت که مجموعه مذاکرات ما با آقای خمینی، نگاهی که ایشان به ما داشتند و نوع نگاه مجموعه ما به ایشان به خط دکتر چمران در کتاب زندگینامه دکتر چمران به کوشش دکتر یزدی منتشر شده است. تلاش من این بود که در نجف و بغداد و کربلا زمینه‌های اجتماعی را فراهم کنم، اما ساواک هم در این شهرها نفوذ فراوانی داشت. در آنجا هم با بخشی از اسم خودم معرفی شده بودم تا شناخته نشوم.

اسم مستعارتان در مصر چه بود؟

در مکاتبات اسمم وصال بود اما در گذرنامه محمود عقیفی بودم که این اسم را دکتر چمران انتخاب کرده بودند. دکتر ابراهیم یزدی با اسم کمال و دکتر چمران با اسم مستعار جمال بودند.

شما آموزش‌های چریکی دیده بودید، چه برنامه‌ای برای شما تعیین شده بود؟

برنامه کلی این بود که اول ما خودمان آموزش اطلاعات و ضد اطلاعات ببینیم تا بتوانیم

اسرار را حفظ و سازماندهی کنیم. قرار بود ما از ایران افراد علاقه‌مند را جذب کنیم و از طریق این کریدور اعزام آنها را به مصر فراهم کنیم. با سفارت مصر در بغداد هم هماهنگ کرده بودیم تا به بغداد بیایند، گذرنامه بگیرند و به مصر برای آموزش‌ها بروند، اما مسائلی پیش آمد که این پروژه متوقف شد.

چه مسائلی پیش آمد؟

علاقمند شوق و علاقه فراوانی که برای این کار بود و هزینه‌های زیادی که افراد پرداخت کردند مثلاً دکتر چمران که از شاگردان ممتاز دانشکده فنی دانشگاه تهران بود و معروف است که ایشان از مهندس بازرگان نمره ۲۲ گرفت و در آمریکا هم از دانشجویان برجسته بود، در آن زمان که این پروژه کلید خورد، در شرکت بل امریکا مسول طراحی قمرهای مصنوعی بود. چنین شرایطی را با توجه به جایگاه علمی و اجتماعی که داشتند همه را رها کردند و جذب این پروژه شدند. آقای دکتر یزدی فرزندانشان کوچک بودند. خانواده‌شان در قاهره شرایط سختی را تحمل می‌کردند. بعد هم که به بیروت رفتند، زندگی سختی داشتند. سرمایه‌گذاری انسانی و معنوی سنگینی برای این پروژه صورت گرفته بود، اما به چند دلیل این پروژه متوقف شد. بتدریج مقامات مصری انتظاراتی از دوستان ما داشتند که برآورده کردن این انتظارات سنگین بود و مورد قبول واقع نشد.

چه انتظاراتی داشتند؟

اولین انتظاراتشان این بود که دوستان ما در تبلیغات ضد رژیم ایران از طریق رادیو صوت العرب مشارکت کنند. این موضوع اگر کلی بود، ایراد نداشت اما آنها انتظار داشتند سیاست آنها توسط دوستان ما دنبال شود. از جمله بحث خلیج فارس که آنها خلیج عربی می‌گفتند و بر آن تاکید داشتند. بحث خوزستان و عربستان را مطرح می‌کردند. این اقدامات در راستای منافع ملی و تمامیت ارضی ایران نبود، بنابراین دوستان ما نمی‌توانستند زیر بار این تعهدها بروند. مساله دیگر این بود که از ما می‌خواستند با گروه دیگری که خسرو قشقایی به مصر برای آموزش آورده بود، همکاری کنیم. حال آنکه آنها به لحاظ سیاسی و امنیتی قابل اعتماد نبودند و موجب می‌شد مجموعه لو برود. دلیل سوم هم این بود که ما در بررسی مسائل و مشکلاتی که وجود داشت به این جمع بندی رسیدیم که هیچ حرکت اجتماعی نباید از خارج کشور شکل بگیرد، هر حرکتی باید در داخل کشور شکل بگیرد. کسانی که در خارج کشور هستند، باید پیام‌آور و حمایت کننده آنها باشند. ما نه تنها این جمع بندی را داشتیم، بلکه در طول سال‌هایی که در خارج از کشور بودیم،

به این نتیجه رسیدیم که اگر کسانی بخواهند از خارج کشور کاری انجام دهند فقط می‌توانند همین نقش را داشته باشند و این موضوع می‌تواند متأسفانه ضایعه بزرگی را برای جنبش درون کشور ایجاد کند. به همین سه دلیل اصلی مجموعه تصمیم به توقف پروژه گرفت.

بنابراین من بعد از ۶ ماه که در عراق بودم از طریق بیروت و لبنان به ترکیه و بعد هم آلمان برای ادامه تحصیل برگشتم. کار فرهنگی و کمک به پایه گذاری گروه فارسی زبان اتحادیه انجمن‌های اسلامی دانشجویان در اروپا صورت گرفت. در سال ۴۶ برای تهیه تز دکترا به ایران برگشتم که دیگر تا سال ۱۳۵۷ ممنوع‌الخروج شدم.

اطلاعات سازمان سماع و اقدامات صورت گرفته در ایران توسط ساواک لو رفت؟

خیر. ما هیچ کجا ندیدیم اطلاعاتی از این پروژه بدست آورده باشند. حتی سال ۵۰ هم که من در ارتباط کمک به مجاهدین خلق همراه مهندس سحابی و آقای هاشمی بازداشت شدم، هیچ وقت در بازجویی‌ها مساله‌ای در این خصوص مطرح نکردند. سازمان بشدت حفاظت شده بود. اما آقای قطب زاده و دکتر یزدی به دلیل رفت و آمدهای زیادی که به خارج و لبنان و عراق داشتند در آن زمینه به آنها حساس بودند. ولی نسبت به بقیه دوستان مجموعه توانسته بودند خود را حفاظت کنند و اطلاعات درز پیدا نکنند.

بعد از اینکه برای توقف فعالیت گروه سماع به جمع بندی رسیدید، از آن آموزش‌ها استفاده

نشد؟ در جای دیگر کارایی نداشت؟

مجموعه این اطلاعات را آقای رضا رئیسی به ایران آورد. ما نمی‌دانستیم که در آن زمان سازمان مجاهدین در حال شکل‌گیری بود. آنها هم از سال ۴۴ شروع کرده بودند، آقای رضا رئیسی هم با آنها پیوند خورد. اطلاعات و تمام آموزش‌هایی را که دیده و با خود به ایران آورده بود در اختیار این جریان قرار داد. اگر استفاده‌ای شد، آنها استفاده کردند. وقتی دکتر چمران در لبنان بودند، بچه‌های مجاهدین خلق هم در اردوگاه‌های فلسطینی‌ها در لبنان آموزش می‌دیدند. شاید آنجا ارتباطاتی هم داشتند.

دکتر چمران بعد از آن در لبنان ماندند؟

در سال ۴۹ امام موسی صدر به ایران آمدند. جلسه‌ای با مهندس بازرگان داشتند. عنوان می‌کنند که ما می‌خواهیم در لبنان مدرسه صنعتی دایر کنیم، چه کسی می‌تواند این کار را انجام دهد. مهندس بازرگان که خیلی به دکتر چمران نظر مثبت داشتند، ایشان را معرفی می‌کنند. به

دکتر چمران پیشنهاد می‌شود، ایشان هم می‌پذیرند و مجدداً به لبنان بر می‌گردند. دو کار مهمی که دکتر چمران در لبنان انجام دادند پایه‌گذاری سازمان امل (سازمان چریکی شیعیان) بود. مدرسه صنعتی هم در جنوب لبنان پایه‌گذاری می‌کنند که جوانان محروم جنوب لبنان را در آنجا به لحاظ فرهنگی، صنعتی و شخصیتی آموزش می‌دهند. امروز هر کس در لبنان هست می‌داند که دکتر چمران و امام موسی صدر نقش مهمی در تقویت نهادهای مدنی لبنان داشته‌اند.

سال ۵۷ در سفری به لبنان رفتم و دکتر چمران را دیدم، مشاهد کردم در شرایطی که اسرائیل از تپه‌ها به جنوب لبنان اشراف داشت و همه آن منطقه را ترک کرده بودند، دکتر چمران و شاگردانش در آنجا باقی مانده بودند.

تعامل روشنفکران دینی با روحانیون (پیوند ثمر بخش)^۱

سالگرد شهادت آیت‌الله مرتضی مطهری فرصت مناسبی است تا ضمن یادآوری سوابق و خدمات آن مرحوم، تعامل روشنفکران دینی به طور خاص با آن مرحوم و به طور عام با روحانیون نو اندیش دست کم در هفت دهه اخیر مورد بررسی قرار گیرد.

استاد مرتضی مطهری از جمله روحانیونی است که از همان آغاز تلاش‌های فرهنگی - اجتماعی خود در سالهای آغازین دهه سی با روشنفکران دینی به طور مشخص با مهندس مهدی بازرگان و دکتر یداله سبحانی و یاران و همفکران آنان در عرصه‌های فرهنگی - اجتماعی ارتباط و همکاری تنگاتنگی داشت و این همکاری نزدیک تا آخرین ساعات حیات پربار و تاثیرگذارشان یعنی روز ۱۲ اردیبهشت سال ۱۳۵۸ که به شهادت رسید ادامه پیدا کرد.

استاد شهید مطهری در طول حدود سه دهه از دوران تلاش‌های فرهنگی - اجتماعی خود در جلسات انجمن اسلامی دانشجویان، انجمن اسلامی مهندسين و سپس انجمن اسلامی پزشکان شرکت می‌کرد و ضمن ارائه سخنرانی با نسل جوان و مسلمان ارتباط و تعامل داشت.

مجموعه آثار منتشر شده آن مرحوم عموماً متن تدوین شده سخنرانی‌های آن مرحوم در جلسات انجمن اسلامی مهندسين و پس از متوقف شدن فعالیت و تشکیل جلسات آن انجمن توسط ساواک در سال ۱۳۵۳ در جلسات انجمن اسلامی پزشکان تداوم پیدا کرد. موضوع سخنرانی‌ها به طور کلی پاسخ به سئوالاتی است که در این جلسات مطرح می‌شد و یا در سطح جامعه مطرح بود. «خدمات متقابل ایران با اسلام» که در جلسات انجمن اسلامی مهندسين و «مسئله حجاب» که در انجمن اسلامی پزشکان ارائه شد، نمونه‌ای از ده‌ها اثر چاپ شده این گونه سخنرانی‌هاست.

همکاری با «متاع»

زنده یاد مهندس بازرگان در نیمه اول سال ۱۳۳۴ با توجه به تجربه دوران زندان، (دوره فعالیت نهضت مقاومت ملی پس از کودتای ۲۸ مرداد ۳۲)، به این جمع‌بندی رسیده بود که تا رسیدن به تفاهم و همکاری در امور سیاسی و حزبی راه درازی در پیش است. نخستین گام برای ورود به مرحله دموکراسی و فعالیت‌های جدی سیاسی - اجتماعی بایستی مسیرهای لازم برای

^۱ یادداشت مهندس محمد توسلی - ماهنامه علوم انسانی مهرنامه، شماره ۱۱ اردیبهشت ۱۳۹۰

تمرین کار جمعی فراهم شود.

سخنرانی «احتیاج روز» مهندس بازرگان که در سال ۱۳۳۶ در جشن عید فطر انجمن اسلامی دانشجویان در سالن دانشکده کشاورزی دانشگاه تهران در کرج ارائه شد. این ضرورت را به طور مبسوط مطرح کرد که «احتیاج روز» امروز جامعه ما پس از نیم قرن هنوز نیز هست. برای این منظور مهندس بازرگان جمعیتی به نام «متاع» تشکیل داد که مخفف «مکتب تربیتی اجتماعی عملی» است. مرحوم مطهری از جمله افرادی است که توسط مهندس بازرگان برای همکاری به این جمع دعوت شد. «متاع» بر پایه اصول ده گانه و اساسنامه‌ای شکل گرفت که پس از شهادت استاد مطهری در سطح عموم معرفی شد.

بسیاری از نهادهای مدنی (نظیر انجمن‌های اسلامی مهندسين، پزشکان، معلمان و بانوان) و نهادهای فرهنگی مانند شرکت سهامی انتشار، دانشسرای تعلیمات دینی با امتیاز دکتر یداله سحابی، دبیرستان کمال نارمک (مدیریت دکتر یداله سحابی) و ... که در سالهای بعد تأسیس شد از جمله اقدامات «متاع» است. مرحوم مطهری خود از پایه‌گذاران انجمن اسلامی معلمان در سال ۱۳۳۸ هست و نام آن مرحوم در کنار ۱۵ مؤسس این انجمن «مهندس بازرگان، غلامعباس توسلی، یداله سحابی، سید محمود طالقانی و ...» قرار دارد.

گزارش فعالیت‌های متاع و تفصیل تعامل روشنفکران دینی با مرحوم مطهری نیاز به شرح و بسط طولانی دارد که در اسناد تاریخی متعدد منتشر شده است. آنچه لازم است در اینجا مورد تأکید قرار گیرد تفاوت نسبی اندیشه، مواضع و خدمات فرهنگی - اجتماعی روحانیونی چون استاد مطهری که با روشنفکران دینی تعامل داشته‌اند با روحانیون سنتی حوزوی است.

آیت‌اله سید محمود طالقانی نمونه دیگری از روحانیونی است که با زمینه‌های قبلی از آغاز دهه بیست همراه مهندس بازرگان و دکتر یداله سحابی تلاشهای فرهنگی، اجتماعی و حتی سیاسی خود را سامان بخشیده است و در تحولات چند دهه اخیر کشور به سهم خود تاثیر گذار بوده‌اند. آیت‌الله مطهری سرانجام در ۱۲ اردیبهشت سال ۵۸ پس از خروج از جلسه «متاع» که در منزل آقای مهندس عزت‌اله سحابی تشکیل شده بود بدست گروه فرقان شهید شد و هزینه سنگینی بر جامعه ما در ماه‌های آغازین پس از پیروزی انقلاب تحمیل کرد.

مدیریت انقلاب

استاد مرتضی مطهری در مدیریت انقلاب نقش برجسته‌ای داشت. از طرفی ایشان مورد

وثوق و اعتماد رهبر فقید انقلاب بود و از سوی دیگر با روشنفکران دینی نیز چند دهه همکاری نزدیک داشت. اسناد تاریخی مذاکرات پاریس در سال ۵۷ و سازمان‌دهی مدیریت انقلاب، نقش استاد مطهری را به طور برجسته نشان می‌دهد. تاسیس شورای انقلاب به دستور آیت‌الله خمینی توسط آیت‌الله مطهری در ایران صورت گرفت. اعضای غیر روحانی شورای انقلاب عموماً از روشنفکران دینی هستند که با توصیه مرحوم مطهری انتخاب شدند. انشاء اولیه حکم ابلاغ نخست‌وزیری مهندس بازرگان توسط استاد مطهری انجام شد و سپس توسط سایر اعضای شورای انقلاب تکمیل و نهایی گردید.

مجموعه سخنرانی‌ها و یادداشت‌های استاد شهید مطهری در آستانه انقلاب و در دوران بسیار کوتاه پس از پیروزی انقلاب تا شهادت که در مجموعه «پیرامون انقلاب اسلامی» منعکس شده است اندیشه و مواضع آن مرحوم در شرایط انقلاب ۵۷ را نشان می‌دهد. این مواضع گویای این واقعیت است که استاد مطهری با دو بال روشنفکری دینی و تاثیرات حوزوی خود عمل کرده است.

در کتاب نهضت‌های اسلامی صد ساله که متن تدوین شده سخنرانی انجام نشده برنامه عصر ۱۴ شعبان (۲۹ تیرماه سال ۱۳۵۷) است که قرار بود در زمین واقع در تقاطع خیابان ولیعصر - طالقانی برگزار شود و ساواک از برگزاری آن جلوگیری کرد. استاد مطهری در مواضع خود در این دوره هم بر آزادی اندیشه و تفکر و حاکمیت ملت تصریح دارد و هم بر ضرورت رهبری آیت‌الله خمینی تاکید می‌ورزد.

برای یادآوری برخی از محورهای این کتاب که مرتبط با موضوع بحث است را عیناً نقل می‌کنم:

«نهضت کنونی ایران به صنف و طبقه خاصی از مردم ایران اختصاص ندارد. نه کارگری است، نه کشاورزی، نه دانشجویی، نه فرهنگی و نه بورژوازی. در این نهضت غنی و فقیر، مرد و زن، شهری و روستایی، طلبه و دانشجو، پيله‌ور و صنعتگر، کاسب و کشاورز، روحانی و آموزگار، با سواد و بی سواد یکسان شرکت دارند.» (صفحه ۶۲)

اخبار، مشاهدات و فیلم‌های مستند راهپیمایی‌های سال ۵۷ به ویژه در تاسوعا و عاشورای سال ۵۷ به وضوح نشان می‌دهند که عموماً طبقات متوسط شهری که از آگاهی بالاتری برخوردارند در انقلاب نقش اصلی داشتند. مدیریت انقلاب نیز بیشتر در اختیار روشنفکران دینی و روحانیون

مبارز است که هر يك بسپج بخشی از جامعه را بر عهده دارند.

استاد شهید مطهری در این سخنرانی از يك سو نقش روشنفکران دینی را بدون نام بردن تلویحاً مطرح می‌کند: «در طول سی و اند سال گذشته یعنی از شهریور ۲۰ تاکنون، محققین و گویندگان و نویسندگان اسلامی توفیق یافتند که تا حدودی چهر زیبا و جذاب اسلامی واقعی را به نسل معاصر بنمایانند» و از سوی دیگر نقش مراجع آگاه و شجاع و مبارز را با ذکر نام آنان برجسته می‌کند.

«مراجع عظام و بزرگوار قم حضرت آیت‌الله عظمی شریعتمداری، آیت‌الله عظمی گلپایگانی و آیت‌الله عظمی مرعشی نجفی دامت برکاتهم که در راه اعلاء کلمه حق گامهای مفید و موثر برداشته و مایه فخر و مباهات اسلام و مسلمین شده‌اند برای همیشه در تاریخ این مملکت نام نیکشان به یادگار خواهد ماند.»

استاد مطهری در ادامه این بحث به رهبری آیت‌الله خمینی تاکید می‌ورزد و با توصیف ویژگی‌های خاص حضرت آیت‌الله عظمی خمینی ارادت ویژه خود را نسبت به ایشان نشان می‌دهند: «قلم بی‌تابی می‌کند که پاس دوازده سال فیض‌گیری از محضر آن استاد بزرگوار را به شکرانه بهره‌های روحی و معنوی که از برکت نزدیک بودن به آن منبع فضیلت و مکرمت کسب کرده‌ام اندکی از بسیار را بازگو کنم» در ادامه بحث برای پاسداشت خدمات سایرین مجدداً اضافه می‌کند: «بدیهی است که در این نهضت اسلامی، شخصیت‌های روحانی و غیر روحانی که شرکت داشته و یا دارند و هر کدام سهمی دارند فراوانند. برخی شخصیت‌ها یا گروه‌ها از سال‌ها پیش از آغاز نهضت (روحانیت) فعالیت‌های ثمر بخش اسلامی فکری یا عملی داشته‌اند که در آماده سازی اندیشه امروز برای شرکت در يك نهضت عظیم اسلامی نقشه موثر و قاطع داشته است. برخی دیگر با فداکاری‌ها، جانفشانیها، تحمل زندان‌ها و تبعیدها به این نهضت قاطعیت و قدرت و ارزش بیشتر بخشیده‌اند....» (صفحه ۸۸).

در بخش آفات نهضت به مواردی می‌پردازد که نقل برخی از آنها در اینجا خالی از لطف نیست:

«من به عنوان يك فرد مسئول به مسئولیت الهی به رهبران عظیم‌الشان نهضت اسلامی هشدار می‌دهم..... که نفوذ و نشر اندیشه‌های بیگانه به نام اندیشه اسلامی و یا مارک اسلامی خطری است که کیان اسلام را تهدید می‌کند. راه مبارزه این خطر تحریم و منع نیست؛ مگر

می‌شود تشنگانی را که برای جرعه‌ای از آب له له می‌زنند از نوشیدن آب موجود به عذر این که آلوده است منع کرد... راه مبارزه عرضه داشتن صحیح این مکتب در هم زمینه‌ها با زبان روز است... ما باید کارهای علمی و فکری خود را ده برابر کنیم، باید بدانید که اشتغال منحصر به فقه و اصول رسمی جوابگوی مشکلات نسل معاصر نیست». (صفحه ۹۲)

همچنین در بخش رخنه فرصت طلبان بر یک واقعیت تلخ دیگر تاکید دارد: «رخنه و نفوذ افراد فرصت طلب در درون یک نهضت از آفت‌های بزرگ هر نهضت است. وظیفه بزرگ رهبران اصلی این است که راه نفوذ و رخنه اینگونه افراد را سد نمایند. هر نهضت مادام که مراحل دشوار اولیه را طی می‌کند سنگینش بر دوش افراد مومن، مخلص و فداکار است. اما همین که به «بار» نشست و یا لااقل نشانه‌های «بار دادن» آشکار گشت و شکوفه‌های درخت هویدا شد، سر و کله افراد فرصت طلب پیدا می‌شود... روز به روز که از دشواری‌ها کاسته می‌شود و موعد چیدن ثمر نزدیک‌تر می‌گردد، فرصت طلبان محکمتر و پرشورتر پای علم نهضت سینه می‌زنند تا آنجا که تدریجاً انقلابیون مومن و فداکاران اولیه را از میدان به در می‌کنند. این جریان تا آنجا کلیت پیدا کرده که می‌گویند: «انقلاب فرزند خور است» گویی خاصیت انقلاب این است که همین که به نتیجه رسید فرزندان خود را یک یک نابود سازد. ولی انقلاب فرزند خور نیست، غفلت از نفوذ و رخنه فرصت طلبان است که فاجعه به بار می‌آورد.» (صفحه ۹۷)

تعامل درمقاطع تاریخی

تعامل روشنفکران دینی با روحانیون در مقاطع مختلف تاریخی ظهور و بروز داشته است. پس از درگذشت آیت‌الله بروجردی رحمت‌الله علیه مرجع تقلید و رئیس حوزه علمیه قم در سال ۱۳۴۰ اعضای انجمن اسلامی دانشجویان به مناسبت چهلمین روز در گذشت، هماهنگ با شهید دکتر بهشتی به قم سفر کردند و پس از دیدار در مدرسه دین و دانش قم که توسط دکتر بهشتی تأسیس شده بود، به طرف مسجد اعظم قم راهپیمایی انجام شد و طلاب و فضلالی قم به استقبال آنان آمدند و سپس پیام انجمن اسلامی دانشجویان توسط آقای مهندس هاشم صباغیان در مسجد اعظم قم خوانده شد. این سفر و پیام دانشجویان مسلمان دانشگاه تهران به طلاب و روحانیون قم توجه ناظران را به خود جلب کرد و زمینه ساز تعامل‌های بعدی گردید. پس از فوت آیت‌الله بروجردی این سؤال برای عموم مردم ایران به ویژه نسل جوان مطرح

شد که جانشین آیت‌الله بروجردی چه کسی است و چگونه انتخاب می‌شود؟ جایگاه مسئله تقلید در معارف قرآنی و اسلامی کجاست؟ مگر قرآن خطاب به مسلمانان نهیب نمی‌زند که «ولا تقف ما لیس لك به علم» (از آنچه بدان علم و آگاهی نداری پیروی مکن) پس چرا باید از مراجع، تقلید کرد و محدوده تقلید کجاست؟ مهندس بازرگان، دکتر سحابی و آیت‌الله طالقانی که از دو دهه قبل با تلاش‌های فرهنگی و اجتماعی خودشان مردم به ویژه نسل جوان و تحصیل کرده را با معارف اصیل اسلامی با زبان روز آشنا کرده بودند و مردم تشنه پاسخ به سئوالات خود در این زمینه بودند برای انجام رسالت روشنفکری و آگاهی بخشی خود از جمعی از عالمان دینی که از قبل ارتباط فکری داشتند با حضور نمایندگان انجمن‌های اسلامی دعوت کردند. علامه طباطبایی، سید ابوالفضل موسوی زنجانی، مرتضی مطهری، سید محمد بهشتی، سید محمود طالقانی و مهندس بازرگان از جمله شرکت کنندگان این جلسات بودند محصول مذاکرات و بررسی‌های این جلسات مقالات پژوهشی است که در کتابی با عنوان «بحثی درباره مرجعیت و روحانیت» چاپ شد و در سال ۱۳۴۱ کتاب برگزیده سال گردید.

اگر چه در بدو امر این کتاب با واکنش برخی از روحانیون سنتی حوزه‌ها مواجه شد اما به زودی این اثر مورد توجه و استفاده عموم روحانیون حوزه‌های علمیه قرار گرفت و بر اندیشه و تفکر بسیاری از آنان تاثیر گذاشت.

نمایه

۲۹۵، ۳۲۱، ۳۳۱، ۳۹۴، ۳۹۷	آرمین، محسن، ۱۴۰
۴۰۴، ۴۳۴، ۴۴۰، ۴۵۳، ۴۵۸	احمدی نژاد، محمود، ۴۶، ۱۶۹، ۲۰۲، ۲۰۹
۴۶۸	۳۴۲، ۳۴۹، ۳۵۱، ۳۵۵، ۳۵۷
بختیار، شاپور، ۲۶۲، ۴۳۴	۳۶۱، ۳۶۳، ۳۷۸
بنی صدر، ابوالحسن، ۲۳، ۱۱۸، ۴۵۳	اردلان، علی، ۳۳۱
بهشتی، محمد، ۱۷۲، ۳۶۷، ۳۹۴، ۴۰۸	اکرمی، کاظم، ۱۳۵
۴۱۹، ۴۳۴، ۴۴۰، ۴۶۰، ۴۶۸	الویری، مرتضی، ۲۲۲
پهلوی، محمدرضا، ۳۰۸	امامی، سعید، ۲۴۸
پیمان، حبیب الله، ۱۹۹	امیرانتظام، عباس، ۳۹۴، ۴۴۰
تاجزاده، مصطفی، ۳۴۲	بازرگان، ابوالفضل، ۴۶۰
جعفری، محمدمهدی، ۷۷، ۱۳۵	بازرگان، عبدالعلی، ۷۷
جنتی، احمد، ۲۲۲	بازرگان، مهدی، ۲، ۲۳، ۳۱، ۵۴، ۶۸، ۷۷
چمران، مصطفی، ۲۳، ۳۱، ۴۰۸، ۴۳۴، ۴۶۰	۱۱۸، ۱۳۵، ۱۵۴، ۱۷۹، ۱۸۴
حبیبی، حسن، ۱۱۸	۲۳۵، ۲۴۴، ۲۵۵، ۲۶۲، ۲۸۷

شریعتی، علی، ۳۱، ۴۴، ۲۴۴، ۲۶۲، ۴۰۸، ۴۳۴، ۴۶۰	حق شناس، تراب، ۱۳۵ خاتمی، احمد، ۴۲۲
شریعتی، محمدتقی، ۷۷، ۲۶۲ شیبانی، عباس، ۶۸، ۱۸۹ صادقی، محمد، ۴۶۰ صالح، الهیار، ۲۶۲ صباغیان، هاشم، ۲۳، ۴۶۸	خاتمی، محمد، ۵، ۴۶، ۱۱۸، ۱۴۰، ۱۴۹، ۱۷۹، ۱۹۷، ۱۹۹، ۲۰۹، ۲۱۴، ۲۱۸، ۲۲۲، ۲۴۰، ۲۴۲، ۲۵۱، ۲۵۳، ۲۸۱، ۲۹۰، ۳۰۴، ۳۰۶، ۳۱۴، ۳۲۰، ۳۴۲، ۳۷۸، ۴۴۰
صدر حاج سیدجواد، احمد، ۲۶۲، ۴۴۰ صدر، موسی، ۴۶۰ طالقانی، اعظم، ۴۶، ۲۱۶ طالقانی، محمود، ۲۳، ۷۷، ۱۳۵، ۱۵۴، ۲۱۶، ۲۵۵، ۲۶۲، ۳۲۱، ۴۱۹، ۴۲۸، ۴۳۰ طباطبایی، شهاب‌الدین، ۳۱۶ طباطبایی، صادق، ۳۹۴ فاطمی، حسین، ۱۴۷ قطب‌زاده، صادق، ۵۴، ۴۰۸، ۴۶۰ کاشانی، ابوالقاسم، ۱۴۷	خامنه‌ای، علی، ۱۱۸ خمینی، روح‌الله، ۵۴، ۱۰۸، ۱۷۹، ۲۶۲، ۲۸۷، ۴۵۳، ۴۶۰، ۴۶۸ رئسی، رضا، ۴۶۰ رجایی، علیرضا، ۶۵، ۱۱۸ رجایی، محمدعلی، ۱۸۹، ۲۱۶، ۳۶۷ رحیم مشایی، اسفندیار، ۴۲۲ رضایی، محسن، ۳۶۳ روحانی، حسن، ۱۹۹ زنجان، ابوالفضل، ۴۰۸، ۴۶۸ زنجان، رضا، ۶۸
کروبی، مهدی، ۴۱، ۱۲۹، ۱۹۹، ۲۸۱، ۲۹۰، ۳۱۶، ۳۳۱، ۳۳۷، ۳۴۲، ۳۶۳، ۳۷۸ لاهوئی، حسن، ۱۷۵، ۴۳۴ مصدق، محمد، ۲۳، ۶۸، ۱۴۷، ۲۳۵، ۲۹۵، ۳۲۱، ۴۳۰، ۴۴۰ مطهری، مرتضی، ۵، ۱۳۵، ۴۰۸، ۴۱۹، ۴۶۸ معین، مصطفی، ۴۶، ۱۱۸	عزت‌الله، ۲۳، ۴۶، ۵۴، ۱۱۸، ۱۸۹، ۴۰۸، ۴۶۰، ۴۶۸ سحابی، یدالله، ۵، ۲۳، ۷۷، ۱۵۴، ۱۶۲، ۲۶۲، ۳۳۱، ۳۹۴، ۴۴۰ سنجایی، کریم، ۴۳۴ شیرینی‌نژاد، علی‌اکبر، ۴۲۴ شیرینی‌نژاد، محمدرضا، ۴۲۴ شریعتمداری، کاظم، ۴۶۸

مفتح، محمد، ۲۶۲

مهدوی کنی، محمدرضا، ۱۷۵، ۳۶۷

موسوی اردبیلی، عبدالکریم، ۳۹۴، ۴۴۰

موسوی، میرحسین، ۱۷۲، ۲۴۲، ۲۸۱، ۲۹۰،

۳۱۴، ۳۱۶، ۳۲۰، ۳۳۷، ۳۴۲،

۳۶۱، ۳۶۳، ۳۶۷، ۳۷۵، ۳۷۸،

۳۸۹

میثمی، لطف‌الله، ۳۶۷

نبوی، بهزاد، ۴۱، ۳۶۷

نوری، عبدالله، ۲۱۴، ۲۲۲، ۲۸۰،

هاشمی رفسنجانی، اکبر، ۴۶، ۵۴، ۱۱۸،

۲۰۹، ۲۴۸، ۳۴۲، ۳۵۱، ۳۵۷،

هرمیداس باوند، داود، ۱۹۹

یزدی، ابراهیم، ۲۳، ۳۱، ۴۶، ۱۱۸، ۱۵۱،

۱۷۵، ۳۳۱، ۳۵۷، ۴۰۸، ۴۳۴،

یزدی، محمد، ۲۴۸

یوسفی اشکوری، حسن، ۳۹۷

Vol. 3

**Collection of articles by Mohammad
Tavassoli**

Political, cultural and social issues

Sec. 2

From 2007 to 2011